



## دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر پیمان جبلی

جانشین مدیر مسئول: دکتر احمد کاظمی

سر دبیر: دکتر محمدقلی میناوند

مدیر داخلی: محمود ترابی اقدم

ویراستار فارسی: بهنام خسروی

ویراستار انگلیسی: دکتر رحمت حاجی مینه

صفحه آراء: سید محمد امین موسوی

هماهنگی توزیع: سهیلا نعمتی

ناشر: پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قشقایی

به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات، پروانه انتشار دوفصلنامه «پژوهشنامه رسانه بین الملل» با شماره ثبت

۸۱۹۰۹ در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۷ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردیده است.

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از مسجد بلال، ساختمان اداری صداوسیما، طبقه پنجم

واحد پژوهش‌های کاربردی برون مرزی

کد پستی: ۱۹۹۹۷۱۳۱۱۳ تلفن: ۲۳۱۶۷۱۵۳

نشانی پایگاه اینترنتی نشریه پژوهشنامه رسانه بین الملل: <http://imrl.arc.irib.ir>

نشانی پایگاه اینترنتی پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما: <http://arc.irib.ir>

## دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

### اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

|                                 |                                                               |
|---------------------------------|---------------------------------------------------------------|
| دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی        | دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (روابط بین الملل)                  |
| دکتر توکل حبیب زاده             | دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) (حقوق بین الملل)                |
| دکتر حسن خجسته باقرزاده         | دانشیار دانشگاه صداوسیما (مدیریت استراتژیک و رادیو)           |
| دکتر علی رجب زاده طهماسبی       | دانشیار دانشگاه صداوسیما (پژوهش هنر و برنامه های تلویزیونی)   |
| دکتر مجتبی رضوی طوسی            | دانشیار دانشگاه صداوسیما (معارف اسلامی و تبلیغات)             |
| دکتر محمدحسین رمضانی قوام آبادی | دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (حقوق بین الملل)                   |
| دکتر سیاوش صلواتیان             | استادیار دانشگاه صداوسیما (مدیریت رسانه)                      |
| دکتر حاکم قاسمی                 | دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین (علوم سیاسی) |
| دکتر سیدمحمد مرندي              | استاد دانشگاه تهران (مطالعات امریکای شمالی و ادبیات انگلیسی)  |
| دکتر داوود نعمتی انارکی         | دانشیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)                           |

## دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

### اعضای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

|                                |                                                       |
|--------------------------------|-------------------------------------------------------|
| دکتر ابوذر ابراهیمی ترکمان     | دکترای حقوق، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی      |
| دکتر حسین احمدی                | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی                          |
| دکتر هادی آجیلی                | استادیار دانشگاه علامه طباطبایی (روابط بین الملل)     |
| حسن بهشتی پور                  | کارشناس ارشد مسائل استراتژیک                          |
| دکتر محمدباقر خرمشاد           | استاد دانشگاه علامه طباطبایی (علوم سیاسی)             |
| دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی | استاد دانشگاه علامه طباطبایی (روابط بین الملل)        |
| دکتر جعفر عبدالملکی            | دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی                             |
| دکتر حمیدرضا عزیزی             | استادیار پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی |
| سهراب قربانی حصار              | کارشناس ارشد مسائل اقتصاد انرژی                       |
| دکتر محمدفرهاد کلینی           | کارشناس ارشد مسائل استراتژیک                          |
| دکتر ابراهیم متقی              | استاد دانشگاه تهران (روابط بین الملل)                 |
| دکتر رضا موسی‌زاده             | دانشیار دانشکده روابط بین الملل (حقوق بین الملل)      |

## راهنمای نگارش مقاله

**(۱) عنوان و موضوع مقاله:** باید مرتبط با حداقل یکی از حوزه‌های ارتباطات بین الملل، روابط بین الملل و حقوق بین الملل باشد. توجه به رویکرد رسانه‌ای (دیپلماسی عمومی) و صبغه برون مرزی داشتن دو مؤلفه کانونی مقاله باشد و در نگارش تمام بخش‌های آن نمود داشته باشد.

**(۲) حجم مقاله:** با احتساب تمامی اجزاء آن حدود ۷۵۰۰ کلمه باشد. فاصله خطوط یک سانتی متر و قلم مورد استفاده BMirta با شماره ۱۳ باشد.

**(۳) صفحه اول:** باید شامل عنوان مقاله، چکیده، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، به همراه مدرک تحصیلی، درجه علمی و نشانی پست الکترونیکی آنان (در پاورقی) باشد.

**(۴) چکیده:** چکیده باید به فراخور محتوای مقاله، بیانگر خلاصه‌ای از مسئله، اهمیت، هدف، روش، یافته‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش باشد. چکیده نباید از ۲۰۰ کلمه تجاوز کند. به همراه چکیده فارسی، چکیده انگلیسی نیز ارسال گردد. واژگان کلیدی در انتهای چکیده به تعداد ۳ تا ۵ واژه ذکر شود.

**(۵) مقدمه:** شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، پیشینه، مبانی نظری، اهداف، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و روش پژوهش است. در صورتی که هر یک از بخش‌های فوق مانند پیشینه، مبانی نظری و روش پژوهش، نیازمند شرح بیشتری باشد، مستقل آورده شود.

**(۶) بدنه اصلی مقاله:** شامل سیر تاریخی موضوع، تحلیل راهبردی موضوع، تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران، سناریوهای محتمل درباره موضوع (با رویکرد آینده پژوهی) و ... است.

**(۷) بحث و نتیجه‌گیری:** در این بخش با توجه به سؤال‌ها یا فرضیه‌های مقاله، یافته‌های مهم دسته‌بندی و تبیین شود. همچنین بر اساس پیشینه و مبانی نظری از یافته‌ها استنتاج انجام گیرد.

**(۸) پیشنهادها:** در این بخش بر اساس یافته‌های مقاله، پیشنهادهای رسانه‌ای برای برون مرزی صداوسیما ارائه شود.

**(۹) منابع:** متناسب با ماهیت موضوع مقاله، اغلب منابع باید از منابع دست اول و معتبر خارجی باشد. برای منابع فارسی نیز باید از کتب و مقالات معتبر استفاده شود. از استناد به سایت‌های خبری و منابع غیرمعتبر جداً خودداری شود.

**شیوه منبع‌دهی:** منابع مقاله با توجه به الگوی استناد درون متنی معرفی گردد:

در متن مقاله، هنگام استفاده از نقل قول‌ها (خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم)، استناد به آراء و اقتباس از آثار دیگران حتماً نام مؤلف/ مؤلفان و سال انتشار و شماره صفحه اثر در داخل پرانتز آورده شود؛ مانند: (امیری، ۱۳۸۵: ۴۴).

منابع استفاده شده در متن مقاله، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب حروف الفبایی نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:

**- کتاب:** نام خانوادگی، نام (نویسنده یا نویسندگان) (تاریخ انتشار)، نام کتاب، (نام مترجم)، محل نشر: نام ناشر. مثال:

یک نویسنده. امیری، حسین (۱۳۹۲)، **دیپلماسی رسانه‌ای**، تهران: نشر نی.  
دو نویسنده. سورین، ورنر جی. و جیمز دبلیو. تانکارد (۱۳۹۰)، **نظریه‌های ارتباطات**، (ترجمه علیرضا دهقان)، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

سه نویسنده. رایف، دانیل؛ استفن لیس و فریدریک جی. فیکو (۱۳۹۱)، **تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق**، (ترجمه مهدخت بروجرودی‌علوی)، تهران: سروش.

**- مقاله:** نام خانوادگی، نام (نویسنده یا نویسندگان) (تاریخ انتشار داخل پرنانتز)، «عنوان مقاله در داخل گیومه»، نام نشریه، دوره / سال، شماره، شماره صفحات مقاله.

**- کنفرانس‌ها و همایش‌ها:** نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان) (تاریخ انتشار داخل پرنانتز)، «عنوان مقاله در داخل گیومه»، عنوان کنفرانس یا همایش، زمان همایش، مکان همایش، شماره صفحات مقاله.

**- سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان) (تاریخ انتشار مطلب)، «عنوان مقاله»، تاریخ مشاهده، آدرس دسترسی آن به صورت ایتالیک. در صورتی که نویسنده نامشخص باشد به جای آن عنوان سایت نوشته شود.

**- رساله‌های تحصیلی:** نام خانوادگی، نام (تاریخ نگارش داخل پرنانتز)، «نام پایان‌نامه داخل گیومه»، مقطع پایان‌نامه. نام دانشگاه

- در منابع مربوط به کتاب‌ها، عنوان کتاب و در منابع مربوط به مقالات، عنوان نشریه پررنگ شود.  
۱۰) تمامی اسامی و اصطلاحات لاتین، در متن، به زبان فارسی و در زیرنویس، به صورت لاتین آورده شود.

۱۱) در صورتی که اصطلاح، مفهوم یا مطلبی نیاز به توضیح دارد، در پایان مقاله به عنوان پی‌نوشت آورده شود.

۱۲) رعایت آیین نگارش فارسی در مقاله الزامی است. از به کار بردن واژه‌های مبهم، ترکیب‌های واژگانی نامعمول و جملات طولانی و پیچیده که معادل‌یابی آن‌ها دشوار است، خودداری گردد.

۱۳) در کنار تاریخ هجری شمسی، ذکر تاریخ میلادی رویدادها و تحولات مورد بررسی در مقاله ضرورت دارد.

## سخن مدیر مسئول

در ابتدای سخن یاد و خاطره سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی را گرامی می‌دارم که دستاوردهای جبهه مقاومت در عرصه‌های مختلف مرهون رشادت‌ها و مجاهدت‌های بی‌نظیر ایشان است.

معاونت برون‌مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با توسعه کمی و کیفی در چهار دهه، تبدیل به یکی از عظیم‌ترین و تأثیرگذارترین نظام‌های رسانه‌ای در عرصه بین‌المللی شده است. با گذشت چهار دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، این جبهه از رسانه ملی مفتخر است که جایگاه بی‌بدیلی در انعکاس صدای اکثریت مظلوم و خاموش جهان، شکستن انحصار خبری نظام سلطه، انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی، ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، مقابله با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و پیشبرد و پشتیبانی اهداف محور مقاومت کسب کرده است. معاونت برون‌مرزی، مشتمل بر ۳۴ رادیو و شبکه‌های تلویزیونی پرس‌تی‌وی، العالم (العالم سوریه)، هیسپان تی‌وی، آی فیلم (فارسی، انگلیسی، عربی و آی فیلم ۲)، سحر (آذری، کردی، اردو و بالکان)، الکوثر، هوساتی‌وی، وب‌سایت پرس‌تی‌وی فرانسه و همچنین پایگاه خبری ۲۶ زبانه «پارس تودی» و خبرگزاری تصویری بین‌المللی ایران پرس به زبان انگلیسی به‌همراه واحدهای پژوهشی، معارفی و خبری می‌باشد.

فعالیت رسانه‌های متنوع تلویزیونی، رادیویی و سایت‌های اینترنتی معاونت برون‌مرزی به‌عنوان خطوط مقدم جنگ نرم در مقابله با نظام رسانه‌ای سلطه، حسب رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در گام دوم انقلاب اسلامی و از طریق ارزیابی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌ای با قدرت تداوم دارد. در این راستا علاوه بر تقویت و تکمیل فرایند حضور قدرتمند رادیوهای برون‌مرزی در فضای مجازی، فرایند اجرایی راه‌اندازی سامانه مرکزی نظرسنجی در برون‌مرزی که در بند ۵-۲ سند پیوست حکم ابلاغی مقام معظم رهبری به ریاست محترم سازمان، بر ضرورت ایجاد آن تأکید شده، آغاز شده است. سامانه مرکزی نظرسنجی ویژه برون‌مرزی با طراحی جامع و متشکل از اجزاء و بخش‌های بهم‌پیوسته، زیرساخت‌های لازم برای انجام نظرسنجی درباره شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در قالب یک سامانه مرکزی را فراهم و بستری مناسب برای ذائقه‌سنجی مخاطبان و تقویت ضریب نفوذ در جوامع هدف ایجاد می‌کند.

همچنین به‌منظور تقویت مرجعیت خبری و فکری رسانه برون‌مرزی و براساس تکالیف موضوعه در اسناد بالادستی، مطالعات پژوهشی طرح‌های دیگری منطبق بر راهبردهای کلان رسانه‌ای نظام ازجمله توسعه زبان‌های سایت شبکه‌های پرس‌تی‌وی، العالم، تأسیس یک شبکه قدرتمند برای حوزه فرانسوی زبان، امکان‌سنجی راه‌اندازی سیمای ترکی استانبولی، روسی، دری و پشتو، معارف انگلیسی و ... در دستور کار قرار دارند که چشم‌اندازی نویدبخش از حرکت قدرتمند برون‌مرزی در مصاف با امپراتوری رسانه‌ای نظام سلطه در آوردگاه جنگ نرم را نشان می‌دهند.

مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «عنصر تحقیق و پژوهش در همه جا به صورت یک اصل در مجموعه کارها باید مورد توجه قرار گیرد». بر این اساس از آغاز توسعه رسانه برون مرزی، پژوهش دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای بوده است. طبیعتاً برای فعالیت مؤثر رسانه‌ای در حوزه بین الملل، نیاز به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای کاربردی و رسانه‌ای است و این مهم همواره از سوی رؤسای محترم سازمان مورد تأکید قرار گرفته است.

واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی که مسئولیت انتشار «پژوهشنامه رسانه بین الملل» را به عهده دارد، با هدف پشتیبانی علمی و سیاست‌گذاری محتوایی و ساختاری شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون مرزی با شعار «رسانه پژوهش‌مدار: رسانه تأثیرگذار» در بیش از دو دهه فعالیت، علاوه بر پژوهش‌های مربوط به توسعه و تکمیل آرایش رسانه‌ای برون مرزی، توانسته است با انجام بیش از سیصد و پنجاه پژوهش برنامه‌ای، محتوای بسیاری از برنامه‌های رسانه برون مرزی را تأمین نماید. علاوه بر حفظ چارچوب‌های علمی و پژوهشی که ویژگی ذاتی فعالیت‌های تحقیقاتی است، مهم‌ترین خصیصه این پژوهش‌ها داشتن صبغه برون مرزی، میان‌رشته‌ای بودن، کاربردی بودن در رسانه برون مرزی و بهره‌مندی از نشست‌های اندیشه‌ورزی می‌باشد. به منظور کاهش فاصله پژوهش و برنامه‌سازی، طی دو سال اخیر، آندسته از پژوهش‌هایی که برای برنامه‌سازی نگاشته شده‌اند، بلافاصله در این واحد به مجموعه متون برنامه‌ای چندرسانه‌ای تبدیل شده و از طریق سامانه اینترنت در اختیار برنامه‌سازان برون مرزی و از طریق سایت اینترنتی این واحد ([arc.irib.ir](http://arc.irib.ir)) در اختیار عموم قرار گرفته‌اند.

پژوهش‌ها در واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی در دو قالب علمی «پژوهش‌های کاربردی» با محوریت تحقیقات میان‌مدت و «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» با محوریت تحقیقات کوتاه‌مدت تهیه می‌شوند. پژوهش‌های تولیدی در هر دو قالب، صرفاً معطوف به پژوهش‌های منجر به برنامه‌سازی نیست، بلکه همسو با رهنمودهای مقام معظم رهبری در حکم ابلاغی به ریاست محترم سازمان برای ارزیابی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌ای برون مرزی، این پژوهش‌ها شامل: آسیب‌شناسی، روندسنجی، تدوین سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی، تحلیل محتوای برنامه‌های شبکه‌های برون مرزی، پیشنهادهای رسانه‌ای، ایده‌های برنامه‌سازی، امکان‌سنجی تأسیس شبکه‌های جدید، مخاطب‌شناسی، شناخت نقاط ضعف و قوت رقبای رسانه‌ای، آینده‌پژوهی رسانه‌های برون مرزی و ... می‌شوند.

در این روند به منظور کمک به تقویت تولید فکر در زمینه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای؛ ترویج مطالعات راهبردی در عرصه‌های ارتباطات، روابط و حقوق بین الملل به‌ویژه با محوریت قدرت نرم؛ بهره‌مندی حداکثری از پتانسیل‌های علمی و دانشگاهی؛ انتشار «پژوهشنامه رسانه بین الملل» از سال ۱۳۹۵ در دستور کار معاونت برون مرزی صداوسیما قرار گرفته است. مقالات علمی و پژوهشی منتشر

شده در این پژوهشنامه عمدتاً برگرفته از تحقیقاتی است که در موضوعات مرتبط و در دو قالب پژوهشی مورد اشاره تهیه شده‌اند.

ضمن سپاس از حمایت‌های دکتر علی‌عسکری ریاست محترم سازمان در حمایت از انتشار پژوهشنامه رسانه بین‌الملل و همچنین قدردانی از تلاش‌های دکتر احمد کاظمی مدیر پژوهش‌های کاربردی و دیگر دست‌اندرکاران این پژوهشنامه، امید است با همکاری مسئولان ذیربط در دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی و علمی و همراهی اساتید دانشگاهی، «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» برای بالندگی رسانه برون‌مرزی، بسط مرزهای کاربردی دانش‌های مرتبط با دیپلماسی عمومی از رهگذر کاربست مباحث رسانه‌ای و تکمیل خلاء ناشی از فقدان نشریه علمی با رویکرد ارتباطاتی- رسانه‌ای به تحولات، روابط و حقوق بین‌الملل، گام‌های علمی مؤثری بردارد.

در این راستا، اقدامات انجام شده به‌ویژه در یک سال اخیر ازجمله راه‌اندازی سامانه علمی ویژه پژوهشنامه رسانه بین‌الملل به نشانی [imrl.arc.irib.ir](http://imrl.arc.irib.ir)، نمایه‌سازی آن در پایگاه‌های اطلاعاتی نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی، سیویلیکا و مگیران، تبدیل نشریه از سالنامه به دوفصلنامه، تعامل با دانشگاه صداوسیما برای چاپ مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های برتر و ... نشان از تلاش و اهتمام عوامل این پژوهشنامه برای غلبه بر چالش‌های مالی و نیروی انسانی به‌منظور تبدیل شدن به نشریه علمی مرجع می‌باشد.

**پیمان جبلی**

**مدیر مسئول پژوهشنامه رسانه بین‌الملل**

## پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

### داوران این شماره

|                                   |                         |                      |
|-----------------------------------|-------------------------|----------------------|
| دکتر جواد براتی                   | دکتر محسن شریعتی نیا    | دکتر زینب قاسمی طاری |
| حسن بهشتی پور                     | دکتر نوذر شفیعی         | سهراب قربانی حصاری   |
| محمود ترابی اقدم                  | دکتر سیدرضا صدرالحسینی  | دکتر احمد کاظمی      |
| دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی          | دکتر سیاوش صلواتیان     | دکتر رضا موسی زاده   |
| دکتر توکل حبیب زاده               | دکتر حسن عابدینی        | دکتر سیدرضا میرطاهر  |
| دکتر حسن خجسته باقرزاده           | دکتر ابوالفضل علمایی فر | دکتر محمدقلی میناوند |
| دکتر هادی دولت آبادی              | محمد مهدی غفاری         | دکتر ویدا همراز      |
| دکتر محمدحسین رضائی<br>قوام آبادی | دکتر حاکم قاسمی         |                      |

## فهرست

- جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه؛ زمینه‌ها، روندها، پیامدها و پیشنهاد‌های رسانه‌ای ..... ۱۱  
 محمدرضا دهشیری، فریده کریمی‌مهر
- تبعض نژادی در آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ؛ علل، زمینه‌ها و ارائه راهبردهای تبلیغی ..... ۴۳  
 مجید روحی‌دهینه
- بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان ..... ۶۹  
 محمدقلی میناوند، عارف جعفری‌چگنی
- استفاده ابزاری آمریکا از دلار؛ اهداف، پیامدها، واکنش‌ها و ارائه رویکردهای رسانه‌ای ..... ۸۹  
 مهدی هدایتی‌شهیدانی
- «جنایات بین‌المللی» عربستان سعودی در یمن و چگونگی نقش‌آفرینی دیوان بین‌المللی کیفری (با تأکید بر رسالت رسانه‌های برون‌مرزی) ..... ۱۱۵  
 احمد کاظمی
- راهبردهای مطلوب تولیدات نمایشی برای مخاطبان بین‌المللی در برون‌مرزی صداوسیما ..... ۱۵۱  
 محمود ترابی‌آقدم
- مقایسه نحوه پوشش اخبار خروج آمریکا از برجام در وب‌سایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان ..... ۱۷۹  
 عباس ناصری‌طاهری، احمد شیرزادیان
- رویکرد ترامپ به حقوق بین‌الملل محیط زیست و پیشنهاد‌های رسانه‌ای ..... ۲۰۵  
 عباس مثنوی، حسین رضائی‌قوام‌آبادی
- چشم‌انداز مذاکرات آمریکا و کره شمالی در دوره ترامپ تا انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای) ..... ۲۳۵  
 بهنام خسروی، ابوذر گوهری‌مقدم
- نقش رسانه‌های برون‌مرزی در پیشبرد دیپلماسی گردشگری جمهوری اسلامی ایران ..... ۲۵۷  
 مهدی طاهری
- کارکردها و چالش‌های منطقه آزاد چابهار در ایجاد همگرایی منطقه‌ای و توصیه‌هایی برای پوشش رسانه‌ای ..... ۲۷۷  
 ضیاءالدین صبوری
- وضعیت کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (با تأکید بر توصیه‌های رسانه‌ای) ..... ۳۹۹  
 سیدرضی عمادی
- نگاهی به پژوهش‌های انتشاریافته واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما در سال ۱۳۹۸ ..... ۳۳۱  
 چکیده انگلیسی ..... ۳۳۲
- فرم ارزیابی مقاله ..... ۳۴۴

## جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه؛ زمینه‌ها، روندها، پیامدها و پیشنهاد‌های رسانه‌ای

محمد رضا دهشیری<sup>۱</sup>، فریده کریمی‌مهر<sup>۲</sup>

### چکیده

جنبش جلیقه‌زرها مظهر اعتراض طبقات ضعیف و متوسط جامعه فرانسه به سیاست‌های اقتصادی و مالیاتی امانوئل ماکرون و نتیجه افزایش شکاف‌های اجتماعی در این کشور محسوب می‌شود. از این رو، مقاله حاضر با اتکا به روش کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی، به تبیین چرایی شکل‌گیری جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه و چگونگی تأثیرگذاری آن بر حیات سیاسی فرانسه در سطوح ملی و فراملی پرداخته است. بررسی‌ها و یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که این جنبش به‌لحاظ استمرار و بروز خشونت در جمهوری پنجم فرانسه بی‌سابقه بوده و پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی متعددی برای فرانسه به‌دنبال داشته است. کاهش ده درصدی سفرهای گردشگری به فرانسه، خشونت پلیس، حمله به شعب بانکی و مراکز تجاری و به آتش کشیدن خودروها، افزایش روحیه مطالبه‌گری از دولت و ایجاد راهپیمایی‌های اعتراضی در بین اقشار مختلف جامعه، افزایش محبوبیت حزب تجمع ملی با گرایش‌های راست افراطی، افزایش چشمگیر خودکشی در بین نیروهای پلیس فرانسه از جمله پیامدهای داخلی جنبش جلیقه‌زرها بوده است. در بعد خارجی نیز پیامدهایی مانند تضعیف موضع ماکرون در سطح بین‌المللی به‌ویژه از منظر سیاست‌های زیست‌محیطی، افزایش مداخله‌های ترامپ در امور داخلی فرانسه و اتحادیه اروپا و الهام‌بخشی این جنبش به جنبش‌های مشابه در فلسطین اشغالی، تونس و مصر قابل مشاهده است.

**واژه‌های کلیدی:** جلیقه‌زرها، جنبش اجتماعی جدید، امانوئل ماکرون، فرانسه، پیشنهاد‌های رسانه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۷

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mohammadreza\_dehshiri@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

FKarimimehr@yahoo.fr

## ۱. مقدمه

پیروزی ماکرون در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۷ حاصل اعتماد بخشی از جامعه فرانسه به وعده‌های اقتصادی وی از قبیل حمایت از تولید، افزایش اشتغال، کاهش بیکاری، افزایش قدرت خرید و امید به بهبود وضعیت مالی و اقتصادی طبقات ضعیف و متوسط جامعه فرانسه بود (Dahyot, 2018). با این وجود، عدم توجه به شرایط روانی جامعه (مبنی بر احساس فزاینده نابرابری)، افزایش ۵ درصدی احساس فقر در طبقات ضعیف جامعه فرانسه در دوران ریاست جمهوری ماکرون و افزایش روزافزون بی‌اعتمادی به وی سبب شد طرح برنامه افزایش مالیات بر سوخت از سوی ماکرون در کنار حذف تقریبی مالیات بر ثروت، احساس تبعیض در جامعه فرانسه را به اوج رسانده و همین مسئله سرآغاز جنبش جلیقه‌زدها به‌عنوان بزرگ‌ترین جنبش اعتراضی جمهوری پنجم شد.

بروز جنبش‌های اعتراضی در فرانسه مسبوق به سابقه بوده و جمهوری پنجم از بدو پیدایش از ۵ اکتبر ۱۹۵۸ تاکنون، جنبش‌های اجتماعی گسترده‌ای را تجربه کرده است. اگرچه تا پیش از آغاز جنبش جلیقه‌زدها در فرانسه، وقایع مه ۱۹۶۸ مهم‌ترین جنبش اعتراضی جمهوری پنجم به حساب می‌آمد، اما گستره جغرافیایی، حضور افرادی از گروه‌های سنی و اجتماعی مختلف و میزان خشونت اعمال شده از سوی پلیس در سرکوب معترضان سبب شده است تا رسانه‌های فرانسوی متفق‌القول جنبش جلیقه‌زدها را بی‌سابقه بدانند (Rodineau, 7 December 2018). فرضیه پژوهش حاضر این است که تداوم وضعیت فعلی جنبش جلیقه‌زدها و عدم اهتمام دولت ماکرون در ارائه پاسخ قانع‌کننده به معترضان، احتمال تقویت راست افراطی در انتخابات آتی ریاست جمهوری فرانسه را افزایش می‌دهد.

۱. برای نمونه، بروز خشونت در وقایع مه ۱۹۶۸ تنها به محله لاتین محدود می‌شد، در حالی که خشونت جنبش جلیقه‌زدها به مرکز پاریس از جمله خیابان شانزلیزه نیز کشیده شد. وقایع مه ۱۹۶۸ در زمانی به وقوع پیوست که جامعه فرانسه در دوران بعد از جنگ جهانی مسیر رو به رشدی را تجربه می‌کرد و جامعه دانشجویی آن دوران، به‌رغم اعتراضات، از روحیه مثبت و پرامیدی برای تحقق رویای سوسیالیسم برخوردار بودند. جامعه فرانسه در آن دوران برخلاف شرایط کنونی با بیکاری گسترده دست به گریبان نبود. در اعتراضات مه ۱۹۶۸ دولت فرانسه درگیر جنبش کارگری سازماندهی شده‌ای بود که با اتکا به سندیکا‌های کارگری شکل گرفته بود و ژورژ پمپیدو، رئیس جمهوری وقت فرانسه برای حل بحران، از امکان گفتگو با سندیکاها بهره می‌برد. فرانسه در آن دوره نیز درگیر شکاف‌های اجتماعی بود ولی شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی در فرانسه کنونی به مراتب عمیق‌تر و نگران‌کننده‌تر ارزیابی می‌شود (Le Goff, 3 Decembre 2018).



چگینی و سلیمانی (۱۳۹۷) در گزارشی تحلیلی با عنوان «جلیقه‌زدهای فرانسه: جنبشی برای تأمین اجتماعی؟» به بررسی علل بروز جنبش جلیقه‌زرها، وسعت جنبش مذکور و واکاوی دلایل خشم و اعتراض و همچنین بررسی پس‌زمینه اقتصادی جنبش یادشده پرداخته‌اند. مطالبات اقتصادی معترضان و پاسخ دولت فرانسه به آنها ازجمله موارد مطرح در این پژوهش است. اشرف‌الکتابی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «مطالعه مقایسه‌ای بازتاب رسانه‌ای جنبش جلیقه‌زرها در روزنامه فرانسوی اژوغدوئی در مقایسه با شش روزنامه دیژر چاپ فرانسه در ماه‌های نوامبر و دسامبر ۲۰۱۸» به نحوه بازتاب رسانه‌ای جنبش جلیقه‌زرها پرداخته است. نوشتار پیش رو به بررسی اثرات این جنبش بر حیات سیاسی فرانسه می‌پردازد که نوآوری این مقاله محسوب می‌شود. بر این اساس، نگارندگان در مقاله حاضر می‌کوشند با اتکا به روش کیفی با رویکرد توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به‌ویژه سایت‌های معتبر خبری در سطح بین‌المللی، به واکاوی چرایی شکل‌گیری جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه و نیز بررسی تأثیر جنبش مذکور بر حیات سیاسی فرانسه از ابعاد گوناگون و در سطوح ملی و فراملی بپردازند. این پژوهش در چهار مبحث «چارچوب مفهومی و نظری، زمینه‌های بروز جنبش، روند وقایع و سیر تحول جنبش و پیامدهای جنبش» به تجزیه و تحلیل جنبش مذکور می‌پردازد.

## ۲. چارچوب نظری: جنبش‌های اجتماعی جدید

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ استفاده از اینترنت در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته و تا حدودی در کشورهای در حال توسعه گسترش یافته است و به دلیل تأثیر گسترده آن در زوایای گوناگون زندگی، اصطلاحاتی همچون دهکده جهانی و پایان جغرافیا در محافل دانشگاهی رواج یافته‌اند. امروزه گفته می‌شود که سیاست بر بال رسانه‌ها می‌چرخد؛ با گسترش استفاده بازیگران جامعه مدنی در سطوح ملی، فراملی، منطقه‌ای و جهانی از اینترنت، نقش‌آفرینی آن در تعاملات و چالش‌های سیاسی بیشتر نمایان می‌شود. اینترنت با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی - اجتماعی، در فضای مجازی و سایبری خود، ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، باورها و عقاید کنشگران اجتماعی - سیاسی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و درنهایت برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض‌ها در جهان به شمار می‌رود. از این رو می‌توان گفت که اینترنت، مهم‌ترین تجلی و نشانه قدرت نمادین، هویت‌سازی و تبلیغات در عصر جدید است و

سیاست و تحولات سیاسی تا حد قابل توجهی به این رسانه فراگیر و جهانی وابسته است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

جنبش‌های اجتماعی جدید به مجموعه‌ای از افراد و گروه‌ها اطلاق می‌شود که در شاکله‌های غیررسمی و در نبود کنترل متصلبانه گرد هم می‌آیند، به‌طوری که دارای تنوع و تکثری از افراد با ماهیت میان طبقاتی باشد و هیچ گروه یا سازمانی داعیه‌دار رهبری آن نباشد (هرسیچ و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۵۱۹).

مهم‌ترین وجوه تمایز جنبش‌های اجتماعی جدید از کلاسیک عبارت‌اند از:

۱. جنبش‌های کلاسیک از ماهیت طبقاتی یا وابستگی به گروهی خاص برخوردارند، درحالی که نوع جدید آن‌ها، هویت محور، جمعی و غیر وابسته به طبقه‌ای خاص و ائتلافی از چندطبقه، قشر و هویت هستند.

۲. جنبش‌های جدید برخلاف نوع کلاسیک آن‌ها، بیشتر بعد جهانی دارند تا ملی و محلی. دغدغه آن‌ها مربوط به مسائل بشری و دشواری‌های مشترک آن همچون تروریسم، آلودگی محیط‌زیست و غیره است.

۳. جنبش‌های جدید، به‌شدت به رسانه‌ها به‌ویژه فناوری‌های نوین ارتباطی وابسته هستند و از این طریق به بسیج اعتراض‌ها و مشارکت در سطح جهانی مبادرت می‌ورزند؛ درحالی که جنبش‌های کلاسیک به رسانه‌های جمعی کلاسیک و ارتباطات چهره به چهره وابسته بودند.

۴. جنبش‌های کلاسیک به‌طور عمده خشونت‌آمیز بوده‌اند، اما جنبش‌های جدید، اغلب مسالمت‌آمیز و کمتر خشونت‌آمیز هستند.

۵. جنبش‌های جدید به‌طور عمده به‌صورت شبکه‌ای برای برقراری پیوند و ائتلاف بین بازیگران گروهی و غیردولتی و جنبش‌های دیگر در سطح جهانی عمل می‌کنند و کمتر سلسله‌مراتبی هستند و اغلب ساختاری باز و انعطاف‌پذیر دارند. اما نوع کلاسیک آن‌ها بیشتر از خصلت شبکه‌ای درون گروهی و درون جنبشی برخوردار بوده‌اند تا بین جنبشی (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۵۶).

با توجه به اینکه جنبش جلیقه‌زرها بسیاری از ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی نوین از قبیل عدم وجود سلسله‌مراتب بین اعضا، سازماندهی از طریق شبکه‌های اجتماعی و همچنین عدم وابستگی به گروهی خاص را داراست، می‌توان این جنبش اعتراضی را جنبش اجتماعی نوین



تلقى نمود؛ ناگفته نماند که بروز خشونت در این جنبش تنها عامل تفاوت جنبش جلیقه‌زدها با نظریه اجتماعی نوین به حساب می‌آید.

در ادامه به دو نمونه از جنبش‌های اجتماعی نوین اشاره می‌شود.

### الف) بیداری اسلامی

فقدان رهبری سیاسی در اعتراضات ایجاد شده در کشورهای عربی، ابتدای جنبش‌های اعتراضی به شبکه‌های اجتماعی، عدم اتخاذ رویکرد خشونت‌بار در تجمعات اعتراضی از جمله ویژگی‌های جنبش‌های اعتراضی موسوم به بیداری اسلامی به شمار می‌آیند. با این وجود، شبکه الجزیره و همچنین سایر رسانه‌های سنتی در گسترش این جنبش نقش غیرقابل اغمازی داشتند (Gelabert, 2013).

موج نخست قیام‌های ضدحکومتی در کشورهای عربی در دسامبر ۲۰۱۰ در کشور تونس شکل گرفت؛ موج دوم قیام‌های مذکور دو ماه بعد در مصر ایجاد شد. پس از دو قیام مذکور، اعتراض ضد نظام‌های سیاسی حاکم در جوامع عربی- اسلامی شمال آفریقا و غرب آسیا تداوم یافت.

رژیم‌های سیاسی مستبد با تخصیص ثروت بسیار به افرادی محدود، قادر به پاسخگویی به نیازهای نسل‌های جدید نبودند. به بیان بهتر، یکی از علل بروز جنبش‌های اعتراضی در کشورهای عربی موسوم به بیداری اسلامی عدم پذیرش وضعیت موجود حاکم بر این کشورها از سوی جوانان بود. معضلات فرهنگی، نرخ بالای بیکاری، فقر گسترده و گرانی محصولات غذایی در برخی مناطق و همچنین ناتوانی نظام‌های سیاسی حاکم در برقراری اصلاحات اجتماعی، سیاسی و ساختاری نارضایتی فراگیر جوانان کشورهای عربی را فراهم نموده بود.

وقوع بهار عربی در مصر نمونه‌ای از تاثیر فناوری‌های ارتباطی نوین در بروز جنبش‌های اجتماعی نوین به شمار می‌آید. به بیان دقیق‌تر، معترضان با استفاده از رسانه‌های جمعی از قبیل فیسبوک، اقدام به سازماندهی تجمعات اعتراضی و نیز انتشار تصاویر خشونت نیروهای پلیس می‌نمودند (Morin, 14 octobre 2017).

### ب) جنبش اشغال وال استریت

جنبش اشغال وال استریت متأثر از جنبش بیداری اسلامی در مصر و با تصمیم ۲۰۰۰ نفر مبنی بر اشغال شبانه روزی پارک عمومی زاکوتی واقع در نزدیکی بورس نیویورک آغاز شد. این

معارضان متشکل از دانشجویان، افراد بیکار و نیز جوانان کم درآمد بودند. درواقع یکی از ویژگی‌های شاخص جنبش اشغال وال استریت تنوع معارضان بود و حتی برخی از ثروتمندان نیز از این جنبش حمایت کرده بودند.

مطالبات معارضان در جنبش وال استریت متنوع بود و طیف وسیعی ازجمله مبارزه با نابرابری و جنگ و همچنین مخالفت با فشار مالیاتی و تغییرات آب و هوایی را شامل می‌شد. علی‌رغم تنوع یاد شده، معارضان خواسته مشترک کاهش تاثیر بانک‌ها بر تصمیمات سیاسی را تعقیب می‌کردند و از نابرابری‌های اجتماعی و نیز نظام سرمایه‌داری لیبرال برائت می‌جستند (Diffalah, 14 octobre 2011). عدم اتخاذ رویکرد خشونت‌بار برای تغییر نظام سیاسی حاکم از دیگر ویژگی‌های جنبش اشغال وال استریت به شمار می‌آید (Aguiton, 30 octobre 2012). گفتنی است که سایت [Howtooccupy.org](http://Howtooccupy.org) در سازماندهی جنبش اشغال وال استریت نقش به‌سزایی داشت (Hamon, 16 novembre 2011).

همانگونه که گفته شد جنبش اشغال وال استریت خصلت جمعی و عدم وابستگی به طبقه اجتماعی خاص، پیگیری دغدغه‌های انسانی و نیز وابستگی به فناوری‌های ارتباطی جدید را دارا بود. همچنین این جنبش نیز از دو خصیصه جنبش‌های جدید اجتماعی یعنی فقدان رهبری و نیز سازماندهی تظاهرات ۹۹ درصد علیه یک درصد ثروتمند جامعه امریکا از طریق فضای مجازی و فناوری‌های نوین ارتباطی برخوردار بود.

### ۳. زمینه‌های جنبش جلیقه‌زرها

#### ۳-۱. زمینه‌های کوتاه‌مدت

هرچند سیاست‌های اقتصادی ماکرون ازجمله اصلاحات قوانین مالیاتی و یا اصلاح قانون کار با هدف کاهش کسری بودجه، افزایش رشد اقتصادی و ایجاد شکوفایی اقتصادی شکل گرفت، اما چالش‌های عجیبی برای جامعه فرانسه ایجاد کرد و یکی از دلایل اصلی نارضایتی اقشار فقیر و متوسط هست. به بیان بهتر، تدابیر اتخاذ شده از سوی ماکرون از سال ۲۰۱۷ در راستای حذف تقریبی مالیات بر ثروت و همچنین کاهش شدید مالیات بر عایدی سرمایه، تأثیر عمده‌ای بر پیدایش و گسترش جنبش جلیقه‌زرها داشته است. درواقع، سیاست‌های اقتصادی ماکرون منجر



به افزایش و تقویت دارایی‌های جامعه یک درصدی ثروتمند فرانسه شده است. همچنین تاثیر افزایش مالیات بر سوخت بر کاهش قدرت خرید نیز زمینه‌ساز جنبش بوده است.

در نه ماه نخست سال ۲۰۱۸، درآمد حاصل از مالیات بر سوخت (TICPE) با افزایش ۱۸ درصدی، به میزان ۱,۴ میلیارد یورو افزایش یافته است. با این وجود، مالیات بر شرکت‌ها با ۱۹٪ کاهش به ۳,۴ میلیارد یورو رسیده است. گفتنی است سایر مالیات‌ها (خصوصاً مالیات بر ثروت، مالیات بر ارث و همچنین مالیات بر عایدی سرمایه) با کاهش ۲۵ درصدی به ۷,۱ میلیارد یورو رسیده است (Duval, 2018). براساس آمار اعلام شده از موسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه (اینسه)<sup>۱</sup>، در سال ۲۰۱۶ قریب به ۸,۸ میلیون نفر (۱۴ درصد) از مردم این کشور در فقر زندگی کرده‌اند (Leparisien, 11 septembre 2018). این آمار دو روز پیش از اعلان راهبرد امانوئل ماکرون در زمینه مبارزه با فقر در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۸ (۲۲ شهریور ۱۳۹۷) منتشر شد. هجده ماه پس از انتشار این آمار رسمی، نرخ فقر در فرانسه با رشدی قریب به ۵ درصد به ۱۹,۸ درصد رسیده است. این نرخ مطابق با فرمول ۶۰٪ درآمد متوسط در فرانسه محاسبه شده است. بنابر فرمول مذکور، افرادی که ماهانه کمتر از ۱۰۲۶ یورو درآمد دارند، فقیر محسوب می‌شوند (Peillon, 2019).

بر اساس نظرسنجی انجام شده از سوی مرکز آمار وزارت امور اجتماعی و سلامت فرانسه در بازه زمانی ۱۵ اکتبر تا ۱ دسامبر ۲۰۱۸ (۲۳ مهر تا ۱۰ آذر ۱۳۹۷) حدوداً ۱۸ درصد از فرانسوی‌ها در اواخر سال ۲۰۱۸ احساس فقر را تجربه کرده‌اند. آمار مذکور در سال ۲۰۱۵، ۱۳ درصد و در سال ۲۰۱۷، ۱۴ درصد بود. همچنین نرخ احساس فقر در بین کارگران از ۱۸ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۲۹ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده است و این قشر بیش از سایر اقشار جامعه فرانسه از سیاست‌های اقتصادی ماکرون متأثر شده‌اند. احساس فقر در سال ۲۰۱۸، در بین کارمندان و کشاورزان به ترتیب ۲۰ درصد و ۱۴ درصد برآورد شده است. همچنین احساس فقر در بین ۲۰ درصد از کم برخوردارترین مردم فرانسه از ۳۳ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۴۴ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده است (Amsisli, 2019).

1. Institut national de la statistique et des études économiques



## ۳-۲. زمینه‌های بلندمدت

**نابرابری:** براساس گزارش سالانه مؤسسه غیردولتی دیده‌بان مبارزه با نابرابری در فرانسه،<sup>۱</sup> درآمد، آموزش، اشتغال، مسکن و محل سکونت از شاخص‌های نابرابری در فرانسه محسوب می‌شوند. **درآمد:** به‌طور متوسط، ۱۰ درصد فرانسوی‌هایی که از بیشترین سطح رفاه در زندگی برخوردارند، درآمدشان (با احتساب مالیات و بیمه) ۸,۷ برابر بیشتر از فقیرترین فرانسوی‌هاست. ۱ درصد از ثروتمندترین فرانسوی‌ها، ۱۷ درصد و ۱۰ درصد از آنها، نیمی از ثروت را در اختیار دارند (Durand, 2017). اما ۵ میلیون فقیر در فرانسه با مبلغی کمتر از ۸۵۵ یورو زندگی می‌کنند (L'Observatoire des inégalités, 4 juin 2019). (ر.ک. به شکل شماره ۱).

سال  
پنجم،  
شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

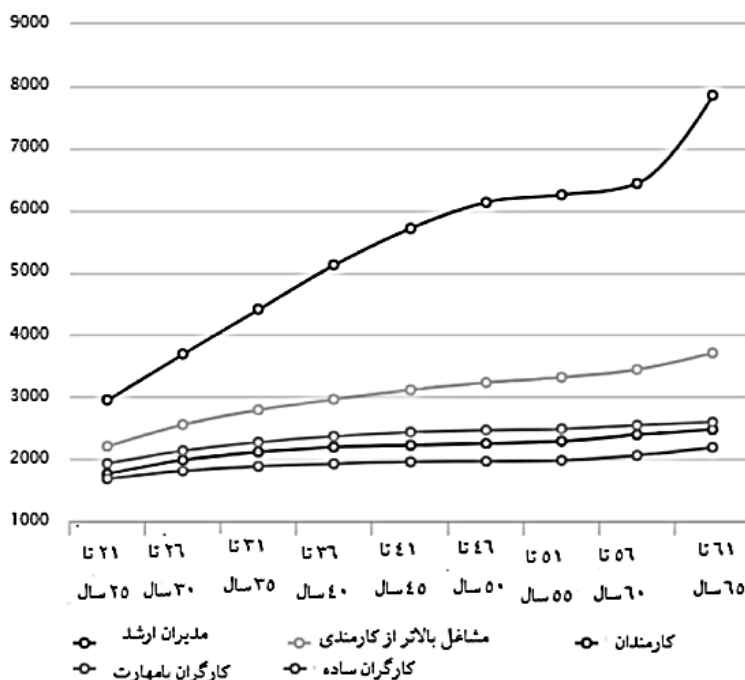


Source: (Durand, 30 mai 2017)

شکل ۱. نحوه تقسیم ثروت در فرانسه



حقوق متوسط ماهانه خالص بر اساس سن و شرایط اجتماعی و شغلی در سال ۲۰۱۳



Source: (Durand, 2017)

شکل ۲. میزان حقوق اقشار مختلف در فرانسه

همانگونه که شکل شماره ۲ نشان می‌دهد گروه سنی ۲۱-۲۵ کمترین درآمد را کسب می‌کنند. مضافاً آنکه کارگران ساده، کارمندان و کارگران بامهارت به ترتیب کمترین میزان حقوق را در دریافت می‌کنند.

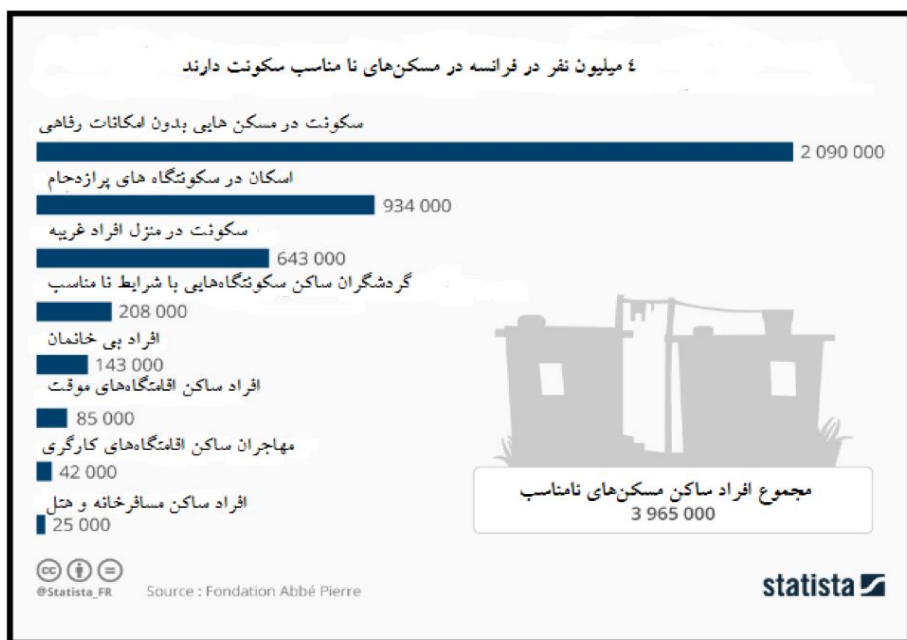
**آموزش:** پایگاه اجتماعی دانش‌آموزان به شدت بر نتایج تحصیلی آن‌ها تأثیرگذار است. میزان ورود دانش‌آموزان به دبیرستان برای دانش‌آموزان طبقات برخوردار دو برابر بیشتر از دانش‌آموزان متعلق به طبقات اقتصادی ضعیف است. ۸۴٫۸ درصد از دانش‌آموزان ثروتمند و فقط ۴۲٫۴ درصد از دانش‌آموزان طبقات ضعیف به دبیرستان راه پیدا می‌کنند. در آموزش عالی شکاف‌های طبقاتی به شکل عیان‌تری خودنمایی می‌کنند. بنا بر گزارش وزارت آموزش ملی فرانسه در سال تحصیلی

۲۰۱۸-۲۰۱۷، فرزندان مدیران در سطوح عالی، ۲,۹ برابر بیشتر از فرزندان کارگران راهی مقاطع تحصیلات عالی شده‌اند. در حالی که براساس آمار، تعداد دانش‌آموزان وابسته به طبقات برخوردار جامعه، تقریباً دو برابر کمتر از کل جمعیت دانش‌آموزان برآورد شده است. درواقع، فرزندان کارگران تنها ۱۲ درصد از جمعیت دانشجویان، ۷ درصد دانش‌آموزان شرکت‌کننده در کلاس‌های کنکور دانشگاه‌های تراز اول فرانسه و نهایتاً ۴ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های تخصصی رشته‌های مدیریت و تجارت را تشکیل می‌دهند (L'Observatoire des inégalités, 4 juin 2019).

**اشتغال:** یکی دیگر از عرصه‌های بروز نابرابری در فرانسه، اشتغال است. همه اقشار جامعه به یک‌میزان در معرض بیکاری قرار ندارند. شکاف عمیق در این حوزه مربوط به مدرک تحصیلی است. نرخ بیکاری در بین افراد فاقد مدرک تحصیلی ۱۸,۳ درصد برآورد شده است، یعنی ۳,۷ برابر بالاتر از دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد (دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد غالباً استخدام دائم می‌شوند و نرخ بیکاری در این قشر تنها ۵ درصد ارزیابی شده است). از سوی دیگر، دارا بودن و یا دارا نبودن مدرک تحصیلی تأثیر مستقیمی بر نوع استخدام دارد. ۶۵ درصد جوانان فاقد مدرک تحصیلی، به‌صورت قراردادی استخدام می‌شوند (L'Observatoire des inégalités, 4 juin 2019).

**مسکن:** دیده‌بان مبارزه با نابرابری در فرانسه، شرایط مسکن در این کشور را وخیم ارزیابی کرده است. ۸۰۰,۰۰۰ نفر در فرانسه فاقد خانه شخصی هستند. از این تعداد ۶۴۳,۰۰۰ نفر هرچند در شرایط نسبتاً قابل قبولی زندگی می‌کنند ولی مسکن مستقلی ندارند. ۱۴۳,۰۰۰ نفر هیچ‌گونه سکونت‌گاهی ندارند و مجبورند برای زندگی به مسکن اجتماعی و یا هتل مراجعه کنند. البته از این تعداد ۱۱,۰۰۰ نفر مجبورند در خیابان بخوابند. شرایط مسکن نسبت به درآمد بسیار نابرابرانه است. همچنین شرایط مهاجران بسیار وخیم‌تر است. ۲۶,۱ درصد از مهاجران در خانه‌های بسیار کوچک زندگی می‌کنند. براساس آمار اعلام‌شده از سوی مؤسسه اینسه، به‌دلیل مسائل اقتصادی، منزل مهاجران ۳,۷ برابر کوچک‌تر از مسکن غیر مهاجران است (L'Observatoire des inégalités, 4 juin 2019). (ر.ک. به شکل شماره ۳)

### شکل ۳. وضعیت مسکن در فرانسه در سال ۲۰۱۸



Source: (Jenik, 30 janvier 2018)

### ۴. روند وقایع و سیر تحول جنبش

زمزمه اعتراض‌های خودجوش در واکنش به سیاست‌های مالیاتی ماکرون، از پایان ماه اکتبر ۲۰۱۸ (آبان ۱۳۹۷) در شبکه‌های اجتماعی به گوش رسید و روز ۱۷ نوامبر با تجمع در بزرگراه‌ها، میدان‌های اصلی شهرها و عوارضی‌ها در سراسر فرانسه آغاز شد. نخستین جرقه‌های اعتراض زمانی بود که دو راننده بین‌شهری اهل شهرستان سنه‌مرن<sup>۱</sup> نزدیک پاریس روز ۱۰ اکتبر ۲۰۱۸ در فیسبوک فراخوانی برای «راه‌بندان سراسری در اعتراض به افزایش قیمت سوخت» راه انداختند و بیش از ۲۰۰ هزار نفر به آن پیوستند. نخستین اعتراض در روز ۱۷ نوامبر با شرکت ۲۸۲ هزار نفر و مسدود کردن بزرگراه‌ها آغاز شد. ۱ کشته و ۱۰۶ زخمی نتیجه اولین شبانه اعتراضی جلیقه‌زدها به سیاست‌های مالیاتی ماکرون بود (Lemonde, 17 novembre 2018).

1. Seine-et-Marne

ماکرون ابتدا در برابر جلیقه‌زرها سکوت اختیار کرد. تا پایان نوامبر حاضر به عقب‌نشینی نشد و امید به مباحثه ملی داشت. در ۴ دسامبر ۲۰۱۸ (۱۳ آذر ۱۳۹۷) با بالا گرفتن اعتراضات و خشونت‌ها دولت اعلام کرد افزایش قیمت سوخت را برای شش ماه تعلیق کرده است و تأکید نمود این تعلیق موقتی است و طرح مذکور از دستور کار حذف نخواهد شد. در ۵ دسامبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که از این افزایش در سال ۲۰۱۹ صرف‌نظر شده است (دولت‌آبادی، ۲۵ آذر ۱۳۹۷)، اما مالیات بر ثروت برقرار خواهد شد.

در ۸ دسامبر ۲۰۱۸، علی‌رغم دعوت به آرامش از سوی دولت و حضور گسترده نیروهای انتظامی با پشتیبانی خودروهای زرهی در پاریس، تظاهرات جلیقه‌زرها برگزار شد. تعطیلی برج ایفل و موزه لوور و همچنین ۳۶ ایستگاه مترو از جمله تدابیر امنیتی اتخاذشده از سوی دولت بود. این رویدادها منجر به ارائه پیشنهادهای دیگری از سوی ماکرون شد (CNEWS, 10 December 2018). ماکرون در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۸ (۱۹ آذر ۱۳۹۷) از افزایش ۱۰۰ یورویی حداقل حقوق، حذف مالیات بر اضافه‌کار و لغو هزینه مشارکت در تأمین هزینه‌های عمومی<sup>۱</sup> برای بازنشستگان با حقوق کمتر از ۲۰۰۰ یورو خبر داد. این برنامه‌ها برای دولت ۱۰ میلیارد یورو هزینه در برداشته است (elysee, 10 DÉCEMBRE 2018).

نظرسنجی «مؤسسه فرانسوی افکارسنجی اودوکسا»<sup>۲</sup> در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۸ نشان داد که ۵۹ درصد از مردم فرانسه سخنان ماکرون را قانع‌کننده تلقی نکرده‌اند. اما ۶۱ درصد مردم از افزایش ۱۰۰ یورویی حداقل حقوق و ۷۰ درصد از پرسش‌شوندگان از لغو مبلغ مشارکت در تأمین هزینه‌های عمومی برای بازنشستگان با حقوق کمتر از ۲۰۰۰ یورو و ۸۵ درصد نیز از حذف مالیات بر ساعات اضافه‌کاری ابراز خرسندی کرده‌اند. این نظرسنجی تا حدودی حاکی از افزایش رضایت مردم از مواضع بعدی ماکرون نسبت به مواضع وی در ابتدای جنبش جلیقه‌زرها بود (Bucco, 2018).

ادوار فیلیپ<sup>۳</sup>، نخست‌وزیر فرانسه در ۷ ژانویه ۲۰۱۹ (۱۷ دی ۱۳۹۷) قانون جدیدی در رابطه با تقویت نظم و حفظ امنیت در طول دوره برگزاری تظاهرات اعلام کرد. قانون مذکور سبب پرشورتر برگزار شدن تظاهرات جلیقه‌زرها در ۱۲ ژانویه با حضور ۸۴ هزار نفر از سراسر فرانسه شد. این تظاهرات هرچند بدون درگیری قابل‌توجهی برگزار شد، ولی روزنامه‌نگاران بسیاری در

1. Contribution sociale généralisée (CSG)

2. Odoxa

3. Édouard Philippe



طول برگزاری آن مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. تصمیم دولت فرانسه مبنی بر صدور مجوز استفاده از اسلحه فلش‌بال علیه معترضان در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۹م جنجال‌های بسیاری را در پی داشت. زیرا این سلاح منجر به بروز لطمات شدیدی به تظاهرات‌کنندگان می‌شود (LePoint, 2 février 2019). به‌دنبال هجدهمین شبیه اعتراضات جلیقه‌زرها در فرانسه به‌ویژه در خیابان شانزلیزه پاریس که با آتش زدن و تخریب تعدادی مغازه همراه بود، دولت فرانسه برای برگزاری این اعتراضات دستورالعمل‌های جدیدی صادر کرد. بر این اساس، در صورت تداوم حضور عناصر افراطی، راهپیمایی جلیقه‌زرها در برخی مناطق فرانسه ازجمله در خیابان شانزلیزه ممنوع اعلام شد. ادوار فیلیپ همچنین در سخنرانی جداگانه‌ای از افزایش جریمه برای شرکت‌کنندگان در تظاهرات ممنوع شده خبر داد. به گفته او مبلغ این جریمه از ۳۸ یورو به ۱۳۵ یورو افزایش خواهد یافت (یورونیوز، ۱۸ مارس ۲۰۱۹).

در بیست و دومین شبیه اعتراضی، جلیقه‌زرها اعلام کردند دولتی که از اعمال فشار برای پاسخگویی به معترضان استفاده می‌کند رویکردی دیکتاتورمآبانه اتخاذ کرده است. ژان لوک ملانشون<sup>۱</sup> به همراه برخی از نمایندگان حزب فرانسه تسلیم‌ناپذیر<sup>۲</sup> در بین معترضان پاریسی حاضر شده و از آزادی‌های عمومی و حق تظاهرات شهروندان فرانسوی دفاع کرد (Europe 1, 13 avril 2019).

ماکرون در ۲۵ آوریل ۲۰۱۹ (۵ اردیبهشت ۱۳۹۸) در کنفرانسی مطبوعاتی «حمایت از مادران تنها (بی‌سرپرست) و بهبود شرایط اشتغال این قشر از جامعه فرانسه، راه‌اندازی سیستمی مبنی بر بررسی وضعیت حقوق بازنشستگانی که کمتر از دو هزار یورو حقوق می‌گیرند باهدف بهبود وضعیت بازنشستگان، تأکید بر ضرورت عدم تعطیلی مدارس و بیمارستان‌ها در مناطق روستایی، ایجاد اصلاحات عمیق در سازمان‌های دولتی و شیوه استخدام کارمندان» را ازجمله برنامه‌های خود اعلام کرد (یورونیوز، ۲۵ آوریل ۲۰۱۹).

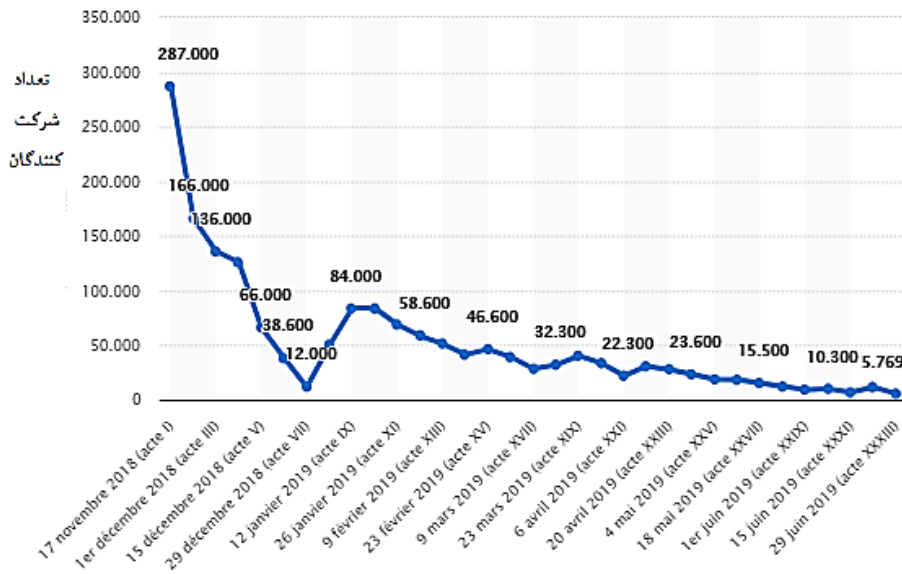
علی‌رغم وعده‌های ماکرون، بیست و چهارمین هفته از جنبش جلیقه‌زرها در ۲۷ آوریل برگزار شد. براساس نظرسنجی موسسه اِلَب<sup>۳</sup>، کنفرانس خبری ماکرون در آوریل ۲۰۱۹، ۵۶ درصد فرانسوی‌ها را متقاعد نکرده است، اما برخی از مواضع ماکرون در این سخنرانی مورد تأیید مردم قرار گرفته است. ۷۸ درصد از پرسش‌شوندگان وعده‌های ماکرون را راه‌حل مناسبی برای

1. Jean- Luc Mélenchon

2. La France insoumise

3. Elabe

خروج از بحران جلیقه‌زرها تلقی نکرده‌اند. همچنین ۷۷ درصد از پرسش‌شوندگان معتقد بوده‌اند برنامه‌های ماکرون پاسخگوی مطالبات جلیقه‌زرها نیست. شایان ذکر است ۶۳ درصد از پرسش‌شوندگان معتقدند علی‌رغم وعده اعلام‌شده از سوی ماکرون در خصوص کاهش مالیات بر درآمد، وی عزم جدی در این مورد ندارد (Boisselier, 27 avril 2019). در بیست و ششمین شنبه اعتراضی جنبش جلیقه‌زرها و پس از شش ماه از آغاز جنبش مذکور، نشانه‌هایی از خستگی و ترس از خشونت پلیس در معترضان مشاهده می‌شد. معترضان اذعان می‌کنند به‌رغم اعتراضات گسترده، به نتایج محسوس و مؤثری دست نیافته‌اند (Lefigaro, 10 mai 2019).



Source: (statista, 2019/8/26)

شکل ۴. تعداد شرکت‌کنندگان در تجمعات جلیقه‌زرها از نوامبر ۲۰۱۸ تا ژوئن ۲۰۱۹

نمودار صفحه قبل نشان می‌دهد که پس از کاهش تعداد شرکت‌کنندگان در تجمعات اعتراضی در طی تعطیلات سال نو میلادی، پس از اتمام تعطیلات، در ماه‌های ژانویه و فوریه ۲۰۱۹ تعداد



شرکت‌کنندگان افزایش یافته و به حدود ۶۰ هزار نفر رسیده است. با این وجود، به مرور تعداد مشارکت‌کنندگان کاهش یافته است. نمودار مذکور نشان می‌دهد که در هفته سی و سوم، میزان مشارکت با ۵,۷۶۹ نفر به کمترین سطح از ابتدای اعتراضات جنبش جلیقه‌زدها رسیده است (statista, 26 août 2019).

تصمیم جلیقه‌زدها در سی و پنجمین شبانه اعتراضی خود (۱۳ ژوئیه ۲۰۱۹ / ۲۳ خرداد ۱۳۹۸) مبنی بر برگزاری راهپیمایی‌های پرشور، موجبات نگرانی سرویس‌های امنیتی فرانسه را در پی داشت، چراکه معترضان قصد داشتند مراسم رژه جشن ملی فرانسه در روز ۱۴ ژوئیه را برهم بزنند. انتشار خبر بازجویی برخی از چهره‌های معروف جنبش جلیقه‌زدها از قبیل ژروم رودریگ<sup>۱</sup> به عنوان اپوزیسیون سیاسی در شبکه‌های اجتماعی همچون توییتر موجی از نگرانی را در بین جلیقه‌زدهای معترض ایجاد کرد. البته دولت فرانسه اعلام کرد پس از اتمام مراسم، رودریگ آزاد می‌شود (Caturla, 2019).

به نظر می‌رسد جنبش جلیقه‌زدها به نمادی برای ایستادگی در برابر بی‌عدالتی و نابرابری سیستم حاکم فرانسه تبدیل شده و ظرفیت ایجاد حرکت‌های اعتراضاتی جدید را دارد. جلیقه‌زدها به عنوان نمونه بارزی از جنبش‌های اجتماعی نوین، از انعطاف بسیاری برخوردار است و نباید این جنبش را تنها جنبشی اعتراضی به نابرابری‌های موجود در فرانسه تلقی نمود. این جنبش پس از یک سال برگزاری تظاهرات هفتگی در روزهای شبانه همچنان تداوم دارد. هرچند میزان شرکت‌کنندگان در تظاهرات جنبش جلیقه‌زدها با فراز و فرودهایی همراه است ولی نمی‌توان آن را جنبشی رو به افول دانست. براساس نظرسنجی منتشرشده در ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۹، میزان محبوبیت ماکرون در ماه ژوئیه نسبت به ماه ژوئن ۲۰۱۹ فقط ۲ درصد افزایش یافته و به ۳۲ درصد رسیده است. اما ۶۸ درصد فرانسوی‌ها همچنان از عملکرد وی ناراضی هستند. براساس این نظرسنجی، همچنان بیشترین میزان محبوبیت ماکرون مربوط به مدیران عالی‌رتبه (۴۴ درصد با ۴ درصد افزایش میزان محبوبیت) و سپس تجار و رؤسای شرکت‌ها (با ۳۸ درصد و به میزان ثابت) می‌باشد. کمترین میزان محبوبیت ماکرون نیز همچنان متعلق به کارگران (با ۲۱ درصد محبوبیت و با ۲ درصد افزایش) بوده است (Letelegramme, 21 juillet 2019). عبور جنبش از مرز یک سالگی خود نشان از عدم تحقق مطالبات معترضان و پویایی آن است.



## ۵. پیامدها

## ۵-۱. پیامدهای اقتصادی

این جنبش منجر به کاهش رشد اقتصادی ۰,۱ درصدی (حدود ۴ میلیارد یورو) اقتصاد فرانسه از ابتدای جنبش در نوامبر ۲۰۱۸ تا مارس ۲۰۱۹ شده است (HONORÉ, 2019). البته به گفته مقامات عالی‌رتبه اقتصادی فرانسه، این جنبش تأثیری بر سرمایه‌گذاری خارجی فرانسه نداشته و رشد اقتصادی فرانسه در سال ۲۰۱۹ حتی از آلمان هم بیشتر بوده است (juillet 2019 Robert, 19). فدراسیون بیمه فرانسه، خسارات جنبش مذکور را ۱۷۰ میلیون یورو برآورد کرده است (nouvelobs, 2019). حمله به ساختمان بانکها، سرقت از مراکز تجاری و همچنین به آتش کشیدن اتومبیل‌ها در روزهای شنبه، زیان ۲۰۰ میلیون یورویی به ۷۶۰ شعبه بانکی و سایر مراکز تجاری فرانسه وارد کرده است (leparisien, 21 mars 2019).

بیشترین تأثیر اقتصادی جنبش جلیقه‌زدها بر اقتصاد فرانسه، مربوط به صنعت گردشگری است. با مکرر شدن تصویر فرانسه در جامعه بین‌المللی، تعداد گردشگران خارجی (خصوصاً گردشگران آسیایی و آمریکایی) کاهش یافت. بنا به گزارش «آتو فرانس»<sup>۱</sup> (آژانس ترویج گردشگری فرانسه در خارج از این کشور) پروازهای بین‌المللی به مقصد پاریس در ماه دسامبر ۱۰ درصد کاهش یافته است. در صورت تداوم خشونت‌های ناشی از این جنبش، صنعت گردشگری فرانسه بیش‌ازپیش آسیب خواهد دید. دولت فرانسه باید جامعه جهانی را متقاعد سازد که امنیت و زندگی در فرانسه تداوم دارد (SudOuest, 2019). در سه ماه نخست سال ۲۰۱۹، تعداد گردشگران خارجی نسبت به همان دوره در سال ۲۰۱۸، ۴,۸ درصد کاهش داشته است. اما با کاهش جمعیت معترضان در تابستان ۲۰۱۹، تعداد گردشگران در این بازه زمانی تقریباً با تعداد گردشگران در تابستان ۲۰۱۸ تفاوت فاحشی را نشان نمی‌دهد و حتی تعداد گردشگران در ماه ژوئیه ۲۰۱۹ با تعداد گردشگران در ماه ژوئیه ۲۰۱۸ تقریباً برابر است (Vignon, 2019).



## ۵-۲. پیامدهای اجتماعی

جنبش جلیقه‌زدها بر حیات اجتماعی جامعه فرانسه بی‌تأثیر نبوده است؛ این جنبش علاوه بر تعمیق شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه فرانسه، الهام‌بخش جریان‌های اعتراضی در اقشار و اصناف گوناگون نیز بوده است. در ادامه به اهم جریان‌های اجتماعی مذکور پرداخته می‌شود.

جنبش اعتراضی موسوم به «جلیقه‌سیاه‌ها» متشکل از مهاجران آفریقایی که خواهان به رسمیت شناختن حقوق خود در فرانسه هستند (leparisien, 13 juillet 2019).

«جنبش شال قرمزها» در اعتراض به مسدود شدن بزرگراه‌ها چندین تظاهرات را سازماندهی کردند که با استقبال چندانی مواجه نشد. شال قرمزها اعلام کرده‌اند که در مخالفت با جلیقه‌زدها به خیابان نیامده‌اند. بلکه آمده‌اند تا در مقابل افراطی‌گری و خشونت بایستند. آن‌ها با خشونت، انقلاب، انسداد راه‌ها و خدمات‌رسانی در روزهای شنبه در فرانسه مخالف‌اند (یورونیوز، ۲۹ ژانویه ۲۰۱۹).

جنبش‌های اعتراضی در فرانسه رو به افزایش هستند، مخالفت معلمان با اصلاحات ژان میشل بلانکه<sup>۱</sup>، وزیر آموزش ملی فرانسه مبنی بر حذف تعداد قابل‌توجهی از فرصت‌های شغلی موجود در نظام آموزشی فرانسه (L'express, 30 mars 2019) و اقدام به ممانعت از تحویل برگه‌های امتحانی دانش‌آموزان (L'express, 7 juillet 2019) شاهدهی بر این مدعی است. اعتصاب و اعتراض پلیس فرانسه و درخواست افزایش حقوق از جانب این صنف (Schmitt, 2018) و یا تقاضای افزایش حقوق از سوی کارکنان اورژانس به‌دلیل افزایش روزافزون مصدومان جنبش جلیقه‌زدها (LCI, 2 juillet 2019) در این چارچوب قابل بررسی است.

## ۵-۳. پیامدهای سیاسی

### پیامدهای داخلی

در زمره پیامدهای سیاسی جنبش در عرصه داخلی می‌توان به تقویت جناح راست افراطی اشاره کرد. کسب اکثریت آرا توسط فهرست حزب تجمع ملی به رهبری مارین لوپن در انتخابات

1. Les Gilets noirs  
2. Les foulards rouges  
3. Jean Michel Blanquer



پارلمانی اروپا بیانگر آن است که جنبش جلیقه‌زرها گرایش‌های ضد مهاجرتی را تقویت کرده است.

از دیگر پیامدهای سیاسی جنبش مذکور در فرانسه گسترش اندیشه‌های پوپولیستی در این کشور است. نظرسنجی انجام‌شده در خصوص میزان گرایش به اندیشه‌های پوپولیستی در فرانسه نشان می‌دهد که در میان ۶۲٪ پرسش‌شوندگان، گرایش‌های قوی پوپولیستی وجود دارد. گفتنی است، ۹۲٪ از طرفداران جلیقه‌زرها و ۱۷٪ از مخالفان این جنبش دارای گرایش‌های قوی پوپولیستی هستند. شایان‌ذکر است ۴۴٪ از حامیان جدی جنبش جلیقه‌زرها به مارین لوپن اعتماد دارند (۲۱٪ از این افراد سابقاً به وی بی‌اعتماد بوده‌اند ولی لوپن توانسته است اعتماد آن‌ها را جلب کند)؛ حال آنکه ۲۷٪ از طرفداران جنبش جلیقه‌زرها ژان لوک ملانشون را فرد معتمدی می‌دانند (Rouban, 29 janvier 2019).

تلاش برخی از چهره‌های شاخص این جنبش از جمله اینگرید لاواسور<sup>۱</sup>، نامزد حزب اتحاد زرد در انتخابات پارلمانی اروپا از دیگر پیامدهای داخلی جنبش جلیقه‌زرها به شمار می‌آید. با این وجود، طیف‌هایی از جنبش جلیقه‌زرها، تلاش‌های انتخاباتی لاواسور را به منزله خیانت به جنبش و فرصت‌طلبی تلقی کردند، تا آنجا که نهایتاً لاواسور مجبور به انصراف از نامزدی در انتخابات پارلمان اروپا شد (Lemonde, 13 février 2019).

### پیامدهای خارجی

جنبش جلیقه‌زرها در عرصه دیپلماتیک نیز تضعیف موضع ماکرون در سطح بین‌المللی به‌ویژه از منظر سیاست‌های زیست‌محیطی را در پی داشته است. هرچند ماکرون از آغاز دوران ریاست جمهوری خود، دیپلماسی فعالی را در عرصه بین‌المللی به‌ویژه در قبال برجام و برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفت. ولی بحران جلیقه‌زرها از حیث بین‌المللی موجب شد تا دولت ماکرون برای تمرکز بیشتر بر چالش جلیقه‌زرها از شرکت در اجلاس داووس ۲۰۱۹ انصراف دهد.

هرچند رسانه‌های آنگلوساکسون بر تأثیر روسیه بر جنبش جلیقه‌زرها از طریق تویتر تأکید می‌کنند، ولی «دیمیتری کیسلیوف»<sup>۲</sup> مجری برجسته شبکه روسیه ۱ (طرفدار پوتین) جنبش جلیقه‌زرها را نمونه‌ای از صدور انقلاب‌های رنگین معرفی کرده است. کیسلیوف این امر را تنبیهی از سوی کاخ سفید برای ماکرون تلقی کرده است، چراکه ماکرون ضرورت ایجاد ارتش

1. Ingrid Lavasseur

2. Dmitry Kiselyov



اروپایی را مطرح نموده بود (France24, 2018). روسیسکایا گازتا<sup>۱</sup> روزنامه رسمی روسیه در مقاله‌ای تضعیف ماکرون و حتی با کمی شانس بیشتر، کناره‌گیری وی از قدرت را هم‌راستا با منافع دونالد ترامپ دانسته است. نباید از خاطر برد که تلاش ماکرون برای رهبری اتحادیه اروپا، دفاع از ایده ارتش اروپایی مستقل از امریکا و همچنین حمایت از توافق هسته‌ای ایران همسو با سیاست‌های کاخ سفید نبوده است. علاوه بر این، توفیق جنبش جلیقه‌زدها ضمن تقویت موقعیت امریکا در اروپا، این درس را به رهبران کشورهای اروپایی می‌دهد که عدم همراهی با سیاست‌های کاخ سفید می‌تواند بهای سنگینی برایشان داشته باشد (Europe1, 2018). اما به‌طور کلی رسانه‌های انگلیسی‌زبان انگشت اتهام را سوی روسیه گرفته و مسکو را متهم به مداخله‌جویی در مسائل داخلی فرانسه کرده‌اند.

اندیشکده اتحاد برای تأمین دموکراسی<sup>۲</sup> وابسته به بنیاد جرج مارشال امریکا<sup>۳</sup> در گزارشی عنوان کرده است که هشتگ جلیقه‌زدها به کلیدی‌ترین واژه ۶۰۰ حساب توییتری تبدیل شده است که به ترویج مواضع دولت روسیه می‌پردازند. حساب‌های مذکور که عموماً به مسائل مربوط به امریکا می‌پردازند، حداقل به مدت یک هفته توجه خود را معطوف به جنبش جلیقه‌زدها نمودند که این مسئله به‌روشنی از علاقه مسکو به دامن زدن به جنبش جلیقه‌زدها حکایت می‌کند (France24, 2018). دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین در پاسخ به اتهامات دو روزنامه «د تایمز»<sup>۴</sup> بریتانیا و بلومبرگ امریکا، با رد اتهامات وارده به دولت متبوعش، اظهار داشت داشت مسکو در مسائل داخلی فرانسه دخالت نمی‌کند (France24, 2018).

انتشار نتایج مطالعات باپتیست روبر<sup>۵</sup>، پژوهشگر حوزه دفاع سایبری درباره توییت‌های انگلیسی‌زبان در رابطه با جنبش جلیقه‌زدها، نظریه مداخله روسیه را تعدیل کرده است. روبر با تحلیل ۲۵۶,۰۰۰ حساب کاربری توییت در بازه زمانی یک‌هفته‌ای، ۱۰ پروفایل با بیشترین تأثیرگذاری را شناسایی کرده است. نتیجه مطالعات روبر نشان می‌دهد هیچ‌یک از این ده پروفایل، روسی نبوده‌اند؛ در بین ده کاربر با بیشترین جریان‌سازی در فضای توییت، کاربرانی با ملیت‌های مختلف (انگلیسی و یا لهستانی) و خصوصاً طرفداران ترامپ علیه دولت ماکرون به

1. Российская газета

2. Alliance for securing democracy ("Alliance pour la préservation de la démocratie")

3. German Marshall Fund

4. The Times

5. Baptiste Robert



فعالیت پرداخته‌اند. هرچند کاربران روسی طرفدار پوتین نیز علناً از جنبش جلیقه‌زرها حمایت کرده‌اند ولی کاربران روسی جزو ده کاربر با بیشترین جریان‌سازی در توییتر نبوده‌اند. روبر معتقد است قصد کاربران مذکور تأثیرگذاری بر جنبش جلیقه‌زرها نبوده بلکه هدف این کاربران مخدوش کردن چهره پاریس و نشان دادن تصویری خشونت‌بار از فرانسه بوده است (France24, 2018).

از لحاظ سیاست اعلامی، رؤسای جمهور امریکا و روسیه رویکرد کاملاً متمایزی را در پیش گرفته‌اند. روسیه اعلام کرده که قصد مداخله در امور داخلی فرانسه را ندارد ولی ترامپ در توییت‌های مختلفی ضمن مداخله در امور داخلی فرانسه و دفاع از جنبش جلیقه‌زرها، سیاست اقلیمی فرانسه را عامل اصلی آشوب‌های فرانسه اعلام کرد. دونالد ترامپ با انتشار توییتی، اعتراضات در فرانسه را نشانه «عدم کارایی» معاهده پاریس دانسته است (Liberation, 8 décembre 2018 )

ترامپ در توییت دیگری در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸ (۴ آذر ۱۳۹۷) ضمن اشاره به بررسی اقدامات جنبش جلیقه‌زرها به انتقاد از ماکرون و اتحادیه اروپا در دو موضوع تجارت و هزینه‌های نظامی پرداخت. رسانه‌های فرانسوی توییت‌های پی‌درپی ترامپ را نوعی اعمال فشار بر ماکرون و اتحادیه اروپا ارزیابی کردند (Ducrocq, 2019).

اقدامات مداخله‌جویانه ترامپ منجر به واکنش انتقادی ژان ایو لودریان وزیر امور خارجه فرانسه شد. وی گفت ترامپ نباید در مسائل داخلی فرانسه دخالت کند (Vaillant, 9 décembre 2018).

جنبش جلیقه‌زرها در سایر مناطق دنیا تأثیرگذار بوده و الهام‌بخش جنبش‌های اعتراضی گردیده است. غالب این جنبش‌ها مطالباتی مشابه جنبش جلیقه‌زرها داشته‌اند: نابرابری اجتماعی، کاهش قدرت خرید و بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی. جنبش جلیقه‌زرها در فلسطین اشغالی (در تل‌آویو و بیت‌المقدس) در اعتراض به اعلام افزایش قیمت برخی از موارد مصرفی از قبیل آب، مواد غذایی و همچنین برق (rfi, 25 décembre 2018)، جنبش اعتراضی در تونس در اعتراض به نرخ بالای بیکاری جوانان (۳۰٪) و همچنین قیمت بالای سوخت و همچنین جنبش اعتراضی در شهر بیروت با حضور معترضان با پوشش جلیقه زرد در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۱۸ و با مطالباتی از قبیل کاهش مالیات، کاهش قیمت سوخت و مبارزه با فساد نمونه‌هایی از الهام‌بخشی



جنبش جلیقه‌زدها در سایر مناطق به شمار می‌رود. ناگفته نماند در مصر در دسامبر ۲۰۱۸ فروش جلیقه‌زرد (به‌عنوان نماد اعتراض) ممنوع شده است (rfi, 25 décembre 2018).

#### ۴-۵. پیامدهای امنیتی

در زمره پیامدهای امنیتی جنبش جلیقه‌زدها می‌توان به تداوم تنش و آشوب در فرانسه و به‌ویژه پاریس اشاره کرد. براساس گزارش وزارت کشور فرانسه، تا تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹ (۲۴ آبان ۱۳۹۸) ۱۹۴۴ نیروی پلیس و ژاندارم و همچنین تعدادی از نیروهای آتش نشانی و ۲۴۹۵ نفر از تظاهرکنندگان مصدوم شده‌اند. تعداد کشته‌های جنبش پس از یک سال از ایجاد آن، ۱۱ نفر بالغ شده است که اغلب آنها مربوط به هفته‌های نخست بوده است. ۲۴ نفر از مجروحان نابینا و ۵ نفر دیگر هم دست خود را از دست داده‌اند (CNEWS, 15 novembre 2019). مضافاً آنکه ده نفر دیگر هم به‌شدت از ناحیه فک و پا مصدوم شده‌اند (Mazoue, 18 mai 2019). روزنامه لوموند، که همواره از حمایت‌های مالی دولتی برخوردار بوده است، تعداد محکومین جنبش جلیقه‌زدها را ۳,۱۰۰ نفر دانسته که از این میان ۱۰۰ نفر بازداشت شده و ۴۰۰ نفر نیز به حبس قطعی محکوم شده‌اند (Vincent, 8 novembre 2019). با این وجود، باستامگ<sup>۱</sup> که رسانه‌ای مستقل به شمار می‌آید تعداد محکومان را ۳,۰۰۰ نفر اعلام کرده است که یک سوم آنها به حبس قطعی محکوم شده‌اند (Léchenet, 23 septembre 2019).

خودکشی ۶۴ نفر از نیروهای پلیس فرانسه از آغاز سال ۲۰۱۹ میلادی در رده‌های مختلف (مربی آکادمی پلیس فرانسه، در رده فرماندهان و خصوصاً نیروهای ضد شورش فرانسه) شایسته توجه است. حملات پی در پی تروریستی از سال ۲۰۱۵ میلادی و همچنین تظاهرات هفتگی جلیقه‌زدها که غالباً با خشونت بسیاری همراه است، به‌عنوان عامل افزایش خودکشی در بین نیروهای پلیس فرانسه مطرح شده است (Ganley, 18 aout 2019).

#### ۶. نتیجه‌گیری

جنبش جلیقه‌زدها در فرانسه به‌عنوان یک جنبش اجتماعی جدید، با اتکاء به شبکه‌های اجتماعی و به صورت خودانگیخته و بدون رهبری آغاز شد؛ حضور اقشار گوناگون جامعه فرانسه اعم از پیر و جوان و با مشارکت چشمگیر زنان (خصوصاً زنان سرپرست خانوار) و همچنین طبقات ضعیف و متوسط مبین ویژگی فراطبقاتی جنبش جلیقه‌زدها است.

جنبش جلیقه‌زرها هرچند در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی و مالیاتی ماکرون آغاز شد، اما زمینه پیدایش آن را باید در تعمیق شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی در فرانسه دانست. افزایش فقر و بیکاری و نابرابری و ناامیدی درباره بهبود وضعیت زندگی طبقات ضعیف به دلیل نابرابری فرصت‌های رشد و ترقی، منجر به بروز راهپیمایی‌های اعتراضی مداوم در این کشور شده است. واکنش خشن پلیس در سرکوب معترضان و اقدامات ناکافی ماکرون در اصلاح وضعیت موجود از نظر طیف وسیعی از جامعه فرانسه را باید علت بروز این جنبش دانست. رفتارهای ناشیانه دولت ماکرون در برخورد با معترضان سبب شده تا وی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی فرانسه و همچنین برخی از منابع رسانه‌ای، به عنوان چهره‌ای دیکتاتور در داخل و خارج فرانسه شناخته شود. پیامدهای جنبش جلیقه‌زرها از ابعاد گوناگون قابل در این نوشته بررسی شد:

**از حیث اقتصادی،** جنبش جلیقه‌زرها کاهش رشد اقتصادی ۰,۱ درصدی اقتصاد فرانسه از ابتدای جنبش در نوامبر ۲۰۱۸ تا مارس ۲۰۱۹ را در پی داشته است (HONORÉ, 2019). به بیان دیگر، این جنبش حدوداً ۴ میلیارد یورو به اقتصاد این کشور لطمه زده است. حمله به ساختمان ۷۶۰ شعبه بانکی، سرقت مراکز تجاری و همچنین به آتش کشیدن اتومبیل‌ها از دیگر آسیب‌های اقتصادی جنبش جلیقه‌زرها به ارزش ۲۰۰ میلیون یورو بوده است (Leparisien, 21 mars 2019).

**از حیث اجتماعی،** جنبش جلیقه‌زرها قفل زبان اقشار ضعیف و متوسط جامعه فرانسه را گشوده است و بروز جنبش‌های اعتراضی قابل توجهی در اقشار گوناگون جامعه فرانسه را در پی داشته است. جنبش اعتراضی جلیقه‌سیاه‌ها، جنبش اعتراضی معلمان، جنبش اعتراضی کارکنان اورژانس فرانسه و جنبش اعتراضی پلیس فرانسه از این نظر قابل بررسی است.

جنبش جلیقه‌زرها باعث پیروزی احزاب راست افراطی در فرانسه شده است. گذشته از کسب جایگاه سوم در انتخابات اتحادیه اروپا در مه ۲۰۱۹ توسط احزاب راست افراطی در با ۱۱۵ کرسی نسبت به پارلمان سابق با ۳۷ کرسی، فهرست حزب تجمع ملی به رهبری مارین لوپن در این انتخابات با ۲۳,۷ درصد آرا جایگاه نخست را از آن خود کرده و از حزب «جمهوری به پیش» با ۲۲,۴ درصد آرا پیشی گرفته است.

هدف ماکرون از افزایش نرخ سوخت، اجرای تعهداتش در مقابله با تغییرات اقلیمی و افزایش خودروهای هیبریدی بود. بنابراین جنبش جلیقه‌زرها ضمن مخدوش ساختن وجهه بین‌المللی



فرانسه، عملاً نشان داد بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم فرانسه بر حمایت از سیاست‌های اقلیمی به نحوی که موجب افزایش فشار مالی بر مردم نشود، تأکید دارند.

براساس آخرین آمار موجود، تا تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹ (۲۴ آبان ۱۳۹۸) ۱۱ کشته و ۲۴۹۵ مصدوم از بین تظاهرکنندگان از جمله پیامدهای امنیتی جنبش جلیقه‌زرها به شمار می‌آید. مضافاً آنکه مجموع مصدومان نیروهای پلیس و ژاندارمری و همچنین نیروهای آتش‌نشانی ۱۹۴۴ تن اعلام شده است.

لذا می‌توان گفت که تداوم وضعیت فعلی جنبش جلیقه‌زرها و عدم اهتمام دولت ماکرون در ارائه پاسخ قانع‌کننده به معترضان، احتمال تقویت راست افراطی در انتخابات آتی ریاست جمهوری فرانسه را افزایش می‌دهد.

## ۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

با توجه به موارد مطرح شده در این مقاله، پیشنهادهایی برای دستگاه‌های دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای کشور و در رأس آنها شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما در نحوه مواجهه و تبیین ابعاد جنبش جلیقه‌زرها بیان می‌شود:

در برنامه‌های مختلف شبکه‌های برون‌مرزی، به ویژگی‌های جنبش جلیقه‌زرها مانند ابزارهای مورد استفاده، خودجوش بودن، فقدان رهبری، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (به‌لحاظ سن، جنس، شهری و روستایی بودن، ...)، استمرار جنبش، پراکندگی جغرافیایی معترضان، گرایش حزبی، خواسته‌های معترضان، پایگاه اقتصادی (وضعیت مالی معترضان)، پایگاه اجتماعی و... به طرق مقتضی اشاره شود.

در برنامه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی به بررسی علل و زمینه‌های کوتاه مدت جنبش جلیقه‌زرها از قبیل گسترش فقر، افزایش نابرابری در فرانسه (نابرابری درآمد، نابرابری در بهره‌گیری از نظام آموزشی، نابرابری در دستیابی به فرصت‌های شغلی، نابرابری در تهیه مسکن مناسب، نابرابری در دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و تفاوت فاحش امید به زندگی در بین طبقات اجتماعی مرفه و فقیر، نابرابری فضایی به معنای نابرابری فرصت‌ها در شهرهای بزرگ و مناطق حاشیه‌ای) و همچنین بی‌اعتمادی مردم فرانسه به نهادهای حکومتی از قبیل رسانه‌ها، سندیکاها، احزاب و خصوصاً شخص ماکرون رئیس‌جمهور این کشور پرداخته شود.

در برنامه‌های کارشناس‌محور، به‌ویژه به زبان انگلیسی و فرانسوی به بررسی علل درازمدت بروز جنبش جلیقه‌زرها از قبیل بحران اقتصادی پولی اروپا در کشورهای عضو منطقه یورو و تاثیرات آن بر اقتصاد کشورهای عضو از جمله فرانسه پرداخته شود.

در برنامه‌های خبری و تولیدی به آسیب‌های جنبش جلیقه‌زرها از قبیل سوء استفاده گروه‌های تندرو مانند آنتیفا و بلوک سیاه، نفوذ طرفداران جنبش‌های راست افراطی و چپ افراطی در بین اعضای جنبش جلیقه‌زرها، بروز رفتارهای خشونت‌بار و همچنین مسئله فقدان رهبری و نیز تفاوت در روش‌ها و اهداف در بین اعضای جنبش جلیقه‌زرها پرداخته شود. به بهانه‌های مختلف خبری و غیرخبری به پیامدهای اقتصادی جنبش جلیقه‌زرها از قبیل کاهش رشد اقتصادی ۰٫۱ درصدی فرانسه (معادل ۴ میلیارد یورو) و تضعیف گردشگری پرداخته شود. بیشترین تأثیرگذاری جنبش جلیقه‌زرها بر اقتصاد فرانسه مربوط به صنعت گردشگری بوده است به گونه ای که در ماه دسامبر ۲۰۱۸، میزان گردشگران خارجی در فرانسه ۱۰ درصد کاهش یافت. ناگفته نماند با کاهش جمعیت معترضان در تابستان ۲۰۱۹، تعداد گردشگران خارجی در این بازه زمانی تقریباً با تابستان ۲۰۱۸ برابری نموده است.

در برنامه‌های مختلف خبری و غیرخبری به پیامدهای رسانه‌ای جنبش جلیقه‌زرها از قبیل معرفی این جنبش به‌عنوان مبارزه‌ای طبقاتی و تداعی‌کننده انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ و همچنین مبارزه‌ای بین نخبگان و مردم فرانسه اشاره شود. شایان ذکر است وضعیت امنیتی ویژه پاریس و اعمال خشونت بی‌سابقه در جنبش جلیقه‌زرها، بی‌توجهی ماکرون به تاثیر رسانه‌ها در پیشبرد اصلاحات مدنظر خود و عدم اتکا به قدرت‌های واسطه‌ای همچون سندیکاها، انجمن‌های صنفی کارفرمایان و سایر انجمن‌های مدنی از دیگر پیامدهای رسانه‌ای این جنبش به شمار می‌آید.

در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، به پیامدهای اجتماعی جنبش جلیقه‌زرها از جمله جنبش‌های اعتراضی موسوم به «جلیقه‌سیاه‌ها» و «شال قرمزها»، جنبش اعتراضی معلمان، جنبش اعتراضی پلیس فرانسه و همچنین مطالبه افزایش حقوق کارکنان اورژانس فرانسه پرداخته شود.

در برنامه‌های سیاسی به پیامدهای سیاسی جنبش جلیقه‌زرها در داخل این کشور از جمله کسب اکثریت آرا توسط فهرست مورد تایید حزب تجمع ملی به رهبری مارین لوپن و همچنین گسترش اندیشه‌های پوپولیستی در فرانسه پرداخته شود.



در برنامه‌های خبری و غیرخبری به پیامدهای سیاسی جنبش جلیقه‌زرها در سطح بین‌المللی از قبیل تضعیف موضع ماکرون در سطح بین‌المللی به‌ویژه از منظر سیاست‌های زیست‌محیطی، تلاش قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده آمریکا و روسیه بر تأثیرگذاری بر جنبش جلیقه‌زرها از طریق توییت‌ر پرداخته شود.

در برنامه‌های مختلف به پیامدهای منطقه‌ای جنبش جلیقه‌زرها از قبیل ایجاد جنبش‌های متأثر از جنبش جلیقه‌زرها در بلژیک، آلمان، هلند، بریتانیا، لهستان، مجارستان، پرتغال و اسپانیا پرداخته شود. همچنین تقویت راست افراطی در اروپا تأثیر پیدایش جنبش جلیقه‌زرها بر نتایج انتخابات اتحادیه اروپا و افزایش چشمگیر آرای این حزب در انتخابات اخیر اتحادیه اروپا مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهاد می‌شود در قالب برنامه مستند، ترجیحاً در پرس‌توی فرانسوی، و با استفاده از صاحب‌نظران بین‌المللی، به ماهیت و ویژگی‌های جنبش جلیقه‌زرها، پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی این جنبش و چشم‌انداز آن پرداخته شود.



## منابع و مأخذ

اشرف‌الکتابی، آویشا (۱۳۹۸). مطالعه مقایسه‌ای بازتاب رسانه‌ای جنبش جلیقه‌زرها در روزنامه فرانسوی اژوغدوئی در مقایسه با شش روزنامه دیگر چاپ فرانسه در ماه‌های نوامبر و دسامبر ۲۰۱۸، تهران: انتشارات اندیشه عصر.

چگینی، سینا و مهدی سلیمانی (۱۳۹۷)، «جلیقه‌زدهای فرانسه: جنبشی برای تأمین اجتماعی؟»، **موسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی**، قابل دسترسی در:

<https://www.ssor.ir/images/1398/down/j1.pdf>

دولت‌آبادی، هادی (۱۳۹۷)، نشست «آینده سیاسی ماکرون، فرانسه و جنبش جلیقه‌زرها: به‌سوی جمهوری ششم»، **دانشکده مطالعات جهان**، قابل دسترسی در:

<http://yon.ir/gbJPV>

**یورونیوز فارسی** (۲۰۱۹)، «شال قرمزهای فرانسه چه کسانی هستند؟»، قابل دسترسی در:

<https://fa.euronews.com/2019/01/29/who-are-foulards-rouges-in-france-yellow-vests-movement>

**یورونیوز فارسی** (۲۰۱۹)، «ماکرون: جنبش جلیقه‌زرها تغییر ماهیت داده، نظم عمومی باید بازگردد»، قابل دسترسی در:

<https://fa.euronews.com/2019/04/25/macron-announces-measures-in-response-to-national-debate-yellow-vest-anger>

هرسیج، حسین و علی ابراهیمی (۱۳۹۷)، «تله بنیان‌گذار و نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید: تحلیلی بر انقلاب تونس»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صص: ۵۱۳-۵۳۳.

سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال شانزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۶۰)، زمستان، صص: ۱۷۷-۱۵۱.

Aguiton, Christophe. (2011), "Indignés", "Occupy Wall Street", des manifestations de rue qui prennent racine!» Retrieved from: <https://www.cahiersdusocialisme.org/indignes-occupy-wall-street-des-manifestations-de-rue-qui-prennent-racines/>

Amsisli, Sophie (2019), «Le sentiment de pauvreté s'est fortement accentué en 2018 en France», Retrieved from: <https://www.lesechos.fr/economie-france/social/le-sentiment-de-pauvrete-sest-fortement-accentue-en-2018-en-france-1129679>

Boisselier, Alexis (2019), «Emmanuel Macron: les Français pas convaincus par son intervention mais favorables à plusieurs de ses annonces». Retrieved from: <https://www.lejdd.fr/Politique/emmanuel-macron-les-francais-pas-convaincus-par-son-intervention-mais-favorables-a-plusieurs-de-ses-annonces-3895379>

Bucco, Amaury (2018), «Plus d'un Français sur dix frustré par son salaire». Retrieved from:



- <http://www.lefigaro.fr/decideurs/emploi/2018/12/21/3300920181221ARTFIG00005-plus-d-un-francais-sur-dix-frustre-par-son-salaire.php>
- Caturla, Marine (2019), « les gilets jaunes en marge du défilé du 14 Juillet », Retrieved from: [https://www.liberation.fr/france/2019/07/14/a-paris-tensions-entre-la-police-et-les-gilets-jaunes-en-marge-du-defile-du-14-juillet\\_1739937](https://www.liberation.fr/france/2019/07/14/a-paris-tensions-entre-la-police-et-les-gilets-jaunes-en-marge-du-defile-du-14-juillet_1739937)
- CNEWS** (2018), «gilets jaunes: les étapes d'un mouvement inédit». Retrieved from: <https://www.cnews.fr/france/2018-12-10/gilets-jaunes-les-etapes-dun-mouvement-inedit-802393>
- CNEWS.** (2019), mobilisation, blessures, arrestations... un an de gilets jaunes en chiffres. Retreved from: <https://www.cnews.fr/france/2019-11-15/mobilisation-blessures-arrestations-un-de-gilets-jaunes-en-chiffres-840398>
- Dahyot, Agathe et al (2018), « Un an après son élection, Emmanuel Macron tient-il ses promesses de campagne? ». Retrieved from: [https://www.lemonde.fr/les-decodeurs/visuel/2018/05/07/un-an-apres-son-election-emmanuel-macron-tient-il-ses-promesses-de-campagne\\_5295281\\_4355770.html](https://www.lemonde.fr/les-decodeurs/visuel/2018/05/07/un-an-apres-son-election-emmanuel-macron-tient-il-ses-promesses-de-campagne_5295281_4355770.html)
- Diffalah, Sarah. (2011), «comprendre."Occupy Wall Street": qui sont les Indignés made in USA»? . Retrieved from: <https://www.nouvelobs.com/monde/20111013.OBS2377/comprendre-occupy-wall-street-qui-sont-les-indignes-made-in-usa.html>
- Ducrocq, Camille. (2019), «Trump s'en prend à Macron: ces quatre fois où le président américain s'est lâché sur Twitter». Retrieved from: <http://www.leparisien.fr/international/trump-s-en-prend-a-macron-ces-quatre-fois-ou-le-president-americain-s-est-lache-sur-twitter-09-08-2019-8131251.php>
- Durand, Anne-Aël (2017), « Dix graphiques qui illustrent les inégalités en France », Retrieved from: [https://www.lemonde.fr/les-decodeurs/article/2017/05/30/dix-graphiques-qui-illustrent-les-inegalites-en-france\\_5136168\\_4355770.html](https://www.lemonde.fr/les-decodeurs/article/2017/05/30/dix-graphiques-qui-illustrent-les-inegalites-en-france_5136168_4355770.html)
- Duval, Guillaume. (2018), «Gilets jaunes: une crise française», Retrieved from <https://www.alternatives-economiques.fr/gilets-jaunes-une-crise-francaise/00087068>
- Elysee.** (2018), «Faire de cette colère une chance». Retrieved from <https://www.elysee.fr/emmanuel-macron/2018/12/10/adresse-du-president-de-la-republique-du-lundi-10-decembre-2018>
- Europe 1.** (2018), «Pour les médias gouvernementaux russes, Washington est derrière le mouvement des "gilets jaunes"». Retrieved from: <https://www.europe1.fr/international/pour-les-medias-gouvernementaux-russes-washington-est-derriere-le-mouvement-des-gilets-jaunes-3813689>
- Europe 1.** (2019), «L'ESSENTIEL - Gilets jaunes: 31.000 manifestants en France dont 5.000 à Paris, selon le ministère de l'Intérieur». Retrieved from:



<https://www.europe1.fr/societe/en-direct-gilets-jaunes-suivez-lacte-22-de-la-mobilisation-3890636>

**France 24.** (2018), «Gilets jaunes: "Les tentatives d'influence russe, une goutte d'eau dans l'océan"». Retrieved from: <https://www.france24.com/fr/20181210-gilets-jaunes-influence-russe-ingerence-twitter-facebook>

**France 24.** (2019), «Après sept mois de crise des Gilets jaunes, Castaner ouvre une réflexion sur le maintien de l'ordre». Retrieved from:

<https://www.france24.com/fr/20190617-france-christophe-castaner-reflexion-maintien-ordre-gilets-jaunes>

Ganley, Elaine. (2019), «Suicides Among French Police Rise, With 64 So Far This Year». Retrieved from: <https://time.com/5654923/french-police-suicides/>

Gelabert, Esther. (2013), «Le Printemps arabe en perspective».

**Cahiers de l'action.** (N° 39), pages 11 à 17. Retrieved from: <https://www.cairn.info/revue-cahiers-de-l-action-2013-2-page-11.htm>

Hamon, Flavien. (2011), «La machine de guerre d'Occupy Wall Street sur Internet». Retrieved from [https://www.lexpress.fr/actualite/monde/la-machine-de-guerre-d-occupy-wall-street-sur-internet\\_1051749.html](https://www.lexpress.fr/actualite/monde/la-machine-de-guerre-d-occupy-wall-street-sur-internet_1051749.html)

HONORÉ, Renaud (2019), «Gilets jaunes: l'impact économique du mouvement reste limité», Retrieved from: <https://www.lesechos.fr/economie-france/budget-fiscalite/gilets-jaunes-limpact-economique-des-manifestations-reste-limite-1001955>

Jenik, Claire (2018), «4 millions de personnes touchées par le mal-logement », Retrieved from: <https://fr.statista.com/infographie/7851/4-millions-de-personnes-touchees-par-le-mal-logement/>

**L'Observatoire des inégalités** (2018), «L'évolution des inégalités de revenus en Europe ». Retrieved from: [https://www.inegalites.fr/L-evolution-des-inegalites-de-revenus-en-Europe?id\\_theme=23](https://www.inegalites.fr/L-evolution-des-inegalites-de-revenus-en-Europe?id_theme=23)

**L'Observatoire des inégalités.** (2019), «Rapport 2019 : l'essentiel sur les inégalités d'éducation». Retrieved from: <https://www.inegalites.fr/L-essentiel-des-inegalites-d-education>

**L'Observatoire des inégalités** (2019), «Rapport 2019 : l'essentiel sur les inégalités au travail». Retrieved from: <https://www.inegalites.fr/L-essentiel-des-inegalites-dans-le-travail>

**L'Observatoire des inégalités,** (2019). «Rapport 2019 : l'essentiel sur les inégalités de mode de vie». Retrieved from: [https://www.inegalites.fr/L-essentiel-des-inegalites-de-mode-de-vie?id\\_theme=22](https://www.inegalites.fr/L-essentiel-des-inegalites-de-mode-de-vie?id_theme=22)

**L'Observatoire des inégalités.** (2019), «Rapport 2019 : l'essentiel sur les inégalités de revenus». Retrieved from: [https://www.inegalites.fr/L-essentiel-des-inegalites-de-revenus?id\\_theme=15](https://www.inegalites.fr/L-essentiel-des-inegalites-de-revenus?id_theme=15)



- Lci** (2018), «La pauvreté gagne du terrain et frappe de plus en plus les jeunes », Retrieved from: <https://www.lci.fr/social/pauvrete-en-france-2018-en-10-ans-des-pauvres-de-plus-en-plus-jeunes-selon-un-rapport-2101202.html>
- Lci** (2019), «Hôpitaux: le mouvement des urgences se poursuit avec une nouvelle manifestation, ce mardi à Paris». Retrieved from: <https://www.lci.fr/social/hopitaux-le-mouvement-des-urgences-se-poursuit-avec-une-nouvelle-manifestation-ce-mardi-a-paris-2125827.html>
- Le Goff, Jean-Pierre.** (2018), «Les Gilets jaunes, un nouveau Mai-68? "La situation est beaucoup plus chaotique et beaucoup plus inquiétante"». Retrieved from: <https://www.lci.fr/social/les-gilets-jaunes-un-nouveau-mai-68-la-situation-est-beaucoup-plus-chaotique-et-beaucoup-plus-inquietante-2106337.html>
- Léchenet, Alexandre. Gouin, Simon.** (2019), «Gilets jaunes face à la justice: 3000 condamnations prononcées, 1000 peines de prison ferme». Retrieved from: <https://www.bastamag.net/gilets-jaunes-champs-elysees-justice-repression-condamnations-violences-police-loi-anti-casseurs-prison>
- lefigaro** (2019), «Acte 26 des « gilets jaunes»: des manifestations attendues en province», Retrieved from <http://www.lefigaro.fr/flash-actu/acte-26-des-gilets-jaunes-des-manifestations-d-ampleur-attendues-en-province-20190510>
- Lemonde** (2018), «17 novembre: 282 000 «gilets jaunes» mobilisés, un mort et plusieurs blessés aux abords de barrages». Retrieved from: [https://www.lemonde.fr/societe/live/2018/11/17/suivez-en-direct-la-mobilisation-des-gilets-jaunes-a-travers-la-france\\_5384807\\_3224.html](https://www.lemonde.fr/societe/live/2018/11/17/suivez-en-direct-la-mobilisation-des-gilets-jaunes-a-travers-la-france_5384807_3224.html)
- Lemonde** (2019), «La "gilet jaune" Ingrid Levavasseur renonce à se présenter aux élections européennes». Retrieved from: [https://www.lemonde.fr/societe/article/2019/03/11/gilets-jaunes-ingrid-levavasseur-renonce-a-se-presenter-aux-elections\\_5434501\\_3224.html](https://www.lemonde.fr/societe/article/2019/03/11/gilets-jaunes-ingrid-levavasseur-renonce-a-se-presenter-aux-elections_5434501_3224.html)
- Leparisien.** (2018), «8,8 millions de pauvres en France, selon l'Insee». Retrieved from: <http://www.leparisien.fr/societe/8-8-millions-de-pauvres-en-france-selon-l-insee-11-09-2018-7884741.php>
- Leparisien.** (2019), « Gilets jaunes: 200 millions d'euros de dégâts pour les commerces, 760 banques touchées ». Retrieved from: <http://www.leparisien.fr/economie/gilets-jaunes-200-millions-d-euros-de-degats-pour-les-commerces-760-banques-touchees-21-03-2019-8036526.php>
- Lepoint.** (2019), « "Gilets jaunes": les étapes d'une fronde inédite en France». Retrieved from: [https://www.lepoint.fr/societe/gilets-jaunes-les-etapes-d-une-fronde-inedite-en-france-02-02-2019-2290950\\_23.php](https://www.lepoint.fr/societe/gilets-jaunes-les-etapes-d-une-fronde-inedite-en-france-02-02-2019-2290950_23.php)
- Liberation** (2018), «Gilets jaunes: Trump et Erdogan font la leçon à Macron». Retrieved from: [https://www.liberation.fr/planete/2018/12/08/gilets-jaunes-trump-et-erdogan-font-la-lecon-a-macron\\_1696836](https://www.liberation.fr/planete/2018/12/08/gilets-jaunes-trump-et-erdogan-font-la-lecon-a-macron_1696836)
- Letelegramme.** (2019), «Sondage. La popularité de Macron et Philippe en légère progression». Retrieved from: <https://www.letelegramme.fr/france/sondage->



- la-popularite-de-macron-et-philippe-en-legere-progression-21-07-2019-12344008.php#Fj7zmWgE3aiOgfYD.99
- lexpress.** (2019), «Copies du bac retenues par les profs: une "prise d'otage" des candidats pour Macron». Retrieved from: [https://www.lexpress.fr/education/bac/copies-du-bac-retenues-par-les-profs-une-prise-d-otage-des-candidats-pour-macron\\_2088403.html](https://www.lexpress.fr/education/bac/copies-du-bac-retenues-par-les-profs-une-prise-d-otage-des-candidats-pour-macron_2088403.html)
- Lexpress.** (2019), «Manifestation des enseignants: le désamour entre Blanquer et les profs». Retrieved from: [https://www.lexpress.fr/education/manifestation-des-enseignants-le-desamour-entre-blanquer-et-les-profs\\_2070273.html](https://www.lexpress.fr/education/manifestation-des-enseignants-le-desamour-entre-blanquer-et-les-profs_2070273.html)
- Mazoue, Aude. (2019), «Gilets jaunes: après six mois d'existence, le bilan d'un mouvement inédit». Retrieved from: <https://www.france24.com/fr/20190518-gilets-jaunes-six-mois-apres-bilan-mouvement-inedit-macron-manifestation>
- Morin, Violaine. (2017), «Comment Internet a fait les "printemps arabes"». Retrieved from: [https://www.lemonde.fr/idees/article/2017/10/14/comment-internet-a-fait-les-printemps-arabes\\_5201063\\_3232.html](https://www.lemonde.fr/idees/article/2017/10/14/comment-internet-a-fait-les-printemps-arabes_5201063_3232.html)
- Nouvelobservateur.** (2019), «"Gilets jaunes": 170 millions d'euros de dégâts, selon les assureurs (sans compter l'acte 18)» Retrieved from: <https://www.nouvelobs.com/economie/20190318.OBS1960/gilets-jaunes-170-millions-d-euros-de-degats-selon-les-assureurs-sans-compter-l-acte-18.html>
- Peillon, Luc. (2019), «Le nombre de pauvres progresse-t-il en France?», Retrieved from: [https://www.liberation.fr/checknews/2019/02/05/le-nombre-de-pauvres-progresse-t-il-en-france\\_1707309](https://www.liberation.fr/checknews/2019/02/05/le-nombre-de-pauvres-progresse-t-il-en-france_1707309)
- rfi.** (2018), «Le mouvement «gilets jaunes» inspire les luttes dans le monde». Retrieved from: <http://www.rfi.fr/france/20181225-impact-mouvement-gilets-jaunes-le-monde>
- Robert, Philippine (2019), «Les gilets jaunes n'ont pas effrayé les investisseurs étrangers». Retrieved from: <https://www.capital.fr/economie-politique/les-gilets-jaunes-nont-pas-effraye-les-investisseurs-etrangers-1345249>
- Rodineau, Claire (2018), «Gilets jaunes: des similitudes avec Mai 68». Retrieved from: <https://www.bfmtv.com/societe/mai-68-gilets-jaunes-une-comparaison-qui-a-ses-limites-1583488.html>
- Rouban, Luc. (2019), «Les "gilets jaunes", une transition populiste de droite». Retrieved from: <https://www.sciencespo.fr/actualites/actualites/les-«-gilets-jaunes-»-une-transition-populiste-de-droite/3939>
- Schmitt, Camille. (2018), «"Gilets jaunes: les policiers sur le point de rejoindre le mouvement?». Retrieved from: <https://www.rtl.fr/actu/debats-societe/gilets-jaunes-les-policiers-sur-le-point-de-rejoindre-le-mouvement-7795952530>
- statista** (2019), «Nombre de participants lors des manifestations des gilets jaunes en France entre novembre 2018 et juin 2019», Retrieved from:



<https://fr.statista.com/statistiques/952143/nombre-manifestants-gilets-jaunes-france/>

**sudouest.** (2019), «Gilets jaunes : quel impact sur la fréquentation touristique en France?» Retrieved from: <https://www.sudouest.fr/2019/01/11/gilets-jaunes-quel-impact-sur-la-frequentation-touristique-en-france-5724288-10530.php>

Vaillant, Gaël. (2018), «Les tweets de Donald Trump sur les Gilets jaunes agacent le gouvernement français». Retrieved from: <https://www.lejdd.fr/International/les-tweets-de-donald-trump-sur-les-gilets-jaunes-agacent-le-gouvernement-francais-3817121>

Vignon, Emilie. (2019), «Dossier de l'été 2019: les chiffres clés du tourisme français ». Retrieved from: <https://www.lechotouristique.com/article/dossier-de-lete-2019-les-chiffres-cles-du-tourisme-francais>

Vincent, Elise. (2019), «“Gilets jaunes”: 10 000 gardes à vue, 3 100 condamnations... une réponse pénale sans précédent». Retrieved from: [https://www.lemonde.fr/societe/article/2019/11/08/gilets-jaunes-plus-de-3-000-condamnations-par-la-justice-entre-novembre-2018-et-juin-2019\\_6018431\\_3224.html](https://www.lemonde.fr/societe/article/2019/11/08/gilets-jaunes-plus-de-3-000-condamnations-par-la-justice-entre-novembre-2018-et-juin-2019_6018431_3224.html)



## تبعض نژادی در امریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ؛ علل، زمینه‌ها و ارائه راهبردهای تبلیغی

مجید روحی‌دهبته<sup>۱</sup>

### چکیده

مسئله تعارضات نژادی در امریکا پیشینه‌ی تاریخی طولانی دارد. هرچند این کشور از بدو تأسیس با این پدیده دست به گریبان بوده است، اما در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از حوادث شهر شارلوتزویل در آگوست ۲۰۱۷ و اظهارات و اقدامات ترامپ، این مسئله به‌صورت جدی‌تری حیات سیاسی امریکا را دستخوش چالش نموده است. از این رو، این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، این پرسش اصلی را مطرح می‌کند که چه علل و عواملی در تشدید تعارضات نژادی در امریکا از سال ۲۰۱۶ به بعد نقش داشته‌اند و چگونه می‌توان آن‌ها را تبیین کرد؟ برخی از علل تشدید این تعارضات، ریشه در مسایل و مشکلات ساختاری دارد که در نظام آموزشی، قضایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امریکا نهفته است و از بدو تأسیس این کشور وجود داشته و کماکان نیز تداوم دارد. بخش مهم دیگر نیز به ویژگی‌ها و شخصیت ترامپ، افکار و اقدامات وی، آرای سفیدپوستان و همچنین حمایت گروه‌های راست افراطی از وی، مربوط می‌شود. این پدیده می‌تواند در دو بعد داخلی و بین‌المللی پیامدهای مهمی از تشدید فضای دو قطبی تا افزایش شکاف‌های ساختاری، جنسیتی و طبقاتی گرفته تا افول قدرت نرم و جایگاه امریکا در نظام بین‌الملل را به همراه داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** نژادپرستی در امریکا، ترامپ و ترامپیسم، لیبرال دموکراسی، راهبردهای تبلیغی.

## ۱. مقدمه

جامعه امریکا در سال‌های اخیر با مشکلات و مسائل کم‌سابقه‌ای مواجه شده است. مشکلات مربوط به روابط و سیاست خارجی این کشور در قبال چین، ایران، کره شمالی و روسیه، مسایلی چون خروج از توافق آب و هوایی پاریس، پیمان تجارت آزاد ترانس آتلانتیک، توافق هسته‌ای با ایران، مواجه شدن با موج بی‌سابقه بی‌اعتمادی نسبت به نظام سیاسی، دو قطبی‌ها و شکاف‌های اجتماعی و سیاسی که در تاریخ سیاسی این کشور حداقل از زمان جنگ سرد به این سو بی‌سابقه می‌نماید، از جمله مهم‌ترین مسائل و مشکلاتی هستند که امروزه جامعه سیاسی امریکا در دو بعد داخلی و بین‌المللی درگیر آن هستند. در این میان، یکی از مشکلات و تعارضاتی که به‌طور جدی مسئله‌ساز شده، افزایش خشونت‌ها و تعارضات نژادی است.

ارسال بمب به ۱۴ تن از مخالفان ترامپ و تیراندازی و کشته شدن ۱۱ نفر در یک کنیسه یهودیان به اضافه افزایش خشونت پلیس درباره سیاه‌پوستان و اعتراضات این قشر از جامعه امریکا درباره تبعیض‌ها، توتیت‌های جنجالی ترامپ در مورد چهار تن از نمایندگان زن کنگره امریکا و اعترافات مایکل کوهن، وکیل و مشاور انتخاباتی ترامپ مبنی بر نژادپرست بودن وی، تنها بخشی از این تعارضات و شکاف‌های اجتماعی است. گرچه علل و عوامل مختلفی را در این خصوص می‌توان ذکر کرد و به اعتقاد بسیاری از محققان بخش بسیار مهمی از آن ریشه در تاریخ و شکل‌گیری حیات سیاسی این کشور براساس برده‌داری و خشونت علیه سیاهان دارد، اما پیروزی ترامپ، اظهارات و اقدامات وی نیز در دامن زدن به این تعارضات نژادی بسیار مؤثر بوده است.

بر این اساس، این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و با هدف تبیین تبعیض نژادی در امریکا و شناخت علل و عواملی که منجر به تشدید آن شده است، این پرسش اصلی را مطرح می‌کند که چه علل و عواملی در تشدید تعارضات نژادی در امریکا از سال ۲۰۱۶ به بعد نقش داشته‌اند و چگونه می‌توان آن را تبیین کرد؟ علاوه بر این، پرسش‌های فرعی نیز مطرح می‌شوند، از جمله اینکه، شخصیت، اظهارات و اقدامات ترامپ در تشدید این تعارضات نژادی چقدر نقش داشته است؟ تعارضات نژادی چه پیامدهایی در عرصه داخلی و بین‌المللی برای امریکا به همراه داشته است؟ به پرسش اصلی می‌توان از دو بعد ساختاری و شخصیتی پاسخ داد. برخی از علل تشدید تعارضات، ریشه در مسایل و مشکلات ساختاری دارد که در ساختارهای آموزشی، قضایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نهفته است و از بدو تأسیس در امریکا وجود



داشته و کماکان نیز تداوم یافته است. بخش مهم دیگر نیز به ویژگی‌ها و شخصیت ترامپ، افکار و اقدامات وی، آرای سفیدپوستان و همچنین حمایت گروه‌های راست افراطی از وی مربوط می‌شود. در پاسخ به سؤالات فرعی نیز بایستی خاطرنشان ساخت، شخصیت، ویژگی‌ها، لفاظی و سخنرانی‌های ترامپ و همچنین نزدیکی دیدگاه او به سفیدپوستان و سفیدبرترپندارها نقش بسیار مهمی در تشدید تعارضات نژادی در امریکا داشته است.

در این راستا، تشدید فضای دو قطبی، افزایش شکاف‌های ساختاری، طبقاتی و مشکلات اقتصادی و در عرصه بین‌المللی افول جایگاه و اعتبار و همچنین قدرت نرم امریکا را می‌توان از مهم‌ترین پیامدهای داخلی و بین‌المللی تشدید تعارضات نژادی در این کشور محسوب کرد. این مقاله، با هدف تحلیل جامع تبعیض نژادی در امریکا به‌ویژه از دو بعد ساختاری و روان‌شناختی، سعی دارد تا با شناسایی و تبیین درست و واقع‌بینانه تعارض نژادی در نظام سیاسی امریکا، راهکارهایی را برای رسانه برون‌مرزی در راستای تبیین بهتر این موضوع برای افکار عمومی جهان ارائه دهد.

## ۲. پیشینه پژوهش

نیل اسملسر<sup>۱</sup>، ویلیام جولوس ویلسون<sup>۲</sup> و فیت میشل<sup>۳</sup> در کتاب «روندهای نژادی و پیامدهای آن در جامعه امریکا»<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) روندهای نژادپرستانه حاکم در سیستم‌های قضایی، حقوقی، سیاسی، بازار کار و درآمد و سیستم بهداشتی در امریکا و در میان اقلیت‌های مختلف این کشور را بررسی کردند و براساس آن نشان دادند که جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری سیستم سیاسی امریکا به ضرر اقلیت‌ها به‌ویژه سیاه‌پوستان بوده است.

جو. آر. فیگن<sup>۵</sup> در کتاب «امریکایی نژادپرست، ریشه‌ها، واقعیت‌های کنونی و راهکارهای مقابله با آن»<sup>۶</sup> (۲۰۰۱)، نژادپرستی و سیاست‌های تبعیض نژادی در امریکا را نظام‌مند می‌داند. به نوشته او، این روند به ضرر گروه‌های غیرسفیدپوست و به سود سفیدپوستان سوق داده شده است.

1. Neil J. Smelser

2. Wiliam Julius Wilson

3. Faith Mitchell

4. America Becoming: Racial Trends and Their Consequences

5. Joe R Feagin

6. Racist America, Roots, Current Realities, and Future, Reparations



برخی نیز، دلایل مهم نژادپرستی در آمریکا را به عملکرد پلیس و خشونت آنها درباره اقلیت‌ها مربوط می‌دانند.

بالکو رادلی<sup>۱</sup> در کتاب «ظهور پلیس جنگجو، میلیتاریزه شدن نیروهای پلیس آمریکا»<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) عملکرد پلیس، نوع آموزش آنها و امتیازات ویژه‌ای را که این گروه نسبت به سایر گروه‌ها در جامعه آمریکا دارند، یکی از دلایل نژادپرستی در جامعه آمریکا می‌داند. هایون<sup>۳</sup> در مقاله‌ای با عنوان «گسترش فعالیت فرگوسن، یادآوری قدرت جنبش سیاهان در آمریکا»<sup>۴</sup> (۲۰۱۴)، وجود تبعیض‌هایی در زمینه استخدام، اشتغال و ... در قوانین و نهادهای آمریکا را عامل اصلی بازخیزش سیاهان در این کشور می‌داند.

جانلی جونز<sup>۵</sup>، جان اشمیت<sup>۶</sup> و والری ویلسون<sup>۷</sup> در تحقیقی تحت عنوان «۵۰ سال پس از کمیسیون کرنر»<sup>۸</sup> اذعان داشتند که هر چند از بسیاری جهات وضعیت آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار از سال ۱۹۶۸ و پس از کمیسیون کرنر بهتر شده است، ولی کماکان جامعه سیاه‌پوستان آمریکا از نابرابری زیادی در حوزه آموزش، بهداشت و سلامت، اقتصاد، درآمد و ثروت رنج می‌برند. آنجلا هانکس<sup>۹</sup>، دانیله سالمون<sup>۱۰</sup> و کریستین ای. ویلر<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۸)، در تحقیقی برای «مرکز آمریکایی پیشرفت»<sup>۱۲</sup> از نابرابری سیستماتیک و سازماندهی شده در آمریکا یاد می‌کنند که موجب شکاف در درآمد، ثروت و دارایی شده و در نتیجه به تبعیض نژادی دامن زده است. پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که بررسی تبعیض نژادی در آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ به همراه ارائه پیشنهادها و راهبردهای رسانه‌ای، نوآوری این مقاله است.

1. Balko Radly
2. Rise of the Warrior Cop, the Militarization-Americas Police Forces
3. Hayoun M
4. Ferguson Prompts Activists to Rethink Black Power Movement in America
5. Janelle Jones
6. John Schmitt
7. Valerie Wilson
8. 50 Years After the Kerner Commission
9. Angel Hanks
10. Danyelle Solomon
11. Christian E. Weller
12. Center For American Progress

### ۳. مبانی نظری

مسئله تعارض و شکاف‌های اجتماعی ازجمله موضوعات مهم در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی سیاسی است. زمینه این اصطلاح و نظریات مربوط به آن را نیز باید در اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندانی چون مارکس، ماکس وبر و امیل دورکهایم ردیابی کرد. کارل مارکس، به‌عنوان یکی از بنیانگذاران مارکسیسم، تعارض موجود در جامعه را تعارض طبقاتی و حول محور اقتصاد در نظر می‌گرفت. وبر، مفهوم شکاف اجتماعی را توسعه بخشید. او علاوه بر شکاف‌های طبقاتی مورد نظر مارکس، شکاف‌های سیاسی و منزلتی را نیز مطرح کرد. در قرن نوزدهم موضوع قومیت و مذهب در امریکا، و پس از آن فعالیت جنبش‌های فمینیستی و درنهایت برخورد سفیدپوستان با بومیان و رنگین‌پوستان در این کشور، موجب شد تا اندیشه برتری نژادی و قومی نیز وارد مباحث جامعه‌شناسی شود. از نظر این متفکران، نابرابری اقتصادی و اجتماعی، عدم امکان مشارکت برابر سیاسی، حل نشدن اقلیت‌های قومی مختلف در درون فرهنگ یک کشور - به‌عنوان مثال در امریکا - و تفاوت‌های نژادی مشهود، زمینه بروز شورش‌های قومی را فراهم می‌سازد (بشیریه، ۱۳۸۹: ۲۸۲-۲۷۹).

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس برجسته بریتانیایی، یکی از دلایل عمده بروز تعارضات اجتماعی را محروم بودن برخی از افراد جامعه می‌داند. او می‌گوید «زمانی که در جوامع مدرن، حقوق شهروندی مورد پذیرش قرار نگیرند و برخی از افراد این جوامع، در جامعه بزرگتر ادغام نشوند و یا اینکه شماری از مردم احساس کنند که جامعه ارزشی برای آنها قائل نیست، این موضوع منجر به بروز تعارضات اجتماعی و در نتیجه افزایش جرم می‌شود» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۷۷-۴۷۶).

روان‌شناسی سیاسی نیز علاقمند به یافتن ریشه‌های تعصب نژادی می‌باشد. اینکه چه عاملی موجب می‌شود که افراد به ظاهر منطقی، عادی و دارای سلامت روانی، صرفاً براساس این واقعیت که این فرد یا گروه رنگ پوست متفاوتی با آن‌ها دارد، در مورد آن‌ها - به‌طور آشکار یا نهان - تبعیض قائل شوند، سؤالی است که این اندیشمندان در پی پاسخگویی به آن هستند. به نظر سوزان فیسک<sup>۱</sup>، روان‌شناس امریکایی، بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در مورد نژادپرستی، پیش‌داوری و تبعیض در ایالات‌متحده انجام شده است. او اظهار می‌دارد که «قرن‌ها مهاجرت از سایر کشورها به امریکا باعث شده مشکلات قومی در ایالات‌متحده نسبت به سایر کشورها زودتر خود را نشان دهند» (هاوتن، ۱۳۹۶: ۱۹۸). به‌طور کلی مانند سایر پدیده‌های

1. Susan Fiske



سیاسی، می‌توان گفت که احتمالاً نژادپرستی یا محصول باورها یا ویژگی‌های افراد خاصی است و یا ناشی از عوامل مرتبط با موقعیت می‌باشد.

نظریه شخصیت اقتدارطلب نیز به ویژگی‌های شخصیتی توجه می‌کند که ظاهراً مشخصه راست‌گرایان اقتدارطلب محسوب می‌شود. در این زمینه، باب التیمر<sup>۱</sup> با طبقه‌بندی که از ویژگی‌های شخصیتی راست‌گرایان اقتدارطلب ارائه داده، اقتدارگرایی راست‌گرایان را نشان دهنده تعصب زیاد افراد نسبت به تمام گروه‌های دیگر از جمله افراد آفریقایی-آمریکایی و همجنس‌بازان دانسته است (همان: ۲۰۰). درواقع، خلقیاتی که در افراد اقتدارطلب راست‌گرا وجود دارد و به دشواری تغییر می‌کند، یکی از عوامل مهمی است که موجب تشدید نژادپرستی می‌شود.

در تحقیقات فلیشیا پراتو<sup>۲</sup> و همکاران وی نیز، گرایش مبتنی بر سلطه اجتماعی ارتباط نزدیکی با نژادپرستی علیه سیاه‌پوستان و در مجموع پیش‌داوری نسبت به گروه‌های اقلیت دارد. آن‌ها استدلال می‌کنند که نمونه بارز ایدئولوژی نژادپرستی علیه سیاه‌پوستان را می‌توان در اعمال تبعیض شخصی و نهادی علیه افراد آفریقایی-آمریکایی از سوی بانک‌ها، مقامات حمل‌ونقل عمومی، مدارس، کلیساها، قوانین ازدواج و نظام کیفری مشاهده کرد (همان: ۲۰۱).

براساس نظریه‌های دیگر که نقش موقعیت را در تبعیض نژادی مؤثر می‌دانند، افراد به دلیل قرار گرفتن در موقعیت و محیطی که در آن هستند، نژادپرست می‌شوند و نژادپرست به دنیا نمی‌آیند. از نظر لارنس بابو<sup>۳</sup> حمل‌ونقل مشترک با اتوبوس و سایر اقدامات ایجابی برای رفع بی‌عدالتی‌های گذشته درباره اقلیت‌ها لزوماً نشان دهنده تهدید آنی یا عینی نسبت به منافع سفیدپوستان نمی‌باشد. آن چه در این زمینه ضرورت دارد این است که سفیدپوستان و سیاه‌پوستان منافع خود را در تضاد با یکدیگر ببینند. بابو، همچنین استدلال می‌کند «نگرش‌های نژادپرستانه بازتاب روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود بین آمریکایی‌های سفیدپوست و سیاه‌پوست، یعنی ویژگی‌های اصلی روابط و منازعه گروهی است» (Bobo, 1983: 1198).

1. Bob Altemeyer

2. Felicia Pratto

3. Lawrence Bobo



#### ۴. پیشینه تبعیض نژادی در امریکا

ریشه تاریخی تبعیض نژادی در امریکا به دوران استعمار باز می‌گردد. اولین زمینه تبعیض نیز در قانون اساسی ایالات کنفدرال درج شده بود. کاتبان این قانون که در سال ۱۷۸۷ نوشته شد، ۵۵ مرد سفیدپوست و برده‌دار بودند که نژاد سفید را نژادی برتر می‌دانستند. در این قانون که به وضوح حمایت از برده‌داری درج شده بود، بومیان امریکا (سرخ‌پوستان) رسماً از جامعه امریکا طرد شدند. این تبعیض و نژادپرستی که براساس معیارهای اقتصادی و اجتماعی بنا نهاده شده بود، به‌طور گسترده‌ای در امریکا توسعه یافت و تا سال ۱۹۶۰ ادامه یافت.

«قوانین جیم کرو»<sup>۱</sup> با عنوان «جدا اما برابر»<sup>۲</sup> که در سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۶۵ در ایالت‌های مرزی و جنوبی به اجرا شد، اولین قانون نژادپرستی در امریکا بود که براساس آن، همه اماکن عمومی از قبیل مدارس دولتی، اتوبوس، قطار و حتی پارک‌ها برای سیاه‌پوستان و سفیدپوستان جدا شدند. در سال‌های ۱۸۶۵ تا ۱۸۷۷ نیز با ریاست جمهوری اندرو جکسون<sup>۳</sup> نژادپرستی در امریکا شیوع یافت. با شروع بحران مالی امریکا از سال ۱۸۷۳، نژادپرستی تشدید شد، به گونه‌ای که از سال ۱۸۷۷، سیاه‌پوستان با خشونت هر چه بیشتری از حق رأی محروم و کارگران با بی‌رحمی استثمار شدند. قوانین طرفدار سفیدپوستان تا دهه ۱۹۶۰ میلادی بار دیگر در جنوب امریکا حکمفرما شد.

تأسیس حزب کارگری کالیفرنیا<sup>۴</sup> از سوی دنیس کرنی<sup>۵</sup> در سال ۱۸۷۷، که درخواست ۸ ساعت کار در روز را داشت، نمونه دیگری از ظهور ناسیونالیست‌های نژادی در پوپولیسم آمریکایی بود. جناح کرنی در سال ۱۸۸۲، کنگره را قانع کردند تا «قانون اخراج چینی‌ها» را تصویب کند. این اولین قانون در تاریخ امریکا بود که اعضای یک ملیت خاص را از ورود به کشور منع می‌کرد. سپس در دو دهه بعد، اعضای این حزب کمپینی را برای فشار بر کنگره جهت منع مهاجرت تمام ژاپنی‌ها به کشورشان تشکیل دادند (Kazin, 2016).

1. Jim Crow Laws
2. Separate But Equal
3. Andrew Jackson
4. The Workingmen's Party of California
5. Denis Kearney

یکی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده در آمریکا در زمینه نژادپرستی، تأسیس کوکلوکس کلان<sup>۱</sup> است که نژادپرستانه‌ترین سازمان در آمریکا است. این سازمان که در سال ۱۸۶۵ به دست کهنه‌سربازان ارتش کنفدراسیون آمریکا بنا نهاده شد، بر تفوق و برتری نژاد سفید، ملی‌گرایی سفید و دیدگاه‌های ضد مهاجرت تأکید داشت. این گروه در سال ۱۹۲۴ کنگره را وادار به محدود کردن مهاجرت‌ها از جنوب و شرق اروپا کردند.

قانون همگرایی جنسی<sup>۲</sup> در ازدواج نمونه دیگری از پیشینه نژادپرستی در آمریکاست. این قانون در سال ۱۹۲۴ بر این اساس شکل گرفت که هر نژادی باید با هم نژاد و هم طبقه خود ازدواج می‌کرد. در سال ۱۹۶۷، به دلیل این که یک زن سیاه‌پوست با یک مرد سفید پوست در ویرجینیا با هم ازدواج کرده بودند، به یک سال زندان محکوم شدند. این مسئله به قدری در جامعه‌ی آمریکا بازتاب منفی داشت که درنهایت دیوان عالی آمریکا در سال ۱۹۶۷ قانون همگرایی در ازدواج را فاقد اعتبار دانست.

در دهه ۱۹۵۰ جنبش سیاه‌پوستان علیه تبعیض نژادی آغاز شد. حادثه بمب‌گذاری در کلیسایی در شهر بیرمنگام ایالت آلاباما متعلق به آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، فشارها برای رفع تبعیض نژادی در آمریکا را تشدید کرد. در اواسط دهه ۱۹۶۰ شهرهای زیادی در آمریکا صحنه برخوردهای درون‌شهری بین سیاهان و سفیدها و جناح‌های سیاسی هواداران آنها بود. دو سال بعد از آن، هیأتی حقیقت‌یاب از سوی رئیس‌جمهور مسئول بررسی در این خصوص شد. نتیجه گزارش این هیأت این بود: «کشور ما به سوی تبدیل شدن به دو جامعه همزمان و متشکل از سفیدها و سیاهان حرکت می‌کند که بین آنها برابری و سختی وجود ندارد». با این وجود وقتی ریچارد نیکسون در انتخابات سال ۱۹۶۸ آمریکا شرکت کرد، یافته‌های کمیته تحت هدایت کرنر از سوی این سیاستمدار جمهوری خواه و تیم‌اش، نادیده گرفته شد. ریچاردسون می‌گوید: «نیکسون موج «ضدسیاه» محسوس و نامحسوس را در اظهاراتش به راه انداخت که بر نسل‌های بعدی جمهوری‌خواهان هم اثر گذاشت» (کوینس، ۱۳۹۵).

با وجود اینکه تبعیض نژادی در آمریکا در سال ۱۹۶۴ با تصویب «قانون کرنر» از بین رفت، اما کماکان رگه‌های زیادی از تبعیض در آمریکا دیده می‌شود. هر چند که انتخاب و حضور باراک اوباما سیاه‌پوست در رأس هرم قدرت سیاسی آمریکا، به لحاظ نمادین به نفع جامعه سیاه‌پوستان

1. KU Klux Klan

2. Racial Integrity Act



بود، اما نتوانست از بار تب‌عیض‌ها علیه سیاه‌پوستان زیاد بکاهد. در ششم اوت ۲۰۱۴، با شلیک افسر پلیس شهر فرگوسن به مایکل براون، نوجوان سیاه پوست ۱۸ ساله و قتل وی، این موضوع ساکنان این شهر را برای اجرای عدالت و مجازات افسر پلیس به خیابان‌ها کشاند. با انتخاب ترامپ نیز شواهد زیادی از وجود تب‌عیض و نژادپرستی در امریکا مشاهده شده است که نمونه بارز آن حادثه شهر شارلوتزویل<sup>۱</sup> در آگوست ۲۰۱۷ است. در این حادثه، برترپنداران نژادسفید (راست‌گرایان افراطی یا نئونازیست‌ها) در شهر شارلوتزویل در ایالت ویرجینیای امریکا به صورت مسلحانه تظاهراتی در اعتراض به حذف نمادهای ایالات برده‌دار جنوبی در جنگ داخلی امریکا به‌ویژه تندیس اسب‌سوار رابرت ئی. لی برگزار کردند. در اثر به خشونت کشیده‌شدن این گردهمایی با حمله یک خودرو به مخالفان این اعتراض، یک زن ۳۲ ساله به نام «هیت‌هی‌یر» کشته و ۱۹ نفر زخمی شدند که حال پنج نفر از آنها وخیم گزارش شده بود (heim & others, 13August, 2017). بسیاری معتقدند که با روی کار آمدن ترامپ، نژادپرستی در جامعه امریکا تشدید شده است. بر این اساس، به علل و عوامل زیادی اشاره می‌کنند که در تشدید این تعارضات اجتماعی نقش ایفا می‌کنند.

## ۵. تحلیل علل ساختاری تشدید تعارضات نژادی در دوره ترامپ

در بسیاری از پژوهش‌ها، ریشه‌های تب‌عیض و نابرابری‌ها در جامعه امریکا در ساختارهای سیاسی و اقتصادی این کشور جستجو می‌شود. کل جامعه امریکا از دو گروه متمایز سفید و سیاه، ترکیب یافته است که جدایی و فاصله بسیاری میان آنان وجود دارد (سمیعی و دیگران، ۱۳۹۶). هر چند پس از ۱۹۶۸، وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سیاهان و اقلیت‌ها کمی بهبود یافته، اما کماکان این افراد از مشکلات زیادی رنج می‌برند و هنوز در بسیاری از زمینه‌ها با تب‌عیض مواجه می‌شوند و این امر موجب ناآرامی اجتماعی در جامعه امریکا شده است. محققان، ریشه‌ها و زمینه‌های این تب‌عیض را در خشونت و نحوه رفتار پلیس با اقلیت‌ها، ساختار اقتصادی، قضایی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی امریکا جستجو می‌کنند.

### ۵-۱. ساختار حقوقی و قضایی

از زمان لغو برده‌داری در سال ۱۸۶۳ یعنی در جریان جنگ داخلی امریکا- جنگ داخلی امریکا از سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ به طول انجامید- ساختار قدرت سرمایه‌داری سفیدپوستان، قوانینی را اجرا

1. Charlottesville



کرده است که با هدف ضعیف کردن امریکایی‌ها - آفریقایی‌ها و جنایتکار نشان دادن آن‌ها طراحی شده است (سمیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷). براساس آمارهای «ثبت ملی پرونده‌های معافیت»<sup>۱</sup> در امریکا سیاه‌پوستان حدود ۵ برابر بیشتر از افراد سفیدپوست به زندان می‌روند و ۵ برابر بیشتر از سفیدپوستان، بی‌گناه به تجاوز جنسی محکوم می‌شوند. آنها ۱۲ برابر بیشتر از سفیدپوستان، اشتباهی محکوم به جرایم مواد مخدر شده‌اند. آمارهای همین مرکز حاکی از آن است، در حالی که فقط ۱۵ درصد از افرادی که توسط سیاهان کشته شده‌اند، سفیدپوست بوده‌اند، اما ۳۱ درصد از افراد سیاه‌پوست، به اشتباه به جرم قتل سفیدپوستان محکوم شده‌اند (Balko, 2018).

## ۵-۲. نهادهای شدن خشونت به‌ویژه خشونت پلیس علیه اقلیت‌های نژادی

سفیدپوستان، قضات و پلیس، قوانین را در امریکا به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که رگه‌هایی از تبعیض نژادی در آن وجود دارد. ماموران امنیتی امریکا و نیروی پلیس این کشور در اجرای قانون، نگاهی بدبینانه و تبعیضی درباره سیاه‌پوستان دارند. بسیاری از اقدامات امنیتی و بازرسی‌های پلیس معطوف به جامعه سیاه‌پوستان است. قانون «دفاع مرگبار» که براساس آن، افراد در صورت ورود بدون اجازه «شخص یا اشخاصی به ملک و یا وسیله نقلیه خود و یا حمله شخص متجاوز به خود، می‌توانند به صورت مسلحانه از خود دفاع کنند»، از مهم‌ترین قانون‌هایی است که افراد معمولی و نیروهای پلیس در اجرای آن، تبعیض نژادی اعمال می‌کنند (سمیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۰). براساس این قانون، اگر شخصی جان خود را در خطر ببیند، می‌تواند به تیراندازی اقدام کند، و بر این اساس، مصونیت قضایی خواهد داشت. این قانون، با دید نامطلوب سفیدپوستان و نیروهای پلیس به مردم سیاه‌پوست، در سال ۲۰۱۳ به قتل‌هایی منجر شد که نماد نژادپرستی در جامعه امریکا به‌خصوص بین نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی است. براساس آمارها، حدود ۱۲ درصد از کل جمعیت امریکا را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند، در حالی که حدود ۳۱/۹ درصد از کل بازداشتی‌های این کشور را سیاهان تشکیل می‌دهند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که سهم امریکایی‌های آفریقایی‌تبار در زندان از سال ۱۹۶۸ تا سال ۲۰۱۶ تقریباً ۳ برابر شده است و این بیش از ۶ برابر میزان زندانیان سفیدپوست است. براساس آمار قضایی امریکا از هر ۳ سیاه‌پوست، احتمال دارد ۱ نفر در طول عمرش به زندان برود (Ibid).

هر چند گفته می‌شود که میزان جرم و جنایت میان سیاهان در امریکا زیاد است و این خود یکی از عوامل زیاد بودن جمعیت زندانیان سیاه‌پوست است، اما بسیاری، برخورد تبعیض‌آمیز



پلیس و ماموران امنیتی با آن‌ها و محاکمه و تفسیر قانون را یکی از عوامل مهم افزایش جمعیت آن‌ها در زندان‌ها می‌دانند. به ماموران پلیس طوری آموزش داده شده است که باید بپذیرند تمام مردان سیاه‌پوست، صرفاً جنایتکارانی خشن هستند. این اعتقاد راسخ در رسانه‌ها در سطح امریکا و نیز فرهنگ این کشور ترویج داده شده و در برنامه‌های آموزشی نیروهای پلیس نیز گنجانده شده است (Joseph, 2009: 720-732).

### ۵-۳. تبعیض اقتصادی-اجتماعی

در مبحث دلایل اجتماعی - اقتصادی، فقر، کمبود امکانات آموزشی و بهداشتی، نابرابری در ثروت و کیفیت زندگی، در افزایش تعارضات اجتماعی در جامعه امریکا مؤثر بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فاصله طبقاتی و افزایش شکاف ثروت در جامعه امریکا به نوعی با رنگ پوست افراد گره خورده است. درواقع، امریکا کشوری است که توزیع ثروت و خدمات در آن براساس نژاد و رنگ صورت می‌گیرد. سفیدپوست بودن به خودی خود، عاملی برای برخورداری هر چه بهتر از امکانات تلقی می‌شود، این موضوع باعث شده تا چهره فقر و نابرابری بیشتر از اینکه صرفاً مسئله‌ای اقتصادی قلمداد شود، به مثابه موضوعی سیاس - فرهنگی نمایان شود. نرخ بالای بیکاری، میانگین حداقلی درآمد، بی‌خانمانی، افزایش فقر، نرخ پایین مالکیت خانه، میزان پایین دستمزد خانوار و ... همگی علائمی از اوضاع نابسامان معیشتی رنگین‌پوستان در جامعه امریکا است که به منبعی از بی‌ثباتی و آشوب در این کشور تبدیل شده است (Joseph, 2009: 750-765).

جانلی جونز، جان اشمیت و والری ویلسون در فوریه ۲۰۱۸ در تحقیقی برای «موسسه سیاست اقتصادی»<sup>۱</sup> نشان داده‌اند که هر چند پس از ۵۰ سال از تشکیل «کمیسیون کرنر»<sup>۲</sup>، وضعیت امریکایی‌های آفریقایی‌تبار در بسیاری از شاخص‌ها بهبود یافته، اما هنوز سیاهان این کشور در بسیاری از زمینه‌ها، فاصله زیادی با سفیدپوستان دارند. در خصوص فقر، اگرچه سهم امریکایی‌های آفریقایی‌تباری که در فقر زندگی می‌کنند، از سال ۱۹۶۸ به این سو کاهش و از بیش از یک سوم (۳۴/۷ درصد) در سال ۱۹۶۸، به یک در پنج نفر و به میزان ۲۱/۴ درصد در سال ۲۰۱۶ رسیده است، اما تازه‌ترین داده‌ها نشان می‌دهد که امریکایی‌های - آفریقایی‌تبار، حدود ۲/۵ برابر نسبت به سفیدپوستان فقیرتر شده‌اند (Jones et al, 2018).

1. Economic Policy Institute

2. Kerner Commission



براساس گزارش سالانه اداره آمار دولت امریکا در سال ۲۰۱۹، هر چند درآمد متوسط خانوارها در امریکا افزایش یافته، اما سطح درآمد تقریباً مشابه دو دهه قبل است. در حالی که در سال ۲۰۱۸ درآمد خانوارهای سفیدپوست و اسپانیایی‌تبار، برابر با ۷۰/۶۴۲ دلار بوده است، اما این میزان برای خانوارهای آمریکایی - آفریقایی‌تبار، حدود ۴۱/۳۶۱ دلار می‌باشد. با وجود کاهش فقر، اما در همین سال، ۳۸/۱ میلیون نفر فقیر بوده‌اند. این تعداد ۱/۴ میلیون نفر بیشتر از سال ۲۰۱۷ است؛ یعنی اینکه از هر هشت نفر، یک نفر هنوز زیر خط فقر زندگی می‌کند. در مقایسه با میزان ۸ درصد فقر برای سفیدپوستان، این میزان برای سیاه‌پوستان ۲۱ درصد است. این اداره، همچنین اذعان کرد که در سال ۲۰۱۸، تغییرات کمی در زمینه نابرابری درآمد رخ داده است. به‌طوری که ۲۰ درصد خانوارها، کماکان بیش از نیمی از کل درآمد را دریافت کرده‌اند (Fessler, 2019; Census, 2019).

فیلیپ آلستون<sup>۱</sup> گزارشگر ویژه سازمان ملل در «امور مربوط به فقر مطلق و حقوق بشر» عنوان کرد که بیش از ۴۰ میلیون نفر از شهروندان آمریکایی به واسطه سیاست‌های غیرانسانی دولت این کشور در فقر به سر می‌برند. طبق این گزارش، «لایحه اصلاح مالیات» دولت ترامپ، تسهیل‌کننده بی‌عدالتی است (Alston, 2017). براساس داده‌های سال ۲۰۱۶، با استفاده از اندازه‌گیری دستمزد ساعتی کارگران معمولی سیاه‌پوست، هنوز برای هر دلاری که یک کارگر معمولی سفیدپوست دریافت می‌کند، سیاهان، تنها ۸۲/۵ سنت دریافت می‌کنند (Jones et al, 2018). به‌لحاظ ثروت خانوادگی، گرچه میزان ثروت یک خانواده معمولی سیاه‌پوست، از سال ۱۹۶۸ تا ۲۰۱۷، به ۶ برابر رسیده است، اما در طول این مدت، یک خانواده معمولی سفید پوست، ۱۰/۲ برابر بیشتر از یک خانواده معمولی سیاه پوست درآمد و ثروت داشته است (Goodman et al, 2017).

یکی از مهم‌ترین اشکال تبعیض در مالکیت خانه است. در حالی که بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۱۶، مالکیت خانه برای خانوارهای سفیدپوست، ۵/۲ درصد رشد داشته و به ۷۱/۱ درصد رسیده است که این میزان ۳۰ درصد بیشتر از میزان مالکیت خانواده‌های سیاه‌پوست است، اما این مالکیت برای سیاه‌پوستان (تا سال ۲۰۱۶) به ۴۱/۲ درصد رسیده است (Goodman et al, 2017).



بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۶، میزان دریافتی واقعی زنان کارگر آمریکایی آفریقایی‌تبار که به صورت تمام وقت کار می‌کرده‌اند، ۷/۷ درصد کاهش داشته و این میزان برای زنان لاتین تبار ۰/۶ درصد بوده است. براساس گزارش «مرکز ملی حقوقی زنان»<sup>۱</sup> در امریکا شکاف درآمد بین زنان سیاه‌پوست و مردان سفیدپوست طی دوره ۴۰ ساله شغلی، باعث می‌شود که یک زن سیاه‌پوست ۹۴۶ هزار دلار کمتر از یک مرد سفیدپوست دریافت کند. براساس داده‌های «اداره آمار امریکا»<sup>۲</sup>، به ازای هر دلاری که برای مردان سفیدپوست پرداخت می‌شود، زنان سیاه‌پوست فقط ۶۱ سنت دریافت می‌کنند. به گزارش این مرکز، در لوئیزیانا وضعیت از این هم بدتر است، چرا که زنان سیاه‌پوست به‌طور معمول، در ازای یک دلار برای مردان سفیدپوست، فقط ۴۷ سنت دریافت می‌کنند (NWLC, 2019). به همین دلیل است که فعالان اجتماعی و گروه‌های حقوق بشری در امریکا به منظور مقابله با تبعیض‌ها علیه زنان سیاه‌پوست، روز هفتم آگوست را به‌عنوان «روز پرداخت برابر» به زنان سیاه‌پوست، برگزیده‌اند.

#### ۵-۴. تبعیض در نظام آموزشی

مهم‌ترین پیشرفتی که آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار از سال ۱۹۶۸ به این سو داشته‌اند، پیشرفت در حوزه آموزش بوده است. آنها در دبیرستان و کالج، نسبت به ۵۰ سال قبل، پیشرفت‌های خوبی داشته‌اند. به‌طور نسبی، امروزه شمار آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، تقریباً به اندازه سفیدپوستانی هستند که دوره دبیرستان را به پایان رسانده‌اند، اما با وجودی که میزان جوانان آمریکایی آفریقایی‌تباری که دوره کالج را طی کرده‌اند، دو برابر شده است، اما باز هم تقریباً به اندازه نیمی از سفیدپوستانی هستند که دوره کالج را طی کرده‌اند. امروزه از هر ۱۰ نفر سیاه‌پوست، ۹ نفر دوره دبیرستان را به پایان رسانده است، اما به‌لحاظ وضعیت فارغ‌التحصیلی در کالج، در حالی که برای سفیدها این میزان از ۱۶/۲ درصد در سال ۱۹۶۸ به ۴۲/۱ درصد در سال ۲۰۱۶ رسیده است، اما برای سیاه‌پوستان ۲۲/۸ درصد در سال ۲۰۱۶ است. این نشان می‌دهد که سفیدها ۵۴ درصد بیشتر از سیاهان از کالج‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند (Jones et al, 2018: 2-3).

#### ۶. تحلیل علل شخصیتی تشدید تعارض نژادی در امریکا

به باور بسیاری از محققان، مقامات سیاسی و همچنین رسانه‌های غربی، یکی از دلایل تشدید تعارضات نژادی در امریکا، پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ است.

1. National Womens Law Center

2. United States Census Bureau

ترامپ‌پسِم به عنوان ساختار فکری برخاسته از شخصیت رفتاری و مشی سیاسی و اجتماعی ترامپ، نقش برجسته‌ای در تولید و بازتولید تعارضات نژادی در امریکا داشته است. ترامپ با شعارهای عوام‌فریبانه، سخن‌های نژادپرستانه و اظهارات زن‌ستیزانه و طرح تئوری‌های توطئه و با به میان آوردن «ارزش‌های امریکایی» حس خودبرتربینی نژادی را در میان جامعه امریکا و به‌ویژه سفیدپوستان تقویت کرده است. دارا لیند<sup>۱</sup> و نیکلاس کریستف<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)، فهرست بی‌سابقه‌ای از سوابق نژادپرستانه ترامپ از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ را برای وُکس<sup>۳</sup> و نیویورک‌تایمز گردآوری کرده‌اند (Lind and Nicholas, 2018).

#### ۶-۱. ترامپ و آرای سفیدپوستان

برایان اشنفر<sup>۴</sup>، متیو مک ویلیامز<sup>۵</sup>، و تیشا آنتیتا<sup>۶</sup> در مقاله‌ای که در ژانویه ۲۰۱۷ انتشار دادند، عنوان کرده‌اند حمایت از ترامپ بیش از آنکه با نارضایتی‌های اقتصادی مرتبط باشد، با جنسیت‌گرایی و نژادپرستی رأی‌دهندگان هم‌نشین بوده است. تحقیقات متیو لاتیگ<sup>۷</sup>، هووارد لاورین<sup>۸</sup> و کریستوفر فدریکا<sup>۹</sup> در نوامبر ۲۰۱۷ نیز نشان می‌دهد که در انتخابات ۲۰۱۶، محرک‌های نژادی نقش مؤثری در گرایش مردم به ترامپ داشته است (Luttig et al, 2017). درواقع، چون بسیاری از کسانی که به ترامپ رای داده‌اند، جزو کسانی هستند که به «سفید برترپنداری» اعتقادی راسخ دارند. همچنین خاستگاه ترامپ نیز طبقه سفید بدون تحصیلات دانشگاهی است و این طبقه نیز عمده‌تأ گرایش‌های نژادپرستانه دارند، بر این اساس، می‌توان گفت که یکی از دلایل افزایش نژادپرستی در جامعه امریکا، می‌تواند این موضوع باشد.

#### ۶-۲. ترامپ و فعال شدن گسل‌های چپ و راست افراطی در امریکا

از زمان انتخاب ترامپ، گزارش‌هایی از اقدامات و حملات با انگیزه‌های نژادپرستانه منتشر شده است. اکثر رسانه‌های امریکا، متقاعد شده‌اند که ترامپ عامل احیا و افزایش قوای گروه‌های

1. Dara Lind

2. Nicholas Kristof

3. Vox

4. Brian Schaffner

5. Mac Williams

6. Tatishe Ntete

7. Matthew Luttig

8. Howard Lavine

9. Christopher Federica



راست‌گرا در این کشور بوده است. به‌طور مثال برای چهارمین سال متوالی، «مرکز حقوقی فقر جنوبی»<sup>۱</sup> فعال در زمینه حقوق مدنی و رصد گروه‌های نفرت‌افکن در امریکا، از افزایش نفرت و افراط‌گرایی داخلی در ایالات متحده، پرده برداشته است. براساس گزارش سال ۲۰۱۹ این مرکز، از سال ۲۰۱۵ م، تعداد گروه‌های نفرت‌افکن ۳۰ درصد رشد داشته و ۷ درصد بالاتر از سال ۲۰۱۸ بوده است. در سال ۲۰۱۸، این مرکز ۱۰۲۰ سازمان را به‌عنوان گروه‌های افراطی که اعضای آنها حداقل ۲۰ سال داشته‌اند، شناسایی کرده بود. این مرکز همچنین دریافته است که اکثر گروه‌های نفرت‌افکن در امریکا با ایدئولوژی افراط‌گرایی سفیدپوستان از جمله نتونازی‌ها هدایت می‌شوند. در واکنش به افزایش گروه‌های افراطی سفیدپوست، گروه‌های ملی‌گرای سیاه نیز در حال رشد هستند که اغلب ضد یهود و ضد سفیدپوستان هستند؛ هر چند که از حمایت چندانی برخوردار نیستند. بنابر تحقیقات کارشناسان این مرکز، هر چند این رشد تا حد زیادی به واسطه تغییرات جمعیتی و از دست رفتن یک ملت با اکثریت سفیدپوست، صورت گرفته است؛ اما نقش ترامپ و گروه وی، رسانه‌های راست‌گرا و سکوت دیگر مجامع داخلی انکار ناشدنی است (NPR, 2019; Fadel, 2019).

طبق تحقیقات «بانک اطلاعات جهانی تروریسم دانشگاه مریلند»<sup>۲</sup> از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶، اقدامات تروریستی با الهام از جناح راست در امریکا از ۶ درصد کل حملات تروریستی در داخل، به ۳۵ درصد رسیده است (Clark, 2019). طبق گزارش «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی»<sup>۳</sup> نیز تنها بین سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، خشونت با الهام از گروه‌های راست افراطی، در امریکا چهار برابر شده است (Jones, 2018). به گفته کریستوفر ری،<sup>۴</sup> مدیر FBI برای اولین بار در تاریخ امریکا، تعداد پرونده‌های باز FBI در زمینه تروریسم داخلی، با پرونده‌های تروریستی خارجی که مورد بررسی قرار می‌گیرند، برابر است. شواهد زیادی وجود دارد که ایدئولوژی‌های راست افراطی الهام‌بخش حملات خشونت‌آمیز هستند. براساس گزارش «اتحادیه مبارزه با افترا»<sup>۵</sup>، در هر ۵۰ مرگ ناشی از افراط‌گرایی داخلی در امریکا در سال ۲۰۱۸، ریشه‌های ایدئولوژی راست افراطی نمایان است (Anti-Defamation League, 2018).

1. Southern Poverty Law Center
2. University of Marylands Global Terrorism Database
3. Center For Strategic and International Studies
4. Christopher Wray
5. Anti-Defamation League

مجله نیویورکر نیز در سال ۲۰۱۷ گزارش کرده است که بیش از ۹۰۰ گروه نفرت‌پراکنی در سراسر آمریکا وجود دارند که با روی کار آمدن ترامپ، نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری‌های دولت پیدا کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، گروه کوکلاکس کلان‌ها و نئونازی‌ها که از عمده‌ترین طرفداران ترامپ محسوب می‌شوند، در درگیری‌های شارلوتزویل، در ایالت ویرجینیای آمریکا، شعارهای تندى در حمایت از برترى آمریکا، نژاد سفید و علیه مهاجران سر داده بودند. گزارش این مجله همچنین از فعال شدن گروه‌های چپ‌گرا و آنارشيسست پس از انتخاب ترامپ حکایت دارد (The New Yorker, 2017). به‌عنوان مثال، شلیک به استیو اسکالیس<sup>۱</sup> - نماینده جمهوری‌خواه کنگره آمریکا- در زمین بیس‌بال (در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۷) نمونه اقدام تهاجمی چپ‌گرایان افراطی است.

### ۳-۶. اظهارات و سخنرانی‌های ترامپ

بسیاری از تحلیلگران و مفسران، اظهارات و سخنرانی‌های ترامپ را یکی از عوامل مهم گسترش تعارضات نژادی در آمریکا قلمداد می‌کنند. در سال ۲۰۱۶، ترامپ، مهاجران مکزیکی را جنایتکار و تجاوزگر نامید. او همچنین با انتشار آمار جعلی در توئیتر خود، اعلام کرد که اکثر جنایت‌های آمریکا توسط سیاه‌پوستان انجام می‌شود. در سال ۲۰۱۸، در نشستی در کاخ سفید درباره مهاجرت، ترامپ کشورهایی مانند السالوادور، هائیتی و برخی کشورهای آفریقایی را «چاه توال» نامید (Hayes, 2018). در حادثه شارلوتزویل نیز اظهارات وی و سپس عفو کلانتر نژادپرست ایالت آریزونا، به مثابه کاتالیزوری برای ادامه تنش‌های نژادپرستی در جامعه آمریکا عمل کرد.

سخنان نژادپرستانه ترامپ و جنس و الفاظ او در طول مبارزات انتخاباتی‌اش در سال ۲۰۱۶، منجر به اعمال شدید تنفر عمومی علیه لاتین‌تبارها، مسلمانان و یهودیان شده است (Lerner, 2017). بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و سران کشورها، رفتار ترامپ را محکوم کرده و اظهارات او را در تشدید نژادپرستی در جامعه آمریکا مؤثر دانسته‌اند (Pasner and Neiwert, 2017).

تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که گروه‌های خود برترانگار، آشکارا به استقبال ترامپ رفته‌اند. گزارش سارا پاسنر<sup>۲</sup> و دیوید نیورت<sup>۳</sup> در پایگاه مادر جونز<sup>۴</sup> حاکی از آن است که ریتوئیت‌های

1. Stephen Joseph Scalise
2. Sarah Posner
3. David Neiwert
4. Mother Jones



ترامپ از ناسیونالیست‌های سفیدپوست و «متجاوز و مجرم خواندن مهاجران مکزیکی» در نگاه سفیدپوست‌های برترپندار نشانه‌هایی است واقعی که انگیزه‌های نژادپرستانه آنها را تأیید می‌کند. در جریان اعترافات برترپنداران سفیدپوست در شارلوتزویل در سال ۲۰۱۷، دیوید دوک، رئیس بلندپایه کوکلاکس کلان، گفته بود که این شورش‌ها به معنای تحقق وعده‌های دونالد ترامپ است. به واسطه این موضوع بود که دو نشریه اکونومیست و نیویورکر در عکس روی جلد خود، به تشبیه و پیوند ترامپ با کوکلاکس کلان‌ها پرداختند (The Economist, 2017).

تا قبل از ترامپ، رؤسای جمهور امریکا حداقل برای ظاهرسازی نیز از الفاظ نژادپرستانه استفاده نمی‌کردند. اما ترامپ امروزه به نوعی به سمبل نژادپرستی در امریکا تبدیل شده است. سخنان، لفاظی‌ها و اظهارات و توثیقات وی، به بازتولید خشونت‌های نژادپرستانه علیه اقلیت‌ها و غیر سفیدپوستان، کمک شایانی کرده است.

## ۷- اثرات و پیامدهای تعارضات نژادی در امریکا

### ۷-۱. پیامدهای داخلی تعارض نژادی در امریکا

براساس آمار مرکز تحقیقات «پیو» در سال ۲۰۱۹، حدود ۶ نفر از ۱۰ آمریکایی بر این باورند که روابط نژادی در امریکا بد است. حدود ۵۶ درصد هم فکر می‌کنند که ترامپ، روابط نژادی را بدتر کرده است. علاوه بر این، تقریباً دو سوم می‌گویند که از زمان رئیس جمهور شدن ترامپ، نظرات نژادپرستانه بین مردم رایج‌تر شده است (Menasce et al, 2019). تحقیقات YoyGov Omnibus، نیز نشان می‌دهد که بیش از ۷۱ درصد از مردم امریکا (از هر ۱۰ نفر ۷ نفر) معتقدند که موضوع نژادپرستی در جامعه آن‌ها معضلی جدی است. ۸۵ درصد از جمعیت سیاهان و ۶۸ درصد از سفیدپوستان با این نظر موافق هستند. این در حالی بود که در سال ۲۰۱۶ مردمی که برای انتخاب ترامپ به پای صندوق‌های رأی رفته بودند، ۴۹ درصد با این موضوع که نژادپرستی همچنان معضلی جدی در جامعه امریکا به حساب می‌آید، موافق بودند. ۷۵ درصد از سیاهپوستان در امریکا بر این باورند که با روی کار آمدن ترامپ و حضور او در کاخ سفید، نژادپرستی در این کشور وخیم‌تر شده است (Ballard, 2019).

یکی از پیامدها و آثار بسیار مهمی که تشدید تعارضات نژادی در امریکا می‌تواند به همراه داشته باشد، افزایش شکاف، اختلافات داخلی و همچنین تقویت فاشیسم در امریکا است. هنری

گیروکس<sup>۱</sup> در مجله «انتقادرگرای اجتماعی و فلسفی»<sup>۲</sup> می‌نویسد: «با انتخاب ترامپ، گفتمان اقتدارگرایی و فاشیستی از حاشیه به مرکز سیاست امریکا کشیده شده است». بر این اساس، وی از ظهور نتوفاشیسم در امریکا یاد می‌کند؛ یعنی زمانی که در آن نیروهای سفید به لحاظ نظامی برتری داشتند و حوزه‌های عمومی عمدتاً تحت نفوذ سفیدها و مسیحیان بوده است. بدین ترتیب، احتمال اینکه امریکا به سمت یک جنگ داخلی و بیرونی علیه مسلمانان، مهاجران، اقلیت‌ها و لاتین تبارها برود، زیاد است (Giroux, 2017).

یکی دیگر از پیامدهای مهم، افزایش شکاف و دو قطبی شدن جامعه امریکا است. مردم امریکا به شدت دچار شکاف شده و دیدگاه‌های بسیار متضادی بین اعضا و هواداران دو حزب اصلی این کشور شکل گرفته است. هواداران دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات به شکل روزافزونی در حال فاصله گرفتن از هم در قالب دو قطب متضاد هستند. گرایش‌ها و تعلقات حزبی، فراتر از نژاد، مذهب، سطح آموزش، سن و جنسیت به اصلی‌ترین عامل اختلاف و شکاف در جامعه امریکا تبدیل شده است و هیچ چیزی مثل ترامپ، نماد شکاف و جدایی دو حزب و هواداران آن نمی‌باشد. امروزه این پرسش در جامعه امریکا مطرح است که آیا همان طور که برده‌داری، هر دو حزب امریکا را از هم جدا کرد- حزب ویگ را به جمهوری‌خواه تبدیل و حزب دموکرات را نیز به قسمت‌های شمالی و جنوبی تقسیم کرد- آیا تبعیض نژادی می‌تواند دوباره این نقش را بازی کند؟

روزنامه «یواس تودی»، در واکنش به حوادث شهر شالوتزویل، نقص‌های اخلاقی ترامپ را از جمله عوامل این اتفاق ارزیابی کرد و آن را روندی دانست که می‌تواند امریکا را نابود کند (Hayes, 2018). برخی عنوان می‌کنند که با انتخاب ترامپ، جایگاه امریکا در داخل و خارج تضعیف شده است. حتی جفری توبین<sup>۳</sup> در مجله نیویورکر نوشت که فشار برای کنار گذاشتن ترامپ نیز ممکن است منجر به یک جنگ داخلی شود (Toobin, 2018). در میان سناریوهای مطرح شده برای وضعیت فعلی امریکا، شاید جنگ داخلی بدبینانه‌ترین سناریو به حساب آید، اما مسئله این است که امروزه، نژاد و آینده جامعه امریکا، بیش از هر زمان دیگری به بحث روز و یکی از نگرانی‌های اصلی این کشور تبدیل شده است. به نظر می‌رسد، در کنار نژادپرستی،

1. Henry A. Giroux

2. Philosophy & Social Criticism

3. Jeffrey Toobin



موضوع هویت نیز بسیار مهم باشد. البته هویت و بحران هویت در امریکا نیز به نوعی تحت تأثیر نژادپرستی است.

## ۷-۲. پیامدهای جهانی تشدید تعارضات نژادی

در عرصه بین‌المللی نیز، تأثیر این تعارضات بر کاهش وجهه، اعتبار و جایگاه امریکا در نظام بین‌الملل و به عبارت بهتر کاهش «قدرت نرم» امریکا قابل مشاهده است. از نظر بسیاری از کارشناسان، کاشتن تخم نفرت و بی‌نظمی توسط ترامپ، در درازمدت به از دست دادن شهرت پایدار امریکا، منجر خواهد شد. نیکلاس جی کول،<sup>۱</sup> مورخ بریتانیایی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی<sup>۲</sup> و کارشناس در حوزه دیپلماسی عمومی، می‌گوید «آنچه ترامپ نمایندگی می‌کند، آسیب مداوم به اعتبار، وجهه و برند امریکا در عرصه بین‌المللی است» (Hirsh, 2019).

جوزف نای، به‌عنوان مبتکر نظریه قدرت نرم و استاد دانشگاه هاروارد، اظهار داشته است که ترامپ موجب افول قدرت نرم امریکا شده است (Ney, 2018). جوزف استیگلitz<sup>۳</sup> برنده جایزه نوبل اقتصاد و یکی از مخالفان جهانی‌سازی نیز اعتقاد دارد که آمدن ترامپ و مشکلات تبعیض نژادی ناشی از آن در جامعه امریکا، «قدرت نرم» امریکا را از بین برده است (Stiglitz, 2018).

بعد از پیروزی ترامپ، بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی از افول ارزش‌های امریکایی، انگاره‌های لیبرالی و به عبارتی افول لیبرال دموکراسی سخن می‌گویند. فرانسیس فوکویاما واضع نظریه معروف «پایان تاریخ» پس از فروپاشی شوروی، در اکتبر ۲۰۱۸، در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی از افول لیبرال دموکراسی پرده برداشت و تأکید کرد که جنبش‌های هویت‌گرا که نتایج آن در پیروزی ترامپ در امریکا و برگزیت در انگلستان خود را نشان داد، لیبرال دموکراسی در جهان را با تهدید جدی مواجه کرده است (BBC, 2018). جان آیکنبری، یکی از نظریه‌پردازان واقع‌گرا، معتقد است که امریکا به تدریج نقش خود در استقرار نظم بین‌المللی را از دست خواهد داد و هیچ تمدنی به اندازه امریکای ترامپ دست به خودکشی نزده است (Ikenberry, 2018). (Deudney and

فرید زکریا<sup>۴</sup>، روزنامه‌نگار نشریه تایم، در مقاله‌ای تحت عنوان «نابودی قدرت امریکا به دست خود»، روی کار آمدن ترامپ در امریکا را «ضربه آخر» به هژمونی این کشور توصیف کرده

1. Nicholas j cull

2. The University of Southern California

3. Joseph E. Stiglitz

4. Fareed Zakaria

است (Zakaria, 2019). از نظر برخی پوپولیسمی که ترامپ مروج آن شده، تضعیف حکمرانی جهانی و نقش امریکا در عرصه تجارت جهانی و رهبری نظام لیبرال دموکراسی را به همراه داشته است. دیوید فروم<sup>۱</sup> نویسنده امریکایی، تصریح می‌کند که ترامپ و گروه وی، به قوانین و شیوه‌های پذیرفته شده دموکراسی در امریکا، آسیب رسانده‌اند و این هشدار برای آینده دموکراسی و آینده امریکا است (Frum, 2018).

آثار و پیامدهای داخلی و بین‌المللی که گفته شد، شاید در وهله اول بسیار بدبینانه و ذهنی به نظر برسد، اما به هرحال یک واقعیت اساسی که در شرایط فعلی در جامعه امریکا خودنمایی می‌کند و آمارها، گزارش‌ها و بررسی‌ها نیز حکایت از آن دارد، این است که نژادپرستی در امریکا تشدید شده است. امروزه موضوع تبعیض نژادی بیش از گذشته مورد توجه رسانه‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، قرار گرفته است. تعداد گروه‌های خشونت‌طلب و افراطی که آشکارا به بیان عقاید و نظرات خود می‌پردازند، افزایش یافته است. به نظر می‌رسد که نژادپرستی به‌عنوان یک چالش اساسی و مهم برای امریکا در آمده باشد و به گفته مقامات و تحلیلگران این کشور، اگر فکری اساسی برای آن اندیشیده نشود، ممکن است مشکلات بیشتری را برای ایالات متحده به وجود آورد. مشکلاتی چون جنگ داخلی، افزایش شکاف‌های سیاسی کاهش قدرت نرم و وجهه و اعتبار امریکا تنها بخشی از آن می‌تواند باشد.

## ۸. نتیجه‌گیری

موضوع تبعیض نژادی در امریکا با توجه به حوادث پیش آمده در این کشور و به‌ویژه اقدامات ترامپ، به موضوعی حساس و جدی تبدیل شده است. هر چند گزارش‌ها و تحلیل‌ها از روند رو به پیشرفت اقلیت‌ها و به‌ویژه سیاهان از لحاظ مسایل درآمدی، شغلی، آموزشی، اجتماعی و بهداشتی پس از کمیسیون کرنر حکایت دارد اما کماکان اشکال مختلفی از تبعیض در این کشور دیده می‌شود. با توجه به مطالبی که گفته شد، می‌توان ریشه‌های این موضوع را هم در ساختارها دید، به نوعی که تبعیض نژادی در امریکا، به شکل بنیادینی در نهادها و نظام سیاسی این کشور نهفته است و هم در روانشناسی سیاسی و نقش شخصیت‌ها و به‌ویژه ترامپ آن را مشاهده کرد.

موضوع اول از زمان تأسیس امریکا وجود داشته و علیرغم پیشرفت‌ها و تغییراتی که در قوانین ایالات متحده برای حل مشکل تبعیض نژادی صورت گرفته اما همچنان در ساختارهای سیاسی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و به‌ویژه قضایی رگه‌های زیادی از تبعیض مشاهده می‌شود. در بعد

1. David Frum



روانشناسانه نیز آنچه که در سال‌های اخیر جلب توجه می‌کند، نقش «شخصیت» در تب‌عیض نژادی در امریکا می‌باشد. تقریباً قریب به اتفاق اکثر تحقیقات، گزارش‌ها و تحلیل‌ها بر نقش این متغیر در تشدید تب‌عیض نژادی در امریکا تأکید دارند. برای اولین بار در تاریخ ریاست جمهوری امریکا و حداقل از زمان جنگ سرد به این سو است که تصمیم‌گیری‌ها و تصمیمات سیاسی داخلی و بین‌المللی در امریکا فردی‌تر شده و رئیس‌جمهور نقش بسیار زیادی در تصمیم‌گیری‌ها پیدا کرده است. در بسیاری از تحقیقات روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، بیان شده است که همزمان با ظهور و بروز شخصیت‌های اقتدارطلب در هر کشور نه تنها تعارضات نژادی تشدید شده، بلکه فعالیت گروه‌ها و جریان‌های افراطی و نفرت‌افکن نیز افزایش می‌یابد.

در این میان، ترامپسم نیز به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در روابط بین‌الملل و سیاست داخلی امریکا که دارای ویژگی‌هایی چون نژادپرستی، خودشیفتگی، پوپولیسم، افراط‌گرایی، ملی‌گرایی، بیگانه‌هراسی، اولویت اقتصاد بر سیاست، شعار «اول امریکا» و بکارگیری زور برای حل مشکلات است، شخصیتی می‌باشد که به‌عنوان مروج ایجاد بی‌نظمی جدید، ترویج ناعلمی، افزایش گروه‌های نژادپرست و خشم و نفرت در امریکا شناخته شده است. به‌دلیل آنکه چشم‌انداز روشنی برای حل سیستماتیک نژادپرستی و کاهش شکاف‌های جنسیتی و اجتماعی دیده نمی‌شود، همچنین اختلافات داخلی و شکاف بین جناح‌های سیاسی در امریکا نیز بیش از پیش افزون شده است که نمود آن استیضاح ترامپ می‌باشد. شکاف هویتی نیز در امریکا روز به روز در حال گسترش است، بنابراین، می‌توان انتظار داشت که این موضوع در کنار مسایل دیگری که امریکا با آن مواجه است از قبیل جنگ تجاری با چین، به چالش کشیدن نظم نئولیبرال توسط روسیه و چین، به‌شکلی جدی و اساسی ایالات متحده امریکا را دچار چالش، بی‌ثباتی و بی‌نظمی کند.

## ۹. پیشنهاد‌های رسانه‌ای

با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله، راهبردهای تبلیغی و رسانه‌ای زیر برای برنامه‌های مختلف خبری و غیرخبری شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما به‌ویژه رسانه‌های انگلیسی زبان این رسانه بین‌المللی پیشنهاد می‌شود:

تولید مستندی در پرس‌تی‌وی با محوریت تبیین علل و عوامل تعمیق شکاف‌های نژادی و قومیتی در امریکا در دوره ترامپ؛

برجسته‌سازی نقش نهادها، ساختارها و تناقضات نظام سرمایه‌داری در ایجاد شکاف‌های طبقاتی، نابرابری‌ها و درآمدها که منجر به تشدید تب‌عیض نژادی در امریکای مدعی دموکراسی شده است؛



استفاده از آمارهای معتبر و تحلیل‌های آماری دقیق و درست، در قالب اینفوگرافی برای ترسیم وضعیت فعلی نژادپرستی در امریکا؛

مصاحبه با حقوق‌دانان برجسته بین‌المللی و داخلی و انعکاس نظرات و دیدگاه‌های آنها برای تبیین فرایند نژادپرستی در دوره ترامپ؛

انعکاس حرفه‌ای تحولات نژادپرستانه در امریکا و مقابله رسانه‌ای با روند سانسور اینگونه اخبار در رسانه‌های امریکایی؛

بررسی روندی سخنرانی‌ها و تصمیم‌های نژادپرستانه ترامپ که نشانگر ایدئولوژی نژادپرستانه وی و گروه اجرایی‌اش است؛

واکاوی پیامدهای داخلی و بین‌المللی رویه پایدار نژادپرستی در امریکا از زبان صاحب‌نظران امریکایی؛

تحلیل دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز نهادینه شده در نظام‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و قضایی امریکا در برنامه‌های کارشناس‌محور؛

انعکاس مواضع نژادپرستانه ترامپ به فراخور تحولات در قالب فتوتیتر؛

بررسی روند تاریخی تبعیض‌های قومیتی و نژادی در امریکا در یک مجموعه برنامه متوالی؛

رصد و تحلیل مطالب اندیشکده‌های غربی در خصوص زمینه‌ها، روندها و پیامدهای نژادپرستی در امریکا.



## منابع و مأخذ

- بشیریه، حسین (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: نشر نی.
- سمیعی‌اصفهانی، علیرضا؛ امران، کیانی، و علی محمدی (۱۳۹۶)، «رویکردی جامعه‌شناختی به جنبش اجتماعی سیاهان در امریکا (تحلیل ریشه‌ها، روندها و پیامدها)»، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و هشتم، شماره پیاپی (۶۶)، شماره دوم، تابستان.
- کوینس، آنایل (۱۳۹۵)، «۱۷۰ سال تنش از لینکلن تا ترامپ»، (ترجمه وصال روحانی)، قابل دسترسی در:  
<http://www.ion.ir/News/۱۴۴۸۱۶.html>
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، **جامعه‌شناسی**، (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران: نشر نی.
- هاوتن، دیوید پاتریک (۱۳۹۶)، **روان‌شناسی سیاسی: موقعیت‌ها، افراد و مصادیق**، (ترجمه علی‌اشرف نظری و شهرزاد مفتوح)، تهران: نشر قومس.
- Alston, Philip (2017), "United Nations Special Rapporteur on Extreme Poverty and Human Rights", Washington, December 5, Available at: <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=22533>
- Anti-Defamation League (2018), "Murder and Extremism in the United States in 2018", (New York, NY: 2019), Available at <https://www.adl.org/media/12480/download>
- Balko, Radley (2013), "Rise of the Warrior Cop, the Militarization of Americas Police Forces, Public Affairs, New York, Available at: <http://www.amazon.com/rise-warrior-cop-militarization-americas/dp/16103945>
- Balko, Radley (2018), "There is Overwhelming Evidence That The Criminal Justice System is Racist", Available at: [Post.com/news/opinion/wp/2018/09/18](https://www.post.com/news/opinion/wp/2018/09/18),
- BBC (2018), "Fukuyama on Populism in Liberal Democracies", Available at: <https://www.bbc.co.uk/program/w172w7207rx1021>, Oct 27, 2018
- Ballard, Jamie (2019), 75% of Black Americans Say Racism in the U.S Has Gotten Worse Under Trump, [today.yougov.com/topics/politics/articles-report/2019/02/19](http://today.yougov.com/topics/politics/articles-report/2019/02/19)
- Bobo, Lawrence (1983), "Whites Opposition to Busing: Symbolic Racism or Realistic Group Conflict?", **Journal of Personality and Social Psychology**, 45(6), Pp1196-1210.
- Bobo, Lawrence D. (2017), "Racism in Trumps America: Reflections on Culture, sociology and the 2016 U.S Presidential Election", **The British Journal of Sociology**, Volume 68, Issue II.



Census (2019), Available at:

<https://www.census.gov/library/publication/2019/demo/p60-266html>.

Clark, Simon (2019), "Confronting the Domestic Right-Wing Terrorist Threat", Center for American Progress, Available at:

[americanprogress.org/issues/security/reports/2019/03/07/467022](http://americanprogress.org/issues/security/reports/2019/03/07/467022)

Deudeny, Daniel and Ikenberry G. John (2018), "Liberal Order, The Resilient Order", [www.foreignaffairs.com/article/world/order/2018-06-14](http://www.foreignaffairs.com/article/world/order/2018-06-14)

The Economist (2017), "Donald Trump Has no Grasp of What It Means To Be President", Available at: [www.economist.com/2017/08/19](http://www.economist.com/2017/08/19)

Feagin, Joe R (2001), "**Racist America, Roots, Current Realities, and Future, Reparations**", Social Science, Routledge A Member of the Taylor & Francis.

Fessler, Pam (2019), "U.S. Census Bureau Reports Poverty Rate Down, But Millions Still Poor", Available at: [npr.org/2019/09/10/759512938/](http://npr.org/2019/09/10/759512938/) U.S.- Census- Bureau- Reports- Poverty- Rate –Down-, But- Millions- Still- Poor

Frum, David (2018), **Trumpocracy: The Corruption of the American Republic**, An Imprint of Harper Collins Publishers.

Giroux, Henry A. (2017), "White Nationalism, Armed Culture and State Violence in the Age of Donald Trump", **Philosophy & Social Criticism**.

Goodman, Laurie, Zhu, Jun and Rolf Pendall (2017), "Are Gains in Black", Homeownership History": <https://www.urban.org/february 14>

Hanks, Angela, Solomon, Danyelle & Christian E. Weller (2018), "Systematic Inequality, How Americas Structural Racism Helped Create the Black-White Wealth Gap?", February 2018, **Center for American Progress**

Hayes, Christal (2018), "Have are 10 Times President Trumps Comments Have Been Called Racist", Available at: <https://www.ustoday.com/2018/08/14>

Hayoun, M. (2014), "Ferguson Prompts Activists to Rethink Black Power Movement in America Civil Society", Available at: <http://america.aljazeera.com/articles/2014/8/14/ferguson-brown-protest0.html>

Hirsh, Michael (2019), "Its Trumps Fourth of July Now", Available at: **Foreign Policy.com/2019/07/17**

Heim, Joe, Ellie Silverman, T. Rees Shapiro and Emma Brown (August 13, 2017), "One dead as car strikes crowds amid protests of white nationalist gathering in charlottesville; two police die in helicopter crash", Available at: [https://www.washingtonpost.com/local/fights-in-advance-of-saturday-protest-in-charlottesville/2017/08/12/155fb636-7f13-11e7-83c75bd5460f0d7e\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/local/fights-in-advance-of-saturday-protest-in-charlottesville/2017/08/12/155fb636-7f13-11e7-83c75bd5460f0d7e_story.html)

Jones, Janelle, Schmitt, John and Valerie Wilson, (2018), "50 Years After the Kerner Commission", Economic Policy Institute, February 26.



- Jones, Seth G. (2018), "The Rise of Far-Right Extremism in the United States", csis, November 7, 2018, at Available at <https://www.csis.org/analyst/rise/far-right-extremism-united-states>
- Joseph, Peniel E. (2009), "The Black Power Movement: A state of the Field", The **Journal of American History**, Volume 96, Issue 3, December 2009, Pp751–776.
- Lerner, Michael (2017), "Overcoming Trump-ism: A New Strategy for Progressives", **Tikkun**, Volume 32, Issue 1, Winter
- Lind, Dara and Nicholas Kristof, (2018), "Donald Trump Long History of Racism, From the 1970s to 2018", Available at: <https://www.vox.com/jan14, 2018>
- Luttig, Matthew D, Federico Christopher M. and Howard Lavine (2017), "Suporters and Opponents of Donald Trump Respond Differnly to Racial Cues: An Experimental Analysis", **Research & Politics**, Vol 4.
- Kazin, Michael (2016), "Trump and American Populism, Old Whine, New Bottles", **Foreign Affairs**, Vol. 95, No.6, November/December, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2016-10-06/trump-and-american-populism>
- Menasce, Juliana Horowitz, Anna Brown and Kianna Cox (2019), "Race in America 2019", [www.pewresearchcenter.org](http://www.pewresearchcenter.org), April 1.
- Nye, Joseph (2018), "Donald Trump and the Decline of U.S Soft Power", Available at: <https://www.aspistrategist.org.au/donald-trump-decline-us-soft-power/>
- Posner, Sarah, Neiwert, David (2017), "How Trump Took Hate Groups Mainstream", Available at: <https://www.motherjones.com>
- Schaffner, Brian F., Nteta, Tatishe M, and Matthew Macwilliams (2016), "Explaining White Polarization in the 2016 Vote for President: The Sobering Role of Racism abd Sexism, paper prepared for Presentation at the Conference on the U.S. Election of 2016: Domestic and International Aspects", January 8-9, 2017, IDC Herzliya Campus, Available at: [https://people.umass.edu/schaffe/schaffner\\_at\\_al\\_IDC\\_Conference.pdf](https://people.umass.edu/schaffe/schaffner_at_al_IDC_Conference.pdf)
- Smelser, Neil J. Wilson, W. and Mitchell, F. (2001), "**America, Becoming Racial Trends and Their Consequences**", National Research Council, Vol. I Paperback
- Stiglitz, Joseph E. (2018), "Trumps Trade Confusion", Available at: [www.project-syndicate.org/Apr 5](http://www.project-syndicate.org/Apr 5)
- Toobin, Jeffrey (2018), "Will The Fervor to Impeach Donald Trump Start a Democratic Civil War?", Available at: [www.newyorker.com/magazine/2018/05/28](http://www.newyorker.com/magazine/2018/05/28)
- Zakaria, Fareed (2019), "The Self-Destruction of American Power, Washington Squandered the Unipolar Moment", Available at: [www.foreignaffairs.com/article/2019-06-11](http://www.foreignaffairs.com/article/2019-06-11)



## بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان

محمدقلی میناوند<sup>۱</sup>، عارف جعفری‌چگنی<sup>۲</sup>

### چکیده

رسانه‌ها برای تقویت هویت فرهنگی مشترک و ایجاد همگرایی بین ملت‌ها، عنصر بسیار تأثیرگذاری در دیپلماسی فرهنگی بین کشورها هستند. هدف این مقاله شناخت و معرفی بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان (ایران، افغانستان و تاجیکستان)، برای توسعه طرح‌های رسانه‌ای در قالب تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای با تأکید بر راه‌اندازی تلویزیون مشترک است. در این مقاله، پس از مصاحبه با کارشناسان و فعالان رسانه‌ای در زمینه کشورهای فارسی‌زبان، اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده از طریق روش تحلیل مضمون، سامان‌بخشی و صورت‌بندی شده‌اند. در این خصوص با استفاده از نرم‌افزار ویژه کدگذاری تحقیقات کیفی (MAX QDA) داده‌ها و کدها ذیل مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها طبقه‌بندی شده و در قالب جداول ارائه شده است. مضامین به دست آمده، ذیل سه مقوله اصلی تبیین شده‌اند: «نقاط قوت موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور، نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور، الزامات همکاری رسانه‌ای میان سه کشور». براساس یافته‌ها، می‌توان با تأکید بر موضوعات فرهنگی و هویتی کشورهای فارسی‌زبان، به تولید و پخش محصولات رسانه‌ای، در رسانه‌های داخلی این کشورها مبادرت کرد. فرایند همکاری رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان، باید بر اساس ایجاد واحد پشتیبانی و سازوکار تبادل برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به‌عنوان یک بانک اطلاعات متنوع و کاربردی در تولید و پخش برنامه‌ها برای مخاطبان این کشورها باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، افغانستان، تاجیکستان، همکاری رسانه‌ای، تلویزیون مشترک.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۳

minavandm@gmail.com

۱. دانشیار دانشکده ارتباطات و رسانه دانشگاه صداوسیما، ایران، تهران

۲. کارشناسی ارشد رشته تحقیق در ارتباطات، دانشگاه صداوسیما، ایران، تهران (نویسنده مسئول)

aref.jafari.ch68@gmail.com



## ۱. مقدمه

توسعه همکاری‌های ارتباطی و رسانه‌ای کشورهای فارسی زبان (ایران، افغانستان و تاجیکستان)، راه عملی برای همگرایی، تقارب فرهنگی و تقویت هویت فرهنگی آنها با تأکید بر حوزه تمدنی زبان فارسی و تلاشی برای ایجاد و حفظ اشتراکات فرهنگی بر پایه تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای محلی و منطقه‌ای محسوب می‌شود.

اهمیت ارتباطات بین‌المللی و توسعه امکانات ارتباطی و رسانه‌ای در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران است که در بند ۶۱ سند «سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه» با عنوان «توسعه کمی و کیفی رسانه‌های فرامرزی با زبان‌های رایج بین‌المللی» اشاره شده است. با توجه به اهمیت سازمان‌های رسانه‌ای در جریان‌سازی و مدیریت رویدادهای بین‌المللی در حوزه‌های گوناگون، وجود و به کارگیری راهبردها و برنامه‌های مدون در چارچوب سیاست‌گذاری رسانه‌ای توسط صاحبان و کارگزاران رسانه، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. شکل‌گیری همکاری رسانه‌ای در چارچوب تولید و پخش محصولات مشترک رسانه‌ای میان سه کشور فارسی زبان (ایران، افغانستان، تاجیکستان) را می‌توان بخشی از همان راهبردها و برنامه‌های لازم برای عملکرد مطلوب در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای قلمداد کرد. همچنین در نبود رقبای جدی و رسانه‌های اثرگذار، رسانه‌های فارسی‌زبان فرامنطقه‌ای مانند بی.بی.سی فارسی توانسته‌اند با تولید و پخش برنامه‌های متنوع، مخاطبان قابل توجهی را در میان جمعیت فارسی‌زبان در کشورهای مختلف از جمله سه کشور مذکور جذب کرده و در یک وضعیت انحصاری، سیاست‌های رسانه‌ای خود را دنبال کنند. بنابراین برنامه‌ریزی و تدوین راهبردها و راهکارها در حوزه رسانه با تأکید و هدف‌گذاری مخاطبان کشورهای فارسی‌زبان، واکنشی در مقابل جریان‌های رسانه‌ای رقیب محسوب می‌شود.

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان براساس ظرفیت‌های آنها است. برای تدوین و اجرای راهکارها و راهبردها در حوزه بین‌المللی رسانه به‌ویژه کشورهای فارسی‌زبان، به شناخت توانمندی‌ها و کاستی‌ها در ساختار و عملکرد سازمان‌های رسانه‌ای سه کشور نیاز است. بنابراین شناسایی نقاط قوت و ضعف کشورهای فارسی‌زبان در حیطه رسانه، چشم‌انداز روشن‌تری برای شناسایی و تعریف بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان را فراهم می‌کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

بیچرانلو و ترابی‌ا قدم (۱۳۹۶) به بررسی ضرورت‌ها، اهداف، سیاست‌ها، راهبردها، مدل مطلوب، مختصات زبانی و زمانی، رویکردها، محورهای برنامه‌سازی، چالش‌های راه‌اندازی سیمای دری و پشتوی برون مرزی صداوسیما و راهکارهای اجرایی آن پرداخته‌اند.

در پژوهشی دیگر، حسینی (۱۳۹۳) به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های «فرهنگ» با تأکید بر عنصر زبان فارسی در گسترش روابط و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی‌زبان منطقه (افغانستان و تاجیکستان) پرداخته و نقش قدرت و دیپلماسی فرهنگی را در ایجاد ظرفیت‌های نوین در روابط بین کشورها بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین هدف این تحقیق، بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران از طریق آشنایی و ادراک هویت فرهنگی مشترک میان سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان است.

پژوهش شیرزادی و محمودی (۱۳۹۳) به بررسی و واکاوی تأثیر رسانه ملی در عصر کنونی با رویکرد دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان بازوی فعال و قدرتمند سیاست خارجی کشورها و یک عامل تعیین‌کننده در نظام بین‌الملل تحت تأثیر و تعامل تحولات شگرف در عرصه ارتباطات می‌پردازد. اوون<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «صورت‌بندی منطقه‌ای در بستر جهانی؛ شکل‌دهی تلویزیون برای خاورمیانه و فراتر از آن» به مبحث تبادل فرهنگی و برنامه‌ریزی در حوزه بین‌المللی در تلویزیون‌های دولتی می‌پردازد که در اکثر اقتصادهای نوظهور و مناطق مختلف، رو به افزایش است. این مقاله، موضوعات مورد تحقیق پیرامون تولید و شکل‌گیری محصولات رسانه‌ای برای مناطقی با جغرافیای زبانی خاص را بررسی کرده است. اسکولز<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «هم‌گرایی رسانه‌های منطقه‌ای: نگاهی به تلویزیون در اروپا» شکل و ساختار رسانه و محتوای رسانه‌ای و تأثیر آن بر مبحث همگرایی یا واگرایی در اروپا را بررسی می‌کند. این مقاله نقش رسانه را به‌عنوان بخشی از ساخت‌وساز فضای عمومی و یک محرک بالقوه در جهت همگرایی یا واگرایی تحلیل کرده است.

براساس جستجوهای انجام یافته در پیشینه پژوهش، ارائه بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان، نوآوری مقاله حاضر محسوب می‌شود.

1. Thomas amoos owen

2. Christian Scholz



### ۳. مبانی نظری تحقیق

#### ۳-۱. فرایند همگرایی

همگرایی<sup>۱</sup> عبارت است از: «متعهد شدن اجزا برای تشکیل یک کل که این اتحاد برای رسیدن به هدف مشخص سازمان‌دهی می‌شود». همگرایی شامل همگرایی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. در همگرایی سیاسی، کشورهای همگرا سعی بر آن دارند که در مسائل جهانی و منطقه‌ای سیاست‌های واحدی اتخاذ کنند. همگرایی اجتماعی از توسعه و گسترش روابط اجتماعی و افزایش مبادلات در میان کشورهای یک منطقه که می‌تواند به ایجاد یک حس اشتراک منافع و جامع بودن در آنها منجر شود، ناشی خواهد شد (افضلی و محمدجانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

شکل‌گیری فرایند همگرایی و پدیدار شدن یک گروه‌بندی و تشکل بین‌المللی و منطقه‌ای، نیازمند وجود زمینه‌ها و عوامل خاصی است که عمده آنها به شرح زیر است:

۱. ویژگی‌های مشترک فرهنگی- تاریخی، مانند زبان، تجربه تاریخی، ایدئولوژی، دین و مذهب، نژاد، قومیت، خاندان و آداب و رسوم مشترک؛
۲. وحدت طبیعی و جغرافیایی و برخورداری از واحدهای جغرافیایی متمایز و یکپارچه؛
۳. تهدیدهای مشترک اعم از تهدیدهای امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛
۴. علائق، منافع و نقش مشترک؛
۵. نیازها و وابستگی‌های متقابل در زمینه‌های مختلف؛
۸. وابستگی‌های تمدنی مانند تمدن اسلامی، تمدن اروپایی و تمدن اسلاوی؛

زمینه‌ها و عوامل مذکور به صورت انفرادی یا جمعی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری فرایند همگرایی و پدیدار شدن تشکل‌های جهانی، بین‌المللی و منطقه‌ای دارند (حافظ‌نیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

#### ۳-۲. دیپلماسی فرهنگی

شیوه دیگر دیپلماسی در دوره معاصر، «دیپلماسی فرهنگی»<sup>۲</sup> است که در قرن نوزدهم از سوی دولت فرانسه مطرح شد. این شیوه دیپلماتیک، مجموعه کوشش‌های یک دولت در زمینه سیاست خارجی است. در این دیپلماسی به جای استفاده و یا در کنار استفاده از مطبوعات و سایر

1. Convergence

2. Cultural Diplomacy



وسایل ارتباط جمعی برای جلب توجه و علاقه مخاطبان کشورهای دیگر، از امکانات غیرسیاسی در داخل جوامع مختلف، برای تأثیر مستقیم بر مردم کشورها اقدام می‌شود. ابزارهای اصلی این نوع دیپلماسی، آموزش زبان، مبادلات آموزشی و تماس‌های مستقیم فرهنگی هستند. هدف «دیپلماسی فرهنگی» یک کشور، آماده ساختن جوانان و نخبگان آینده کشورهای هدف برای تکلم به زبان کشور مبدأ، شناخت ادبیات و فرهنگ آن و ایجاد زمینه‌های لازم برای درک و ارج‌گذاری بیشتر گزارش‌ها و تصویرهای انعکاس یافته از سوی وسایل ارتباط جمعی کشورهای انتقال‌دهنده زبان، ادبیات و فرهنگ پیشرفته است (معمذنژاد، ۱۳۸۹: ۳۹۹-۳۹۸).

در سایه ارتباطات نوین جهانی و نزدیکی روزافزون ملتها، انتقال ارزش‌ها و تأثیر و تأثرهای متقابل فرهنگی با گستردگی و شتاب باور نکردنی در حال شکل‌گیری است. در حال حاضر بسیاری از متفکران و سیاستمداران، محور روابط آینده جهان را روابط فرهنگی و اختلافات و اشتراکات تمدنی می‌دانند. ملت‌های امروز نیازمند شناخت عمیق‌تر باورهای مختلف در دیگر فرهنگ‌ها و شیوه نگرش سایر ملت‌ها هستند. جهان کنونی عرصه همگونی و تفاهم تدریجی فرهنگی و نیز عرصه تنوع و پویایی فرهنگی است. فرهنگ واقعیتی انکارناپذیر است که در جوامع مختلف به‌صورت‌های گوناگون و در سطح جهانی، به‌طور برجسته جلوه‌گر می‌شود (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

بی‌تردید کشورها در بازار جهانی با یکدیگر رقابت می‌کنند و با محصولات خود، سعی در حفظ و تداوم برند ملی دارند. برند ملی یک کشور با اقتصاد، صادرات، گردشگری و سرمایه‌گذاری داخلی پیوند دارد که همه این موارد به‌عنوان نمادی از فرهنگ در تبلیغ یک کشور در جهان سهمی را برعهده دارند. لذا دیپلماسی فرهنگی آرایش فرهنگی یک دولت در حمایت از اهداف سیاست خارجی یا دیپلماتیک است که به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از دیپلماسی عمومی در نظر گرفته می‌شود. دیپلماسی عمومی نیز ارتباط یک حکومت با مخاطبان خارجی خود برای تأثیرگذاری مثبت بر آنها قلمداد می‌شود. با وجود این، دیپلماسی فرهنگی از نقش بالقوه‌ای در راستای کمک به اهداف سیاست خارجی یک دولت به‌طور مؤثر و کارآمد برخوردار است و می‌تواند راه دستیابی دولت‌ها به اهداف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را هموار کند (Mark, 2009: 8-11). دیپلماسی فرهنگی درواقع اغلب با ایجاد روابطی هماهنگ، دوستانه و نزدیک با کشورها و به‌ویژه مردم آنها، زمینه‌های هم‌افزایی جوامع را فراهم می‌کند. دیپلماسی فرهنگی، تلاشی برای



ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملت‌ها با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقات براساس ارزش‌های مشترک است (Ninkovich, 1996: 3). همگرایی و تقارب به‌عنوان اهدافی غیرقابل اجتناب، در فرایند ایجاد رابطه با اصول ریشه‌دار کشورهای مشترک در نظر گرفته می‌شوند. این برنامه‌ها اهداف اساسی و اصلی دیپلماسی فرهنگی هستند (Potter, 2002: 89).

### ۳-۳. قدرت نرم

جوزف نای معتقد است که نظریه قدرت نرم<sup>۱</sup>، نظریه‌ی بنیادین دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی شامل دو جزء دیپلماسی رسانه‌ای و فعالیت‌های آموزشی و تبادل فرهنگی است (شاه‌محمدی و قرائتی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). براساس تعریف نای، قدرت نرم عبارت است از «توانایی یک دولت در رسیدن به اهداف مطلوب از طریق ایجاد جاذبه و کشش و نه با استفاده از قوه قهریه و زور». او اعمال قدرت نرم را از روش‌هایی همچون بسط و گسترش روابط با متحدان و تعاملات فرهنگی میسر می‌داند. از دیدگاه وی، چنین سیاستی نهایتاً منجر به محبوبیت دولت‌ها نزد افکار عمومی کشور مقصد می‌شود و کسب حیثیت و وجهه بین‌المللی برای دولت‌ها را نیز دربردارد (خانی، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

در جهان امروز بحث برقراری امنیت نرم در مباحث گفتمان‌های فرهنگی میان ملت‌ها و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی - تمدنی کشورهایی با قدمت دیرینه، قطعاً می‌تواند ابزاری مهم در پیشبرد راهبردهای امنیت‌جویانه و منفعت‌طلبانه در عرصه سیاست خارجی این کشورها به شمار آید (تیشه‌یار، ۱۳۸۹: ۷۹). دیپلماسی فرهنگی یک مثال بارز از قدرت نرم است. فرهنگی که به‌ویژه برای دیگران جذاب باشد، یکی از منابع با اهمیت قدرت نرم خواهد بود. دیپلماسی فرهنگی مسیری را طی می‌کند که دیپلماسی سیاسی، نظامی و اقتصادی نمی‌تواند در آن موفق باشد. اقناع از طریق فرهنگ، ارزش‌ها، عقاید، باورها و نه اجبار از طریق قدرت نظامی یا سیاسی، هدف دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر قدرت نرم است.

### ۴. نقش دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی و ارتباطی ایران در

#### کشورهای فارسی‌زبان

با مطالعه جوانب و شاخص‌های مفاهیم دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم می‌توان به این نکته پی برد که نکات و مؤلفه‌های مهم قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی، باید کاربست ویژه‌ای در

1. Soft power



سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای و فرهنگی به خصوص در بُعد بین‌المللی توسط دولت‌ها داشته باشد. با توجه به میراث معنوی و فرهنگی کشورهای فارسی‌زبان به‌ویژه ایران، می‌توان رابطه‌ای منطقی میان اهداف و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در زمینه ارتباطات، رسانه و مؤلفه‌های قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ایجاد کرد. توسعه و اصلاح سیاست‌های فرهنگی و رسانه‌ای در بُعد برون‌مرزی و بین‌المللی، تضمینی برای توسعه و بسط قدرت نرم در چارچوب همکاری‌های رسانه‌ای و همگرایی فرهنگی، ایجاد شبکه‌ای از متحدان و تلاش برای رقابت مبتنی بر قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی با قدرت‌های تبلیغاتی و رسانه‌های بزرگ در بلندمدت محسوب می‌شود. ایران و سایر کشورهای فارسی‌زبان به‌واسطه توانمندسازی و توسعه امکانات ارتباطی و رسانه‌ای خود می‌کوشند فرهنگ و ایده‌های خود را به‌عنوان یک فرهنگ مستقل، مطرح و صاحب فکر و اندیشه اثرگذار، ترویج نمایند. کشورهای فارسی‌زبان می‌توانند دیپلماسی فرهنگی چندجانبه خود را دنبال کنند، الگوی توسعه قدرت نرم خود را به‌عنوان یک گزینه برای حرکات مستقل از قرائت‌های تحمیلی و یکجانبه تبلیغاتی و رسانه‌ای قدرت‌های بزرگ را به سایر کشورهای هم‌تراز (از نظر موقعیت سیاسی و اقتصادی) عرضه نمایند و نقش فعال‌تری در امور بین‌الملل ارتباطات و رسانه ایفا کنند. البته قدرت نرم مد نظر جوزف نای در بعضی زمینه‌ها به جذابیت نهادهای ارزش‌های امریکایی اشاره دارد، در حالی که می‌توان ایده‌ها و ارزش‌های فرهنگی و مدنی در ساختار اجتماعی و فرهنگی کشورهای فارسی‌زبان و لحاظ کردن آن در راهبردهای رسانه‌ای و فرهنگی را جایگزینی برای ارزش‌ها و شاخص‌های غیربومی تلقی کرد.

مفهوم قدرت نرم را می‌توان در بطن کشورهای دارای صبغه‌های تمدنی، تاریخی و فرهنگی ارزیابی کرد. فارغ از مسائل سیاسی، آنچه که همواره توجه بسیاری از جوامع غربی به‌ویژه توده نخبگان را به ایران معطوف کرده، برجستگی‌ها و مؤلفه‌های تمدنی و فرهنگی بوده است. تقویت و توسعه ارتباطات میان‌فرهنگی و بین‌المللی بر پایه همین ظرفیت‌های «ایران فرهنگی» که مرزهای آن بسیار گسترده‌تر از مرزهای ملموس و جغرافیایی است، در بستر فعالیت‌های حرفه‌ای رسانه قابل دستیابی بوده و می‌تواند تسهیل‌کننده افزایش قدرت نرم ایران باشد.



## ۵. روش تحقیق

## ۵-۱. تحلیل مضمون

تحلیل مضمون<sup>۱</sup> روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده را به داده‌های غنی تبدیل می‌کند (Braun and Clarke, 2006: 76). مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. شناخت مضمون یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل تحلیل کیفی است و به عبارتی، قلب تحلیل مضمون است. فهم متعارف ارزش‌های پژوهشگر، جهت‌گیری‌ها و سؤالات پژوهش و تجربه پژوهشگر درباره موضوع، بر نحوه شناخت مضامین تأثیر می‌گذارد. تحلیل مضمون یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌ها است که توسط آن، داده‌های کیفی تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند. تحلیل مضمون اصولاً یک راهبرد توصیفی است که یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌نماید. به‌طور کلی تحلیل مضمون روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، گروه، موقعیت، تعامل، سازمان و یا فرهنگ، محسوب می‌شود (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

برای دستیابی به شبکه مضامین، مراحل ذیل انجام شد:

الف) کشف مضامین اصلی و یا مفاهیم پایه‌ای (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)؛

ب) کشف مضمون‌های سازمان یافته (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌ها و یا مفاهیم اصلی)؛

ج) کشف مضمون‌های فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). بعد از طی این مراحل، مضمون‌های به دست آمده به صورت نقشه‌های شبکه وب ترسیم می‌شوند که در آن مضامین برجسته همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. مضامین فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد؛ مضامین سازمان یافته، واسط مضامین پایه‌ای شبکه است. مضامین پایه مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آنها مضمون سازمان یافته ایجاد می‌شود (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۰).



## ۵-۲. شیوه گردآوری و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

مصاحبه به‌عنوان یک ابزار جمع‌آوری داده در اجرای تحقیقات کیفی است که به‌دنبال شرح و معانی موضوعات جهان حاضر است. به‌طوری که در گفت‌وگو با مصاحبه شونده، به‌صورت مفصل با وی در مورد موضوع صحبت می‌شود. پژوهشگران نیز این روش را از میان چند روش موجود به‌عنوان یکی از روش‌های جمع‌آوری داده استفاده می‌کنند (مارشال و راس من، ۱۳۸۱: ۱۱۲-۱۱۱).

در این پژوهش برای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده از طبقه‌بندی شبکه مضامین<sup>۱</sup> - به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های تحلیل مضمون - استفاده شده است. برای دستیابی به شبکه مضامین، مضامین کلی‌تر، استخراج شده و به‌عنوان مضامین فراگیر معرفی شده‌اند. پس از آن زیرمجموعه‌هایی تحت عنوان مضامین سازمان‌یافته و در پایان، مقوله‌های جزئی‌تر به‌عنوان مضامین پایه، معرفی شده است. نمونه‌گیری در این تحقیق به‌صورت هدفمند انجام شده است و کارشناسان و نخبگان حوزه رسانه که به صورت دانشگاهی، مدیریتی، حرفه‌ای و عملیاتی در مسائل و موضوعات رسانه به‌ویژه در بُعد بین‌المللی و منطقه‌ای دارای تجربه و صاحب‌نظر هستند، به‌عنوان جامعه نمونه در نظر گرفته خواهند شد. مقاله همچنین از نظرات کارشناسان افغان و تاجیک که در حوزه رسانه و ارتباطات صاحب‌نظر می‌باشند، استفاده کرده است.

## ۶. یافته‌ها

در این بخش به ارائه داده‌های به دست آمده و تفسیر آنها پرداخته شده است. داده‌های مذکور از طریق مصاحبه عمیق به‌عنوان یکی از شیوه‌های جمع‌آوری داده‌های کیفی، به دست آمده‌اند. این مصاحبه‌ها با متخصصان حوزه ارتباطات، رایزن‌های فرهنگی و فعالان حرفه‌ای رسانه که سابقه فعالیت در حوزه کشورهای فارسی‌زبان را دارند، انجام شده است. مضامین به دست آمده ذیل سه مقوله اصلی زیر دسته‌بندی شده‌اند:

۱. نقاط قوت موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور؛
۲. نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور؛
۳. شناسایی الزامات همکاری رسانه‌ای میان سه کشور.



جدول شماره ۱ نشان‌دهنده مضامین مختلف «نقاط قوت موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور» است.

جدول ۱. مضامین نقاط قوت موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور

| مضامین پایه                                                            | مضامین سازمان یافته                                  | مضامین فراگیر                                                 |
|------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------|
| وضعیت مطلوب در پرورش نیروی انسانی                                      | نقاط قوت موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای ایران     | نقاط قوت موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور فارسی زبان |
| توسعه آموزش دانشگاهی علوم رسانه و ارتباطات                             |                                                      |                                                               |
| پیشرفت‌های محسوس نرم‌افزاری و سخت‌افزاری                               |                                                      |                                                               |
| وجود تولیدکنندگان و برنامه‌سازان کارآزموده و مجرب                      |                                                      |                                                               |
| نظام باز رسانه‌ای                                                      | نقاط قوت موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای افغانستان |                                                               |
| وجود رسانه‌های تجاری                                                   |                                                      |                                                               |
| استقلال و توان بالای مدیریت و اداره رسانه‌ها                           |                                                      |                                                               |
| توفیق رسانه‌های بدون برچسب قومی                                        |                                                      |                                                               |
| بازدهی بالا و مطلوب رسانه‌ها با هزینه‌های پایین                        |                                                      |                                                               |
| وجود شبکه‌های خصوصی متعدد                                              |                                                      |                                                               |
| بهبود وضعیت آموزش روزنامه‌نگاری حرفه‌ای                                | نقاط قوت موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای تاجیکستان |                                                               |
| توجه ویژه رسانه‌ها به آئین‌ها و ارزش‌های فرهنگی                        |                                                      |                                                               |
| استقبال فعالان رسانه‌ای و فرهنگی از همکاری های رسانه‌ای مشترک با ایران |                                                      |                                                               |

نقاط قوت و قابل‌اتکای ساختار رسانه‌ای و عملکرد سه کشور فارسی‌زبان در حوزه رسانه، شامل موارد و موضوعاتی است که بهره‌گیری از آن، موجب تقویت موقعیت رسانه‌ای و ارتقاء کیفیت محصولات رسانه‌ای آنها می‌شود. برای ایجاد طرح‌های مشترک رسانه‌ای میان سه کشور، توجه و به‌کارگیری این توانایی‌ها و نقاط قوت، از نکات ضروری و حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، توسعه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امکانات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران یکی از نقاط قوت و قابل استفاده در توسعه و هموار کردن طرح‌ها و برنامه‌های ارتباطی و رسانه‌ای در زمینه‌های



مختلف مانند طرح‌های برون‌مرزی و مشخصاً طرح ایجاد تلویزیون مشترک میان کشورهای فارسی‌زبان می‌باشد.

در مثالی دیگر می‌توان به وجود رسانه‌های متعدد خصوصی و آزادی عمل در راه‌اندازی رسانه‌های مستقل در افغانستان اشاره کرد. اینکه در کشوری که درگیر مسائل مختلف امنیتی و اختلافات قومی بوده است، چگونه رسانه‌های خصوصی توانسته‌اند با نحوه عملکرد خود مخاطبان گسترده و متنوعی را جذب کنند؟ نکته‌ای کلیدی و قابل اهمیت است.

همچنین جدول شماره ۲، نشان‌دهنده مضامین مختلف «نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور» است.

جدول ۲. مضامین نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور

| مضامین فراگیر                                      | مضامین سازمان‌یافته                                     | مضامین پایه                                                         |
|----------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|
| نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور | نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای در ایران     | مدیریت امور تخصصی و رسانه‌ای توسط افراد غیرمتخصص در برخی از حوزه‌ها |
|                                                    |                                                         | کارایی اندک برخی از دفاتر منطقه‌ای و بین‌المللی                     |
|                                                    |                                                         | غلبه نگاه سیاسی از دید برخی از منتقدان                              |
|                                                    |                                                         | حجم بالای نیروی سازمانی و چالش بازدهی آن                            |
|                                                    | نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای در افغانستان | خدشه به ارزش‌های فرهنگی در عملکرد رسانه‌های خصوصی                   |
|                                                    |                                                         | عدم رغبت رسانه‌های خصوصی افغانستان به حفظ تمدن فارسی‌زبانان         |
|                                                    |                                                         | سودمحوری و نگاه تجاری به مخاطب در رسانه‌های خصوصی                   |
|                                                    |                                                         | عدم پایداری رسانه‌های خصوصی به سنت‌ها و باورهای جامعه               |
|                                                    |                                                         | تعریف لیبرالیستی از آزادی بیان                                      |
|                                                    |                                                         | نگاه بازاری به مسئله فرهنگ                                          |
|                                                    | نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای در تاجیکستان | ترویج سبک زندگی غربی در رسانه‌های تاجیکستان                         |
|                                                    |                                                         | نگاه امنیتی دولت به رسانه                                           |
|                                                    |                                                         | عدم توسعه تلویزیون‌های مبتنی بر وب                                  |
|                                                    |                                                         | اثرات منفی حاکمیت شوروی بر پیشینه فرهنگی تاجیکستان                  |
|                                                    |                                                         | ضریب نفوذ بالای رسانه‌های روسیه در تاجیکستان                        |



شناسایی نقاط ضعف و تلاش برای برطرف ساختن آنها برای هر کدام از کشورهای فارسی‌زبان در توسعه و پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های ارتباطی و رسانه‌ای اهمیت بسیار دارد. برای ارتقاء کیفیت عملکرد رسانه‌ای و توسعه برنامه‌های مشترک در حوزه رسانه، باید نقاط ضعف موجود در ساختار رسانه‌ای سه کشور را مدنظر قرار داد و امکانات لازم را برای بهبود وضعیت موجود به کار گرفت. به عنوان مثال، در گفت‌وگو با مصاحبه‌شوندگان این تحقیق و شناخت نقاط ضعف صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، بیش از هر چیز، به ساختار سازمانی و نیروی انسانی آن اشاره شده است.

نقاط قوت یک مجموعه رسانه‌ای حاصل تجربیات و اندوخته‌های آن در سال‌های متمادی و کسب مهارت‌های لازم در جلب نظر مخاطب در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی است. رسانه‌های فعال در ایران که در حوزه رادیو و تلویزیون در انحصار صداوسیما جمهوری اسلامی هستند، قطعاً دارای نقاط قوت و قابل اعتنا بوده که می‌توانند با به اشتراک گذاشتن تجربیات و امکانات به دست آمده، با سایر گروه‌ها و مجموعه‌ها (سازمان‌های رسانه‌ای افغانستان و تاجیکستان) به توسعه مطلوب همکاری‌های ارتباطی و رسانه‌ای کمک کنند.

به عنوان مثال، رشد و توسعه کمی و کیفی شبکه‌های تلویزیونی یکی از نقاط قوت صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است. همانگونه که اشاره شد، این رسانه برای رسیدن به موقعیت کنونی خود مسیر طولانی را طی نموده و با افزایش توانمندی‌های علمی و تخصصی خود، هم‌اینک به سطح قابل توجه رشد کمی و کیفی دست یافته است.

با نگاهی به رشد کمی و کیفی رسانه‌های رادیویی و تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در حوزه برون‌مرزی، می‌توان بر این نکته تأکید کرد که توسعه همکاری‌های مشترک رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان به لحاظ فنی و امکانات زیرساختی تا حد زیادی امکان‌پذیر است. چرا که این توانایی و امکانات با ترکیب شدن با نقاط قوت و ظرفیت‌های کشورهای افغانستان و تاجیکستان در حوزه ارتباطات و رسانه، مانند توفیق در اداره رسانه‌های رادیویی و تلویزیونی کوچک و جذب مخاطب قابل قبول و امکان راه‌اندازی یک شبکه تلویزیونی مشترک میان سه کشور را بیش از پیش تقویت می‌کند.

اما وجود نقاط قوت در عملکرد و ساختار رسانه‌ای سه کشور، به تنهایی نمی‌تواند به توسعه همکاری‌های ارتباطی و رسانه‌ای کمک کند. زیرا نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای کشورهای مورد نظر، می‌تواند به عاملی بازدارنده در تقویت همکاری‌های رسانه‌ای تبدیل



شوند. یکی از نمونه‌های اشاره شده کمبود نیروهای خلاق و کارآمد در فعالیتهای برون مرزی و دفاتر خارج از کشور صداسیما است. استفاده از نیروهای خلاق و حرفه‌ای علاوه بر ابعاد ملی، در سطح بین‌المللی به‌ویژه فعالیت حرفه‌ای دفاتر منطقه‌ای در خارج از کشور، اهمیت دارد. موضوعات و سوژه‌های فعالیت ارتباطی و رسانه‌ای در سطح بین‌المللی باید توسط کسانی مدیریت شود و انعکاس یابد که با این شرایط آشنا و انگیزه و اشتیاق لازم را برای تغییرات مثبت و رو به رشد داشته باشند.

نقاط ضعف موجود در عملکرد و ساختار رسانه‌ای کشورهای افغانستان و تاجیکستان نیز بیشتر به نگاه یک‌سویه به برنامه‌سازی آن هم در جهت تقلید از مدل برنامه‌سازی شبکه‌های غربی است که حتی در میان بسیاری از مردم این دو کشور به‌ویژه افغانستان با واکنش‌هایی روبرو بوده است. در حالی که حفظ طیف‌های مختلف مخاطبان و توجه به ارزش‌های مورد وثوق جامعه، از نکاتی است که باید در نحوه برنامه‌سازی و تولید محتوای رسانه‌ای به آنها توجه کرد. جدول شماره ۳، نشان‌دهنده مضامین مختلف «بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان سه کشور» است.

جدول ۳. مضامین مختلف بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان سه کشور

| مضامین فراگیر                                | مضامین سازمان‌یافته                | مضامین پایه                                                |
|----------------------------------------------|------------------------------------|------------------------------------------------------------|
| شناسایی الزامات همکاری رسانه‌ای میان سه کشور | الزامات همکاری مطلوب در حوزه رسانه | تولید حرفه‌ای محتوای رسانه‌ای                              |
|                                              |                                    | لزوم تمرکز بر محتوای سرگرم‌کننده                           |
|                                              |                                    | وجود فضای رقابتی در رسانه                                  |
|                                              |                                    | تبادل نیروهای حرفه‌ای در رسانه                             |
|                                              |                                    | لزوم توجه به فعالان حرفه‌ای و با انگیزه در همکاری رسانه‌ای |
|                                              |                                    | جلب حمایت‌های مالی                                         |
|                                              |                                    | توسعه تلویزیون بر پایه وب                                  |
|                                              |                                    | لزوم رعایت بی‌طرفی در انعکاس مطالبات حزبی                  |
|                                              |                                    | ایجاد اتحادیه رسانه‌ای میان سه کشور                        |
|                                              |                                    | رایزنی و همفکری با اتحادیه‌های رسانه‌ای بین‌المللی         |
|                                              |                                    | توجه به ارزش‌های خبری معطوف به فرهنگ و زیست‌بوم منطقه‌ای   |
|                                              | الزامات همکاری مطلوب در حوزه مخاطب | لزوم توجه به خواسته‌های مخاطب                              |
|                                              |                                    | نیازسنجی مخاطب                                             |
|                                              |                                    | جلب اعتماد مخاطب                                           |
|                                              |                                    | مطالعه همه‌جانبه ذائقه مخاطب فارسی‌زبان                    |
|                                              |                                    | احساس تعلق مخاطب فارسی‌زبان نسبت به رسانه                  |
|                                              |                                    | احساس خودی‌بودن کنش‌گران و فعالان رسانه                    |
|                                              |                                    | لزوم حضور میدانی رسانه در میان مخاطبان سه کشور             |
|                                              |                                    | همیاری و همفکری با مخاطبان در سه کشور                      |
|                                              |                                    | ارتباط‌گیری با کنش‌گران فضای مجازی در سه کشور              |
|                                              |                                    | زمینه‌سازی افکار عمومی برای اجرای طرح‌های مشترک            |



برای توسعه و گسترش همکاری‌های رسانه‌ای و ارتباطی میان کشورهای فارسی‌زبان، می‌توان برای بهره‌گیری از توانایی‌ها و به‌کارگیری استعدادها، مختلف در سه کشور، به سطحی از استانداردهای حرفه‌ای رسید و به تولید و پخش محصولات رسانه‌ای برای مخاطبان سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان مبادرت نمود. توجه به دو مقوله مهم در این زمینه، یعنی مخاطب فارسی‌زبان و ماهیت رسانه مشترک میان سه کشور، اساس برنامه‌ریزی و عملکرد برای همکاری رسانه‌ای مشترک میان کشورهای فارسی‌زبان را مشخص می‌کند. مصاحبه‌شوندگان این پژوهش با تأکید بر گسترش همکاری‌های رسانه‌ای در حیطه تولید و پخش، به لزوم همفکری در حوزه‌های گسترده‌تر مانند سیاست‌گذاری‌های هماهنگ رسانه‌ای و ارتباطی اشاره کردند.

این بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان سه کشور، به حوزه‌های مختلف حرفه‌ای، تشکیلاتی و عملیاتی تعمیم پیدا می‌کند. همچنین توجه به حضور گروه‌ها و فعالان حوزه رسانه در امور برنامه‌سازی و تولید محتوا برای مخاطب فارسی‌زبان، مانند فعالان رسانه‌ای در بستر وب، می‌تواند راهی برای بهبود عملکرد در زمینه تولید محتوای رسانه‌ای باشد. مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند که «برای عبور از این چالش مسائل دولتی، اختلاف نظرها و سوءتفاهم‌های سیاسی در بخش کلان سیاست‌گذاری‌ها میان دولت‌های سه کشور، می‌توان به دنبال یک ساختار غیردولتی و غیرانتفاعی قابل حصول و آسان‌تر بود. این حوزه خصوصی و غیردولتی می‌تواند با همراهی متخصصان، کارآموزان و اهالی فرهنگ و هر شخصی که به نوعی با حوزه کار فرهنگی و رسانه‌ای آشنایی دارد به این موضوع کمک نماید».

برای پیشبرد همکاری‌های مشترک در زمینه رسانه میان سه کشور فارسی‌زبان، توجه به امور آموزشی و تبادل نیروی متخصص از نکات اشاره شده توسط مصاحبه‌شوندگان است. «تبادل نیروی حرفه‌ای خبری مانند خبرنگار، مستندساز و ... در همه حوزه‌هایی که امکان فعالیت رسانه‌ای دارند، مانند گردشگری، اطلاع‌رسانی، آموزشی و ... می‌تواند در برابر اطلاع‌رسانی یکجانبه رقابتی مؤثر باشد». تسهیل حضور بخش‌های خصوصی رسانه‌ای، باعث تامین مالی و حمایت اسپانسرها خواهد شد. درواقع موضوع حمایت مالی و پشتیبانی از این طرح، دیگر مسئله حائز اهمیت در این زمینه است. پروژه‌های مشترک رسانه‌ای می‌تواند علاوه دولت و نهادهای دولتی، توسط شرکت‌های خصوصی نیز پشتیبانی شوند. یکی از نکات مهم مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان تأکید بر زمینه‌سازی در افکار عمومی برای اجرای طرح‌های مشترک میان سه کشور است. بسیاری از معضلات فرهنگی و اجتماعی، به سبب ناآگاهی عمومی و سوءبرداشت از



موضوعات مرتبط با این کشورها رخ می‌دهد. بسیاری از همین معضلات، مانند مسائل و مشکلات مرتبط با مهاجران افغان در ایران، به دلیل نبود آگاهی و شناخت توده‌های جامعه در کشورهای فارسی‌زبان تشدید می‌شوند. آگاهی‌بخشی عمومی که اساساً بخشی از کارکردهای رسانه است، زمینه را برای پذیرش افکار عمومی درباره مسائل و موضوعات مرتبط و مشترک میان سه کشور آماده‌تر خواهد کرد. هر نوع از همکاری رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان در هر طرح ارتباطی و رسانه‌ای که با محوریت فعالیت فرهنگی و رسانه‌ای هماهنگ و مشترک صورت بگیرد، باید براساس مؤلفه‌های مشخص و مرتبط با ساختار فرهنگی و اجتماعی سه کشور عمل کند. این مؤلفه‌ها شکل‌دهنده نوعی چارچوب و فعالیت استاندارد حرفه‌ای برای بازدهی بالای فعالیت رسانه‌ای در کشورهای فارسی‌زبان هستند.

## ۷. نتیجه‌گیری

بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان سه کشور، در دو حیطه مخاطب و رسانه قابل ارزیابی است. در حیطه رسانه، باید هر آنچه که به عنوان استانداردهای مطلوب حرفه‌ای برای انجام پروژه‌های رسانه‌ای مشترک که با شرایط اجتماعی و فرهنگی و البته در سطح توانایی‌های سه کشور فارسی‌زبان باشد، به کار گرفت. وقتی از «توجه به ارزش‌های خبری معطوف به فرهنگ و زیست‌بوم منطقه‌ای» و یا از «لزوم رعایت بی‌طرفی و عدم سوگیری قومی و حزبی» سخن می‌گوییم، به آن دسته از مؤلفه‌هایی اشاره داریم که به عنوان شاخص‌های عملکرد مطلوب و حرفه‌ای در عرصه فعالیت‌های ارتباطی و رسانه‌ای شناخته می‌شوند. تولید حرفه‌ای محتوای رسانه، تبادل نیروهای حرفه‌ای در رسانه و لزوم توجه به فعالان حرفه‌ای و با انگیزه در همکاری‌های رسانه‌ای، بهبود کیفیت برنامه‌سازی و نزدیک شدن و درنهایت، رسیدن به سطح استانداردهای شناخته شده بین‌المللی و حرفه‌ای رسانه را در پی خواهد داشت.

در حیطه مخاطب باید نکاتی را مدنظر قرار داد که براساس آن چگونگی عملکرد رسانه‌ای و نحوه تولید و پخش محصولات رسانه‌ای برای مخاطب فارسی‌زبان در سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان مشخص می‌شود. چنین عملکردی می‌تواند احساس تعلق مخاطب فارسی‌زبان نسبت به رسانه مورد نظر را به همراه داشته باشد. «همیاری و همفکری با مخاطبان در سه کشور فارسی‌زبان» یا «ارتباط‌گیری با کنش‌گران فضای مجازی در سه کشور» را می‌توان نمونه‌هایی از موارد مورد اشاره در حوزه نکات مورد اهمیت و بایسته‌های در نظر گرفته شده برای بهبود عملکرد رسانه‌ای در غالب فعالیت‌های مشترک محسوب نمود. سلايق و آنچه که دنبال‌کنندگان یک



رسانه می‌پسندند، باید توسط یک رسانه مورد توجه قرار گیرد. درواقع نیازسنجی و لزوم توجه به خواسته‌های مخاطب در یک رسانه مشترک فارسی‌زبان و مطالعه همه‌جانبه ذاتقه مخاطب فارسی‌زبان، جلب اعتماد و احساس تعلق مخاطب نسبت به رسانه مورد نظر را به‌همراه خواهد داشت. البته این فرایند نیازمند بسترسازی از سوی مجریان چنین طرح‌هایی است تا بتوان با زمینه‌سازی افکار عمومی برای اجرای طرح‌های مشترک، احساس خودی بودن میان کنش‌گران و فعالان رسانه و مخاطبان را به وجود آورد. در جدول شماره ۴، نتایج به دست آمده از مقولات تحقیق و پیشنهادهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج و پیشنهادها

| پیشنهادهای                                                                                                                                                                                                                                                                                 | ملاحظه و نتیجه‌گیری                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>در حوزه رسانه</b>                                                                                                                                                                                                                                                                       |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| تأسیس «اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های کشورهای فارسی‌زبان» با ایجاد دفاتر و سازوکار تشکیلاتی و حضور مدیران رسانه‌ای از سه کشور. ایجاد واحد پشتیبانی و مکانیزم تبادل برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به‌عنوان یک بانک اطلاعات متنوع و کاربردی در تولید و پخش برنامه‌ها برای مخاطبان فارسی‌زبان. | ۱. ایجاد اتحادیه رادیو تلویزیون‌های اسلامی با همکاری صداوسیما، نوعی از رایزنی‌ها و فعالیت‌های موفقیت‌آمیز در حوزه ارتباطات بین‌الملل است. می‌توان این فعالیت را به‌عنوان یک الگو در مطرح ساختن ایده‌های بین‌المللی ارتباطات و سایر فعالیت‌های حوزه بین‌المللی رسانه، محسوب کرد و در همان راستا به ترویج ایده‌های همگرایی و مشارکتی میان کشورهای منطقه، از جمله کشورهای فارسی‌زبان مبادرت کرد. |
| لزوم رایزنی و مراودات اداری و سازمانی، میان مدیران فرهنگی و رسانه‌ای با وزارتخانه‌ها، نهادها و کمیسیون‌های مربوطه در مجالس قانون‌گذاری.                                                                                                                                                    | ۲. به سرانجام رساندن این طرح‌های مشترک میان سه کشور یا هر ایده و طرح مشترک رسانه‌ای و فرهنگی، نیازمند ایجاد تفاهم‌نامه‌های همکاری در سطوح بالا و پیگیری این تفاهم‌نامه‌ها توسط سه کشور است. تخصیص اعتبارات لازم و مهم‌تر از آن، ایجاد دغدغه‌های جدی و نه شعارگونه در میان متولیان رسانه‌ها و مدیران رده‌بالای اجرایی، می‌تواند روند پیاده‌سازی این طرح‌ها را سرعت ببخشد.                      |
| بهره‌گیری و استفاده از بازار تبلیغات کشورهای فارسی‌زبان و جذب حامیان مالی برای تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی.                                                                                                                                                                           | ۳. موضوع حمایت مالی و پشتیبانی از این طرح دیگر مسئله حائز اهمیتی است. چنین طرح‌هایی نیاز به پشتیبانی مالی و حمایت در سطوح بالای مدیریت اجرایی دارند. ارتباط‌گیری و جلب حمایت‌های خصوصی توسط شرکت‌ها و نهادهای خاص، نیز می‌تواند به توسعه و اجرای چنین طرح‌هایی کمک کند.                                                                                                                       |

ادامه جدول شماره ۴. نتایج و پیشنهادها

| پیشنهادهای                                                                                                                                              | ملاحظه و نتیجه‌گیری                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>در حوزه رسانه</b>                                                                                                                                    |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| تبادل نیروی حرفه‌ای و با تجربه رسانه‌ای مانند خبرنگار، مستندساز، تهیه‌کننده و ... میان سه کشور در حوزه‌های مختلف مانند گردشگری، اطلاع‌رسانی، آموزش و... | ۴. مدیریت امور توسط افراد و گروه‌های دغدغه‌مند و متعهد، در حوزه فعالیت‌های تولیدی و اجرایی رسانه، می‌تواند بازدهی کار را بالا ببرد. درواقع، توجه به فعالان حرفه‌ای و با انگیزه در همکاری رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان، به ارتقاء جایگاه حرفه‌ای رسانه‌های سه کشور کمک خواهد کرد. حضور نیروهای با انگیزه و متخصص از سه کشور در بخش‌های تولید محتوای رسانه‌ای، می‌تواند حس عدم بیگانگی از یکدیگر را میان فعالان رسانه‌ای سه کشور ایجاد کند. |
| تسهیل رشد و توسعه رسانه‌های کوچک و غیردولتی به‌ویژه تلویزیون‌های خصوصی.                                                                                 | ۵. آزادانه بودن فعالیت‌های رسانه‌ای و فضای رقابتی رسانه در سه کشور می‌تواند گسترش فضای حرفه‌ای و حرکت رو به رشد رسانه‌های هماهنگ میان سه کشور را تسریع بخشد. فضای آزادی رسانه در هر کدام از این سه کشور، امکان رقابت و تلاش برای بهبود کیفیت کار و جلب اعتماد مخاطب را در پی دارد. در هنگام تکرر صداها، فرصت تعامل و گفت‌وگو میان گروه‌ها و فعالان مختلف رسانه‌ای فراهم می‌شود.                                                               |
| تمرکز بر تولید محتوای فرهنگی و هویت‌بخش برای ایجاد و تحکیم همبستگی و پیوندهای فرهنگی.                                                                   | ۶. باید مشخص شود که هر محتوای رسانه‌ای هماهنگ میان رسانه‌های سه کشور، یا هر طرح رسانه‌ای مشترک، در چه حوزه و زمینه‌ای متمرکز خواهد شد. به صورت کلی، ممکن است رسانه در زمینه‌های خبر، اطلاع‌رسانی و همچنین در زمینه‌های خاص سیاسی و اقتصادی، فعال، اما کارکرد اصلی آن بیشتر در حوزه‌های فرهنگی باشد. در هر صورت، باید با در نظر گرفتن استانداردهای برنامه‌سازی حرفه‌ای و خارج از عملکردهای شتاب‌زده و برجسپ‌دار، اقدام کرد.                    |
| توسعه شبکه‌های تلویزیونی تمامی بر پایه فضای وب و رسانه‌های نوین، توزیع و انتشار محتوای رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی برای مخاطبان سه کشور.               | ۷. با توجه به ظهور فناوری‌های جدید ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی، نقش انحصاری تلویزیون برای تأثیر بر مخاطب و افکار عمومی، کمرنگ شده است. حضور مستمر و همراهی مخاطب با رسانه‌ها، منوط به حضور در بسترهای شبکه‌های اجتماعی و فضای وب است. با توجه به حضور بسیاری از جمعیت کشورهای فارسی‌زبان در بسترهای متنوع فضای مجازی، می‌توان بخش زیادی از اهداف و برنامه‌های تعیین شده را با هزینه مالی و زمانی کم‌تر، در این حوزه تأمین نمود.                |





## ادامه جدول شماره ۴. نتایج و پیشنهادها

| پیشنهادها                                                                                                                                                                           | ملاحظه و نتیجه‌گیری                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>در حوزه مخاطب</b>                                                                                                                                                                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
| تأکید بر حضور اقشار مردم و نقش پُررنگ آن‌ها در برنامه‌های تلویزیونی.                                                                                                                | ۱. تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی بدون حضور میدانی فعالان و کارمندان یک رسانه در جامعه و یا کشور مورد نظر با چالش و مشکلات زیادی روبه روست. چرا که عدم حضور فیزیکی در کشورهای هدف، نوع پرداخت و ارائه محصول رسانه-ای را برای مخاطب مصنوعی جلوه می‌دهد و باورپذیری مخاطب را تا حدی پایین می‌آورد. بنابراین حضور مستمر خبرنگاران، برنامه‌سازان و مدیران رسانه‌ای در کشورهای مورد نظر (در اینجا افغانستان و تاجیکستان) باید به نحوی باشد که بتوان نتایج این فعالیت‌ها را ملموس و اثرگذار در راستای پیشبرد اهداف تعیین شده قلمداد کرد. |
| توسعه روابط عمومی در بستر شبکه‌های اجتماعی در سه کشور فارسی‌زبان.                                                                                                                   | ۲. توسعه روابط عمومی در بستر شبکه‌های اجتماعی در سه کشور فارسی‌زبان.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
| تهیه مستندهای مردم‌نگارانه برای ترویج و بومی‌گرایی و بیان استعدادهای مناطق خاص جغرافیایی در سه کشور.                                                                                | ۳. مخاطبان هر رسانه براساس سلاقی، فرهنگ، ارزش‌ها و نیازهای روزمره خبری، خواسته‌های خود را دنبال می‌کنند. در جوامع کشورهای فارسی‌زبان، باید براساس بوم‌گرایی تا آنجا که اقتضا می‌کند، عمل نمود. در حوزه اطلاع‌رسانی برای جوامع فارسی‌زبان نیز باید به ارزش‌های خبری و اطلاعاتی معطوف به فرهنگ و زیست‌بوم منطقه‌ای توجه کرد.                                                                                                                                                                                                           |
| انجام پژوهش‌های نیازسنجی و سنجش علایق مخاطب برای تأمین نظر مخاطبان.                                                                                                                 | ۴. مخاطب به‌عنوان ذینفع در فرایند تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای، این امکان را دارد تا فارغ از اعمال سلیقه مستقیم صاحبان رسانه به انتخاب آگاهانه و براساس سلیقه خود، برنامه مورد نظر را انتخاب کند. بنابراین لزوم در نظر گرفتن برنامه‌های متنوع برای مخاطبان انبوه در سه کشور، امری لازم برای حفظ اعتماد و نظر مخاطبان است.                                                                                                                                                                                                          |
| ارتباط‌گیری با کنشگران و فعالان رسانه‌ای در حوزه فضای وب و رسانه‌های جدید (ال‌مین‌ها و تولیدکنندگان محتوا) و هدایت و مدیریت آن‌ها در هر سه کشور و تشکیل گروه‌های فعال در این زمینه. | ۵. رسانه، با حضور در بستر فضای مجازی می‌تواند به مسائل و اتفاقاتی که به هر نحوی به کشورهای فارسی‌زبان مرتبط می‌باشد، واکنش نشان داده و موضوعات را از لایه‌های زیرین و پرابهام فضای مجازی به سطوح برنامه‌های تلویزیونی بکشد و از آسیب‌ها و سوءبرداشت‌هایی که ممکن است روی دهد، ممانعت به عمل آورد.                                                                                                                                                                                                                                    |

## منابع و مأخذ

- افضلی، رسول و مصطفی محمدجانی (۱۳۸۷)، «همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، دوره ۱، شماره ۱، پاییز، صص ۱۳۴-۱۲۱.
- بیچرانلو، عبدالله و محمود ترابی‌اقدم (۱۳۹۶)، «مدل مطلوب راه‌اندازی سیمای دری و پشتوی برون‌مرزی صداوسیما (اهداف، راهبردها، رویکردها و چالش‌ها)»، **پژوهشنامه رسانه بین‌الملل**، شماره دوم، پاییز، صص ۱۹۳-۱۶۳.
- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۸۹)، «بررسی ظرفیت‌های فرهنگی سیاست نگاه آسیایی ایران»، همایش ملی رویکرد ایرانی به مطالعات منطقه‌ای.
- حافظنیا، محمدرضا و سیدهادی زرقانی (۱۳۹۱)، «چالش‌های ژئوپولیتیکی همگرایی در جهان اسلام» **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۸۰، تابستان، صص ۱۵۴-۱۳۹.
- حسینی، علیرضا (۱۳۹۳)، «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی ایران و کشورهای فارسی زبان منطقه»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه گیلان.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۶)، «نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی؛ با تأکید بر سیاست خارجی ایالات متحده امریکا»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکرد ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- خرازی محمودندی آذر، زهرا (۱۳۸۸)، «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها»، **مجله مدیریت فرهنگی**، دوره ۳، شماره ۴، زمستان، صص ۱۲۲-۱۰۷.
- شاه‌محمدی، عبدالرضا و علیرضا قرآتی (۱۳۹۱)، «تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر تبادل فرهنگی کشورها»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌ای**، دوره ۷، شماره ۴، زمستان، صص ۱۱۶-۱۰۵.
- شیرزادی، علیرضا (۱۳۹۳)، «بایسته‌های (دیپلماسی) رسانه ملی در حوزه مخاطبان غیرایرانی پارسی زبان با تأکید بر تاجیکستان» **پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- عابدی‌جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین؛ روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، **دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی**، دوره ۵، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۹۸-۱۵۱.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی»، **فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۴، شماره ۲، تابستان، صص ۲۰۸-۱۸۹.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۹)، **ارتباطات بین‌المللی**، جلد اول، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

Braun, Virginia and Victoria Clarke (2006), "Using thematic analysis in psychology", **Qualitative Research in Psychology**, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

Mark, Simon (2009), "A greater role for cultural diplomacy", **netherlands institute of international relations**, ISSN 1569-298

Ninkovich, Frank (1996), **U.S. Information Policy and Cultural Diplomacy**, Foreign Policy Association.



- Potter, Evan H. (2002), "Special Advisor (communications) to the Policy Planning Division of the DFAIT", 'Canada and the New Public Diplomacy', **Discussion Paper in Diplomacy**, Published by Spencer Mawby, University of Leicester, Netherlands Institute of International Relation.
- Scholz, Christian (2013), "Regional Media Convergence: Looking at Television in Europe", Paper presented at the 6th **Conference of the International Media Management Academic Association (IMMAA)**, Lisbon, May 2 – 4.
- Thomas, Amos Owen (2009), "Regional Variations on a Global Theme: Formating Television for the Middle East and Beyond", **Media International Australia, Incorporating Culture & Policy**, No. 132, Pp.105-117.



## استفاده ابزاری آمریکا از دلار؛ اهداف، پیامدها، واکنش‌ها و ارائه رویکردهای رسانه‌ای

مهدی هدایتی‌شهیدانی<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده با استفاده ابزاری از پول ملی خود دلار به دفعات در روندهای بین‌المللی مداخله داشته است، به‌طوری که دلار ابزار همیشگی برای اهداف واشنگتن بوده است. بر این اساس پرسش اصلی مقاله آن است که نقش و کارکرد دلار در تحقق اهداف آمریکا در نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی چیست؟ در پاسخ، فرضیه نویسنده آن است که آمریکا با استفاده ابزاری از دلار در نظام بین‌الملل، در راستای تقویت ایده هژمونی پولی این کشور در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی عمل کرده است. هژمونی پولی به‌عنوان یک «ابزار اقتصادی و سیاسی» به آمریکا این امکان را داده تا عملکرد سیستم پولی بین‌المللی را در کنترل خود داشته باشد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تحلیل روندهای کلان اقتصاد جهانی، به تبیین جایگاه دلار در تعاملات اقتصاد جهانی، پیامدهای استفاده ابزاری آمریکا از این ارز در عرصه نظام بین‌الملل و واکنش‌های جهانی درباره آن مانند تلاش روسیه، چین و ایران برای دلارزدایی و پیمان‌های دو یا چند جانبه مالی پرداخته است. با توجه به سرعت رو به افزایش این گونه واکنش‌ها می‌توان سقوط قدرت دلار در آینده را پیش‌بینی نمود.

**واژه‌های کلیدی:** آمریکا، هژمونی پولی، دلارزدایی، پیمان‌های مالی، رسانه برون‌مرزی.

## ۱. مقدمه

از جمله مسایلی که در دوران معاصر برای بسیاری از بازیگران جهانی به‌عنوان یک دغدغه اصلی در آمده است، چگونگی مواجهه با نقش دلار در اقتصاد بین‌المللی است. هم‌زمان با پایان جنگ جهانی دوم و شدت‌گیری تلاش آمریکا برای تبدیل‌شدن به قدرت هژمون، دولت این کشور ابعاد مختلف این امکان را بررسی و استفاده کرد. در این میان، هژمونی پولی برای نفوذ در کشورها بیشتر مورد استقبال سیاستمداران و استراتژیست‌های آمریکایی قرار گرفت؛ چرا که از این طریق می‌توانستند استقلال کشورها را از میان ببرند و زمینه حاکمیتی نفوذ خود را فراهم کنند. استفاده ابرازی آمریکا از دلار در نظام بین‌الملل در راستای تحقق همه جانبه هژمونی این کشور در سطوح مختلف مالی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی دنبال شد. ایالات متحده با استفاده از هژمونی پولی به‌عنوان یک «پدیده اقتصادی و سیاسی» درصد برآمد تا تمامی عملکرد نظام پولی بین‌المللی را در کنترل خود داشته باشد. درک رویکرد واشنگتن در استمرار این روند و چشم‌انداز در قرن ۲۱ از جمله مواردی است که برای بسیاری از کشورها ضروری به نظر می‌رسد. اقدامات یک‌سویه و سلطه‌گرایانه ایالات متحده در استفاده ابرازی از دلار با آغاز قرن ۲۱ اشکال جدیدی را تجربه کرد. تا جایی که از نظر تعدادی از اندیشمندان حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل، هدف اصلی و پنهان آمریکا از راه‌اندازی جنگ‌هایی همچون افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳)، مبارزه با تسلیحات هسته‌ای و تروریسم بین‌المللی نبود، بلکه این جنگ‌ها براساس ایده حفظ هژمونی دلار آمریکا بر اقتصاد جهانی طراحی و راه‌اندازی شدند (سیف، ۱۳۸۲: ۲۰۹-۲۰۸ و Hughes, 2018). تلاش بسیاری از کشورها و برخی از اعضای اوپک از جمله عراق برای فروش نفت خود به یورو- به‌عنوان یک ارز جوان در آن مقطع- شاید یکی از دلایلی بود تا آمریکا برای حفظ سلطه دلار در عرصه قیمت‌گذاری و فروش نفت، اقدام به حمله نظامی به عراق و حضور نظامی در مناطق نفت‌خیز غرب آسیا نماید. در نتیجه می‌توان مدعی شد که مبتنی بر این دسته از آرای تحلیلگران، کشورهایی که برای فروش محصولات نفتی خود به ارزهایی غیر از دلار متوسل می‌شوند، با بحران‌سازی‌های ساختگی توسط ایالات متحده مواجه خواهند شد. اگرچه در بسیاری از موارد نیز کشورها پس از مواجه شدن با تحریم‌های آمریکا و محدودیت در نقل و انتقال دلار، در پی استفاده از ارزهای جایگزین هستند. درواقع، آمریکا با اعمال سیاست‌های تحریم اقتصادی، پولی و بانکی، خود نیز مسبب چاره‌جویی کشورها برای رهایی مشکلات ناشی از دلار بوده است.

سوءاستفاده واشنگتن از دلار تاکنون به دفعات در بحران‌های سیاسی داخلی دیگر کشورها دیده شده است، به‌طوری که دلار ابزار همیشگی واشنگتن برای اهداف سیاسی بوده است. رویه امریکا در استفاده ابزاری از پول ملی خود از طریق نقش‌های مکملی که در عرصه اقتصاد بین‌الملل برای دلار ایجاد شده است، موجب شکل‌گیری نارضایتی‌های گسترده‌ای در میان سایر بازیگران جهانی شده است.

اقدامات اقتصادی اجبارآمیز امریکا همچون وضع تحریم و تعرفه علیه سایر کشورها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با نقش‌آفرینی دلار مرتبط هستند. استفاده ابزاری ایالات متحده از دلار در روند اقتصاد جهانی موارد متعددی را شامل شده است. برخی از این موارد توسط خود ایالات متحده و برخی دیگر توسط سایر بازیگران اقتصاد جهانی در حال انجام می‌باشد. کارکردهای کنونی دلار موجب سلطه حداکثری آن بر روندهای اقتصادی جهانی و در نتیجه بهره‌برداری چندوجهی ایالات متحده از این جایگاه برای مطامع سیاسی و بین‌المللی خود شده است. بنابراین دستیابی به چگونگی استفاده ابزاری امریکا از دلار برای تسلیط بر جهان و همچنین اشاره به ابعاد مختلف نقش دلار در اقتصاد جهانی برای تحقق این اولویت واشنگتن به‌عنوان مهم‌ترین اهداف این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله آن است که نقش و کارکرد دلار در تحقق اهداف امریکا در نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی چیست؟ در پاسخ به آن، فرضیه مقاله آن است که استفاده ابزاری امریکا از دلار در نظام بین‌الملل در راستای تحقق همه جانبه ایده هژمونی پولی این کشور در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است. ایالات متحده با استفاده از هژمونی پولی به‌عنوان یک «پدیده اقتصادی و سیاسی» درصدد است تا تمامی عملکرد سیستم پولی بین‌المللی را در کنترل خود داشته باشد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، به مهم‌ترین پیامدهای نامطلوب و مضر استفاده ابزاری ایالات متحده از دلار در حوزه تجارت بین‌الملل و مهم‌ترین واکنش‌های جهانی درباره این موضوع خواهد پرداخت. روش جمع‌آوری داده‌ها براساس منابع کتابخانه‌ای و آمارهای بین‌المللی و ملی از مراجع معتبر است.



## ۲. چارچوب نظری

### ۲-۱. رئالیسم اقتصادی

اگرچه رئالیسم از قدیمی‌ترین نظریات روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، بسیاری معتقدند که ضعف بزرگ این رویکرد عدم پرداختن به موضوعات اقتصادی است. در سوی مقابل، برخی دیگر از پژوهشگران اعتقاد دارند که رویکردهای رئالیستی به واسطه تأکید بیش از اندازه بر تعاملات سیاسی و امنیتی، مورد انتقاد فراوان قرار گرفته‌اند. اما در هر حال شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که طیف وسیعی از اقتصاددانان سیاسی نیز از این نظریه برای توصیف روابط اقتصادی میان کشورها استفاده می‌کنند. تأکید رئالیسم بر مفاهیمی همچون قدرت و قابلیت‌های نظامی که به‌گونه‌ای مؤثر به انباشت سرمایه و توسعه اقتصادی کشورها مربوط است، موجب شده تا رئالیسم به‌عنوان چارچوب نظری برای اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیز مناسب تشخیص داده شود.

ای.اچ کار<sup>۱</sup> یکی از نظریه‌پردازان رئالیسم کلاسیک معتقد است: «علم اقتصاد پیش‌فرض یک نظم سیاسی احتمالی است؛ اما مطالعه آن بدون سیاست هیچ‌گاه نمی‌تواند مفید باشد» (Car, 2001: 117). براساس این نگاه، می‌توان پذیرفت که قدرت اقتصادی زمینه‌ساز قدرت سیاسی می‌باشد؛ و درواقع هرچقدر یک اقتصاد بزرگتر باشد، شرایط برای امکان تأمین لوازم دفاع ملی پیشرفته‌تر در آن، بیشتر میسر خواهد بود. به اعتقاد کار، فرسایش اقتصاد یک کشور رقیب همچون شکست ارتش آن کشور، بسیار وخیم و هزینه‌زا خواهد بود و قدرت اقتصادی به‌عنوان ابزار نفوذ در دو شکل مورد استفاده قرار خواهد گرفت: اول صادرات سرمایه و دوم کنترل بازارهای خارجی. دیپلماسی دلار ایالات متحده می‌تواند مثال خوبی برای نشان دادن اهمیت ابزار صادرات سرمایه در حکم ابزار نفوذ معرفی شود. کنترل بازارهای خارجی که پیشتر از طریق موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه به انجام می‌رسید، از دیگر ابزارهای نفوذ محسوب می‌شود. مثلاً، امپراتوری بریتانیا کالاهای مصرفی خود را از کشورهای خریداری می‌کرد که جزو مصرف‌کنندگان عمده زغال سنگ و کالاهای تولیدی این کشور به شمار می‌رفتند. بنابراین قدرت خرید یا تولید انحصاری انگلیس در اقتصاد جهانی یک دارایی حیاتی بین‌المللی برای نفوذ سیاسی در مستعمرات به شمار می‌رفت (Car, 2001: 125-126).

پارادایم رئالیسم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل از نظام اقتصادی مبتنی بر هژمونی اقتصادی حمایت به عمل آورد. بر مبنای این پارادایم به‌عنوان نمونه در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، برخی

1. Edward H. Car



از اندیشمندان، نظریه ثبات هژمونیک را پیشنهاد کردند. استدلال اصلی این نظریه آن بود که یک قدرت هژمون خواهد توانست قوانین اقتصادی جهانی، رژیم‌ها و نهادهای مرتبط با آن را ایجاد و ثبات و گشایش اقتصادی را برای همه اعضا حفظ کند (گیلپین، ۱۳۹۲ و ساعی و ترابی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). درواقع همان‌طور که زمانی امپراتوری روم تجارت آزاد را به‌عنوان ابزار تسلط در پیش گرفت، ایالات متحده نیز پس از جنگ جهانی دوم نظام اقتصاد جهانی را براساس تجارت آزاد و گردش سرمایه بازتعریف کرد. این الگو به ایجاد سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی منجر شد. ایالات متحده، برنامه بازسازی اروپا را که عمدتاً به‌عنوان طرح مارشال شناخته می‌شود، با هدف مقابله ایدئولوژیک با اتحاد جماهیر شوروی و با شعار حذف موانع تجاری و تسهیل رشد اقتصادی مورد پیگیری قرار داد. با این حال، بسیاری از رئالیست‌ها معتقدند که نظم اقتصادی جهانی لیبرال، تنها به نفع امریکا شکل گرفت. سوزان استرنج<sup>۱</sup> یکی از واقع‌گرایانی است که اعتقاد دارد سیاست‌های اقتصادی امریکا، بر کل اقتصاد جهانی تأثیر منفی بر جای نهاده است. از نظر او قدرت نامحدود امریکا عاملی است که منجر به کسری بودجه شدید در این کشور شده است (Strange, 1997).

نظام اقتصادی دنیای امروز را می‌توان نتیجه الگوهای امریکایی پس از جنگ دوم جهانی دانست. حتی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با استقلال کشورهای جدید، این نظام فراگیرتر شد. رئالیست‌ها، نظام اقتصادی کنونی جهان را انعکاس توزیع قدرت در کل ساختار می‌دانند. اگرچه باید این مسئله را در نظر داشت که کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور از میزان نفوذ، جایگاه و قدرت اقتصادی خود در این نظام به‌شدت ناراضی هستند. به همین دلیل کشورهایی همچون چین و روسیه در تلاش هستند تا سازوکارهای اقتصادی مستقلی را همچون بانک توسعه بریکس<sup>۲</sup> به‌عنوان جایگزین نهادهای تحت هدایت امریکا همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ایجاد کنند. علاوه بر این نهادهای اعتراضی، شاهد بلوک‌بندی‌های تجاری منطقه‌ای نیز هستیم که در قالب سازمان همکاری‌های اقتصادی اوراسیایی (اتحادیه اوراسیایی)<sup>۳</sup>، سازمان همکاری‌های شانگهای<sup>۴</sup> و یا منطقه آزاد تجاری آسه‌آن-چین<sup>۵</sup> ظهور می‌یابند.

1. Susan Strange

2. BRICS Development Bank (New Development Bank (NDB))

3. Eurasian Economic Cooperation Organization

4. Shanghai Cooperation Organisation

5. ASEAN-China Free Trade Area (ACFTA)



در چنین بستری، رفتارهای تهاجمی کشور هژمون (ایالات متحده) بر استفاده از همه توانایی‌های اقتصادی برای حفظ قدرت و استمرار رهبری خود، تمرکز یافته است. نمونه بسیار مهم این رویکرد در وضع تحریم‌های یکجانبه و همچنین وضع تعرفه‌های سنگین از سوی آمریکا نسبت به رقبای جهانی و منطقه‌ای قابل مشاهده است. دو موضوع یادشده تأثیرات به سزایی بر ساختار تجارت بین‌المللی از خود بر جای نهاده‌اند. از جمله در شرایط جدید، به راحتی می‌توان بیش از هر زمان، سیاسی شدن روابط اقتصادی را در جهان غیرقابل اجتناب دانست. نظریه رئالیسم اقتصادی به پژوهش حاضر کمک می‌کند تا ماهیت رقابتی موجود در رفتار تهاجمی بازیگران اصلی اقتصاد جهانی را درک کند. براساس مولفه‌های اصلی این رویکرد، بهره‌گیری بازیگر هژمون از ابزارهای قدرت اقتصادی همچون پول ملی، رفتاری معمول برای کنترل و مدیریت اقدامات سایر بازیگران بین‌المللی محسوب می‌شود.

### ۳. نقش دلار در شکل‌گیری هژمونی آمریکا

شرایط جغرافیایی آمریکا تأثیر مهمی در رشد اقتصادی این کشور از اواخر قرن ۱۹ داشته است. زمین‌های وسیع و حاصلخیز، منابع زیر زمینی غنی، نیروی کار ارزان و موقعیت جغرافیایی که آمریکا را از هجوم دیگر کشورها در امان می‌داشت سبب شد که این کشور بعد از استقلال و قبل از جنگ جهانی اول سطح تولیدات خود را بالا ببرد. از جمله عوامل دیگری که رشد اقتصادی آمریکا را تقویت کرد، جنگ‌های جهانی بودند. جنگ‌های جهانی اگرچه موجب ویرانی اقتصاد و صنایع اروپا شد اما آمریکا به دلیل دور بودن از صحنه جنگ نه تنها آسیبی ندید، بلکه از این جنگ‌ها بهره فراوانی برد. سال‌های میان دو جنگ جهانی را باید دوره ظهور سلطه اقتصادی آمریکا بر جهان دانست.

قدرت اقتصادی و ثروت‌های عظیمی که از رهگذر جنگ جهانی اول نصیب آمریکا شد موجب تقویت موقعیت سیاسی این کشور در جهان نیز گردید. آمریکا در سال ۱۹۱۴ بیش از دو میلیارد دلار به کشورهای خارجی مقروض بود. اما پس از جنگ جهانی اول این وضعیت معکوس شد. به طوری که میزان بدهی‌های انگلستان به آمریکا در فوریه ۱۹۱۹ به چهار و نیم میلیارد دلار و بدهی فرانسه به آمریکا به بیش از دو و نیم میلیارد دلار رسید (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). ثروت سرشار آمریکا که مقارن با ورشکستگی کشورهای اروپایی درگیر در جنگ بود، تعادل سیاسی جهان را نیز برهم زد و آمریکا به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل شد و خلأ قدرت استعماری انگلستان را در زمینه تجارت خارجی و امور مالی جهان پر کرد.



کشورهای اروپایی پس از جنگ اول برای بازسازی خود به آمریکا نیازمند بودند و به این ترتیب آمریکا بعد از جنگ جهانی اول مهم‌ترین پشتیبان و منبع تأمین نیازمندی‌های اقتصادی دولت‌های اروپایی مطرح شد.

در این شرایط، آمریکا که از منابع طبیعی متنوع و ظرفیت تولید صنعتی و کشاورزی برخوردار بود، ضمن وضع موانع تعرفه‌ای در برابر واردات از دیگر کشورها، با دست و دل‌بازی به کشورهای ویران شده از جنگ وام می‌داد و محصولات مازاد خود را به این کشورها می‌فروخت. آمریکا درواقع برای تضمین صادرات کالاهای خود وام‌های دلاری به دیگر کشورها می‌داد تا آنها برای خرید از آمریکا، دلار کافی داشته باشند. کشورهای بدهکار برای بازپرداخت اصل و بهره بدهی‌های خود به آمریکا دو روش در پیش روی خود داشتند. یکی از این روش‌ها پرداخت به صورت طلا و دیگری پرداخت به صورت کالا یا خدمات بود. راه دوم را سیاست تعرفه آمریکایی‌ها عملاً منتفی کرده بود. به همین دلیل بدهکاران آمریکا بدهی خود را عمدتاً با طلا پرداخت می‌کردند. این امر موجب شد تا بخش قابل توجهی از ذخایر طلای بسیاری از این کشورها به آمریکا منتقل شود.

بدین ترتیب ذخیره‌ی طلای آمریکا که در سال ۱۹۱۴ تقریباً معادل ۱۸۰۰ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۲۵ به رقم شگفت‌آور ۴۵۰۰ میلیارد دلار رسید. این رقم پس از جنگ جهانی دوم به حدود ۶۵ تا ۷۵ درصد کل ذخایر طلای جهان گسترش یافت (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). ذخایر طلای بدست آمده به آمریکا فرصت داد تا دلار را جایگزین لیره انگلیسی در مبادلات تجاری جهان نماید و دلار ارزشی برابر با طلا پیدا کند.

در سال ۱۹۲۵ یعنی هفت سال پس از پایان جنگ جهانی اول، کشورهای جنگ زده بیش از ۲۵ میلیارد دلار به آمریکا بدهی داشتند. وقوع جنگ جهانی دوم موهبتی تازه برای آمریکا به شمار می‌رفت که بار دیگر به آمریکا این اجازه را داد که اقتصاد خود را بیش از پیش در مقابل اقتصادهای ویران اروپا، رونق بدهد. ایالات متحده با زیرکی و در حالی که جنگ جهانی دوم به پایان خود نزدیک می‌شد، در مرحله نهایی وارد این جنگ شد و در حالی خود را پایان‌بخش جنگ معرفی کرد که رقبای اقتصادی او در گرداب مشکلات جنگ فرو رفته بودند.

در اثنای جنگ جهانی دوم، به‌ویژه پس از اولین شکست‌های دول محور (آلمان، ایتالیا و ژاپن) آمریکا به کمک برخی کشورها به فکر ساخت نظام مالی و اقتصادی جهان پس از جنگ



براساس مطلوبیت‌های خود افتاد. برای این منظور در سال ۱۹۴۱ هنری مورگنتا<sup>۱</sup> وزیر خزانه‌داری آمریکا از «هری دکستر وایت»<sup>۲</sup>، مسئول سیاست‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی آمریکا و نماینده این کشور در کنفرانس برتون وودز<sup>۳</sup>، درخواست کرد که برنامه‌ای را تدوین کند (Steil, 2014: 9). از سویی آمریکا در کنفرانس برتون وودز (۱۹۴۴) با بنیان نهادن صندوق بین‌المللی پول،<sup>۴</sup> بانک جهانی<sup>۵</sup> و توافق گات<sup>۶</sup> توانست نبض نظام مالی جهان را بدست گیرد. این موسسات نه تنها وظیفه اعطای وام به کشورها دیگر و اعمال نفوذ بر آنها را از این طریق داشتند بلکه نقش تعیین کننده ارزش پول دیگر کشورهای جهان سرمایه‌داری را نسبت به دلار بر عهده گرفتند. از این طریق آمریکا هم نقش رهبری اقتصاد جهان را به دست آورد و هم توان اعمال نفوذ عمیق بر اقتصاد دیگر کشورها را یافت. همچنین بر پایه این نظام ارزی شکل گرفته در توافقات مندرج در این کنفرانس، تنها آمریکا به میزان مساوی و برابر با دلارهای منتشر شده، به‌عنوان پشتوانه طلا نگهداری می‌کرد.

مزیت‌های دلار در بازارهای مالی جهانی به آمریکا یک اهرم فشار ویژه هدیه داد. آمریکا برای حفظ موقعیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود در جهان از دلار به‌عنوان یک اسلحه استفاده کرد. در شرایطی که این کشور همواره در حدود ۲۰ درصد تولیدات جهانی را در اختیار دارد، بیش از نیمی از ذخایر ارزی جهان متعلق به آمریکا است. بخش اعظم این برتری دلار از کنوانسیون «برتون وودز» در سال ۱۹۴۴ برآمده است (سیف، ۱۳۸۹: ۶۰). نقش حیاتی دلار در جهان به آمریکا این امکان را می‌دهد تا تجارت و کسری بودجه خود را تامین مالی کند. از آنجایی که واردات آمریکا به واحد پولی خودش انجام می‌شود این کشور از بحران‌های پرداختی در امان است. سیاست‌های پولی آمریکایی‌ها نیز می‌تواند بر ارزش دلار و افزایش رقابت‌پذیری آن اثر بگذارد.

در دهه ۱۹۷۰ بر اثر افزایش هزینه‌های سنگین جنگ آمریکا در ویتنام و تورم شدید داخلی در این کشور، بدهکاری آمریکا به کشورهای اروپایی افزایش یافت و از میزان اعتبار و ارزش دلار تا حدود زیادی کاسته شد. در سال ۱۹۷۱ ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا اعلام کرد

1 . Henry Morgenthau, Jr.

2 . Harry Dexter White

3 . Burton Woods Conference

4 . International Monetary Fund

5 . World Bank

6 . General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)



که ایالات متحده از این پس دیگر به تعهدات خود در کنفرانس برتون وودز عمل نخواهد کرد. بدین ترتیب توافقنامه برتون وودز با شکست مواجه شد. پس از سخنرانی نیکسون، دلار امریکا به صورت بی‌پشتوانه چاپ و منتشر شد و به صورت ارز شناور درآمد. اگرچه این اقدام امریکا با نارضایتی و اقدام متقابل کشورهای اروپایی از جمله فرانسه همراه بود و موجب شد تا آنها اقدام به معاوضه دلار با طلا نمایند، و از امریکا درخواست کنند تا بدهی‌های خود را با طلا پرداخت نماید، اما درخواست امریکا از کشورهای اوپک به‌ویژه عربستان سعودی برای انجام معاملات نفتی با دلار موجب ادامه روند سلطه‌گری یکسویه این ارز بر تعاملات اقتصادی جهانی بدون هرگونه پشتوانه‌ای شد.

#### ۴. مصادیق سلطه‌گری دلار بر اقتصاد جهانی

استفاده ابزاری ایالات متحده از دلار در روند اقتصاد جهانی موارد متعددی را شامل می‌شود. برخی از این موارد توسط خود ایالات متحده و برخی دیگر توسط سایر بازیگران اقتصاد جهانی در حال انجام است. کارکردهای کنونی دلار موجب سلطه حداکثری آن بر روندهای اقتصادی جهانی و در نتیجه بهره‌برداری چندوجهی ایالات متحده از این جایگاه برای مطامع سیاسی و بین‌المللی خود شده است. به‌طور کلی مهم‌ترین این موارد به شرح زیر است:

امروزه دلار به‌عنوان مبنای قیمت‌گذاری بسیاری از محصولات اقتصادی در ابعاد جهانی است. تولیدات مربوط به حوزه انرژی همچون نفت و گاز، فلزات گرانبهایی همچون طلا، نقره، آلومینیوم، نیکل، فولاد، روی، مس، سرب و بسیاری دیگر از کالاها براساس این ارز قیمت‌گذاری و معامله می‌شوند.

همچنین برای تعیین و سنجش میزان ارزش سایر ارزها در مقیاس جهانی از دلار استفاده می‌شود. براساس این مبنای رشد و همچنین تنزل ارزهای دیگر به واسطه نسبت آنها با دلار مورد محاسبه قرار می‌گیرند. به‌طور کلی از دلار به‌مثابه معیار سنجش نرخ برابری استفاده می‌شود. در بسیاری از سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی از دلار به‌عنوان ارز رایج استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال واحد پولی تعریف شده در صندوق بین‌المللی پول (سبد حق برداشت مخصوص)<sup>۱</sup> تقریباً معادل یک دلار ارزش‌گذاری می‌شود. همچنین براساس این رویه، پرداخت تسهیلات، توسط این‌گونه نهادها به کشورها و همچنین پروژه‌های بین‌المللی براساس دلار صورت می‌پذیرد.

1. special drawing right (SDR)



استفاده از دلار در نظام رتبه‌بندی توانمندی اقتصادی کشورها از مهم‌ترین کارکردهای بین‌المللی آن محسوب می‌شود. به‌عنوان نمونه، میزان تولید ناخالص داخلی کشورها و میزان ذخیره (ارزی) ملی آنها براساس حجم دلاری نظام پولی آنها محاسبه می‌شود. حدود دوسوم ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی در جهان را دلار تشکیل می‌دهد (میرمحمدی، ۱۳۹۷). در ابعاد جهانی نیز اندازه‌گیری بسیاری از شاخص‌های اقتصادی همچون تولید ناخالص جهانی، میزان بدهی کشورهای جهان و یا حجم مبادلات اقتصاد جهانی براساس دلار است.

در شش ماه دوم سال ۲۰۱۹ سهم دلار از مبادلات خارجی میان کشورها در اقتصاد جهانی (در روندی روبه کاهش) در حدود ۶۱٫۶۳ درصد می‌باشد (IMF, 2019). این رقم یعنی چیزی حدود بیش از نیمی از مبادلات در دنیا، که در نوع خود قابل توجه است و زمینه توانمندشدن آن را توسط خود کشورها فراهم می‌کرد. با این حال بسیاری از موضوعات ژئوپلیتیکی زمینه کاهش تدریجی انگیزه سایر کشورها برای استفاده از دلار در مبادلات خارجی را فراهم کرده است.

این گستره نفوذ حداکثری که در طول سالیان متوالی در اختیار دلار قرار گرفته است، دولت‌های امریکا را بر آن داشت تا از آن در راستای اهداف خصمانه، محدودسازی رقبا و همچنین فرسایش قدرت آن‌ها بهره‌برداری کنند. اکثر روسای جمهور امریکا در تاریخ امریکا، از دلار به‌عنوان یک سلاح استفاده کرده‌اند. دولت ترامپ نیز با وضع تحریم‌های شدید مالی علیه ایران و روسیه، راه‌اندازی جنگ تجاری با چین و اعمال تعرفه‌های گسترده علیه این کشور، خروج از توافق برجام، و همچنین جدال بر سر ارزش دلار با ارزهایی همچون یوان (چین)، ین (ژاپن) و ... عملاً بخش کانونی سیاست خارجی خود را متوجه تحولات در حوزه مالی با محوریت نقش دلار کرده است.

در عین حال نباید از نقش مخرب دلار در ارائه تسهیلات به کشورهای کمتر توسعه‌یافته از سوی ایالات متحده و سازمان‌های شکل‌گرفته زیر نظر آن به سادگی عبور کرد. جان پرکینز<sup>۱</sup> کارشناس سابق سازمان امنیت ملی امریکا در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در کتاب خود با عنوان اعترافات یک جنایتکار اقتصادی<sup>۲</sup>؛ (افشاگری‌هایی در باب ترفندهای ایالات متحده امریکا در اقتصاد جهانی) آورده است که بسیاری از برنامه‌های کمک اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهای توسعه‌نیافته به جای این که به رشد اقتصادی این کشورها کمک کند،

1. John Perkins

2. Confessions of an Economic Hit Man



موجب ایجاد وضعیت بد و جبران‌ناپذیر اقتصادی و زیست‌محیطی در آن‌ها شده است. پرکینز در مقدمه خاطرات خود بخشی از شیوه کار خود و همکاری‌اش در سازمان‌های بزرگ اقتصادی را چنین تشریح می‌کند: «ساختن امپراتوری جهانی هدف غایی تلاش جنایتکاران اقتصادی است. ما گروهی زن و مرد نخبه هستیم که با بهره‌گیری از سازمان‌های مالی بین‌المللی، شرایطی را فراهم می‌کنیم که در آن، سایر ملل مطیع «ابر شرکت سالاری»<sup>۱</sup> می‌شوند» (پرکینز، ۱۳۸۹: ۱۳). اگرچه پرکینز کمک‌های امریکا به کشورهای ضعیف را نوعی دست و دلبازی توصیف می‌کند، اما این کمک‌ها نیز به تأمین منافع امریکا مشروط است. این کمک‌ها که در قالب وام برای ساختن پروژه‌های زیر بنایی از قبیل نیروگاه‌های برق، بزرگراه‌ها، بندر، فرودگاه‌ها یا شهرک‌های صنعتی اعطا می‌شوند، مشروط به آن است که ضرورتاً شرکت‌های مهندسی و ساختمانی امریکا این پروژه‌ها را بسازند. درواقع، بخش اعظم وام هیچ‌گاه از ایالات متحده خارج نمی‌شود، بلکه صرفاً از بانک‌های واشنگتن به حساب دفاتر مهندسی در نیویورک، هوستون یا سان فرانسیسکو انتقال می‌یابد. اما به گفته پرکینز این اتفاق تمام ماجرا نیست، بلکه اصل ماجرا از آنجا شروع می‌شود که یک جنایتکار اقتصادی می‌تواند وام را با شرایط و بهره‌هایی به کشور قربانی بقبولاند که حتی پس از اجرای پروژه توسط شرکت‌های امریکایی و به سوددهی رسیدن آنها، باز هم کشور میزبان موفق به پرداخت اصل و بهره سنگین وام نشود و آنجاست که باید بدهی خود را به گونه دیگری به ایالات متحده پرداخت کند. حالتی که شکلی از وابستگی سیاسی اقتصادی یا نظامی کامل را برای آن کشور در پی دارد و آن زمان است که می‌توان گفت کشور دیگری تحت سلطه امپراتوری جهانی قرار گرفته است (همان: ۱۱۸).

#### ۴-۱. سلطه‌گری دلار و موضوع تحریم‌ها

تحریم‌های یک‌جانبه از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی اجبار در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. ایالات متحده عمدتاً این ابزار را علیه بازیگرانی مورد استفاده قرار می‌دهد که سیاست‌های این کشور را نمی‌پذیرند. بنابراین، این نوع از تحریم‌ها برای متقاعد ساختن کشورهایی است که در روند اقتصاد جهانی قرار دارند، اما تمایلی به پذیرفتن قواعد مورد نظر ایالات متحده ندارند. ایالات متحده از این تحریم‌ها برای تحقق اهداف سیاسی خود استفاده می‌کند. این کشور برای اعمال محدودیت اقتصادی عموماً از مفاهیم و ادبیات هنجاری استفاده



می‌کند. به کارگیری واژه‌هایی همانند «قانون شکن» به عنوان بخشی از ادبیات این کشور برای مقابله با رقبای خود در سیاست جهانی است. حال آن که بررسی قوانین دقیق بین‌المللی نشان می‌دهد که خود این کشور مرتکب بیشترین نقض قواعد بین‌المللی شده است. تحریم یک‌جانبه پس از جنگ سرد، و در دوره باراک اوباما و دونالد ترامپ در خصوص بسیاری از کشورها مرتباً به کار گرفته شده است.

با توجه به مشکلات اقتصادی (به‌ویژه تجاری) تهدید کننده هژمونی ایالات متحده در جهان پس از جنگ سرد، موجی نوین از تلاش این کشور برای تقویت و تثبیت شرایط اقتصادی هژمونی اش مشاهده شده است. هژمونی اقتصادی یک دولت از یک سو، مستلزم برخورداری از بالاترین قابلیت‌های اقتصادی، و از سوی دیگر، مستلزم اراده و توانایی آن دولت برای رهبری امور اقتصادی جهان می‌باشد که در اینجا نقش قدرت (به مفهوم کلی آن) اهمیت می‌یابد. دولت امریکا در جهان پس از جنگ سرد به پشتوانه قدرت ویژه‌اش، مجدداً در راستای احاطه بر فرصت‌های تجاری و در عین حال مدیریت امور تجاری جهان فعال شد. گرایش به هژمونی تجاری امریکا در این دوره، دو مجموعه از سیاست‌های به هم وابسته داشته است: ۱. سیاست‌های چندجانبه جهانی که در چارچوب آن تقویت سازوکارهای نهادی جهانی در قالب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و سازمان تجارت جهانی (WTO) تحت رهبری امریکا پیگیری شد؛ و ۲. سیاست‌های منطقه‌ای و دوجانبه که به تبع آن امریکا به توسعه موافقت‌های ترجیحی منطقه‌ای و دوجانبه تجارت آزاد پرداخت. در همه این موارد نقش دلار برای اداره روندها محسوس بوده است (شیرخانی و قنبرلو، ۱۳۸۷). با این حال، نه فقط در روندهای همگرایانه، بلکه در مناسبات واگرایانه و تنش‌های ژئوپلیتیکی نقش محسوس‌تری از سوی دلار مشاهده شده است.

در این گونه موارد قدرت واقعی دلار مربوط به ارتباط آن با تحریم‌ها است. قوانین متعددی به واشنگتن اجازه می‌دهد تا از دلار به عنوان اسلحه پرداخت استفاده کند. هنگامی که قدرت دلار با دسترسی امریکا به اطلاعات تراکنش‌های سوئیفت ترکیب می‌شود، امریکا کنترل خارق العاده‌ای بر فعالیت‌های اقتصادی جهانی پیدا می‌کند.

تحریم‌ها می‌توانند اشخاص، بنگاه‌ها، سازمان‌ها و یا تمام یک کشور را در بر گیرد و در مرحله بعد، دسترسی ناقضان تحریم به سیستم‌های مالی را قطع کند. هر گونه تراکنشی در جهان که با استفاده از دلار صورت می‌گیرد باید طبق مقررات و تحریم‌های امریکا انجام شود. همین



مسئله باعث شده امریکا حتی بر روی کار طرف ثالث با تحریم شدگان نیز کنترل داشته باشد و آن را محدود یا قطع کند. ریسک نقض تحریم‌ها موجب شده است تا بانک‌های زیادی در دنیا در سال‌های اخیر به واسطه همکاری با کشورهای که با سیاست‌های امریکا در فضای تعارض قرار داشتند، مورد تحریم واقع شدند.

در نتیجه این مسئله، تأمین مالی برای کشور تحریم شده بسیار دشوار می‌شود. بسیاری از شرکت‌ها در نهایت ناچار به پرداخت جریمه به طرف امریکایی شده‌اند تا از تحریم‌ها خارج شوند و دسترسی آن‌ها به نظام مالی بین‌المللی به‌ویژه بازارهای امریکا برقرار شود. در ارتباط با تحریم‌های ایران، امریکا فشار گسترده‌ای را به موسسات مالی دنیا وارد ساخت. "کومرز بانک" دومین بانک بزرگ آلمان به خاطر نقض تحریم‌ها علیه ایران و سودان تحت اجبار بود که حداقل ۵۰۰ میلیارد دلار باید به مقامات امریکا جریمه بپردازد. تعداد دیگری از بانک‌های بین‌المللی از جمله گروه بانکی بریتانیایی HSBC و بانک سوئیسی Credit Suisse نیز با اتهامات مشابه به ترتیب ۱,۹ و ۲,۶ میلیارد دلار باید به امریکا جریمه پرداخت کرده و بانک فرانسوی BNP Paribas با پرداخت ۸,۹۷ میلیارد دلار جریمه به واشینگتن موافقت نموده است (РияНовости, 2014). امریکا با توجه به سلطه بر بسیاری از بازارهای بین‌المللی توانسته ارزش خود، یعنی دلار امریکا را به مهم‌ترین ارز در دنیا تبدیل کند. دلار اکنون نه تنها یک ابزار پولی و اقتصادی، بلکه یک ابزار سیاسی و استراتژیک برای تأمین اهداف توسعه‌طلبانه امریکاست؛ تا جایی که امریکا می‌تواند یک کشور را از تعامل اقتصادی با ارز دلار، منع و به این روش، آن کشور را تحریم کند. به‌طور کلی شیوه‌ها و روند جنگ مالی را باید در چارچوب امپریالیسم مالی و اهدافی چون حفظ هژمونی دلار و اهداف سلطه جویانه امریکا بررسی کرد. تصمیم دولت امریکا به وضع تحریم علیه برخی شرکت‌ها و کشورها، نشان‌دهنده هژمونی دلار بر اقتصاد جهانی از مالیه بین‌المللی گرفته تا تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری است. درواقع اصلی‌ترین ابزار مالی امریکا برای پیشبرد تحریم‌ها دلار است که تقریباً تمام جنبه‌های تجارت بین‌المللی را تحت سیطره خود دارد. تجارتی که در دنیا شکل می‌گیرد مبادلاتش با دلار انجام می‌گیرد. بانک‌های مرکزی دنیا بیشتر ذخایر خود را به دلار نگهداری می‌کنند. این بدان معناست که دولت امریکا کاغذی را امضا کرده و به دنیا می‌دهد و در مقابلش کالا می‌گیرد. یعنی یک دارایی عجیبی از نظام بین‌المللی را به سمت خودش با امضا و حفظ دلاری که دارد، می‌کشد.



## ۴-۲. پیامدهای استفاده ابزاری امریکا از دلار در نظام بین‌الملل

اقدامات یکسویه و استفاده ابزاری ایالات متحده از دلار قبل و پس از بحران سال ۲۰۰۸ به این سو موجب تضعیف دلار شده است. جوزف استیگلیتز<sup>۱</sup> در کتاب خود با عنوان «سقوط آزاد؛ بازارهای آزاد و افول اقتصاد جهانی»<sup>۲</sup> به بررسی جنبه‌هایی از نظام اقتصادی حاکم بر جهان، در رویارویی با رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ پرداخته است. او باورهای اقتصادی و چگونگی تأثیر آن‌ها بر سیاست‌ها را تشریح می‌کند و جهت تفهیم ارتباط میان بحران به وجود آمده و این باورها، وضعیت پیش آمده منتج از سیاست‌های بحران‌زای امریکا را موشکافی می‌کند. بر این اساس، او تأثیر لجام گسیختگی نظام پولی و مالی را بیان کرده و به این مسئله می‌پردازد که چگونه نگرشی معیوب، منجر به این بحران شده و شناخت مشکلات را برای تصمیم‌گیران دشوار کرده است. وی در بخش معرفی نظام‌های جدید ذخایر جهانی عنوان می‌کند که سیستم ذخیره جهانی دلار رو به فرسایش است و هژمونی اقتصادی و پولی امریکا دیگر همچون گذشته نخواهد بود. چرا که تلاش‌های فراوانی از سوی سایر بازیگران برای بی‌اعتبارسازی دلاری (دلارزدایی)<sup>۳</sup> از چندی قبل شکل گرفته است (استیگلیتز، ۱۳۹۱: ۲۷۰-۲۶۸).

همچنین در دوران ترامپ بهره‌برداری یکجانبه امریکا از ابزار دلار در حوزه سیاست خارجی موجب شده است تا نتایج متناقضی برای این کشور داشته است. به عنوان نمونه ایالات متحده با وضع تحریم‌های گسترده علیه شرکت‌های ایرانی و روسی، و همچنین وضع تعرفه‌های بسیار بالا بر کالاهای چینی وارداتی به داخل امریکا جدال گسترده‌ای را با این کشورها آغاز کرد. اما با مشخص شدن راه‌های گریز از تحریم‌ها و همچنین عقب‌نشینی واشنگتن در استمرار برخی از این تصمیمات، عملاً شاهد کاهش اثر این تصمیم‌ها، عدم قطعیت و افزایش ریسک در بازارهای مالی و نهایتاً کاهش قدرت امریکا بودیم. این تحولات منجر به آن شده است تا سایر بازیگران معترض به استفاده ابزاری ایالات متحده از دلار دست به اقدامات مقابله‌جویانه برای مهار و جایگزینی این ارز مخاصمه‌جو بزنند. از جمله این تصمیمات می‌توان به استفاده از پیمان‌های پولی دو و یا چندجانبه، تلاش برای طراحی سازوکارهای پرداختی به غیر از سوئیفت، طراحی بورس‌های عرضه کالا و خدمات براساس پول‌های ملی اشاره کرد. این دسته از اقدامات و

1 . Joseph Stiglitz

2 . Freefall: Free Markets and Sinking of the Global Economy

3 . DE dollarization



بسیاری دیگر از تحولات موجب شده است که در طی سالیان آینده نوعی گذار در ساختار اقتصاد جهانی مبتنی بر دامنه عملیاتی نقش دلار از سوی کارشناسان قابل رهگیری باشد.

تلاش امریکا برای تسری قواعد داخلی آن کشور به حوزه نظام بین الملل و مخالفت بازیگرانی چون کشورهای اروپایی، چین و روسیه باعث شده که این روند به سایر کشورها نیز منتقل گردیده و سطح جدیدی از تعارض به وجود آید و در شرایط موجود امریکا به تنهایی قادر به اتخاذ تصمیم نهایی در رابطه با مسائل و موضوعات پیچیده جامعه بین المللی نباشد. با نگاهی به این روند، سطح و میزان هژمونی اقتصادی ایالات متحده در اقتصاد جهانی مشاهده می شود که شاخصه های اقتصادی این کشور به تدریج ضعیف تر گردیده است. به عنوان نمونه در چند شاخص می توان این نتیجه را تبیین کرد. شاخص اول، میزان سرمایه گذاری خارجی در اقتصاد کشورها است که براساس آن اگرچه در سال ۲۰۰۰ امریکا بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار (۲۲ درصد از کل سهم جهانی سرمایه گذاری مستقیم خارجی) دریافت کرده بود، اما در سال ۲۰۱۴ این مقدار فقط به ۹۲،۴ میلیارد دلار رسید؛ یعنی چیزی کمتر از ۸ درصد جهانی. اگرچه در ۱۹۹۰، براساس گزارش صندوق بین المللی پول، اقتصادهای توسعه یافته غربی مسئول تولید ۸۰ درصد تولید ناخالص جهانی در قیمت های کنونی (شامل ۵۸،۳ درصد برای ایالات متحده و کشورهای حوزه یورو) بودند، در سال ۲۰۱۰ این رقم به ۶۵،۷ درصد کاهش یافت (که شامل ۴۹ درصد برای امریکا و کشورهای اروپایی بود)، در سال ۲۰۱۴ این میزان به ۵۵،۱ درصد رسید که ۳۴،۵ درصد آن مربوط به کشورهای قاره اروپا بود (Centre for Economic Research, 2016: 7).

چالش دیگر برای هژمونی امریکا رقابتی سرسخت اقتصادی آسیایی و اروپایی هستند که با امریکا رقابت جدی دارند. به طور ویژه چین پس از بحران سال ۲۰۰۸ با بهره برداری درست از پیامدهای بحران، توانست شرایط را به سود خود تغییر دهد. رشد چشمگیر اقتصاد چین در سال های گذشته این کشور را به دومین اقتصاد بزرگ دنیا طی دهه های گذشته تبدیل کرده است. در سال ۱۹۷۸، زمانی که چین برنامه اصلاحات اقتصادی را آغاز کرد، با ۲۱۴ میلیارد دلار، تولید ناخالص داخلی در جایگاه نهم رده بندی جهانی قرار داشت. ۳۵ سال بعد، با افزایش تولید ناخالص داخلی به رقم ۹،۲ تریلیون دلار، پکن توانست در جایگاه دوم اقتصاد جهانی بایستد. با این حال اقتصاد چین از سال ۲۰۱۰ به بعد روند رشد اقتصادی خود را در سطح ۷ درصد ثابت نگه داشته است که رقمی کمتر از نرخ رشد ۱۰ درصدی پیش از بحران مالی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ محسوب می شود (focus-economics.com, 8 Nov 2018).



## ۵. مهم‌ترین واکنش‌های جهانی درباره استفاده ابزاری امریکا از دلار

صندوق بین‌المللی پول در اواسط سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که سهم دلار در ذخایر ارزی کشورهای مختلف جهان در سه ماهه نخست ۲۰۱۸ کاهش یافته و کشورها به یورو، یوان و پوند گرایش بیشتری پیدا کرده‌اند. براساس گزارش این صندوق جایگاه دلار در ذخایر ارزی کشورها برای پنجمین سه ماهه متوالی ضعیف شد و در چهار سال منتهی به سال ۲۰۱۸ م به پایین‌ترین حد رسید (IMF, 2018: 2). پیش‌بینی رشد اقتصادی کشورهای دیگر و احتمال کاهش تزریق بسته‌های تشویقی بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف به بخش‌های آسیب دیده اقتصادی باعث شده بود تا در آن مقطع ارزیابی غیر از دلار تقویت شوند. اگرچه بسیاری از تحلیل‌گران، کاهش ارزش دلار را مطابق خواست دولت دونالد ترامپ برای تقویت توان صادراتی این کشور در برابر رقبایی همچون چین و ژاپن قلمداد می‌کنند، اما واقعیت‌های نظام بین‌الملل گویای آن است که نوسانات مربوط به کاهش جایگاه دلار در عصر کنونی، نمایانگر تلاش‌هایی از سوی برخی بازیگران اصلی اقتصاد جهانی برای عدم استفاده از این ارز می‌باشد.

### ۵-۱. دلارزدایی، جایگزینی ارزی

با توجه به سیاست‌های در حال اجرا از سوی بسیاری از کشورها و تحولات صورت گرفته در رویکرد حمایت‌گرایانه و همچنین اجبارآمیز واشنگتن نسبت به سایر کشورها به نظر می‌رسد که موقعیت دلار به‌عنوان ارز مبادلاتی و ذخیره جهانی به خطر افتاده است. هم اکنون نشانه‌های گوناگونی در جهان نسبت به اقدامات یک، دو و چندجانبه کشورها در فاصله گرفتن دلار و کنار گذاشتن این ارز از مبادلات آنها نمایان شده است.

به‌عنوان مثال روسیه دلار را به‌عنوان یک ارز خطرناک معرفی و برهمین اساس مجوز معاملات نفتی با ارز ملی را صادر کرد. چنانچه در راستای دوری گزینی از دلار، روس‌ها سرمایه‌گذاری‌های خود را در اوراق قرضه دولتی آمریکا به‌طور قابل توجهی کاهش دادند و از ۴۷ میلیارد دلار در ماه آوریل ۲۰۱۸، به حدود ۳۴ میلیارد دلار در ماه می رساندند. رئیس بانک مرکزی روسیه - خانم الیورا نابیولینا<sup>۱</sup> - در این زمینه اعلام کرد که کاهش حجم دارایی‌های دلاری روسیه در نتیجه ارزیابی نظام‌مند تمام مخاطرات موجود شامل مخاطرات مالی، اقتصادی و ژئوپلیتیک است. روسیه در حالی اوراق قرضه دولتی آمریکا را به فروش می‌رساند که در عین حال در حال بالا بردن حجم



ذخایر طلای خود است و حجم این دارایی روسیه به بالاترین میزان در ۲۰ سال گذشته رسیده است. بنا به گزارش بانک مرکزی روسیه، خرید طلا توانسته است به این کشور در تنوع‌بخشی به ذخایر مالی خود کمک کند. روسیه که در ۲۰۱۸ بزرگترین خریدار طلا در جهان بود، ۱۰۶ تن از این فلز گرانبها را در سال میلادی جاری خریداری کرده و دارایی‌های این کشور از شمش طلا به ۱۰۹٫۵ میلیارد دلار تا ماه سپتامبر ۲۰۱۹ رسیده است. روسیه به زودی چهارمین دارنده بزرگ ذخایر طلا در جهان خواهد بود که بخش زیادی از آن به خاطر علاقه مداوم این کشور به خرید طلا است (Russia today, 2019).

مورد چین به گونه‌ای دیگر در حال انجام است. پس از آن که چین از سوی ترامپ در سال ۲۰۱۷ برای وضع تعرفه‌ها مورد خطاب قرار گرفت، زمزمه‌های جدی برای وقوع جنگ ارزی میان دو طرف نیز شنیده شد. استیون منوخین<sup>۱</sup> وزیر خزانه‌داری امریکا\_ اعلام کرد که «در صورتی که چین تحریم‌های سازمان ملل علیه کره شمالی را اجرا نکند، تحریم‌های جدید اقتصادی علیه این کشور اعمال خواهد شد. اگر چین از این تحریم‌ها تبعیت نکند ما تحریم‌های جدیدی را علیه آنها وضع کرده و دسترسی چین به دلار و نظام پرداخت بین‌المللی دلاری را خواهیم بست» (Mohsin & John, 2017). در سال‌های اخیر، چین به جز امریکا شرکای بزرگ دیگری نظیر ژاپن، کره جنوبی، روسیه و آلمان دارد و به نظر نمی‌رسد هیچ یک از این کشورها با محدود شدن دسترسی چین به دلار دست از مبادله با چین بردارند. از سوی دیگر یوآن چین نیز به چهارمین ارز پرمبادله جهان پس از دلار، یورو و پوند تبدیل شده است و به اعتقاد ریان مک‌ماکن<sup>۲</sup> کارشناس مؤسسه مایسز<sup>۳</sup> چین برای تحریم شدن از سوی امریکا بسیار بزرگ است، این‌گونه رفتارها اگر چه به نابودی دلار منجر نمی‌شود، اما تلاش‌های جهانی برای کنار گذاشتن دلار را افزایش می‌دهد (McMaken, 2017).

بانک مرکزی چین حدود ۱۰۰ تن طلا در دسامبر سال ۲۰۱۸ م به ذخایر خود اضافه کرده است. ذخایر شمش طلای این کشور تا پایان ماه ژوئن سال ۲۰۱۹ به ۲۱۴۱ تن رسید. ارزش دارایی‌های طلای چین در پایان ماه اوت سال ۲۰۱۹ به ۹۵٫۴۵ میلیارد دلار افزایش یافته بود. پیتتر شف<sup>۴</sup>، مدیرعامل و مشاور شرکت یورو پسیفیک<sup>۵</sup> در مورد خرید طلای روسیه و چین معتقد

1 . Steve Mnuchin

2 . Ryan McMaken

3 . Mises Institute

4 . Peter Schiff

5 . Euro Pacific Capital



است: «آینده برای آنها مثل روز روشن است. این دو کشور خود را برای زمانی آماده می‌کنند که دلار دیگر ارز ذخیره جهان نیست. روسیه و چین در سال‌های اخیر به‌طور مداوم طلا ذخیره کرده‌اند تا ذخایر فزاینده جهانی خود را از دلار آمریکا دور سازند. آنها در حال حاضر بزرگترین خریداران این فلز گرانبها هستند» (Russia today, 2019).

به‌طور کلی برخی از کشورها در تلاش هستند تا با جدیت موضوع کنارگذاشتن دلار (دلارزدایی) به‌عنوان یک ارز مرجع را در معادلات اقتصادی خود مورد لحاظ قرار دهند (Kubo, 2018: 60, Kievich, 2017). این موضوع در کنار استفاده برخی از کشورهای مهم همچون چین و روسیه از سیستم‌های تراکنش مالی محلی به جای سیستم سوئیفت که تحت مدیریت امریکایی‌ها قرار دارد، موج دیگری از رفتار اعتراضی قدرت‌های در حال ظهور را نسبت به عملکرد کنترلی و سیاست‌های اقتصادی آمریکا نشان می‌دهد.

#### ۵-۲. پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه

پیمان پولی دوجانبه یعنی «استفاده همزمان از دو پول ملی در پرداخت‌های مرتبط با تجارت و تامین مالی دوجانبه به گونه‌ای که نیازی به ارز ثالث نباشد. در این حالت، ظرفیتی جدید در اختیار تجار قرار گرفته و ریسک آن‌ها را کاهش می‌دهد. در سال‌های اخیر، ابزارهای متعددی برای پوشش ریسک پیمان پولی طراحی شده است؛ لذا بانک‌های مرکزی کشورها در معرض ریسک ناشی از نوسانات ارزهای ملی نیز قرار نمی‌گیرند.

چین از جمله کشورهایی است که اقدامات موفقی را برای رهایی از سلطه دلار از طریق سازوکارهای پول ملی خود به انجام رسانده است. پکن در راستای کاهش وابستگی خود به نظام پرداخت دلاری در انجام معاملات بین‌المللی، یک سیستم پرداخت فرامرزی مبتنی بر یوآن ایجاد کرده است تا پرداخت‌های بین‌المللی نیز از طریق یوآن انجام شود. هدف اصلی چین از راه‌اندازی این مکانیسم پرداخت، کاهش وابستگی به پیام‌رسان مالی سوئیفت و سیستم‌های پرداخت دلاری مستقر در امریکا است. این سیستم پرداخت چینی، از زمان راه‌اندازی تاکنون با استقبال فزاینده کشورها مواجه شده و کمک شایانی به اجرایی‌شدن پیمان‌های پولی دوجانبه چین با دیگر کشورها نموده است. پیش از این چین توانسته بود تا یوآن را به سبب حق برداشت مخصوص صندوق بین‌المللی پول اضافه کند و شرایط گسترش نفوذ این ارز در مبادلات جهانی را بیش از پیش فراهم کند. در سال ۲۰۱۷ پکن توانست با مسکو یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ایجاد کند که بر مبنای پول‌های ملی دو کشور معادل ۱۰ میلیارد دلار سرمایه در اختیار دارد (Cai



(Xiao, 2017). با تصمیم ترامپ مبنی بر آغاز محدودیت گسترده بر روند کالاهای وارداتی از چین به امریکا، پکن تصمیم گرفت تا تصمیم‌های قبلی خود در مورد جایگزینی دلار با یوان را عملیاتی نماید. در ۲۶ مارس ۲۰۱۸ چین انعقاد قراردادهای نفتی به یوان را در بورس شانگهای آغاز کرد (Gloystein, 2018) که این اقدام را می‌توان مکمل طراحی سیستم پرداخت مالی یونیون پی<sup>۱</sup> قلمداد کرد که برخی از بانک‌های معتبر اروپایی از جمله دویچه بانک آلمان را نیز همراه خود نموده است. در ماه مارس سال ۲۰۱۸، چین روزانه ۹,۱۷ میلیون بشکه نفت وارد کرده و رکورد پیشین خود برابر با ۸,۵۷ میلیون بشکه در روز را شکسته است. این میزان، از واردات نفت امریکا بیشتر است و چین را به نخستین واردکننده نفت در جهان تبدیل کرده است. با توجه به این رکورد، تعیین قیمت نفت با یوان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Hanly, 2017).

بروز بحران‌های اقتصادی همچون آن چه که در سال ۲۰۰۸ در امریکا رخ داد موجب شد تا دلار نیز صدمات فراوانی در مبادلات بین‌المللی را تجربه کند. از این مقطع رقابت ارزهایی همچون یوان چین با دلار برای گسترش نفوذ بین‌المللی‌شان به‌طور تصاعدی مورد پیگیری دو طرف قرار گرفت. امریکا در ادوار مختلف، نسبت به بازیگرانی که برای کاهش نفوذ و ارزش دلار گام‌هایی را برداشتند، سیاست مشابه محدودسازی و حذف را در پیش گرفته است. البته با توجه به میزان توانمندی‌های رقبای، نتایج متفاوتی در این سیاست حاصل شده است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند تصمیم صدام و قذافی برای حذف دلار و روی آوردن به یورو منجر به حذف خودشان شد. هدف واشنگتن برای حذف چاوز و مادورو در ونزوئلا را نیز در همین راستا مورد تفسیر قرار داده‌اند. اما در برابر بازیگران توانمند منطقه‌ای و جهانی این سیاست از سوی امریکا در اشکال دیگری پیگیری شده است. چین سیستم CIPS را برای پرداخت‌های بین‌المللی یوانی راه‌اندازی کرده است تا استفاده از پول ملی خود در پرداخت‌های بین‌المللی را توسعه دهد. بعضی بانک‌های روسیه نیز قبلاً به این سیستم پیوسته‌اند. سیستم پرداخت کارت ملی روسیه و یونیون پی چین موافقت نموده‌اند تا با استفاده از این کارت‌ها پردازش عملیات مربوط به معاملات داخلی روسیه را انجام دهند. دو کشور برنامه آزمایش یونیون پی و بانک کشاورزی روسیه<sup>۲</sup> را برای صدور کارت‌های هماهنگ با سیستم پرداخت میر<sup>۳</sup> طراحی کرده‌اند. در سال ۲۰۱۴ بانک‌های مرکزی روسیه و چین یک پیمان پولی دوجانبه به مدت سه سال را برای مبادله با یوان و روبل، با هدف

1 . Union Pay

2 . Russian Agricultural Bank [in Russian: Россельхозбанк]

3 . Mir (payment system) [in Russian: Мир (платёжная система)]



کاهش وابستگی به دلار و یورو و استفاده از پول‌های ملی خود در تجارت به امضاء رساندند. ارزش این پیمان ۲۵ میلیارد دلار اعلام شده است (Russia Today, 2017).

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، به‌دفعات از وزارت اقتصاد و امور مالی این کشور خواسته بود تا وابستگی خود به دلار را کاهش دهد. پیش از این نیز روسیه پیمان‌های پولی با کشورهای نظیر چین، اوکراین و پاکستان به امضاء رسانده بود (Verma & Gupta, 2018: 209). توافقاتی میان ایران با روسیه، ترکیه و چین برای کنار گذاشتن دلار از مبادلات تجاری فی‌مابین انجام شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روسیه به دنبال رسیدن به سازوکاری جدید جهت کاهش وابستگی به استفاده از ارزهای معیار جهانی نظیر دلار و یا یورو است. با استفاده از این پیمان‌های دوجانبه می‌توان بدون استفاده از ارزهای معیار جهانی و با استفاده از ارزهای محلی دو کشور به تجارت و مبادلات بانکی پرداخت.

در اواخر اوت ۲۰۱۵، پوتین لایحه‌ای را به امضاء رساند که براساس آن دلار و یورو از تجارت میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع حذف شود. این موضوع به معنای ایجاد یک بازار مالی واحد بین روسیه، ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و سایر کشورها به شمار می‌رود. در بیانیه کرملین آمده است که: «این سازوکار به گسترش استفاده از پول‌های ملی در پرداخت‌های تجارت خارجی و خدمات مالی کمک می‌کند و بنابراین پیش شرط‌هایی برای نقدشوندگی بازارهای ارز خارجی را ایجاد می‌کند» (Kremlin.ru, 2015).

امروزه، حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد از گردش مالی در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی به دلار و یورو است که وابستگی اتحادیه را به کشورهای صادرکننده این ارز افزایش می‌دهد (هدایتی‌شهیدانی، ۱۳۹۷: ۱۱۱). در خارج از کشورهای مستقل هم‌سود و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، روسیه و چین نیز تلاش کرده‌اند تا تسلط دلار را کاهش دهند. روسیه و چین در حال تلاش برای تمدید پیمان پولی دوجانبه میان خود هستند تا بدین طریق همچنان وابستگی خود به دلار و یورو را کاهش دهند و از ارزهای ملی خود استفاده کنند. استفاده از پول‌های ملی میان این دو کشور روز به روز در حال افزایش است. به غیر از دو کشور قدرتمند یادشده، کشورهایی همچون هند، ترکیه، ایران و ... نیز درصدد هستند تا هرچه بیشتر با کنار نهادن دلار، تعاملات تجاری خود را در حوزه بین‌المللی از طریق ارزهای ملی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و یا چندجانبه به انجام برسانند.

## ۶. نتیجه‌گیری

امریکا همواره از دلار به مثابه یک ابزار راهبردی برای ارائه پاداش و همچنین مجازات در صحنه اقتصاد جهانی بهره‌برداری کرده است. درواقع کارایی دلار را نمی‌توان در تعاملات خصمانه همچون جنگ تجاری و ارزی و تروریسم اقتصادی خلاصه کرد. بلکه این ابزار شامل مجموعه‌ای از سازوکارهای بهم‌پیوسته است که به تنظیم رفتار سایر بازیگران در هر نوع فضای رفتاری (باثبات و بی‌ثبات) می‌پردازد. به‌عنوان نمونه از اواسط سال ۲۰۱۷ تیم اقتصادی ترامپ تلاش کرده است تا هم‌زمان ضمن ایجاد تحرک اقتصادی در درون اقتصاد امریکا ارزش دلار را در سطح پایینی نگه دارد. یکی از اصلی‌ترین راهبردهای اقتصادی ترامپ این بوده است که عدم موازنه تجاری امریکا را برطرف کند. براین اساس کابینه او به دنبال این بوده است تا میزان صادرات امریکا را افزایش دهد و نرخ واردات از سایر کشورها را به حداقل برساند. بسیاری از متحدان و شرکای امریکا (همچون اروپایی‌ها) از این رویکرد ترامپ ناخرسند هستند. بنابراین روشن است که رویکرد سلطه‌گرایانه واشنگتن در استفاده ابزاری از دلار انتقاد متحدین این کشور را نیز موجب شده است. خطرات ناشی از استفاده از دلار در تجارت جهانی به واسطه اقدامات یکجانبه ایالات متحده در استفاده ابزاری از آن برای بسیاری از کشورهای جهان محسوس شده است. در نتیجه بسیاری از کشورها درصدد برآمدن تا از پرداخت هزینه‌های بیشتر برای این‌گونه اقدامات یک‌سویه و ابزاری ممانعت به عمل آورند. اقدامات این کشور در کنار کاهش حجم دلار در تبادلات جهانی موجب، افول جایگاه آن در آینده‌ای نه چندان دور خواهد شد.

## ۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

در راستای تبیین هژمونی پولی (دلاری) ایالات متحده در صحنه اقتصاد جهانی، مجموعه پیشنهادی رسانه‌ای زیر برای شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی مختلف برون‌مرزی به‌ویژه شبکه پرس‌تی‌وی توصیه می‌گردند:

پیشنهاد می‌شود شبکه پرس‌تی‌وی در قالب مستندی به بررسی روند استفاده ابزاری امریکا از دلار، تبعات آن بر نظام بین‌المللی و واکنش کنشگران به این موضوع بپردازد. شیوه‌های استفاده ابزاری ایالات متحده امریکا از دلار در رصد تحولات اقتصادی نظام بین‌الملل مورد تبیین و اشاره قرار گیرند. در همین راستا، بایستی تأکید شود که شیوه‌های سیاسی استفاده ابزاری ایالات متحده امریکا از دلار در کنترل و مهار کشورهای رقیب و همچنین کشورهای ضدنظام سلطه چیست و به چه صورتی در حال انجام است؟





ارتباط میان الگوهای رفتاری نهادهای ایالات متحده در استفاده ابزاری از دلار برای منظم کردن رفتار بازیگران حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نظام بین‌الملل (از طریق تحمیل حقوق داخلی به نظام بین‌المللی) و معرفی نقش نهادهای فعال داخلی امریکا در حوزه استفاده ابزاری از دلار در نظام بین‌الملل همچون وزارت خزانه‌داری، فدرال رزرو، مورد پردازش رسانه‌ای قرار گیرد. در همین راستا کانال‌های بین‌المللی ایجاد شده توسط امریکا و متحدان آن برای تنظیم حقوقی رفتار اقتصادی کشورها و بازیگران غیردولتی نظام بین‌الملل همچون سوئیفت به ورطه نقد کشانده شود.

قوانین بازدارنده داخلی و اقدامات اجبارآمیز اقتصادی امریکا که از دامنه بین‌المللی برخوردارند و برای مهار و محدودسازی سایر کشورها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، در برنامه‌های متعددی با حضور حقوق‌دانان داخلی و خارجی مورد واکاوی و نقد قرار گیرند. اهمیت این بند آن است که ماهیت تحمیلی قوانین داخلی امریکا به فرامرزهای این کشور را به نمایش خواهد نهاد.

واکنش‌های کشورهای مختلف همچون تصمیم برای استفاده از سایر ارزهای رایج در مبادلات مالی و تجاری و انعقاد قراردادهای پولی دو و چندجانبه در برابر رویکرد ابزاری ایالات متحده در استفاده از دلار در نظام بین‌الملل در برنامه‌های خبری و غیرخبری به کرات تبیین شود. در همین راستا اقدامات برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای کنار گذاشتن دلار از مبادلات اقتصادی دو و یا چندجانبه خود مورد اشاره قرار گیرد. همچنین لزوم تشکیل ائتلاف فراگیر برای کنارگذاشتن دلار امریکا از معادلات و مبادلات جهانی در برنامه‌ها از زبان کارشناسان تبیین گردد.

با توجه به آن که جمهوری اسلامی ایران جهت استقلال اقتصادی و مقاوم شدن اقتصاد ملی خود در مقابل دلار بر حذف این ارز از معاملات بین‌المللی تأکید دارد، پیشنهاد می‌شود شبکه‌های برون‌مرزی، مزایای کاهش و یا حذف این ارز از مبادلات بین‌المللی را برای سایر بازیگران بین‌المللی تشریح کنند.

در تولید برنامه‌ها، استفاده از اینفوگرافی با محوریت تغییرات ساختاری در نظام اقتصادی بین‌الملل، افول تدریجی جایگاه امریکا در این ساختار، و بالطبع رفتارهای این کشور در چنین شرایطی نسبت به سایر بازیگران و قواعد نظام بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گیرد.



عدم تعهدپذیری ترامپ به تعهدات بین‌المللی کشورش همچون پیمان نیروهای هسته‌ای میانبرد، برجام، توافق آب و هوایی پاریس، تعلیق مذاکرات تجارت آزاد فرآتلانتیک، تجدیدنظر در تعهدات این کشور با ناتو، گروه ۷ و غیره از جمله موضوعاتی است که نشان‌دهنده تلاش این کشور برای برهم زدن ساختارها و نظمی است که خود بنیان‌گذار آن بوده است، چراکه مانع از اجرای تمایلات یکجانبه‌اش می‌گردد. ازمنظر برخی تحلیلگران، برخی از اقدامات امریکا در استفاده ابزاری از دلار مبتنی بر این مسئله است که ارزهای دیگر نیز باید در حوزه تجارت بین‌المللی حضور فزاینده‌تری داشته باشند. درواقع هدف امریکا از این اقدام نباید به‌مثابه کنار نهادن رویکرد ابزاری آن به دلار تلقی شود. بلکه این رویکرد باید به نوعی تلاش واشنگتن جهت درگیرسازی و کاستن اعتبار سایر ارزها بازنمایی گردد.

از زبان کارشناسان مختلف بر این موضوع تأکید شود که امریکا همواره و به طرق مختلف برای ایجاد شکاف در بین بازیگرانی که درصدد استفاده از پیمان‌های پولی دو و یا چندجانبه هستند، تلاش می‌کند. این سیاست تفرقه‌افکن امریکا در راستای جلوگیری از تقویت میدان بازیگری رقبای خود مانند روسیه، چین، ایران، ترکیه، کره جنوبی و حتی اتحادیه اروپایی ارزیابی شود.

با توجه به اهمیت موضوع استفاده ابزاری امریکا از دلار، شایسته است تا رسانه‌های برون‌مرزی با پوشش خبرهای مستمر این سوءاستفاده به زبان‌های انگلیسی، عربی، روسی، و غیره، از کارشناسان مختلف امریکایی، روسی، چینی و اروپایی برای بررسی ابعاد و آینده این رفتار یکجانبه دعوت به عمل آورد.



## منابع و مأخذ

سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

- استیگلitz، جوزف (۱۳۹۱)، **سقوط آزاد؛ بازارهای آزاد و افول اقتصاد جهانی**، (ترجمه محمد ناصر شرافت و رسام مشرفی)، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پرکینز، جان (۱۳۸۹)، **اعترافات یک جنایتکار اقتصادی؛ افشاگری‌هایی در باب ترفندهای ایالات متحده آمریکا در اقتصاد جهانی**، (ترجمه مهرداد شهبابی و میرحمود نبوی)، تهران: نشر اختران، چاپ سوم.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶)، **اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تغییرات قدرت آمریکا: از چندجانبه‌گرایی هژمونیک تا یک‌جانبه‌گرایی افول**، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ساعی، احمد و قاسم ترابی (۱۳۸۹)، «نظریه ثبات هژمونیک و بحران در نظام اقتصاد جهانی»، **فصلنامه سیاست**، سال چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، زمستان، ص ۱۶۰-۱۴۳.
- سیف، احمد (۱۳۸۲)، «هژمونی دلار، یورو و علتهای واقعی حمله آمریکا به عراق»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، سال هفدهم، شماره ۹-۱۰ (پیاپی ۱۹۰)، خرداد و تیر.
- سیف، الله مراد (۱۳۸۹)، «برآورد راهبردی قدرت اقتصادی آمریکا»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال سوم، شماره ۸، صص ۷۵-۴۷.
- شیرخانی، محمدعلی و عبدالله قنبرلو (۱۳۸۷)، «هژمونیسیم تجاری آمریکا: شرایط دوره پس از جنگ سرد»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۸، شماره ۲.
- گیلین، رابرت (۱۳۹۲)، **اقتصاد سیاسی جهانی؛ درک نظم اقتصاد بین‌الملل**، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- میرحممدی، الهام (۱۳۹۷)، «پایان پادشاهی دلار؛ چه بر سر منبع قدرت آمریکا می‌آید؟»، **تجارت‌نیوز**، قابل دسترس در: <https://tejaratnews.com>
- هدایتی‌شهیدانی، مهدی (۱۳۹۷)، «گذار در ساختار اقتصاد جهانی؛ رفتار اقتصادی قدرت‌های بزرگ در دوره گذار»، **پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۸، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۲۲-۹۱.
- Cai Xiao (2017), "China, Russia set up RMB investment fund", *China Daily*, 05 June 2017.
- Car, Edward H. (2001), **the Twenty Years' Crisis**. 3rd ed. New York: HarperCollins Publishers.
- Centre for Economic Research (2016), "East vs. West: Battle for Reforming the World Economy", **Russian Institute for Strategic Studies**.
- Focus Economics (2018), "The World's Top 10 Largest Economies", 8 Nov 2018, URL: <https://www.focus-economics.com/blog/the-largest-economies-in-the-world>
- Gloystein, Henning (2018), "Explainer: Shanghai crude futures complete globalization of oil markets", **Reuters**, 28 March 2018.
- Hanly, Ken (2017) "China challenging U.S. dollar by pricing oil in yuan", **Digital Journal**, 29 Oct 2017.



- Hughes David A. (2018), "The End of US Petrodollar Hegemony?", BISA Annual Conference, (University of Lincoln). June 12-15, Bath.
- IMF (2018), **Appendix I, International Reserves**, URL: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/ar/2018/eng/assets/pdf/imf-ar-2018-appendix-i-to-v.pdf>.
- International Monetary Fund (2019), "Currency Composition of Official Foreign Exchange," Accessed Dec. 12, 2019. URL: <http://data.imf.org/?sk=E6A5F467-C14B-4AA8-9F6D-5A09EC4E62A4>
- Kievich Aleksandr V. (2018), "DE-dollarization of the World Economy as the Factor of the Aggressive Politics of the USA, Banking system: sustainability and development prospects": **collection of scientific articles of the IX international scientific and practical conference on banking economics**, - Pinsk: Poles GU, 2018. - Pp. 58-62.
- Kremlin. Ru (2015), "Draft law to ratify agreement on cooperation in organising an integrated currency market in the CIS submitted to State Duma for ratification", 28 August 2015, URL: <http://en.kremlin.ru/acts/news/50190>
- Kubo, Koji (2017), **Dollarization and De-dollarization in Transitional Economies of Southeast Asia**, Palgrave Macmillan, London.
- McMaken, Ryan (2017), "Trump's China-Sanctions Madness Imperils the Dollar", **Mises Institute**, 19 Sep 2017.
- Mohsin Saleha and John, Arit (2017) "Mnuchin Threatens More Sanctions on China Over North Korea", **Bloomberg**, 12 Sep 2017.
- Russia Today (2017), "Russia & China to extend currency swap agreement to lessen dollar dependence", 31 Oct 2017, URL: <https://www.rt.com/business/408305-russia-china-currency-swap/>
- Russia today, (2019), "Russia & China stockpiling gold because 'they can read the writing on the wall' – Peter Schiff", 10 Sep, 2019, URL: <https://www.rt.com/business/468481-china-russia-gold-schiff/>
- Steil, Benn (2014), **The Battle of Bretton Woods: John Maynard Keynes, Harry Dexter White, and the Making of a New World Order**, (Council on Foreign Relations Books (Princeton University Press))
- Strange, Susan (1997) **Casino Capitalism**. Manchester: Manchester University Press.
- Verma, Parth & Gupta, Prajwal (2018), "Russia's Policy Framework in a Multifaceted Macroeconomic Risk Environment", **Review of Integrative Business and Economics Research**, Vol. 7, Supplementary Issue 2. Pp. 200-212.
- Рия Новости (2014), "США грозят банку BNP Paribas штрафом в \$10 млрд за нарушение санкций", 30,05,2014, URL: <https://ria.ru/20140530/1009935081.html>



## «جنايات بين‌المللى» عربستان سعودى در يمن و چگونگى نقش‌آفرينى ديوان بين‌المللى كيفرى (با تأكيد بر رسالت رسانه‌هاى برون‌مرزى)

احمد كاظمى<sup>۱</sup>

### چکیده

سران و فرماندهان نظامى عربستان سعودى در تجاوز نظامى به يمن که از ۲۵ مارس ۲۰۱۵ ميلادى آغاز شده است، علاوه بر آمريت در استفاده از سلاح‌هاى غيرمجاز مانند بمب‌هاى خوشه‌اى، فسفرى و گرمافشارى، به بمباران مناطق غيرنظامى، مراکز مذهبى، تاريخى، آموزشى، بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد و بازارها دست زده‌اند. علیرغم هشدارهاى بين‌المللى، محاصره زمينى، هوايى و دريائى يمن توسط عربستان سعودى موجب كمبود مواد غذايى، دارو و ايجاد قحطى شده است. بررسى مصاديق جناياتى که با آمريت محمد بن سلمان و ساير فرماندهان ارشد سعودى در يمن به‌وقوع پيوسته، نشان‌دهنده ارتكاب جرايم بين‌المللى شامل جنايت جنگى، جنايت عليه انسانيت و نسل‌زدائى است. عناصر مادى و معنوى اين جنايات به‌قدرى آشكار است که نوعى اجماع در احراز ارتكاب آنها وجود دارد، چراکه سران سعودى تعمداً با قصد حصول به نتيجه خاص، با نقض فاحش حقوق بين‌الملل بشردوستانه از جمله کنوانسيون‌هاى چهارگانه ژنو و قواعد لاهه، براساس ماده ۸ اساسنامه رم مرتكب جنايت جنگى در يمن شده‌اند و از اين جهت مسئوليت كيفرى فردى دارند. مقاله حاضر با هدف بررسى جنايات بين‌المللى ارتكابى ائتلاف سعودى در يمن و در قالب نظريه مسئوليت كيفرى بين‌المللى شخصى (حقيقى)، به دنبال پاسخ به اين پرسش است که چه راهکارهاى براى نقش‌آفرينى ديوان بين‌المللى كيفرى در قبال اين جنايات وجود دارد؟ يافته‌هاى مقاله با کاربست روش توصيفى- تحليلى حاکی از آن است که به‌دليل عدم عضويت عربستان سعودى و يمن در ديوان بين‌المللى كيفرى، ديوان صلاحيت رسيدگى به اين جنايات را تنها در صورتى دارد که موضوع از سوى شورائى امنيت به ديوان ارجاع شود. همچنين اتباع برخى از کشورهاى عضو ديوان نظير چاد، نيجر و سنگال در ائتلاف سعودى عليه يمن، حضور و در جنايات ارتكابى نقش دارند. در نتيجه دادستان ديوان با رويکرد مستقل حقوقى، مى‌تواند راساً تحقيقاتى در اين خصوص آغاز نمايد. رسانه‌هاى برون‌مرزى مى‌توانند اين موضوع را به يک مطالبه جهانى از شورائى امنيت و ديوان بين‌المللى كيفرى تبديل کنند.

**واژه‌هاى کليدى:** يمن، ديوان بين‌المللى كيفرى، جنايت جنگى، جنايت عليه انسانيت، محمد بن سلمان، صلاحيت رسيدگى، رسانه برون‌مرزى.



## ۱. مقدمه

چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

در جامعه بین‌المللی، در صورت وقوع چهار نوع جنایت با مرتکب یا مرتکبان آن برخورد بین‌المللی صورت می‌گیرد. براساس ماده ۵ اساسنامه رم، دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۱</sup> (ICC) برای رسیدگی به چهار جنایت صلاحیت خواهد داشت: «تسل‌زدایی، جنایت علیه انسانیت، جنایت جنگی و تجاوز» (شریعت‌باقری، ۱۳۸۸: ۲۶). البته در زمان تنظیم اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ به‌علت مانع تراشی‌های قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا و تلاش آنها برای نگه داشتن صلاحیت بررسی تجاوز در انحصار شورای امنیت، در مورد تعریف «تجاوز نظامی» توافق نهایی صورت نگرفت و این تعریف نهایتاً در اجلاس بازنگری در کامپالای اوگاندا در سال ۲۰۱۰ با اجماع مورد توافق قرار گرفت. با توجه به اینکه پس از تصویب سی‌امین سند عضویت، دیوان برای رسیدگی به جنایت تجاوز صلاحیت پیدا می‌کند، از ۱۷ جولای ۲۰۱۸ (۲۶ تیر ۱۳۹۷) دیوان برای رسیدگی به جنایت تجاوز صلاحیت یافته است. در نتیجه دیوان برای رسیدگی به جنایت تجاوزی که قبل از ۱۷ جولای ۲۰۱۸ صورت گرفته است، صلاحیت ندارد.

ائتلاف سعودی از مارس ۲۰۱۵ حملات مستمر، نظام‌مند و گسترده‌ای در قالب عملیات‌های موسوم به «طوفان قاطعیت» و «بازگشت امید» علیه یمن انجام داده است. براساس گزارش‌های متعدد دیده‌بان حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل در این حملات ده‌ها هزار غیرنظامی کشته شده‌اند. علیرغم هشدارهای بین‌المللی، در پنج سال جنگ یمن (از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹) حملات ائتلاف سعودی به مراکز غیرنظامی از جمله بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد، سیلوها، کارخانه‌ها، بازارها، مجالس ختم و عروسی، سدها، انبارهای دارو، نیروگاه‌های برق، ابنیه تاریخی و مراکز امدادی و درمانی متعلق به نهادهای بین‌المللی مانند پزشکان بدون مرز متوقف نشده است. حال آنکه موقعیت مکانی این مراکز به‌عنوان اماکن غیرنظامی به ائتلاف سعودی از سوی یمن و سازمان ملل اعلام شده است. نتیجه این حملات نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله اصل تفکیک در اهداف نظامی و غیرنظامی بوده است. تداوم این حملات نظام‌مند به‌همراه استفاده از سلاح‌های ممنوعه از جمله سلاح‌های شیمیایی، فسفوری و بمب‌های خوشه‌ای نشان می‌دهد که سران سعودی عمداً برای نابودی مردم یمن به ارتکاب جرایم بین‌المللی دست زده‌اند. به‌طوری که براساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونیسف، آکسفام و برنامه جهانی غذا وابسته به سازمان ملل، عربستان سعودی با محاصره یمن، در این کشور

1. International Criminal Court



برنامه‌ای را دنبال می‌کند که منجر به نابودی و زوال جسمی مردم این کشور می‌شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد عناصر مادی و معنوی (قصد خاص) نسل‌زدایی و جنایت علیه انسانیت در یمن توسط ائتلاف سعودی وجود دارد. ضمن اینکه صرف حمله به اهداف غیرنظامی، مصداق جنایت جنگی است.

لذا این سؤال مهم مطرح است که با فرض احراز حقوقی ارتکاب جنایات بین‌المللی عربستان سعودی در یمن، دیوان بین‌المللی کیفری چگونه می‌تواند درباره این جرایم بین‌المللی نقش‌آفرینی کند؟ آیا با توجه به عدم عضویت یمن و عربستان سعودی در دیوان بین‌المللی کیفری و از آنجا که صلاحیت دیوان، تکمیلی و بر مبنای رضایت کشورهاست، سازوکاری برای ورود دیوان به این موضوع وجود دارد؟ اهمیت بررسی این موضوع از جهت لزوم مقابله با جرایم بین‌المللی در قالب نظریه‌های مربوط به مسئولیت کیفری بین‌المللی شخصی (حقیقی)، تحقق عدالت کیفری، جلوگیری از بی‌کیفری سران و فرماندهان نظامی در حقوق بین‌الملل و تعقیب کیفری آمران جنایات بین‌المللی ارتكابی در یمن است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص جنایات بین‌المللی شامل جنایت جنگی، تجاوز، نسل‌زدایی و جنایت علیه انسانیت و صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری مقالات متعددی نوشته شده است. از جمله می‌توان به مقالات «تعریف، عناصر و شروط اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جنایت تجاوز» حسین آقایی جنت‌مکان (۱۳۹۰)، «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد انسانیت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» ابراهیم بیگزاده (۱۳۷۷)، «مسئولیت کیفری مقامات عالی‌رتبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل» به‌آذین حسینی (۱۳۸۳)، «مقایسه شدت جرم و مجازات جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی» ابراهیم بیگزاده و منا میرزاده (۱۳۹۴)، «جنایات جنگی در مناقشات مسلحانه غیر بین‌المللی، مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری» جمشید ممتاز (۱۳۷۹)، «قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری» جواد طهماسبی (۱۳۸۶)، «صلاحیت تکمیلی و صلاحیت متقارن در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری» آندره کلیپ (۱۳۸۴) و «بررسی کیفرشناختی جنایات بین‌المللی» حامد رحمانیان و حیدر پیری (۱۳۹۲) اشاره کرد.

همچنین می‌توان به کتاب «عنصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری: منابع و تفسیر» که در سال ۲۰۰۳ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شده، اشاره کرد.



دورمن، دوسوالد و کولب نویسندگان این کتاب به سفارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، به بررسی تفاسیر و اظهار نظرهایی که در جریان تدوین اساسنامه رم راجع به عناصر جنایات جنگی مطرح شده، پرداخته‌اند و تلاش کردند ابعاد صلاحیت دیوان در این موضوع را تبیین نمایند. این کتاب اطلاعات مفیدی راجع به دیدگاه‌های مختلف درباره عناصر جنایات جنگی و ویژگی‌های آن در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با هدف ارتقاء حقوق بین‌الملل بشردوستانه ارائه می‌دهد. کتاب «اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری: یک تفسیر» دیگر منبع مهمی است که توسط «آنتونیو کاسسه» قاضی مشهور بین‌المللی نوشته شده و در سال ۲۰۰۲ توسط دانشگاه آکسفورد منتشر گردیده است. کاسسه در این کتاب با بررسی سوابق دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، به علل گنجانده شدن چهار جنایت بین‌المللی در اساسنامه و تفسیر عناصر عینی و معنوی آنها پرداخته است که از بُعد توسعه حقوق بین‌الملل کیفری و تفسیر دامنه صلاحیت دیوان اهمیت فراوانی دارد.

در مقالات و کتب مذکور به صلاحیت دیوان درباره جنایات بین‌المللی پرداخته شده است اما به‌صورت مصداقی ارتکاب جنایات بین‌المللی توسط عربستان سعودی در یمن و چگونگی تحقق عدالت کیفری در این خصوص، بررسی نشده است. با توجه به پیشینه پژوهش، نوآوری این مقاله از دو جنبه است:

اول، بررسی تطبیقی جنایات ارتكابی عربستان سعودی در یمن با اساسنامه رُم و احراز عناصر عینی و ذهنی ارتكاب این جرایم؛

دوم، تشریح راهکارهای نقش‌آفرینی دیوان بین‌المللی کیفری برای مقابله با جنایات ارتكابی ائتلاف سعودی در یمن.

### ۳. چارچوب نظری

جامعه بشری از دیرباز در کنار جرائم خرد و کلان داخلی با جنایات بین‌المللی از قبیل جنایت جنگی، نسل‌زدایی و جنایت علیه انسانیت روبرو بوده است. حصول به عدالت کیفری و مقابله با بی‌کیفری آمران و عاملان جنایات بین‌المللی در قالب «مسئولیت کیفری بین‌المللی» مهم‌ترین هدف و آرمان حقوق بین‌الملل کیفری است. اما قاعده عرفی مصونیت کیفری بین‌المللی دولت‌ها به‌عنوان مانعی جدی در این روند، مطرح شده است. نظریات مربوط به مسئولیت کیفری بین‌المللی از دو بُعد اشخاص حقیقی و حقوقی در طول سده بیستم توسعه پیدا کرده‌اند.



نظريه «مسئوليت كيفرى بين المللى شخصى (حقيقى)» در اوائل قرن بيستم به تدريج به رسميت شناخته و وارد حقوق بين الملل كيفرى شد. مسئوليت كيفرى بين المللى شخصى يك اصل كلى حقوقى است و اين مسئله كه افراد به عنوان يكى از تابعان «حقوق بين الملل كيفرى» در قبال نقض قواعد حقوق بين الملل بشر و بشردوستانه، مسئول بوده و به موجب اين اصل، هر شخص حقيقى از نظر كيفرى بايد پاسخگو باشد، پذيرفته شده است (Brownlie, 1998 : 656). شخص حقيقى فارغ از جايگاه حقوقى خود در صورت داشتن عنصر معنوى لازم جرم اعم از عمد، بى اعتنايى يا غفلت، مسئول شناخته مى شود (آقائى جنت مكنان، ۱۳۸۶: ۱۵).

در قالب نظريه «مسئوليت كيفرى بين المللى شخصى (حقيقى)» در ارتكاب جنايات بين المللى با دو دسته اشخاص حقيقى مسئول مواجهيم. اول، همان نظاميانى كه مستقيماً مرتكب قتل و جنايت شده اند و دوم، سردمداران كه مجموعه اعمال ارتكاب يافته توسط نظاميان تحت امر آنها، يك جنايت خاص بين المللى مانند نسل زدائى يا جنايت عليه بشريت يا جنايت جنگى را شكل مى دهد. دسته اخير را افرادى مانند سران، وزير جنگ و فرماندهان عالى رتبه ارتش تشكيل مى دهند كه به موجب اصل مسئوليت كيفرى بين المللى شخصى و برخى روبه هاى قضايى بين المللى، مستحق تحمل مجازات كيفرى هستند (رحمانيان و پيرى، ۱۳۹۲: ۴۴).

بر خلاف اشخاص حقيقى كه تابعان حقوق بين الملل كيفرى هستند، اشخاص حقوقى نظير دولت ها از تعقيب كيفرى بين المللى مصون هستند. حقوق بين الملل كيفرى به وضوح اشخاص حقيقى را از نظر كيفرى مسئول مى داند، با اين حال اين مفهوم هنوز درباره دولت ها اجرا نمى شود. مكتب كلاسيك حقوق بين الملل معتقد است كه تنها افراد وابسته به شخصيت حقوقى يا دولت مرتكب جرم مى شوند، نه خود شخصيت حقوقى يا دولت. به همين دليل در دادگاه هاى نورنبرگ و توكيو و تحت تاثير نظريه «نفى مسئوليت كيفرى بين المللى دولت ها»، منحصرأ افراد محاكمه و مجازات شدند نه دولت يا حاكميت. حتى در ماده ۱۰ كنوانسيون ملل متحد عليه جرائم سازمان يافته فراملى موسوم به كنوانسيون پالرمو نيز كه در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ با قطعنامه مجمع عمومى به تصويب رسيد، عليرغم پذيرش مسئوليت كيفرى اشخاص حقوقى، از مسئوليت كيفرى دولت ها ذكرى به ميان نيامده است (United Nations Convention against Transnational Organized Crime, 2000, para 10).

مصونيت دولت ها از نظر كميسيون حقوق بين الملل به عنوان يك قاعده بنيادين پذيرفته شده است اما در سير تحول حقوق بين الملل و با تأسيس ديوان بين المللى كيفرى، بين مصونيت



دولت‌ها و مصونیت کیفری سران دولت‌ها تمایز ایجاد شده است. برخی از نظریه‌پردازان با انتقاد از انفکاک مصونیت دولت و مصونیت مقامات، معتقدند مصونیت دولت یک اصل است که نمی‌توان آن را میان دولت و افراد تقسیم کرد، چرا که این تقسیم‌بندی باعث می‌شود دولت‌ها به بهانه عملکرد افراد، از بار مسئولیت نهادهای خود شانه خالی کنند (Weatherall, 2015: 1209).

در هر حال با توجه به مصونیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، مطابق ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان تنها درباره جرایم «اشخاص حقیقی» صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و صلاحیت آن برای رسیدگی به جرایم «اشخاص حقوقی» نفی شده است (شریعت‌باقری، ۱۳۸۸: ۳۳). بدین ترتیب از دید حقوق بین‌الملل کیفری دولت عربستان سعودی به دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی نمی‌تواند تحت تعقیب کیفری قرار بگیرد، اما سران و فرماندهان نظامی آن به دلیل نقش آمریت در این جنایات می‌توانند تحت تعقیب کیفری قرار بگیرند. دیوان بین‌المللی کیفری با این هدف تأسیس شده که تعقیب مؤثر مرتکبان جنایات سنگین حقوق بشری و بشردوستانه میسر و به بی‌کیفری آنها پایان داده شود. لذا نقش‌آفرینی دیوان برای تعقیب کیفری آمران جنایات ارتكابی بین‌المللی در یمن (جنایات جنگی، نسل‌زدایی، جنایت علیه انسانیت و تجاوز) اهمیت دارد.

#### ۴. جنایت جنگی عربستان سعودی در یمن

جنایت جنگی<sup>۱</sup>، جنایتی است که ارتکاب آن در درگیری‌های مسلحانه موجب نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی<sup>۲</sup> می‌شود و ناظر بر نقض فاحش قاعد عرفی یا معاهده‌ای ناظر بر حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. جرایم جنگی قدمتی طولانی‌تر از سایر جرایم بین‌المللی دارند، از این‌رو حقوق بین‌الملل عرفی مقدم بر حقوق بین‌الملل معاهداتی، اعمال ارتكابی در حین مخاصمات مسلحانه را جرم‌انگاری کرده است. اما، ورود این دسته از جرایم به عرصه حقوق بین‌الملل معاهداتی، از طریق معاهدات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آنها در سال ۱۹۷۷ بوده است. بالندگی آن نیز با با تصویب اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ رخ داد.

1. war crimes

2. International humanitarian law (IHL)



جرایم جنگی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول مواردی است که می‌تواند تحت عنوان تخلفات مهم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مطرح شود. گروه دوم از جرایم جنگی، شامل تخلفات مهم از ماده ۳ مشترک بین کنوانسیون‌های ژنو و تخلفات مهم دیگر از قواعد و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی است (شریعت‌باقری، ۱۳۸۸: ۱۱۴). براساس ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان در مورد جنایات جنگی صلاحیت دارد. به‌ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنین جرایمی صورت گرفته باشد. در این ماده مواردی مانند قتل عمد، وارد آوردن رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت افراد، اخراج، حملات عمدی علیه غیرنظامیان با قصد حمله علیه آنان، حملات عمدی به سوی اهداف غیرنظامی، بمباران شهرها و روستاهایی که هدف نظامی نیستند، استفاده از گلوله‌هایی که به راحتی در بدن انسان منبسط یا مسطح می‌شوند و... به‌عنوان «عناصر مادی» جنایت جنگی محسوب شده‌اند (Rome Statute, 2002: Art. 8).

بررسی تطبیقی جنایات عربستان سعودی در یمن با اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که بسیاری از اقدامات سعودی در یمن مصداق بارز جنایت جنگی هستند. از جمله جنایات جنگی ارتكابی ائتلاف سعودی، کشتار غیرنظامیان از جمله کودکان و زنان و حمله به سیلوهای گندم، تخریب بیمارستان‌ها و انبارهای دارو، ممانعت از رسیدن کمک‌های دارویی و پزشکی، حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله نیروگاه برق صنعا و تنها نیروگاه برق استان صعده و حمله به فرودگاه صنعا و همچنین استفاده از سلاح‌های ممنوعه علیه مردم یمن از جمله سلاح‌های شیمیایی، فسفری و بمب‌های خوشه‌ای ساخت آمریکا است. سران و فرماندهان نظامی عربستان سعودی با علم به اینکه جنایتی (تجاوز) در حال ارتکاب است به این اقدامات دست زده‌اند. برای تبیین موضوع، ابتدا عناصر مادی جنایت جنگی مصرح در ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به تفکیک ذکر و در کنار آن به صورت تطبیقی به مصادیق این جنایت در جریان تجاوز عربستان سعودی به یمن اشاره می‌شود.

– «بند الف و ب ماده ۸ اساسنامه»: کشتار عمدی و هدایت حملات بر ضد مردم غیرنظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیرنظامی که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند و حمله یا بمباران شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان‌هایی که بی‌دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند با هر وسیله‌ای که باشد؛



یکی از وجوه تجاوز عربستان سعودی به یمن، بمباران عمدی مجالس عروسی و ختم، بمباران بازار و مراکز خرید و مجالسی است که به مناسبت‌های ملی و مذهبی تشکیل شده‌اند. موارد متعددی از حملات جنگنده‌های سعودی به منازل و اماکن غیرنظامی وجود دارد که بر اثر آن صدها زن و کودک یمنی شهید شده‌اند. به‌عنوان نمونه، دوم اردیبهشت ۱۳۹۷ جنگنده‌های متجاوز سعودی در دو حمله متوالی به روستای الراقه واقع در منطقه بنی قیس استان حجه یمن یک مراسم عروسی را هدف قرار داده و ۳۳ تن از شهروندان یمنی را به شهادت رسانده و ۶۳ نفر را مجروح کردند که ۴۰ نفر از مجروحان کودک بودند. به گفته سخنگوی وزارت بهداشت استان حجه، جنگنده‌های سعودی پس از بمباران، با ادامه پرواز در منطقه بنی قیس، مانع رسیدن خودروهای آمبولانس و افزایش شمار شهدا شده‌اند (Guardian, 2018).

سازمان پزشکان بدون مرز با بیان اینکه هیچ یک از زخمی‌های مراسم عروسی در استان حجه یمن مسلح نبوده یا لباس نظامی به تن نداشتند، حمله به این مراسم توسط ائتلاف سعودی به رهبری عربستان را وحشتناک و نقض فاحش حقوق بشردوستانه خواند. همچنین در حمله جنگنده‌های ائتلاف سعودی به منطقه «فج عطان» واقع در جنوب یمن، ۱۴ غیرنظامی یمنی از جمله ۵ کودک کشته شدند. در حمله دیگر جنگنده‌های ائتلاف سعودی به بازاری در استان صعدة در یمن، حداقل ۲۱ نفر شهید و ۹ تن دیگر زخمی شدند. جنایت سعودی‌ها علیه غیرنظامیان در استان‌های مختلف یمن به‌ویژه صعدة به‌طور روزانه همچنان ادامه دارد تا جایی که براساس آمار موسسه غیر دولتی «گردآوری اطلاعات مکانی و رخدادهای درگیری‌های مسلحانه»<sup>۱</sup> از سال ۲۰۱۵ تا ژوئن ۲۰۱۹م در جنگ یمن حداقل ۹۱ هزار و ۶۰۰ نفر کشته شده‌اند که این رقم شامل افرادی که بر اثر فجایع انسانی ناشی از جنگ، به‌ویژه قحطی، جان‌شان را از دست داده‌اند، نمی‌شود (MAGDY, 2019).

وزارت حقوق بشر یمن اردیبهشت ۹۷ در گزارشی اعلام کرد که از زمان آغاز تجاوز هوایی ائتلاف سعودی به یمن از سال ۲۰۱۵ تا مارس ۲۰۱۸م ۳۸۵۰۰ غیرنظامی جان خود را از دست داده‌اند. تجاوز عربستان سعودی به یمن به‌طور غیرمستقیم موجب مرگ حدود ۳۰۰ هزار نفر در یمن شده است. به‌طوری که ۲۴۷ هزار کودک در یمن به‌دلیل سوء تغذیه شدید و ۱۷ هزار نفر نیز به‌دلیل عدم توانایی برای خروج از این کشور و درمان بیماری جان خود را از دست داده‌اند. مقامات ذیربط سازمان ملل نیز به کشتار عمدی مردم یمن اشاره کرده‌اند. «زید بن رعد»، کمیسر

1. The Armed Conflict Location & Event Data Project (ACLED)



عالى حقوق بشر سازمان ملل گفت كه حملات ائتلاف متجاوز سعودى، همچنان دليل اصلى كشته شدن غيرنظاميان در يمن است. سازمان ديده بان حقوق بشر به همراه ۵۶ سازمان غيردولتى و بين المللى در درخواست خود به نمايندگان كشورهاي عضو و ناظر شوراي حقوق بشر سازمان ملل، خواهان تحقيقات بين المللى مستقل درباره جنايات ارتكابي در يمن شدند ( Yemen Events, 2018).

– «بند ب ماده ۸ اساسنامه» مقرر كرده است: «هدايت عمدي حملات بر ضد اهداف غيرنظامي، هدايت عمدي حملات بر ضد ساختمان هايي كه براي مقاصد مذهبي، آموزشي، هنري، علمي يا خيريه اختصاص يافته و حمله به آثار تاريخي، بيمارستان ها و مكان هاي تجمع بيماران و زخمي ها مشروط بر آن كه آن مكان ها اهداف نظامي نباشند، مصداق جنايت جنگي است».

براساس اصول حقوق بين الملل بشردوستانه عرفي، اماكن درمانى مانند بيمارستان ها، اماكن مذهبي و تاريخي و تأسيسات زيربنائي كشورها، مصون از حمله و تخريب هستند و طرف مرتكب، مشمول جرايم جنگي مى شود. براساس بند دوم ماده ۵۲ پروتكل الحاقى اول، حمله ها منحصرأ بايد به هدف هاي نظامي محصور شوند. هدف هاي نظامي به اموالى محدود مى شود كه ماهيت محل، هدف، يا کاربرد آنها سهم مؤثري در عمليات نظامي داشته و تخريب كلي يا جزئي، تصرف يا از كار انداختن آنها در شرايط زمانى موجود، يك مزيت نظامي معين محسوب شود. بنا بر اين بايد به دو شاخصى كه براي تشخيص اهداف نظامي وجود دارد، توجه داشت. اول، سهم و تأثير اهداف نظامي و دوم، مزيت نظامي كه حاصل مى شود (Cassese, 2002: 196). اين در شرايطى است كه عربستان سعودى در جنگ يمن به مساجد، اماكن مذهبي و تاريخي و موزه ها كه هدف نظامي نيستند، حمله و آنها را تخريب كرده است. سازمان ديده بان حقوق بشر اعلام كرده است «جنگنده هاي ائتلاف، هيچ تفاوتى ميان اهداف نظامي و غيرنظامي قائل نيستند» (HRW, 2018).

روزنامه گاردين در شماره روز ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۶م، در گزارشي براساس يافته هاي گروه تحقيق خود نوشت كه از هر سه حمله عربستان سعودى، يك حمله به مناطق غيرنظامي يمن شامل مدارس، بيمارستان ها، بازارها، مساجد و زيرساخت هاي اقتصادى انجام مى شود. از مارس ۲۰۱۵ تا اوت ۲۰۱۶ بيش از ۸۶۰۰ حمله هوايي عليه يمن انجام شد كه ۳۵۷۷ حمله به مناطق نظامي، ۳۱۵۸ حمله به مناطق غيرنظامي و ۱۸۸۲ حمله نيز به مناطقي انجام شد كه مشخص



نیست نظامی یا غیرنظامی است. نکته مهم در جنگ عربستان سعودی علیه یمن این است که مناطق و اماکن غیرنظامی به‌خصوص زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی بارها هدف بمباران جنگنده‌های سعودی قرار گرفتند؛ به‌نحوی که حدود ۸۰ درصد از زیرساخت‌های شهری مناطق مختلف یمن در جنگ از بین رفته است (MacAskill and Torpey, 2016).

– «بند ب ماده ۸ اساسنامه» در مورد حمله به مراکز آموزشی است. جنگنده‌های عربستان سعودی بارها مدارس مناطق مختلف یمن را در حالی که هدف نظامی نبوده‌اند، هدف قرار دادند. برای مثال این جنگنده‌ها دهم ژانویه ۲۰۱۷ به مدرسه‌ای در منطقه «نهم» در صناعه حمله و ۸ دانش‌آموز یمنی را شهید و ۱۵ دانش‌آموز را زخمی کردند. براساس گزارش سازمان‌های مدنی مستقل بعد از گذشت ۶۰۰ روز از تجاوز عربستان سعودی به یمن بیش از ۷۲۰ مدرسه و ۱۲۰ موسسه دانشگاهی و آموزشی تخریب شده است که بیانگر این است که عربستان سعودی اهداف نظامی و غیرنظامی را با هم هدف قرار می‌دهد (Fisk, 2016).

در مرداد ۹۷ (اوت ۲۰۱۸م) به‌دنبال حمله جنگنده‌های ائتلاف سعودی به اتوبوس دانش‌آموزان یمنی در شهر «ضحیان» در استان صعده که به کشته شدن ۵۱ دانش‌آموز انجامید، «الیزابت تروسیل»<sup>۱</sup> سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد: «هر حمله‌ای که به شکل مستقیم غیرنظامیان و کسانی را هدف بگیرد که به‌صورت مستقیم در اقدامات جنگی مشارکت ندارند، یا هر حمله‌ای که متوجه اهداف غیرنظامی شود، در زمره جنایات جنگی است» (iuvm, 2018).

– «بند ب ماده ۸ اساسنامه» نیز حمله به آثار تاریخی را منع کرده است. در حالی که در تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن، آثار تاریخی یمن از این حملات مصون نمانده است. بخش اعظم سد تاریخی و سه هزار ساله «مأرب» و همچنین مسجد «امام عبدالرزاق بن همام» که در سال ۲۱۱ هجری در استان صنعا ساخته شده بود، در بمباران سعودی‌ها تخریب شده‌اند. همچنین بازار شهر صعده که تأسیس آن به قرن سوم هجری بازمی‌گردد در حملات سعودی‌ها تخریب شده است. قلعه تاریخی «صیره» در استان تاریخی عدن در جنوب یمن هم که در ساحل خلیج عدن قرار دارد و در قرن ۱۱ هجری بنا شده، در حملات سعودی‌ها از دریا و آسمان، و همچنین معبد «أوعال» در استان مأرب که تاریخ آن به دوره قبل از ورود اسلام به یمن بازمی‌گردد، تخریب شده‌اند. میزان بمباران آثار تاریخی به حدی رسید که سازمان علمی، فرهنگی



و تربیتی ملل متحد (UNESCO) با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن تخریب آثار باستانی و میراث فرهنگی منحصر به فرد یمن در جریان حملات عربستان سعودی به این کشور، اعلام کرد: «بمباران‌های گسترده در یمن خسارات جدی به شهر قدیمی صنعا پایتخت یمن که در زمره آثار فرهنگی و باستانی جهان قرار دارد، وارد آورده است» (Passey, 2018: 18).

اداره کل موزه‌ها و آثار باستانی یمن نیز اعلام کرد حملات عربستان سعودی به آن کشور موجب تخریب بیش از دو هزار اثر تاریخی و ده‌ها موزه یمن شده است. مهند السیانی سرپرست اداره موزه‌ها و بناهای تاریخی یمن گفت: «این اداره فهرست مراکز تاریخی و فرهنگی این کشور را برای عربستان فرستاده است اما با این وجود ریاض به حملات به این مراکز ادامه می‌دهد» (Ibid).

– «بند ب ماده ۸ اساسنامه» نیز در مورد حمله به بیمارستان‌ها است. سازمان بهداشت جهانی در فوریه ۲۰۱۷م در گزارشی اعلام کرد که در اثر جنگ، ۲۷۴ مرکز درمانی یمن از کار افتاده شده و تنها ۴۵ درصد از امکانات پزشکی این کشور قابل استفاده است. گسترش بیماری‌های واگیردار مانند وبا و تیفوس یکی از تبعات حملات رژیم سعودی به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی است. «عبدالحمید الکحلانی» سخنگوی وزارت بهداشت عمومی یمن با اشاره به ویرانی ۴۱۴ ساختمان و مرکز بهداشتی در نتیجه حملات متجاوزان سعودی، بمباران روزانه مناطق مختلف این کشور در کنار محاصره زمینی و دریایی را علت گسترش بیماری وبا و فروپاشی نظام بهداشتی در یمن دانسته و بر محاکمه و مجازات عاملان این جنایت جنگی تأکید کرده است. در جریان جنگ یمن نه تنها بیمارستان‌های این کشور از بمباران جنگنده‌های ائتلاف سعودی در امان نبوده است بلکه مراکز درمانی و انبارهای دارو وابسته به نهادهای بین‌المللی از جمله انبار دارو و مرکز معالجه بیماری وبا وابسته به سازمان پزشکان بدون مرز در شهر عبس یمن علیرغم اعلام موقعیت آن به ائتلاف سعودی، بمباران شدند (Doctorswithoutborders, 2018).

– «بند ب ماده ۸ اساسنامه» انجام عمدی حمله‌ای را با علم به این که چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط‌زیست خواهد شد و آشکارا درباره مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است، منع کرده است. اما عربستان سعودی در حملات به یمن علاوه بر بمباران شهرها، روستاها و مناطق غیرنظامی، به تأسیسات غیرنظامی نیز حمله کرده است که نقض آشکار کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بوده و



علاوه بر صدمات انسانی، صدمات زیست‌محیطی نیز دارند. سد مارب یکی از مهم‌ترین اماکن زیست‌محیطی یمن است که توسط جنگنده‌های سعودی بمباران شده و مصداق بارز جنایت جنگی به دلیل تخریب گسترده، شدید و طولانی مدت محیط‌زیست و همچنین نقض اصل تفکیک و نقض ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک مصرح در ماده ۵۶ پروتکل شماره یک الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو است. سد مارب نه هدف نظامی بود و نه برای اهداف نظامی به کار برده می‌شد. بلکه هدف عربستان سعودی از این حمله از بین بردن آب آشامیدنی مردم و به قحطی کشاندن آن‌ها بود. حمله جنگنده‌های سعودی به سد مارب همچنین نقض معاهده ۱۹۵۴ لاهه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ بود. چرا که این سد از مهم‌ترین آثار تاریخی باقیمانده از قرن هشتم پیش از میلاد است که با ۵۷۷ متر طول و ۹۱۵ متر عرض از با ارزش‌ترین آثار باستانی یمن به شمار می‌رود. مجمع عمومی کنفرانس نمایندگان کشورهای حوزه آسیا و اقیانوسیه پیرامون محیط‌زیست و توسعه در بیانیه‌ای، نگرانی شدید خود را درباره اقدامات عمدی انسانی برای تخریب محیط‌زیست و تأثیر گسترده اینگونه تخریب‌ها بر زیرساخت‌های حیاطی منطقه آسیا و اقیانوسیه و سایر مناطق جهان به‌ویژه در یمن، سوریه، عراق و فلسطین، ابراز کردند (UNEP, 2019).

– «بند ب ماده ۸ اساسنامه» در مورد اقدام دولت اشغالگر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیر نظامی‌اش به سرزمینی که اشغال می‌کند، یا تبعید یا انتقال تمام یا بخش‌هایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج این سرزمین؛ و تبعید یا انتقال یا حبس غیرقانونی است.

براساس سند عناصر تشکیل دهنده جرایم بین‌المللی، جرم اخراج یا جابجایی جمعیت توسط نیروی اشغال‌گر، زمانی اتفاق می‌افتد که مرتکب به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بخشی از جمعیت خود را به سرزمین اشغال شده منتقل کرده و یا تمام یا بخشی از جمعیت سرزمین اشغال شده را در داخل یا خارج از سرزمین، اخراج یا جابجا کرده باشد. منظور از انتقال غیرمستقیم این است که صرف اجبار مادی و فیزیکی برای انتقال جمعیت غیرنظامی نیروی اشغال‌گر به سرزمین اشغالی، نیاز نیست، بلکه صرف عمل تحریک‌آمیز یا ایجاد تسهیلات نیز ممکن است تحت شمول این جرم جنگی قرار بگیرد (Dormann et al, 2003).

حملات هوایی ائتلاف به سرکردگی عربستان سعودی در یمن موجب جابجایی و آوارگی بخشی از جمعیت این کشور شده است که مشمول این بند جنایات جنگی می‌شود. نیروهای



وابسته به منصورهادى كه توسط عربستان سعودى حمايت مى‌شوند، يمنى‌هاى را كه عمدتاً ساكن مناطق «المنصوره» و «حى ريمى»<sup>۱</sup> هستند، به خاطر وابستگى به مناطق شمالى دستگير و به استان تعز كه در كنترل جنبش مردمى انصارالله قرار دارد، اخراج كردند. اشغال جزيره يمنى سقطرا<sup>۲</sup> توسط امارات و تلاش براى انتقال تجزيه‌طلبان يمنى و اخراج جمعيت بومى آن نيز در اين زمينه قابل ارزيابى است (Yemen in Focus, 2019).

درباره جرم تبعيد يا انتقال يا حبس غيرقانونى، رجوع به آراء دادگاه‌هاى كيفرى پيشين، منظور تدوين‌كنندگان اساسنامه را روشن مى‌سازد. «ديوان بين‌المللى كيفرى براى يوكسلاوى سابق»<sup>۳</sup> در پرونده «راديسلاف كريستيج»<sup>۴</sup> مقرر داشت كه در حقوق بين‌الملل عرفى، تبعيد به معنى انتقال دادن به مرزهاى خارج از كشور است. در حالى كه انتقال اجبارى به معنى جابجايى افراد در داخل كشور است (ICTY, 2001)، اخراج و كوچ اجبارى هر دو متضمن تخليه اجبارى و غير قانونى افراد از سرزمين محل اقامت‌شان است (كسسه، ۱۳۸۷: ۹۲). كوچ اجبارى با حمله نظامى عربستان سعودى در يمن به‌وقوع پيوسته است. در نتيجه قحطى و عمليات جنگى، بيش از ۴,۳ ميليون يمنى به نقاط امن داخل كشور فرار كردند و تبديل به «مهاجران داخلى»<sup>۵</sup> شدند. بسيارى از يمنى‌هاى كه از اين كشور گريخته‌اند به عمان، سومالى، جيبوتى، اتيوپى و سودان پناه بردند. در صورت تشديد فاجعه بشردوستانه، ميليون‌ها پناهنده از كشور خارج مى‌شوند و از طريق مسيرهاى تجربه‌شده اريتريه، اتيوپى و ليبى، مقدمات سفر خود را به اروپا هموار خواهند كرد (Unrefugees, 2018).

– «بند ب ماده ۸ اساسنامه»: به كار بردن سم يا سلاح‌هاى سمى؛ استفاده از گلوله‌هاى كه به آسانى در بدن انسان منبسط يا پخش مى‌شود، مانند گلوله‌هاى كه داراى پوسته سختى هستند كه تمام هسته را نمى‌پوشانند يا آن كه شكاف‌هاى روى پوسته ايجاد شده است؛ به كار بردن سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواد و روش‌هاى جنگى كه داراى خاصيت آسيب‌رسانى بيش از حد يا موجب رنج غيرلازم مى‌شوند يا آنكه ذاتاً بدون تميز و تفكيك [اهداف] و مغاير حقوق بين الملل منازعات مسلحانه هستند؛

1. Hey Reymi

2. Socotra

3. ICTY

4. Radislav Kristic

5. Domestic immigrants



**مشروط بر آنکه این سلاح‌ها موضوع منع جامع بوده و از طریق اصلاحیه‌ای مطابق مقررات مربوط در مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ در ضمیمه الحاقی به این اساسنامه درج شوند.** در یمن به اذعان نهادهای بین‌المللی همچون سازمان بین‌المللی دیده‌بان حقوق بشر و کمیساریای عالی آن، ائتلاف سعودی از بمب‌های خوشه‌ای استفاده کرده است که توسط امریکا، فرانسه و انگلستان به عربستان سعودی اهداء می‌شوند. 250 نفر از اعضای یک انجمن برخاسته از محافل سیاسی، فرهنگی و دانشگاهی در مناطق مختلف جهان در نامه‌ای به سران این کشور که در روزنامه لوموند فرانسه چاپ شد، بحران یمن را «بدترین فاجعه انسانی حال حاضر جهان» خوانده و از سران این سه کشور خواستند به حمایت‌های تسلیحاتی از عربستان پایان دهند. شورای حقوق بشر سازمان ملل در ۴ سپتامبر ۲۰۱۹ اعلام کرد که یک هیات کارشناسی سازمان ملل فهرستی از بیش از ۱۶۰ نفر از نظامیان و سیاستمداران سعودی، اماراتی و یمنی را که به جنایت جنگی متهم هستند، تهیه کرده است و امریکا، فرانسه و انگلستان نیز به دلیل فروش سلاح به آنها، ممکن است به همدستی در ارتکاب جنایت جنگی متهم شوند. در پاراگراف ۵۷ این گزارش تأکید شده است که یمن و بیشتر اعضای ائتلاف از جمله عربستان سعودی و امارات متحده عربی عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیستند. با این وجود، اصل مسئولیت کیفری بین‌المللی شخصی (حقیقی) برای جنایات جنگی توسط حقوق بین‌المللی عرفی به رسمیت شناخته شده است (Human Right Council Report, 2019: Para. 57).

استفاده از روش‌های جنگی که باعث ورود آسیب بیش از اندازه و یا درد و رنج غیرضروری می‌شوند، طبق حقوق بین‌الملل عرفی ممنوع است. قسمت دوم ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول ژنو، استفاده از سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های جنگی را که بنا به ماهیت‌شان آسیب بیش از حد یا رنج غیر ضروری ایجاد می‌کنند را ممنوع اعلام کرده است. ماده ۴۸ و بندهای چهار و پنج ماده ۵۱ همین پروتکل نیز اعلام می‌کنند که طرفین درگیری باید به موجب حقوق مخاصمات مسلحانه، جمعیت غیرنظامی را از رزمندگان (اهداف غیرنظامی را از اهداف نظامی) جدا کنند (سیدزاده ثانی و فرهادی‌آلاشتی، ۱۳۹۳).

دستور فرماندهان ائتلاف سعودی برای استفاده از بمب‌های غیرمتعارف مانند بمب‌های خوشه‌ای یکی از مصادیق جرایم جنگی مذکور است. سازمان بین‌المللی دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی اعلام کرد که عربستان سعودی در جنگ یمن و در بمباران استان‌های عمران، الحیدیه، صنعا و صعده، از بمب خوشه‌ای استفاده کرده است. علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور سابق یمن



فاش کرد که ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی با استفاده از سلاح‌های ممنوعه بین‌المللی عامل انتشار وبا در یمن است. عربستان با به کارگیری سلاح‌های مخرب مانند بمب‌های خوشه‌ای و بمب‌های «ترموباریک» (گرما فشاری) با قدرت انفجاری بسیار زیاد آثار زیانباری برای مردم یمن به جا می‌گذارد (Ahtribune, July 09, 2017).

– موضوع «بند ب ماده ۸ اساسنامه» ممنوعیت تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگی، با محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است، از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنو است.

هرگاه مرتکب، غیرنظامیان را از موادی که حیاتشان وابسته به آن است محروم نماید و یا قصد گرسنه نگه داشتن آنان را به‌عنوان روشی جنگی داشته باشد، مرتکب «جرم گرسنگی دادن» شده است. اساسنامه دیوان به تبعیت از ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول ژنو، گرسنگی دادن به غیرنظامیان، به‌عنوان یک اسلوب جنگی را ممنوع و جرم‌انگاری کرده است. بند ۲ ماده ۵۴ همین پروتکل نیز گرسنه نگه داشتن از طریق محروم کردن غیرنظامیان را از موادی که برای بقایشان ضروری است ممنوع کرده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیری که برای تبیین مواد پروتکل الحاقی اول ارائه نمود، در ذیل این ماده بیان داشت که گرسنگی دادن با همان مفهوم معمولی تعریف و توسط هرکسی فهمیده می‌شود (Schmitt, 2010).

قربانیان این جرم غیرنظامیان هستند. بنابراین هرگاه نیروهای دشمن مزارع و باغ‌هایی را که منبع تغذیه نیروهای طرف مقابل هستند از بین ببرند، مرتکب این جرم نخواهند شد. اما هرگاه اعمال مذکور را در همان منطقه با هدف از بین بردن غیرنظامیان ساکن در آن انجام دهند، محکوم به ارتکاب این جرم خواهند شد. عمل مذکور می‌تواند در صورت داشتن سایر شرایط جنایت علیه انسانیت، مصداق نابودسازی<sup>۱</sup>، آپارتاید<sup>۲</sup> و اعمال غیرانسانی دیگر با خصوصیات مشابه که عمداً موجب رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامت روحی جسمی می‌شود نیز باشد (سیدزاده ثانی و فرهادی‌آلاشتی، ۱۳۹۳).

عربستان سعودی در جنگ یمن به اقدامات متعددی دست زده است که مصداق به قحطی کشاندن مردم یمن و استفاده از آن به‌عنوان روش جنگی است. حملات به تأسیسات آب

1. Extermination

2. The crime of apartheid



آشامیدنی، سیلوهای گندم، محاصره هوایی، دریایی و زمینی یمن و جلوگیری از ورود غذا و دارو، از جمله این اقدامات عربستان سعودی است که با ماده ۵۲، ۵۴ و ۵۶ پروتکل اول کنوانسیون ژنو مغایرت دارد. تحت تأثیر این اقدامات تعمدی عربستان سعودی، سازمان ملل می‌گوید که ۲۲،۲ میلیون نفر از مردم یمن نیاز فوری به مواد غذایی دارند که از این تعداد ۸،۴ میلیون نفر کودکان هستند. براساس گزارش صلیب سرخ بیش از ۸۰ درصد از جمعیت یمن از مشکلاتی مانند کمبود غذا، آب آشامیدنی سالم و مراقبت‌های بهداشتی رنج می‌برند (ICRC, 2018).

سازمان آکسفام<sup>۱</sup> با انتشار بیانیه‌ای در هزارمین روز جنگ علیه یمن هشدار داد «ساکنان یمن در نتیجه محاصره اعمال شده بر بنادر اصلی این کشور که آنها را از مواد غذایی، سوخت و دارو محروم کرده، سریع‌تر از هر زمان دیگری در آستانه خطر قحطی قرار دارند». آکسفام خطاب به ائتلاف سعودی اعلام کرد، به کار بردن سلاح «گرسنگی» در یمن دور از اخلاق و انسانیت است (freitag, 2017). دیوید بیزلی<sup>۲</sup> رئیس برنامه جهانی غذا، وابسته به سازمان ملل متحد<sup>۳</sup> با اشاره به حملات ائتلاف سعودی به یمن، این ائتلاف را متهم کرد که مانع ارسال و ارائه کمک‌های بشردوستانه به مردم یمن می‌شود که منجر به «بدترین فاجعه بشردوستانه جهان» شده است. آنتونیو گوتیرش دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که یمن صحنه «بزرگترین حالت اضطراری (بحران) گرسنگی در جهان» است (news.UN, 2019). این وضعیت در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ تشدید شده است. براساس آمارهای سازمان‌های بین‌المللی، بیش از ۸۰ درصد ملت یمن به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. ایجاد محدودیت در رسیدن کمک‌های بشردوستانه از سوی کشورهای همسایه و دیگر کشورها به یمن و بحرانی شدن اوضاع انسانی در این کشور، مصداقی از به قحطی کشاندن اجباری مردم یمن است.

## ۵. جنایت علیه انسانیت و جنایت نسل‌زدایی در یمن

جنایت علیه انسانیت و نسل‌زدایی می‌توانند هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ ارتکاب یابند و اگر در زمان جنگ رخ دهند، می‌توانند تحت عنوان جنایت جنگی بررسی شوند. برخی از عناصر تشکیل دهنده جرایم جنایت جنگی مانند قتل و کشتار، شکنجه، تحمیل عمدی رنج شدید و

۱. آکسفام (Oxfam) نام یکی از بزرگترین سازمان‌های بین‌المللی امدادسانی برای ریشه‌کن کردن فقر، گرسنگی و بی‌عدالتی، متشکل از ۱۵ سازمان در ۹۸ کشور است. مؤسسه آکسفام در سال ۱۹۴۲ در دانشگاه آکسفورد در قالب یک کمیته امدادسانی برای مبارزه با قحطی توسط فعالان اجتماعی و دانشگاهیان آکسفورد تأسیس شد.

2. David Beasley

3. World Food Programme



صدمه جدی به بدن یا سلامت جسمی و روحی با جنایت علیه انسانیت و نسل‌زدایی، اشتراک دارند. بسیاری از مصادیقی که در سطور گذشته درباره جنایت جنگی عربستان سعودی در یمن مطرح شد، حاکی از آن است که عربستان سعودی در یمن مرتکب جنایت علیه انسانیت و نسل‌زدایی نیز شده است. این دو جنایت اگر در زمان جنگ صورت بگیرند می‌توانند تحت عنوان جنایت جنگی بررسی شوند.

جنایت علیه انسانیت، جنایتی است که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابد و می‌توان جدی‌ترین شکل آن را کشتار گروه‌های مردمی دانست که با نسل‌زدایی قرابت زیادی دارد. جنایات علیه انسانیت مفهومی وسیع‌تری از نسل‌زدایی دارد. در جنایت علیه انسانیت، لازم نیست که یک گروه خاص هدف قرار بگیرد، بلکه به‌طور کلی، یک جمعیت غیرنظامی شامل گروه‌های سیاسی، قومی، مذهبی و... ممکن است موضوع این جنایات واقع شوند. هر حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه غیرنظامیان، قتل افراد یک گروه، به بردگی گرفتن، تبعید یک جمعیت، تعقیب و آزار مداوم یک گروه به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسیتی از مصادیق جرایم علیه انسانیت هستند (شریعت‌باقری، ۱۳۸۸: ۲۷). جنایات بر ضد انسانیت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف- جنایات بر ضد تمامیت جسمی و روحی افراد؛ ب- جنایات بر ضد آزادی‌های افراد؛ ج- سایر اعمال ضد بشری (بیگزاده، ۱۳۷۷: ۸۷).

جنایات علیه انسانیت به موجب بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تنها مشتمل بر جنایاتی از جمله «قتل؛ اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت، شکنجه، تجاوز جنسی، عقیم کردن اجباری، تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی و علل دیگر، جنایت آپارتاید، اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عماداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد» است که «به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده و نظام‌مند با هدف ضدیت با هر جمعیت غیرنظامی» ارتکاب می‌یابند (Cassese, 2002). این عناصر در کنار یکدیگر، شرایط تحقق این جنایت را تشکیل می‌دهند. از منظر عنصر معنوی جرم، برای اینکه بتوان متهمی را به دلیل ارتکاب جرم علیه انسانیت مجرم شناخت، لازم است ثابت شود قصد وصول به نتیجه‌ای خاص موجود بوده است.

در مورد متهمی که در مقام یک کارگزار نظام عمل می‌کند ضرورتی ندارد که وی کلیه آثار و عواقب خاص فعل سوء خویش را پیش‌بینی نماید، بلکه کافی است از اینکه فعل او ممکن است



موجب عواقب جدی برای مجنی‌علیه شود، آگاه باشد (کسسه، ۱۳۸۷: ۹۸). آنچه رژیم سعودی آگاهانه و عمداً در یمن انجام داده است، بسیاری از عناصر جنایت علیه انسانیت را شامل می‌شود. مطابق گزارشی که صندوق کودکان ملل متحد در ژانویه ۲۰۱۷م منتشر کرد، قبل از آغاز جنگ در مارس ۲۰۱۵م در یمن ۸۰۴ میلیون یمنی به مراقبت بهداشتی مناسب دسترسی نداشتند اما پس از حمله عربستان این آمار ۶۷ درصد رشد داشته است و به ۱۴۰۱ میلیون نفر رسید که تقریباً ۸۰۳ میلیون نفر از این تعداد، کودکان هستند. قبل از آغاز جنگ در مارس ۲۰۱۵ در یمن، ۱۳۰۴ میلیون یمنی به آب سالم دسترسی نداشتند اما پس از حمله عربستان سعودی، این آمار با ۴۴ درصد رشد به ۱۹۰۳ میلیون نفر رسید که تقریباً ۱۰۰۲ میلیون نفر آن کودکان هستند (UN news, 2017). این شرایط مصداق بارز «ریشه‌کن کردن، شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به‌منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی می‌شود»، است که در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه انسانیت آمده است.

بیش از پنج سال است که تجاوز وحشیانه به مردم یمن توسط ائتلاف سعودی و با همراهی امریکا، نه تنها زیرساخت‌های این کشور از جمله مدارس، بیمارستان‌ها، مزارع، کارخانه‌ها، شبکه‌های آبرسانی، گاز و برق، جاده‌ها و پل‌ها را ویران کرده، بلکه محاصره هوایی، زمینی و دریایی یمن، مانع امدادسانی به مردم این کشور شده است. این اقدامات «با علم» به حمله به جمعیت غیرنظامی صورت گرفته و در حال تکرار است و به این دلیل جنایت علیه انسانیت محسوب می‌شود.

به‌نوشته گاردین، عربستان سعودی با سهل‌انگاری کامل غرب مرتکب یکی از وحشتناک‌ترین جنایات‌ها علیه انسانیت شده است. مجرمان اصلی فاجعه انسانی در یمن، ولیعهد، محمد بن سلمان، وزیر جنگ و حاکم واقعی کشور است که توسط امریکا و رژیم صهیونیستی حمایت می‌شود. شکنجه یعنی وارد کردن عمدی و غیرقانونی درد و رنج شدید بدنی یا روحی بر شخصی که در بازداشت یا تحت سلطه متهم و یکی از عناصر مادی جنایت علیه انسانیت است. گزارش‌های متعددی از شکنجه یمنی‌های بازداشت شده و خشونت جنسی علیه آنها توسط عربستان سعودی و امارات منتشر شده است. ابعاد این موضوع به‌حدی است که کنگره امریکا خواهان تحقیقات شفاف درباره نقش این کشور در روند بازجویی از بازداشت‌شدگان در زندان‌های امارات و عربستان سعودی و هم‌پیمانانش در جنوب یمن شده است. ۱۸ زندان مخفی در جنوب



يمن وجود دارد که امارات و عربستان سعودى آن را اداره مى‌کنند و بازداشت‌شدگان در معرض شديدترين انواع شکنجه قرار مى‌گیرند. آسوشيتدپرس براساس مصاحبه با شاهدان گزارش داده که افسران ارتش امارات متحده عربى صدها زن زندانى يمنى در زندان بيراحمد شهر عدن را شکنجه جنسى کرده‌اند. يك مأمور امنيتى پيشين امارات متحد عربى فاش کرد از تجاوز جنسى براى وادار کردن زندانى به همکارى و جاسوسى استفاده گسترده مى‌شود. از صحنه تجاوز به زندانى فيلم گرفته مى‌شود تا پس از آزادى با آنها همکارى کند (Associated Press, 2018).

ماده ۶ اساسنامه ديوان بين‌المللى کيفرى، ايراد صدمه شديد به سلامت جسمى يا روحى اعضاى يك گروه، قرار دادن عمدى يك گروه در معرض وضعيت زندگى نامناسبى که منتهى به زوال قواى جسمى کلى يا جزئى آن بشود و ... که به قصد نابود کردن تمام يا قسمتى از يك گروه ملى، قومى، نژادى و مذهبى صورت مى‌گيرد را نسل‌زدایى مى‌داند ( Rome Art.6: Statute, 2002). يکى از مهم‌ترين نشانه‌هاى نسل‌زدایى و جنایت علیه انسانیت که در تعريف اين جرایم نیز آمده، شمار کشته‌ها و زخمی‌ها است. برای تحقق جنایت لازم نیست که کل اعضاى يك گروه کشته شوند بلکه کشته شدن بخشى از آنها که با قصد خاص نابودسازی انجام شده است، جنایت نسل‌زدایى محسوب مى‌شود. عربستان سعودى نگاه فرقه‌ای تک‌بعدى به سياست در منطقه غرب آسيا دارد و شيعيان را دشمن اوليه خود مى‌داند. به‌همین دليل عربستان با جنگ علیه يمن به کشتار مردم بی‌گناه اين کشور به‌خصوص در مناطق شيعه‌نشين اقدام کرده است که مصداق بارز نسل‌کشی است. «مرکز قانونى حقوق و توسعه» مستقر در صناعا، پایتخت يمن، در فوریه ۲۰۱۷ با ارايه گزارشى از آمار کشتار غيرنظاميان در يمن بر اثر حملات ائتلاف سعودى، اين آمارها را بيانگر ارتکاب جنایت نسل‌زدایى و جنایت علیه انسانیت خواند. ائتلاف سعودى با عِلَم به اینکه محاصره يمن به قحطى و زوال قواى جسمى جامعه يمن منتهى مى‌شود، از تحميل قحطى به مردم يمن به‌عنوان سلاح غيرمعارف استفاده مى‌کند. استمرار کشتار نظاميان و تداوم اقدامات ائتلاف سعودى برای محاصره و ايجاد قحطى در يمن نشان‌دهنده قصد رياض حصول به نتيجه خاص و به معنای تحقق عناصر مادى و معنوى جنایت نسل‌زدایى و جنایت علیه انسانیت است.

براساس ماده ۳ مشترک کنوانسيون‌هاى ژنو، نهادهای بشردوستانه بی‌طرف مى‌توانند خدمات خود را به طرفين درگیری ارائه دهند و هرگونه تأخير يا محدوديت خودسرانه برای اقدامات بشردوستانه برخلاف قواعد بين‌المللى است. ائتلاف سعودى با محاصره يمن و ارتکاب جنایت



علیه انسانیت، باعث قحطی و محروم شدن بخش اعظمی از مردم یمن از دسترسی به غذا و دارو و تحمیل رنج عظیم و صدمه شدید به سلامت روحی و جسمی آنها شده و محاصره را ابزاری برای اجرای تحریم تسلیحاتی یمن می‌داند. اما قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت در سال ۲۰۱۵ از همه طرفین درخواست می‌کند تا روند ارائه کمک‌های بشردوستانه را تسهیل کنند (ICJ, 2018:17).

## ۶. جنگ یمن و جنایت تجاوز

در جریان مذاکرات نمایندگان کشورها درباره تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، علاوه بر مسئله تعریف «جنایت تجاوز»، در خصوص نحوه اعمال صلاحیت دیوان کیفری بر این جنایت، اختلافی عمده بروز کرد. کشورهای غربی و به‌ویژه اعضای دایم شورای امنیت با طرح انحصاری بودن مسئولیت شورای امنیت، شرط اصلی اعمال صلاحیت دیوان را احراز قبلی «عمل تجاوز» توسط این شورا می‌دانستند، ولی اکثریت کشورها مخالف این امر بودند. برخی بر این باورند که در صورت امتناع یا ناتوانی شورای امنیت از احراز عمل تجاوز، دیوان کیفری می‌تواند از مجمع عمومی درخواست بررسی وقوع «عمل تجاوز» را بکند. گروهی دیگر دیوان دادگستری را برای احراز عمل تجاوز صالح می‌دانند. اما گروه سومی هم هستند که اصولاً مسئولیت سیاسی شورای امنیت را از صلاحیت قضایی دیوان کیفری متمایز دانسته و شرط ضروری استقلال دیوان کیفری را احراز وقوع «عمل تجاوز» توسط خود این دیوان می‌دانند (شایگان‌فرد، ۱۳۸۷: ۲۶۳).

به موجب بند ۱ ماده ۵ اساسنامه، رسیدگی به جرم تجاوز در صلاحیت دیوان قرار گرفته است. اعمال صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرم تجاوز، تا زمانی که جرم مزبور در کنفرانس بازنگری تعریف نشده است، معلق باقی خواهد ماند (شریعت‌باقری، ۱۳۸۸: ۶۹) در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ نخستین کنفرانس بازنگری دیوان بین‌المللی کیفری در کامپالا، قطعنامه شماره ۶ را درخصوص تعریف جنایت تجاوز، عناصر آن و شروط اعمال صلاحیت دیوان با اجماع تصویب کرد. با وجود این، اعمال صلاحیت واقعی دیوان، به تصمیم کشورهای عضو بعد از اول ژانویه ۲۰۱۷ موکول شد. به این ترتیب دیوان تنها زمانی در مورد جنایت تجاوز اعمال صلاحیت خواهد کرد که این جنایت یک سال بعد از تصویب یا پذیرش اصلاحات توسط سی کشور عضو، ارتکاب یافته باشد (بند ۲ ماده ۱۵ مکرر ۲) (آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۰: ۱۶۶). بدین ترتیب دیوان به تجاوزات بعد از ۱۷ جولای ۲۰۱۸ صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کند ولی از آنجا که جنایت تجاوز در یمن از سال ۲۰۱۵ شروع شده است، براساس اساسنامه، مشمول صلاحیت دیوان نمی‌شود.



اقدامات عربستان سعودی در یمن به رهبری محمد بن سلمان ولیعهد و وزیر جنگ عربستان سعودی، حاکی از ارتکاب جنایت تجاوز توسط عربستان سعودی در یمن است. از همان ابتدای کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان در کامپالا، یک اجماع جدید شکل گرفت که جنایت تجاوز یک جرم مطلق رهبری است. به عبارت دیگر، اشخاصی که به اتهام جنایت تجاوز تحت تعقیب قرار می‌گیرند، رهبران و مقامات سیاسی، نظامی و حتی اقتصادی هستند (کیتیچایساری، ۱۳۸۷: ۱۶۵). در جنگ یمن و عملیات توفان قاطعیت و بازگشت امید، نقش اصلی بر عهده محمد بن سلمان بوده و حملات عمدی به مراکز غیرنظامی، بیمارستان، مدارس، سیلوها، کارخانه‌ها، بازار، مجالس ختم و عروسی با دستور مستقیم بن سلمان صورت گرفته است. به‌طوری که روزنامه گاردین از محمد بن سلمان با عنوان معمار جنگ یمن یاد کرده است. نیویورک تایمز نیز با بکار بردن عنوان «شاهزاده بی‌تجربه و تشنه قدرت» برای محمد بن سلمان تأکید کرد که وی نقش اصلی را در جنگ یمن ایفا می‌کند (Merat, 2019).

اگرچه دیوان برای رسیدگی به جنایات تجاوز که بعد از ۱۷ جولای ۲۰۱۸ ارتکاب می‌یابند، صلاحیت دارد، با وجود این حتی اگر چنین محدودیتی وجود نداشت، موانع متعدد دیگری وجود دارند و احتمال تعقیب کیفری محمد بن سلمان به‌عنوان مرتکب جنایت تجاوز در دادگاه بین‌المللی کیفری کم است. زیرا براساس توافقی که در کنفرانس بازنگری کامپالا درباره شرایط اعمال صلاحیت دیوان درباره جنایت تجاوز شد، دیوان در صورت ارجاع توسط یک دولت عضو، یا شروع به تحقیقات علی‌الرأس توسط دادستان دیوان و ارجاع شورای امنیت می‌تواند اعمال صلاحیت کند.

دیوان مطابق با ماده ۱۲ می‌تواند صلاحیت خود را درباره جنایت تجاوزی اعمال کند که از عمل تجاوزکارانه ارتكابی توسط یک دولت عضو ناشی شده باشد، مگر آن که آن دولت عضو سابقاً با ارایه اعلامیه به دبیرخانه چنین صلاحیتی را نپذیرفته باشد. بنابراین در مورد ارجاع یک وضعیت تجاوزکارانه از سوی یک دولت عضو یا شروع به رسیدگی‌های علی‌الرأس به موجب ماده ۱۵، دیوان نمی‌تواند صلاحیت خود را به اتباع دولتی که عضو اساسنامه نیست یا اصلاحات مربوط به جنایت تجاوز را نپذیرفته است، اعمال کند. در این صورت اعمال صلاحیت دیوان درباره جنایت تجاوز کاملاً منوط به ارجاع شورای امنیت خواهد بود. یمن و عربستان سعودی عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند، امریکا، انگلیس و دیگر حامیان عربستان سعودی در شورای امنیت نیز مخالف بررسی و ارجاع موضوع از طریق شورای امنیت به دیوان هستند.



## ۷. راهکارهای نقش آفرینی دیوان بین المللی کیفری در جنگ علیه یمن

چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

با گذشت بیش از پنج سال از آغاز تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن، بررسی مصادیق اقدامات مستمر و نظام مند عربستان سعودی در یمن نشان می دهد که ائتلاف سعودی و در رأس آنها عربستان سعودی و امارات متحده عربی، با علم به وقوع جنایت، تعمدی و با قصد حصول به نتیجه ای خاص، در یمن مرتکب جنایات بین المللی شده اند. عناصر معنوی و مادی جنایات بین المللی عربستان سعودی در یمن به وضوح دیده می شود. جنایاتی بین المللی ارتكابی عربستان سعودی در یمن شامل جنایت جنگی، جنایت علیه انسانیت، نسل زدایی و جنایت تجاوز می شوند. چنانچه در گزارش مهم شورای حقوق بشر سازمان ملل در سوم سپتامبر ۲۰۱۹ نیز اذعان شده است که سران عربستان سعودی و فرماندهان عالی رتبه ائتلاف سعودی به دلیل ارتكاب این جنایات، مسئولیت کیفری بین المللی شخصی در این خصوص دارند. در ارتكاب این جنایات محمد بن سلمان نقش مستقیم و مؤثر داشته و اداره عملیات های نظامی را بر عهده داشته است. به طوری که سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر به ارتكاب جنایات بین المللی توسط ولیعهد سعودی در یمن اذعان کرده اند. آنها با مقصر خواندن محمد بن سلمان در جنگ یمن خواستار تحریم وی شدند. نام محمد بن سلمان در صدر فهرست بیش از ۱۶۰ نفری است که طبق گزارش ۳ سپامبر ۲۰۱۹ شورای حقوق بشر متهم به ارتكاب جنایت جنگی در یمن هستند (Human Right Council Report, 2019: 227).

سازمان دیده بان حقوق بشر در بیانیه ای اعلام کرد وقت آن رسیده که سازمان ملل تحریم هایی علیه محمد بن سلمان به عنوان مسئول تجاوزها در جنگ یمن وضع کند. این سازمان افزود: «جای بن سلمان در فهرست تحریم های شورای امنیت است نه اینکه او به عنوان شخصیت سال در مجله تایم معرفی شود. زیرا او اولین مسئول ادامه فاجعه انسانی در یمن است». دیده بان حقوق بشر خاطر نشان کرد که شورای امنیت اختیار تحمیل هرگونه تحریم علیه هر طرفی که قواعد جنگی را به طور فاحش نقض می کند، دارد و این شرط بر همه فرماندهان ائتلاف سعودی از جمله محمد بن سلمان، قابل اجرا است. از منظر حقوق بین الملل کیفری، محمد بن سلمان به دلیل به قحطی کشاندن تعمدی مردم یمن باید در دادگاه بین المللی محاکمه شود، چراکه قراین جدی برای ارتكاب این جنایت از سوی وی وجود دارد (Waal, 2018).

در صورت دسترسی به متهمین، محاکم یمنی در چارچوب اعمال صلاحیت سرزمینی و قانونی خود می توانند به محاکمه کیفری متهمین اقدام کنند. از بُعد صلاحیت جهانی نیز، به



موجب قوانین يمن، محاکم ملی این کشور صلاحیت جهانی رسیدگی به جنايات بين‌المللى که توسط اتباع ديگر دولت‌ها ارتکاب یافته باشند را ندارند (وارد حقوق داخلی نکرده‌اند). در عین حال حتی با فرض چنین صلاحیتی، محاکم يمن به مرتکبین جنايات بين‌المللى در این کشور-که عمدتاً تابعیت سعودی دارند- دسترسی ندارند. در محاکم ملی عربستان سعودی هیچ پرونده‌ای راجع به جنايات سران این کشور در يمن وجود ندارد. چرا که همه محاکم زیر نظر پادشاه اداره می‌شوند و در نتیجه امکانی برای بررسی جنايات محمد بن سلمان در محاکم ملی عربستان سعودی وجود ندارد و درواقع محاکم عربستان سعودی نه مایل و نه قادر به محاکمه هستند.

چنانچه در پاراگراف ۵۸ گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در ۳ سپتامبر ۲۰۱۹ راجع به وضعیت حقوق بشر در يمن آمده است «فرماندهان و سایر مقامات مرتکب جنايات جنگی می‌توانند در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل کیفری توسط دادگاه‌های سایر کشورها در چارچوب صلاحیت جهانی محاکمه شوند» (Human Right Council Report, 2019: Para 58). با این وجود، دادگاه صلاحیت‌دار ملی در کشور دیگری هم که در چارچوب اصل صلاحیت جهانی، صلاحیت رسیدگی به جنايات بين‌المللى ارتكابی در يمن را داشته باشد، عملاً وجود ندارد، زیرا به‌دلیل مشکلات دیپلماتیک ناشی از اعمال صلاحیت جهانی و مصونیت سران و مقامات، کشورها تمایلی به این اقدام ندارند. به‌عنوان نمونه پیش از این «قانون مربوط به نقض عمده حقوق بین‌الملل بشردوستانه» بلژیک (قانون اصلاحی در ۱۰ فوریه ۱۹۹۹) در قالب اصل صلاحیت جهانی، امکان شکایت قربانیان به محاکم ملی بلژیک به‌دلیل ارتکاب جنايات علیه انسانیت، جنايت نسل‌زدایی و تخلفات فاحش از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن را می‌داد، بدون اینکه کوچکترین علقه‌ای بین جرم یا مجرم یا مجنی‌علیه با دولت بلژیک باشد. براساس این قانون مصونیت مقامات رسمی دولت‌ها در محاکم بلژیک به رسمیت شناخته نمی‌شد (حسیبی، ۱۳۸۳: ۲۶).

اما به‌دنبال مشکلات ایجاد شده پس از شکایت کنگو علیه بلژیک در پرونده یروڈیا (حکم بازداشت وزیرامور خارجه کنگو) و رای ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری علیه بلژیک، بروکسل با اصلاحاتی، چنین صلاحیتی را از دادگاه‌های ملی خود سلب کرد. به موجب قانون اصلاحی ۱۹۹۹م بلژیک، مصونیت ناشی از سمت رسمی مرتکب، مانعی برای اعمال صلاحیت دادگاه‌های بلژیک نبود. به‌همین دلیل شکایت‌هایی علیه برخی سران دولت‌ها به‌دلیل شرکت و آمریت آنها در جرایم شدید بین‌المللی طرح شد. از جمله: «شکایت‌هایی علیه آریل شارون



نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق، لوران گباگو<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور سابق ساحل عاج، کالین پاول رئیس ستاد ارتش آمریکا در جریان جنگ اول عراق در سال ۱۹۹۱م و روسای جمهور سابق یا فعلی چند کشور دیگر». اما بسیاری از این پرونده‌ها به سرانجام نرسیده و با مشکلات سیاسی که برای بلژیک ایجاد شد، درنهایت در سال ۲۰۰۳م، با اصلاح قانون فوق، تمام امتیازات قانون مذکور لغو گردید و امکان اینگونه شکایات نیز از بین رفت. در اکتبر ۲۰۰۹ اجرای اصل صلاحیت جهانی در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت و اظهار نظر نمایندگان دولت‌ها نشان داد در خصوص ضرورت وجودی این اصل برای اجرای عدالت کیفری اتفاق نظر دارند اما محتوا، قلمرو و تعریف آن مبهم است (خالقی و جاویدزاده، ۱۳۹۰: ۲۱۴).

با توجه به اینکه عناصر مادی و معنوی ارتکاب جنایات بین‌المللی به‌ویژه جنایت جنگی و جنایت علیه انسانیت توسط سران عربستان سعودی در یمن قابل احراز است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند به محاکمه سران عربستان سعودی و در رأس آن محمد بن سلمان اقدام کند؟ براساس ماده ۲۷ اساسنامه دیوان، سمت‌های رسمی افراد و به‌طور مشخص، سمت رسمی رئیس دولت، عضو دولت، عضو مجلس و نماینده دولت رافع مسئولیت کیفری نیست.

با نگاهی به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری می‌توان سه اصل را در آن ملاحظه کرد. اول اینکه برخلاف محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا، صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری، تکمیلی است که این مسئله در مقدمه و مواد ۱، ۱۷ و ۱۹ اساسنامه تصریح شده است؛ اصل دوم در اساسنامه آن است که دیوان بین‌المللی فقط به جرایم بین‌المللی می‌پردازد و در سایر موارد باید به نظام داخلی کشورها برای تعقیب و مجازات مجرمان تکیه کرد که در این خصوص، سنگینی جرایم مشمول صلاحیت دیوان موجب شده طبق ماده ۲۹ اساسنامه، مرور زمان مشمول آنها نباشد؛ سومین اصل زیربنایی اساسنامه، در راستای قابل پذیرش‌تر کردن اساسنامه برای تعداد بیشتری از کشورها است که سعی شده مفاد آن از حقوق بین‌الملل عرفی عدول نکند و عنداللزوم سازشی بین نظام‌های حقوقی مختلف ایجاد کند. بدین ترتیب قسمت‌های قابل توجهی از مواد مربوط به تعریف جرایم مشمول صلاحیت دیوان مبتنی بر حقوق بین‌الملل می‌باشند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۷۳).



واقعیت این است که بسیاری از اقدامات سران و فرماندهان عالی‌رتبه عربستان سعودی در جنگ یمن، از مصادیق جرایم بین‌المللی داخل در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری است که در سطور پیشین به عناصر مادی و معنوی آنها اشاره شد. براساس ماده ۱ اساسنامه، دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری محاکم ملی است و باید در گام نخست، محاکم ملی دولت‌های مذکور به جرایم رسیدگی نمایند. اما ائتلاف سعودی همواره منکر جرایم خود در یمن شده است و تمایلی به بررسی و رسیدگی به این موضوع نخواهد داشت. لذا این موضوع باید در دیوان به‌عنوان یک مرجع حقوقی بین‌المللی مستقل، طرح دعوا شود. اما برای طرح پرونده جنايات عربستان سعودی و دولت‌های عضو ائتلاف سعودی در دیوان بین‌المللی کیفری، باید شرایط آن فراهم شود.

براساس ماده ۱۳ اساسنامه، دیوان بین‌المللی کیفری، در صورتی صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کند که دولت کشور محل ارتکاب یا دولت متبوع مجرمان، اساسنامه دیوان را پذیرفته باشند که در اینجا نه دولت یمن و نه عربستان سعودی، اساسنامه را نپذیرفته‌اند. حتی یمن به‌همراه چین، عراق، رژیم صهیونیستی، لیبی، قطر و آمریکا در کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸ به اساسنامه دیوان رأی مخالف داد (شریعت‌باقری، ۱۳۸۱: ۴۸). با توجه به عدم عضویت یمن و عربستان سعودی، طبق اساسنامه این دادگاه، دولت‌ها می‌توانند صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را به‌طور موردی درباره جنایاتی که در قلمرو آن یا توسط اتباع آن ارتکاب یافته است، بپذیرند. بنابراین در این مورد دولت یمن می‌تواند چنین درخواستی از دیوان بین‌المللی کیفری را با سپردن اعلامیه‌ای نزد دبیرخانه دیوان داشته باشد. چنانکه در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵م، دولت فلسطین در رابطه با وقایع غزه، به صورت موردی، از دادستان دیوان بین‌المللی کیفری چنین درخواستی کرده بود.

براساس ماده ۱۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اگر دولتی پس از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه عضو آن شود، دیوان فقط درباره جنایاتی اعمال صلاحیت می‌کند که پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه در مورد آن دولت ارتکاب یافته باشد، مگر آن که آن دولت اعلامیه‌ای به موجب بند ۳ ماده ۱۲ مبنی بر پذیرش اعمال صلاحیت دیوان داده باشد. دولت یمن می‌تواند صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را با ارسال یک اعلامیه رسمی در مورد رسیدگی به جرایم مذکور، به دفتر دیوان بپذیرد که این راه‌حل با توجه به تزلزل، بی‌ثباتی داخلی و اختلاف نظرهای مربوط به دولت قانونی در یمن، در حال حاضر امکان‌پذیر نیست بلکه می‌تواند به‌عنوان یک پیشنهاد برای آینده و در زمان استقرار و ثبات دولت یمن اتخاذ شود.



در صورتی که یمن یا عربستان سعودی عضو دیوان بین‌المللی کیفری بودند حتی در صورتی که به دیوان مراجعه نمی‌کردند، براساس ماده ۱۵ اساسنامه، دادستان می‌توانست خود راساً براساس اطلاعاتی که در مورد جنایات مشمول صلاحیت دیوان به دست می‌آورد، تحقیقات را آغاز نماید. البته این دیدگاه حقوقی در حال توسعه است که با توجه به گسترش ارتکاب جنایات بین‌المللی در جهان، لازم است فارغ از شرط عضویت کشور بزه‌کار یا زیان دیده، دادستان دیوان بین‌المللی کیفری راساً وارد عمل شده، و با اخذ موافقت قضات درباره صلاحیت دیوان در خصوص آن موضوع، زمینه تحقیقات مستقل دیوان را فراهم سازد. به‌ویژه زمانی که افراد حقیقی یا نهادهای غیردولتی شکایتی را به آن تسلیم کنند، که البته پیشرفت کار در این زمینه کاملاً به همکاری کشور محل جنایت بستگی خواهد داشت. با توجه به استمرار جنایات بین‌المللی در یمن، نظر می‌رسد این مطالبه در افکار عمومی جهانی برای نقش‌آفرینی دادستان دیوان در این بحران وجود دارد.

گذشته از این راهکار، در حال حاضر اگرچه عربستان سعودی و یمن عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند، اما نظامیان یا اتباع تعدادی از کشورها مانند چاد، سنگال، نیجر، بنگلادش، تونس و مالی به‌عنوان مزدور در ائتلاف سعودی و اماراتی در یمن حضور دارند و در جنایات ارتكابی نقش داشته‌اند. عربستان سعودی در سال‌های گذشته صدها مزدور از سنگال، سودان، شرکت امنیتی امریکایی بلک واتر و برخی از کشورهای امریکایی لاتین استخدام کرده است. در اوایل سال ۲۰۱۸ میلادی، در سفر هیئتی از امارات به نیجر درباره به‌کارگیری ۱۰ هزار نفر از اعضای یک قبیله عربی که بین لیبی، چاد و نیجر در تردد هستند، به‌عنوان سرباز مزدور (برای جنگ یمن) توافق شد. از آنجا که چاد، سنگال و نیجر عضو دیوان بین‌المللی کیفری هستند (The States Parties to the Rome Statute, 2018)، دادستان دیوان می‌توانست (می‌تواند) راساً تحقیقاتی درباره جنایات این اشخاص در یمن آغاز کند. از دید منتقدان، دیوان تحت تأثیر رویکرد سیاسی شورای امنیت درباره یمن، تمایلی به این موضوع ندارد. ضمن اینکه ۴۱ پرونده‌ای که تاکنون در دیوان مطرح شده‌اند به کشورهای آفریقایی مربوط است که این امر، به‌خوبی تأثیر رویکرد سیاسی بر فعالیت دادستان دیوان را نیز نشان می‌دهد. این در شرایطی است که تحرکات دادستان دیوان در سال ۲۰۱۹ برای بررسی کیفری جنایات جنگی ارتكابی امریکا در افغانستان و جنایات جنگی رژیم اسرائیل در فلسطین، می‌تواند حاکی از تغییر در رویکرد دیوان در توجه به ارتكاب جنایات بین‌المللی توسط قدرت‌های بزرگ باشد.



راهکار دیگر برای تعقیب کیفری جنايات بين‌المللى سران و فرماندهان عالی‌رتبه سعودی در يمن آن است که موضوع از طریق شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شود. براساس ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بين‌المللى کیفری، دیوان صلاحیت رسیدگی دارد «در صورتی که شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید. دیوان بين‌المللى کیفری موظف است صرف‌نظر از عضویت دولت بزه‌کار یا بزه‌دیده، وضعیتی را که شورای امنیت سازمان ملل به موجب فصل هفتم منشور، موارد نقض صلح تشخیص می‌دهد و به دیوان بين‌المللى کیفری ارجاع می‌دهد، رسیدگی کند» (Rome Statute, 2002: art.13).

بدیهی است که تجاوز نظامی سعودی به يمن و وضعیت موجود در این کشور، نقض صلح محسوب می‌شود. لذا در صورت ارجاع شورای امنیت، دیوان می‌تواند به جنايات بين‌المللى ارتكابی ائتلاف سعودی در جنگ يمن رسیدگی نماید؛ به‌ویژه اینکه در این وضعیت، برای احراز صلاحیت دیوان لازم نیست که عربستان سعودی یا يمن عضو دیوان باشند و دیوان می‌تواند بدون رضایت عربستان سعودی، به بررسی موضوع بپردازد. اما با توجه به حمایت اغلب اعضای شورای امنیت به‌ویژه امریکا و انگلیس از رژیم سعودی، احتمال تحقق این موضوع بسیار کم است و به احتمال زیاد، با وتوی دولت امریکا مواجه خواهد شد و در نتیجه موضوع به دیوان ارجاع نخواهد شد.

میزان حمایت برخی از اعضای شورای امنیت از عربستان سعودی در جنگ يمن به‌حدی است که حتی «با فرض» طرح جنايات سران عربستان سعودی در دیوان بين‌المللى کیفری، احتمال اینکه شورای امنیت براساس ماده ۱۶ به نفع ریاض برای تعلیق پرونده مداخله کند، وجود دارد. براساس ماده ۱۶ اساسنامه دیوان بين‌المللى کیفری چنانچه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در اجرای فصل ۷ منشور ملل متحد صادر شود و از دیوان درخواست شود تا تحقیق یا تعقیبی را معلق نماید، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساسنامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد.

در صورتی که موضوع از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع یابد، صلاحیت جهانی به‌جای صلاحیت بين‌المللى مطرح می‌شود و کشورها هم می‌توانند با استناد به اصل صلاحیت جهانی، به محاکمه کیفری مرتکبین بپردازند.

کشورهای عضو سازمان ملل متحد می‌توانند براساس اصل صلاحیت جهانی یا صلاحیت همگانی، جرایم مهم بین‌المللی که جرایم جنگی و جرایم علیه انسانیت نیز جزء آن هستند را مورد پیگرد جزایی و حقوقی قرار دهند. لذا کلیه کشورهای مذکور می‌توانند خواهان پیگیری جرایم جنگی ائتلاف سعودی از سوی مراجع حقوقی بین‌المللی یا توسط محاکم داخلی خود باشند. اما، مصونیت کیفری سران، نزد محاکم داخلی، جلوه‌ای دیگر از اصل کلی مصونیت سران و واجد ویژگی مطلق است که به موجب آن عدم محاکمه مرتکبین اقدامات مجرمانه تجویز شده و هر دو نوع مصونیت شغلی و شخصی را در برمی‌گیرد (Cassese, 2003:14). به‌همین دلیل نیز اغلب کشورها صلاحیت جهانی را وارد حقوق داخلی خود نکرده‌اند.

ماده ۲۷ اساسنامه رم بر عدم مصونیت مقامات دولتی به‌دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی در دادگاه کیفری بین‌المللی تأکید کرده است. اما مصونیت کیفری سران دولت‌ها از محاکمه در دادگاه‌های ملی به‌عنوان یک قاعده عرفی شناخته می‌شود. از نظر اغلب کشورها شناسایی این حق که سران کشورها می‌توانند به‌دلیل ارتکاب جنایات ملی در دادگاه‌های ملی دیگر کشورها محاکمه شوند می‌تواند موجب هرج و مرج بین‌المللی شود. اگرچه بررسی مصونیت دولت‌ها و اموال آنها با تصویب کنوانسیون سال ۲۰۰۴ پایان یافته است، اما موضوع مصونیت سران دولت‌ها از صلاحیت قضایی محاکم ملی از سال ۲۰۰۷ در کمیسیون حقوق بین‌الملل در حال بررسی است. از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵، اسکوهر هرناندز<sup>۱</sup> گزارشگر ویژه چهار گزارش را به کمیسیون مذکور ارائه کرد. در این گزارش‌ها ضمن تفکیک میان مصونیت دولت و مصونیت مقامات دولتی تأکید شده است که ماده ۲۷ اساسنامه رم مبنی بر عدم مصونیت مقامات دولتی به‌دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی در دادگاه بین‌المللی کیفری نمی‌تواند به‌عنوان استثنایی بر مصونیت دولت‌ها قلمداد شود. چرا که قاعده عرفی بین‌المللی که نشان دهد دولت در زمینه نقض قواعد آمره، مصونیت خود را از دست می‌دهد، وجود ندارد. برخی از اعضاء از این دیدگاه که در نسل‌زدایی، جنایت علیه انسانیت، جنایات جنگی، شکنجه و ناپدید شدن اجباری، مصونیت دولت‌ها نباید رعایت شود، حمایت کرده‌اند. اما اغلب اعضاء همچنان اعمال نیروهای نظامی را که بخشی از دولت است، دارای مصونیت می‌دانند (Report of the International Law Commission, 2016).

بدین ترتیب در مجموع، این اجماع وجود دارد که دولت‌ها حتی در صورت ارتکاب جنایات بین‌المللی مصونیت کیفری دارند اگرچه سران آنها را می‌توان در دادگاه بین‌المللی کیفری

1. Escobar Hernández



براساس اصل حقوقى «مسئوليت كيفرى بين المللى شخصى (حقيقى)» محاكمه كرد. همچنين در اين خصوص اجماع وجود دارد كه سران دولت ها را نمى توان به دليل ارتكاب جنايات بين المللى در محاكم مى ديگر كشورها محاكمه كرد. درواقع مصونيت سران دولت ها از صلاحيت محاكم داخلى ديگر كشورها هنوز به عنوان يك قاعده حقوق بين الملل رخ نموده و هرگونه اقدام برخلاف آن نقض مقررات بين المللى محسوب شده و موجبات مسئوليت بين المللى آن دولت را فراهم مى آورد.

## ۸. نتيجه گيرى

سران و فرماندهان نظامى عربستان سعودى با محوريت محمد بن سلمان وزير دفاع اين كشور در تجاوز نظامى خود به يمن كه از ۲۵ مارس ۲۰۱۵ ميلادى (۶ فروردين ۱۳۹۴) آغاز شده و تاكنون (ژانويه ۲۰۲۰) ادامه دارد، علاوه بر دستور (آمريت) استفاده از سلاح هاى غير مجاز مانند بمب هاى خوشه اى، فسفرى، ميكروبي و ترموباريك (گرما فشارى)، به بمباران مناطق غير نظامى، مراكز مذهبي، تاريخى، آموزشى، بيمارستان ها، مدارس، مساجد، بازارها و تأسيسات غير نظامى ح اوى نيروى خطرناك (مانند سدها) دست زده اند.

براساس آمارهاى نهادهاى وابسته به سازمان ملل در جريان اين تجاوز نظامى ده ها هزار يمنى غير نظامى كشته يا زخمى شده اند. حملات نظام مند و عامدانه رژيم سعودى با قصد حصول به نتيجه اى خاص به مراكز بيمارستانى يمن و اماكن درمانى سازمان پزشكان بدون مرز، موجب شيوع وبا و تيفوس و ديگر بيمارى هاى واگيردار در سراسر يمن شده است. محاصره زمينى، هوايى و دريائى يمن و محاصره يا اشغال بنادر آن از جمله بنادر «الحديده»، «المخا» و «مكلى» توسط عربستان سعودى موجب كمبود مواد غذايى، دارو و ايجاد قحطى در يمن شده است. بدین ترتيب قواعد كنوانسيون هاى چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و قواعد لاهه (كنوانسيون هاى ۱۸۹۹ م و ۱۹۰۷ م) توسط سران رياض در يمن به صورت فاحش و جدی نقض شده اند.

بررسى مصاديق جناياتى كه با آمریت سران و فرماندهان سعودی در يمن به وقوع پيوسته، نشان دهنده ارتكاب جرايم بين المللى شامل جنايت جنگى، جنايت عليه انسانيت و نسل زدایی در اين كشور است. عناصر مادى و معنوى تشكيل دهنده اين جنايات سران و فرماندهان ائتلاف سعودى در يمن به قدرى آشكار است كه نوعى اجماع دراحراز ارتكاب آنها وجود دارد، به طورى كه شوراى حقوق بشر سازمان ملل در گزارش مهم خود در ۳ سپتامبر ۲۰۱۹ با عنوان وضعيت حقوق بشر در يمن با اشاره به نتايج بررسى هاى هيات كارشناسى سازمان ملل، به اين موضوع اذعان



کرده است. از آنجا که جنایت نسل‌زدایی و جنایت علیه انسانیت اگر در زمان جنگ صورت بگیرند می‌توانند تحت عنوان جنایت جنگی بررسی شوند، این دو جنایت در یمن نیز تحت عنوان جنایت جنگی قابل بررسی هستند.

جنگ یمن و حملات عمدی به غیرنظامیان و اموال و مراکز غیرنظامی با دستور سلمان پادشاه و هدایت محمد بن سلمان ولیعهد و وزیر جنگ سعودی صورت گرفته است. بنابراین سران عربستان سعودی تعمدانه، آگاهانه و با قصد و هدف حصول به نتیجه خاص، با نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه، و براساس ماده ۸ اساسنامه رم مرتکب جنایت جنگی در یمن شده‌اند و در چارچوب نظریه «مسئولیت کیفری بین‌المللی شخصی (حقیقی)» که به یک قاعده عرفی تبدیل شده است، مسئولیت کیفری فردی دارند. اما از آنجا که نه عربستان سعودی و نه یمن عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند، دیوان صلاحیت رسیدگی به این جنایات را تنها در صورتی می‌تواند داشته باشد که موضوع در قالب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شود که به دلیل حمایت برخی از اعضای شورای امنیت از ریاض بعید به نظر می‌رسد.

همچنین طبق ماده ۱۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، دولت‌ها می‌توانند با سپردن اعلامیه‌ای نزد رئیس دبیرخانه، به‌طور موردی صلاحیت دیوان را درباره جنایاتی که در قلمرو آن یا توسط اتباع آن ارتکاب یافته است، بپذیرند. طبیعتاً عربستان سعودی با علم به ارتکاب جنایات جنگی مایل به عضویت در دیوان نیست و دولت یمن نیز به دلیل آشفتگی‌ها و بی‌ثباتی‌های داخلی تاکنون چنین درخواستی از دیوان نکرده است. به‌رغم عدم عضویت یمن و عربستان سعودی در دیوان بین‌المللی کیفری، اتباع برخی از کشورهای عضو دیوان نظیر چاد، نیجر و سنگال در ائتلاف سعودی در یمن حضور و در جنایات ارتكابی نقش دارند. در نتیجه دادستان دیوان با اراده مستقل و رویکرد حقوقی، می‌تواند رأساً تحقیقاتی در این خصوص آغاز نماید که چنین موضوعی تاکنون تحقق نیافته است.

البته این دکترین حقوقی در حال تکامل است که با توجه به تشدید جنایات بین‌المللی در اقصی نقاط جهان و تضعیف عدالت کیفری و مطالبه افکار عمومی جهان، فارغ از شرط عضویت کشور بزه‌کار یا زیان‌دیده، دادستان دیوان بین‌المللی کیفری بدون در نظر گرفتن شرط عضویت دولت زیان‌دیده و بزه‌کار، با استعلام صلاحیت دیوان از قضات و در قالب ماده ۱۵ اساسنامه بتواند رأساً زمینه تحقیقات مستقل دیوان در خصوص تعقیب کیفری مرتکبین جنایات بین‌المللی در

بحران‌هايى نظير يمن را براساس اصل حقوقى لازم الاجراى «مسئوليت كيفرى بين‌المللى شخصى (حقيقى)» فراهم سازد.

سران عربستان سعودى همچنين آگاهانه با نقض منشور سازمان ملل و با طراحى، آغاز و اجراى تجاوز نظامى عليه يمن، مرتكب جنايت تجاوز براساس ماده ۵ اساسنامه رم شدند. اما علاوه بر موانع گفته شده براى رسيدگى ديوان به اين جنايت، از آنجا كه ديوان به تجاوزات بعد از ۱۷ جولاي ۲۰۱۸ صلاحيت رسيدگى دارد، صلاحيت بررسى جنايت تجاوز نظامى سران عربستان سعودى به يمن را نيز ندارد، اما اين موضوع تأثيرى بر پيگيرى جنايت تجاوز جنگى عربستان سعودى از طريق ديگر راهكارهاى حقوقى ندارد.

براساس ماده ۳۹ منشور، شوراي امنيت وجود هرگونه تهديد عليه صلح، نقض صلح، يا عمل تجاوز را احراز و توصيه‌هايى خواهد نمود يا تصميم خواهد گرفت كه براى حفظ يا اعاده صلح و امنيت بين‌المللى به چه اقداماتى بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ بايد مبادرت شود. تجاوز نظامى سعودى به يمن و وضعيت موجود در اين کشور، نقض صلح محسوب مى‌شود. پس شوراي امنيت مى‌تواند در اين خصوص به‌ويژه با استفاده از سازوکارهاى اساسنامه رم نقش‌آفرينى کند. چرا كه براساس ماده ۱۳ اساسنامه ديوان بين‌المللى كيفرى، ديوان صلاحيت رسيدگى دارد «در صورتى كه شوراي امنيت وضعيتى را كه در آن يك يا چند جنايت به نظر مى‌رسد ارتكاب يافته است، به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نمايد. در چنين وضعيتى حتى شرط عضويت دولت بزه‌كار يا بزه‌ديده در ديوان وجود ندارد». بنابراين در خصوص بحران يمن، در صورت ارجاع وضعيت (جنايات بين‌المللى سران سعودى در يمن) از سوى شوراي امنيت - نظير ارجاع پرونده عمر البشير رئيس‌جمهور سابق سودان و پرونده معمر قذافى ديكتاتور سابق لیبى - ديوان مى‌تواند بدون رضايت رياض، به بررسى موضوع بپردازد. اما با توجه به غلبه رويکرد سياسى بر رويکرد حقوقى در شوراي امنيت، چنين موضوعى در آينده نزديك بعيد به‌نظر مى‌رسد.





## ۹. پیشنهاد های رسانه ای

پیشنهاد می شود رسانه های برون مرزی به ویژه شبکه های پرستی وی در قالب مستندی و با استفاده از حقوقدانان داخلی و بین المللی، مقامات ذیربط نهادهای بین المللی و منطقه ای، جنایات بین المللی ارتكابی ائتلاف سعودی در یمن را بررسی کنند. در این خصوص اهمیت دارد از گزارش ۳ سپتامبر ۲۰۱۹ شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در یمن بهره برداری شود. پیشنهاد می شود در قالب اینفوگرافی ویژه سایت های اینترنتی، ضمن ارایه آمار قربانیان غیرنظامی جنگ یمن از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹م، به صورت تیتروار، مواضع سازمان ملل، سازمان های بین المللی غیردولتی و حقوقدانان برجسته مبنی بر وقوع جنایت جنگی در یمن ذکر شود.

در قالب مصاحبه هایی مطالبه افکار عمومی از شورای امنیت برای ارجاع وضعیت یمن به دیوان بین المللی کیفری و علل خودداری این شورا از انجام چنین درخواستی تبیین گردد. برای این منظور مصاحبه با حقوقدانان عضو کمیته بین المللی حقوقدانان (ICJ) توصیه می شود.

دادستان دیوان بین المللی کیفری به دلیل حضور اتباع برخی از کشورهای عضو اساسنامه دیوان نظیر چاد، سنگال و نیجر در جنگ یمن و نقش آنها در ارتكاب جنایات بین المللی، می تواند راساً تحقیقاتی در این خصوص آغاز نماید. اهمیت دارد بر این محور در برنامه خبری و تولیدی تأکید شود. در قالب برنامه های کارشناس محور، ابعاد مصادیق ارتكاب جنایات بین المللی شامل جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل زدایی و جنایت جنگی توسط ائتلاف سعودی در یمن و لزوم تعقیب کیفری سران سعودی در چارچوب اصل حقوقی «مسئولیت کیفری بین المللی شخصی (حقیقی)» تبیین شود.

پیشنهاد می شود شبکه العالم در مستندی جنایت ائتلاف سعودی در مرداد ۱۳۹۷ (اوت ۲۰۱۸) در حمله به اتوبوس دانش آموزان یمنی در شهر «ضحیان» در استان صعده که منجر به کشته شدن ۵۱ نفر گردید را از منظر جنایت جنگی بازنمایی کند.

با توجه به احراز کاربرد تسلیحات اعطایی امریکا، فرانسه و انگلستان به عربستان سعودی از جمله بمب های خوشه ای و فسفری در حملات علیه غیرنظامیان در یمن، مسئولیت کشورهای مذکور از منظر حقوق بین الملل کیفری (مسئولیت مشارکت و معاونت در جنایت) از زبان حقوقدانان و در مصاحبه با نمایندگان مجالس کشورهای مذکور بررسی شود.



## منابع و مأخذ

- آقايى جنت‌مکان، حسين (۱۳۹۰)، «تعريف، عناصر و شروط اعمال صلاحيت ديوان بين‌المللى كيفرى نسبت به جنايت تجاوز با نگاهی به موافقتنامه كامپالا»، **مجله حقوقى بين‌المللى**، دوره ۲۸، شماره ۴۴ (بهار و تابستان)، صص ۱۸۴-۱۶۳.
- آقائى جنت‌مکان، حسين (۱۳۸۶)، **محاکمه قدرت (مسئوليت كيفرى مقامات مافوق و زيردستان آنان در حقوق كيفرى بين‌المللى)**، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- بيگ‌زاده، ابراهيم (۱۳۷۷)، «بررسى جنايت نسل‌كشى و جنايات برضد انسانيت در اساسنامه ديوان كيفرى بين‌المللى»، **مجله تحقيقات حقوقى**، شماره ۲۱، صص ۱۰۴-۶۹.
- حسيبى، به‌آذين (۱۳۸۳)، «مسئوليت كيفرى مقامات عاليرتبه دولتها در حقوق بين‌الملل»، **مجله كانون وكلا**.
- خالقى، على و حميدرضا جاويدزاده (۱۳۹۰)، «رويکرد قضايى سازمان ملل متحد در مبارزه با نسل‌كشى»، **فصلنامه حقوق**، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار، صص ۲۲۴-۲۰۳.
- رحمانيان، حامد و حيدر پيرى (۱۳۹۲)، «بررسى كيفرشناختى جنايات بين‌المللى»، **مجله مطالعات حقوقى دانشگاه شيراز**، دوره پنجم، شماره ۲، پاييز، صص ۵۸-۲۵.
- زمانى، سيدقاسم (۱۳۹۵)، «واگرابى و همگرابى «مسئوليت كيفرى فردى» و «مسئوليت بين‌المللى دولت» تأملی در اوراق پرونده جنگ شيميايى عراق عليه ايران»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومى**، سال ۱۸، شماره ۵۱، صص ۲۹-۹.
- سيدزاده ثاني، سيدمهدى و زهرا فرهنگى‌الاشتى (۱۳۹۳)، «جنايات جنگى در منازعه‌هاى داخلى و بين‌المللى: مباني و مصاديق تمايز»، **پژوهشنامه ايرانى سياست بين‌الملل**، سال سوم، شماره ۱، پاييز و زمستان، صص ۷۱-۴۴.
- شايدگان فرد، مجيد (۱۳۸۷)، «ديوان بين‌المللى كيفرى و صلاحيت رسيدگى به جنايت تجاوز»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصى**، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان، صص ۲۷۹-۲۵۵.
- شريعت‌باقرى، محمدجواد (۱۳۸۸)، **حقوق بين‌الملل كيفرى**، تهران: نشر جنگل.
- شريعت‌باقرى، محمدجواد (۱۳۸۱)، «صلاحيت ديوان كيفرى بين‌المللى: اختلاف نظرها در مورد پيش‌شرطهاى اعمال صلاحيت ديوان»، **فصلنامه ديدگاه‌هاى حقوقى**، دانشكده علوم قضايى و خدمات ادارى، شماره ۲۶، صص ۵۷-۲۵.
- كيتيچايسارى، كريانگاساك (۱۳۸۷)، **حقوق كيفرى بين‌المللى**، (ترجمه حسين آقايى جنت‌مکان)، چاپ سوم، تهران: نشر جنگل.
- كسسه، آنتونيو (۱۳۸۷)، **حقوق كيفرى بين‌المللى**، (ترجمه زهرا موسوى، اردشير اميرارجمند، حسين پيران)، تهران: نشر جنگل.
- ميرمحمد صادقى، حسين (۱۳۸۸)، **دادگاه كيفرى بين‌المللى**، تهران: نشر دادگستر، چاپ چهارم.

Human Right Council Report (2019), "A/HRC/42/CRP.1, Situation of human Rights in Yemen, including violations and abuses since September 2014", Human Rights Council Forty-second session, Available at: [https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/GEE-Yemen/A\\_HRC\\_42\\_CRP\\_1.PDF](https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/GEE-Yemen/A_HRC_42_CRP_1.PDF)



- Ahtribune (2017), "Yemen's Ex-President Blames Saudi Arabia for Cholera Outbreak in Yemen by Using Banned Weapons", Available at:  
<https://ahtribune.com/world/north-africa-south-west-asia/war-on-yemen/1772-saudi-yemen-cholera.html>
- Associated Press (2018), "Yemeni Prisoners Say Emirati Officers Sexually Torture Them", Available at :  
<https://apnews.com/37485a888de646918dfd4e7b8de3df73/Yemeni-prisoners-say-Emirati-officers-sexually-torture-them>
- Brownlie, Ian (1998), Principles of Public International Law, Fifth edition, New York: Oxford University Press.
- Cassese, Antonio (2002), The rome statute of the international criminal court: a commentary, Volume I, Oxford university press, first published.
- CASSESE, Antonio (2003), International Criminal Law, Second Edition, Oxford, New York: Oxford University Press.
- Aust, Anthony-Charter of the United Nations(1945), Available at:  
<http://www.un.org/en/charter-united-nations/index.html>
- Doctors without borders (2018), "Yemen: Airstrike hits MSF cholera treatment center in Abs ",Available at : <https://www.doctorswithoutborders.org/what-we-do/news-stories/story/yemen-airstrike-hits-msf-cholera-treatment-center-abs>
- Dormann, k & Doswald-Beck, L & Kolb, R (2003), Element of war crimes under the Rome statute of the international criminal cour: sources and commentary, Cambridge university press, first published.
- freitag (2017), "Yemen being pushed ever closer to famine: 1,000 days of war and a crippling blockade is starving its people", Available at :  
<https://www.freitag.de/autoren/dklose/jemenkrieg-mosaik-369-yemen-war-mosaic-369>
- Human Rights Watch (2018), "Failure to Credibly Investigate and Provide Redress for Unlawful Attacks in Yemen", Available at :  
<https://www.hrw.org/report/2018/08/24/hiding-behind-coalition/failure-credibly-investigate-and-provide-redress-unlawful>
- Human Rights Watch (2015), "Yemen: Saudi-Led Airstrikes Used Cluster Munition.
- ICJ (2018), "Bearing the Brunt of War in Yemen: International Law Violations and their Impact on the Civilian Population, International Commission of Jurists (ICJ), Geneva.
- ICRC (2018), Health crisis in Yemen, Available at : <https://www.icrc.org/en/where-we-work/middle-east/yemen/health-crisis-yemen>
- Fisk, Robert (2016), Saudi Arabia 'deliberately targeting impoverished Yemen's farms and agricultural industry' Available at :  
<https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/saudi-arabia-s->



bombing-of-yemeni-farmland-is-a-disgraceful-breach-of-the-geneva-conventions-a7376576.html

Iuvmpr (2018), Saudi Arabia kills children and women in Yemen, while the world is silent about these crimes, Available at: <https://iuvmpr.com/32219>.

ICTY (2001), "Krstić (IT-98-33)", The International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), Available at : <https://www.icty.org/en/case/krstic>

International Law Commission (2016), "Report of the International Law Commission, Sixty-eighth session", available at: [http://legal.un.org/docs/?path=../ilc/reports/2016/english/a\\_71\\_10.pdf&lang=EFSRAC](http://legal.un.org/docs/?path=../ilc/reports/2016/english/a_71_10.pdf&lang=EFSRAC)

Merat, Arron (2019), "The Saudis couldn't do it without us': the UK's true role in Yemen's deadly war", Available at :

<https://www.theguardian.com/world/2019/jun/18/the-saudis-couldnt-do-it-without-us-the-uks-true-role-in-yemens-deadly-war>

news.un (2019), "Yemeni children 'dying right now' due to food aid diversions Beasley warns Security Council", Available at :

<https://news.un.org/en/story/2019/06/1040651>

Passey, Benjamin (2018), "The Destruction of Cultural Heritage in the YemenConflict: Legal Implications and State Responsibility", **Brigham Young University Prelaw Review**, Volume 32.

Rome Statute (2002), Rome Statute of the International Criminal Court, Published by the International Criminal Court, The Hague.

Schmitt, Eric (2010), "Unrest in Yemen Seen as Opening to Qaeda Branch", The New York Times, 4 April, Available at:

<http://www.nytimes.com/2011/04/05/World/Middleeast>, p: 417.

The States Parties to the Rome Statute (2018), Available at : [https://asp.icc-cpi.int/en\\_menus/asp/states%20parties/pages/the%20states%20parties%20to%20the%20rome%20statute.aspx](https://asp.icc-cpi.int/en_menus/asp/states%20parties/pages/the%20states%20parties%20to%20the%20rome%20statute.aspx)

theguardian (2018), "Saudi-led coalition strike kills at least 20 at wedding in Yemen", Available at : <https://www.theguardian.com/world/2018/apr/23/at-least-20-killed-as-airstrike-hits-yemen-wedding-officials-say>

MacAskill Ewen and Torpey, Paul (2016), "One in three Saudi air raids on Yemen hit civilian sites, data shows", Available at :

<https://www.theguardian.com/world/2016/sep/16/third-of-saudi-airstrikes-on-yemen-have-hit-civilian-sites-data-shows>

Wintour, Patrick (2019), "UK, US and France may be complicit in Yemen war crimes UN report", Available at:

<https://www.theguardian.com/world/2019/sep/03/uk-us-and-france-may-be-complicit-in-yemen-war-crimes-un-report>

UN news (2017), International, independent probe of alleged violations in Yemen needed UN deputy rights chief, Available at:



<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=56415&Kw1=yemen&Kw2=&K3>

Unep (2019), "Statement of the Asia-Pacific States at the fourth session of the United Nations Environment Assembly", Available at :

<http://web.unep.org/environmentassembly/asia-pacific-states>

United Nations Convention against Transnational Organized Crime (2000), United Nations Office on Drugs and Crime ,Vienna , Available at :

[https://www.unodc.org/documents/middleeastandnorthafrica/organised-crime/united\\_nations\\_convention\\_against\\_transnational\\_organized\\_crime\\_and\\_the\\_protocols\\_thereto.pdf](https://www.unodc.org/documents/middleeastandnorthafrica/organised-crime/united_nations_convention_against_transnational_organized_crime_and_the_protocols_thereto.pdf)

Unrefugees (2018), "Yemen HUMANITARIAN CRISIS", Available at :

<https://www.unrefugees.org/emergencies/yemen/>

MAGDY, SAMY (2019), "Database Says 91,600 Killed in Yemen Fighting Since 2015",

Available at: <https://www.usnews.com/news/world/articles/2019-06-19/database-says-91-600-killed-in-yemen-fighting-since-2015>

Waal, Alex de (2018), "Mohammed bin Salman should be prosecuted over the Yemen conflict", The Guardian, Available at:

<https://www.theguardian.com/globaldevelopment/2018/dec/04/mohammed-bin-salman-should-be-prosecuted-over-the-yemen-conflict>.

Weatherall, Thomas (2015), "Jus cogens and sovereign immunity: reconciling divergence in contemporary jurisprudence", **georgetown journal of international law**, Vol. 46.

Yemen in Focus, (2019), "UAE-backed separatists", Available at:

<https://www.alaraby.co.uk/english/indepth/2019/11/5/yemen-in-focus-uae-backed-separatists-saudi-backed-government-sign-deal>

## راهبردهای مطلوب تولیدات نمایشی برای مخاطبان بین‌المللی در برون‌مرزی صداوسیما

محمود ترابی‌اقدم<sup>۱</sup>

### چکیده

تولیدات نمایشی محبوب‌ترین و پیچیده‌ترین محصول رسانه‌ای هستند. از این رو، تولید و پخش آنها در شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما، در مقام رسانه‌هایی با ظرفیت کنشگری در روندهای فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نیازمند تدوین راهبردهای کارآمد است. بر این اساس، هدف این مقاله، پیشنهاد راهبردهای مطلوب برای تولیدات نمایشی در برون‌مرزی صداوسیما است. برای دستیابی به این هدف آراء ۱۱ صاحب‌نظر، در چارچوب ماتریس سوات (SWOT) احصا و تدوین شدند. تعداد صاحب‌نظران به روش «نمونه‌گیری زنجیره‌ای» و شاخص «اشباع نظری» تعیین شده است. در تفکیک و ادغام نظرات حاصل از «مصاحبه عمیق»، از تکنیک «مقایسه دائمی» استفاده شده است. در مجموع ۲۴ راهبرد در چهار دسته راهبردهای تهاجمی، رقابتی، محافظه‌کارانه و تدافعی صورت‌بندی و تبیین و براساس شرایط و اقتضائات کنونی برون‌مرزی اولویت‌بندی شدند. از مهم‌ترین این راهبردها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تولید محصولات نمایشی با برند «پاک، سالم و حلال»، تقویت و تکمیل ساختار نیروی انسانی، جذب بودجه کافی، استفاده از اشتراکات تمدنی، گفتمانی و فرهنگی با کشورهای مختلف، تشکیل کارگروهی تخصصی برای ارائه مشاوره به گروه‌های تولید محصولات نمایشی و پشتیبانی و تقویت تعامل با عوامل، گروه‌ها، اتحادیه‌ها و مراکز رسانه‌ای و هنری منطقه‌ای و بین‌المللی همسو. نتیجه مقاله نشان می‌دهد که راهبردهای تهاجمی در مقایسه با سایر راهبردها در اولویت هستند، هرچند ترکیبی از تمام راهبردها در مقاطع مختلف راهگشا خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** تولیدات نمایشی، شبکه‌های برون‌مرزی، ماتریس سوات، مخاطبان بین‌المللی، صداوسیما.



## ۱. مقدمه

پژوهشنامه شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون و رادیو، برنامه‌هایی آکنده از معانی نهفته پخش می‌کنند و می‌کوشند با مهار این معانی آنها را به معنایی یگانه و مرجح تبدیل کنند؛ معنایی که کارکرد جهان‌بینی غالب را داشته باشد (محمدی و کریمی، ۱۳۹۰: ۵۰). در میان محصولات رسانه‌ای، تولیدات نمایشی نقش بی‌بدیلی دارند و می‌توانند افکار و رفتار سطوح و لایه‌های مختلف مخاطبان و کنشگران مدنی و غیرمدنی را هدایت و جهت‌دهی کنند. فیلم و سریال، تأثیر بیشتری بر مخاطب می‌گذارد، زیرا در اینجا دو کارکرد آموزشی و سرگرمی رسانه با هم آمیخته می‌شود و بدین ترتیب درگیری مخاطبان با متن رسانه‌ای افزایش می‌یابد (Slater and Rouner, 2002).

معاونت برون‌مرزی صداوسیما (تا سال ۲۰۱۹) دارای ۶ شبکه تلویزیونی است که در میان آنها شبکه‌هایی مانند سحر (با ۴ کانال)، الکوثر و هیسپان‌تی‌وی دارای کندانکتور ترکیبی هستند و تولیدات نمایشی تلویزیونی (سریال و مجموعه تلویزیونی، تله فیلم و فیلم سینمایی) جایگاه ویژه‌ای در جدول پخش آنها دارد. همچنین این معاونت از صداوسیما، دارای ۳۳ شبکه رادیویی است که می‌توانند نمایش رادیویی تولید و پخش کنند. به دلیل اهمیت محصولات نمایشی در پیگیری سیاست‌های نهادهای رسانه‌ای در جذب، نگهداشت و تأثیرگذاری بر مخاطبان براساس گفتمان‌ها و ارزش‌های این نهادها، شبکه آی فیلم<sup>۱</sup> برون‌مرزی (از تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۸۹/۹ سپتامبر ۲۰۱۰) مبادرت به تولید میان برنامه، بازیابی، دوبله و پخش محصولات نمایشی شبکه‌های داخلی صداوسیما و فیلم‌های سینمایی تولید ایران کرده و توانسته است در میان مخاطبان تأثیرگذار باشد. اما به سه دلیل محوری زیر این محصولات نمایشی نمی‌توانند، اهداف و رسالت‌های ایران در جوامع هدف گسترده و متنوع برون‌مرزی را پوشش حداکثری دهند:

۱. تمرکز اکثر این محصولات نمایشی بر بررسی مشکلات و مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران است، از این رو پخش آنها توسط شبکه‌های مختلف برون‌مرزی، ممکن است تصویر مناسبی از ایران و ایرانی‌ها برای اکثر مخاطبان ارائه ندهد (ارگانی، ۱۳۹۸/۲/۲۸ و بوالی، ۱۳۹۸/۲/۲۵). هر چند وجود شخصیت‌ها و محیط‌های اجتماعی به اصطلاح «سفید، خاکستری و سیاه» در اکثر سریال‌های تلویزیونی کشورهای دیگر از جمله آمریکا نیز مشاهده می‌شود ولی به دلیل پروژه‌های ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی، نمایش بیش از معمول چالش‌های



اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران برای جوامع دیگر، از سوی بسیاری از مخاطبان براساس پروژه‌های فراگیر سه‌گانه مذکور، رمزگشایی خواهند شد.

۲. طیف‌های مختلف جوامع هدف برون‌مرزی به‌دلیل تفاوت در ایستارهای فرهنگی، انگاره‌های تاریخی، شکل‌بندی‌های اجتماعی، هویت دینی، نظام‌های اقتصادی، شرایط سیاسی و شیوه‌های مصرف کالاهای هنری و فرهنگی جامعه خود با جامعه ایران، نمی‌توانند با نظام‌های نشانه‌ای محصولات نمایشی تولید شبکه‌های داخلی صداوسیما ارتباط همذات‌پندارانه حداکثری، وثیق و عمیقی برقرار کنند.

۳. مناسبات و روابط جمهوری اسلامی ایران با جوامع مختلف، ضمن وجود شباهت‌هایی، مبتنی بر اهداف و سیاست‌هایی ویژه و متفاوتی است. بنابراین به ارائه محصولات رسانه‌ای و هنری مختص آن جوامع نیز نیاز است.

از این‌رو معاونت برون‌مرزی، در قامت یک رسانه بین‌المللی، مأموریت تولید محصولات نمایشی با در نظر گرفتن رسالت‌های منطقه‌ای و جهانی صداوسیما، فرهنگ زیستی جوامع هدف و مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آن جوامع را بر عهده دارد که عملیاتی کردن این سیاست‌ها نیازمند راهبردهای مدون است. مرکزیت اداری تولید محصولات نمایشی بر عهده اداره کل تولیدات نمایشی برون‌مرزی است که از سال ۱۳۹۶ به‌دلیل اهمیت این نوع از محصولات رسانه‌ای برای شبکه‌های برون‌مرزی، از دفتر (واحد) سازمانی به اداره کل ارتقاء یافت. البته پیش از این تاریخ، برون‌مرزی فیلم‌ها و سریال‌های موفق‌ی مانند چشم‌های آبی زهرا (۱۳۸۰)، برگه‌های سفید (۱۳۸۲)، زخم زیتون (۱۳۸۳)، جابر بن حیان (۱۳۸۵)، ناسپاس (۱۳۸۸)، روزنامه‌چی‌ها (۱۳۸۹)، راه نجات (۱۳۹۱)، جلال‌الدین (۱۳۹۲)، تنهایی لیلا (۱۳۹۴) و ... را تولید کرده است.

اما از یک سو روند تکرر شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی و از سوی دیگر افزایش رقبای رسانه‌ای این شبکه‌ها در سطح جهان، بر لزوم افزایش هدفمند تولیدات نمایشی مبتنی بر برنامه‌ریزی راهبردی صحنه می‌گذارد. این موضوع در تلاقی با لزوم نقش‌آفرینی فزاینده شبکه‌های برون‌مرزی در «ارتباطات میان فرهنگی» و «فرایند جهانی- محلی شدن» اهمیت مضاعف می‌یابد. فقدان راهبردهای عملیاتی برای رسانه برون‌مرزی جهت نیل به اهدافش در حوزه نمایش منجر به انفعال و عقب ماندن این رسانه بین‌المللی از رقبایش در محیط رقابتی فزاینده رسانه‌ای در جهان خواهد شد. بر این اساس هدف اصلی نوشتار پیش رو عبارت است از:



تدوین راهبردهای مطلوب برای تولیدات نمایشی در معاونت برون مرزی صداوسیما. لذا، پرسش‌های پژوهش را این گونه می‌توان سامان‌دهی کرد:

عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (تهدیدها و فرصت‌ها) معاونت برون مرزی در تولید محصولات نمایشی چیست؟ اولویت‌های موضوعی برون مرزی در تولید محصولات نمایشی و تمایز آنها با تولیدات شبکه‌های داخلی چیست؟ راهبردهای مطلوب برای تولیدات نمایشی توسط برون مرزی چیست؟

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات انجام شده در زمینه تولیدات نمایشی در ایران را می‌توان در چهار گروه کلان دسته‌بندی کرد:

۱) دسته اول به بررسی سریال‌های داخلی از منظر بازنمایی موضوع یا پدیده‌ای مانند روابط خانوادگی، شادکامی، روابط بین نسلی، روابط بین زن و مرد، چالش سنت و مدرنیته و ... پرداخته‌اند. مانند صلواتیان و همکاران (۱۳۹۷)، دادگران و همکاران (۱۳۹۷)، ذکایی و فتحی‌نیا (۱۳۹۳)، سلطانی (۱۳۹۳)، سوزنکار و همکاران (۱۳۹۳)، الیاسی و همکاران (۱۳۸۶).

۲) دسته دوم به مخاطب‌پژوهی سریال‌ها اختصاص یافته‌اند؛ مانند حسینی انجدانی و خوشگویان فرد (۱۳۹۴)، سپاسگرشهری و منوچهری (۱۳۹۳).

۳) دسته سوم به بررسی دلایل تأثیرگذاری سریال‌های دوبله شده خارجی (امریکایی، کلمبیایی، ترکیه‌ای، کره‌ای و ...) در میان مخاطبان ایرانی مبادرت ورزیده‌اند؛ مانند یآوری و صلواتیان (۱۳۹۶)، عزیزی و مهدی‌زاده (۱۳۹۵)، بیچرانلو (۱۳۹۵)، ربیعی و پاک‌کردکندی (۱۳۹۳)، علی‌اصغر (۱۳۹۰)، مجیدی و هوشمند (۱۳۸۹).

۴) دسته چهارم متمرکز بر راهبردها و سیاست‌گذاری‌ها در رابطه با محصولات نمایشی پخش شده از شبکه‌های داخلی صداوسیما بوده‌اند؛ مانند تقوی‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، سیدی و صلواتیان (۱۳۹۴) و طالبی (۱۳۸۹).

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در خصوص تولیدات نمایشی برای برون مرزی صداوسیما انجام نشده است. در نظر گرفتن مخاطبان بین‌المللی صداوسیما، بررسی وضع موجود و ارائه راهبردهایی معطوف به آینده برای شبکه‌های برون مرزی در زمینه تولیدات نمایشی، نوآوری‌های این پژوهش محسوب می‌شوند. این پژوهش می‌تواند راهگشای چگونگی



بهره‌گیری برون‌مرزی از ظرفیت‌ها و نقاط قوت و فرصت خود برای غلبه بر نقاط ضعف و تهدید در حوزه تولیدات نمایشی باشد.

### ۳. چارچوب نظری

#### ۳-۱. نقش تولیدات نمایشی در تقویت یا تضعیف ارتباطات میان فرهنگی

ارتباط، شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌شود و بدون آن هیچ یک از عناصر حیات جمعی پدید نمی‌آید. ارتباط وقتی جنبه میان فرهنگی پیدا می‌کند که مردم از فرهنگ‌های متفاوت در تعامل، ارتباط و گفتگو با یکدیگر قرار بگیرند (مولانا، ۱۳۸۴: ۱۸۷). بر این اساس «ارتباطات میان فرهنگی»<sup>۱</sup> را غالباً به عنوان ارتباط میان مردم از فرهنگ‌های ملی متفاوت تعریف می‌کنند (Groff, 2002). ارتباطات میان فرهنگی یک فرایند نمادین است که در آن مردم با فرهنگ‌های مختلف، معانی مورد نظر خود را به اشتراک می‌گذارند (Koester and Lustig, 1999: 52). اما چون هر جامعه‌ای برای خود چارچوب فرهنگی معینی دارد، ممکن است تفاوت‌های فرهنگی، به‌ویژه تا زمانی که به سطح آگاهی و شناخت طرفین نرسیده، به یک مانع مهم برای برقراری ارتباط تبدیل شود (یوسفی و ورشویی، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

فیلیپسن (۱۹۸۱) که شالوده مطالعات فرهنگی را پی می‌ریزد، در خصوص اهمیت ارتباطات میان فرهنگی اینگونه استدلال می‌کند که کارکرد ارتباطات در ارتباطات فرهنگی عبارت است از حفظ موازنه سالم بین نیروهای فردگرایی و اجتماع و ایجاد احساس هویت مشترک که حافظ منزلت، آزادی و خلاقیت فردی است. ارتباطات فرهنگی دربردارنده مکالمات است. مکالمات جمعی فرایندهایی ارتباطی هستند که از طریق آنها افراد در این مورد به مذاکره می‌پردازند که چگونه با یکدیگر زندگی کنند (بی. گادیکانست و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۶).

اصولاً ارتباط میان فرهنگی وقتی به وجود می‌آید که مردم از فرهنگ‌های متفاوت، با هم در تعامل قرار بگیرند. یکی از بسترهای ارتباطات میان فرهنگی، رسانه‌ها هستند که می‌توانند مردم جوامع دیگر را با سبک زندگی مشخصی مواجه و وارد گفتگو سازند. چنانچه برخی تحقیقات انجام شده درباره تأثیر رسانه‌های اجتماعی جدید در سازگاری میان فرهنگی، حاکی از نقش مثبت این رسانه‌ها در ایجاد تعامل و سازگاری میان فرهنگی دارد (Sawyer, 2011: 1). باید توجه کرد که سخن گفتن از فرهنگ‌های مدرن به معنای سخن گفتن از فرهنگ‌های رسانه‌ای



است (Stevenson, 1995: 3). امروزه فرهنگ رسانه‌ای به نیروی مسلط جامعه‌پذیری تبدیل شده و تصاویر و شخصیت‌های تلویزیونی به‌مثابه سازندگان سلیقه، ارزش و تفکر، تا حد زیادی جای خانواده‌ها، مدارس و نهادهای مذهبی را گرفته و صورت‌های جدیدی از هویت‌یابی و تصاویر ملازم با آن را در خصوص سبک زندگی، مد و رفتار شکل داده‌اند (Kellner, 2002: 17).

در میان محصولات رسانه‌ای، تولیدات نمایشی از اهمیت زیادی برخوردارند. زیرا با بهره‌مندی از جذابیت‌های محتوایی، فرمی و ساختاری می‌توانند بر افکار و رفتار طیف وسیعی از مخاطبان تأثیر بگذارند. روایت‌هایی که در این محصولات نمایشی به کار می‌روند، علاوه بر کارکردهای فردی در حوزه روانی و رفتاری مخاطب، می‌توانند جامعه بیرونی را نیز دستخوش تغییرات تأمل برانگیز سازند. سیاستگذاران رسانه به خوبی واقف هستند زمانی که توجه مخاطب به نمایش جلب شد، می‌توانند موضوع‌های اخلاقی، تبلیغاتی، الهام‌بخش یا تهییجی را به مخاطب انتقال دهند و از این رهگذر به اهداف از پیش تعیین شده خود نایل شوند (بهمنی و خوشگویان‌فرد، ۱۳۹۴: ۱۰). این اهداف از پیش تعیین شده می‌تواند در راستای نفی و طرد یک فرهنگ یا قوم و جامعه باشد و یا برعکس، منتهی به همگرایی شود.

درواقع محصولات نمایشی از سویی می‌توانند با ایجاد هراس از دیگری یا دیگران ساخته و پرداخته خود، مانع ارتباط مخاطبان خود با اقوام، ملل، نژادها و مردمان دارای فرهنگ‌های متفاوت شوند. درواقع این محصولات براساس راهبرد طبیعی‌سازی، فرهنگ رسانه‌ای خود را متناسب با عقل سلیم بازنمایی می‌کنند و سایر فرهنگ‌ها را از طریق مرزبندی میان متمدن-نامتمدن، معنویت-مادیت، حق-باطل و ... طرد می‌کنند. این محصولات (کالاهای) فرهنگی از سویی دیگر، می‌توانند زمینه‌ساز شناخت اقوام و ملل از یکدیگر شوند و ارتباطات میان فرهنگی را تسهیل و تقویت کنند.

### ۳-۲. جایگاه تولیدات نمایشی در فرایند جهانی شدن

تعریف جامع و مانع جهانی شدن<sup>۱</sup> به‌دلیل ماهیت متناقض و پیچیده آن، بسیار دشوار است. در یک تعریف کاربردی، آنتونی گیدنز جهانی شدن را تقویت مناسبات اجتماعی جهانی می‌داند که محل‌های دور از هم را به هم ربط می‌دهد به‌طوری که هر واقعه، تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۷). به عبارتی دیگر جهانی شدن عبارت



است از فرایند فشردگی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن، مردم دنیا کم و بیش و به شکلی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۰).

دو رویکرد عمده درباره جهانی شدن وجود دارد: نگاه اول نگاهی بدبینانه و پروژه‌محور است که صحبت از جهانی‌سازی یا جهانی‌گرایی دارد. در اینجا نگاه یکسان‌انگار و همگن‌سازی وجود دارد که از رهگذر تسلط فرهنگ هژمون بر سایر فرهنگ‌ها به وجود می‌آید. در مقابل، رویکرد فرایند محور وجود دارد که قائل به زمینه‌ای برای تبادل فرهنگ‌هاست. در این رویکرد خوش‌بینانه، جهانی شدن فراگیری در حال وقوع و شکل‌گیری در دنیای موج سوم اطلاعات و ارتباطات است که ناظر بر گسترش مرادفات اجتماعی و تحقق یک دهکده جهانی است. بعضی از تحلیلگران معتقدند رویکرد دوم به واقعیت موجود در نظام بین‌الملل نزدیک‌تر است (دهشیار، ۱۳۸۸).

در تقابل با دو رویکرد مذکور که همگن‌سازی و یکسان‌سازی را مفهوم مرکزی تحلیل‌ها در نظر می‌گیرد، رویکرد تکثرگرایی در ضمن وحدت‌گرایی نیز مطرح است. بر این اساس، ما در عرصه جهانی شدن شاهد تقویت هویت‌های محلی در کنار رشد هویت جهانی هستیم، که از آن با عنوان نظم «جهانی-محلی» یاد می‌کنند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۷). از این رو، اگرچه جهانی شدن ممکن است با ترویج مظاهر مدرنیته غربی و گسترش فرهنگ مصرفی به‌ویژه در جوامع توسعه یافته و توسط رسانه‌ها تهدید تلقی شود ولی می‌تواند فرصت‌هایی را برای همه کشورها و از جمله جمهوری اسلامی ایران، در بر داشته باشد.

گسترش رسانه‌ها و استفاده از آنها در کشورهای مختلف، باعث شده که کشورها متناسب با سهمی که در سپهر رسانه ای جهان دارند، بتوانند در برابر فرهنگ مسلط مقاومت کنند و خوانش‌های خود را از هویت و سبک زندگی ارائه دهند. به عبارتی دیگر در فرایند جهانی شدن که به سمت یک فرهنگ واحد در حال حرکت است بتوانند نقش‌آفرینی کنند و به آن سمت و سو دهند.

در خصوص جایگاه و تأثیرگذاری محصولات نمایشی به‌عنوان کالاهای فرهنگی-رسانه‌ای-هنری در فرایند جهانی-محلی شدن، باید توجه کرد که این محصولات ضمن اینکه جهان‌شمول هستند، رژیم (قواعد و سازوکار) دریافت مخاطبان از آنها متناسب با فرهنگ زیستی آنان است. در این زمینه می‌توان به پژوهش کاتز<sup>۱</sup> و لیبز<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) اشاره کرد. آنان برای بررسی

1. Katz

2. Liebes



مصرف سریال امریکایی «دالاس»<sup>۱</sup> و تأثیرات فرهنگی و سیاسی آن در سطح چند کشور، به مطالعه خوانش‌های مخاطبان از متن سریال پرداختند. نتایج مطالعات این پژوهشگران نشان داد که هر چند سریال دالاس برای تمامی گروه‌ها یکسان و واجد پیامی واحد برای دهکده جهانی است، به نحوی متفاوت و براساس زمینه‌های فرهنگی و چارچوب‌های ادراکی مخاطبان، رمزگشایی و برداشت می‌شود. بینندگان از توانایی‌های انتقادی قابل توجهی برخوردارند و در سطوح گوناگون ایدئولوژیک، زیبایی‌شناختی، اخلاقی و... با سریال وارد گفتگو می‌شوند. علاوه بر این تحقیق، نتایج برخی پژوهش‌های مشابه (برای مثال، ایوابوچی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲، استروب‌هار<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳ و دیویس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳) حاکی از آن بودند که از دیگر عوامل مؤثر بر تسهیل انتقال معنا و عواطف، داشتن چارچوب‌های ذهنی مشترک و مشابه با جامعه‌ای است که برنامه تلویزیونی در آن تولید شده است (Lee and Chiou, 2008).

### ۳-۳. مدیریت راهبردی و چارچوب روشی سوات (SWOT) برای تدوین راهبرد

راهبرد سازمانی عبارت است از الگوی تصمیمات سازمان که بیانگر هدف‌ها و مقاصد سازمان و منشأ سیاست‌های اصلی و برنامه‌هایی برای نیل به این هدف‌هاست (Mintzberg and Others, 1998: 51). برخی از مزایای راهبرد مناسب عبارتند از: راهبرد جهت حرکت سازمان را مشخص و امکان ارزیابی محیط و پیش‌بینی آینده را فراهم می‌کند. همچنین فرصت خودارزیابی به سازمان می‌دهد و برای اعمال کنترل بر فعالیت‌ها چارچوب مناسبی ارائه می‌کند (حسن‌یگی، ۱۳۹۰: ۹۵-۶۰).

مدیریت راهبردی را هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات تعریف نموده‌اند. وظیفه‌ای چندگانه که سازمان را قادر می‌سازد به هدف‌های بلندمدت خود دست یابد. مدیریت راهبردی به سازمان این امکان را می‌دهد که با شیوه‌ای خلاق و نوآور عمل کند و برای شکل دادن آینده خود به صورت انفعالی عمل نکند، سرنوشت خود را رقم بزند و آینده را تحت کنترل در آورد (دیوید، ۱۳۸۵: ۲۴).

علی‌عسکری (۱۳۹۴: ۴۳-۴۲) در مورد عمل به فرایند مدیریت راهبردی سایر سازمان‌ها با سازمان‌های رسانه‌ای تفاوت قائل می‌شود و می‌نویسد: «در این فرایند، توسعه اجتماعی و ایفای

1. Dallas
2. Iwabuchi
3. Strubhhar
4. Davis



مسئولیت اجتماعی رسانه مورد غفلت واقع شده است چنانچه تفکر تک‌ساحتی بر تدوین راهبردها حاکم است که همان بقای اقتصادی و سودآوری سازمان است. یکی دیگر از مفروضات مدیریت راهبردی مرسوم، ثبات و اطمینان نسبی در عوامل راهبردی و شرایط محیطی است. در حالی که یک سازمان رسانه‌ای مدام در حال گسترش و ناپایدار است، ادعای جهان‌شمولی در مدل فرایند راهبردی از دیگر مفروضات مدیریت راهبردی مرسوم است؛ این در حالی است که باید در مدیریت راهبردی هر رسانه به عوامل متفاوتی توجه شود. انتقاد بعدی به زمان‌بر بودن فرایند شناخت در این مدل گام به گام است. در حالی که محیط رسانه پس از گذشت زمان، به دلیل تحولات سریع تغییر می‌یابد و عوامل راهبردی و به تبع آن، راهبردها نیز به سرعت تغییر می‌کنند».

از این‌رو در این مقاله، ضمن بهره بردن از الگوی برنامه‌ریزی راهبردی دیوید، هنگام اولویت‌بندی راهبردها، تفکر راهبردی نیز با توجه به اقتضات رسانه برون‌مرزی مد نظر قرار گرفت.

پژوهش پیش رو، بر تدوین (برنامه‌ریزی) راهبرد متمرکز است. موضوعاتی که در زمینه تدوین راهبرد مطرح می‌شوند، عبارت‌اند از: تعیین نوع فعالیتی که سازمان می‌خواهد به آن بپردازد، فعالیت‌هایی که می‌خواهد از آنها خارج شود، شیوه تخصیص منابع، تصمیم‌گیری درباره گسترش یا متنوع ساختن فعالیت‌ها، تصمیم‌گیری درباره ورود به بازارهای بین‌الملل، تعیین اینکه آیا شرکت بر آن است که در شرکت‌های دیگر ادغام شود یا یک مشارکت تشکیل دهد و شیوه مصون ماندن از حرکات تند رقیب که درصدد بلیعدن آن بر می‌آیند (دیوید، ۱۳۸۵).

در چارچوب روشی سوات برای تدوین راهبرد، چهار عامل قوت<sup>۱</sup>، ضعف<sup>۲</sup>، فرصت<sup>۳</sup> و تهدید<sup>۴</sup> (براساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران) بررسی و سپس راهبردهای تهاجمی (SO)، راهبردهای رقابتی (ST)، راهبردهای محافظه‌کارانه (WO) و راهبردهای تدافعی (WT) تدوین و تبیین می‌شوند.

در این چارچوب (دیوید، ۱۳۸۵) نقاط قوت و ضعف داخلی در زمره فعالیت‌های قابل کنترل سازمان قرار می‌گیرند که سازمان آنها را به شیوه‌ای بسیار عالی یا بسیار ضعیف انجام می‌دهد.

- 
1. Strength
  2. Weakness
  3. opportunity
  4. threat



یکی از فعالیت‌های اصلی و ضروری مدیریت راهبردی این است که نقاط قوت و ضعف دواير و واحدهای سازمان را شناسایی و آنها را ارزیابی کند. سازمان می‌کوشد راهبردهایی را به اجرا درآورد که نقاط قوت داخلی تقویت شود و نقاط ضعف داخلی برطرف گردد یا بهبود یابد. مقصود از فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی رویدادها و روندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بوم‌شناختی، محیطی، سیاسی، قانونی، دولتی، فناوری و رقابتی است که می‌توانند به میزان زیادی در آینده به سازمان منفعت و زیان برسانند. فرصت‌ها و تهدیدها به میزان زیادی خارج از کنترل یک سازمان است. از این رو از واژه خارجی برای آن استفاده می‌شود. اصل اساسی مدیریت راهبردی این است که سازمان برای بهره‌بردن از فرصت‌های خارجی و پرهیز از اثرات ناشی از تهدیدهای خارجی یا کاهش دادن آنها درصدد تدوین راهبردهایی برآیند. بدین دلیل شناسایی، نظارت و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی می‌توانند ضریب موفقیت سازمان را افزایش دهد.

#### ۴. روش شناسی پژوهش

برای پاسخگویی به پرسش‌های مقاله از روش مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران استفاده شده است. در این نوع مصاحبه چون پرسش‌ها به صورت باز طراحی می‌گردد، راه برای هرگونه یافته غیرمنتظره و برنامه ریزی نشده امکان‌پذیر خواهد بود. درواقع مصاحبه‌گر این آزادی را دارد که به ابتکار خود، مسیر مصاحبه را از مقوله‌ای به مقوله دیگر تغییر دهد، یا برای تبیین هر چه بیشتر پرسش‌ها، متناسب با مصاحبه شونده از واژه‌های گوناگون بهره‌گیرد (رفیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری زنجیری (گلوله برفی) استفاده شده است. در این روش آمارگیری پس از شناسایی یا انتخاب اولین واحد نمونه‌گیری از آن برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه‌گیری استفاده می‌شود. این الگو تا زمانی که اطلاعات حاصل از نمونه‌ها (مصاحبه‌شوندگان) به اشباع نظری برسد، ادامه پیدا می‌کند. طبق این الگو تعداد صاحب‌نظران (حجم نمونه) ۱۱ نفر تعیین شد که همگی دارای تحصیلات حداقل کارشناسی ارشد بوده‌اند و سابقه مدیریت در حوزه محصولات نمایشی را در سازمان صداوسیما بر عهده داشته‌اند. به همین دلیل به ظرفیت‌ها و موانع تولیدات نمایشی توسط معاونت برون‌مرزی احاطه کافی داشتند. انجام مصاحبه‌ها، صورت‌بندی و مقوله‌بندی کیفی داده‌ها، تا زمانی که وجوه اصلی اطلاعات جنبه تکراری بیابند، ادامه پیدا کرد و تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط «ماتریس سوات»<sup>۱</sup> انجام شد. به‌طوری که نظرات صاحب‌نظران با استفاده از تکنیک «مقایسه دائمی یافته‌ها» در قالب نقاط



قوت، فرصت، ضعف و تهدید در جدول سوات دسته‌بندی و سپس موارد مشابه با یکدیگر ادغام شدند.

اعتبار (روایی) این پژوهش از طریق درگیری طولانی مدت پژوهشگر با فضای پژوهشی و کنترل بدفهمی‌های ناشی از مداخله‌های پژوهشگر یا صاحب‌نظران و همچنین توضیح مبسوط و غنی<sup>۱</sup> یافته‌ها حاصل شده است. بر این اساس بخش‌هایی از نظرات مصاحبه‌شوندگان، در داخل گیومه آمده است تا میزان اطمینان‌پذیری<sup>۲</sup> و تأییدپذیری<sup>۳</sup> مقاله افزایش یابد. برای تعیین پایایی نیز سخنان ضبط شده مصاحبه‌شوندگان در اختیار کدگذار دیگری قرار گرفته است. یافته‌ها و جدول سوات کدگذار دوم تشابه حدود ۹۰ درصدی با یافته‌های این مقاله داشته است.

## ۵. یافته‌های پژوهشی

در این بخش از مقاله براساس فرایند جهانی-محلی شدن، ارتباطات میان فرهنگی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران، اولویت‌های موضوعی شبکه‌های برون‌مرزی، عوامل مؤثر داخلی و خارجی این حوزه از رسانه ملی و راهبردهای چهارگانه آن در تولیدات نمایشی تدوین، صورت‌بندی و اولویت‌بندی شده‌اند.

### ۵-۱. اولویت‌های موضوعی برون‌مرزی در تولید محصولات نمایشی

موضوعات، مقولات و زیرمقولاتی که در ادامه طرح و تبیین می‌شوند، با توجه به شرایط سازمان صداوسیما، شرایط معاونت برون‌مرزی و شرایط جوامع هدف می‌توانند در مقاطع مختلف زمانی، اولویت‌بندی شوند. تعدادی از این موضوعات و مقولات معطوف به خارج از ایران و منبعث از دغدغه‌های فراگیر مخاطبان بین‌المللی شبکه‌های برون‌مرزی و تعدادی معطوف به داخل ایران ولی با روایت ویژه برون‌مرزی هستند.

#### ● موضوعات معطوف به خارج از ایران

این موضوعات با در نظر گرفتن وجوه اشتراک تمدنی، تاریخی، دینی، فرهنگی و انسانی ایران با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبیین شده‌اند.

#### (۱) اشتراکات فرهنگی با جوامع مخاطب برون‌مرزی

1. Thick Description

2. Thick Description

3. Confirmability



جوامع مخاطب شبکه‌های برون‌مرزی را می‌توان در دو دسته کلان جوامع هدف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تقسیم کرد که هر کدام واجد وجوه شباهت و تمایز با ایران در زمینه‌های تمدنی، تاریخی، گفتمانی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، ادبی و هنری هستند. علت این دسته‌بندی براساس جغرافیا آن است که «جوامعی که در یک ناحیه جغرافیایی زندگی می‌کنند دارای مضامین، استعاره‌ها و انگاره‌های فرهنگی تقریباً مشترکی هستند».

جدول شماره ۱. اشتراکات فرهنگی با جوامع مخاطب

| مقوله    | زیرمقوله                        | توضیح                                                                                                                                                                                                                                         |
|----------|---------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| اشتراکات | اشتراکات با کشورهای منطقه‌ای    | استفاده از اشتراکات فرهنگی با کشورهای حوزه عربی (به‌ویژه فلسطین، لبنان، سوریه و عراق)، آسیای مرکزی، قفقاز، ترکیه و افغانستان در تولیدات نمایشی می‌تواند موجب تقویت این اشتراکات گردد.                                                         |
|          | اشتراکات با کشورهای فرامنطقه‌ای | هر کدام از کشورهای حوزه‌هایی مانند جنوب شرق آسیا و شبه قاره، شرق آسیا، اروپای شرقی، اروپای غربی، امریکای لاتین، امریکای مرکزی، امریکای شمالی و نواحی مختلف آفریقا دارای وجوه اشتراکی با ایران هستند که می‌توان از آنها در تولیدات نمایشی بهره |

## ۲) مسائل جهانی

مباحث جهانی شامل مواردی است که دغدغه کشورها و جوامع بسیاری است. دسته‌ای از این موضوعات «پایدار» هستند و حتی قدمتی به طولانی تاریخ بشر دارند و دسته‌ای دیگر مرتبط با مسائل «روز» در جهان هستند.

جدول شماره ۲. مسائل جهانی

| مقوله           | زیرمقوله           | توضیح                                                                                                                           |
|-----------------|--------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| دغدغه‌های جهانی | مسائل پایدار جهانی | در این زمینه مسائلی مانند فقر، تروریسم، تحریم و جنگ می‌توانند دستمایه داستان‌های دراماتیک شوند.                                 |
|                 | مسائل روز جهانی    | در این زمینه مسائلی مانند محیط‌زیست و مهاجرت به‌عنوان پیرنگ اصلی، پیرنگ فرعی یا در ایستگاه‌های روایی تولیدات نمایشی قرار گیرند. |

### ● موضوعات معطوف به داخل ایران

برخی از موضوعات معطوف به داخل هستند و ممکن است با تولیدات نمایشی در شبکه‌های داخلی صداوسیما همپوشانی موضوعی داشته باشند. اما «نحوه روایت آنها برای شبکه‌های برون مرزی واجد مختصات ویژه و متفاوتی از شبکه‌های داخلی باید باشد». به عبارتی دیگر شاید موضوعات مشابه باشند ولی ساختار، فرم و محتوای تولیدات نمایشی برون مرزی در انتخاب و طراحی میزانشن، لوکیشن، آکسسوار صحنه، بازیگران و مضامین داستان متفاوت است. بر این اساس بهتر است مثلاً «لوکیشن‌ها و میزانشن‌هایی انتخاب شود که مؤید پیشرفته بودن کشور ایران باشد که این موضوع از طریق انتخاب فضاهای شهری مدرن میسر می‌شود». همچنین «می‌توان از لوکیشن‌ها یا بازیگران دیگر کشورها نیز استفاده کرد تا همذات‌پنداری مخاطب با نمایش قوی‌تر شود». «مضامین داستانی نیز بهتر است بر ایده‌های جهان‌وطنی متمرکز باشند. مثلاً در نمایش‌های دینی روایت بهتر است مبتنی بر مؤلفه‌های گفتمان اسلامی باشد نه فقط گفتمان شیعی».

#### ۱) سیمای واقعی ایران و ایرانیان

با توجه به اینکه تاریخ، فرهنگ کنونی و وضعیت فناوری در ایران، از محورهای ایران‌هراسی در محصولات رسانه‌ای و برون مرزی غربی هستند، توجه به این سه محور در تولیدات نمایشی شبکه‌های برون مرزی در خنثی‌سازی «انگاره برساختی رسانه‌های غربی با نام ایران عقب افتاده» مشمر ثمر خواهد بود.





## جدول شماره ۳. ترسیم سیمای واقعی ایران و ایرانیان

| مقوله                 | زیرمقوله                                     | توضیح                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
|-----------------------|----------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تاریخ                 | تاریخی- ادبی                                 | در این زمینه زندگی، اندیشه و آثار مشاهیر فرهنگ و ادب فارسی همچون مولوی، نظامی گنجوی، خاقانی و اقبال لاهوری که در معرض تحریف هستند، ضروری قلمداد می‌شود.                                                                                                                                                              |
|                       | تاریخی- فرهنگی                               | فرهنگ تاریخی و اصیل ایرانی در معرض تحریف (میراث‌های ملموس و ناملموس) مانند نوروز، شب یلدا و بازی چوگان می‌تواند دست‌مایه‌ی پیرنگ اصلی یا پیرنگ‌های فرعی در سریال‌های تولیدی برون‌مرزی باشد.                                                                                                                          |
|                       | تاریخی- هنری                                 | هنر ایرانی اعم از (فرش، نگارگری، موسیقی و...) ایده‌هایی هستند که می‌توانند در اجزا و عناصر تولیدات نمایشی برون‌مرزی مورد توجه قرار بگیرند.                                                                                                                                                                           |
|                       | تاریخی- دینی                                 | در این زمینه، تولید زندگی‌نامه پیامبران، امامان، ائمه اطهار و اولیای دین با استفاده از منابع دینی اصیل به‌ویژه قرآن کریم، مد نظر است. قصه‌های قرآنی مانند حضرت یونس (ع) که هنوز از آنها فیلم و سریال تولید نشده، می‌توانند مخاطبان زیادی را جذب کنند.                                                                |
| فرهنگ                 | نمایش سبک زندگی ایرانی- اسلامی               | تأکید بر مؤلفه‌هایی مانند خانواده‌محوری و اخلاق‌مداری در فیلم‌ها و سریال‌ها، موجب تمایز ملودرام‌های تاریخی، اجتماعی و خانوادگی ایران از رقبای خود (ترکیه، کره، آمریکا و انگلیس) است که سعی می‌کنند با تزریق حوادث خشونت‌آمیز و صحنه‌های غیراخلاقی در اجزای محتوایی و فرمی سریال‌های خود، جذابیت‌های سطحی ایجاد کنند. |
|                       | جاذبه‌های طبیعی و تاریخی و گردشگری پاک ایران | شبکه‌های برون‌مرزی می‌تواند با نمایش انواع مختلفی از گردشگری (ابنیه تاریخی، جاذبه‌های طبیعی، زیارت، سلامت و تغذیه) در بستر روایت‌های تولیدات نمایشی، فرهنگ کهن و اصیل ایران را ترسیم کنند.                                                                                                                           |
| پیشرفت صنعتی و فناوری | پزشکی- درمانی                                | پیشرفت پزشکی ایران در عرصه‌های مختلف اعم از بیمارستان‌ها، تجهیزات، پزشکان و جراحان، طب سنتی، طبیعت درمانی و ... می‌تواند در حکم ایده(های) دراماتیک شرح و بسط یابد.                                                                                                                                                   |
|                       | نظامی- دفاعی                                 | نمایش توسعه فناوری نظامی ایران در عرصه‌های دفاعی و صلح‌آمیز می‌تواند تصویر بهتری از ایران قدرتمند ارائه دهد.                                                                                                                                                                                                         |



## ۲) ابعاد مختلف اسلام، انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت

با توجه به ابعاد وسیع اسلام، انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت، مناسب است که «روایت‌های برون مرزی بر عناصر جهانی این سه مقوله بپردازند حال آنکه در شبکه‌های داخلی عمدتاً بر عناصر داخلی این سه مقوله تأکید می‌شود».

جدول شماره ۴. معرفی ابعاد مختلف اسلام، انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت

| مقوله         | زیرمقوله                           | توضیح                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
|---------------|------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| اسلام         | مضامین جهانی اسلام                 | ارائه روایت‌های جهان‌شمول از دین و تأکید بر وحدت امت اسلامی، تقریب مذاهب و ارزش‌های مشترک در جوامع اسلامی مانند مبارزه با ظلم و مبارزه با جاه‌طلبی از جمله مضامین تولیدات نمایشی با این رویکرد می‌تواند باشد. در این چارچوب «پرداختن به اسلام با مصادیق دراماتیک امروزی مانند برگزاری مراسم عاشورا در کشورهای مختلف یا پیاده‌روی اربعین ظرفیت‌های مناسبی برای محصولات نمایشی هستند». |
| انقلاب اسلامی | مؤلفه‌های جهانی انقلاب اسلامی      | با استفاده از مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی مانند استکبارستیزی و عدالت‌خواهی می‌توان ایده‌های داستانی فراملی خلق کرد.                                                                                                                                                                                                                                                               |
| گفتمان مقاومت | گفتمان مقاومت (اسلامی و غیراسلامی) | باید توجه شود علاوه بر گفتمان مقاومت اسلامی، در سطح جهانی نیز گفتمان مقاومت، خواهان و پیروانی دارد. به‌عنوان نمونه در امریکای لاتین مضامین عدالت‌خواهانه و ضداستعماری مخاطبان زیادی دارد.                                                                                                                                                                                            |

## ۵-۲. عوامل داخلی و خارجی

برای تدوین راهبرد براساس مدل دیوید، نیاز به احصای نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید است. براساس داده‌های حاصل از دیدگاه‌های صاحب‌نظران این چهار دسته از عوامل شناسایی و صورت‌بندی شدند.

### • نقاط قوت برون مرزی در تولید محصولات نمایشی

۱. پیشرو بودن برون مرزی در محصولات رسانه‌ای و نمایشی با برند «سالم، پاک و حلال»؛
۲. تجربه حداقل چهار دهه فعالیت رسانه‌ای و هنری در عرصه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛
۳. گستره جغرافیایی وسیع مخاطبان؛



۴. تجارب و ظرفیت‌های دفاتر سازمان صداوسیما و دفاتر برون‌مرزی در کشورهای مختلف؛
۵. ظرفیت‌ها و کارکردهای ویژه شبکه‌های برون‌مرزی به‌عنوان پیشقراول ارتباطات میان فرهنگی در عصر جهانی شدن؛
۶. شناساندن فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی و عوامل آنها در منطقه و جهان؛
۷. تجربه حدود دو دهه تولید فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی موفق.

#### • نقاط ضعف برون‌مرزی در تولید محصولات نمایشی

۱. کمبود بودجه؛
۲. کمبود نویسنده برای خلق و نگارش فیلمنامه‌های هنرمندانه و مخاطب‌پسند متناسب با فرهنگ جوامع هدف؛
۳. سطح پایین کیفیت کارگردانی سریال‌های تلویزیونی و کمبود تعداد «کارگردانان مؤلف»؛
۴. نبود صنعت سریال‌سازی در ایران و چالش‌های صداوسیما در ساخت سریال‌هایی با قسمت‌های زیاد؛
۵. نبود مرکزی ویژه در برون‌مرزی برای نظرسنجی، افکارسنجی و مخاطب‌پژوهی حرفه‌ای و پیوسته برای جوامع هدف برون‌مرزی؛
۶. نوپا بودن ارتقاء دفتر تولید فیلم و سریال معاونت برون‌مرزی به اداره‌کل تولیدات نمایشی برون‌مرزی؛
۷. ضعف سیاست‌گذاری در تجمیع همزمان اهداف فرهنگی و اقتصادی در محصولات رسانه‌ای؛
۸. رعایت نکردن بخشی از مفاد کنوانسیون‌های کپی رایت در شماری از محصولات رسانه‌ای.

#### • نقاط فرصت برون‌مرزی در تولید محصولات نمایشی

۱. امکان ارتباط‌گیری و همکاری با مراکز رسانه‌ای و گروه‌های همسو در خارج از کشور و تشکیل ائتلاف‌های رسانه‌ای؛
۲. امکان ارتباط‌گیری و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای رسانه‌ای در داخل کشور؛
۳. بهره‌گیری از بستر اینترنت برای معرفی و تبلیغ تولیدات نمایشی در جوامع هدف؛
۴. امکان بهره‌گیری از اشتراکات تمدنی و گفت‌وگویی با کشورهای مختلف برای ایده‌پردازی داستان؛
۵. تبدیل شدن سریال‌های تلویزیونی به سرگرمی اصلی مخاطبان رسانه‌ها طی سال‌های گذشته؛
۶. امکان ارتباط‌گیری و رایزنی با شرکت‌های بزرگ توزیع؛
۷. امکان استفاده از عوامل خارجی در تولید فیلم و سریال؛



۸. بهره‌گیری از ظرفیت‌های عوامل تولید محصولات نمایشی شبکه‌های داخلی سازمان، گروه‌های سینمایی و تئاتری؛

۹. همکاری با جشنواره‌های بین‌المللی برای ارائه تولیدات نمایشی؛

۱۰. حضور در آندسته از بازارهای فروش محصولات رسانه‌ای در منطقه و جهان که همسو با فعالیت‌های برون‌مرزی هستند.

#### • نقاط تهدید برون‌مرزی در تولید محصولات نمایشی

۱. شناخت کمتر از ظرفیت‌های شبکه‌های برون‌مرزی در میان سطوح مختلف نهادهای کشور؛
۲. وجود رقابتی حرفه‌ای با سابقه طولانی؛
۳. رشد روزافزون انواع مختلف سرگرمی حاصل از پیشرفت دنیای فناوری و اطلاعات در بستر اینترنت؛
۴. ناشناس بودن عوامل و رویدادها و مکان‌های ایرانی برای تماشاگران خارجی؛
۵. دور شدن از نگاه ملی و گفتمانی به‌دلیل تمرکز بر فرهنگ و ذائقه جوامع مخاطب؛
۶. ضعف اتحادیه‌های منطقه‌ای در تبادلات تجاری و رضایت از تأثیرات فرهنگی و حذف بهره‌وری اقتصادی؛
۷. کمبود کارشناسانی که بتوانند در سطح بین‌المللی در زمینه همکاری‌های رسانه‌ای و هنری رایزنی و فعالیت کنند.

#### ۵-۳. راهبردهای چهارگانه معاونت برون‌مرزی در تولیدات نمایشی

در این بخش با توجه به مباحث نظری مطرح شده و از تناظر عوامل داخلی و خارجی، راهبردهای تولیدات نمایشی برای شبکه‌های برون‌مرزی در چهار موقعیت تهاجمی<sup>۱</sup>، رقابتی<sup>۲</sup>، محافظه‌کارانه<sup>۳</sup> و تدافعی<sup>۴</sup> تدوین و صورت‌بندی شده است. برای راهبردهای تهاجمی، تناظر نقاط قوت و فرصت، برای راهبردهای رقابتی، تناظر نقاط قوت و تهدید، برای راهبردهای محافظه‌کارانه، تناظر نقاط ضعف و فرصت و برای راهبردهای تدافعی، تناظر نقاط تهدید و ضعف در نظر گرفته شده است.

- 
1. Aggressive Strategy
  2. Competitive Strategy
  3. Conservative Strategy
  4. Defensive Strategy



### • راهبردهای تهاجمی (SO)

۱. تولید محصولات نمایشی با برند «پاک، سالم و حلال» براساس اولویت‌های موضوعی برون‌مرزی و فرهنگ زیستی مخاطبان؛
۲. استفاده از اشتراکات تمدنی، گفتمانی و فرهنگی با کشورهای مختلف در اجزا و عناصر محصولات نمایشی؛
۳. پشتیبانی، تقویت و تعامل با عوامل، گروه‌ها، اتحادیه‌ها و مراکز رسانه‌ای و هنری منطقه‌ای و بین‌المللی همسو و تأسیس ائتلاف‌های رسانه‌ای نظیر «اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های کشورهای عضو اکو» (اکومو<sup>۱</sup>)؛
۴. ارتباط‌گیری با نهادها و شرکت‌های تولید و توزیع فیلم و سریال تلویزیونی برای حضور در جشنواره‌های همسو در منطقه و جهان؛
۵. ایجاد ظرفیت و فعال‌سازی بعضی از دفاتر برون‌مرزی برای مشارکت در تولید فیلم و سریال تلویزیونی؛
۶. جذب حمایت بخش‌های دولتی، خصوصی و داخلی در مشارکت و سرمایه‌گذاری برای ساخت فیلم و سریال تلویزیونی؛
۷. تبلیغ و معرفی محصولات نمایشی برون‌مرزی توسط رسانه‌های مختلف برون‌مرزی؛
۸. ساخت برنامه‌های میزگردی نقد و تحلیل فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی برای آشنا کردن سطوح مختلف مخاطبان با مؤلفه‌های محتوایی و غیرمحتوایی محصولات نمایشی ایرانی؛
۹. حضور فعال در بازارهای رسانه‌ای مربوط به محصولات نمایشی آسیایی و غیرآسیایی.

### • راهبردهای رقابتی (ST)

۱. لزوم شناخت دقیق‌تر و جامع‌تر نهادهای فرهنگی ایران از ظرفیت‌ها و کارکردهای شبکه‌های برون‌مرزی در ارتقای جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در فرایند جهانی - محلی شدن؛
۲. توجه مضاعف به استفاده از بستر اینترنت در تولید، نظرسنجی و تبلیغ تولیدات نمایشی؛
۳. آموزش کارشناسانی برای ریزنی درباره تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای با افراد، گروه‌ها و شرکت‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی.



### • راهنماهای محافظه کارانه (WO)

۱. جذب بودجه کافی برای حرکت به سمت تولید محصولات نمایشی با استانداردهای جهانی؛
۲. تقویت و تکمیل ساختار نیروی انسانی تولیدات نمایشی معاونت برون مرزی؛
۳. مطالعه، طرح ریزی و عملیاتی کردن «صنعت سریال سازی» در سازمان صداوسیما؛
۴. شتاب بخشی به راه اندازی سامانه مرکزی نظرسنجی و افکارسنجی ویژه معاونت برون مرزی و تلاش برای ارتقای آن به مخاطب پژوهی از طریق اختصاص بودجه کافی و تصویب ساختار و الگوی نیروی انسانی آن؛
۵. برگزاری کارگاه هایی برای آشنا کردن عوامل محصولات نمایشی به ویژه فیلمنامه نویس های ایرانی با فرهنگ زیستی جوامع هدف و سیاست های معاونت برون مرزی در آن جوامع.
۶. فراخوان اینترنتی برای گردآوری «طرح» های داستانی مخاطبان شبکه های برون مرزی به منظور تولیدات نمایشی
۷. شناسایی و ایجاد بانک جامع افراد همراه، همسو و مؤثر برای تولید فیلم و سریال در برون مرزی و ایجاد سازوکاری برای ارتباط مستمر با آنها؛
۸. طرح ریزی حرکت برون مرزی به سمت پیوستن به کنوانسیون های کپی رایت.

### • راهنماهای تدافعی (WT)

۱. تشکیل کارگروهی تخصصی برای ارائه مستمر مشاوره به گروه تولید محصولات نمایشی معاونت برون مرزی؛
۲. اعلام سیاست های سازمان صداوسیما در قبال تولیدات نمایشی برون مرزی برای جلوگیری از بخشی نگری و عملکرد سلیقه ای؛
۳. آماده سازی و پخش منتخبی از تولیدات نمایشی شبکه های تلویزیونی برون مرزی از رادیوهای برون مرزی؛
۴. حضور کارشناس تولیدات نمایشی برون مرزی در شورای تصویب سریال های داخلی در مرکز سیما فیلم سازمان صداوسیما.

### ۶. نتیجه گیری

ایران، کنشگری مهم و تأثیرگذار در تحولات منطقه ای و دارای قدرت بازیگری در عرصه های فرامنطقه ای در «فرایند جهانی- محلی شدن» است. شبکه های برون مرزی صداوسیما با توجه به



حوزه‌های وسیع و متنوع مخاطبان خود، جایگاه بی‌بدیلی برای تقویت «ارتباطات میان فرهنگی» ایران و سایر کشورها و جوامع، در روندها و رویه‌های فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارند. این شبکه‌ها با محصولات متنوع خبری و غیرخبری، قرائت و مواضع ایران از این روندها را بازتولید و منعکس می‌کنند. در میان این محصولات رسانه‌ای، ظرفیت تولیدات نمایشی در ترسیم فرهنگ و سبک زندگی مد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران، به دلیل ویژگی‌های مخاطب‌پسندی که دارند، ویژه است. از این رو در این مقاله سعی شد که با توجه به آراء یازده صاحب‌نظر در حوزه محصولات نمایشی، راهبردهای مطلوب برای تولیدات نمایشی در معاونت برون‌مرزی رسانه ملی در چارچوب ماتریس سوات (SOWT) احصا و تبیین شود.

دیوید (۱۳۸۵) معتقد است که با توجه به نقاط قوت، فرصت، ضعف و تهدید، یکی از راهبردهای چهارگانه تهاجمی، رقابتی، محافظه کارانه و تدافعی باید برای سازمان در نظر گرفته شود. اما برای حوزه‌ای مانند رسانه و به‌ویژه تولیدات نمایشی که مختصات هنری فراوانی دارد، منطبق‌سازی آن با دشواری‌های همراه است، چراکه میزان اقتضاءمحوری و انعطاف‌پذیری مدیریت نهادهای رسانه‌ای - هنری زیاد است ولی اتکاء به یک موقعیت خاص و راهبردهای منتج از آن، انتخاب تصمیم‌گیران را محدود می‌کند و چه بسا قدرت بازیگری نهاد رسانه‌ای را در میان رقبا در مقاطع حساس تضعیف کند. از این رو امروزه، ابتناء به «تفکر راهبردی» به جای «برنامه‌ریزی راهبردی» در عرصه‌های رسانه‌ای و هنری که فرصت‌های انتخاب مجریان را وسعت می‌بخشد تا متناسب با شرایط پیچیده روز اقدام کنند، با اقبال بیشتری روبه‌رو است. به همین منظور پس از تدوین راهبردهای چهارگانه، براساس ظرفیت‌ها و اقتضائات مأموریتی و ساختاری برون‌مرزی، از جمله شرایط نیروی انسانی تخصصی و منابع مالی<sup>۱</sup>، راهبردهای احصاشده، اولویت‌دهی شدند.

هر یک از این راهبردها را می‌توان (حداقل) متمرکز بر یکی از سه بُعد زیر در تولید محصولات نمایشی دانست:

- محتوایی (ناظر بر بعد محتوایی و مضمونی محصولات نمایشی)؛
- فرمی (ناظر بر بعد ساختار و فرم یا همان زبان هنری محصولات نمایشی)؛

۱. اطلاعات مربوط به این ظرفیت‌ها، مأموریت‌ها و چالش‌ها از دست‌اندرکاران تولیدات نمایشی برون‌مرزی به دست آمده که با توجه به کارکردهای درون سازمانی آن، از ذکر آنها در این مقاله خودداری شده است.



■ سازمانی (ناظر بر بعد اداری، سازوکار تشکیلاتی و ساختار سازمانی در تولید و توزیع محصولات نمایشی).

در جدول زیر دسته‌بندی سه گانه مذکور برای راهبردها تحت عنوان جهت‌گیری راهبرد در نظر گرفته شده است. در هر سه جهت‌گیری، ملاحظات مربوط به «ارتباطات میان فرهنگی» و «جهانی شدن» لحاظ شده است.

جدول شماره ۵. راهبردها براساس اولویت برون مرزی

| رتبه | راهبردها                                                                                                                                                 | نوع راهبرد | جهت‌گیری راهبرد          |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------|--------------------------|
| ۱    | تولید محصولات نمایشی با برند «پاک، سالم و حلال» براساس اولویت‌های موضوعی برون مرزی و فرهنگ زیستی مخاطبان                                                 | SO         | محتوایی - فرمی           |
| ۲    | تقویت و تکمیل ساختار نیروی انسانی تولیدات نمایشی برون مرزی                                                                                               | WO         | سازمانی                  |
| ۳    | استفاده از اشتراکات تمدنی، گفتمانی و فرهنگی با کشورهای مختلف در اجزا و عناصر محصولات نمایشی                                                              | SO         | محتوایی - فرمی           |
| ۴    | جذب حمایت بخش‌های دولتی، خصوصی و خصوصی داخلی در مشارکت و سرمایه‌گذاری برای ساخت فیلم و سریال تلویزیونی                                                   | SO         | سازمانی                  |
| ۵    | جذب بودجه کافی برای حرکت به سمت تولید محصولات نمایشی با استانداردهای جهانی                                                                               | WO         | سازمانی                  |
| ۶    | پشتیبانی، تقویت و تعامل با عوامل، گروه‌ها، اتحادیه‌ها و مراکز رسانه‌ای و هنری منطقه‌ای و بین‌المللی همسو و تأسیس ائتلاف‌های رسانه‌ای نظیر اکومو          | SO         | سازمانی                  |
| ۷    | تشکیل کارگروهی تخصصی برای ارائه مستمر مشاوره به گروه تولید محصولات نمایشی برون مرزی                                                                      | WT         | محتوایی - فرمی و سازمانی |
| ۸    | ایجاد ظرفیت و فعال‌سازی بعضی از دفاتر برون مرزی برای مشارکت در تولید فیلم و سریال تلویزیونی                                                              | SO         | سازمانی                  |
| ۹    | تبلیغ و معرفی محصولات نمایشی برون مرزی توسط رسانه‌های مختلف برون مرزی                                                                                    | SO         | سازمانی                  |
| ۱۰   | ساخت برنامه‌های میزگردی نقد و تحلیل فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی برای آشنا کردن سطوح مختلف مخاطبان با مؤلفه‌های محتوایی و غیرمحتوایی محصولات نمایشی ایرانی | SO         | محتوایی - فرمی و سازمانی |
| ۱۱   | ارتباط‌گیری با نهادها و شرکت‌های تولید و توزیع فیلم و سریال تلویزیونی برای حضور در جشنواره‌های همسو در منطقه و جهان                                      | SO         | سازمانی                  |



ادامه جدول شماره ۵. راهبردها براساس اولویت برون‌مرزی

|    |                                                                                                                                                                |    |                         |
|----|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----|-------------------------|
| ۱۲ | مطالعه، طرح‌ریزی و عملیاتی کردن «صنعت سریال‌سازی» در سازمان صداوسیما                                                                                           | WO | سازمانی                 |
| ۱۳ | شتاب‌بخشی به راه‌اندازی سامانه مرکزی نظرسنجی و افکارسنجی و تلاش برای ارتقای آن به مخاطب‌پژوهی از طریق اختصاص بودجه کافی و تصویب ساختار و الگوی نیروی انسانی آن | WO | سازمانی                 |
| ۱۴ | شناسایی و ایجاد بانک جامع افراد همراه، همسو و مؤثر برای تولید فیلم و سریال در برون‌مرزی و ایجاد سازوکاری برای ارتباط مستمر با آنها                             | WO | سازمانی                 |
| ۱۵ | حضور فعال در بازارهای رسانه‌ای مربوط به محصولات نمایشی آسیایی و غیرآسیایی                                                                                      | SO | سازمانی                 |
| ۱۶ | طرح‌ریزی حرکت برون‌مرزی به سمت پیوستن به کنوانسیون‌های کپی رایت                                                                                                | WO | سازمانی                 |
| ۱۷ | اعلام سیاست‌های سازمان صداوسیما در قبال تولیدات نمایشی برون‌مرزی برای جلوگیری از بخشی‌نگری و عملکرد سلیقه‌ای                                                   | WT | سازمانی                 |
| ۱۸ | آماده‌سازی و پخش منتخبی از تولیدات نمایشی شبکه‌های برون‌مرزی از رادیوهای برون‌مرزی؛                                                                            | WT | محتوایی- فرمی و سازمانی |
| ۱۹ | حضور نماینده برون‌مرزی در شورای تصویب سریال‌های تولیدی سیما فیلم                                                                                               | WT | سازمانی                 |
| ۲۰ | لزوم شناخت دقیق‌تر و جامع‌تر نهادهای فرهنگی از ظرفیت‌ها و کارکردهای شبکه‌های برون‌مرزی در ارتقای جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در فرآیند جهانی- محلی شدن    | ST | سازمانی                 |
| ۲۱ | توجه مضاعف به استفاده از بستر اینترنت در تولید، نظرسنجی و تبلیغ تولیدات نمایشی                                                                                 | ST | سازمانی                 |
| ۲۲ | برگزاری کارگاه‌هایی برای آشنایی عوامل محصولات نمایشی به‌ویژه فیلم‌نامه‌نویس‌های ایرانی با فرهنگ زیستی جوامع هدف و سیاست‌های معاونت برون‌مرزی در آن جوامع       | WO | محتوایی- فرمی           |
| ۲۳ | فراخوان اینترنتی برای گردآوری «طرح»های داستانی مخاطبان شبکه‌های برون‌مرزی به‌منظور تولیدات نمایشی                                                              | WO | محتوایی- فرمی و سازمانی |
| ۲۴ | آموزش کارشناسی برای رایزنی درباره تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای با افراد، گروه‌ها و شرکت‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی                               | ST | سازمانی                 |



همانگونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، راهبردهای تهاجمی در مقایسه با سایر راهبردها در اولویت هستند. این موضوع، نشان می‌دهد که برون‌مرزی باید از فرصت‌های محیط بیرونی خود در تلاقی با نقاط قوت داخل معاونتی بهره حداکثری را ببرد. ولی در کنار رویکرد تهاجمی، کاربست راهبردهای موقعیت‌های رقابتی، محافظه‌کارانه و تدافعی نیز به فراخور شرایط لازم است.

توجه به راهبردهای اول و دوم نشان می‌دهد که مهم‌ترین راهبردها مربوط به ساختار حوزه برون‌مرزی است. تکمیل نیروی انسانی حرفه‌ای در حوزه تولیدات نمایشی، باعث می‌شود مسیر بهره‌گیری از ایده محصولات «پاک، سالم و حلال» در نظام‌های نشانه‌ای و دستگاه‌های رمزگانی محتوایی و فرمی محصولات نمایشی هموارتر گردد. اولویت سوم بر استفاده از اشتراکات ایران با جوامع دیگر برای تقویت همگرایی و کاهش واگرایی تأکید دارد. همچنین اولویت‌های چهارم و پنجم نیز نشان از کمبود بودجه برای این حوزه از رسانه ملی است. اگرچه کمبود منابع مالی از چالش‌های سازمان صداوسیما به‌ویژه در سال‌های اخیر بوده است و تمامی حوزه‌ها از این قاعده مستثنی نبوده‌اند ولی به‌دلیل آنچه در راهبرد شماره ۲۰ بیان شده است، برون‌مرزی با این مشکل بیشتر مواجه بوده است.

علت این که در تعدادی از راهبردها، اهمیت فرم و محتوا یکسان در نظر گرفته شده است، ناشی از این موضوع است که اساساً در آثار فاخر هنری، فرم و محتوا امتزاج پیدا می‌کنند و لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند. به‌طوری که تفکیک آنها چندان امکان‌پذیر نیست، چراکه فرم محتوا را ایجاد می‌کند و برعکس. همچنین جهت‌گیری سازمانی برای بسیاری از راهبردها، نشان از لزوم رفع چالش‌ها و آسیب‌ها در سطح تشکیلات ساختاری-اداری برای تقویت تولیدات نمایشی در برون‌مرزی دارد.

اشتراکات فرهنگی با جوامع مخاطب برون‌مرزی، مسائل جهانی، سیمای واقعی ایران و ایرانیان و ابعاد مختلف اسلام، انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت چهار موضوعی هستند که در تولیدات نمایشی برون‌مرزی اولویت دارند. همانگونه که تشریح شد، هرچند ممکن است برخی از این موضوعات، مشابه موضوعات تولیدات شبکه‌های داخلی باشد ولی محتوا، مضامین، فرم و ساختار تولیدات نمایشی برون‌مرزی در پرداخت هنری این موضوعات، متناسب با مخاطبان حوزه‌های هدف و دارای سویه‌های جهانی است. افزایش تولیدات نمایشی برون‌مرزی براساس



اولویت‌های موضوعی چهارگانه و راهبردهای جدول شماره ۵ به موازات استمرار پخش هدفمند محصولات نمایشی تولید شبکه‌های داخلی از شبکه آی فیلم برون‌مرزی، موجب نقش‌آفرینی مضاعف این شبکه‌ها در جذب، نگهداشت و تأثیرگذاری بر طیف‌های مختلف مخاطبان خواهد شد که لازمه نقش‌آفرینی حداکثری شبکه‌های برون‌مرزی در تقویت «ارتباطات میان فرهنگی» و تأثیرگذاری هر چه بیشتر در «فرایند جهانی- محلی شدن» است.

در نهایت باید توجه کرد که اساساً مطالعه مقولات هنری مانند تولیدات نمایشی در چارچوب مدونی چون تدوین راهبرد، بسیار دشوار است چراکه آثار نمایشی تحلیل‌های مبتنی بر قواعد ثابت، مستحکم و پایدار را بر نمی‌تابند. با این وجود در این مقاله پژوهشی تلاش شد که با در نظر گرفتن وجوه نسبتاً پایدار و کلیات حاکم بر تولیدات نمایشی در بستر تفکر راهبردی، راهبردهای مطلوب برای افزایش اثربخشی تولیدات نمایشی برون‌مرزی صداوسیما در سپهر رسانه‌ای جهان ارائه گردد.



## منابع و مأخذ

- احمدی پور، زهرا؛ طهمورث حیدری موصول و احسان لشگری (۱۳۸۹)، «جهانی شدن و هویت ایران»، **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، دوره ۱۵، شماره ۱۸، صص ۴۰-۲۵.
- ارگانی، مهدی (۱۳۹۸/۲/۲۸)، راهنماها و راهکارهای تولیدات نمایشی برای شبکه‌های برون مرزی صداوسیما، **(مصاحبه با عضو باسابقه شورای طرح و برنامه معاونت سیما)**، تهران: سازمان صداوسیما.
- الیاسی، محمدحسین؛ منیژه پورنوروز و غلامرضا محمدی مهر (۱۳۸۶)، «بررسی نمایش خانواده در سریال‌های ایرانی»، **مجله پژوهش و سنجش** (۱۴)، صص ۱۵۶-۱۳۶.
- بوالی، امیر (۱۳۹۸/۰۲/۲۵)، راهنماها و راهکارهای تولیدات نمایشی برای شبکه‌های برون مرزی صداوسیما، **(مصاحبه با مدیر واحد نمایش مرکز سیما فیلم)**، تهران: سازمان صداوسیما.
- بهمنی، مهرزاد و علیرضا خوشگویان فرد (۱۳۹۴)، «تحلیل روایت در فیلم‌های داستانی براساس رویکرد ساختارگرایی و پساساختارگرایی (نمونه موردی: فیلم داستانی نقطه کور)»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال بیست و دوم، شماره ۲، صص ۲۶-۹.
- بی. گادیکانست، ویلیام؛ کارمن ام لیک؛ تسوکاسا نیشیدا و نائوتو اوگاوا (۱۳۸۵)، «نظریه پردازی درباره ارتباطات میان فرهنگی» (ترجمه پیروز ایزدی)، **فصلنامه رسانه**، شماره ۶۷، صص ۹۸-۴۹.
- بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر به جذب مخاطبان به سریال‌های تلویزیونی ماهواره ای؛ مطالعه موردی سه سریال تلویزیونی»، **فصلنامه رسانه**، سال بیست و هفتم، شماره ۲، صص ۷۰-۵۱.
- تقوی پور، محمدرضا؛ محسن اسماعیلی و سیاوش صلواتیان (۱۳۹۶)، «سیاست‌گذاری تولید محصولات نمایشی در تلویزیون ایران با محوریت خانواده اسلامی»، **نشریه زن در فرهنگ و هنر**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۲۵-۱.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰)، **مدیریت راهبردی**، تهران: سمت.
- حسینی‌انجذانی، مریم و علیرضا خوشگویان فرد (۱۳۹۴)، «بررسی خوانش زنان تهرانی از سریال کلاه پهلوی»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال بیست و دوم، شماره ۴، صص ۷۶-۵۵.
- دادگران، سیدمحمد؛ محمد سلطانی فر و زهرا اسحق پور (۱۳۹۷)، بازنمایی شادکامی در سریال‌های خانوادگی با توجه به الگوی اسلامی، (مطالعه موردی: سریال‌های خانه سبز، پدرسالار، زیر تیغ، متهم گریخت، میوه ممنوعه، پایتخت و پرده‌نشین)، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال بیست و پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۹۵)، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۰۳-۱۳۰.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۸)، «لیبرالیسم؛ جوهره جهانی شدن»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۶۷ و ۲۶۸، صص ۵۵-۴۸.
- دیوید، فردا (۱۳۸۵)، **مدیریت استراتژیک** (ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.



ذکایی، محمدسعید و محمد فتح‌نیا (۱۳۹۳)، «فرهنگ تلویزیونی؛ بازنمایی روابط دختران و پسران جوان در سریال‌های ایرانی پربیننده»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال بیست و یکم، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۵۹.

راوودراد، اعظم؛ سیدعلی‌اصغر سلطانی و مرجانه سوزنکار (۱۳۹۳)، «بازنمایی چالش سنت و مدرنیته در فیلم به همین سادگی»، **جامعه‌شناسی هنر و ادبیات**، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۳۸-۲۱۳.

ربیعی، علی و هاجر پاک‌کردکندی (۱۳۹۳)، «احساس همجواری با سریال‌های عامه ماهواره‌ای»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال بیست و یکم، شماره ۱ (پیاپی ۷۷)، بهار، صص ۱۶۵-۱۴۳.

رفیعی، حسن (۱۳۸۷)، **روش‌های تحقیق بین رشته‌ای در اعتیاد و سایر مشکلات و انحرافات (آسیب‌های اجتماعی) (کیفی و کمی)**، تهران: دانژه.

سپاسگرشهری، ملیحه و مریم منوچهری (۱۳۹۳)، شناسایی ذهنیت بینندگان سریال «کلاه پهلوی» با «روش کیو»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال بیست و یکم، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۱۳.

سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۹۳)، «نشانه‌شناسی گفتمانی یک جدایی»، **نشریه مطالعات جامعه‌شناختی**، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۷۲-۴۳.

سیدی، سیدمحمدرضا و سیاوش صلواتیان (۱۳۹۴)، «تدوین راهبردهای سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در جنگ نرم: مطالعه موردی حوزه محصولات نمایشی خارجی»، **فصلنامه علمی تخصصی رادیو تلویزیون**، دوره ۱۱، شماره ۲۷، صص ۱۴۸-۱۱۵.

طالبی، سارا (۱۳۸۹)، «بررسی تطابق برنامه‌های نمایشی سیمای جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های رسمی سازمان، در امور خانواده از دیدگاه خبرگان و کارشناسان دینی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت رسانه**، تهران: دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

عزیزی، حمید و سیدمحمد مهدی‌زاده (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر بر انگیزه‌های زنان از تماشای سریال‌های شبکه ماهواره‌ای جم (GEM TV) (مطالعه موردی: زنان شهر کامیاران)»، **مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان** (مطالعات زنان سابق)، دوره چهاردهم پاییز ۱۳۹۵، شماره ۳ (پیاپی ۴۸)، صص ۱۷۰-۱۳۷.

علی‌عسکری، عبدالعلی (۱۳۹۴)، **مدیریت رسانه؛ نگاهی نو**، تهران: دانشگاه صداوسیما.

علی‌اصغر، فاطمه (۱۳۹۰)، «تحلیل دریافت زنان تهرانی از سریال‌های فارسی وان»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱)، **جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت**، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، **پیامدهای مدرنیته** (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: نشر مرکز.

مجیدی، نسیم و زهره هوشمند (۱۳۸۹)، «بررسی دلایل پرمخاطب بودن سریال‌های کره‌ای در بین جوانان»، **مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، سال یازدهم، شماره ۱۱، صص ۱۹۵-۱۶۷.

محمدی، جمال و مریم کریمی (۱۳۹۰)، تحلیل قرائت‌های زنان از مجموعه‌های تلویزیونی (مطالعه موردی: قرائت‌های زنان شهر ایلام از سریال فاصله‌ها). **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، ۴ (۱)، صص ۷۷-۴۹. مولانا، حمید (۱۳۸۴)، **اطلاعات جهانی و جهان ارتباطات: مرزهای نو در روابط بین‌الملل** (ترجمه مریم اخوتی، محمد حسن‌زاده و اسدالله آزاد)، تهران: انتشارات کتابدار.

یاوری، بهنام و سیاوش صلواتیان (۱۳۹۶)، «شناسایی و طبقه‌بندی آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی ناشی از مصرف سریال‌های ماهواره‌ای با استفاده از روش فراترکیب»، **فصلنامه راهبرد فرهنگ**، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱۸۲-۱۵۷.

یوسفی، علی و سمیه ورشوویی (۱۳۸۹)، «سفر زائرین خارجی به مشهد و تأثیر آن بر ارتباطات میان فرهنگی اجتماعات شیعی»، **مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال ۶، شماره ۱۸، صص ۱۳۸-۱۱۷.

هرمزی‌زاده، محمدعلی؛ سیاوش صلواتیان و سیدهادی قاسمی‌تبار (۱۳۹۷)، «بازنمایی روابط خانوادگی در فصل‌های چهارگانه مجموعه تلویزیونی «پایتخت»»، **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۲۲-۷.

Groff, L (2002), Interreligious dialogue, and peace, **Futures**, 34 :8, 701-716

Kellner, D. (2002), **Media Culture**, London & New York: Routledge.

lee, J. & Chiou, J. (2008), What Do They Say About Friends? A Cross- Cultural Study on Internet Discussion forum, **Computers in Human Behavior**, Vol. 24, pp. 1179-1195.

Lustig, M. W. and J. Koester. (1999), **Intercultural competence**, New York: Addison-Wesley Longman

Mintzberg, H. Quinn, J.B. & Ghoshal, S. (1998), **The Strategy Proces**, New Jersey: Frentice Hall

Sawyer, R. (2011), **The Impact of New Social Media on Intercultural Adaptation**, Senior Honors Projects

Slater, m., & Rouner, d. (2002), "Entertainment-education and elaboration likelihood", **communiacation theory**, 12 (2), PP 173-191.

Stevenson, N. (1995), **Understanding Media Cultures**, London, Sage.



## مقایسه نحوه پوشش اخبار خروج امریکا از برجام در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان

عباس ناصری طاهری<sup>۱</sup>، احمد شیرزادیان<sup>۲</sup>

### چکیده

با خروج امریکا از توافقنامه برجام، هر کدام از وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان برای پوشش خبری این رویداد، در میدان تقابل دیدگاه‌ها، چارچوب‌ها، اولویت‌های رسانه‌ای، فضای حاکمیتی و فرهنگی کشور متبوع خود قرار داشته و حجم زیادی از اطلاعات را به‌صورت قاعده‌مند، مطابق با ظرفیت‌های روزنامه‌نگاری آنلاین و در راستای خط‌مشی رسانه‌ای خود به مخاطبان عرضه کردند. بر این اساس هدف مقاله حاضر مقایسه نحوه پوشش اخبار خروج امریکا از برجام در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شده است. جامعه آماری شامل تمام اخبار منتشر شده از تاریخ اعلام خروج امریکا از برجام به فاصله ۲۰ روز است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که هر دو وبسایت، موضوع خروج امریکا از برجام را بیشتر از نگاه سیاسی منعکس کرده‌اند. جهت‌گیری وبسایت پرس‌تی‌وی بیشتر منفی و جهت‌گیری وبسایت سی‌ان‌ان بیشتر خنثی بوده است. هر دو وبسایت مقامات رسمی کشور متبوع خود را در اولویت برجسته‌سازی قرار داده‌اند. پابندی اروپا به برجام (به میزان ۲۸٫۷ درصد) در وبسایت پرس‌تی‌وی و اقدام غیرقانونی و اشتباه ترامپ در خروج امریکا از برجام (به میزان ۳۰٫۸ درصد) در وبسایت سی‌ان‌ان برجسته‌ترین موضوعات بوده است. وبسایت سی‌ان‌ان از ظرفیت همگرایی چندرسانه‌ای برای ارائه اطلاعات حداکثری به مخاطب در فضای محدود وبسایت بیشتر استفاده کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** پرس‌تی‌وی، سی‌ان‌ان، خروج امریکا از برجام، پوشش خبری، روزنامه نگاری آنلاین، وبسایت خبری.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۷

۱. استادیار دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، تهران. ایران

Naseriamthr@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد روزنامه نگاری رادیو و تلویزیون، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Ahmad.shirzadian90@gmail.com



## ۱. مقدمه

پژوهشنامه  
شماره اول  
زمستان ۱۳۹۸

امروزه با پیشرفت فناوری و بروز تغییرات گسترده در عرصه ارتباطات، وبسایت‌های خبری برای پوشش اخبار بین‌المللی، روش‌های نوینی به کار می‌گیرند. هر کدام از این رسانه‌ها برای جذب و هدایت افکار عمومی همسو با گفتمان‌های خود با آگاهی از روش‌های نوین پوشش خبری، به دنبال ایفای نقش فعالانه در عرصه اطلاع‌رسانی هستند. تحولات گسترده و فراهم شدن بسترهای فناورانه و اینترنتی برای پوشش خبری آنلاین و جذب مخاطبانی که بدون محدودیت زمانی و مکانی به محتوای خبری رسانه‌های جریان اصلی مانند سی‌ان‌ان و ضد جریان اصلی چون پرس‌تی‌وی دسترسی دارند، فرصت‌های جدیدی برای انعکاس بهتر اخبار و مطالب خبری در فضای آنلاین پیش‌روی رسانه‌های بین‌المللی قرار داده است.

اخبار مربوط به توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ موسوم به «برجام»، در چند سال گذشته در وبسایت‌های خبری جهان پوشش‌های گسترده‌ای داشته است و اکثر رسانه‌های خبری و بین‌المللی با به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های ایجاد شده بر روی بستر وب در عرصه خبررسانی، سعی در ارائه پوشش‌های خبری متنوع و مطابق با دیدگاه خود از این موضوع مهم جهانی داشته‌اند. یکی از بحث برانگیزترین مراحل اجرای تصمیمات درباره برجام، خروج امریکا از توافقنامه برجام بود که با توجه به هویت ایرانی و آمریکایی دو شبکه خبری پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان و همچنین حاکم بودن فضای مالکیت و فرهنگ متفاوت بر این دو رسانه خبری و بین‌المللی، شناخت دیدگاه این دو رسانه درباره نحوه پوشش اخبار خروج امریکا از برجام که نشان از نقطه تلاقی و عطف این دو رسانه در نوع جهت‌گیری و ارائه تحلیل‌های خبری در پوشش این رویداد مهم و جهانی دارد، هدف پژوهش حاضر است. در این مقاله وبسایت‌های انگلیسی‌زبان پرس-تی‌وی<sup>۱</sup> و سی‌ان‌ان اینترنشنال<sup>۲</sup> به‌عنوان اتاق خبرهای آنلاین این دو رسانه‌ی تأثیرگذار در فضای بین‌المللی و خبری به‌منظور شناخت نحوه پوشش این رویداد مهم مقایسه و بررسی شده‌اند.

برجام دارای ابعاد ملی و جهانی بوده و کشورهای درگیر این موضوع که تعدادشان بیش از اعضای موافقتنامه است، نیز به‌نوعی تحت تأثیر ابعاد مختلف این توافق از ابتدای انعقاد برجام تا اعلام خروج از آن توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا قرار داشته‌اند. از آنجا که شناخت و آگاهی از ایدئولوژی‌های حاکم بر رسانه‌ها می‌تواند به پیشبرد اهداف ترسیم شده برای رسانه‌های

1. Press TV

2. CNN International



برون مرزی جمهوری اسلامی ایران مانند پرس‌تی‌وی کمک کند، بنابراین ضروری است تا با مقایسه نحوه عملکرد آن با دیگر شبکه‌های بین‌المللی و مطرح مانند سی‌ان‌ان در زمینه استفاده از روش‌های نوین برای رسیدن به اهداف تعیین شده درباره نحوه انعکاس اخبار مربوط به خروج آمریکا از برجام به تصویر روشن‌تری از وضعیت فعلی این رسانه‌ها در عصر جدید رسانه‌ای رسید. همچنین برای شناخت موضع‌گیری مالکان و اداره‌کنندگان رسانه‌های غربی مانند سی‌ان‌ان در پوشش اخبار مربوط به خروج آمریکا از برجام و ارائه تصویری روشن از ساختار و محتوای منتشر شده در وبسایت این شبکه، ضرورت دارد اخبار آن با روش‌های علمی تحلیل شوند. بر این اساس این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که نحوه پوشش اخبار خروج آمریکا از برجام در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان چگونه بوده است؟ درواقع، هدف اصلی این مقاله، بررسی نحوه پوشش اخبار خروج آمریکا از برجام در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان است. به همین دلیل، نحوه پوشش اخبار خروج آمریکا از برجام در سرویس‌های مختلف خبری، موضوعات، ارزش‌های خبری برجسته شده، سبک‌های خبری و لحن اخبار در وبسایت‌های خبری پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان، میزان و نحو استفاده از محتوای چندرسانه‌ای، اخبار رویدادمدار و فرایندمدار، میزان جانبداری و بار معنایی تیترهای به‌کار رفته در اخبار خروج آمریکا از برجام در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان، بررسی خواهند شد.

## ۲. پیشینه پژوهش

حاج نوروزنظری (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای میزان و نحوه پوشش اخبار مربوط به تحریم‌های هسته‌ای ایران در خبرگزاری رویترز با روش تحلیل محتوا» انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بیشترین میزان (۴۶/۶ درصد) از اخبار منتشر شده در خبرگزاری رویترز در مورد تحریم‌های ایران در قالب خبر، دارای رویکرد مثبت به تحریم‌ها، رویدادمدار، دارای ارزش خبری شهرت و اختصاصی خبرگزاری رویترز بوده است. گیویان و رضاقلی‌زاده (۱۳۸۵) در پژوهش «برجسته‌سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در بخش فارسی وبسایت‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶» و با استفاده از روش تحلیل محتوا، به این نتیجه رسیدند که نگرش این رسانه مهم و بین‌المللی درباره برنامه‌های اتمی ایران، همواره «چالشی» است و بار ارزشی منفی در اخبار آنها برجستگی بیشتری دارد و بیشتر از ترکیب «متن و تصویر» در وبسایت استفاده کرده‌اند. کلانتری درمرنجی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در عناوین گزیده‌ای از روزنامه‌های ایران در سال



۱۳۹۴ براساس الگوی ون لیوون<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) و با روش تحلیل گفتمان انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روزنامه‌های داخلی برای انعکاس خبرها، به نوعی دیدگاه و ایدئولوژی صاحبان قدرت و عوامل رسانه‌ای را به‌صورت پنهان در عناوین روزنامه‌ها لحاظ می‌کنند.

خانجانی در دانشکده ارتباطات دانشگاه ایلینویز شمالی<sup>۲</sup> در امریکا در سال ۲۰۱۷ پژوهشی با عنوان «پوشش خبری رسانه‌ها و انتخاب منابع اخبار در مباحث سیاست خارجی امریکا؛ مطالعه موردی توافقنامه ایران (برجام)» انجام داده است. نتایج این پژوهش شواهدی قوی از وجود ارتباط بین پوشش اخبار سیاست خارجی امریکا توسط رسانه‌های امریکایی و مقام و سمت افراد در دولت امریکا را نشان می‌دهد. همچنین ذکر روزنامه‌نگاران غیردولتی به‌عنوان منبع خبری در اخبار تلویزیون نشان از درجه استقلال آنها از مقامات است. احمدی (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «بازتاب اخبار فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های خبری و بین‌المللی بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، فاکس‌نیوز، فرانس ۲۴، الجزیره و العربیه» با روش تحلیل محتوا انجام داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شبکه الجزیره بیش از سایر شبکه‌های خبری، برنامه هسته‌ای ایران را پوشش داده و از آن حمایت کرده است در صورتی که رقیب آن، العربیه، تمایل چندانی به آن نداشته است. شبکه فاکس‌نیوز در چارچوب سیاست‌های ضدایرانی در قبال موضوع هسته‌ای ایران عمل کرده و شبکه فرانس ۲۴ فرانسه بیشتر منطقه‌ای عمل و اهداف کشور متبوع خود را تبلیغ کرده است. پژوهشی با عنوان «رسانه‌ها و برنامه هسته‌ای ایران؛ بررسی پوشش خبری رسانه‌های امریکایی و بریتانیایی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲» با همکاری مرکز مطالعات امنیتی و بین‌المللی در مریلند<sup>۳</sup> و دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه مریلند انجام شده است. پژوهشگران در مطالعه خود پوشش خبری شش روزنامه و انگلیسی‌زبان شامل نیویورک تایمز<sup>۴</sup>، وال استریت ژورنال<sup>۵</sup>، واشنگتن پست<sup>۶</sup>، فایننشال تایمز<sup>۷</sup>، گاردین<sup>۸</sup> و ایندپندنت<sup>۹</sup> از امریکا و بریتانیا را در چند مقطع زمانی مهم در مورد اتفاقات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را در طول ۴ سال با

1. Van Leeuwen

2. Northern Illinois University

3. Center for International and Security Studies at Maryland (CISSM)

4. New York Times

5. Wall Street Journal

6. Washington Post

7. Financial Times

8. The Guardian

9. Independent



روش تحلیل محتوا بررسی کردند. با توجه به نتایج پژوهش مشخص شد که این روزنامه‌ها هنگام پوشش اخبار خود انگیزه‌ها و توانایی‌های هسته‌ای را به گونه‌ای بازتاب داده‌اند که عدم وجود ادله کافی برای ادعاهای ایرانی‌ها مبنی بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و مسئول دانستن ایران به دلیل عدم حل بحران هسته‌ای مشهود باشد (Siegel and Barforoush, 2013).

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱. برجام<sup>۱</sup>

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) توافقی است میان ایران، اتحادیه اروپا و پنج کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل شامل چین، فرانسه، انگلستان، روسیه، ایالات متحده آمریکا به علاوه آلمان که بعد از یک سلسله مذاکرات بلندمدت در تاریخ ۲۳ تیر سال ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) در وین اتریش به دست آمد و یکی از اسناد مهم و بین‌المللی سازمان ملل متحد به شمار می‌آید. در پژوهش حاضر آنچه بیش از همه به موضوع برجام مربوط است، تصمیم یک‌جانبه آمریکا برای خروج از این توافق بود که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۹۷ (۸ می ۲۰۱۸) اتفاق افتاد و موجی از جریان‌سازی خبری در میان شبکه‌های بین‌المللی و خبری جهان از جمله پرس‌تی‌وی و سی-ان‌ان به عنوان دو شبکه خبری مشهور در دو کشور ایران و آمریکا به راه انداخت.

#### ۳-۲. پوشش خبری<sup>۲</sup>

خبر، پرارزش‌ترین کالای امروز است. در دنیای اطلاعات، نقش خبررسانی اهمیت فزاینده‌ای دارد. پوشش خبری مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که بر روی خبر صورت می‌گیرد تا ارزش یک خبر و جایگاه آن از وضعیت واقعی آن، بالاتر یا پایین‌تر مطرح شود و ارزش آن خبر در مجاورت با مطالب دیگر کم‌تر، بیشتر و یا در حد صفر شود. گاهی اوقات خبر به گونه‌ای مطرح می‌شود که ارزش آن برای مخاطب به صفر می‌رسد. آنچه در جهان امروز اهمیت دارد، این است که خبر دیگر انتقال‌دهنده واقعیت نیست بلکه سازنده واقعیت است. خبرنگار حرفه‌ای نیز خبرنگاری است که بتواند یک خبر را بسازد و خبر را همراه با اهداف خود و سازمان خود به مخاطب القا کند (سلطانی‌فر و هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۵).

1. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

2. News Coverage



### ۳-۳. خدمت سیاسی رسانه‌ها

به گفته پرلاف<sup>۱</sup> (۱۹۹۰)، «امروزه، راه‌های انتقال رویدادهای سیاسی در مقایسه با دوره‌های قبل از خود، در بخش وسیعی تفاوت کرده، چراکه رسانه‌های خبری مدرن نه تنها به‌عنوان کانال‌هایی برای ارتباطات به شمار می‌آیند، بلکه به‌عنوان پایگاه‌های مهم قدرت که ساختارها و برنامه‌های آن به‌شدت بر محتوا و شکل ارتباطی سیاسیون با عموم مردم تأثیرگذار است، محسوب می‌شوند. برای مثال یک وبلاگ دولتی و رسمی می‌تواند به بیان داستانی از یک اداره دولتی یا نظرات مقامات رسمی و تجربیات آنها بپردازد» (Benaissa, 2011:29).

### ۳-۴. روزنامه‌نگاری آنلاین<sup>۲</sup>

از نظر مفهومی، به‌طور کلی به هر نوع فعالیت روزنامه‌نگاری بر روی اینترنت که دارای خاصیت روزآمدی و تازه‌شدن است و با حادث شدن مسئله تازه خبری، تغییر در صفحه خبری اینترنتی بلافاصله یا با فاصله اندک رخ دهد، روزنامه‌نگاری آنلاین (برخط) گفته می‌شود (آقارفعی، ۱۳۹۵: ۷۳). روزنامه‌نگاری آنلاین در حوزه کاربردی از دیگر انواع روزنامه‌نگاری متمایز می‌شود، زیرا از ترکیبات فناورانه‌ی خود به‌عنوان عامل تعیین کننده و مشخصه کاربردی بهره می‌برد. در این نوع روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگار آنلاین باید درباره اینکه کدام قالب رسانه‌ای می‌تواند به بهترین نحو یک گزارش معین را روایت کند، تصمیم بگیرد (عامل چندرسانه‌ای بودن<sup>۳</sup>)، باید در بستر آنلاین برای مخاطبان گزینه‌هایی برای پاسخ، تعامل و یا حتی قابلیت شخصی‌سازی در پخش محتواهای رسانه‌ای را فراهم کند (تعاملی بودن<sup>۴</sup>) و باید شیوه‌های ارتباط محتوای رسانه‌ای را با دیگر گزارش‌ها، آرشیو، منابع و دیگر مطالب را از طریق لینک کردن مطالب به هم فراهم کند (فرامتنی بودن<sup>۵</sup>). این، یک شکل آرمانی از روزنامه‌نگاری آنلاین است (Deuze, 2001:3).

### ۳-۵. اخبار آنلاین<sup>۶</sup>

اخبار آنلاین در اشکال و گونه‌های بسیار زیادی دیده می‌شوند. هرچند، سازمان‌های خبری گرایش دارند که برخی معاهده‌ها و آئین‌نامه‌ها را درباره طراحی و ساختار حضور آنلاین خود به

1. Jeffrey M. Perloff
2. Online Journalism
3. Multimodality
4. Interactivity
5. Hypertextuality
6. Online News



اشتراک بگذارند، اما روش روزنامه‌نگاری آنلاین آن‌ها در فعالیت روزانه بر خصوصیات رسانه‌ای جدید تأکید متمایزی می‌گذارد. در اخبار آنلاین امکان ترکیب و تغییر فناوری‌های مختلف به-مراتب بیش‌تر از رسانه‌های سنتی وجود دارد. در مقالات اخبار آنلاین، علاوه بر متن و تصاویر می‌توان از ویدئوها، صدا، اسلایدشو و اینفوگرافیک‌ها استفاده کرد. ساندِر<sup>۱</sup> و لیمپروس<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) معتقدند که امکان استفاده از فناوری‌های گوناگون ممکن است تأثیری مثبت بر درک و نظر مخاطبان اخبار آنلاین داشته باشد. به‌عنوان مثال وب‌سایت‌هایی که اخبار را علاوه بر متن به‌صورت تصاویر زنده پوشش می‌دهند، از وب‌سایت‌هایی که فقط اخبار را به‌صورت متنی پوشش می‌دهند، واقعی‌تر درک و دریافت می‌شوند. این نویسندگان همچنین معتقدند استفاده از فناوری‌هایی همچون تصاویر و ویدئو در پوشش اخبار می‌تواند تجربه حضور در نقاط دور و مشاهده اخبار آنلاین و واقعی را در مخاطبان به‌وجود بیاورند. به دنبال آن نیز، نه تنها می‌توان نظر خوانندگان و انگیزه آنان درباره گردش اطلاعات را مثبت ارزیابی کرد، بلکه به‌نظر می‌رسد که استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند تأثیری مثبت در یادگیری آنها ایجاد کند (Opgenhaffen and d'Haenens, 2011).

### ۳-۶. سایت‌های خبری جریان اصلی<sup>۳</sup>

گسترده‌ترین شکل رسانه‌های خبری آنلاین، سایت‌های خبری جریان اصلی هستند که عموماً مجموعه‌ای از محتوای ویراستاری‌شده و حداقلی از ارتباط مشارکتی را عرضه می‌کنند. محتوای این سایت‌ها یا به‌صورت خاص برای وب تولید شده‌اند یا محتوای جمع‌آوری شده از رسانه‌های مرجع هستند که به آنها لینک داده شده است. نمونه‌های برجسته سایت‌های جریان اصلی عبارت‌اند از سایت‌های سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی<sup>۴</sup> و ام‌اس‌ان‌بی‌سی<sup>۵</sup> (کتابدار، ۱۳۹۳: ۲۰). به‌طور کلی می‌توان از این وب‌سایت‌ها به‌عنوان اتاق خبر آنلاین<sup>۶</sup> برای رسانه‌های خبری و جریان اصلی نام برد که با پیشرفت‌های فناوری و توسعه دنیای وب، حضور خود در بین مخاطبان جهانی را محدود به پخش رادیویی و یا تلویزیونی و سنتی محدود نکرده و برای ادامه روند تأثیرگذاری بر

1. S. Shyam. Sundar

2. Anthony Limperos

3. Mainstream News Sites

4. BBC

5. MSNBC

6. Online Newsroom

مخاطبان در راستای اهداف و سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای خود تلاش می‌کنند و کاملاً به شبکه‌های خبری و جریان‌ساز متبوع خود وابسته هستند.

#### ۴. چارچوب نظری

##### ۴-۱. نظریه برجسته‌سازی<sup>۱</sup>

نظریه برجسته‌سازی معتقد است که رسانه‌ها در شکل‌دهی به نوع جهان‌بینی در مردم مؤثر هستند و می‌توانند به مردم بگویند که بر روی چه موضوعاتی تفکر و تفحص و چه موضوعی را کم‌اهمیت تلقی کنند. در دنیایی که مشحون از اخبار و اطلاعات است، رسانه با توجه به سیاست‌های خاص به اولویت‌گذاری اخبار و اطلاعات روی می‌آورد و بر مبنای این اولویت‌گذاری، اخبار را براساس اهمیت برجسته‌سازی می‌کند. یکی از اثرهای ارتباط جمعی، سوق دادن توجه ما به مشکلات و مسائل معین است که این کارکرد، برجسته‌سازی رسانه‌ها خوانده می‌شود (سورین و تانکارد، ۱۳۹۱: ۲۴۳). پس از طرح نظریه برجسته‌سازی، به‌تدریج، زنجیره‌ای از پژوهش‌ها انجام شد که مفهوم برجسته‌سازی را از اولویت‌گذاری صرف خارج کرده و آن را به مسائل دیگر گسترش دادند. هارولد زوکر<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) این نظر را مطرح کرد که «آشنا بودن موضوع» ممکن است عامل مهمی در وقوع یا عدم وقوع برجسته‌سازی در مطبوعات باشد. «ونت»<sup>۳</sup> (۱۹۸۸) در مورد مطبوعات، تأثیر «اندازه عکس‌های همراه با یک گزارش» را بر رتبه‌بندی مخاطبان، درباره موضوعات شناسایی کرد. «دانیلیان»<sup>۴</sup> و «ریز»<sup>۵</sup> (۱۹۸۹)، شواهدی پیدا کردند و در نتیجه آن تأثیر محتوای رسانه‌های نخبه (مثل نیویورک تایمز) را بر «اولویت» سایر رسانه‌ها «برجسته‌سازی بین رسانه‌ای» نامیدند (سورین و تانکارد، ۱۳۹۱: ۳۴۳-۳۳۶).

دو تفاوت عمده در ارائه اخبار در محیط چاپی و آنلاین ممکن است به فرآیند برجسته‌سازی مرتبط باشد. چرا که محیط آنلاین، روش‌های سنتی را که در آن تصمیم‌هایی که هیئت تحریریه در برجسته‌سازی موضوعات خبری برای خوانندگان اتخاذ می‌کنند، تغییر می‌دهد. اولین تفاوت از انعطاف‌پذیری نسبی شکل‌های ارائه خبر در فضای وب نشأت می‌گیرد؛ به این صورت که وب‌سایت‌های خبری، مخاطبان را در انتخاب و مصرف اخباری که توسط سردبیران فراهم می-

1. Agenda Setting Theory
2. Harold Zuker
3. Wayne Wanta
4. Lucig H. Danielian
5. Stephen D. Reese



شود، در سطح بالایی ترغیب می‌کنند (Heeter et al, 1987: 341). شکل‌های سنتی روزنامه‌های چاپی، اخبار را از طریق تنظیم کردن خطی سلسله‌ای از داستان‌های خبری به صورت بیش-ترین اهمیت از صفحه اول تا صفحات داخلی ارائه می‌دادند. این روش چینش اخبار، خوانندگان را مجاب می‌کرد تا با جستجوی ناکارآمد و صفحه‌به‌صفحه به محتوای خبری مورد علاقه خود دست یابند. در نتیجه، اخباری که خوانندگان روزنامه‌های چاپی به آنها علاقه‌ای نداشته و در جستجوی آن هم نبودند به‌طور ناخواسته در برابر آنها قرار می‌گرفت. اما روزنامه‌های آنلاین، برخلاف روزنامه‌های سنتی و چاپی، اخبار را در طبقه‌بندی‌های مخصوص قرار داده و بسیار سریع دسترسی خوانندگان را به آن خبرهایی که اولویت‌های انتخابی و اطلاعات مورد علاقه آنها را پاسخ می‌دهند، میسر می‌سازند (Dozier and Rice 1984: 106). تفاوت دوم، در نتیجه محدودیت‌های ناشی از قرارگیری گزارش‌های خبری بر روی فضای وب است. اکثر نشانه‌های مورد استفاده برای نشان دادن اهمیت خبر در روزنامه‌های چاپی و سنتی برای استفاده در فضای آنلاین و وب مناسب نیستند. برای مثال، یک صفحه نمایش رایانه‌ای و کوچک به نسبت صفحات روزنامه چاپی از امکان متراکم کردن اطلاعات زیاد تا بزرگ‌تر کردن صفحه نمایش برای مشاهده جزئی و بزرگ یک صفحه از مطالب خبری برخوردار است که این ویژگی امکان نمایش یک تیتیر خبری بزرگ با همه جزئیات و نشانه‌های مورد استفاده در آن را فراهم می‌کند (Althaus and Tewksbury, 2002:183).

#### ۴-۲. نظریه چارچوب‌سازی<sup>۱</sup>

چارچوب‌سازی، فرآیند کنترل انتخابی محتوای رسانه توسط دست‌اندرکاران رسانه‌ای است. این نظریه می‌گوید چگونه بخش خاصی از محتوای رسانه یا معانی بیان حاصل از آن در یک قالب و بسته‌بندی ارائه می‌شود به گونه‌ای که امکان تعبیر و تفسیر مطلوب، معین و مشخص را فراهم و تعبیر دیگر را حذف می‌کند. به بیان دیگر رسانه‌ها به مخاطبان می‌گویند درباره چه فکر کنند و سپس چگونه فکر کردن را نیز در چارچوبی که از پیش ساخته و پرداخته‌اند، بر آنان تحمیل می‌کنند. چارچوب‌سازی مبتنی بر این فرض است که نحوه توصیف یک موضوع و رویداد در گزارش‌های خبری، بر چگونگی درک آن موضوع و رویداد توسط مخاطب، تأثیر می‌گذارد (Scheufele and Tewskbury, 2007:17).

از نظر زابلی‌زاده (۱۳۹۳) با گذشت زمان شواهد بیش‌تری برای این دیدگاه فراهم شد که رسانه‌ها به ارائه بدون جانبداری موضوعات مشغول نیستند، بلکه هرکدام بسته به خطی‌مشی سازمان خبری خود، آن را به گونه‌ای خاص تنظیم می‌کنند و جنبه خاصی را بیشتر در معرض دید مخاطبان خود قرار می‌دهند. ابزارهای روایت‌گری و چارچوب‌سازی اخبار در فضای جدید رسانه‌ای در حال دگرگونی است و در آینده بیشتر تغییر خواهند کرد. برای درک بهتر این تغییرات، لازم است ابزارهایی که تغییرات را به نوعی در چارچوب‌سازی اخبار ایجاد می‌کنند، شناسایی شوند. این ابزارها شامل فرارسانه<sup>۱</sup>، تصویرسازی همه‌جانبه<sup>۲</sup> و استفاده از چندرسانه‌های موضوع‌محور<sup>۳</sup> هستند. فرارسانه شامل ابزارهای آنالاین است که به روزنامه‌نگاران و دیگر روایت‌گران اجازه می‌دهد تا لینک‌های الکترونیکی را در میان گزارش‌ها و دیگر محتوای رسانه‌ای و آنالاین خود ایجاد کنند. این ابزارهای جدید، با همدیگر، فرصتی را برای روایت‌گران خبر، همچون روزنامه‌نگاران فراهم می‌کند تا بتوانند گزارش‌هایی با قابلیت درگیری بیشتر مخاطب و نزدیک به واقعیت در مورد یک رویداد ارائه دهند. همچنین این ابزارها فرصتی را فراهم می‌کنند تا گزارش‌های خبری کم‌تر محدود به روایت‌گری‌های یک‌بعدی و در قالب بخش‌گونه که در بیشتر رسانه‌های امروزی دیده می‌شود، باشند.

#### ۴-۳. نظریه دروازه‌بانی<sup>۴</sup>

قدرت عظیمی در وسایل ارتباط جمعی نهفته است و منابع معنی موجود در این ابزارها با اهداف بسیار متنوع و امکاناتی که روزبه‌روز بر آن افزوده می‌شود، در حال تولید پیام هستند. دروازه‌بانان آشکار و پنهانی در انتخاب پیام، حذف پیام و تغییر شکل پیام دست دارند. مثلاً هر کدام از دست‌اندرکاران تولید پیام‌های خبری وسایل ارتباط جمعی می‌توانند نقش یک فیلتر را در تبدیل یک واقعیت به اطلاعات ایفا کنند و این اطلاعات که محتوای پیام‌های خبری وسایل ارتباط جمعی هستند، اغلب از فیلترهای گوناگون عبور می‌کنند (محسنیان‌راد، ۱۳۹۶: ۳۶۷). سینگر<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) نیاز به بازنگری در مفاهیم اساسی دروازه‌بانی را مطرح کرده و توجه را به سمت چالش‌های مهم پیش‌روی فرآیند دروازه‌بانی با ظهور عصر دیجیتال جلب کرده بود. درواقع ظهور اینترنت نیاز به

1. Hypermedia
2. Omnidirectional Imaging
3. Object\_Oriented Multimedia
4. Gatekeeping Theory
5. Jane B Singer



انجام مطالعات بر روی رسانه‌های فعال و جدید را بیشتر کرده و بازنگری در نظریه دروازه‌بانی برای تطبیق با تغییرات بوجود آمده در نتیجه توسعه فناوری را می‌طلبد (almaghlooth, 2013).<sup>9</sup>

با گسترش بستر اینترنت و اضافه شدن ظرفیت‌های خلق هنری و رسانه‌ای جدید برای نمود بهتر اخبار، دروازه‌بانی می‌تواند نقشی فعالانه‌تر از قبل ایفا کند. زیرا کنترل و هدایت محتوای اخبار منتشر شده به‌طور مستقیم می‌تواند از توان و ظرفیت تاکتیکی دست‌اندرکاران رسانه‌های خبری و به‌اصطلاح دروازه‌بانان آنان ناشی شده و درواقع هر کدام از رسانه‌ها می‌توانند در بسترهای از قبل آماده شده برای نحوه پوشش اخبار گزینش شده، مطالب مورد پسندتری را به مخاطبان خود ارائه کنند. دروازه‌بانان رسانه‌های خبری با استفاده از سرعت روزافزون فضای وب، مطالب خبری را در کم‌ترین زمان جمع‌آوری و بسته‌بندی کرده و پردازش آن را براساس نظر خود و در قالب روزنامه‌نگاری آنلاین که از محدودیت‌های روزنامه‌نگاری سنتی رهایی یافته و هر لحظه در هر کجا می‌تواند پیش‌روی مخاطب باشد، انجام می‌دهند (شکرخواه، ۱۳۸۰: ۳۷).

## ۵. روش پژوهش

در این پژوهش، جامعه آماری، شامل همه خبرهای منتشرشده بر روی وب‌سایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان در مورد خروج آمریکا از برجام در بازه زمانی ۲۰ روزه بعد از اعلام تصمیم ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از برجام بوده است. یعنی از بازه زمانی ۱۸ اردیبهشت تا ۶ خرداد سال ۱۳۹۷ (۸ تا ۲۷ ماه می سال ۲۰۱۸ میلادی). لذا اولین خبر، خبر اعلام خروج آمریکا از برجام توسط رئیس‌جمهور آمریکا از برجام در هر دو وب‌سایت بوده و تا ۲۰ روز بعد یعنی از لحاظ زمانی تا آخرین خبری که در تاریخ ۲۷ می سال ۲۰۱۸ بر روی هر دو وب‌سایت قرار گرفته باشد، جمع‌آوری و در جامعه آماری پژوهش در نظر گرفته شد. دلیل انتخاب بازه زمانی ذکر شده، وجود تراکم و پیک خبری راجع به انتشار اخبار خروج آمریکا از برجام در هر دو وب‌سایت پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان بوده است. به‌طوری که با بررسی‌های انجام شده، از تاریخ اعلام خروج آمریکا از برجام، در بازه زمانی ۲۰ روزه، تعداد ۱۲۲ خبر (یعنی با میانگین هر هفته ۳۰ خبر) بر روی وب‌سایت پرس‌تی‌وی و هم‌چنین تعداد ۹۱ خبر (با میانگین ۳۰ خبر در هر هفته) بر روی وب‌سایت سی‌ان‌ان منتشر شده است. این در حالی است که در هفته چهارم بعد از زمان انتخاب‌شده (پیک خبری) بر روی وب‌سایت پرس‌تی‌وی تنها ۹ خبر و بر روی وب‌سایت سی‌ان‌ان نیز هیچ خبری در



مورد خروج امریکا از برجام کار نشده است. بنابراین زمان ۲۰ روزه اول به‌عنوان اوج خبررسانی هر دو وبسایت در این زمینه برای مطالعه انتخاب شده است.

بدین‌صورت که اخبار مورد بررسی از طریق بخش دیتا سرچ<sup>۱</sup> موجود در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان گردآوری و در فرآیند کدگذاری برای استخراج داده‌های آنلاین در وبسایت‌های مذکور از طریق دسترسی آنلاین برای مشاهده بهتر نحوه استفاده از ظرفیت‌های خبررسانی آنلاین در پوشش اخبار در هر کدام از وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان استفاده شد. اعتبار صوری پژوهش از طریق مراجعه به صاحب‌نظران حوزه ارتباطات، رسانه و خبر برای بررسی مقوله‌ها انجام شد. پایایی پژوهش نیز از طریق آزمون مجدد و فرمول ویلیام اسکات برای هر دو وبسایت با میانگین ۸۱ درصد (بالاتر از ۷۰ درصد) مورد تأیید قرار گرفت.

چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

## ۶. یافته‌ها

جدول ۱. توزیع فراوانی برحسب دسته‌بندی موضوعی در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان<sup>۱</sup>

| سی‌ان‌ان | پرس‌تی‌وی | وبسایت          |                         |
|----------|-----------|-----------------|-------------------------|
|          |           | دسته‌بندی موضوع |                         |
| ۵۸       | ۵۹        | فراوانی         | سیاسی                   |
| ۶۳,۷     | ۴۸,۴      | درصد            |                         |
| ۰        | ۳۵        | فراوانی         | انرژی هسته‌ای           |
| ۰        | ۲۸,۷      | درصد            |                         |
| ۸        | ۹         | فراوانی         | برنامه‌های خبری         |
| ۸,۸      | ۷,۴       | درصد            |                         |
| ۱۷       | ۹         | فراوانی         | اقتصادی                 |
| ۱۸,۷     | ۷,۴       | درصد            |                         |
| ۳        | ۴         | فراوانی         | خاورمیانه<br>(غرب آسیا) |
| ۳,۳      | ۳,۳       | درصد            |                         |
| ۱        | ۱         | فراوانی         | نظامی                   |
| ۱,۱      | ۰,۸       | درصد            |                         |
| ۴        | ۵         | فراوانی         | سایر                    |
| ۴,۴      | ۴,۱       | درصد            |                         |
| ۹۱       | ۱۲۲       | فراوانی         | کل                      |
| ۱۰۰      | ۱۰۰       | درصد            |                         |

طبق مندرجات جدول شماره ۱، سرویس‌های خبری سیاسی در هر دو وبسایت بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (برای پرس‌تی‌وی ۴۸,۴ درصد و برای سی‌ان‌ان ۶۳,۷ درصد). سرویس خبری انرژی هسته‌ای فقط در وبسایت پرس‌تی‌وی مقدار ۲۸,۷ درصد از اخبار را پوشش داده است. اما این سرویس در وبسایت سی‌ان‌ان به صورت مستقل موجود نبوده است. این موضوع نشان می‌دهد که موضوع انرژی هسته‌ای برای پرس‌تی‌وی اهمیت بیشتری از

۱. با توجه به اینکه در این پژوهش به دنبال تفاوت‌ها و شباهت‌های پوشش خبری بر روی وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان بوده‌ایم، لذا وجود برخی عناوین پوشش خبری مانند انرژی هسته‌ای بر روی وبسایت پرس‌تی‌وی و نبود آن بر روی وبسایت سی‌ان‌ان از دلایل اهمیت و نحوه پوشش خبری آن به شمار آمده است. لذا با تأکید بر اهمیت ساختار وبسایت‌های خبری، دسته‌بندی موضوعات گوناگون بر روی وبسایت خبری را به عنوان سرویس‌های خبری و موضوعی به شمار آورده و همچنین به منظور بهره‌برداری از فضای مورد استفاده در وبسایت خبری بدان نگریسته شده است. به عبارتی دسته‌بندی خود وبسایت‌ها، ملاک دسته‌بندی در این مقاله قرار گرفته است.



سی‌ان‌ان داشته است. سرویس اقتصادی میزان ۷,۴ درصد برای پرس‌تی‌وی و ۱۸,۷ درصد برای سی‌ان‌ان، اخبار را پوشش داده است. برنامه‌های خبری به‌عنوان حلقه وصل بین شبکه تلویزیونی و وبسایت متبوع در پرس‌تی‌وی ۷,۵۴ درصد و در سی‌ان‌ان ۸,۸ درصد از اخبار را تشکیل داده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی برحسب ارزش خبری برجسته در لید در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان

| سی‌ان‌ان | پرس‌تی‌وی | وبسایت               |                 |
|----------|-----------|----------------------|-----------------|
|          |           | ارزش خبری برجسته لید |                 |
| ۴۲       | ۹۰        | فراوانی              | شهرت            |
| ۴۶,۲     | ۷۳,۸      | درصد                 |                 |
| ۱۷       | ۱۳        | فراوانی              | برخورد          |
| ۱۸,۷     | ۱۰,۷      | درصد                 |                 |
| ۲۱       | ۹         | فراوانی              | درب‌گیری        |
| ۲۳,۱     | ۷,۴       | درصد                 |                 |
| ۴        | ۵         | فراوانی              | تازگی           |
| ۴,۴      | ۴,۱       | درصد                 |                 |
| ۰        | ۲         | فراوانی              | مجاورت          |
| ۰        | ۱,۶       | درصد                 |                 |
| ۱        | ۲         | فراوانی              | استثنا          |
| ۱,۱      | ۱,۶       | درصد                 |                 |
| ۵        | ۱         | فراوانی              | فراوانی و بزرگی |
| ۵,۵      | ۰,۸       | درصد                 |                 |
| ۹۱       | ۱۲۲       | فراوانی              | کل              |
| ۱۰۰      | ۱۰۰       | درصد                 |                 |

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد در وبسایت پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان برجسته‌ترین ارزش خبری، ارزش شهرت به میزان ۷۳,۸ درصد و ۴۶,۲ درصد بوده است. بعد از آن ارزش خبری برخورد در وبسایت پرس‌تی‌وی به میزان ۱۰,۷ درصد و در وبسایت سی‌ان‌ان ارزش درب‌گیری به میزان ۲۳,۱ درصد بوده است.



جدول ۳. توزیع فراوانی برحسب خبرساز برجسته در خبر در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان

| موضوع برجسته در خبر         | وبسایت  | پرس‌تی‌وی | سی‌ان‌ان |
|-----------------------------|---------|-----------|----------|
|                             |         |           |          |
| مقامات رسمی ایران           | فراوانی | ۴۰        | ۳        |
|                             | درصد    | ۳۲,۸      | ۳,۳      |
| مقامات رسمی کشورهای اروپایی | فراوانی | ۲۱        | ۹        |
|                             | درصد    | ۱۷,۲      | ۹,۹      |
| مقامات رسمی آمریکا          | فراوانی | ۱۸        | ۵۶       |
|                             | درصد    | ۱۴,۸      | ۶۱,۵     |
| مقامات نهادهای بین‌المللی   | فراوانی | ۱۴        | ۱        |
|                             | درصد    | ۱۱,۵      | ۱,۱      |
| مقامات رسمی چین و روسیه     | فراوانی | ۷         | ۰        |
|                             | درصد    | ۵,۷       | ۰        |
| کارشناسان و تحلیل‌گران      | فراوانی | ۷         | ۱۴       |
|                             | درصد    | ۵,۷       | ۱۵,۴     |
| مقامات رژیم صهیونیستی       | فراوانی | ۳         | ۲        |
|                             | درصد    | ۲,۵       | ۲,۲      |
| مقامات رسمی کشورهای عربی    | فراوانی | ۲         | ۱        |
|                             | درصد    | ۱,۶       | ۱,۱      |
| سایر                        | فراوانی | ۱۰        | ۵        |
|                             | درصد    | ۸,۲       | ۵,۵      |
| کل                          | فراوانی | ۱۲۲       | ۹۱       |
|                             | درصد    | ۱۰۰       | ۱۰۰      |

با توجه به جدول فوق، هر دو وبسایت پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان مقامات رسمی کشور متبوع خود یعنی مقامات رسمی ایران و آمریکا را به ترتیب به‌میزان ۳۲,۸ درصد و ۶۱,۵ درصد برجسته کرده‌اند. بعد از آن در وبسایت پرس‌تی‌وی مقامات رسمی کشورهای اروپایی به‌میزان ۱۷,۲ درصد برجسته شده‌اند، درحالی که در وبسایت سی‌ان‌ان کارشناسان و تحلیل‌گران در مرتبه دوم خبرسازترین‌ها به میزان ۱۵,۴ درصد بوده‌اند.

جدول ۴. توزیع فراوانی برحسب موضوع برجسته شده در خبر در وبسایت‌های پرس تی وی و سی‌ان‌ان

| سی‌ان‌ان | پرس تی وی | وبسایت              |                                                 |
|----------|-----------|---------------------|-------------------------------------------------|
|          |           | موضوع برجسته در خبر |                                                 |
| ۶        | ۳۵        | فراوانی             | پابندی اروپا به برجام                           |
| ۶۶       | ۲۸,۷      | درصد                |                                                 |
| ۲۸       | ۲۴        | فراوانی             | اقدام غیرقانونی و اشتباه ترامپ در خروج از برجام |
| ۳۰,۸     | ۱۹,۷      | درصد                |                                                 |
| ۶        | ۱۱        | فراوانی             | درگیری نظامی در خاورمیانه (غرب آسیا)            |
| ۶۶       | ۹         | درصد                |                                                 |
| ۲        | ۷         | فراوانی             | اعمال تحریم علیه ایران                          |
| ۲,۲      | ۵,۷       | درصد                |                                                 |
| ۰        | ۶         | فراوانی             | پابندی ایران به برجام                           |
| ۰        | ۴,۹       | درصد                |                                                 |
| ۲        | ۵         | فراوانی             | بی‌اعتمادی به امریکا                            |
| ۲,۲      | ۴,۱       | درصد                |                                                 |
| ۴        | ۴         | فراوانی             | لغو قراردادهای تجاری با ایران                   |
| ۴,۴      | ۳,۳       | درصد                |                                                 |
| ۴        | ۴         | فراوانی             | از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران              |
| ۴,۴      | ۳,۳       | درصد                |                                                 |
| ۰        | ۴         | فراوانی             | احتمال خروج ایران از برجام                      |
| ۰        | ۳,۳       | درصد                |                                                 |
| ۰        | ۳         | فراوانی             | مقاومت ایران در برابر تحریم‌ها                  |
| ۰        | ۲,۵       | درصد                |                                                 |
| ۲        | ۳         | فراوانی             | تحریم اروپا توسط امریکا                         |
| ۲,۲      | ۲,۵       | درصد                |                                                 |
| ۱۱       | ۱         | فراوانی             | مشکلات اقتصادی برای امریکا                      |
| ۱۲,۱     | ۰,۸       | درصد                |                                                 |
| ۲        | ۰         | فراوانی             | مشکلات اقتصادی برای ایران                       |
| ۲,۲      | ۰         | درصد                |                                                 |
| ۱۰       | ۰         | فراوانی             | تصمیم صحیح ترامپ در خروج از برجام               |
| ۱۱       | ۰         | درصد                |                                                 |
| ۱۴       | ۱۵        | فراوانی             | سایر                                            |
| ۱۵,۴     | ۱۲,۳      | درصد                |                                                 |
| ۹۱       | ۱۲۲       | فراوانی             | کل                                              |
| ۱۰۰      | ۱۰۰       | درصد                |                                                 |

مقایسه نحوه پوشش اخبار خروج آمریکا از برجام... ۱۹۵



جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در وبسایت پرس‌تی‌وی موضوع پایبندی اروپا به برجام برجسته‌ترین موضوع به‌میزان ۲۸,۷ درصد و در وبسایت سی‌ان‌ان برجسته‌ترین موضوع مربوط به اقدام غیرقانونی و اشتباه ترامپ در خروج از برجام به‌میزان ۳۰,۸ درصد بوده است. موضوع اقدام غیرقانونی و اشتباه ترامپ در خروج از برجام در وبسایت پرس‌تی‌وی به‌میزان ۱۹,۷ برجسته شده است. موضوع پایبندی ایران به برجام در حالی که در وبسایت پرس‌تی‌وی به میزان ۴,۹ درصد اخبار برجسته‌شده، در وبسایت سی‌ان‌ان هیچ‌گونه انعکاسی نداشته است.

جدول ۵. توزیع فراوانی برحسب جهت‌گیری تیتر خبر در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان

| سی‌ان‌ان | پرس‌تی‌وی | وبسایت            |      |
|----------|-----------|-------------------|------|
|          |           | جهت‌گیری تیتر خبر |      |
| ۳۳       | ۵۱        | فراوانی           | منفی |
| ۳۶,۳     | ۴۱,۸      | درصد              |      |
| ۱۹       | ۳۹        | فراوانی           | مثبت |
| ۲۰,۹     | ۳۲        | درصد              |      |
| ۳۹       | ۳۲        | فراوانی           | خنثی |
| ۴۲,۹     | ۲۶,۲      | درصد              |      |
| ۹۱       | ۱۲۲       | فراوانی           | کل   |
| ۱۰۰      | ۱۰۰       | درصد              |      |

همانطور که داده‌های آماری نشان می‌دهد، در وبسایت پرس‌تی‌وی، جهت‌گیری غالب نسبت به خروج آمریکا از برجام به‌میزان ۴۱,۸ درصد منفی و جهت‌گیری غالب در وبسایت سی‌ان‌ان به‌میزان ۴۲,۹ درصد خنثی بوده است.

جدول ۶. توزیع فراوانی برحسب سبک خبر در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان

| سی‌ان‌ان | پرس‌تی‌وی | وبسایت  |             |
|----------|-----------|---------|-------------|
|          |           | سبک خبر |             |
| ۶۶       | ۶۳        | فراوانی | فرآیند مدار |
| ۷۲,۵     | ۵۱,۶      | درصد    |             |
| ۲۵       | ۵۹        | فراوانی | رویداد مدار |
| ۲۷,۵     | ۴۸,۴      | درصد    |             |
| ۹۱       | ۱۲۲       | فراوانی | کل          |
| ۱۰۰      | ۱۰۰       | درصد    |             |



همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد، وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان بیشتر اخبار خود را به‌صورت فرآیندمدار به ترتیب به میزان ۵۱٫۶ درصد و ۷۲٫۵ درصد انعکاس داده‌اند. سهم انعکاس اخبار به‌صورت رویدادمدار برای پرس‌تی‌وی ۴۸٫۴ درصد و برای سی‌ان‌ان ۲۷٫۵ درصد بوده است.

جدول ۷. توزیع فراوانی برحسب اولویت استفاده از چندرسانه‌ای‌ها در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان

| سی‌ان‌ان | پرس‌تی‌وی | وبسایت                           |                |
|----------|-----------|----------------------------------|----------------|
|          |           | اولویت استفاده از چندرسانه‌ای‌ها |                |
| ۳        | ۹۶        | فراوانی                          | عکس            |
| ۳٫۳      | ۷۸٫۷      | درصد                             |                |
| ۸۲       | ۲۳        | فراوانی                          | ویدئو          |
| ۹۰٫۱     | ۱۸٫۹      | درصد                             |                |
| ۶        | ۳         | فراوانی                          | طراحی و گرافیک |
| ۶٫۶      | ۲٫۵       | درصد                             |                |
| ۹۱       | ۱۲۲       | فراوانی                          | کل             |
| ۱۰۰      | ۱۰۰       | درصد                             |                |

با توجه به داده‌های آماری به‌دست آمده، وبسایت پرس‌تی‌وی از عکس به میزان ۷۸٫۷ درصد به‌عنوان اولویت استفاده از چندرسانه‌ای‌ها استفاده کرده است، در حالی که وبسایت سی‌ان‌ان در ۹۰٫۱ درصد از اخبار از اولویت ویدئو به‌عنوان چندرسانه‌ای بهره برده است. همچنین میزان استفاده از طراحی و گرافیک در اخبار خروج امریکا از برجام در وبسایت پرس‌تی‌وی به میزان ۲٫۵ درصد و در وبسایت سی‌ان‌ان ۶٫۶ درصد بوده است.

جدول ۸. توزیع فراوانی برحسب لحن خبر در وبسایت‌های پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان

| سی‌ان‌ان | پرس‌تی‌وی | وبسایت  |           |
|----------|-----------|---------|-----------|
|          |           | لحن خبر |           |
| ۴۸       | ۶۴        | فراوانی | تنش‌زا    |
| ۵۲٫۷     | ۵۲٫۵      | درصد    |           |
| ۴۳       | ۵۸        | فراوانی | غیرتنش‌زا |
| ۴۷٫۳     | ۴۷٫۵      | درصد    |           |
| ۹۱       | ۱۲۲       | فراوانی | کل        |
| ۱۰۰      | ۱۰۰       | درصد    |           |



طبق جدول ۸ مشخص است که هر دو وبسایت پرس تی وی و سی ان ان بیشتر اخبار خود را با لحن تنش‌زا به ترتیب به میزان ۵۲,۵ درصد و ۵۲,۷ درصد انعکاس داده‌اند. این در حالی است که همزمان استفاده از لحن غیرتنش‌زا در وبسایت‌های پرس تی وی و سی ان ان به ترتیب به میزان ۴۷,۵ درصد و ۴۷,۳ درصد بوده است.

## ۷. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد در وبسایت پرس تی وی، سرویس‌های سیاسی و انرژی هسته‌ای بیشترین فعالیت را در پوشش خبری موضوع خروج آمریکا از برجام داشته‌اند، در حالی که وبسایت سی ان ان موضوع خروج آمریکا از برجام را بیشتر در سرویس سیاسی و در سرویس اقتصادی منعکس کرده است. با استناد به نظریه برجسته‌سازی، قدرت واقعی رسانه‌ها در برجسته‌سازی و اولویت‌بندی موضوعات در پوشش اخبار است و فرآیند برجسته‌سازی از رابطه بین سه اولویت رسانه، عموم و سیاست تشکیل می‌شود. به تعبیری می‌توان گفت وبسایت پرس تی وی اخبار خروج آمریکا از برجام را بیشتر سیاسی انعکاس داده که نشان از ارتباط بین اولویت رسانه و اولویت سیاست دارد و همچنین مسئله انرژی هسته‌ای ایران را به‌عنوان یکی از اولویت‌های عموم در فرآیند برجسته‌سازی تبدیل کرده است. نتایج پژوهش رضاقلی‌زاده (۱۳۸۵) در بررسی نحوه برجسته‌سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در وبسایت‌های بی بی سی فارسی و صدای آمریکا نشان داده بود که موضوع انرژی هسته‌ای ایران در هر دو وبسایت بیشتر سیاسی گزارش شده و تبدیل به پرونده‌ای سیاسی شده بود.

یافته‌های مقاله حکایت از آن دارند که وبسایت‌های پرس تی وی و سی ان ان در زمینه ارزش‌های خبری یکسان عمل کرده‌اند. در وبسایت پرس تی وی بیشترین ارزش خبری برجسته در لید، به میزان ۷۳ درصد شهرت بوده است و این میزان برای سی ان ان ۴۵,۱ درصد بوده که نشان می‌دهد درواقع آنها توجه خود را بیشتر معطوف به سخنان و عکس‌العمل‌های افراد مشهور کرده‌اند و نه خود مردم. برجسته‌سازی شهرت بدان معناست که رسانه‌ها منتظرند تا افراد مهم سخنگوی قدرت باشند و رسانه‌ها این عارضه تاریخی را کماکان به دوش می‌کشند. طبق نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت افراد تأثیرگذار در موضوع خروج آمریکا از برجام چه به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به‌عنوان ارزش و عناصر اصلی در شکل‌گیری و تنظیم اخبار مورد بررسی در نظر گرفته شده‌اند. از آنجا که طبق واکنش‌های صورت‌گرفته بعد از تصمیم ترامپ راجع به خروج آمریکا از برجام از طرف اشخاص و نهادها، بحث داغ رسانه‌ای در این زمینه با شکل و شمایل



جوابیه و پاسخ افراد و نهادها به همدیگر تشکیل شده بود، می‌توان گفت در بعد رسانه‌ای هر دو وب‌سایت نیز این موضوع باز نمود داشته و آنها در این زمینه به بلندگوی رسانه‌ای برای معرفی آخرین تصمیم‌ها راجع به اقدامات و انتخاب‌های شخصیت‌ها در خروج امریکا از برجام تبدیل شده‌اند.

همچنین هر دو وب‌سایت از سبک خبری فرآیندمدار در پوشش اخبار خروج امریکا از برجام بیشتر بهره برده و به نوعی به دنبال ذکر سابقه، تاریخچه و علل و اسباب رویداد بوده‌اند. همچنین تحلیل‌گری خبری و ذکر جزئیات در بیان رویداد در هر دو وب‌سایت بیشتر به کار گرفته شده است. این موضوع نشان می‌دهد، هیئت تحریریه این وب‌سایت‌ها بر جنبه زمان‌محور بودن و به نوعی خبر بودن صرف رویداد تمرکز زیادی داشته‌اند. سخت‌خبرها اصولاً وابسته به عنصر زمان هستند و اگر زمان از آنها گرفته بشود کهنه می‌شوند و در این اینجا سرعت در اخبار اهمیت پیدا می‌کند. در حالی که در نرم‌خبرها زمان اهمیت کم‌تری داشته و به صورت فیچرنویسی توانایی همراه کردن مخاطب را به صورت گام به گام دارد.

نتایج پژوهش نشان داد میان دو وب‌سایت در برجسته‌کردن موضوع تفاوت وجود دارد، در وب‌سایت پرس‌تی‌وی موضوع پایبندی اروپا به برجام به میزان ۲۸,۷ درصد برجسته شده است. این در حالی است که موضوع اقدام غیرقانونی و اشتباه ترامپ در خروج امریکا از برجام بیشتر از دیگر موضوعات (به میزان ۳۰,۸ درصد) در وب‌سایت سی‌ان‌ان برجسته شده است. با استناد به نظریه برجسته‌سازی، رسانه‌ها با اولویت‌بندی موضوعات و پرداختن بیشتر به آنها باعث می‌شوند تا آن موضوع برای مخاطبان مهم و برجسته پنداشته شده و از طرف دیگر برجسته‌کردن موضوع خبری نشانگر اولویت رسانه بوده و می‌تواند ذائقه مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. این به آن معنی است که هر دو رسانه از تصمیم ترامپ برای خروج برجام به عنوان یک عمل اشتباه و مغایر با قواعد بین‌المللی یاد کرده و این موضوع در وب‌سایت سی‌ان‌ان اولویت اول در برجسته‌سازی موضوعی به میزان ۳۰,۸ درصد و در پرس‌تی‌وی با اولویت دوم و به میزان ۱۹,۷ درصد انعکاس یافته است.

با استناد به نظریه دروازه‌بانی، انتخاب برخی موضوعات خبری و کنار گذاشتن برخی دیگر بیانگر وجود دروازه‌بانی فعال هیئت تحریریه رسانه در برجسته‌کردن موضوعات بوده و اگر موضوعی برجسته نشود بدان معنی است که در اولویت موضوعی رسانه قرار نداشته است. موضوع پایبندی ایران به برجام که در گزارش‌های مکرر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال



توافقنامه برجام تا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام منتشر شده بود، هیچ گونه برجسته سازی موضوعی در وبسایت سی‌ان‌ان نداشت. اما در وبسایت پرستی‌وی به میزان ۴,۹ درصد بازتاب داشت. اگرچه تغییر و تحولات به وجود آمده راجع به اخبار اینترنت و گستردگی محتوای خبری در بستر اینترنت باعث شده است تا انتخاب و گزینش مخاطب بر دروازه‌بانی اخبار توسط خبرنگویسان رسانه تأثیر بگذارد اما نحوه تنظیم و تکمیل اخبار در وبسایت‌های خبری به کمک روزنامه‌نگاری چندرسانه‌ای، روزنامه‌نگاری آنلاین، روزنامه‌نگاری تفسیری و تشریحی و سبک روایت مطالب خبری، نقش دروازه‌بانان اخبار وبسایت‌ها را پررنگ‌تر کرده است.

در حوزه خبرسازان برجسته شده در وبسایت پرستی‌وی، مقامات رسمی ایران، خبرسازان برجسته در اخبار بوده‌اند که این میزان ۳۲,۸ درصد از اخبار را شامل می‌شود. این درحالی است که خبرسازان بیشتر برجسته شده در وبسایت سی‌ان‌ان مقامات رسمی آمریکا بوده‌اند. بنا بر نتایج، می‌توان گفت مقامات دولتی و حکومتی از رسانه‌های بین‌المللی کشور خود برای انتقال سیاست‌های کلی خود به جهان استفاده می‌کنند و رسانه‌ها نیز با منعکس کردن صدای مقامات رسمی کشور متبوع خود سعی در ایفای نقش دیپلماسی رسانه‌ای در این حوزه دارند و درواقع رسانه‌های خبری در این زمینه خدمت سیاسی انجام می‌دهند. مقامات دول اروپایی در وبسایت پرستی‌وی از خبرسازان برجسته در اخبار بوده‌اند که نشان می‌دهد موضع رسمی کشورهای اروپایی به‌عنوان گروهی از توافق‌کنندگان برجام و حامیان کشور متبوع پرستی‌وی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و به میزان ۱۷,۲ درصد انعکاس داده شده‌اند. رسانه‌ها به‌عنوان پیش-قراول ترویج فرهنگ گفت‌وگویی نقش تسهیل‌کننده در روابط بین‌الملت‌ها و دولت‌ها برعهده داشته و واقعیات جامعه متبوع خود را انعکاس می‌دهند و دولتی و خصوصی بودن رسانه‌های مورد بررسی از نقش فعال آن‌ها در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای و به نوعی بازگویی مواضع حاکمیت کم نکرده است. نکته قابل توجه در اخبار مورد بررسی در وبسایت سی‌ان‌ان استفاده از کارشناسان و تحلیل‌گران به‌عنوان خبرسازان برجسته در اخبار مورد بررسی بوده است که نشان می‌دهد دیدگاه کارشناسان رسانه‌ای برای رقابت با رسانه‌های رقیب در فضای بین‌المللی و در امر پوشش خبری از اهمیت بالایی برخوردار است و این میزان در وبسایت سی‌ان‌ان ۱۵,۴ درصد بوده است درحالی که در وبسایت پرستی‌وی ۵,۷ درصد را به خود اختصاص داده است.

استفاده از مقامات رسمی به‌عنوان منبع خبرساز نشانگر این است که رسانه‌ها از زیربنای سخنان و مواضع مقامات رسمی چون مقامات کشورهای اروپایی، مقامات کشورهای چین و



روسیه و غیره درواقع موضوع خود را نیز بازتاب می‌دهند و هماهنگ با نظر آنان درواقع جهت خبری خود را تنظیم می‌کنند. در پژوهش خانجانی (۲۰۱۷) شواهدی قوی از وجود ارتباط بین پوشش اخبار سیاست خارجی امریکا توسط رسانه‌های آمریکایی و مقام و سمت افراد در دولت امریکا نشان داده شده بود. بعلاوه اینکه ذکر روزنامه‌نگاران غیردولتی به‌عنوان منبع خبری در اخبار تلویزیون نشان از درجه استقلال آنها از مقامات بود. همانطور که نتایج پژوهش نشان داد، میان وب‌سایت پرس‌تی‌وی و سی‌ان‌ان در استفاده از اخبار با لحن تنش‌زا شباهت وجود دارد. این میزان در وب‌سایت پرس‌تی‌وی به میزان ۵۲٫۵ درصد و در وب‌سایت سی‌ان‌ان نیز به میزان ۵۲٫۷ درصد از اخبار بکار گرفته شده است. استفاده از چارچوب واژگانی در القای مفاهیم خبری یکی از تکنیک‌های گزینش نامحسوس چارچوب معنایی خاص به منظور با اهمیت جلوه دادن جنبه‌ها و تأکید بر علت خاص پدیده‌ها در پوشش اخبار است. برای این کار حوزه‌هایی از معانی به رویدادها داده می‌شود که با استفاده از برجسته‌سازی آن واژگان و اضافه کردن بار معنایی و لحن خبری مطابق با سیاست‌گذاری رسانه و سلیقه آن انجام می‌شود. با خروج امریکا از برجام، فضای گسترده از تصمیمات مهم در حوزه‌های مختلفی چون نظامی، اقتصادی، سیاسی و غیره پیش روی کشورهای توافق‌کننده و غیرتوافق‌کننده به‌ویژه دو کشور ایران و امریکا به‌عنوان طرف‌های اصلی درگیر برجام قرار گرفت که می‌توانست هم تنش‌زا و هم غیرتنش‌زا باشد. رسانه‌ها به‌ویژه وب‌سایت‌های خبری نیز سعی در منعکس کردن دیدگاه‌های رسانه‌ای خود و یا مقامات رسمی کشور متبوع خود داشته‌اند. هر دو وب‌سایت در پوشش اخبار مربوط به خروج امریکا از برجام، از تیترو لید به منظور ظرفی مهم برای انتقال اصل مطلب در فضای کم‌تر و با سرعت بیش‌تر برای جلب توجه مخاطب بهره برده‌اند و تفاوت معناداری در این زمینه میان آنها وجود نداشت. مخاطب امروزی به‌دلیل گستردگی مطالب و محتوای خبری بر روی اینترنت از نگاه گذرا برای دریافت اصل مطالب در کوتاه‌ترین زمان استفاده می‌کند که تیترو لید در این زمینه به‌عنوان ظرفیت‌های جدید خبرسانی در انتقال سریع پیام خبری از اهمیت بالایی برخوردارند. طبق نتایج، هر دو وب‌سایت در تمام اخبار از این ظرفیت استفاده کرده‌اند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد هر دو وب‌سایت جهت‌گیری‌های متفاوتی را در تیترو لید اخبار منتشر شده داشته‌اند، به‌طوری که در وب‌سایت پرس‌تی‌وی، جهت‌گیری تیترو لید اخبار به‌میزان ۴۱٫۸ درصد منفی بوده است. جهت‌گیری لید اخبار نیز در وب‌سایت پرس‌تی‌وی نیز به‌میزان ۳۴٫۴ درصد، بیشتر منفی بوده است. نکته قابل توجه میزان جهت‌گیری منفی و مثبت در لید اخبار پرس‌تی‌وی است که نشان می‌دهد این



وبسایت در انعکاس جهت‌گیری کلی رویه مشخصی را دنبال نکرده است. با مقایسه وبسایت سی‌ان‌ان در این زمینه همانطور که نتایج پژوهش نشان داد، اخبار منتشر شده با جهت‌گیری خنثی بیشترین میزان جهت‌گیری در تیترو لید را داشته است که نشان می‌دهد وبسایت سی‌ان‌ان نیز جهت رسانه‌ای خود را به‌صورت آشکار یعنی منفی و یا مثبت نشان نداده و برای حفظ مخاطبان جهانی خود با نگاه میانه تلاش کرده است و از منظر حرفه‌ای‌گرایی و عینی‌گرایی، جهت رسانه‌ای خود را انعکاس داده است. همچنین همانطور که نتایج جداول دو بُعدی میان موضوعات برجسته‌شده و جهت‌گیری تیترو مورد استفاده نشان داد، در وبسایت پرستی‌وی موضوع پایبندی به برجام به‌میزان ۵۱,۳ درصد با جهت‌گیری مثبت و اقدام غیرقانونی خروج امریکا از برجام با جهت‌گیری منفی به‌میزان ۳۹,۴ درصد انعکاس داده شده است.

این پژوهش نشان داد که در پوشش اخبار خروج امریکا از برجام، وبسایت‌های پرستی‌وی و سی‌ان‌ان به شکلی متفاوت از محتوای چندرسانه‌ای برای تکمیل پوشش خبری استفاده می‌کنند. در وبسایت پرستی‌وی از عکس به‌عنوان اولویت استفاده از چندرسانه‌ای به‌میزان ۷۸,۷ درصد از اخبار استفاده شده است، این در حالی است که وبسایت سی‌ان‌ان از ویدئو به‌عنوان اولویت استفاده از چندرسانه‌ای به‌میزان ۹۰,۱ درصد بهره برده است. می‌توان گفت در این زمینه وبسایت سی‌ان‌ان در پوشش اخبار به دنبال ارائه اطلاعات حداکثری به مخاطب از طریق استفاده از فضای محدود موجود در صفحه وبسایت خود و ظرفیت بیشتر ویدئو برای ارائه اطلاعات بوده و از «ظرفیت همگرایی»<sup>۱</sup> بیش‌تر استفاده کرده است.

## ۸. پیشنهادهای کاربردی پژوهش

عدم استفاده از تصاویر آرشیوی و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان شبکه متبوع استفاده از تصاویر آرشیوی به‌عنوان اولویت چندرسانه‌ای نزد مخاطب از جنبه کنشگری و اختصاصی رسانه در پوشش خبری رویدادها می‌کاهد. همچنین برای وبسایت پرستی‌وی پیشنهاد می‌شود هر چه بیشتر از نظرات کارشناسان خود در ویدئوهای خبری بارگذاری شده استفاده کند.



### استفاده از واژگان ساده و خبری قابل فهم

زبان مورد استفاده در تنظیم اخبار باید ساده و قابل فهم برای همه مخاطبان باشد. پیشنهاد می‌شود برای وبسایت پرس‌تی‌وی در تنظیم اخبار از واژه‌های پیچیده که فقط گروهی از متخصصان در حوزه‌های مختلف می‌توانند آنها را درک و تفسیر کنند، پرهیز شود.

### بهره‌گیری مناسب از چندرسانه‌ای‌ها

وبسایت‌های خبری باید مطابق با روزنامه‌نگاری آنلاین محتوای خود را بر محورهای تعاملی، چندرسانه‌ای و فرامنتی بودن تنظیم کرده و در این مورد اصول اساسی و نظریه‌های خبری را نیز مورد توجه قرار دهند. برای وبسایت پرس‌تی‌وی پیشنهاد می‌شود هر چه بیشتر از طراحی و گرافیک مناسب برای خلق معانی جدید در پوشش اخبار بهره گرفته شود.

### ایجاد سرویس پوشش خبری ویژه از رویدادهای مهم

پیشنهاد می‌شود برای پوشش خبری ویژه از رویدادهای مهم، بلافاصله سرویس خبری ویژه برای آن در وبسایت ایجاد شود تا فضای لازم برای جریان‌سازی خبری فراهم شود.

### پیشنهادهای پژوهشی

پیشنهاد می‌شود در بررسی اخبار، از روش‌های کیفی چون تحلیل گفتمان، نشانه‌شناسی و تکنیک تحلیل تصویر برای شناسایی عناصر نهفته در پوشش اخبار مربوط به برجام استفاده شود. پیشنهاد می‌شود پژوهشی برای بررسی مقایسه‌ای نحوه برجسته‌سازی اخبار در وبسایت‌های خبری با شبکه‌های متبوع آن انجام شود تا تفاوت‌های برجسته‌سازی در اخبار آنلاین با اخبار تلویزیون مشخص شود.



## منابع و مأخذ

احمدی، علی (۱۳۸۷)، «بازتاب اخبار فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های خبری بین‌المللی؛ تحلیل محتوای اخبار شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، فاکس‌نیوز، فرانس ۲۴، الجزیره و العربیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، **دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی**.

آقارفعی، داود (۱۳۹۵)، **روزنامه‌نگاری اینترنتی در ایران: طرح یک آسیب برای وبسایت‌های خبری-تحلیلی ایران**، چاپ اول، تهران: سیمای شرق.

حاج نوروزنظری، مریم (۱۳۹۵)، «تحلیل محتوای میزان و نحوه پوشش اخبار مربوط به تحریم‌های هسته‌ای ایران در خبرگزاری رویترز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، **دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی**.

رضاقلی‌زاده، بهنام و عبدالله گیویان (۱۳۸۹)، «برجسته‌سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در بخش فارسی وبسایت‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا»، **مجله جهانی رسانه**، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۸-۱.

زابدی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۳)، **جنگ روایت‌ها در گفتمان رسانه‌های رقیب**، چاپ اول، تهران: سروش.

سلطانی‌فر، محمد و شهناز هاشمی (۱۳۸۲)، **پوشش خبری**، چاپ اول، تهران: انتشارات سیمای شرق.

سورین، ورنر جوزف و جیمز دبلیو تانکارد (۱۹۹۱)، **نظریه‌های ارتباطات**، (ترجمه علیرضا دهقان)، چاپ چهارم، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

شکرخواه، یونس (۱۳۸۰)، «خبر، رسانه‌های خبری و کنترل دروازه‌ها»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، دوره ۹، شماره ۲۷، صص ۴۱-۳۱.

کتابدار، علیرضا (۱۳۹۳)، **روزنامه‌نگاری آنلاین**، چاپ اول، تهران: ثانیه.

کلاتنری درمرنجی، محمدحسین (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان انتقادی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در عناوین گزیده‌ای از روزنامه‌های داخل در سال (۱۳۹۴) براساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی همگانی، **دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان**.

محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۶)، **ارتباط‌شناسی**، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات سروش.

Almaghlooth, Abdullah (2013), **the Relevance of Gatekeeping in the Process of Contemporary News Creation and Circulation in Saudi Arabia**, PhD diss., University of Salford.



- Althaus, Scott L, and David Tewksbury, (2002), "Agenda Setting and the "New" News: Patterns of Issue Importance Among Readers of the Paper and Online Versions of the New York Times", **Communication Research**, 29,180-207.
- Benaissa, Amal (2011), "Blog.Gov: Winning Digital Hearts and minds? Professionalization, Personalization and Ideology in Foreign Policy Communication", Department of Media and Communication. London School of Economics and Political Science. London, October.
- Deuze, Mark (2001), "Online Journalism: Modeling the first Generation of News Media on the World Wide Web", Available at: <https://journals.uic.edu/ojs/index.php/fm/article/view/893/802>.
- Dozier, David, and Ronald E. Rice (1984), "Rival Theories of Electronic News reading" , **the new media**: 103-128.
- Heeter, Carrie Fico, Frederick, Stan Soffin, and Cynthia Stanley (1987), "New wave gatekeeping: Electronic indexing effects on newspaper reading", **Communication Research**, 14(3): 335-351.
- Khanjani, Mehrnaz (2017), "News Media Coverage and Source Selection in U.S Foreign Policy Debates: The Case of Iran Deal", PhD diss., Northern Illinois University.
- Opgenhaffen, Michael. And Leen. d'Haenens (2011), "The Impact of Online News Features on Learning from News: A Knowledge Experiment", **International Journal of Internet Science**, 6(1), 8-28.
- Siegel, Jonas, and Saranaz Barforoush (2013),"Media Coverage of Iran's Nuclear Program", Center for International and Security Studies at Maryland, School of Public Policy, University of Maryland.
- Singer, Jane B. (2006), "The socially responsible existentialist: A normative emphasis for journalists in a new media environment", **Journalism studies** 7(1), 2-18.

## رویکرد ترامپ به حقوق بین‌الملل محیط زیست و پیشنهاد های رسانه‌ای

عباس مثنوی<sup>۱</sup>، محمدحسین رضانی قوام‌آبادی<sup>۲</sup>

### چکیده

بحران‌های زیست‌محیطی امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. این بحران‌ها ادامه زندگی بشر بر روی کره زمین را به خطر انداخته و برای دولت‌ها ایجاد مسئولیت می‌کند. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از سال ۱۹۷۲م در نتیجه کنفرانس استکهلم با توجه بیشتر کشورها مواجه شد. پس از آن به‌مرور الزاماتی برای حفاظت از محیط‌زیست شکل گرفت و مسئولیت جهانی حفاظت از محیط‌زیست مهم ارزیابی شد. امریکا به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل که تأثیر بسزایی در ایجاد بحران‌های محیط‌زیستی دارد، همواره تلاش کرده تا کمترین محدودیت و مسئولیت‌های زیست‌محیطی را بپذیرد. سیاست‌های زیست‌محیطی ترامپ تقابل سیاست‌های امریکا با حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را نشان می‌دهد. در مقاله پیش‌رو ضمن معرفی ارکان اصلی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، رفتار ایالات‌متحده و تضاد معاهده‌ای و عرفی آن با حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بررسی و تبعات سیاست‌های محیط‌زیستی دونالد ترامپ بر محیط‌زیست جهانی ارزیابی می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، امریکا، دونالد ترامپ، نقض تعهدات، مسئولیت، پیشنهاد های رسانه‌ای.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۴

۱. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد کرج، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

abbasmasnavi@gmail.com

۲. دانشیار حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ramazanighavam@yahoo.com



## ۱. مقدمه

چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

بحران‌های زیست‌محیطی امروزه یکی از مهم‌ترین مشکلات برای زندگی بشر است، این بحران‌ها در سراسر جهان باعث نگرانی مردم، دولت‌های آگاه و سازمان‌های بین‌المللی شده است. از دهه ۱۹۶۰ و در پی تغییرات ناشی از صنعتی شدن روز افزون قدرت‌های بزرگ، آسیب‌هایی به محیط‌زیست وارد شد. در پی این آسیب‌ها رویکرد حفاظت محیط‌زیست و نجات زمین در سطح کنش‌های ملی و بین‌المللی نمایان و نظریات بوم‌شناسی ناظر بر رفتار سیاسی پدیدار شد. پیشرفت فناوری که برای بشر دستاوردهای زیادی داشته است در برخی موارد منجر به تخریب‌های جبران‌ناپذیر محیط‌زیستی شده است. توانایی انسان در فائق آمدن بر تأثیر تحولات فناورانه بر محیط‌زیست به روشنی مشخص نیست، ولی قطعاً میان فناوری، عوامل جغرافیایی و سیاست بین‌الملل پیوند ناگسستنی وجود دارد. بر این اساس از اواخر قرن بیستم و در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به موضوعاتی چون افزایش جمعیت، کمبود منابع طبیعی، فناوری و تبعات آن بر محیط‌زیست و تأثیر محیط‌زیست بر امنیت در پژوهش‌های مرتبط با روابط بین‌الملل توجه شد. پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فضای جهان دو قطبی را برهم زد و توجه متفکران را به موضوعات مهمی همچون محیط‌زیست معطوف کرد. بحران‌های محیط‌زیستی همچون گرم شدن کره زمین، کاهش ضخامت لایه اوزون، کمبود منابع آب شیرین، کمبود خاک مرغوب قابل کشت، آلودگی هوا، مشکلات در انهدام زباله‌های سمی، جنگل‌زدایی، صدمه به تنوع زیستی، افزایش مهاجرت، آلودگی‌های آبی، تولید و مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی از جمله بحران‌هایی است که آینده بشر را به خطر انداخته و می‌تواند امنیت جهانی را با اختلال جدی مواجه سازد (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۲۷۰-۲۳۴). در این میان توجه سازمان‌های بین‌المللی به موضوعات محیط‌زیستی جلب و راهکارهای مختلفی برای مهار بحران‌های زیست‌محیطی مطرح شد. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌عنوان یکی از منابع مهم مبارزه با بحران‌های محیط‌زیست شکل گرفت که رکن کلیدی این حقوق، عهدنامه‌های زیست‌محیطی است. این عهدنامه‌ها با حوزه گستردگی وسیع، تأثیر بیشتری بر مجریان حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌گذارند. این حقوق به‌دنبال تعیین نقش دولت‌ها و مسئولیت آن‌ها در قبال محیط‌زیست جهانی است تا در صورت رفتار خلاف منفعت جهانی بتواند با دولت خاطی برخورد نماید. در مقاله پیش رو به نقش و جایگاه ایالات متحده در محیط‌زیست جهانی و رویکرد



دولت دونالد ترامپ درباره بحران‌های زیست‌محیطی از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در چارچوب نقض عهدنامه‌ها و قواعد عرفی محیط‌زیستی می‌پردازیم.

## ۲. کلیات نظری

### ۲-۱. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی، مجموعه اصولی است که با هدف کنترل آلودگی هوا و توسعه پایدار طراحی شده است. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست موضوعاتی از جمله جمعیت، تنوع زیستی، تغییرات آب‌وهوایی، کاهش ضخامت لایه اوزون، آلودگی‌های هوا، دریا و آب‌های فرامرزی، حفاظت از منابع دریایی، بیابان‌زایی و آسیب‌های هسته‌ای را شامل می‌شود (Public International Law, 2019).

اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که از منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست همچون عهدنامه‌های زیست‌محیطی، رویه قضایی و عرف بین‌الملل برای مبارزه با بحران‌های زیست‌محیطی شکل گرفته است شامل این موارد است:

۱. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین: این اصل که به قاعده‌ای عرفی و الزام‌آور تبدیل شده است، دولت‌ها را دارای حق حاکمیت انحصاری بر منابع طبیعی خود دانسته اما این محدودیت را برای دولت‌ها قائل است که اعمال این حق نباید سبب ورود خسارت به محیط‌زیست دیگر کشورها و تهدیدی برای محیط‌زیست جهانی باشد (سایبانی و شهبازی، ۱۳۹۶: ۹۶-۸۱).

۲. اصل همکاری: این اصل لزوم همکاری دولت‌ها در زمینه‌های مختلف برای مهار بحران‌های زیست‌محیطی را یک امر ضروری دانسته و معتقد است برخی از مشکلات محیط‌زیست را نمی‌توان با اتخاذ روش‌های ساده به وسیله مقررات حل کرد و حل این مشکلات نیاز به پیشرفت سطح همکاری دولت‌ها دارد (پورهایمی و همکاران، ۱۳۹۲).

۳. اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست: براساس این اصل، دولت‌ها باید با قبول اقدامات مراقبتی در زمان توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی از جمله خاک، آب، گیاهان و جانوران حمایت لازم را تأمین نمایند (سایبانی و شهبازی، ۱۳۹۶).

۴. اصل پیشگیری: این اصل، دولت‌ها را مکلف می‌کند با استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر، ارزیابی پیامدهای فعالیت‌های انجام شده را بررسی کنند (لانگ و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸).



۵. اصل احتیاطی: این اصل از مهم‌ترین ابتکارات اعلامیه ریو<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۲ میلادی تقلی می‌گردد، اصل ۱۵ اعلامیه ریو اعلام می‌کند به منظور حفظ محیط‌زیست، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه را براساس توانایی‌های خود به‌طور مبسوط استفاده کنند. در جایی که امکان خطر جدی وجود دارد یا مسائل و مشکلات ناشناخته زیان‌هایی را به بار می‌آورد، باید نواقص به‌طور کامل و علمی بررسی شود و این بهانه که بررسی‌های زیست‌محیطی پر هزینه است قابل پذیرش نیست (سایبانی و شهبازی، ۱۳۹۶).

۶. اصل جبران خسارت زیست‌محیطی: هرگونه نقض تعهد بین‌المللی خود نوعی خسارت است، اما اصل جبران خسارت زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اشاره به خسارات مادی و محسوسی می‌کند که طرف مقصر خسارت، مسئول جبران آن است (شاه‌حسینی و مشهدی، ۱۳۹۶). اصل پرداخت آلوده‌ساز نیز در چارچوب این اصل قابل بررسی است.

۷. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت: این اصل از مفهوم میراث مشترک بشریت سرچشمه گرفته است و بر مسئولیت مشترک کشورها برای حفاظت از محیط‌زیست تأکید دارد. این اصل علاوه بر حفاظت از محیط‌زیست، تعهدات متفاوت کشورها با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع متفاوت خاص کشورها در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی و توانایی‌های فنی، اقتصادی و امکانات زیرساختی برای برطرف کردن مشکلات زیست‌محیطی را در نظر دارد (عبداللهی و معرفی، ۱۳۸۹).

۸. اصل توسعه پایدار: براساس گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط‌زیست در سال ۱۹۸۷ میلادی، توسعه پایدار به معنای تأمین نیازهای نسل‌های حاضر بدون ایجاد خطر برای قابلیت‌های نسل‌های آینده است. بدین صورت حفاظت و حمایت از محیط‌زیست برای استفاده نسل‌های آینده از ضرورت‌های توسعه پایدار است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴).

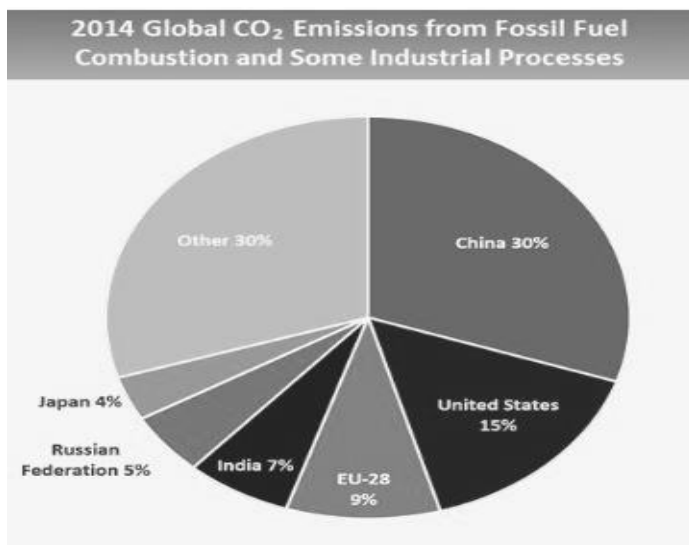
۹. اصل حق دسترسی به اطلاعات محیط‌زیست: این اصل که از حقوق جدید است بیان می‌دارد هرگونه آگاهی در مورد فعلی که عواقب (زیست‌محیطی) نظری و عملی عمومی برای جامعه به دنبال داشته باشد باید از طریق ابزارهای ارتباطی در دسترس عموم قرار بگیرد (ویژه، ۱۳۸۵). اصل اطلاع‌رسانی درباره فجایع زیست‌محیطی نیز پس از حادثه چرنوبیل به سرعت به قاعده‌ای عرفی تبدیل شد.



۱۰. اصل حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به‌مثابه حقوق بشر: حق برخورداری از محیط‌زیست منعکس‌کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق حیات، حق سلامتی و حق زندگی با استاندارد است و هم با پیش‌نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آتی همانند توسعه پایدار ارتباطات تنگاتنگ و ارگانیک دارد. حق نسل انسان و تداوم حیات انسان در محیط امن و عاری از جنگ و خشونت از اهداف و موضوعات سازمان ملل متحد است (Giorgetta, 1993: 2; UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAMME, 2000). نکته بسیار مهم در خصوص حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که مورد انتقاد صاحب‌نظران محیط‌زیست قرار گرفته، عدم شفافیت و مرزبندی میان مقررات الزام‌آور و عرفی با مقررات غیرالزام‌آور است.

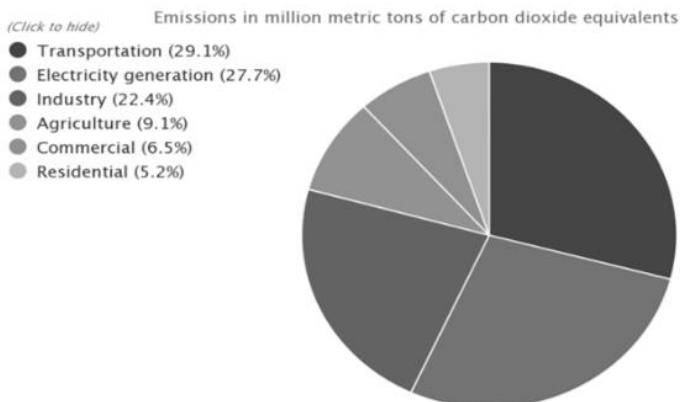
### ۳. نقش ایالات‌متحده در تخریب محیط‌زیست جهانی

ایالات‌متحده نقش مهمی در شکل‌گیری الزامات بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست داشته و بسیاری از عهدنامه‌های محیط‌زیستی با حمایت این کشور تصویب شده است. آمریکا از شکل‌گیری عهدنامه‌ها و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حمایت کرده اما در عمل با عدم اجرای بسیاری از مقررات آن سعی در بهره‌برداری از منافع مادی داشته و تعهدات خود را انجام نداده است. حجم اقتصاد ایالات‌متحده، صادرات صنایع سنگین همچنین تولید و صادرات خودرو توسط این کشور به‌سایر نقاط جهان به اندازه‌ای است که در صورت عدم رعایت استانداردهای آلاینده‌گی می‌تواند آلودگی را به سایر کشورها انتقال دهد. همچنین حمایت یا عدم حمایت آمریکا از اجرای عهدنامه‌های جهانی سبب انحراف برخی از دولت‌های پیرو از سیاست‌های آمریکا می‌شود. در تصویر شماره ۱ مشخص است که ایالات‌متحده براساس گزارش «انتشار گازهای گلخانه‌ای» در سال ۲۰۱۴ رتبه دوم تولید گازهای گلخانه‌ای جهان بعد از چین را دارد.



تصویر شماره ۱. نقشه انتشار گازهای گلخانه‌ای در سال ۲۰۱۴ (EPA, 2014)

### U.S. Greenhouse Gas Emissions by Economic Sector, 2017



تصویر شماره ۲. سهم حوزه‌های مختلف تولید گاز گلخانه‌ای در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۷ (EPA, 2017)

ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ با انتشار ۵۰۳۳۰ میلیون تن دی‌اکسید کربن دومین کشور تولیدکننده کربن در جهان است (edgar, 2015). تصویر فوق نشان می‌دهد که ایالات متحده



و چین - دو کشوری که با رنگ آبی و قرمز مشخص شده‌اند بیشترین تولید گازهای گلخانه‌ای را داشته و تفاوت این دو کشور با سایرین محسوس است.



تصویر شماره ۳. نقشه انتشار دی‌اکسید کربن در سال ۲۰۱۹ (edgar, 2019)

تصویر شماره ۳، که براساس انتشار دی‌اکسید کربن - یکی از خطرناک‌ترین گازهای گلخانه‌ای - طراحی شده است، به‌وضوح نشانگر تولید بسیار بالای دی‌اکسید کربن در آمریکا و چین است و این موضوع نقش پررنگ ایالات‌متحده در تولید گاز دی‌اکسید کربن و گرم شدن کره زمین را نشان می‌دهد. در مورد نقش آمریکا در آلودگی محیط‌زیست، توجه به نکات زیر ضروری است: آمریکا به‌عنوان کشوری که عملیات گسترده برای کشف میدان‌های نفتی از جمله نفت شیل انجام می‌دهد در حوزه سلامت دریایی و استانداردهای عملیات حفاری سیاست‌های تأثیرگذاری دارد.

آمریکا به‌عنوان کشوری که بیشترین مداخلات نظامی عصر معاصر را انجام داده و بزرگترین فروشنده سلاح در جهان است، می‌تواند در حوزه تولید یا ممنوعیت تولید سلاح‌هایی که مخرب محیط‌زیست هستند نقش تأثیرگذاری ایفاء کند.

ایالات‌متحده به‌واسطه قدرت تأثیرگذاری اقتصادی و تحریم‌ها، می‌تواند کشورها را از دسترسی به فناوری‌های روز محیط‌زیستی محروم کرده و به‌صورت غیرمستقیم منجر به بروز فاجعه در اثر نبود امکانات جدید در کشورهای در حال توسعه شود.

سیاست‌های اقتصادی ایالات‌متحده در تعیین برخی شاخص‌های تأثیرگذار اقتصادی می‌تواند منجر به تغییر سیاست‌های زیست‌محیطی جهانی شود. به‌طور مثال تلاش برای کاهش قیمت



نفت و بالا بردن تولید سوخت‌های فسیلی می‌تواند برنامه تشویقی حرکت به سمت انرژی‌های پاک را از مزیت نسبی بیاندازد.

با توجه به تأثیر تصمیمات ایالات متحده در موضوع محیط‌زیست جهانی هرگونه کنش دولتمردان این کشور در حوزه محیط‌زیست و سایر حوزه‌های وابسته به محیط‌زیست دارای اهمیت فراوان است.

#### ۴. اقدامات دولت ترامپ در حوزه محیط‌زیست و نقض حقوق بین الملل محیط‌زیست

##### ۴-۱. حوزه مرتبط با تغییرات آب و هوایی

در حوزه آب‌وهوایی قوانین زیادی در دولت ترامپ تغییر کرده و می‌توان گفت بخش عمده تغییرات قوانین زیست‌محیطی در این حوزه قرار می‌گیرد. این تغییرات شامل لغو الزام تدوین گزارش «انتشار گاز متان» برای شرکت‌های نفت و گاز (Epa, 2017)، لغو قانون محدودسازی انتشار گاز متان (NYTimes, 2018)، لغو برخی از محدودیت‌های تخلیه آلاینده‌های کارخانه‌ها در هوا براساس قانون هوای پاک (Larfan, 2018)، لغو محدودیت استفاده از گاز هیدروفلوروکربن در سیستم‌های تهویه و خنک کننده (Insideclimatenews, 2018)، لغو قانون ردیابی آلاینده‌های حاصل از خروجی اگزوز خودروها در اتوبان‌های فدرال (Schmitt, 2018)، تضعیف قانون سال ۲۰۰۹ در خصوص استانداردهای آلاینده‌های لازم برای تأسیس کارخانه‌ها (Eelp, 2018B)، اصل قانون نظارت بر پالایشگاه‌ها و کاهش تعهدات آلاینده‌های آن‌ها (eelp, 2018C)، حذف قانون محاسبه هزینه‌های اجتماعی کربن (Sciencemag, 2017)، لغو الزام گزارش میزان تولید گازهای گلخانه‌ای در گزارش‌های زیست‌محیطی (eenews, 2017)، لغو ممنوعیت استفاده از گازوئیل مخلوط به اتانول ۱۵ درصد (NY times, 2019A)، لغو قانون الزام استفاده از فناوری‌های نوین برای اندازه‌گیری میزان خروجی گاز متان (Friedman and Davenport, 2019)، اقدام برای لغو قانون کنترل و کاهش مصرف سوخت (NY times, 2018 A)، خروج از پیمان تغییر اقلیم پاریس (Shear, 2017)، لغو الزام قانون هوای پاک در تولید کربن و گازهای سمی (NY times, 2018 B)، تصمیم به لغو محدودیت کربن برای کارخانه‌های زغال سنگ (Friedman, 2018)، بازنگری در قوانین مربوط به تولید آلاینده‌های کارخانه‌ها (Vizcarra, 2016)، لایحه تغییر قانون نشستن متان از زباله (Scientificamerican, 2019 A)، و تضعیف نظارت بر اثر آلودگی بر حیات وحش (eelp, 2018A) می‌شوند که از جمله ۱۸ تغییر عمده در قانونی است که سلامت محیط‌زیست را در حوزه آب‌وهوایی تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد.



تصمیمات دونالد ترامپ در خصوص تغییر قوانین داخلی محیط‌زیستی در حوزه آب‌وهوا به کاهش محدودیت‌های تولید آلاینده‌گی در ایالات‌متحده منجر شده است. ترامپ اقتصاد را مقدم بر سلامت آب‌وهوایی می‌داند. یکی از اقدامات او در حوزه گسترش تولید گاز متان است. ترامپ در قوانینی جداگانه محاسبه هزینه تولید گازهای گلخانه‌ای را لغو کرد. لغو محدودیت تولید گاز متان به‌عنوان یکی از شش گاز گلخانه‌ای مهم که مهار آن در پروتکل کیوتو<sup>۱</sup>، توافق پاریس و چارچوب پیمان سازمان ملل در حوزه تغییر اقلیم مورد توجه قرار گرفته بود، از دیگر اقدامات ترامپ و نقض این تعهدات و توافق‌های بین‌المللی است.

همچنین ایالات‌متحده عضو پروتکل مونترال برای حفاظت از لایه اوزون است. موضوعی که برای ترامپ اهمیت نداشت. زیرا او استفاده از یکی از گازهای بسیار مهم یعنی هیدرو فلور کربن را در سیستم‌های سرمایشی آزاد اعلام کرد که این امر به‌معنای آسیب جدی به لایه اوزون و نقض پروتکل مونترال است. امریکا با تهدید لایه اوزون علاوه بر نقض حقوق محیط‌زیستی بر خلاف حقوق بشر (حق دسترسی به هوای سالم) نیز عمل کرده است. خروج از مهم‌ترین توافق اقلیمی یعنی معاهده تغییر اقلیمی پاریس، امریکا را در کنار سوریه و نیکاراگوئه قرار داده است.

## ۴-۲. حوزه آلودگی در خشکی و دریا

در حوزه ایجاد آلودگی‌ها در خشکی و دریا که به بخش استخراج و حفاری نیز مرتبط است، دولت ترامپ قوانین مهمی را تغییر داده است. ازجمله آنها می‌توان به کاهش محدوده مناطق حفاظت شده و اجازه حفاری در آن مناطق (Turkewitz, 2017 A)، تغییر قانون و استانداردهای آلودگی آب (Latimes, 2017)، لغو قانون محاسبه هزینه‌های آلودگی‌های ناشی از فعالیت معادن (B. Preston, 2017)، لغو قانون محاسبه هزینه‌های آلودگی دکل‌های نفتی (Lipton, 2018A)، لغو محدودیت ساخت خطوط لوله از منطقه حفاظت شده داکوتا (Turkewitz, 2017 B)، لغو دستور حمایت از اقیانوس‌ها، سواحل و دریاها (Flesher, 2018)، تغییر روند بررسی میزان آلاینده‌گی (Eenews, 2017)، صدور مجوز برای استفاده از سلاح‌های لزره‌ای در بخش حفاری (Jennifer A, 2018) و لغو استانداردهای حفاری در دریاها (Davenport, 2019)، اشاره کرد.

دولت ترامپ در بخش حفاری و مباحث مربوط به استخراج، اختیارات شرکت‌های نفتی به‌ویژه شرکت‌های فعلی در استخراج نفت از ماسه‌های نفتی (شیل) را افزایش و وسعت مناطق



حفاظت شده و پارک‌های ملی را کاهش داده است. این دولت، با لغو دستورالعمل‌های مربوط به مطالعه و محاسبه هزینه‌های زیست‌محیطی، برآورد خسارت بر محیط‌زیست را نادیده گرفته است. صدور مجوز استفاده از سلاح‌های لرزه‌ای برای پیدا کردن مناطق نفتی محیط‌زیست، آبریان را با خطر جدی مواجه کرده و لغو استانداردهای حفاری در دریاها که در سال ۲۰۱۰ موجب بحران عظیم نفتی در ایالات متحده آمریکا و آب‌های آزاد شده بود، اصل احتیاطی، اصل پیشگیری و همچنین اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین را نقض کرده است.

#### ۴-۳. حوزه زیرساخت و برنامه‌ریزی‌های محیط‌زیست

در بخش زیرساخت‌های محیط‌زیستی و برنامه‌ریزی‌های آتی حفاظت از محیط‌زیست دولت ترامپ تغییراتی همچون لغو قانون پیش‌بینی حوادث محیط‌زیستی، کاهش فرایند نظارت دولت فدرال بر استانداردهای محیط‌زیستی زیرساخت‌ها (NY times, 2017B)، لغو الزام به حداقل رساندن آسیب‌های زیست‌محیطی در هنگام تصویب پروژه (whitehouse, 2017)، لغو محدودیت بهره‌برداری از آب منطقه آلاسکا به منظور استفاده در امور مربوط به نفت و گاز (Demarban, 2017)، لغو برنامه کاهش گازهای گلخانه‌ای دولت باراک اوباما (Columbiaclimatelaw, 2018A)، لغو دستور در نظر گرفتن تغییرات آب‌وهوایی در مدیریت پارک‌های ملی (Volcovici, 2017 A)، ایجاد محدودیت برای مطالعات زیست‌محیطی (S.Mintz, 2018)، توقف برنامه کاهش آلاینده‌های مناطق حساس زیست‌محیطی مانند پارک‌های ملی (Shogren, 2018)، لغو الزام حفظ و گسترش منابع طبیعی آسیب‌دیده (Columbiaclimatelaw, 2018 B) و لغو سیستم برنامه‌ریزی دولت اوباما برای به حداقل رساندن صدمات فعالیت‌های نفتی و گازی (Columbiaclimatelaw, 2018) را در کارنامه خود دارد.

در حوزه زیرساخت‌ها، تغییرات محیط‌زیستی دولت ترامپ مبتنی بر کاهش دستورات نظارت و ارزیابی خطرات زیست‌محیطی است. تجزیه و پایش تأثیر فعالیت‌ها بر محیط‌زیست کاهش پیدا کرده و گزارش‌های زیست‌محیطی از اعتبار کمتری برخوردار است. برنامه‌های کاهش گازهای گلخانه‌ای لغو شده و خسارت‌های وارد شده به مناطق طبیعی در اثر فعالیت‌های زیرساختی نادیده گرفته می‌شود. بدین صورت در این حوزه نیز اصل احتیاطی، اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست و اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین نقض و نادیده گرفته شده است.



#### ۴-۴. حوزه مرتبط با حمایت از گونه‌های جانوری و حیوانات

تنوع زیستی، حمایت از حقوق حیوانات و حفظ گونه‌های جانوری از مهم‌ترین دغدغه‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. دولت ایالات‌متحده در دوره ترامپ با تغییراتی همچون تغییر قانون حمایت از گونه‌های در حال انقراض (NY times, 2018C)، آزادسازی اراضی حفاظت شده و زیستگاه‌های حیوانات (NY times, 2019c)، لغو محدودیت استفاده از گلوله‌های سربی در شکار (Volcovici, 2017 B)، رفع محدودیت شکار در محدوده آلاسکا (Hollander, 2017)، رفع محدودیت تله‌گذاری برای شکار (Zuckerman, 2018)، رفع محدودیت شکار و صید آبیانی همچون لاک‌پشت و نهنگ (Latimes, 2017)، تغییر مقررات مربوط به محدودیت‌های ماهی‌گیری (Fisheries, 2019)، لغو قرارداد حفاظت از پرندگان مهاجر (Washingtonpost, 2018) و لغو محدودیت استفاده از بدن پرندگان در تولید محصولات صنایع دستی (Fws, 2017) به تهدید بزرگی برای گونه‌های جانوری و حیوانی تبدیل شده است.

اغلب این تغییرات با اهداف اقتصادی و سودجویانه صورت گرفته است.

در بخش حفاظت و حمایت از گونه‌های جانوری و حیوانات، تغییر قوانین دولت ترامپ گونه‌های در حال انقراض و زیستگاه‌های مهم حیات وحش را هدف قرار داده است. حیات آبیان به دلیل کاهش تعداد و وسعت پارک‌های ملی حفاظت شده و افزایش فعالیت‌های مضر، به خطر انداخته است. صید بی‌رویه ماهیان افزایش پیدا کرده، محدودیت صید نهنگ، لاک‌پشت و دلفین لغو گردیده و بر این اساس دولت ترامپ، کنوانسیون بین‌المللی شکار نهنگ (والینگ)<sup>۱</sup> و اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست مربوط به کنوانسیون حقوق دریا‌های سازمان ملل را که در آن بر مراقبت از منابع طبیعی و لزوم حمایت از جانوران تأکید شده بود، نقض کرده است. همچنین پیمان حفاظت از پرندگان مهاجر به صورت یک‌جانبه لغو گردیده است.

اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در چارچوب یک الزام برتر با هدف همکاری دولت‌ها بیان شده است. در این معاهده، اصل جلوگیری که مبتنی بر عمل منصفانه و با استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و پس از آن، ارزیابی پیامدها است در پیشگیری از انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی تأثیر مهمی دارد. این اصل در راستای حفظ حقوق نسل‌های آینده و مبتنی بر اهداف توسعه پایدار شکل گرفته است (دبیری و آزادبخت، ۱۳۸۹). همچنین عضویت ایالات‌متحده در کمیسیون بین‌المللی شکار نهنگ، این کشور را ملزم به رعایت قوانین



حمایتی برای این گونه‌ی در معرض خطر می‌کند که نادیده گرفتن این محدودیت‌ها و لغو محدودیت شکار نهنگ در تقابل با اهداف کمیسیون است.

#### ۴-۵. حوزه مرتبط با ایمنی مواد سمی

در بخش کنترل، نگهداری و ایمنی مواد سمی، دولت ایالات متحده در دوره ترامپ تصمیماتی همچون محدودیت برای قانون ۲۰۱۶ در خصوص کنترل دفع مواد مخرب و مازاد ظرفیت آلاینده‌ی هوا (Lipton, 2018B)، لغو قانون استفاده از ترمزهای مخصوص و مدرن برای قطارهای حامل سوخت و مواد اشتعال‌زا (Opb, 2016)، خارج نمودن کیک فیلتر مسی<sup>۱</sup> از فهرست زباله‌های خطرناک (Federalregister, 2017) و رفع ممنوعیت استفاده از سم مخرب کلرپیریفوس<sup>۲</sup> (NY Times, 2019D) را اتخاذ کرده است.

در بخش ایمنی مواد سمی، نظارت بر دفع مواد شیمیایی کاهش پیدا کرده، اکسیدهای مس به‌عنوان یکی از مواد مضر و خطرناکی که در کنوانسیون بازل<sup>۳</sup> به‌عنوان پسماند حاوی سازنده‌های خطرناک به شمار می‌روند از فهرست زباله‌های خطرناک ایالات متحده حذف گردیده و سموم استفاده شده در بخش کشاورزی بدون توجه به آسیب‌های سلامت عمومی همچنان استفاده می‌شوند.

#### ۴-۶. حوزه مرتبط به آلودگی‌های آب

ایالات متحده به‌عنوان یکی از کشورهایی که تا پیش از این در زمینه آب دارای قوانین و استانداردهای محکمی تحت عنوان برنامه آب پاک<sup>۴</sup> بود. در دولت ترامپ با تغییراتی در حوزه قوانین زیست‌محیطی آب همچون کاهش نظارت بر انشعاب رودخانه‌ها و تالاب‌ها (NY times, 2019G)، لغو قانون حفاظت از رودخانه‌های محلی در برابر زباله (Tabuchi, 2017)، لغو قانون کاهش آلودگی‌های آب و هوا در تصفیه خانه‌های فاضلاب (Govinfo, 2017)، لغو قانون حفاظت از آب‌های زیرزمینی (NY times, 2018 C) و کاهش استانداردهای مربوط به تخلیه نخاله در آب (Eelp, 2018C) مواجه شده است.

1. Copper Filter Cake

(نوعی فیلتر آلیاژی حاوی مس، نیکل و کروم که در کارخانجات الکترونیکی بیشتر برای آبکاری استفاده می‌شود)

2. Chlorpyrifos

3. Basel Convention

4. Clean Water Act (CWA)



در حوزه آب، دولت ترامپ، موضوعات مرتبط با آلودگی آب‌های محلی و یا حتی آب‌های بین‌المللی را نادیده گرفته و با کاهش استانداردها و نظارت در حوزه آب به دنبال کاهش هزینه‌هاست. اما به دلیل آنکه آب به صورت مستقیم بر زیست انسانی و جانوری تأثیر گذار است، کاهش نظارت بر آب‌های داخلی و عدم جلوگیری از آلودگی‌های آبی، باعث کشته شدن آبزیان، ماهیان و نابودی جانوران گردیده و سلامت محیط‌زیست را به خطر می‌اندازد. ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها به‌طور خاص مقرر داشته است که «دولت‌ها متعهد به حفاظت از محیط‌زیست دریا می‌باشند». این سند مهم بین‌المللی همچنین آنها را ملزم کرده است تا به صورت انفرادی و جمعی تمامی اقدامات لازم جهت پیشگیری، کاهش و یا کنترل آلودگی محیط‌زیست دریا را انجام دهند.

امروزه بسیاری از کشورها یک نظام ارزیابی اثرات زیست‌محیطی را ایجاد کرده‌اند که به‌طور پیوسته، کلیه تغییرات ناشی از انجام عملیات دریایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این نظام مواردی همچون منابع طبیعی، امکان سنجی اقتصادی و فنی و اقدامات لازم برای پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط‌زیست را شامل می‌شود. بر این اساس آلودگی‌های ناشی از مواد نفتی، مواد خطرناک، فاضلاب، دفع مواد زائد و سایر آلودگی‌های ناشی از دفع آلاینده‌ها، زباله‌ها و پسماندها که اثرات نامطلوبی بر محیط‌زیست دریایی و تنوع گونه‌های زیستی دریایی به صورت قابل توجه داشته باشد و موجب تغییر نامتعارف الگوی مهاجرت ماهیان و تغییر دمای آب دریا در برخی از مناطق را فراهم آورد، در تقابل مستقیم با حقوق بین‌الملل دریاها و کنوانسیون جلوگیری از آلودگی‌های دریایی قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۹۶: ۳۵۷). فاجعه زیست‌محیطی که در سال ۲۰۱۲ توسط شرکت نفتی بی پی در خلیج مکزیک ایجاد شد، نشان داد که استانداردهای بین‌المللی زیست‌محیطی در استخراج نفت از دریا اعمال نمی‌شود.

#### ۴-۷. حوزه مرتبط با جنگل، پوشش گیاهی و مراتع

دولت ایالات متحده در دوره ترامپ تغییرات اساسی در حوزه حفاظت از پوشش‌های گیاهی، جنگل‌ها و مراتع ایجاد کرده است. این تغییرات که شامل کاهش مناطق حفاظت شده و پارک‌های ملی به منظور ایجاد مجوز برای استفاده بخش‌های صنعتی می‌شوند، منجر به افزایش گازهای گلخانه‌ای شده و خطرات آتش‌سوزی را برای پوشش‌های گیاهی افزایش می‌دهند. لغو محدودیت بهره‌برداری و ساخت‌وساز در منطقه توناس آلاسکا (Independent, 2019) و همچنین به خطر انداختن پوشش گیاهی و نظم محیط‌زیستی گیاهی و جانوری با دستور ساخت



دیوار مکزیک (Bolstad, 2017) از جمله تغییرات در این حوزه است. آتش سوزی گسترده جنگل کالیفرنیا که از مورخ ۸ اکتبر ۲۰۱۷ تا ۱۴ اکتبر، ۴۲ کشته بر جای گذاشت (Fernandez, 2017)، و آتش سوزی جنگل کالیفرنیا در مورخ ۸ نوامبر ۲۰۱۸ که دست کم منجر به کشته شدن ده ها نفر شد (Chavez, 2018)، تنها بخشی از نمونه های تأثیر گرمایش کره زمین بر پوشش های گیاهی است. علت اصلی این آتش سوزی ها، گرم شدن کره زمین و وزش بادهای بسیار گرم است. این پدیده بی تأثیر با سیاست های کاهش نظارت و افزایش تولید گازهای گلخانه ای در دوره ترامپ نیست اما وی در توییتری علت اصلی آتش سوزی جنگل های امریکا را سوء مدیریت مدیران محلی می داند که این موضوع واکنش و نارضایتی مقامات ایالتی مخصوصاً در کالیفرنیا را برانگیخته است (Serna, 2019).

#### ۴-۸. حوزه گسترش و اشاعه سلاح های مخرب محیط زیست

در دوره ریاست جمهوری ترامپ تلاش برای توسعه زرادخانه های هسته ای افزایش یافته و سلاح های هسته ای پیشرفته تری طراحی شده است. ترامپ همواره تأکید می کند که کشورش بیشترین سلاح های هسته ای را دارد و تحقیقات در حوزه گسترش و پیشرفته تر کردن این تسلیحات انجام خواهد شد. سند دکترین هسته ای دولت ترامپ این اختیار را به رئیس جمهور می دهد که نه فقط در مواجهه با تهدیدهای اتمی بلکه در پاسخ به حملات سایبری توانایی استفاده از سلاح هسته ای را داشته باشد. سلاح های مخرب محیط زیست در یک دسته بندی کلی به سلاح های هسته ای، سلاح های شیمیایی، سلاح های بیولوژیکی و سلاح های ژئوفیزیکی تقسیم می شود (Westing, 1977). ایالات متحده به عنوان تنها استفاده کننده سلاح هسته ای در جهان مربوط به جنگ جهانی دوم (Krostensen, 2013)، یکی از متهمان تخریب محیط زیست جهانی با استفاده از سلاح های هسته ای است. تولید سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی در برنامه تسلیحاتی امریکا در جنگ جهانی اول بوده است (Gross, 2015). به نظر می رسد ترامپ تمایلی به رویه کاهش مخاطرات تسلیحاتی کشورش ندارد. براساس آمار، در سال ۲۰۱۹ بیش از ۹۰٪ سلاح های هسته ای جهان متعلق به روسیه و ایالات متحده بوده است (Reichmann, 2019). تعهدی به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای توسط ترامپ دیده نمی شود، برنامه توسعه زرادخانه های هسته ای یکی از عوامل تأیید این موضوع است. همینطور فعالیت های خارج جو ایالات متحده نگرانی و دغدغه های جدی صاحب نظران را برای احتمال تخریب حوزه فضایی به واسطه فعالیت های فضایی ایالات متحده برانگیخته است. ایالات متحده توسط ناسا، پایگاه های



فضایی زیادی در خارج از فضای جو دارد و در سیاره مریخ و ماه دست به انجام پروژه‌های تحقیقاتی زده است. راه‌اندازی نیروی نظامی فضایی ایالات متحده و اختصاص ۱,۴ میلیارد دلار پول از بودجه پنتاگون، همچنین جای دادن نیروی نظامی فضایی در سند دفاع ملی یکی از دغدغه‌های جدی صاحب‌نظران محیط‌زیستی برای آینده محیط‌زیست فضا را ایجاد کرده است (Theguardian, 2019).

#### ۴-۹. ارتباط تغییر قوانین داخلی با نقض حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

امروزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از ارکان حقوق بشر به شمار می‌رود و حق بر محیط‌زیست به‌مثابه حقوق بشر است. زیرا ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، انسان را سزاوار زندگی با استانداردهای قابل قبول سلامت می‌داند. در اعلامیه محیط‌زیست بشر در سال ۱۹۷۲م (استکهلم)، حفظ محیط‌زیست بشر و تضمین حقوق بشر برای برخورداری از محیط‌زیست سالم و تشویق و ترغیب فعالیت‌های زیست‌محیطی در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای و توسعه قوانین و معاهدات بین‌المللی به‌منظور کنترل آلودگی و تخریب محیط‌زیست ناشی از فعالیت‌های بشری، از اهداف برنامه محیط‌زیست ملل متحد عنوان شده است. تغییرات گسترده در قوانین داخلی محیط‌زیستی ایالات متحده منجر به تغییرات آب‌وهوایی و اثرات مخرب بر محیط‌زیست جهانی از جمله افزایش گرم شدن زمین شده است. این تغییرات موجب نقض تعهدات حقوق بشری، عرفی و عهدنامه‌های محیط‌زیستی که امریکا در تعدادی از آن‌ها عضویت دارد، شده است.

همچنین رفتار محیط‌زیستی امریکا با قواعد عرفی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که هدف خود را کاهش مخاطرات زیست‌محیطی و مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی تعریف کرده است، در تضاد قرار دارد. اگرچه تغییر در قوانین داخلی کشورها از حقوق حاکمیتی و مطابق با حقوق بین‌الملل است اما تغییرات گسترده‌ای که اثر آن بر سایر حوزه‌ها قابل اشاعه بوده و حتی سلامت کره زمین را تهدید می‌کند، مصداق استفاده خسارت‌بار از محیط‌زیست بود. در حوزه قوانین داخلی جای نمی‌گیرد. در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین مطرح شده و تغییراتی که در دوره ترامپ بر حوزه محیط‌زیست داخلی ایالات متحده اعمال گردیده منجر به اشاعه آلودگی و گسترده‌ی بحران به سایر نقاط جهان می‌شود. موضوع خطر لایه اوزون، افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای، آلودگی آب‌های آزاد، خطر انقراض آبزیان، تغییر اقلیم و... که بحرانی جدی و در دستور کار ملل متحد است توسط ایالات متحده به بهانه اختیارات داخلی نادیده گرفته می‌شود. نمی‌توان گفت تغییر قوانینی که در تضاد با منافع حقوق بشری قرار می‌گیرد مطلقاً در



زمره اختیارات حاکمیتی دولت‌ها قرار دارد. زیرا قانون محدوده‌ای برای این فعالیت‌ها مشخص نموده و آن محدوده، استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین است.

## ۵. ابعاد و مصادیق نقض قواعد عرفی حقوق بین الملل محیط‌زیست در داخل امریکا

۱. افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای و ایجاد آلودگی گسترده آب دریاچه‌ها، تهدید اماکن تاریخی، فرهنگی و مذهبی منطقه داکوتای شمالی با برنامه توسعه نفت از سنگ ماسه‌ای (نفت شیل) (Kenny, 2016).

۲. راه‌اندازی مجدد کارخانه‌های زغال سنگ و افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای در ایالات متحده برخلاف توصیه دستور العمل ۲۱ سازمان ملل در حوزه توسعه پایدار است و برخلاف تمام تلاش‌ها و روح عهدنامه‌های زیست‌محیطی که به دنبال تثبیت و کاهش گازهای گلخانه‌ای و کربن هستند صورت گرفته است (Merica, 2017).

۳. موضوع تحقیقات زیست‌محیطی و بررسی و تجزیه وضعیت محیط‌زیست یکی از خواسته‌های غیر الزام‌آور حقوق بین الملل محیط‌زیست است که در حال عرفی و الزام‌آور شدن است. دولت ترامپ طرح‌های تحقیقات و توسعه محیط‌زیستی در ایالات متحده را بسیار محدود کرده، بودجه زیست‌محیطی امریکا را ۳۱٪ کاهش داده و برای گزارش‌های زیست‌محیطی محدودیت ایجاد کرده است (White House, 2018).

۴. تخریب لایه‌های زمین و استخراج نفت شیل از سنگ‌های ماسه‌ای، کاهش اراضی ملی و مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش با هدف سود اقتصادی و به قیمت آسیب به محیط‌زیست، نقض قواعد عرفی حقوق بین الملل محیط‌زیست از جمله منع استفاده زیان‌بار از محیط‌زیست است (Nationofchange, 2017).

۵. صدور اجازه حفاری‌های نفتی در آب‌های سرزمینی ایالات متحده منجر به آلودگی گسترده آب‌هایی می‌شود که ایالات متحده در آن صلاحیت سرزمینی دارد و می‌تواند سلامت بومیان و حق آنها در دسترسی به آب و هوای سالم را تهدید نماید (Scientificamerican, 2019 B).

## ۶. ابعاد و مصادیق نقض قواعد عرفی حقوق بین الملل محیط‌زیست توسط امریکا در خارج از این کشور

۱. عدم همکاری با سایر کشورها و خروج از معاهده هدفمند و هوشمند تغییرات آب‌وهوایی پاریس که نقض اصل همکاری در حقوق بین الملل محیط‌زیست است. براساس قواعد عرفی



حقوق بین‌الملل، بحران‌های محیط‌زیستی مخاطره جهانی برای ادامه حیات بشر شناخته شده و همکاری دولتها برای مهار این بحران‌ها لازم است. خروج ایالات‌متحده از توافقات زیست‌محیطی با توجه به نقش و جایگاه این کشور در ایجاد بحران‌های محیط‌زیستی نقض قواعد عرفی و روح و چارچوب پیمان‌نامه تغییر اقلیم ملل متحد است؛

۲. عدم توجه به ظرفیت آلاینده‌گی و گسترش فعالیت‌های مخرب تولید گازهای گلخانه‌ای در تضاد با قواعد عرفی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست همچون اصل احتیاطی و مسئولیت مشترک قرار می‌گیرد. تولید بی‌رویه گازهای گلخانه‌ای که آینده بشر را با خطر مواجه ساخته یکی از مهم‌ترین خطرهایی است که توسط جامعه جهانی بر آن تأکید شده و دولت ایالات‌متحده در رویکرد اقتصادی به آن بی‌توجه است؛

۳. عدم همکاری‌های فناورانه و اعمال تحریم‌ها علیه کشورهای مختلف که موجب جلوگیری از انتقال دانش برای مهار بحران‌های زیست‌محیطی شده است در تناقض با اصل همکاری قرار می‌گیرد؛

۴. لغو محدودیت صید آبزیان برای منافع اقتصادی، خطر انقراض آبزیانی همچون نهنگ را بسیار افزایش داده است. این موضوع تنوع جانوری را با خطر مواجه کرده و اصل حمایت از گونه‌های در حال انقراض را نقض می‌کند؛

۵. کاهش استانداردهای حفاری در دریا، آب‌های آزاد را با خطر آلودگی مواجه ساخته و در تضاد با اصل احتیاط و پیشگیری از آلودگی محیط‌زیستی قرار می‌گیرد؛

۶. پروژه ساخت دیوار مکزیکی منجر به از بین رفتن بافت‌های گیاهی و اقلیمی منطقه شده و منابع طبیعی را با خطر مواجه می‌سازد که در تضاد با اصل احتیاط و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی قرار می‌گیرد؛

۶. کاهش استانداردهای استخراج نفت از دریاها و آزاد و اقیانوس‌ها به‌عنوان یک عامل تهدید کننده برای سلامت آب‌های آزاد تلقی می‌شود و ناقض اصل احتیاط و پیشگیری است؛

۷. حضور ناو و کشتی‌های جنگی آمریکا در آب‌های آزاد موجب آلودگی گسترده آب شده و جان آبزیان را به خطر می‌اندازد. دفع زباله‌ها و انباشت پلاستیک‌های استفاده شده در ناوهای جنگی، همچنین آلاینده‌گی ایجاد شده توسط سوخت موتور کشتی‌ها و ناوها یکی از عوامل گسترده آلودگی آب‌های آزاد است.



## ۷. رویکردهای زیست محیطی دولت ترامپ از منظر اندیشکده‌های امریکایی

صاحب‌نظران جهانی و اندیشکده‌های معتبر امریکایی نیز به تضاد رفتار زیست محیطی ترامپ با حقوق بین‌الملل محیط زیست، توجه کرده‌اند. اندیشکده رند رفتار محیط زیستی ترامپ را زمینه ساز سست شدن و نادیده گرفتن محیط زیست در سطح جهانی می‌داند (Knopman, 2017). اندیشکده بروکینگز تأثیر روی کار آمدن رهبران مخالف حفاظت از محیط زیست را بررسی کرده و هشدار می‌دهد که افرادی همچون ترامپ در خلأ وجود قوانین محیط زیستی سخت گیرانه می‌توانند آسیب‌های جبران ناپذیری به محیط زیست جهانی وارد کنند (Stern, 2019). اندیشکده چاتم‌هاوس سیاست‌های عقب‌گرد ترامپ را خطری برای افزایش گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن کره زمین معرفی و نتیجه این عمل را قدرت گرفتن چین در رهبری حفاظت از محیط زیست جهانی می‌داند (Chathamhouse, 2017). همچنین اندیشکده کارنگی رویکرد دولت ایالات متحده را دلیل از دست رفتن فرصت روی آوردن به انرژی‌های پاک در غرب توصیف کرده است (Kerry, 2018). اندیشکده هادسون خروج ایالات متحده از توافق پاریس را بررسی کرده و می‌گوید «اعتبار قراردادهای بین‌المللی ایالات متحده در حال سست شدن است» (Stelzer, 2017). مرکز تحقیقات wbur رفتار رئیس‌جمهور ایالات متحده را استفاده ابزاری از محیط زیست معرفی کرده و ترامپ را غارتگر محیط زیست می‌داند (Howard, 2017).

## ۸. نتیجه‌گیری

بهترین تعریف برای حفاظت از محیط زیست را می‌توان اینگونه بیان کرد که «ما محیط زیست را از نسل‌های گذشته ارث نمی‌بریم بلکه از نسل‌های بعدی قرض می‌گیریم». این جمله اهمیت رفتار امروز دولت‌ها را نشان می‌دهد و وظایف حفظ و حراست از میراث بشریت که امروزه بخشی از حقوق مهم و پایه‌ای بشر به شمار می‌رود را یادآوری می‌کند. رویکردهای زیست محیطی امریکا به‌ویژه تغییرات گسترده صورت گرفته در ....، خطرات بسیار جدی برای نسل‌های آینده به جای می‌گذارد. از جمله این خطرات می‌توان به آلودگی هوا و آب، گرمایش زمین، افزایش مهاجرت، کاهش منابع طبیعی قابل بهره‌برداری، ایجاد پسماندهای مخرب در طبیعت، وقوع باران‌های اسیدی و نابودی تنوع بیولوژیکی اشاره کرد.

در برنامه زیست محیطی دولت ترامپ و تغییراتی که در اثر تصمیمات آژانس محیط زیست ایالات متحده امریکا شکل گرفته، اصول کلی و قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست که در اثر توافقات، رویه قضایی، عرف و رفتار کشورهای متمدن در سال‌های متمادی به وجود آمده نقض



شده است. ایالات متحده با تغییر رویکرد تولید گازهای گلخانه‌ای و خروج از معاهده تغییر اقلیمی پاریس، محیط‌زیست جهانی را که امروز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای حقوق بشر به شمار می‌رود تهدید می‌کند. امریکا به‌ویژه در دوره ترامپ با تغییرات گسترده در قوانین زیست‌محیطی، با استفاده از سلاح‌های لرزه‌ای در حوزه استخراج منابع و صدور مجوزهای حفاری و تولید نفت به لایه‌های زمین آسیب رسانده و جان حیوانات و جانوران را تهدید می‌کند، با کاهش استانداردهای حفاری در دریا سلامت آب‌های آزاد را به خطر انداخته، با صید بی‌رویه ماهیان و گونه‌هایی از دلفین و نهنگ قوانین مربوط به کنترل صید را نادیده گرفته و گونه‌های در معرض انقراض را تهدید می‌کند. ایالات متحده همچنین به بهانه کاهش هزینه‌های دولت فدرال در حوزه محیط‌زیست، بخش نظارت و تحقیقات زیست‌محیطی، تجزیه و پایش تأثیر فعالیت‌ها بر محیط‌زیست و پرداخت غرامت در اثر تخریب محیط‌زیست داخلی را بسیار تضعیف کرده است. بدین ترتیب مجموعه عوامل رفتاری دولت ایالات متحده امریکا، در خصوص قوانین اصلی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست منفی بوده است.

این کشور، اصل استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین را نقض کرده زیرا مقدار تولید گازهای گلخانه‌ای را افزایش و نظارت بر آن را بسیار کاهش داده است. همچنین رفتار پرخطری برای لایه اوزون دارد. امریکا به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست (مندرج در اصل ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاهای ملل متحد) بی‌توجه است و فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی را ادامه می‌دهد. در حوزه جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی که نیازمند ارزیابی مداوم وضعیت زیست‌محیطی است، امریکا ضرورت این قاعده را نادیده می‌گیرد و می‌توان گفت رفتار پرخطر امریکا، امروزه تهدیدی بزرگ برای محیط‌زیست جهانی به شمار می‌رود. این کشور با عدم پذیرش یا خروج از اسناد و کنوانسیون‌های مهم زیست‌محیطی قصد فرار از مسئولیت‌های بین‌المللی را دارد و این الزامات را برای خود نمی‌پذیرد. اما اصل جبران خسارت توسط آلوده‌ساز در حقوق بین‌الملل و پیشگیری از به خطر انداختن سلامت جهانی، قواعدی الزام‌آور برای همه کشورها محسوب می‌شوند.

## ۹. پیشنهاد‌های رسانه‌ای

بی‌تردید رسانه‌ها مهم‌ترین نقش را در آگاهی‌بخشی در خصوص بحران‌های محیط‌زیست ایفاء کرده‌اند. تلاش‌های رسانه‌ای توانسته حساسیت‌های جهانی را برای مبارزه با بحران‌های



محیط‌زیستی افزایش دهد. در حوزه نقض حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در دوره ترامپ موارد ذیل برای برنامه‌سازی در رسانه‌های برون‌مرزی پیشنهاد می‌شود:



۱. بررسی نقش معاهدات زیست‌محیطی در کنترل بحران‌های زیست‌محیطی و تأثیر این معاهدات بر سیاست محیط‌زیستی ایالات‌متحده در دوره‌های مختلف با تأکید بر دوره ترامپ در قالب برنامه‌های کارشناس‌محور؛

۲. بررسی ضعف‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، خلاءهای حقوقی که دولت‌ها از آن برای تخریب محیط‌زیست سوءاستفاده می‌کنند و لزوم بازنگری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در برنامه‌های کارشناس‌محور در دستور کار قرار بگیرند؛

۳. جایگاه تصمیم‌های رؤسای جمهور امریکا و تأثیر آن بر محیط‌زیست جهانی دارای اهمیت است و تحلیل آن توسط کارشناسان مرتبط با این حوزه می‌تواند نقش تصمیمات فردی در ایالات‌متحده بر محیط‌زیست جهانی را نشان دهد؛

۴. بررسی کارشناسی تأثیر سیاست‌های ضد محیط‌زیستی ترامپ برای آینده جهان و توجه به این مهم که تغییرات محیط‌زیستی در دوره ترامپ تا چه اندازه می‌تواند در اشاعه بحران‌های زیست‌محیطی تأثیرگذار باشد؛

۵. تبیین ماهیت و اهداف اقتصادی و سیاسی ترامپ از تغییرات گسترده در قوانین محیط‌زیستی و توجه به این مهم که رشد اقتصادی کنونی در ایالات‌متحده به قیمت نابودی محیط‌زیست داخلی با تأثیرات جهانی در حال شکل‌گیری است؛

۶. ساخت برنامه مستند در شبکه پرس‌تی‌وی برون‌مرزی با توجه به ابعاد و مصادیق نقض حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توسط ایالات‌متحده در دوره ترامپ با استفاده از حقوق‌دانان بین‌المللی؛

۷. تولید اینفوگرافی و فتوتیتر برای رسانه‌های برون‌مرزی با موضوع تبعات نقض حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توسط امریکا.



## منابع و مأخذ

- برادن، کتلین و فرد شلی (۱۳۸۳)، **ژئوپلیتیک فراگیر**، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، چاپ اول.
- پورهایمی، سیدعباس؛ سحر زارعی و یلدا خلعتبری (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، **فصلنامه حقوق عمومی**، دوره ۱۵، شماره ۳۹ تابستان، صص ۹۰-۶۱.
- دیبری، فرهاد و بیتا آزادبخت (۱۳۸۹)، بررسی مکانیسم‌های اجرایی معاهده CITES در نظام حقوقی ایران با هدف حفاظت از گونه‌های در معرض خطر انقراض. **نشریه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست**، دوره ۱۲ شماره ۴، صص ۵۹-۶۹.
- رضایی، علی (۱۳۹۶)، «حقوق و تعهدات کشورها در بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، سال هجدهم، شماره ۵۴، بهار، صص ۳۷۱-۳۴۷.
- سیابانی، علیرضا و علیداد شهبازی (۱۳۹۶)، «حمایت از حقوق محیط‌زیست از منظر حقوق بین‌الملل بشر»، **ماهنامه پژوهش ملل**، دوره دوم، شماره ۱۶، صص ۹۶-۸۱.
- شاه‌حسینی، عطییه و علی مشهدی (۱۳۹۶)، «جبران خسارت زیست‌محیطی براساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیاد در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»، **نشریه پژوهش حقوق عمومی**، دوره ۱۹ شماره ۵۵، تابستان، صص ۱۶۵-۱۴۱.
- عبداللهی، محسن و سعیده معرفی (۱۳۸۹)، «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، **نشریه پژوهش حقوق و سیاست**، دوره ۱۲، شماره ۲۹، تابستان، صص ۱۹۹-۲۲۴.
- لانگ، وینفرید و همکاران (۱۳۹۲)، **حقوق محیط‌زیست**، جلد اول، مترجم: محمد حسن حبیبی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی، سید فضل‌الله و همکاران (۱۳۹۴)، «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، **نشریه حقوق عمومی**، دوره ۱۷، شماره ۴۸، پاییز، صص ۲۵-۹.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۵)، «حق دسترسی به اطلاعات محیط‌زیست بررسی حقوق بشر اروپایی، **نشریه محیط‌شناسی دانشگاه تهران**، دوره ۳۲ شماره ۴۰، زمستان، صص ۸۶-۷۷.

- B. preston (2017), "Trump EPA rule change exploits taxpayers for mine cleanup, crirics say", Available at: <https://www.theguardian.com/environment/2017/dec/17/donald-trump-epa-mining-pollution-rules>.
- Bolstad, Erika (2017), "Trump's Wall Could Cause Serious Environmental Damage", Available at: [www.scientificamerican.com/article/trumps-wall-could-cause-serious-environmental-damage](http://www.scientificamerican.com/article/trumps-wall-could-cause-serious-environmental-damage).
- Chathamhouse (2017), "What Trump's Withdrawal from Paris Means for Global Climate Action", Available at:



[www.chathamhouse.org/expert/comment/what-trump-s-withdrawal-paris-means-global-climate-action](http://www.chathamhouse.org/expert/comment/what-trump-s-withdrawal-paris-means-global-climate-action).

Chavez, Nicole (2018), "Death toll rises to 23 in California's Camp Fire", Available at: <https://edition.cnn.com/2018/11/10/us/california-wildfires-camp-woolsey-hill/index.html>

Columbiaclimatelaw (2018 A), "President Issues Executive Order Revoking Federal Sustainability Plan", Available at: <http://columbiaclimatelaw.com/climate-deregulation-tracker/president-issues-executive-order-revoking-federal-sustainability-plan>.

Columbiaclimatelaw (2018 B), "BLM Issues Internal Policy to Streamline Oil and Gas Permitting", (2018), Available at: <http://columbiaclimatelaw.com/climate-deregulation-tracker/blm-issues-internal-policy-to-streamline-oil-and-gas-permitting>

Davenport, Coral (2019), "Interior Dept. Loosens Offshore-Drilling Safety Rules Dating From Deepwater Horizon", Available at: <https://www.nytimes.com/2019/05/02/climate/offshore-drilling-safety-rollback-deepwater-horizon.html>

Demarban, Alex(2017), "Bering Sea tribal groups slam Alaska delegation for 'standing by' as Trump struck order giving them voice", Available at: <https://www.adn.com/arctic/2017/04/29/bering-sea-tribal-groups-slam-alaska-delegation-for-standing-by-as-trump-struck-order-giving-them-voice/>

Edgar (2015), Report: "Trends in global co2 emissions", Available at: [https://edgar.jrc.ec.europa.eu/news\\_docs/jrc-2015-trends-in-global-co2-emissions-2015-report-98184.pdf](https://edgar.jrc.ec.europa.eu/news_docs/jrc-2015-trends-in-global-co2-emissions-2015-report-98184.pdf) .

Eelp (2018 A), "Regional Haze State Implementation Plans", Available at: <https://eelp.law.harvard.edu/2018/04/regional-haze-state-implementation-plans/>

Eelp (2018 B), "New Source Review (2018)", Available at: <https://eelp.law.harvard.edu/2018/12/new-source-review/>

Eelp (2018 C), "Petroleum refinery sector rule – neshaps nsp", Available at: <https://eelp.law.harvard.edu/2018/12/petroleum-refinery-sector-rule-neshaps-nsp>.

Eenews (2017), "Order limits most NEPA studies to a year, 150 pages", Available at: <https://www.eenews.net/stories/1060059865>



- EPA(2017), "Withdraws Information Request for the Oil and Gas Industry", Available at:<https://www.epa.gov/newsreleases/epa-withdraws-information-request-oil-and-gas-industry>
- EPA, (2017), Greenhouse Gas Inventory Data Explorer, Available at: <https://cfpub.epa.gov/ghgdata/inventoryexplorer/#allsectors/allgas/gas/current>
- EPA,(2014), "Global Greenhouse Gas Emissions Data", available at: <https://www.epa.gov/ghgemissions/global-greenhouse-gas-emissions-data>
- Faenandez, Lisa (2017), "California wildfires by the numbers: 40 killed, 5,700 homes destroyed" Available at: <https://web.archive.org/web/20171016234302/http://www.ktvu.com/news/california-wildfires-by-the-numbers-17-confirmed-dead-170000-acres-burned>
- Federalregister (2017), "Hazardous Waste Management System; Identification and Listing of Hazardous Waste", .Available at:<https://www.federalregister.gov/documents/2017/10/02/2017-21112/hazardous-waste-management-system-identification-and-listing-of-hazardous-waste>.
- Fisheries (2019), Fishing in the Southeast .Available at: <https://www.fisheries.noaa.gov/southeast/about-us/fishing-southeast>
- Flesher (2018), "Trump scraps Obama policy on protecting oceans, Great Lakes", available at: <https://www.apnews.com/57d405229ba844f59f9f2d06c65c4318>
- Fossil CO2 and GHG emissions of all world countries, 2019 report. Available at: <https://edgar.jrc.ec.europa.eu/overview.php?v=booklet2019&sort=des9>
- Friedman, Lisa (2018), "E.P.A. Will Ease Path to New Coal Plants", Available at:<https://www.nytimes.com/2018/12/04/climate/epa-coal-carbon-capture.html>
- Friedman, lisa and Davenport, coral (2019), "Curbs on Methane, Potent Greenhouse Gas, to Be Relaxed in U.S". Available at: <https://www.nytimes.com/2019/08/29/climate/epa-methane-greenhouse-gas.html>
- Fws (2017), "Interior Department, Overturned a ban on using parts of migratory birds in handicrafts made by Alaskan Natives", Available at: [https://www.fws.gov/alaska/ambcc/News\\_files/NR%2007-21-](https://www.fws.gov/alaska/ambcc/News_files/NR%2007-21-)



- 2017%20Migratory%20Birdpart%20Native%20Handicrafts%20FINAL%20DOI%20(3).pdf
- Govinfo (2017), "National Emission Standards for Hazardous Air Pollutants: Publicly Owned Treatment Works Residual Risk and Technology Review", Available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/FR-2017-10-26/pdf/2017-23067.pdf>
- Gross, Daniel (2015), "**Chemical Warfare**: From the European Battlefield to the American Laboratory", Distillations. 1 (1): 16–23.
- H, Vizcarra (2016), "power-plant-startup-shutdown-and-malfunction-rule", Available at: <https://eelp.law.harvard.edu/2017/09/power-plant-startup-shutdown-and-malfunction-rule>
- Hollander, Zaz (2017), "Congress and Trump revoked the predator-control ban on Alaska's refuges. Now what?", Available at: <https://www.adn.com/alaska-news/wildlife/2017/04/10/congress-and-trump-revoked-the-predator-control-ban-on-alaskas-refuges-now-what>.
- Howard,Miles (2017), " Trump's War On Climate Has Created A Formidable Enemy: Millennials", Available at: <https://www.wbur.org/cognoscenti/2017/01/26/climate-trump-millennials-miles-howard> .
- Independent (2019),"Trump plans to scrap logging ban in US' largest forest as experts warn of 'irreparable harm", Available at: <https://www.independent.co.uk/news/world/americas/us-politics/donald-trump-logging-ban-alaska-tongass-roadless-rule-a9158361.html>
- Insideclimatenews (2018),"11 States Sue EPA's Scott Pruitt Over Climate Super-Pollutants", Available at: <https://insideclimatenews.org/news/27062018/hfcs-global-warming-climate-pollution-lawsuit-trump-epa-regulations-kigali-amendment>
- Jennifer A, Dlouhy (2018). "Trump Paves Way for Air Guns to Search for Atlantic Oil", Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-11-30/trump-paves-way-for-air-guns-to-search-for-oil-in-u-s-atlantic>
- Kenny, Caroline (2016), "TRUMP PROPOSES CUTS TO CLIMATE AND CLEAN-ENERGY PROGRAMS", Available at: [edition.cnn.com/2016/12/04/politics/dakota-access-pipeline](https://edition.cnn.com/2016/12/04/politics/dakota-access-pipeline)



- Kerry, John (2018), "Forget Trump. We All Must Act on Climate Change", .available at: <https://carnegieendowment.org/2018/12/13/forget-trump.-we-all-must-act-on-climate-change-pub-77958> .
- Knopman , Debra (2017), "Impact on the Environment from President Trump's First 100 Days", Available at: <https://www.rand.org/blog/2017/05/impact-on-the-environment-from-president-trumps-first.html> .
- Kristensen, Hans (2013). "US Navy Instruction Confirms Retirement of Nuclear Tomahawk Cruise Missile", Available at: <https://fas.org/blogs/security/2013/03/tomahawk/>
- Latimes (2017), "California politics updates: Gov. Brown blasts Trump on climate change, state lawmakers weigh in on hundreds of bills by week's end", .Available at: <https://www.latimes.com/politics/essential/la-pol-ca-essential-politics-updates-california-sued-trump-administration-1516822380-htmllstory.html>
- Lipton, Eric (2018 A), "Trump Rollbacks Target Offshore Rules 'Written With Human Blood", Available at: <https://www.nytimes.com/2018/03/10/business/offshore-drilling-trump-administration.html>
- Lipton, Eric (2018 B), "The Chemical Industry Scores a Big Win at the E.P.A", Available at: <https://www.nytimes.com/2018/06/07/us/politics/epa-toxic-chemicals.html>
- Merica, Dan (2017). "What Trump's climate change order accomplishes -- and what it doesn't", .Available at: [edition.cnn.com/2017/03/28/politics/donald-trump-climate-change-executive-order/](http://edition.cnn.com/2017/03/28/politics/donald-trump-climate-change-executive-order/)
- Michael D, Shear (2017), "Trump Will Withdraw U.S. From Paris Climate Agreement", Available at: <https://www.nytimes.com/2017/06/01/climate/trump-paris-climate-agreement.html>
- Mintz, Sam (2018), "FERC shifts policy to limit climate consideration", available at: <https://www.eenews.net/eenewspm/stories/1060082141>
- Nationofchange (2017), "Big Oil cheers as Trump plans to open national parks for drilling", Available at: <http://www.nationofchange.org/2017/01/13/big-oil-cheers-trump-plans-open-national-parks-drilling>



- Ny times,(2018), "Trump Administration Formally Rolls Back Rule Aimed at Limiting Methane Pollution", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2018/09/18/climate/trump-methane-rollback.html>.
- Nytimes (2017 B), "Trump Signs Order Rolling Back Environmental Rules on Infrastructure", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2017/08/15/climate/flooding-infrastructure-climate-change-trump-obama.html>
- Nytimes (2018 B), "Cost of New E.P.A. Coal Rules: Up to 1,400 More Deaths a Year", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2018/08/21/climate/epa-coal-pollution-deaths.html>
- Nytimes (2018 C), "Law That Saved the Bald Eagle Could Be Vastly Reworked", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2018/07/19/climate/endangered-species-act-changes.html>.
- Nytimes (2019 D), "E.P.A. Won't Ban Chlorpyrifos, Pesticide Tied to Children's Health Problems", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2019/07/18/climate/epa-chlorpyrifos-pesticide-ban.html>.
- Nytimes (2019 G), "Trump Administration Rolls Back Clean Water Protections", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2019/09/12/climate/trump-administration-rolls-back-clean-water-protections.html>
- Nytimes(2018 A), "Trump Administration Unveils Its Plan to Relax Car Pollution Rule", Available at: <https://www.nytimes.com/2018/08/02/climate/trump-auto-emissions-california.html?module=inline>
- Nytimes(2019 A),"Trump Administration Lifts Ethanol-Fuel Ban That Was Meant to Cut Smog", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2019/05/31/climate/trump-ethanol-fuel-ban.html>
- Nytimes(2019 C),"Trump Administration Loosens Sage Grouse Protections, Benefiting Oil Companies", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2019/03/15/climate/trump-sage-grouse.html>
- Opb (2016), "Oil Train Safety Rules Getting Rolled Back By Trump Administration", Available at:  
<https://www.opb.org/news/article/oil-train-safety-rule-rollback-by-trump>.



- Public International Law (2019), "International Environmental Law", Available at: <http://unimelb.libguides.com/c.php?g=403018&p=2742085#14509500>
- Reichmann, Kelsey (2019), "Here's how many nuclear warheads exist, and which countries own them", Available at: <https://www.defensenews.com/global/2019/06/16/heres-how-many-nuclear-warheads-exist-and-which-countries-own-them/>
- Schmitt, Angie (2018), "Trump Admin Snuffs Out Climate Progress at U.S. DOT", Available at: <https://usa.streetsblog.org/2018/05/31/trump-admin-snuffs-out-climate-progress-at-u-s-dot>
- Sciencemag (2017), "Trump's attack on social cost of carbon could end up hurting his fossil fuel push", Available at: <https://www.sciencemag.org/news/2017/08/trump-s-attack-social-cost-carbon-could-end-hurting-his-fossil-fuel-push>
- Scientificamerican (2019 A), "As Trump Administration Downplays Warming, Agencies Chronicle Climate Impacts", Available at: <https://www.scientificamerican.com/article/as-trump-administration-downplays-warming-agencies-chronicle-climate-impacts>
- Scientific American (2019 B), "Areas in the Pacific Ocean, the eastern Gulf of Mexico, the Arctic Ocean, and much of the Eastern Seaboard are included in the new plan", Available at: [www.scientificamerican.com/article/trump-opens-vast-waters-to-offshore-drilling](https://www.scientificamerican.com/article/trump-opens-vast-waters-to-offshore-drilling).
- Serna, Joseph(2019). "Trump opens new war with California over wildfires, seeking to slash payments for firefighting on federal land", Available at: <https://www.latimes.com/local/lanow/la-me-ln-trump-blocks-california-wildfire-reimbursements20190522-story.html>.
- Shogren, Elizabeth (2018), "Interior revokes climate change and mitigation policies", Available at: <https://www.hcn.org/articles/climate-change-interior-department-revokes-climate-change-and-mitigation-policies>.
- Stelzer, Irwin (2017), "The Road from Paris Might Lead to Lower Emissions", Available at: <https://www.hudson.org/research/13878-the-road-from-paris-might-lead-to-lower-emissions>
- Stern, Todd (2019), "The fight to contain climate change – Implementing Paris, mobilizing action", Available at: <https://www.brookings.edu/blog/planetpolicy/2019/09/16/the-fight-to-contain-climate-change-implementing-paris-mobilizing-action> .



- Tabuchi, Hiroko (2017), "Republicans Move to Block Rule on Coal Mining Near Streams", Available at:  
<https://www.nytimes.com/2017/02/02/business/energy-environment/senate-coal-regulations.html>
- Theguardian, (2019), "Donald Trump officially launches US space force", aAvailable at:  
<https://www.theguardian.com/us-news/2019/dec/21/donald-trump-officially-launches-us-space-force>.
- Turkewitz, Julie (2017 A), "Trump Slashes Size of Bears Ears and Grand Staircase Monuments", Available at: <https://www.nytimes.com/2017/12/04/us/trump-bears-ears.html>
- Turkewitz, Julie (2017 B), "Army Approves Construction of Dakota Access Pipeline", Available at:  
[https://www.nytimes.com/2017/02/07/us/army-approves-construction-of-dakota-access-pipeline.html?\\_r=0](https://www.nytimes.com/2017/02/07/us/army-approves-construction-of-dakota-access-pipeline.html?_r=0)
- United nations development programme (2000), "Human Development Report 2000", Available at: <http://hdr.undp.org/en/content/human-development-report-2000>
- Volcovici, valerie (2017 A), "Senate revokes Obama federal land-planning rule", Available at:  
<https://www.reuters.com/article/us-usa-congress-publicland/senate-revokes-obama-federal-land-planning-rule-idUSKBN16E2UZ>.
- Volcovici, Valerie (2017 B), "New Interior head lifts lead ammunition ban in nod to hunters", Available at:  
<https://www.reuters.com/article/us-usa-InteriorDepartment-zinke-idUSKBN16930Z>
- Washingtonpost (2018), "100-year-old law to protect birds can no longer be used to hold companies has officially clipped the wings of the Migratory Bird Treaty Act", Available at:  
<https://www.washingtonpost.com/news/energy-environment/wp/2018/04/13/the-trump-administration-officially-clipped-the-wings-of-the-migratory-bird-treaty-act/>
- Westing, Arthur (1977), **"Weapons of Mass Destruction and the Environment"**, Publisher Taylor and Francis, ISBN 0-85066-132-3.
- Whitehouse (2017), "Presidential Executive Order on Promoting Energy Independence and Economic Growth", Available at:



<https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/presidential-executive-order-promoting-energy-independence-economic-growth>.

Whitehouse (2018), "Budget The White House", Available at: [www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2018/02/budget-fy2019.pdf](https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2018/02/budget-fy2019.pdf)  
Zuckerman, Laura (2018), "U.S. proposes end of grizzly-baiting ban in Alaska's national preserves", Available at: <https://www.reuters.com/article/us-alaska-hunting-bears/us-proposes-end-of-grizzly-baiting-ban-in-alaskas-national-preserves-idUSKCN1IM2IO>.



## چشم‌انداز مذاکرات امریکا و کره شمالی در دوره ترامپ تا انتخابات ۲۰۲۰ امریکا (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)

بهنام خسروی<sup>۱</sup>، ابوذر گوهری مقدم<sup>۲</sup>

### چکیده

امریکا همواره مهم‌ترین بازیگر پرونده هسته‌ای کره شمالی بوده و از زمان آغاز بحران در دهه ۱۹۹۰ میلادی، روند فشار و تحریم در عین مذاکره با هدف خلع سلاح کره شمالی را آغاز کرده است. با شروع ریاست جمهوری دونالد ترامپ، ابتدا سطح تنش و احتمال جنگ افزایش یافت. اما با ورود وی به سال دوم ریاست‌جمهوری، ضمن کاهش سطح تنش‌ها، سه دور مذاکره میان ترامپ و کیم جونگ اون برگزار شد. سؤال اصلی مقاله این است که «با توجه به مواضع ترامپ، تحولات منطقه‌ای، جهانی و رویکرد بازیگران ذی‌ربط، چشم‌انداز بحران اتمی کره شمالی تا پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا چگونه است؟» سه سناریوی اصلی که مقاله امکان وقوع آنها را بررسی کرده است، سناریوی محتمل (ادامه وضع موجود)، سناریوی ممکن (افزایش تنش) و سناریوی مطلوب (دستیابی به توافق) است. یافته‌های مقاله حکایت از آن دارند که تا پایان ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۲۰، محتمل‌ترین رخداد، ادامه وضع موجود و عدم امکان انعقاد توافق بین دو کشور است. سناریوی محتمل، ضمن پیش‌بینی کاهش سطح تنش در منطقه، امکان خلع سلاح اتمی و موشکی کره شمالی و حصول یک توافق جامع را با توجه به عواملی از جمله رقابت‌های راهبردی چین و امریکا، بسیار پایین ارزیابی می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** بحران اتمی، خلع سلاح هسته‌ای، دونالد ترامپ، سیاست خارجی امریکا، شبه‌جزیره کره، رسانه‌برون‌مرزی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۸

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

kh\_behnam69@yahoo.com

Gohari@isu.ac.ir

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران



## ۱. مقدمه

چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

قدرت‌های جهانی همواره به شبه‌جزیره کره توجه داشته‌اند. ژاپن به‌عنوان قدرت برتر در آسیا از سال ۱۹۱۰م به‌طور رسمی شبه‌جزیره کره را تحت کنترل خود درآورد (Kang, 1997). با آغاز جنگ جهانی دوم، ورود ژاپن به جنگ و درنهایت شکست آن، کشورهای پیروز از شمال و جنوب وارد شبه‌جزیره کره شدند. ارتش امریکا بخش جنوبی و ارتش شوروی بخش شمالی را اشغال کرده و در مدار ۳۸ درجه جغرافیایی (مرز کنونی دو کره)، به یکدیگر رسیدند. با تشدید تقابل ایدئولوژیک، اقتصادی، سیاسی، نظامی و رسانه‌ای میان امریکا و شوروی، کره به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد (Hickey, 2011: 1).

گروهی از کارشناسان در محافل غربی انتظار داشتند با فروپاشی شوروی، کره شمالی تضعیف و در نتیجه دچار تغییر رژیم شود. اما این پیش‌بینی به وقوع نپیوست. کره شمالی، علیرغم ضعف و انزوا، در برابر امریکا تسلیم نشد و به سمت ایجاد موازنه قوای نظامی حرکت کرد. اراده سیاسی تصمیم‌گیران کره شمالی مبتنی بر خودیاری در جهانی است که اگر در آن ضعیف باشند، امریکا لحظه‌ای در سرنوشتی رژیم تردید نخواهد کرد. بی‌اعتمادی تاریخی طرفین به یکدیگر منجر به ناکام ماندن و شکست «بیانیه مشترک غیرهسته‌ای سازی شبه‌جزیره کره»<sup>۱</sup> (بیانیه مشترک دو کره در ۱۹۹۲)، توافق امریکا و کره شمالی<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) در مورد مسئله هسته‌ای کره شمالی و مذاکرات موشکی واشنگتن و پیونگ‌یانگ (۱۹۹۶) شده است. در تمام این مدت نیز شورای امنیت با فشار امریکا، قطعنامه‌های متعددی ذیل فصل هفتم منشور علیه کره شمالی صادر کرده است (Davenport, 2018).

کلیدی‌ترین نکته در فهم بحران شبه‌جزیره کره، توانمندی موشکی و هسته‌ای کره شمالی و احساس تهدید امریکا، ژاپن و کره جنوبی از آن است. امریکا به توانایی اتمی و موشکی هر کشور حساسیت دارد. این حساسیت در مورد کره شمالی به دلیل نزدیکی آن به چین و روسیه، بیشتر است. بعد از تکمیل چرخه هسته‌ای شدن کره شمالی و دستیابی این کشور به فناوری ساخت موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، پیونگ‌یانگ در پی کسب امتیازهای گوناگون (اخذ تضمین امنیتی، دریافت سوخت و کمک‌های غذایی) بوده و آمادگی انعطاف نسبی در برابر واشنگتن را داشته

1. North-South Joint Declaration on the Denuclearization of the Korean Peninsula

2. Agreed Framework



است تا با عقب‌نشینی‌های خاص، امتیازاتی در حوزه تحریم‌ها دریافت و از عدم قصد امریکا برای سرنگونی دولت حاکم، اطمینان حاصل نماید.

با روی کار آمدن ترامپ در امریکا و انتقاد وی از سیاست خارجی اوباما، ترامپ ابتدا سعی کرد خطر کره شمالی را برای افکار عمومی امریکا بزرگ کرده و سپس با مذاکره، این تلقی را به وجود آورد که او توانسته با یک رویکرد صحیح، پرونده اتمی - موشکی کره شمالی را حل نماید. ترامپ از ابتدا، سیاست اعمال فشار حداکثری بر کره شمالی و وادار کردن این کشور برای بازگشت به میز مذاکرات را هدف خود عنوان نمود. وی ضمن انتقاد از سیاست «صبر استراتژیک» دولت اوباما، سطح تنش در منطقه شرق آسیا را به شدت افزایش داد و آن را تا سر حد یک جنگ تمام عیار نظامی بالا بُرد. اما در عین افزایش تنش لفظی با کره شمالی، از سال ۲۰۱۷ (ماه‌های می تا ژوئن) مذاکرات محرمانه میان مقامات دولت ترامپ و کره شمالی در اسلو، نیویورک و پیونگ‌یانگ آغاز شده بود (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۷: ۲). این مذاکرات، زمینه ارتقای سطح گفت و گوها به سران دو کشور را فراهم کردند تا ترامپ ادعای پیروزی کند. به همین دلیل، تاکنون (ژانویه ۲۰۲۰) سه دور مذاکره بین ترامپ و کیم جونگ اون، برگزار شده که هنوز به نتیجه خاصی نیز منجر نشده است.

این مقاله درصدد است ضمن بررسی سیاست خارجی ترامپ در قبال کره شمالی، چشم‌انداز بحران و امکان انعقاد یک توافق میان دو کشور را بررسی نماید. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی، با استفاده از ابزار فیش‌برداری برای جمع‌آوری داده‌ها و مبتنی بر مصاحبه عمیق با کارشناسان بوده است. روش دستیابی به حجم نمونه نیز «گلوله برفی» به معنای رجوع به یک کارشناس و معرفی سایر کارشناسان توسط کارشناس قبلی بوده است. تعداد کارشناسان براساس اشباع نظری داده‌ها، ۱۰ نفر است. نقطه تمرکز این مقاله، سیاست خارجی دونالد ترامپ در مورد بحران هسته‌ای کره شمالی از سال ۲۰۱۶ و هدف آن نیز بررسی چشم‌انداز مذاکرات احتمالی میان پیونگ‌یانگ - واشنگتن در دوره ترامپ و سناریوهای متصور برای آینده این بحران است. فرضیه مقاله نیز این است که «به‌نظر می‌رسد تا سال ۲۰۲۰ و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، موضوع بحران کره شمالی، در کانون توجه ترامپ خواهد بود. لذا برگزاری مذاکرات هسته‌ای کره شمالی و امریکا در این دوره محتمل است، اما انعقاد یک توافق و عملیاتی شدن آن با توجه به مسائل داخلی امریکا و چرخه بازدارندگی نظامی - اتمی کره شمالی و رویکرد و منافع متضاد و متفاوت بازیگران دخیل محتمل نخواهد بود».

به دلیل اهمیت مسائل شبه جزیره کره و موضوعات هسته‌ای، رسانه‌های برون‌مرزی ایران مأموریت دارند که با ورود کارشناسانه و دقیق به این مسائل، اطلاعات مناسبی در اختیار مخاطبان قرار دهند و اخبار و تحلیل‌های صحیح و مطابق با منافع ملی ایران را به منطقه شرق آسیا و سایر مناطق جهان مخابره نمایند. ضمناً با توجه به انعقاد توافق هسته‌ای ایران و خروج ترامپ از آن، بررسی رفتارهای ترامپ و آمریکا و واکنش کره شمالی به تهدیدهای مختلف آمریکا، می‌تواند ضمن ایجاد یک فضای مقایسه‌ای، موضوع را برای مخاطبان به‌خوبی تشریح کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

شریعتی‌نیا در پژوهشی با عنوان «مذاکره با آمریکا: تجربه ناموفق کره شمالی» (۱۳۹۷) به بررسی تاریخی ادوار مذاکرات کره شمالی با آمریکا پرداخته است. نویسنده تصریح می‌کند که تجربه مذاکرات کره شمالی و ایالات‌متحده از چند جهت می‌تواند برای ایران حائز اهمیت باشد. نخست آنکه ایران و کره شمالی از معدود بازیگرانی به شمار می‌آیند که با ایالات‌متحده روابطی ندارند و در عین حال رقابت استراتژیک با واشنگتن بر کلیت سیاست خارجی این کشورها و هویت بین‌المللی آن‌ها سایه انداخته است. دوم آنکه دو کشور در دهه‌های اخیر علی‌رغم پیشبرد نوعی از رقابت استراتژیک با آمریکا در دوره‌هایی نیز با این کشور وارد مذاکره شده و به توافقاتی نیز دست یافتند. سوم اینکه در روند پس از توافق برجام و نیز پس از خروج آمریکا از آن و گفت‌وگوهای ترامپ با رهبر کره شمالی، دو کشور از مدل‌های مذاکراتی یکدیگر در تعامل با آمریکا شناخت بیشتری حاصل کردند. شریعتی‌نیا معتقد است که ترامپ به مذاکره با کره شمالی احتیاج دارد و پیونگیانگ با اعتماد به نفس خواهان به رسمیت شناخته شدن توسط جهان به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای است.

باقری و درج در مقاله خود با عنوان «سیاست دونالد ترامپ و مسئله هسته‌ای کره شمالی» (۱۳۹۷) نوشته‌اند که توافق ژوئن ۲۰۱۸ بین آمریکا و کره شمالی در خصوص آغاز مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای این کشور، یک‌بار دیگر جهانیان را امیدوار و همه نگاه‌ها را معطوف به شرق آسیا ساخته است. سؤال اصلی این پژوهش این است که رویکرد ترامپ در قبال بحران هسته‌ای کره شمالی چیست؟ و چه اهداف و برنامه‌هایی را پیگیری می‌کند؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که آمریکا خلع سلاح کامل هسته‌ای و تبدیل کره شمالی به بازیگری مورد پذیرش جامعه جهانی را دنبال می‌کند. برای این منظور سیاست افزایش فشار منطقه‌ای و جهانی بر کره شمالی



و ناکارآمد نشان دادن کسب سلاح هسته‌ای برای تأمین امنیت، در دستور کار ترامپ قرار داد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی مقدمه افزایش فشارها بر این کشور در سایر حوزه‌های سیاسی و حقوقی برای تغییر رفتار آن در آینده است. براساس دیدگاه نویسندگان این مقاله، پیونگیانگ در صورت ادامه دادن به مذاکرات با دو وضعیت روبرو خواهد شد یا تغییر رفتار کامل و تبدیل شدن به رژیمی مشابه کره جنوبی و ژاپن و یا انتظار تغییر رژیم در آینده همانند عراق و لیبی.

همچنین از سوی دیگر، بخش اعظم مقالات و گزارش‌های راهبردی انگلیسی‌زبان که توسط اندیشکده‌های آمریکایی و اروپایی منتشر شده‌اند، به دلیل حساسیت توانمندی هسته‌ای و موشکی کره شمالی، بر موضوع خلع سلاح و موازنه قدرت در برابر پیونگیانگ، متمرکز هستند. این اندیشکده‌ها که نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی و امنیتی دو سوی آتلانتیک دارند، با بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی، سعی در القای این نکته دارند که تا زمان امحا و انهدام برنامه موشکی و هسته‌ای پیونگیانگ، مذاکرات موفق و یک توافق اتمی و جامع، محقق نخواهد شد.

نوآوری مقاله پیش رو در بررسی وضعیت موجود مناسبات و منازعات کره شمالی و امریکا و ارائه سناریوهایی برای آینده است.

### ۳. مبانی نظری

«نظریه‌های نقش جهانی امریکا»<sup>۱</sup> که «پاتریک کالاهان»<sup>۲</sup> مطرح کرده است، الگوهای مختلفی برای تحلیل سیاست خارجی امریکا و تشخیص راهبرد امنیت ملی این کشور پیشنهاد می‌کند. با توجه به مؤلفه‌هایی مانند نوع نگاه دولت‌های مختلف امریکا درباره سطح درگیر شدن در امور بین‌المللی، گستره جغرافیایی، چندجانبه و یک‌جانبه‌گرایی، جهانی شدن، قدرت، منافع ملی، نقش رهبری، نظامی‌گری، مداخله‌گرایی و تعهدات اخلاقی، کالاهان به معرفی منطق‌های سیاست خارجی امریکا پرداخته است که عبارت‌اند از: «برتری‌جویی، واقع‌گرایی، انزواگرایی، لیبرالیسم، بین‌الملل‌گرایی لیبرال و ضد امپریالیسم افراطی». برخی اعتقاد دارند که رویکرد سیاست خارجی امریکا از بین‌الملل‌گرایی لیبرال در دوران اوپاما به نوانزوگرایی و واقع‌گرایی در دوران ترامپ تغییر کرده است. ترامپ از منظر گرایش سیاسی و عملکرد اقتصادی نوانزوگرایانه و در حوزه مسائل

1. Theories of America's World Role

2. Patrick Callahan



نظامی و امنیتی کاملاً واقع‌گرایانه عمل کرده است. دو راهبرد «نخست‌امریکا»<sup>۱</sup> و «احیای مجدد امریکا»<sup>۲</sup> الگوهای اصلی سیاست خارجی ترامپ از منظر آنان است (امیدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۹). انزوایی، یعنی پرهیز از درگیر شدن در امور بین‌المللی، لذا ترامپ معتقد است امریکا باید از تعهدات در دسرساز بیرونی پرهیز کند تا به جامعه، نظام حکومتی و اقتصادش در داخل آسیب نرسد (همان: ۲۷۱).

راهبرد نخست امریکا، نشان‌دهنده یک‌جانبه‌گرایی و انزواگرایی در سیاست خارجی ترامپ است. انزواگرایان بر خلاف بین‌الملل‌گرایان حامی اولویت اهداف ملی نسبت به اهداف بین‌المللی، تمرکز موضوعی و جغرافیایی بر کشورها و مناطق خاص، ایفای نقش رهبری محدود و یک‌جانبه، منتقد درگیر شدن در امور بین‌المللی، طرفدار غیرنظامی‌گرایی و غیرمداخله‌گرایی (و نه لزوماً ضدیت با نظامی‌گری و مداخله‌گرایی) و نهایتاً مخالف سرسخت جهانی شدن در حوزه اقتصاد هستند. انزواگرایی معتقد است وابستگی متقابل که نیازمند تعهدات سیاسی و نظامی است، نمی‌تواند منافع حیاتی امریکا را تأمین کند. زیرا تعهدات خارجی، هزینه‌های جدی نهادی در داخل دارد و امریکا هیچ الزامی برای قبول تعهدات اخلاقی در خارج از کشور ندارد (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۰۴). ترامپ با توجه به شرایط جهان و امریکا و تفاوت‌های فاحش آن با قرن ۱۹ میلادی و انزواگرایی امریکا در آن مقطع؛ پیرو نوانزوگرایی<sup>۳</sup> است. نوانزوگرایی خواستار پایان یافتن یا کاهش برخی از تعهدات سیاست خارجی است اما در عین حال با تداوم برخی دیگر از آن‌ها موافق است و پذیرش برخی تعهدات جدید را نیز پیشنهاد می‌کند. به عبارت دیگر نوانزوگرایی نوعی بین‌الملل‌گرایی گزینشی<sup>۴</sup> است، نه انزواگرایی مطلق<sup>۵</sup>. همچنین نوانزوگرایی به‌عنوان یک سیاست خارجی مبتنی بر منفعت یا راهبرد خودمدار نیز شناخته می‌شود. نوانزوگرایان هرگز ادعا نمی‌کنند که ایالات‌متحده باید خود را از سایر کشورها جدا کند، بلکه از نظر آن‌ها، بهترین روش برای تأمین منافع ملی این است که امریکا اول بر اهداف ملی خود متمرکز شود (نخست‌امریکا)، از این رو، آنچه لازم است پیگیری شود صرفاً یک مفهوم محدود از

1. America First
2. Make America Great Again
3. Neo- Isolationism
4. Selective Internationalism
5. Principled Isolationism



منافع ملی امریکا است که شامل حفاظت فیزیکی از قلمرو و مردم ایالات متحده و رونق اقتصادی این کشور می‌شود (امیدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷۳).

این راهبرد در سیاست خارجی ترامپ، به صورت‌های مختلفی خود را نشان داده که می‌توان آنها را ذیل مفهوم «تجاری‌سازی امنیت» طبقه‌بندی کرد. با توجه به وعده‌های دونالد ترامپ مبنی بر لزوم اشتغال‌زایی در امریکا، به نظر می‌رسد که امریکا با بزرگنمایی تهدید کره شمالی و تلاش برای افزایش بحران، زمینه‌ها را برای فروش تجهیزات بیشتر به متحدان خود در شرق آسیا فراهم خواهد کرد. اتفاقی که در سفر ترامپ به ژاپن (می ۲۰۱۹) و وعده وی مبنی بر فروش چند ده جنگنده پیشرفته اف-۳۵ به ژاپن، به‌وضوح مشاهده شد (business insider, 2019).

راهبرد «نخست امریکا» در دوران ترامپ، نشان‌دهنده مشی یکجانبه‌گرایی و انزواگرایی در سیاست خارجی ترامپ است. وی حوزه نظامی و امنیتی را عرصه‌ای مهم برای نمایش قدرت و نیز احیای مجدد آنچه عظمت و اقتدار امریکا می‌خواند به‌عنوان بخش دیگر راهبرد خود انتخاب کرده است. ترامپ در نوامبر ۲۰۱۷ میلادی و در جریان سفر ۱۲ روزه خود به شرق آسیا، ملاقات و مذاکرات دوجانبه با رهبران کره جنوبی، ژاپن و چین انجام داد که هدف از آن تقویت اراده جهانی برای غیر اتمی کردن کره شمالی بود. رئیس‌جمهور امریکا معتقد است اوباما با کاهش بودجه نظامی، قدرت امریکا را کاهش داده و به‌دلیل ناتوانی در استفاده از قدرت نظامی، پیغام ضعف امریکا را به جهان مخابره کرده است. ترامپ در پی امریکایی قدرتمند در جهانی ترس‌آلود و بی‌ثبات است تا بتواند کالای امنیت را به دیگران بفروشد. وی از طریق دشمن‌هراسی، کشورهای شرق آسیا را از کره شمالی می‌ترساند و برای رفع نگرانی آن‌ها، به آن کشورها تسلیحات می‌فروشد (بابکان، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۱).

#### ۴. فرایند مذاکرات در دوران ترامپ

کره شمالی در «راهبرد امنیت ملی امریکا» در دوران ترامپ به‌عنوان یک تهدید و «دولت یاغی»، توصیف شده است (Dobbins, 2018: 1). در این راهبرد، پیونگ‌یانگ یک رژیم «دیکتاتور» خوانده می‌شود که امریکا را با سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های قاره‌پیما تهدید می‌کند و با پیگیری برنامه‌های موشکی، سایبری و هسته‌ای، یک تهدید جهانی است که نیاز به پاسخ جهانی دارد. امریکا در راهبرد خود، برای مقابله با کره شمالی و دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای کامل در شبه‌جزیره کره، بر تقویت همکاری‌های امنیتی - نظامی با متحدانش در شرق



آسیا تأکید کرده است (NSS, 2017). با توجه به رخداد‌های سال اول ریاست جمهوری ترامپ و تشدید تنش و افزایش فشار قطعنامه‌های شورای امنیت، می‌توان به اهمیت کره شمالی در ذهن ترامپ پی برد. بر خلاف استراتژی امنیت ملی دولت باراک اوباما در سال ۲۰۱۵ که در آن تنها سه بار و آن هم به صورت کلی به مسئله کره شمالی توجه شده بود، در سند امنیت ملی دولت ترامپ در سال ۲۰۱۷، ۱۶ بار با جزئیات به موضوع کره شمالی و خطر توان اتمی و نظامی آن پرداخته شده بود. در همان سند بر ضرورت اتحاد میان کشورهای شرق آسیا با امریکا علیه پیونگ‌یانگ تأکید شده بود. با توجه به صدور قطعنامه‌ها، جنگ لفظی و اسناد امنیت ملی امریکا، می‌توان نتیجه گرفت که ترامپ در سال ۲۰۱۷ خواهان تشدید تنش با کره شمالی بود.

پس از روی کار آمدن ترامپ در ژانویه ۲۰۱۷م، کره شمالی در ۱۲ فوریه، ۶ مارس و ۵ آوریل همان سال چند آزمایش موشکی انجام داد. در ۶ آوریل ۲۰۱۷ ترامپ با رئیس جمهور چین ملاقات کرد و طرفین بر همکاری در خصوص خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره کره تأکید کردند. در ۱۷ آوریل ۲۰۱۷م معاون آسیای شرقی وزارت خارجه امریکا «سوزان تورنتون»<sup>۱</sup> از سیاست دولت ترامپ در خصوص کره شمالی رونمایی کرد و آن را «فشار حداکثری و همکاری»<sup>۲</sup> نامید و تأکید کرد امریکا آماده مذاکره بدون قید و شرط با کره شمالی است. در ۲۶ آوریل ۲۰۱۷م نیز مقامات دولت ترامپ به کنگره گزارش دادند که ضمن افزایش تحریم‌ها آماده همکاری با متحدان برای مذاکره با کره شمالی هستند (Davenport, 2019). رکس تیلرسون وزیرخارجه وقت امریکا که پیشتر گفته بود دوران سیاست صبر استراتژیک در برابر کره شمالی خاتمه یافته است، در گفت‌وگو با رادیو NPR بر آمادگی امریکا برای مذاکره با کره شمالی براساس به اصطلاح «دستورالعمل صحیح» تأکید کرد و افزود خلع سلاح، باید هدف نهایی هر مذاکره باشد (NPR, 2017).

صدور قطعنامه‌های ۲۳۷۱ در ۵ اوت، ۲۳۷۵ در سوم سپتامبر و ۲۳۹۷ در ۲۲ دسامبر ۲۰۱۷م، روند تشدید تحریم‌ها و تنش‌ها را افزایش داد و مشخص کرد ترامپ نیز بر نقش شورای امنیت و فشار تحریم تأکید دارد. کره شمالی نیز با تولید کلاهک اتمی کوچک که در موشک‌هایش قابل نصب بود (Fifield, et al 2017) و با آزمایش موشک بالستیک و برد متوسط Hwasong-12 در ۱۵ سپتامبر به این قطعنامه‌ها پاسخ داد. ترامپ در ۲۱ سپتامبر با صدور یک فرمان اجرایی،

1 . Susan Thornton

2 . maximum pressure and engagement



تحریم‌های بیشتری علیه این کشور وضع نمود (Davenport, 2019). تا پایان سپتامبر ۲۰۱۷، درگیری لفظی رئیس‌جمهور امریکا و رئیس کره شمالی شدت یافته و حالت شخصی گرفته بود (Litwak, 2019: 41). در نوامبر ۲۰۱۷ نیز امریکا مجدداً نام کره شمالی را در فهرست کشورهای حامی تروریسم وارد کرد. ترامپ گفت که هدف از این اقدام «وارد کردن حداکثر فشار بر رژیم کره شمالی است». موضوعی که با استقبال کره جنوبی و ژاپن همراه شد (Shear and Sanger, 2017). در پاسخ، کره شمالی در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۷م یک موشک قاره‌پیمای بالستیک با برد ۱۳ هزار کیلومتر آزمایش کرد (McCurry and Berger, 2017). این موارد نشان از افزایش سطح تنش در شبه‌جزیره داشت. کره شمالی نیز از ژانویه تا سپتامبر ۲۰۱۷ و در زمان ترامپ، ۲۴ آزمایش موشکی انجام داد (CSIS, 2017) و با موفقیت یک دوره شدید جنگ روانی و تغییر سطح آرایش نظامی و تهدید متقابل را مدیریت کرد و نشان داد قصد عقب‌نشینی ندارد.

لذا از این مقطع به بعد، طرفین از شدت تنش‌ها کاسته و وارد دوره‌ای از مذاکرات شدند. هر دو طرف به مذاکره در این سطح احتیاج داشتند، ترامپ برای موفق نشان دادن خود در داخل امریکا و کره شمالی برای کسب وجهه بین‌المللی و البته کاهش تحریم‌ها (Litwak, 2019: 42). سرانجام دونالد ترامپ و کیم جونگ اون به جدال لفظی خود پایان دادند و آماده دیدار با یکدیگر شدند. ترامپ و کیم در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ در سنگاپور دیدار کردند. این اولین دیدار یک رئیس‌جمهور امریکا با رئیس کره شمالی بود. بخش عمده‌ای از فرایند منتهی به دیدار در سنگاپور، نتیجه دیپلماسی مخفی بود که طبعاً اطلاعی از آن در دست نیست. اما شاید بتوان آن را حاصل تفاهم شفاهی دانست که احتمالاً در سفرهای پمپئو به کره شمالی رخ داده باشد و فراتر از انتظارات استراتژیک می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۸/۰۷/۰۲).

در بیانیه چهار ماده‌ای نشست سنگاپور، موارد ذیل آمده است: «برقراری روابط دیپلماتیک مجدد بین امریکا و کره شمالی؛ تلاش برای برقراری صلح در شبه‌جزیره کره؛ تعهد طرف امریکایی به اعتمادسازی به مردم و دولت کره و تعهد کره شمالی به فرایند خلع سلاح اتمی در منطقه شبه‌جزیره؛ ایجاد ساز و کار مذاکرات بین پمپئو و مقام عالی کره شمالی برای تحقق و اجرایی ساختن تعهدات متقابل که نخستین گام‌های آن تحت عنوان استرداد اسرا و مفقودین طرفین منازعه آغاز می‌گردد (باقری و درج، ۱۳۹۷: ۱۵۱). این توافق کلی، در اجرا دچار مشکلات جدی است. به همین دلیل دیدارهای بعدی در ۲۷ و ۲۸ فوریه ۲۰۱۹م در ویتنام و ۳۰ ژوئن در مرز دو کره، صرفاً یک دیدار بود و نتیجه خاصی دربرداشت. درواقع بعد از مذاکرات سران دو



کشور در سنگاپور، تأکید امریکا بر ادامه تحریم‌ها تا زمان خلع سلاح کره شمالی، باعث معلق ماندن مذاکرات و پیشرفت‌های احتمالی در آن شد. به همین دلیل نیز مذاکرات دوم در ویتنام، کاملاً شکست خورد و بدون دستاورد، صرفاً موجب سردرگمی تحلیلگران و سران دو طرف شد (کارشناس شماره ۳، ۱۳۹۸/۰۵/۱۵). درواقع، مطابق بیانیه سنگاپور، طبق معمول قرار شد امریکا به کره شمالی تضمین امنیتی بدهد و کره شمالی متعهد شد که خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره کره را در دستور کار قرار دهد (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۵). اما مهم‌ترین پیامد خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره کره، لفظ «شبه‌جزیره» است. زیرا این عنوان فقط کره شمالی را شامل نمی‌شود و کره جنوبی و البته امریکا نیز باید به‌طور جدی و اساسی، سیاست نظامی و امنیتی خود را تغییر دهند تا کره شمالی احساس تهدید نکرده و خلع سلاح را آغاز نماید. بدیهی است خلع سلاح یک کشور هسته‌ای و مسلح به موشک‌های قاره‌پیما، نیاز به همکاری فراتر از یک توافق دوجانبه دارد که عملیاتی کردن آن را دشوار خواهد نمود.

با توجه به افزایش و سپس کاهش تنش و انجام سه دوره مذاکره، برخی اعتقاد دارند «ترامپ، ایده‌ای ذهنی و حتی دکترینی به نام «تنش‌زایی برای تنش‌زدایی» دارد. منطق شخصیتی وی به‌عنوان تاجر این است که تنش موجود را باید به‌عنوان رئیس جمهور تشدید و سپس حل کند تا پایان آن به نام ترامپ ثبت شود. ترامپ احساس کرد یک تهدید غیرفوری به نام کره شمالی وجود دارد که می‌تواند وجهه و اعتباری برای وی ایجاد نماید. کره شمالی نیز چون احساس تهدید کرده بود، پاسخ داد و بر توانایی نظامی به‌خصوص در حوزه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما افزود و اینجا بود که آمادگی برای مذاکره را اعلام کرد. کره شمالی در این مقطع، احساس کرد وارد دوره «مذاکره از سر قدرت» شده است. ترامپ سطح تنش‌ها را افزایش داده بود و تمرکز رسانه‌ای، خبری و راهبردی را بر کره شمالی قرار داده بود تا به مردم امریکا پیام بدهد که قرار نیست صرفاً یک مشکل ساده حل شود، بلکه وی قصد دارد مشکل مهم و چند دهه‌ای را حل نماید که میراث دولت‌های قبل است. نکته مهم دیگر در مورد رفتار و رویکرد ترامپ این است که وی بحران را تشدید می‌کند چون فکر می‌کند که می‌تواند آینده بحران را پیش‌بینی کند» (گوهری، ۱۲ شهریور ۱۳۹۸).

رهبر کره شمالی، در ابتدای کار یک برنامه ۵ ساله برای خود تدوین کرد و در آن راستا، بر ثبات و اهمیت احترام به نظرات کادر نظامی تأکید داشت. در این مسیر برای افزایش قدرت نظامی بر توانایی اتمی و تجهیز موشک‌های قاره‌پیما بالستیک به کلاهی اتمی اصرار کرد تا



به نقطه مد نظر خود برای بازدارندگی برسد. حتی انتخاب شدن یا نشدن ترامپ در این مسیر، تأثیر چندانی نداشت. ترامپ از این اتفاقات و برنامه کره شمالی به نفع خود استفاده و بر خطر این کشور تأکید نمود. درواقع، آنچه که دوران ترامپ را متمایز کرد و زمینه‌ساز مذاکرات شد، دستیابی کره شمالی به دانش موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایی بود که توانایی هدف قرار دادن خاک امریکا را داشت. اکنون اگر توافقات محرمانه و سطح بالایی وجود داشته یا رخ داده باشد، در مورد همین موشک‌ها و البته آزمایش اتمی است. کره شمالی آزمایش این سلاح و انجام آزمایش اتمی را متوقف کرده و در عوض نوعی چشم‌پوشی بر اجرای تحریم‌ها را دریافت کرده است. آزمایش‌های موشکی کره شمالی بعد از دیدار سوم دونالد ترامپ و کیم جونگ اون در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۹ در مرز دو کره، نیز به این دلیل با عدم واکنش ترامپ مواجه شد. زیرا مسئله امریکا، موشک‌های میانبرد و کوتاه برد نیست. ترامپ گفت که این آزمایش‌های توسط کشورها انجام می‌شود و از کنار آن‌ها گذشت. درواقع آن تفاهم سطح بالا، خود را در رژه‌های ارتش کره شمالی نشان داد. در این رژه‌ها، خبری از موشک‌های قاره‌پیمای و ماکت بمب‌های اتمی نبود. در حالی که کره شمالی این موارد را همچنان در اختیار دارد. این امر و برخی گشایش‌های اقتصادی به تحکیم جایگاه یک رئیس ۳۰ ساله که قصد حاکم بودن تا چند دهه را دارد، کمک می‌کند. ترامپ نیز می‌خواهد به هر قیمتی به توافقی با کره شمالی برسد، تا خود را اثبات نماید. زیرا وی مدعی است امپراتوری امریکا، در دوران اوپاما رو به افول بوده است (کارشناس شماره ۱، ۱۳۹۸/۰۶/۱۳). درواقع دیدار دونالد ترامپ و کیم جونگ اون، نوعی آرامش ایجاد کرد و فشار بر کره شمالی را کاهش داد (اردستانی، ۱۳۹۸/۰۷/۰۳).

نکته مهم در مورد رویکرد ترامپ این است که وی می‌خواهد مذاکرات را دوجانبه پیش ببرد و به همین دلیل، چندان کشورهای دیگر را وارد مذاکرات نکرده است (کارشناس شماره ۲، ۱۳۹۸/۰۶/۱۳). کره شمالی نیز همین رویکرد را در قبال کره جنوبی اتخاذ کرده و مایل است این کشور را از روند مذاکرات حذف کند و مستقیماً با امریکا وارد گفت و گو شود. حتی در جریان انتقاد از مانورهای نظامی امریکا در منطقه، بیشتر از کره جنوبی انتقاد کرده است تا امریکا (کارشناس شماره ۳، ۱۳۹۸/۰۵/۱۵).

نکته مهم در مورد سیاست‌های ترامپ این است که وی عمداً سطح تنش را بالا برد تا بعد از مذاکره، پیام داخلی داده و ادعا کند که وی توانسته بحران را حل و فصل کند و روسای جمهور قبلی، سیاست شکست خورده‌ای داشتند. ضمناً دولت ترامپ با توجه به ناکارآمدی چشمگیر در



وزارت خارجه و خالی ماندن بسیاری از سمت‌های مهم، با یک خلا در مورد مهارت‌های حل بحران مواجه است و ابتکارات در مورد شبه‌جزیره، خروجی دفتر ترامپ است و نه وزارت خارجه. لذا در این شرایط نباید توقعی بیش از دیدارهای نمایشی و فوتودپلماسی داشت. زیرا مذاکرات خلع سلاح با این درجه از اهمیت و پیچیدگی، نیاز به کار تکنیکی و فنی بلندمدتی دارد که پیش از دیدارهای طرفین، صورت نگرفته است. پس می‌توان گفت ترامپ نه به دنبال حل بحران، بلکه در پی اتخاذ ژست حل مسئله است (حسینی، ۱۳۹۸/۰۷/۰۲). به همین دلیل است که برخی به درستی اعتقاد دارند که اصولاً مذاکراتی در سطح سران صورت نگرفته است؛ بلکه آنچه به جهان مخبره شده صرفاً یک نمایش و تبلیغات بوده است که رسانه‌های حامی ترامپ، نقش مهمی در آن ایفا کردند، به‌خصوص نشست سوم در مرز دو کره (کارشناس شماره ۳، ۱۳۹۸/۰۵/۱۵).

همچنین نباید از نقش عامل انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰م در رویکرد ترامپ غافل شد. رسانه‌های آمریکایی معتقدند که تقویم انتخابات می‌تواند یک عامل اصلی در تعیین دامنه و زمان توافق بالقوه برای توافق در مورد برنامه هسته‌ای کره شمالی باشد. دولت ترامپ احتمالاً محاسبه می‌کند که دستیابی به این توافق چگونه می‌تواند به تقویت شانس وی برای انتخاب مجدد کمک کند. تحلیلگران اعتقاد دارند ترامپ سعی می‌کند در دوره اول، نتیجه ملموسی در مورد مسئله هسته‌ای کره شمالی به دست بیاورد که این یک دستاورد بزرگ برای ترامپ خواهد بود. فقط با نمایش صحنه ورود یک تیم بازرسی به کره، ترامپ چیزهای زیادی برای نمایش در انتخابات خواهد داشت. کره شمالی نیز احتمالاً این نگرانی را دارد که توافق هسته‌ای با ترامپ را قبل از سال ۲۰۲۰ تکمیل کند، قبل از آنکه ترامپ انتخابات را واگذار کند و دولت بعدی خواستار بازنگری در روند مذاکره شود (Padden, 2018).

## ۵. چشم‌انداز بحران

برای بررسی چشم‌انداز بحران و احتمال برگزاری مذاکره مجدد و یا تشدید تنش، در این بخش از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه سناریونویسی استفاده خواهد شد که از مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی، شامل دو مولفه متمایز توصیفی و تجویزی است. در قلمرو توصیف، با استناد به شرایط اولیه زمان حال و شرایط حدی و مرزی مربوط به محیط و با تکیه بر نظریات، ابتدا باید آینده‌های ممکن‌الوقوع را توصیف کرد و سپس از میان آینده‌های ممکن‌الوقوع، محتمل‌ترین آن‌ها را با استفاده از روش‌های کمی و کیفی مشخص نمود (عطار و سعیدی‌راد،



۱۳۹۷: ۱۴۹-۱۴۸). در آینده‌پژوهشی چهار نوع آینده وجود دارد: «آینده ممکن»<sup>۱</sup> (آینده‌ای که در مخیله انسان بگنجد و عقل امکان وقوع آن را تصدیق کند. آینده باورپذیر<sup>۲</sup> (آینده‌ای که امکان وقوع بیشتری دارد و باورپذیر و در دسترس است. آینده محتمل<sup>۳</sup> (آینده‌ای که در افق زمانی موردنظر احتمال وقوع دارد و مبتنی بر استمرار روندهای کنونی در آینده است. آینده مطلوب یا مرجح<sup>۴</sup> (آینده‌ای که وقوع و به واقعیت پیوستن آن را آرزو می‌کنیم). لذا در سناریونویسی سه دسته سناریو داریم: «سناریوی مطلوب»<sup>۵</sup>، محتمل و ممکن. سناریوی محتمل احتمالا اتفاق می‌افتد و می‌توان وقوع احتمالات مختلف را برای آن‌ها در نظر گرفت. ادامه و تغییر وضعیت گذشته و حال آینده محتمل است. آینده ممکن وضعیتی است که می‌تواند در آینده محقق شود؛ هرچند ندانیم که چگونه این آینده محقق خواهد شد (علی‌پور و قیطاسی، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

به‌طور کلی می‌توان در مورد سناریوهای روابط آتی کره شمالی و امریکا در بازه زمانی پیش از انتخابات، سه سناریوی اصلی را شناسایی کرد که عبارت‌اند از:

۱. سناریوی محتمل: ادامه وضعیت موجود (به معنای عدم لغو جدی تحریم‌ها، عدم انجام آزمایش‌های موشکی و اتمی یا انجام آزمایش‌های محدود از سوی کره شمالی و کاهش تنش)؛
۲. سناریوی مطلوب: توافق و خلع سلاح کامل و امکان راستی‌آزمایی در کره شمالی؛
۳. سناریوی ممکن: تشدید تنش، افزایش تحریم‌ها و سختگیری در اجرا و اعمال آن‌ها و درنهایت مخاصمه مسلحانه.

## ۵-۱. سناریوی محتمل

به‌طور کلی بحران‌ها در شرق آسیا ماهیتی دارند که حل و یا کاهش اهمیت و حساسیت این بحران‌ها، ممکن و امید به حل قطعی آن‌ها واقع‌بینانه نیست. بحران شبه‌جزیره، جزو این بحران‌ها است. زیرا حفظ وضع موجود به نفع بازیگران و قدرت‌ها می‌باشد (وفایی، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰). لذا می‌توان گفت که تا پیش از پایان دوره اول ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۲۰، محتمل‌ترین رخداد، ادامه وضع موجود است. ترامپ در پی تنش و جنگ نیست و شرایط به‌صورت کنونی ادامه خواهد داشت (امیدی، ۱۳۹۸/۰۵/۳۰). به عبارت دیگر، کماکان شاهد عدم

1 . Possible Future

2 . Plausible Future

3 . Probable Future

4 . Preferable Future

5 . Preferred (Desired) Scenarios



انجام آزمایش اتمی و موشک‌های قاره‌پیمای بالستیک از سوی کره شمالی خواهیم بود و آمریکا نیز از انجام آزمایشات موشکی کوتاه و میانبرد توسط پیونگیانگ چشم‌پوشی خواهد کرد. تحریم‌ها لغو نخواهند شد، اما ممکن است همانند شرایط موجود، اجرای آن‌ها با اغماض همراه شود و آمریکا فشار کمتری به چین برای اجرای تحریم‌ها وارد نماید.

در این صورت که امکان وقوع جنگ میان پیونگیانگ و واشنگتن بسیار کم شده است، احتمالاً بعد از دوره‌ای از تنش‌های بلندمدت و جنگ سرد، شاهد کنترل تسلیحات خواهیم بود. بنابراین دیپلماسی از اهمیت برخوردار شده و طرفین از طریق مذاکره به توافقنامه‌های صلح دست خواهند یافت. همانطور که پس از جنگ جهانی دوم تنش‌های طولانی مدت و جنگ سرد باعث ایجاد توافقنامه‌های صلح و بازدارندگی شد. با توجه به اقدامات آمریکا در طی سالیان گذشته، واضح است که واشنگتن خواهان استفاده از دیپلماسی جهت حل بحران کره شمالی بوده و تاکنون با استفاده از توافقات دفاع دوجانبه با متحدان آسیایی خود، اعمال فشار و تحریم‌ها علیه پیونگیانگ سعی کرده است این مسئله را حل کند. از سوی دیگر متحدان آمریکا نیز خواهان استفاده از دیپلماسی فعال در این مورد و تعامل با پیونگیونگ هستند (Cronin, 2017).

این سناریو، منجر به خلع سلاح اتمی و موشکی کره شمالی نخواهد شد، اما سطح تنش‌ها را کاهش خواهد داد (Allison, 2019). لذا با جدیت و قطعیت بالایی می‌توان گفت که تا پایان سال ۲۰۲۰ و حتی پس از آن، کره شمالی، تن به خلع سلاح جدی و مطلوب آمریکا نخواهد داد (Baek, 2018). زیرا با توجه به بحران تایوان و جنگ تجاری، چین نیز با آمریکا همکاری نخواهد کرد تا پکن نیز ابزار فشاری علیه واشنگتن داشته باشد (وفایی، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰). پس می‌توان گفت که شبه‌جزیره، هسته‌ای باقی خواهد ماند و به‌دلیل ایجاد بازدارندگی اتمی، کره شمالی تن به خلع سلاح نخواهد داد (کارشناس شماره ۲، ۱۳۹۸/۰۶/۱۳).

همچنین نباید فراموش کرد که خلع سلاح شبه‌جزیره و رسیدن به یک توافق، جزئیات فراوانی دارد که در گفت‌وگوهای دو طرف شاهد آن نبودیم. بحث در حوزه جزئیات نمی‌تواند فقط توسط دونالد ترامپ و کیم جونگ اون بدون پشتیبانی متخصصان هر دو دولت انجام شود. از سرگیری مذاکرات به شکل جدی یک فرآیند فشرده و وقت‌گیر است که به جلسات و سال‌ها همکاری فنی نیاز دارد تا به‌طور پیوسته در جهت ایجاد همکاری، شفافیت و تأیید صحت آن‌ها برای ایجاد اعتماد بین دو دولت برسد (قاسمی، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰). همین نکته نشان می‌دهد که کره شمالی و آمریکا نیز همین روند حفظ موجود را دنبال می‌کنند. البته اگر جنگ تجاری، اختلاف



امریکا با چین در تایوان و هنگ کنگ شدت بگیرد، این موارد به‌عنوان متغیرها، ممکن است بر این سناریو مؤثر باشند و تشدید بحران را به بار آورند. همچنین امکان استضیاح ترامپ و روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید که سخت‌گیری بیشتری در مورد پیونگ‌یانگ اتخاذ کند، ادامه روند این سناریو را با دشواری مواجه خواهد کرد.

## ۵-۲. سناریوی مطلوب

سناریوی مطلوب، به تناسب منافع طرفین و بازیگران تغییر خواهد کرد. بدیهی است که به‌ترین سناریو برای امریکا خلع سلاح کامل اتمی و موشکی کره شمالی است. اما سناریوی مطلوب و قابل دسترس برای امریکا تا پایان سال ۲۰۲۰، ادامه عدم انجام آزمایش موشک‌های قاره‌پیما و اتمی کره شمالی خواهد بود. زیرا این شرایط به مراتب بهتر از زمانی است که ترامپ قدرت را در کاخ سفید در اختیار گرفته بود (Allison, 2019). البته این سناریو از دید بسیاری، اصلاً مطلوب نیست. زیرا باعث شده امریکا قدرت اتمی و موشکی کره شمالی را به رسمیت بشناسد (Narang and Panda, 2018). درواقع مخالفان کره شمالی و حتی ایران، اعتقاد دارند که این رخداد موجب تضعیف پیمان‌های بین‌المللی مانند NPT خواهد شد.

همچنین بهترین سناریو برای دو کره، وحدت است. اما این گزینه با چالش بزرگی روبه‌رو است زیرا دو کره، گروگان سیاست قدرت‌های بزرگ هستند (کارشناس شماره ۲، ۱۳۹۸/۰۶/۱۳). بهترین سناریو برای کره شمالی، کاهش جدی تحریم‌ها بدون ارائه امتیازات در حوزه اتمی و موشکی است. سناریوی مطلوب برای رئیس کره شمالی نیز ادامه مذاکرات به شکل کنونی بدون دادن امتیاز جدی به امریکا است. زیرا در این صورت، جهان، وی را به‌عنوان رهبر یک کشور اتمی که قابل مذاکره نیز است، به رسمیت خواهد شناخت.

## ۵-۳. سناریوی ممکن

در صورت عدم انجام تعهدات از سوی یکی از طرفین و یا پس از انتخاب مجدد ترامپ در سال ۲۰۲۰، ممکن است با تشدید تنش‌ها میان امریکا و کره شمالی، لفاظی میان رهبران هر دو کشور به سرعت افزایش یافته و در پی آن ممکن است رهبران دچار اشتباه شوند و همه چیز از کنترل خارج شود. از این رو سناریوی وقوع جنگ میان کره شمالی و امریکا مطرح است. برخی از کارشناسان بر این باورند که کیم جونگ یا ترامپ ممکن است اقدامات غیر قابل تصور انجام دهند و آغازگر جنگ جهانی سوم باشند. بدیهی است هر اقدامی در نزدیکی مرز کره شمالی می‌تواند تهدیدی علیه منافع پیونگ‌یانگ محسوب شده و احتمال حمله پیونگ‌یانگ به جزیره



گوام را افزایش دهد. تنها موردی که می‌تواند باعث آرامش شود این است که هیچ دولت مسلح هسته‌ای از مخرب‌ترین تسلیحات علیه دیگری استفاده نخواهد کرد. البته این سناریو، تا زمان انتخابات بسیار بعید است و حتی به فرض انتخاب مجدد ترامپ در سال ۲۰۲۰ نیز با توجه به موارد مختلف از جمله سیاست‌های وی و مخالفت دولت‌های منطقه شانس کمی برای تحقق دارد (Cronin, 2017).

به‌عنوان مثال چین و روسیه، به‌شدت مخالف تنش نظامی و احتمال جنگ هستند. در مورد دورنمای الگوی رفتاری چین در قبال کره شمالی باید گفت که سیاست‌های چین بیش از همه به سمت ترکیبی از نقش مستقل و بهره‌برداری از کره شمالی خواهد رفت. کاپلان معتقد است که چین بزرگ‌ترین شریک تجاری و متحد کره شمالی بوده و اهرم بزرگ بالقوه‌ای برای آن‌ها محسوب می‌شود. چنانچه آن‌ها خواستار کنار رفتن رهبر کره شمالی چه از طریق زور و اجبار یا از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای نخواهند بود، چرا که اولاً در شمال غرب چین میلیون‌ها نفر از مردم کره شمالی ساکن هستند و تهدید کره شمالی منجر به بحران انسانی و هرج و مرج خواهد شد و دوم آنکه، کره شمالی مانعی بین امریکا و متحدانش در شرق ایجاد نمود و مسلماً حضور امریکا در این منطقه منافع حیاتی چین در دریای جنوب و تنگه تایوان را به خطر خواهد انداخت. ایفای نقش مستقل چین در بحران کره در شرایطی است که کشورهایی نظیر ژاپن نیز که تا حدی از امریکا ناامید شده‌اند، با تمجید از نقش چین خواستار ایفای نقش سازنده در شورای امنیت برای حل بحران شدند. این موضوع می‌تواند مثلاً و اجماع عقلانی‌تری برای حل بحران بدون ترامپ باشد و مسلماً بهترین راه حل آن بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک و جلوگیری از حاکم شدن گفتمان تهدیدمحور دولت ترامپ می‌باشد (حسن‌وند، ۱۳۹۶). کره جنوبی و شمالی نیز خواهان جنگ نیستند و این سناریو بعید به نظر می‌رسد (Baek, 2018).

## ۶. نتیجه‌گیری

روند مذاکرات و رسیدن به توافق‌های مقطعی در مورد بحران اتمی کره شمالی از جمله در دوره دونالد ترامپ نشان داده است که مذاکرات فنی، پیچیده و پر از جزئیات در مورد یک مسئله مرتبط با خلع سلاح، بسیار کند پیش می‌رود و سقف انتظارات طرفین بسیار بالا است. ضمناً تعریف متفاوت از خلع سلاح از سوی امریکا و کره شمالی، نقش مهمی در کند بودن روند مذاکرات ایفا کرده است. پیونگیانگ بر خلع سلاح کل منطقه و امریکا بر اولویت خلع سلاح کره شمالی تأکید دارند. بعد از انجام مذاکرات مستقیم در سطح سران، مشخص شد رسیدن به یک



تعریف واحد و برنامه کاری مشخص، بسیار دشوار است و بر فرض رسیدن به یک توافق جامع نیز، ممکن است در اجرا و عملیات آن شاهد شکست و دشواری‌های احتمالی باشیم.

با عنایت به اصل تغییر و تداوم و رویکرد راهبردی در سیاست خارجی امریکا، تغییر روسای جمهوری در ادوار مختلف تنها به تحول کم دامنه در رفتارهای واشنگتن منجر می‌شود. براساس این اصل با روی کارآمدن روسای جدید، در ماهیت و اهمیت موضوعاتی همچون بحران شبه‌جزیره کره هیچ نوع تحول بنیادین به چشم نخواهد خورد. بلکه شیوه مدیریت و استمرار آن دچار تحول می‌گردد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که هنوز راه طولانی و پر پیچ و خمی پیش روی چگونگی حل و فصل بحران در شبه‌جزیره کره است. زیرا اولاً هنوز مشخص نیست که تغییر خاصی در نگاه کره شمالی به موشک به‌عنوان «سرمایه استراتژیک»، -سرمایه‌ای که برای تقریباً دو دهه برای کره شمالی محتوای استراتژیک تولید نموده است- حاصل شده باشد. ثانیاً بازیگران و قدرت‌های بزرگ درگیر در این بحران به‌خصوص چین و امریکا هنوز در مراحل اولیه ایفای نقش خود در چگونگی حل و فصل این بحران هستند و هرچه زمان به جلوتر رود ایجاد تعادل میان اهداف و نیات این بازیگران دشوارتر از گذشته خواهد شد. ثالثاً قرار گرفتن نظم بین‌الملل در حالت گذار و فهم قدرت‌های بزرگ از این نظم، نه امکان حل و فصل کامل چنین بحران‌هایی را مسیر می‌نماید و نه امکان رسیدن به یک توافق پایدار را ممکن می‌سازد. ترامپ به خوبی می‌داند تا زمانی که یک توافق صلح رسمی با کره شمالی منعقد نشود، کره شمالی خلع سلاح اتمی را نخواهد پذیرفت. ضمناً توافق صلح چیزی نیست که امریکا به‌طور جدی در پی آن باشد. زیرا پیمان صلح و در پی آن احتمال آغاز روند اتحاد دو کره، بهانه‌ای برای امریکا جهت حضور نیروهای نظامی خود در کره جنوبی و ژاپن باقی نخواهد گذاشت. لذا در مورد رویکرد ترامپ نیز می‌توان گفت:

۱. کاخ سفید به بی‌نتیجه بودن فشارها پی برده است و احتمال دارد در صورت تشدید نیافتن اختلافات، حداقل تا انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۰، افزایش فشار، تنش و تهدید را از دستور کار خود خارج کند. زیرا اعمال سیاست فشار حداکثری بر کره شمالی، به معنای پذیرش شکست سیاست‌های ترامپ خواهد بود که در آستانه انتخابات، نتایج مثبتی برای سران کاخ سفید به همراه نخواهد داشت. لذا باید یا سطح فشار را کاهش داده و یا در همین سطح نگه دارد و یا آماده دور بعدی مذاکرات (حتی با رویکرد مذاکره برای مذاکره) باشد.

۲. در شرایط تشدید فشارهای داخلی و بی‌نتیجه ماندن فشار بر ایران، ونزوئلا، روسیه و عدم تحقق اهداف در جنگ تجاری با چین، پیش از انتخابات ۲۰۲۰م، ترامپ به مذاکره احتیاج دارد تا سیاست خود را در قبال کره شمالی موفق جلوه دهد. در نتیجه، هرگونه افزایش فشار و تحریم، احتمالاً به بعد از انتخابات موکول خواهد شد.

در مجموع می‌توان گفت احتمال انعقاد هیچ توافقی در میان مدت وجود ندارد، چون امریکا حاضر به دادن امتیازی نیست.

## ۷. محورهای رسانه‌ای

با توجه به درگیری امریکا در بحران کره شمالی، بدیهی است که اخبار و تصاویر مخابره شده توسط رسانه‌های آمریکایی - به دلیل تعدد و تکرار آن‌ها - در مقطعی توانایی تأثیرگذاری قابل توجهی بر مخاطبان دارد. بنابراین برای مقابله با این روند، شبکه‌های برون‌مرزی، برای پوشش هرچه بهتر مذاکرات امریکا و کره شمالی و تحولات شبه‌جزیره، باید با شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر و بدون واسطه، موضوع را دنبال کنند. در این خصوص توجه به پیشنهادهاى رسانه‌ای زیر مفید فایده است.

بخش‌های خبری و واحدهای تحلیلی و گروه‌های مستندساز در برنامه‌های خود به حضور تحریک‌آمیز و تنش‌زای امریکا در منطقه و برگزاری مانورهای بزرگ و گسترده این کشور تأکید کنند.

رسانه‌های برون‌مرزی به نقش امریکا در شکست توافقی‌های سال ۱۹۹۴ و ۲۰۰۷م به‌طور جدی بپردازند و از کارشناسان خارجی برای تبیین این موضوع استفاده نمایند.

تأکید بر لزوم خروج امریکا از منطقه و احترام به حساسیت‌های امنیتی کره شمالی مورد توجه رسانه‌های برون‌مرزی باشد.

در موضوع وحدت دو کره، شبکه‌های برون‌مرزی ایران ضمن حمایت از مذاکرات و تلاش برای حل بحران، باید بر نقش دو کره و کشورهای منطقه تأکید کنند و نقش امریکا را در از بین بردن صلح و امنیت منطقه بیان کنند.

مخالفت چین و روسیه با اقدامات و مانورهای تحریک‌کننده امریکا در منطقه پوشش رسانه‌ای داده شود.

رویکرد دولت امریکا (به‌ویژه) در دوره ترامپ، تلاش برای عکس یادگاری (فتودیلماسی) معرفی شود و نه مذاکره مبتنی بر حسن نیت.



«نقش قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم‌های یک‌جانبه امریکا در ایجاد فشار اقتصادی جدی بر مردم کره شمالی» به‌عنوان تروریسم اقتصادی تبیین و تشریح شود.

این موضوع در رسانه‌های برون‌مرزی برجسته شود که مذاکرات در مورد خلع سلاح بسیار پیچیده و فنی است و لذا نباید انتظار رسیدن به نتیجه در زمان کوتاه را داشت.

رسانه‌های برون‌مرزی در برنامه‌های خود به این موضوع هرچه بیشتر توجه کنند که امریکا قصد دارد با ارائه تعریف متفاوت از خلع سلاح، کره شمالی را از داشتن هرگونه ابزار دفاعی محروم سازد.

نقض عهد از سوی امریکا در مورد برجام و هراس کره شمالی از تکرار این تجربه و در نتیجه، احتمال شکست هر توافق میان امریکا و کره شمالی، در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی به کرات تبیین شود.

به بهانه‌های مختلف خبری به این موضوع پرداخته شود که سیاست امریکا در قبال کره شمالی با تغییر رؤسای جمهور تغییر نمی‌کند و امریکا صرفاً در پی افزایش نفوذ و مداخله خود در منطقه و خلع سلاح پیونگ‌یانگ است.



## منابع و مأخذ

- امیدی، علی و همکاران (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزوآگرایی - واقع‌گرایی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز.
- بابکان، محمدصادق (۱۳۹۷)، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز، صص ۴۱-۶۷.
- باقری دولت‌آبادی، علی و حمید درج (۱۳۹۷)، سیاست دونالد ترامپ و مسئله هسته‌ای کره شمالی، **فصلنامه سیاست جهانی**، شماره ۲، تابستان، صص ۱۷۲-۱۴۳.
- حسن‌وند، مظفر (۱۳۹۶)، «سناریوها و سیاست‌ها در بحران شبه‌جزیره کره»، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/18982>
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۷)، «مذاکره با امریکا؛ تجربه ناموفق کره شمالی»، **مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**، شماره مسلسل: ۱۶۱۱۸.
- عطار، سعید و آرش سعیدی‌راد (۱۳۹۷)، آینده سوریه و فرصت‌ها و چالش‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز.
- علی‌پور، جواد و سجاد قیطاسی (۱۳۹۶)، «آینده پژوهی بحران سیاسی - امنیتی سوریه بر پایه سناریونویسی»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال هفتم، شماره ۴، زمستان، صص ۲۶۱-۲۳۱.
- کالاهان، پاتریک (۱۳۸۷)، «**منطق سیاست خارجی امریکا**»، (ترجمه داود غرایاق زندی و دیگران)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- مصاحبه‌ها**
- امیدی، علی (۱۳۹۸/۰۵/۳۰)، «بررسی سناریوهای آینده بحران در شبه‌جزیره کره»، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۹۸/۰۷/۰۳)، «واکاوی اهداف مذاکرات ترامپ - کیم»، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- حسینی، دیاکو (۱۳۹۸/۰۷/۰۲)، «چشم‌انداز مذاکرات امریکا و کره شمالی»، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- صبار، شاهو (۱۳۹۸/۰۷/۱۰)، «لزوم امتناع از کاربرد گفتمان و ادبیات غربی توسط رسانه‌های ایران»، تهران: دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران.
- قاسمی، زینب (۱۳۹۸/۰۷/۱۰)، «لزوم توجه به پیچیدگی‌های فرایند خلع سلاح»، تهران: دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران.
- کارشناس شماره ۱ وزارت امور خارجه (۱۳۹۸/۰۶/۱۳)، «اهداف ترامپ از مذاکره با امریکا چیست؟»، تهران: وزارت امور خارجه.
- کارشناس شماره ۲ وزارت امور خارجه (۱۳۹۸/۰۶/۱۳)، «بررسی چشم‌انداز بحران در شبه‌جزیره کره»، تهران: وزارت امور خارجه.
- کارشناس شماره ۳ وزارت امور خارجه (۱۳۹۸/۰۵/۱۵)، «تحلیل سه دور مذاکرات ترامپ - کیم»، تهران: وزارت امور خارجه.
- گوهری‌مقدم، ابوذر (۱۳۹۸/۰۶/۱۲)، «بررسی رویکرد ترامپ در مذاکرات با کره شمالی»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).



- Allison, Graham (2019), "2019 promises more of the same", Available at: <https://nationalinterest.org/blog/korea-watch/graham-allison-my-north-korea-prediction-2019-39142>
- Business insider (2019), "Japan is planning to buy 105 more F-35 stealth fighters, and that may be a big problem for China", Available at: <https://www.businessinsider.de/japan-buying-105-f-35-fighters-intensify-china-arms-race-2019-5?r=US&IR=T>
- Baek, Jieun (2018), "We must operate in the world as it is, not as it should be", Available at: <https://nationalinterest.org/blog/korea-watch/jieun-baek-my-north-korea-prediction-2019-39327>
- Cronin, Patrick M. (2017), "https://nationalinterest.org/feature/3-ways-north-korea-could-strike-back-america-21859", Available at: <https://nationalinterest.org/feature/3-ways-north-korea-could-strike-back-america-21859>
- CSIS (2017), "Ramifications of North Korea's Sixth Nuclear Test", Available at: <https://www.csis.org/analysis/ramifications-north-koreas-sixth-nuclear-test>
- Davenport, Kelsey (2018), "UN Security Council Resolutions on North Korea", Available at: <https://www.armscontrol.org/factsheets/UN-Security-Council-Resolutions-on-North-Korea>
- Davenport, Kelsey (2019), "Chronology of U.S.-North Korean Nuclear and Missile Diplomacy", Available at: <https://www.armscontrol.org/factsheets/dprkchron#2016>
- DOBBINS, JAMES (2018), "Russia Is a Rogue, not a Peer; China Is a Peer, Not a Rogue: Different Challenges, Different Responses", RAND, Available at: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE310.html>
- Hickey, M. (2011). "BBC - History - World Wars: The Korean War: An Overview" Available at: [http://www.bbc.co.uk/history/worldwars/coldwar/korea\\_hickey\\_01.shtml](http://www.bbc.co.uk/history/worldwars/coldwar/korea_hickey_01.shtml)
- Kang, WI Jo, (1997), "**Christ and Caesar in Modern Korea: A History of Christianity and Politics**", State University of New York Press.
- McCurry, Justin and Borger, Julian, (2017), North Korea missile launch: regime says new rocket can hit anywhere in US, **The Guardian**, Wednesday, November 29.
- Narang, Vipin and Panda, Ankit (2018), "**North Korea Is a Nuclear Power. Get Used to It**", Available at: <https://www.nytimes.com/2018/06/12/opinion/trump-kim-summit-denuclearization-north-korea.html>
- National Security Strategy of U.S.A (2017), Available at: <http://nssarchive.us/national-security-strategy-2017/>



- NPR** (2017), "Transcript: NPR Interviews Secretary of State Rex Tillerson", Available at: <https://www.npr.org/2017/04/28/525766904/transcript-npr-interviews-secretary-of-state-rex-tillerson>
- Litwak, Robert (2019), "Nuclear Crises with North Korea and Iran: From Transformational to Transactional Diplomacy", **Woodrow Wilson International Center for Scholars**.
- Padden, Brian (2018), "US Election Calendar Could Factor into N. Korea Talks", Available at: <https://www.voanews.com/usa/us-election-calendar-could-factor-n-korea-talks>
- Shear, and David Sanger E (2017), "Trump Returns North Korea to List of State Sponsors of Terrorism", Available at: <https://www.nytimes.com/2017/11/20/us/politics/north-korea-trump-terror.html>



## نقش رسانه‌های برون‌مرزی در پیشبرد دیپلماسی گردشگری جمهوری اسلامی ایران

مهدی طاهری<sup>۱</sup>

### چکیده

دیپلماسی گردشگری مورد توجه بسیاری از کشورها از جمله ایران برای اهداف فرهنگی و اقتصادی است. هدف اصلی دیپلماسی گردشگری که بخشی از دیپلماسی فرهنگی قلمداد می‌گردد، تقویت قدرت نرم است. به بیان واضح‌تر، دیپلماسی گردشگری می‌کوشد تصویر یک کشور را در نظام بین‌الملل از طریق جذب گردشگر و ارتباطات فرهنگی بهبود ببخشد. با توجه به اعمال تحریم‌های مالی و نفتی امریکا علیه ایران، توجه به حوزه گردشگری می‌تواند منافع زیادی را برای ایران به همراه داشته باشد. بر این اساس، آسیب‌شناسی دیپلماسی گردشگری ایران با تمرکز بر شناخت چالش‌ها و موانع موجود در این زمینه و ارائه راهکارهای رسانه‌ای، هدف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد در صورت اتخاذ رویکردی کنشگرانه، فعال و بهره‌گیری بهینه از رسانه در دیپلماسی گردشگری می‌توان ضمن کاهش تنش با برخی از کشورها، درآمدهای ارزی ناشی از گردشگری و قدرت نرم ایران را افزایش داد. در این روند نقش رسانه‌های برون‌مرزی در معرفی جاذبه‌های گردشگری کشور و جذب گردشگر خارجی انکارناپذیر است. بر این اساس، پیشنهادهایی برای بخش برون‌مرزی صداوسیما ارائه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی گردشگری، رسانه برون‌مرزی، تصویرسازی، منافع ملی، قدرت نرم.



## ۱. مقدمه

پژوهشنامه شماره اول زمستان ۱۳۹۸

امروزه گردشگری به‌عنوان یک صنعت نوپا، تأثیرات فراوانی بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهان دارد. ایجاد اشتغال، ارزآوری، توازن منطقه‌ای، کمک به صلح جهانی و سرمایه‌گذاری در میراث فرهنگی، رشد حمل‌ونقل، کمک به بهسازی زیست‌گاه‌های حیات وحش، توسعه نواحی روستایی دارای جاذبه‌های گردشگری و جلوگیری از برون‌کوچی جمعیت از جمله مزایای این صنعت است (اسماعیل‌پور و کاشانی‌تبار، ۱۳۹۰: ۱۷۷). درواقع صنعت گردشگری نوعی سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی در داخل کشور است. به عقیده بسیاری از کارشناسان، شکست یا موفقیت صنعت جهانگردی مستقیماً به حمایت دولت‌ها مرتبط است، به‌طوری که هر چه چتر حمایتی دولت در هر کشور در مورد گردشگری گسترده‌تر باشد، شکوفایی این بخش هم بیشتر خواهد شد.

از سوی دیگر مجموعه عواملی سبب می‌شود تا دولت‌مردان از اهرم روابط دیپلماتیک در توسعه صنعت گردشگری بهره‌برداری اساسی کنند و کشور را از اقتصاد تک محصولی رهایی بخشند. امروزه بازار نفت، فلزات و بسیاری از کالاهای دیگر که به‌عنوان منبع درآمد برخی از کشورها محسوب می‌شود، می‌تواند به‌وسیله قدرت‌های بزرگ و رقیب دچار تلاطم یا افت‌وخیز شود، اما سرمایه‌گذاری اندک در گردشگری در مقایسه با دیگر صنایع می‌تواند تغییر و اثرات بسیار مثبتی را به همراه داشته باشد. در این میان نقش گردشگری در تأثیرگذاری فرهنگی و تصویرسازی را در کنار بعد اقتصادی و درآمدزایی نباید نادیده انگاشت. این موضوع، هم با ملاک قرار دادن توصیه‌ها و آموزه‌های دینی و هم با در نظر گرفتن نقش گردشگری در طول تاریخ تمدن‌های بشری، قابل اثبات است. در جهان معاصر نیز اهمیت نقش ارتباطی گردشگری در مقابل سیطره رسانه‌های جمعی قابل انکار نیست (همایون، ۱۳۹۳).

در چند دهه گذشته، گردشگری رشد پیوسته و متنوعی را تجربه کرده و تبدیل به یکی از بزرگترین و سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد اقتصاد جهانی شده است. علاوه بر مقاصد سنتی در اروپا و امریکای شمالی، مقاصد جدید متعددی در حال شکل‌گیری هستند. با وجود شوک‌های گاه و بی‌گاه، گردشگری رشد بی‌وقفه‌ای داشته است. تعداد گردشگران بین‌المللی از ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۲۷۵ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰، ۵۲۷ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ و یک میلیارد و ۴۰۷ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ میلادی رسیده است. به همین ترتیب درآمد‌های بین‌المللی در مقاصد مختلف در سراسر جهان از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به ۱۰۴ میلیارد



دلار در سال ۱۹۸۰، حدود ۴۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ و یک تریلیون و ۲۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است (World Tourism Organization, 2019). براساس پیش‌بینی‌های سازمان جهانی گردشگری، آینده بازار اقتصاد و تجارت بین‌المللی جهان با تعداد ۱/۳۶۰ میلیارد نفر گردشگر در سال ۲۰۲۰ و تعداد ۱/۸۰۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ در اختیار صنعت گردشگری خواهد بود. این در شرایطی است که در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۷۱۷ میلیون و در سال ۲۰۳۰ بالغ بر ۱/۰۳۷ میلیارد نفر گردشگر به کشورهای در حال توسعه سفر خواهند کرد. بدین ترتیب فرصتی برای این کشورها که اکثراً از پدیده اجتماعی و اقتصادی بیکاری و عدم درآمد ارزی کافی در رنج هستند، پدید خواهد آمد (رحیم‌پور، ۱۳۹۲).

این آمار نشان‌دهنده بزرگی صنعت گردشگری و ظهور کشورهای جدید در عرصه گردشگری جهان و رقابت آنها با مقاصد سنتی نیز نشان‌دهنده وجود پتانسیل‌های قوی در این صنعت برای بیرون رفتن از تنگنای اقتصادی توسعه ارتباطات است. لذا به نظر می‌رسد در این رقابت مؤثر ترین راه برای رسیدن به جایگاه مطلوب، بهره‌گیری از دیپلماسی گردشگری<sup>۱</sup> باشد. صنعت گردشگری ایران هم دارای فرصت‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی است و هم با موانع و چالش‌های متعددی مواجه می‌باشد. اگرچه ایران در نقشه گردشگری جهانی جایگاه بسیار مهمی دارد، اما سهم واقعی این کشور از میزان ورود گردشگران خارجی، درآمدها و تبادلات فرهنگی ناشی از آن بسیار ناچیز است. با نگاهی به روند گردشگری پایدار و آمار مربوط به آن در ایران، این واقعیت آشکار می‌شود که هر چند ایران با ۱۲ هزار ابنیه تاریخی ثبت شده و یک میلیون و ۲۰۰ هزار ابنیه‌ی دارای قابلیت ثبت، از نظر ابنیه و آثار تاریخی در میان ۹ کشور برتر دنیا قرار می‌گیرد و حتی از لحاظ جاذبه‌های گردشگری طبیعت نیز جزو ۱۰ کشور برتر دنیا می‌باشد، اما از نظر درآمد کسب شده در این زمینه فاصله زیادی با سایر کشورها دارد، تا جایی که ایران جایگاهی بهتر از رتبه ۹۲ را به خود اختصاص نداده است (World Tourism Organization, 2019).

نهادینه شدن صنعت گردشگری به‌عنوان یک ضرورت اصلی برای ایران مستلزم جدی گرفتن مسئله گردشگری از سوی دستگاه دیپلماسی است. برای توسعه این صنعت، وزارت امور خارجه، شبکه‌های برون مرزی صداوسیما و کلیه نهادهایی که متولی فعالیت‌های بین‌المللی کشور هستند، باید با هم‌افزایی ظرفیت‌های خود، مقوله گردشگری را در اولویت سیاست خارجی کشور



قرار دهند. در این مسیر، شناخت نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و چالش‌ها و ارائه راهکارهای رسانه‌ای برای تقویت دیپلماسی گردشگری ضرورت دارد. بر همین اساس در پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، داده‌های مورد نیاز پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی تدوین شده است.

## ۲. چارچوب مفهومی

### ۲-۱. قدرت نرم

قدرت نرم<sup>۱</sup> واژه‌ای است که در نظریه‌های روابط بین‌الملل برای توصیف توانایی یک مجموعه سیاسی، مانند دولت به کار می‌رود. این توانایی به‌طور مستقیم بر رفتار یا منافع سایر نهادهای سیاسی، از طریق شیوه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی تأثیرگذار است. جوزف نای<sup>۲</sup> برای نخستین بار واژه قدرت نرم را «توانایی کشور برای تحقق اهداف خود از طریق جذابیت و نه اجبار یا پاداش مالی» تعریف کرد. او «نفوذ غیراجباری» را به صورت «قدرت نرم» مفهوم‌سازی کرد و عرصه بین‌الملل بعد از جنگ سرد را عرصه نشو و نمو آن دانست. درواقع وی قدرت نرم را یک قدرت فرهنگی تلقی نمود (امامزاده‌فر، ۱۳۸۹: ۱۴۷). مقوله قدرت نرم در نظریات جدید، مفهومی ترکیبی بوده و فراتر از چارچوب قدرت سخت است و شامل مؤلفه‌هایی نظیر فرهنگ، ارزش‌ها، سیاست خارجی و تولیدات علمی و فن‌آوری است (دهقانی فیروزآبادی و ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۷۹). به عقیده جوزف نای این شکل از قدرت، توانایی تحقق اهداف از طریق جذب و اقناع دیگران است. این نوع قدرت با قدرت سخت متفاوت است؛ چرا که جذب، بسیار ارزان‌تر و کارآمدتر از اجبار است (Nye, 2004: 62). به عبارت دیگر قدرت نرم، توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های دیگران است و اساساً بر سه منبع استوار می‌شود:

۱. فرهنگ آن کشور؛ آنجایی که برای دیگر بازیگران جذاب است؛

۲. ارزش‌های سیاسی آن کشور؛ زمانی که در داخل و خارج ملموس و زنده باشد؛

۳. سیاست خارجی آن کشور؛ مادامی که مشروع جلوه کند و مشروعیت اخلاقی نیز داشته باشد.

بر همین اساس می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلاای قدرت نرم به شمار می‌رود که به کشورها این امکان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کرده و او را ترغیب به همکاری نمایند (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۷). قدرت نرم دو کارکرد مهم و اساسی دارد: «اقناع و

1. Soft Power

2. Joseph Nye



جذابیت». صنعت گردشگری در ایران این ظرفیت را دارد که موجب اقتناع در افکار شود و انباشت این رضایتمندی و اقتناع موجب کسب اعتبار و جذابیت نزد مخاطب گردیده و او را بدون به‌کارگیری قدرت سخت به تمکین وادارد. به عبارت دیگر ترجیحات مخاطبان را در دیگر کشورها تعریف و مدیریت نماید (نباتیان و رضاپور، ۱۳۹۳: ۴۴).

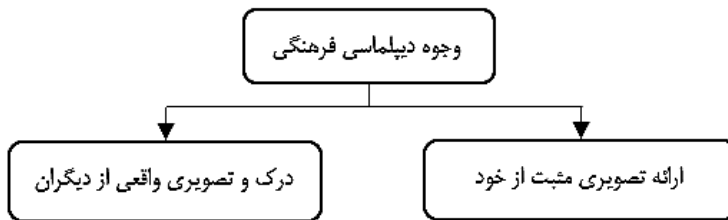
اگرچه ممکن است جذابیت‌های فرهنگی بتواند به قدرت نرم تبدیل شوند، اما این امر به هدایت سیاسی و نیز بستر و روش‌های کاربرد آن بستگی دارد (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۴۴). از این منظر است که توجه و اتکا به قدرت نرم صنعت گردشگری در ایران می‌تواند آینده ایران را امیدبخش نموده، عوامل پیش‌برنده و تثبیت‌کننده آن و نیز بسترهای تحقق اهداف آن را استحکام ببخشد و حوزه نفوذ و گستره اثربخشی نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه تمدنی ایران و جهان اسلام را افزایش دهد.

## ۲-۲. دیپلماسی فرهنگی

به باور بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی<sup>۱</sup> نمونه بارز و اعلا‌ی قدرت نرم است و این توان را برای کشورها فراهم می‌سازد تا در روح و جان مردم سایر کشورها نفوذ کرده و آنها را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها ترغیب به همکاری کنند (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). دیپلماسی فرهنگی آنگاه مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل پرداخته و تصویر زیبا و دوست‌داشتنی از آن کشور در اذهان مردم سایر کشورها به‌وجود آورد. به‌همین منظور دولت‌ها می‌کوشند با استفاده از مولفه‌های فرهنگی در دیپلماسی و سیاست خارجی، برای کشور خود قدرت نرم ایجاد کنند. جوزف نای، عوامل ایجادکننده یا تقویت‌کننده این نوع قدرت را اینگونه ارائه می‌کند: «موقعیت ایدئولوژیک، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود، زدودن ذهنیت تاریخی منفی، سرمایه‌گذاری در تربیت نخبگان سایر کشورها، فعالیت‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی، کسب جایگاه و موقعیت علمی پیشرفته، ارائه خدمات بشردوستانه، بهره‌گیری از سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی، بین‌الدولی و بین‌المللی، نفوذ در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، تاسیس مؤسسات غیرانتفاعی، میزبانی کنفرانس‌های بین‌المللی

1. Cultural Diplomacy

و....» (نای، ۱۳۸۲: ۴۵). همچنین دیپلماسی فرهنگی را می‌توان مجموعه کوشش‌های یک دولت در زمینه سیاست خارجی دانست، که به جای استفاده یا در کنار بهره‌مندی از مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی، برای جلب توجه و علاقه مخاطبان کشورهای دیگر به‌طور مستقیم و از طریق امکانات غیرسیاسی در داخل جوامع مختلف در آنها تاثیر می‌گذارد. ابزارهای اصلی در این نوع دیپلماسی، آموزش زبان، مبادلات فرهنگی و شیوه‌های دیگر تماس مستقیم فرهنگی هستند (حقیقی، ۱۳۸۶: ۶۷).



نمودار شماره ۱. وجه دیپلماسی فرهنگی

## ۲-۳. رسانه‌های جمعی

در دانشنامه علوم اجتماعی، واژه رسانه جمعی چنین تعریف شده است: «رسانه‌های جمعی یک نهاد اجتماعی را تشکیل می‌دهند که به تولید و توزیع دانش، در حیطه فراتر از کلمات می‌پردازند و دارای مشخصه‌ای برجسته و بارزی چون استفاده نسبی از فناوری پیشرفته در تولید و پخش پیام‌ها هستند. نظام‌مندی و قواعد اجتماعی موجود در این نهاد و سمت و سوی پیام‌ها، مخاطبان گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که برای فرستنده پیام قابل شناسایی نیست (Kuper, 2009: 511).

رسانه‌ها همچنین می‌توانند اثرات نگرشی داشته باشند، یعنی اثراتی که دیدگاه افراد را تغییر می‌دهند، یا تقویت می‌کنند (دیفلور و اورت، ۱۳۸۶: ۴۰). رسانه‌ها همچنین نقش ابزار تبلیغات سیاسی-دیپلماتیک دولت‌ها را بازی می‌کنند. آنها با دفاع از سیاست خارجی و با ارزش‌گذاری و ارزش‌سازی در گفتمان‌ها و تصاویر رسانه‌ای دیپلماتیک، سیاست‌های حکومتی را مشروع جلوه می‌دهند و با رساندن پیام‌های دست‌اندرکاران دیپلماسی کشورها به افکار نخبگان و عامه جهانیان، نقش «انتقال دهنده‌ی توجیه‌گر» را در عرصه سیاست خارجی ایفا می‌نمایند (مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار رسانه‌ای ایران و آلمان، ۱۳۸۰: ۳۸). در این نقش رسانه‌های برون‌مرزی اشاعه‌دهنده ارزش‌های مستتر در فرهنگ، عقاید، آراء و تبلیغ کننده ایده‌های سیاست خارجی کشورها به‌صورت تصاویر و گفتمان‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای هستند (طاهریان، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

## ۲-۴. دیپلماسی گردشگری

واژه دیپلماسی به معنای هدایت روابط بین افراد، گروه‌ها و ملت‌ها، از جمله واژه‌های سیاسی مورد استفاده در عرصه مناسبات بین‌المللی است. دیپلماسی، تعیین کننده چارچوب سیاست خارجی هر کشور و اصول کلی هدایت سیاست خارجی است. بنابراین سه مفهوم پایه‌ای دیپلماسی، روابط بین دولت‌ها، مذاکره و گفت و گو و وسیله‌ای برای جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح است. دیپلماسی گردشگری به نقش گردشگری در ایجاد صلح، رونق اقتصادی و افزایش درآمد، خنثی کننده تبلیغات منفی خارجی و جایگاه دولت در دستیابی به این اهداف اشاره دارد. موفقیت یا شکست صنعت جهانگردی در هر کشور به‌طور مستقیم به اعمال سیاست‌های حمایتی دولت از آن و رسانه‌های مرتبط با گردشگری وابسته است. به نحوی که هر چه چتر حمایتی دولت درباره گردشگری گسترده‌تر باشد، شکوفایی در این بخش هم بیشتر خواهد بود.

گردشگری رسانه‌محور، ارزش‌ها، فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم کشورها را به‌عنوان یک فرهنگ جهانی بدون واسطه به گردشگران معرفی می‌کند. بازدیدکنندگان بر پایه مشاهدات خود و ملاقات بی‌واسطه با شهروندان سایر کشورها، درک جدیدی به دست آورده و آن را به دیگران منتقل می‌نمایند. به این ترتیب، دیپلماسی مردم‌محور و نغزبه نفر در قالب گردشگری، ابزاری قوی برای توانمندسازی کشورها در حوزه قدرت فرهنگی محسوب می‌شود (مظاهری، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

توسعه دیپلماسی گردشگری با استفاده از ظرفیت رسانه‌های برون مرزی سبب فراهم آوردن زیرساخت‌های مناسب و ایجاد شرایط امن در ابعاد مختلف شده و مستقیماً بر اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع تأثیر خواهد گذاشت. در بُعد اقتصادی سبب رونق اقتصادی، اشتغال‌زایی، ایجاد درآمد، تسهیل در سرمایه‌گذاری و در نهایت افزایش درآمد سرانه ملی خواهد شد. به علاوه در گفتگوهای اقتصادی بین کشورها راه‌های توسعه گردشگری می‌تواند به‌عنوان یکی از پایه‌ها و محورهای اصلی مذاکرات مقامات کشورها محسوب شود. در بعد سیاسی، گردشگری بهترین راه تبلیغ صحیح در مورد کشور و مقابله با تبلیغات منفی خواهد بود.

برای توسعه گردشگری به‌مثابه ابزاری جهت پیشبرد مقاصد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توجه به موارد زیر ضروری است:

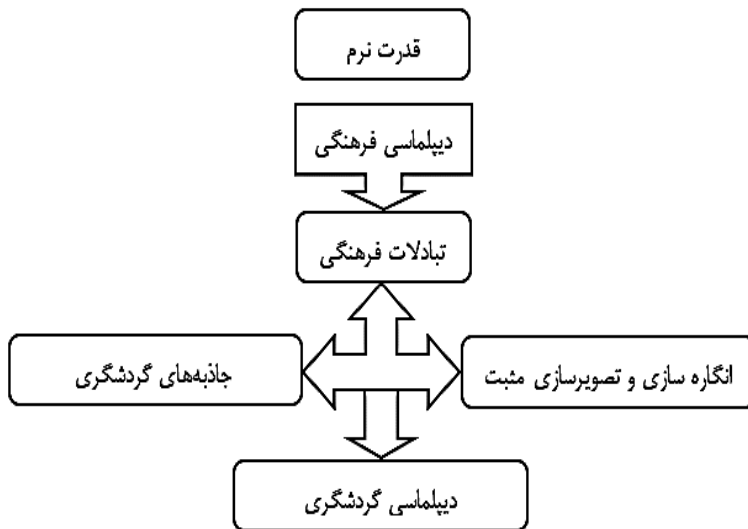
– ارزش و اهمیت دادن به گردشگری به‌مثابه یک صنعت؛

– محور قرار دادن گردشگری به‌عنوان زمینه‌ساز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای و توسعه همکاری‌ها؛





- توصیف دیپلماسی به عنوان راهبردی مؤثر برای توسعه گردشگری (رضایی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).  
لذا توجه به این مسائل مهم است: «کاهش تصدی گری دولت (ایفای نقش دولت به مثابه ناظر)، فعال نمودن بخش خصوصی، اصلاح و تسهیل قوانین تردد گردشگران، استانداردسازی خدمات گردشگری، تبلیغات مناسب و گسترده رسانه‌ای در بُعد برون مرزی، و نهایتاً تغییر نوع نگاه حاکمان به گردشگر و تلقی گردشگری به عنوان یک فرصت و نه تهدید».  
اغلب دولت‌ها به سه دلیل مهم، به گردشگری اهمیت می‌دهند:  
نخست اینکه به ادراک مثبت گردشگران درباره کشور میزبان کمک می‌کند. دوم اینکه فعالیت دولت‌ها در زمینه مدیریت برداشت<sup>۱</sup>، نقش تعیین کننده‌ای در جذب بیشتر گردشگران دارد و سوم، صنعت گردشگری هر کشور از دیپلماسی فرهنگی آن تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر تعیین کننده دارد (همان: ۱۶۲). بر همین اساس ارتقاء و رشد صنعت گردشگری در قالب دیپلماسی گردشگری توسط دولت‌ها، برای همه کشورهای جهان اهمیت ویژه‌ای دارد.



نمودار شماره ۲. نسبت دیپلماسی گردشگری با قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی



### ۳. کارکردهای مهم دیپلماسی گردشگری در سیاست خارجی

مهم‌ترین کارکردهای دیپلماسی گردشگری برای سیاست خارجی را می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

الف) گردشگری اعم از جذب گردشگر خارجی به یک کشور یا سفر گردشگران یک کشور به خارج می‌تواند تفاهم و درک متقابل ملت‌ها از یکدیگر را بیش‌تر کرده، باعث نزدیک‌تر شدن ملت‌ها و درنهایت دولت‌ها به یکدیگر شود. دولت‌هایی که مشکلات تاریخی با یکدیگر دارند، می‌توانند از این شیوه برای نزدیک‌تر شدن به یکدیگر استفاده کنند. هر گردشگر، بالقوه می‌تواند یک دیپلمات باشد زیرا هم پیام کشور خود را به کشوری دیگر می‌برد و هم پیام کشور مقصد را به کشور خود می‌آورد..

ب) گردشگری رسانه‌مدار به تصحیح و بازتعریف تصاویر کلیشه‌ای موجود از دولت‌ها و حتی ملت‌ها کمک می‌کند. گردشگران بدون واسطه با واقعیت‌های جامعه و دولت میزبان آشنا می‌شوند و برداشت‌های قبلی خود را تصحیح می‌کنند. سال‌هاست رسانه‌های غربی می‌کوشند تصویری منفی از جمهوری اسلامی ایران به جهان عرضه کنند و در چنین شرایطی گردشگری ابزار مفیدی است که می‌تواند نادرستی این تصویر رسانه‌ای را اثبات کند و این موضوع به نفع دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی است (امیرانتخابی، ۱۳۹۴/۹/۲۴). کما اینکه در اغلب خاطرات منتشر شده از سوی گردشگرانی که به ایران سفر کرده‌اند، این واقعیت منعکس می‌شود که پس از سفر به ایران ذهنیت‌های ساخته شده منفی از این کشور برای آنها تغییر کرده است.

ج) گردشگری رسانه‌مدار به یافتن زبان مشترک صلح میان ملت‌ها کمک می‌کند و این امر به دولت‌ها کمک می‌کند تا در سیاست خارجی خود به دنبال تأمین امنیت ملی از طریق صلح باشند. دیپلماسی گردشگری تقویت‌کننده دیپلماسی صلح در برابر دیپلماسی جنگ است. زیرا اساساً زبان گردشگری زبان صلح و پیام آن دوستی برای انسان‌هاست (همان).

### ۴. موانع و چالش‌های دیپلماسی گردشگری جمهوری اسلامی ایران

گردشگری را می‌توان به پنج حوزه زیارتی، سلامت، طبیعت‌گردی و بوم‌گردی، فرهنگی-تاریخی و ورزشی تقسیم‌بندی کرد. به همین دلیل فرصت‌های این صنعت در کشور در سه حوزه فرهنگی، طبیعی و انسان‌ساخت قابل بررسی است. ایران به دلیل برخورداری از تنوع اقلیمی بالا، پوشش گیاهی مناسب، زندگی جانوری غنی، آثار فرهنگی-تاریخی و مذهبی فراوان، جاذبه‌های طبیعی، پزشکان و متخصصان توانمند و همچنین هزینه درمان پایین در مقایسه با بسیاری از



کشورها می‌تواند به‌عنوان یکی از کشورهای برتر دنیا در صنعت گردشگری ایفای نقش کند. اگر فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب مورد بهره‌برداری قرار گیرد، صنعت گردشگری می‌تواند به‌عنوان یکی از صنایع پیشرو در رشد و شکوفایی اقتصادی نقش زیادی ایفا کند. اما با وجود ظرفیت‌ها و فرصت‌های فراوان جذب گردشگر در ایران، دیپلماسی گردشگری موفق در جمهوری اسلامی ایران وجود نداشته است. با بررسی‌های میدانی و اسنادی، موانع و چالش‌های این عدم موفقیت را می‌توان در موارد ذیل ارزیابی نمود:

#### ۴-۱. اثرات منفی توزیع نامناسب تعطیلات در رونق گردشگری

تعطیلات پایان هفته و همچنین تعطیلاتی همچون عید نوروز یا تعطیلات تابستانی، معمولاً سهم بالایی در گردشگری داخلی دارند، اما این موضوع مشکلاتی را نیز به همراه داشته است. معمولاً گردشگران خارجی نیز در فصول بهار و یا تابستان، ایران را برای گردشگری انتخاب می‌کنند که به دلیل نداشتن زیرساخت‌های مناسب جاده‌ای و خدماتی، ارائه خدمات مناسب به آنها مقدور نیست. در حوزه گردشگری، بسیاری از مواقع، گردشگرانی که ایران را برای سفر انتخاب می‌کنند به دلیل تناسب نداشتن تعطیلات پایان هفته در ایران با کشور مبدأ در انجام کارهای اداری مربوط به سفر خود دچار مشکل می‌شوند و همین موضوع باعث آزرده‌گی و عدم رضایت خاطر آنها می‌شود. بنابراین ساماندهی این تعطیلات و همچنین توزیع تعطیلات تابستانی و عید نوروز در تمام فصول سال می‌تواند علاوه بر حل مشکلات سفرهای داخلی، فضای مناسب‌تری را برای حضور گردشگران خارجی در کشور فراهم کند (حسینی، ۱۳۹۵/۷/۳).

#### ۴-۲. مشکلات ساختاری و سخت‌افزاری

مهم‌ترین موانع و مشکلات صنعت گردشگری مربوط به مشکلات ساختاری در این بخش است. در حوزه ساختاری، اقامت، پذیرایی، حمل‌ونقل، خرید و تورگردانی برای گردشگران اهمیت ویژه‌ای دارد که به این مؤلفه‌ها توجه جدی نشده است. در حوزه اقامت، ایران با کمبود هتل و مکان‌های اقامتی متناسب با سلیقه و درآمد گردشگران داخلی و خارجی مواجه است. بسیاری از کشورهای از جمله کشورهای همسایه ایران مانند ترکیه و امارات متحده عربی در این حوزه سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام داده‌اند. در حوزه پذیرایی، ایران با کمبود کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌ها مواجه است و قادر به ارائه خدمات پذیرایی مناسب با فرهنگ‌های مختلف گردشگران خارجی و تامین نیازهای ضروری آنها نیست.



در حوزه حمل‌ونقل نیز امکانات و تسهیلات مناسب برای گردشگران در هر سه حوزه حمل‌ونقل زمینی، هوایی و ریلی در ایران به تعداد مورد نیاز اختصاص داده نشده است. به‌طوری که بسیاری از گردشگران با مشکل حمل‌ونقل مواجه هستند. خرید ۲۰۰ فروند هواپیمای جدید برای نوسازی ناوگان هوایی کشور نیز به‌دلیل تحریم‌های امریکا، متوقف شد. در حوزه تورگردانی نیز، ضعف و چالش‌های اساسی وجود دارد و بسیاری از مواقع، آژانس‌های مسافرتی که مسئولیت تورگردانی را بر عهده دارند، دوره‌های آموزشی لازم برای ارائه خدمات به گردشگران خارجی را نگذرانده‌اند که این مسئله اغلب موجب نارضایتی گردشگران می‌شود. در مواردی از سوی اغلب گردشگران کمبود سرویس‌های بهداشتی بین راهی و جاده‌ای یکی از معضلات گردشگری در ایران مطرح می‌شود.

#### ۳-۴. تقلیل گردشگری به حوزه صرفاً اقتصادی

تصویر شکل یافته در ذهن گردشگران از مقصد گردشگری، عامل مهمی در انتخاب آن مقصد برای سفر است. این تصویر شکل یافته مجموعه باورها و عقاید و نظراتی است که یک فرد درباره آن مقصد دارد (رنجبریان، ۱۳۸۵) و ممکن است مبتنی بر دانش عینی (برداشت‌ها)، پیشداوری‌ها، تصورات، یا افکار احساسی یک فرد درباره آن مقصد و یا حتی تبلیغات مثبت یا منفی رسانه‌های گروهی باشد. دیپلماسی عمومی و گردشگری کشور می‌تواند در شکل دادن به این برداشت‌ها، پیش‌داوری‌ها، تصورات یا افکار احساسی نقش خطیری داشته باشد. ارتقا و اعتلای وجهه جهانی از طریق گردشگران و بهبود منزلت سیاسی کشور در روابط بین‌الملل از جمله مواردی است که بیشتر از توجیه اقتصادی می‌تواند در بلندمدت نتیجه‌بخش باشد. به‌طوری که ایران می‌تواند به یکی از آرمان شهرهای گردشگری جهان تبدیل شود (ذکی و احتشامی، ۱۳۹۳: ۷۸۱).

#### ۴-۴. ضعف در لغو تشریفات روادید

اگرچه تلاش‌هایی در زمینه لغو روادید و تسهیل ورود گردشگران به کشور صورت پذیرفته است، اما ایران همچنان از قوانین دست و پاگیر برای ورود گردشگران به کشور رنج می‌برد که باید این قوانین تصحیح شوند. به بیان روشن، از جمله شاخص‌های بسیار مهم که متأثر از حوزه سیاست و به‌ویژه سیاست خارجی است و برای اقامت کوتاه‌مدت، اهمیت دارد، «شاخص حذف روادید» است که چالش بزرگی بر سر راه جذب گردشگر بین‌المللی در ایران به حساب می‌آید. ایران تنها با ۳۹ کشور جهان برای اقامت کوتاه‌مدت در ایران موافقت‌نامه لغو روادید امضا کرده که از این نظر



جزو ۱۳ کشور آخر جهان است (henleypassportindex, 2019). این در حالی است که تعداد زیادی از این ۳۹ کشور، کشورهای بسیار کوچکی از جهان هستند که سهمی در صدور گردشگر به بازارهای جهانی ندارند. کیپورد، سیشل، گویان، کومور، ماداگاسکار، جیبوتی، دومینکن، هائیتی، ماکائو، تیمور شرقی، جزایر کوک، میکرونزی، پالاو، ساموآ و تووالو نمونه‌ای از این کشورها هستند. اندونزی، مالزی و سوریه در آسیا، تانزانیا و کنیا در آفریقا، بولیوی و ونزوئلا در آمریکای جنوبی، ترکیه و گرجستان در اوراسیا مهم‌ترین کشورهای جهان هستند که با ایران قرارداد دوجانبه برای حذف روادید برای اقامت کوتاه‌مدت امضا کرده‌اند. این در حالی است که ۷۴ درصد گردشگران بین‌المللی جهان متعلق به کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی است. منطقه‌ای که ایران تقریباً هیچگونه موافقت‌نامه حذف روادید با آنان امضا نکرده است (ویسی، ۱۳۹۴).

اهمیت دارد متولیان سیاست خارجی کشور برای گسترش دیپلماسی گردشگری به لغو روادید با کشورهای عمده «اعزام کننده گردشگر» دنیا با رعایت ملاحظات امنیتی و سیاسی اقدام کنند تا بیش از پیش بسترهای ورود گردشگر بین‌المللی را به بازار گردشگری ایران فراهم کنند.

جدول شماره ۱: کشورهای دارای ضعیف‌ترین گذرنامه‌های جهان در سال ۲۰۱۹ براساس شاخص گذرنامه هنلی<sup>۱</sup>

| رتبه | دسترسی گذرنامه | کشور                              |
|------|----------------|-----------------------------------|
| ۹۵   | ۴۳             | کنگو، سریلانکا                    |
| ۹۶   | ۴۲             | اتیوپی، ایران، کره شمالی          |
| ۹۷   | ۴۱             | بنگلادش، لبنان، لیبی، سودان جنوبی |
| ۹۸   | ۴۰             | نپال                              |
| ۹۹   | ۳۹             | فلسطین، سودان                     |
| ۱۰۰  | ۳۸             | اریتره                            |
| ۱۰۱  | ۳۷             | یمن                               |
| ۱۰۲  | ۳۳             | پاکستان                           |
| ۱۰۳  | ۳۲             | سومالی، سوریه                     |
| ۱۰۴  | ۳۰             | عراق، افغانستان                   |

جایگاه ایران در زمینه اعتبار گذرنامه نیز در نیمه نخست سال ۲۰۱۹م تغییر محسوسی نداشته است. سال گذشته (۲۰۱۸) ایران در بین ۱۰۰ کشور، جایگاه ۹۲ را به‌دست آورده بود و هشت پله با آخرین کشور که عراق بود فاصله داشت و اکنون، از بین ۱۰۹ رتبه، به همراه کره



شمالی، بنگلادش، اریتره و لبنان در جایگاه ۱۰۱ این رده‌بندی قرار گرفته است. شهروندان این چهار کشور به اضافه ایران امکان دسترسی آزاد به ۳۹ کشور را دارند و برای سفر به ۱۸۷ مقصد دیگر باید روادید تهیه کنند (henleypassportindex, 2019).

#### ۴-۵. الگوی ذهنی منفی نسبت به گردشگری

هرچند که واقعیت‌های کنونی جذب گردشگر در جهان را نمی‌توان نادیده انگاشت، اما برخی از گردشگران ایرانی بعد از سفر به کشورهای موفق از نظر گردشگری به غلط به این نتیجه رسیده‌اند که ورود گردشگران خارجی به ایران مستلزم قرار دادن صنعت گردشگری در نقطه تقابل با ارزش‌های دینی، فرهنگی و انقلابی ایران است و طبعاً این الگوی فکری به بروز تقابل‌های ناروا در برابر رونق این صنعت منجر شده است. در شکل‌گیری این الگوی ذهنی منفی، عوامل مختلفی نقش دارند. حال آن که می‌توان با دیپلماسی صحیح، سمت و سوی گردشگری بین‌المللی ورودی را معین نمود. برای دستگاه دیپلماسی کشور و همچنین شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما کار چندان دشواری نیست که الگوی گردشگری پاک (تاریخی، مذهبی، سلامت و درمانی، علمی و طبیعت‌گردی)، را ترویج نموده و در مورد قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کم‌نظیر و بی‌نظیر ایران تبلیغ کنند.

#### ۴-۶. نقش حاشیه‌ای سفیران در دیپلماسی گردشگری

تأثیر گردشگری در اقتصاد کشورها، باعث شده تا گردشگری به‌عنوان یکی از موضوعات گفت‌وگو بین هیأت‌های بلندپایه خارجی مطرح شود. به عبارت دیگر «دیپلماسی بر پایه گردشگری» شکل گرفته و از این رو موفق شده به تدریج جای خود را در معاهدات و قراردادهای بین‌المللی باز کند. با توجه به اینکه راه گردشگران برای ورود به کشور از سفارتخانه‌ها می‌گذرد. لذا سفرای ایران با اعمال دیپلماسی ویژه و با رعایت تمامی جوانب و مسائل داخلی و خارجی باید به گردشگران توجه کنند؛ زیرا اجرایی شدن «دیپلماسی گردشگری» تأثیر بسیار زیادی در مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خواهد داشت (مروج خراسانی، ۱۳۸۶/۵/۳۰).

در کشورهای پیش‌رو روابط اقتصادی خارجی اعم از تصمیم‌گیری‌ها در داخل و مذاکرات در خارج، با هدف پیشبرد دیپلماسی همه‌جانبه برای حمایت از افزایش تجارت خارجی و بسترسازی برای صنعت گردشگری، از یک منبع واحد هدایت می‌شود (فرجی‌راد، ۱۳۸۳: ۲۸). به‌عنوان نمونه در این مورد می‌توان بخش خصوصی در تولیدات صنعتی را با گردشگری پیوند داد؛ کاری که امروزه بسیاری از شرکت‌های بزرگ صنعتی ایتالیا و ترکیه انجام می‌دهند. آنها از طریق سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری برای خود در کشورهای مقصد بازاریابی می‌کنند.

جدول شماره ۲: داده ها و شاخص های پایه گردشگری ایران بین سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ میلادی  
(گزارش سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۹)

| داده های پایه                   | واحد ها            | ۲۰۱۳                 | ۲۰۱۴                 | ۲۰۱۵                 | ۲۰۱۶                 | ۲۰۱۷                 |
|---------------------------------|--------------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|
| کل گردشگران ورودی               |                    | ۴ میلیون و ۷۶۹ هزار  | ۴ میلیون و ۹۶۸ هزار  | ۵ میلیون و ۲۳۷ هزار  | ۴ میلیون و ۹۴۲ هزار  | ۴ میلیون و ۸۶۷ هزار  |
| ورودی از آفریقا                 |                    | ۱۷ هزار              | ۱۹ هزار              | ۲۲ هزار              | ۱۴ هزار              | ۱۴ هزار              |
| ورودی از قاره امریکا            |                    | ۷ هزار               | ۹ هزار               | ۱۱ هزار              | ۱۳ هزار              | ۱۲ هزار              |
| ورودی از آسیای شرقی و اقیانوسیه |                    | ۱۲۵ هزار             | ۱۴۷ هزار             | ۱۹۴ هزار             | ۱۴۱ هزار             | ۱۵۳ هزار             |
| اروپا                           |                    | یک میلیون و ۷۸۰ هزار | یک میلیون و ۹۱۸ هزار | یک میلیون و ۹۶۴ هزار | یک میلیون و ۹۱۰ هزار | یک میلیون و ۹۰۳ هزار |
| جنوب آسیا                       |                    | ۶۲۱ هزار             | ۷۰۸ هزار             | ۸۳۷ هزار             | ۹۹۴ هزار             | یک میلیون و ۱۱۷ هزار |
| ورودی های طبقه بندی نشده        |                    | ۲۴۲ هزار             | ۱۸۴ هزار             | ۱۳۶ هزار             | ۱۶۷ هزار             | ۱۳۹ هزار             |
| ورود با اهداف شخصی              |                    | ---                  | ---                  | ---                  | ۴ میلیون و ۹۲۶ هزار  | ---                  |
| ورود با اهداف کاری              |                    | ---                  | ---                  | ---                  | ۱۶ هزار              | ---                  |
| کل مخارج گردشگران ورودی         | میلیون دلار امریکا | ۳ میلیون و ۳۰۶ هزار  | ۴ میلیون و ۱۹۷ هزار  | ۴ میلیون و ۷۷۱ هزار  | سه میلیون و ۹۱۴ هزار | ---                  |
| کل گردشگران خروجی از ایران      |                    | ---                  | ۷ میلیون و ۶۹۸ هزار  | ۶ میلیون و ۶۲۰ هزار  | نه میلیون و ۷ هزار   | ۱۰ میلیون و ۵۴۳ هزار |

#### ۴-۷. تصویرسازی منفی از ایران در خارج از کشور (ایران هراسی)

یکی از چالش های صنعت گردشگری ایران، رویکرد ایران هراسی نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران است. علیرغم تبلیغات گسترده در رسانه های غربی، هر ایرانی می تواند با متصف شدن به خلیقات نیکو و والای ایرانی و اسلامی خود و با انتقال پیام صلح، دوستی و انسانی خود به تمام نقاط جهان تأثیر تبلیغات منفی را خنثی کند. بر همین اساس نقش سفرا و رایزنان فرهنگی ایران در خارج از کشور به عنوان مروجین دیپلماسی صحیح جمهوری اسلامی ایران در گردشگری مضاعف می شود. در این روند، برگزاری دوره های گردشگری داخلی برای سفیران



خارجی اهمیت دارد تا آنها هر چه بیشتر شاهد بی‌اساس بودن تبلیغات رسانه‌های خارجی علیه ایران باشند. از سوی دیگر لزوم تغییر برخی حساسیت‌های امنیتی همزمان با تدابیر نظارتی ضروری می‌نماید. ایران با وجود دشمنان متعدد همواره در حال مقابله با تهدیدهای جاسوسی و خرابکاری است. ورود برخی از خرابکاران خارجی به کشور در پوشش گردشگر صورت گرفته است و به همین علت حساسیت‌ها در این حوزه افزایش یافته است. بنابراین به نظر می‌رسد، نهادهای نظارتی و امنیتی ضمن افزایش دقت، باید زمینه ورود بیشتر گردشگران به کشور را بیش از پیش به دلیل منافع حاصل از آن تسهیل نمایند. همچنین، بعد امنیت که یکی از موضوعات مهم در گردشگری است، در ایران مورد غفلت واقع شده است و ایران نتوانسته است خود را به عنوان یکی از امن‌ترین کشورهای جهان برای گردشگران خارجی معرفی نماید.

#### ۴-۸. لزوم افزایش نقش رسانه‌های برون مرزی و فضای مجازی

یکی دیگر از مشکلات صنعت گردشگری در ایران، ضعف در اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در این حوزه است. جمهوری اسلامی ایران به خوبی نتوانسته است داشته‌ها و فرصت‌های گردشگری در کشور را چه در داخل و چه در خارج از کشور معرفی نماید. به نظر می‌رسد که به موازات معرفی ظرفیت‌های گردشگری ایران در رسانه‌های برون مرزی، باید هر چه بیشتر نقش و جایگاه صلح‌محور ایران در منطقه تبیین شود. اهمیت دارد پوشش خبری مناسب و تهیه برنامه‌های فاخر همسو با سیاست‌های گردشگری دولت، در دستور کار رسانه‌های برون مرزی به‌ویژه پرس‌تی‌وی قرار گیرد. اهمیت نقش رسانه‌های برون مرزی در تقویت دیپلماسی گردشگری جمهوری اسلامی ایران، به حدی است که تأسیس یک شبکه گردشگری بین‌المللی به زبان انگلیسی در معاونت برون مرزی یک ضرورت تلقی می‌شود. ضرورتی که تحقق آن نیازمند بودجه ویژه و حمایت دولت و مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

#### ۴-۹. ضعف در جذب سرمایه‌گذار خارجی

در مسیر پیشرفت در هر حوزه‌ای برخی چالش‌ها نیز وجود دارد. از این رو جذب سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه گردشگری نیز می‌تواند با برخی مشکلات روبرو باشد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تحریم‌های فراگیر و بی‌سابقه در سال‌های اخیر است که جذب سرمایه خارجی را با مانع جدی مواجه ساخته است. همچنین به علت شناخت ناکافی از گردشگری در سطوح مدیریتی به خصوص مدیران تصمیم‌ساز، گردشگری در جایگاه اصلی خود نگریسته نمی‌شود. وجود این



نگرش سبب شده فرصت‌های بسیاری از دست برود و بازارهای گردشگری نصیب کشورهای همسایه نظیر ترکیه شود که سالیانه معادل فروش نفت ایران از گردشگری درآمد ارزی کسب می‌کند. این مشکلات سبب شده هنوز هدف از توسعه گردشگری برای سیاستگذاران مشخص نباشد و بین بهره‌برداری از منافع اقتصادی آن یا سایر اهداف، مرز مشخصی ترسیم نشده است (سقایی، ۱۳۹۲).

## ۵. نقش رسانه‌ها در دیپلماسی گردشگری جمهوری اسلامی ایران

در اهداف کمی سند بیست ساله گردشگری، جذب بیست میلیون گردشگر به صورت کلی عنوان شده است که نیل به آن نیازمند توجه به راهبردهای اجرایی و تدوین برنامه‌هایی است که هدف فوق را محقق سازد. در همین رابطه راهبردهای رسانه‌ای نیز باید مشخص گردند. برای رونق گردشگری در ایران، علاوه بر مد نظر قرار دادن سایر موارد، استفاده از ظرفیت رسانه‌های بین‌المللی ایران مورد نیاز است. رسانه‌ها اصلی‌ترین نقش را در توسعه گردشگری و معرفی جاذبه‌های کشور بر عهده دارند و به خوبی می‌توانند زمینه‌ای مناسب برای اجرا و تکمیل طرح‌های گردشگری فراهم کنند. مهم‌ترین وظیفه رسانه‌ها، انگاره‌سازی و ایجاد تصاویر ذهنی از واقعیات و حتی غیر واقعیات است. رسانه‌ها در آرایه تصاویر واقعی و غیر واقعی از مناطق، به دلیل قابلیت‌های گسترده در جذب مخاطب انبوه و توانایی شکل‌دهی به افکار عمومی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. همچنین در تصویرسازی از مکان‌ها و کشورهای مختلف و شکل‌دهی به تصورات جغرافیایی، برای افراد اهمیت زیادی دارند. تصوراتی که مردم جهان از یک منطقه یا کشور خاص دارند، می‌تواند از راه اشکال فرهنگ عامه در رسانه مانند فیلم‌ها، تلویزیون و ادبیات آن کشور شکل داده شود (قلی‌زاده، ۱۳۸۸).

نقش رسانه‌ها و ارتباطات اجتماعی از این لحاظ در توسعه صنعت جهانگردی اساسی است که از مرحله اشاعه و تبلیغ جهت معرفی جاذبه‌ها و جذب جهانگرد، تا کسب اطلاعات و آگاهی در خصوص جاذبه‌های طبیعی، اماکن تاریخی، آداب و رسوم و میراث باستانی و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و فرهنگی کشورها و مناطق، بازنمایی مناسبات فرهنگی - اجتماعی، ترسیم فضای اجتماعی - روانی توأم با اعتماد و آرامش، دریافت خدمات و ... این عوامل به صورت پویا و پیوسته می‌توانند در کنار سایر عوامل اجرایی نقش‌آفرینی فعال داشته باشند (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۶).



رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه رسانه‌های برون مرزی، نقش تعیین کننده‌ای در معرفی ظرفیت‌های گردشگری کشور به جهان و نمادسازی از ایران به‌عنوان مرکز گردشگری پاک دارند.

## ۶. نتیجه‌گیری

صنعت گردشگری ایران هم دارای فرصت‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی است و هم با موانع و چالش‌های متعددی مواجه می‌باشد. اگرچه ایران در نقشه گردشگری جهانی جایگاه بسیار مهمی دارد؛ اما سهم واقعی این کشور از میزان ورود گردشگران خارجی و درآمدها و تأثیرات فرهنگی ناشی از آن بسیار ناچیز است. ازجمله موانع ساختاری، نقش و جایگاه متولیان دستگاه دیپلماسی در جذب گردشگران خارجی است که از آن تحت عنوان «دیپلماسی گردشگری» نام می‌برند. نهادینه شدن صنعت گردشگری به‌عنوان یک ضرورت اصلی برای کشور مستلزم جدی گرفتن مسئله گردشگری از سوی دستگاه دیپلماسی کشور است. برای توسعه این صنعت کلیه نهادهایی که متولی فعالیت‌های بین‌المللی کشور هستند، باید با هم‌افزایی ظرفیت‌های خود، مقوله گردشگری را در اولویت‌های سیاست خارجی کشور قرار دهند. این امر مستلزم همکاری چندین نهاد و سازمان مرتبط از جمله وزارت امور خارجه، سازمان صداوسیما، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، وزارت کشور، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت ورزش و امور جوانان، وزارت راه و شهرسازی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان محیط‌زیست است. در این مسیر، شناخت نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی دیپلماسی گردشگری برای پاسخ به پرسش موانع و چالش‌های دیپلماسی گردشگری جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد.

## ۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

شبکه‌های برون مرزی متناسب با مأموریت‌هایشان، باید آثار و نمودهای ملموس و ناملموس گردشگری مانند ابنیه تاریخی، جاذبه‌های طبیعی و اقلیمی، آداب و سنن، بازی‌ها، قصه‌ها، افسانه‌های ملل و اقوام ایرانی و مشاهیر مرتبط با ایران و حتی حوزه وسیع‌تر ایران فرهنگی را در قالب‌های متنوع برنامه‌سازی متناسب با ذائقه‌های مختلف مخاطبان برون مرزی معرفی کنند. ذائقه‌سنجی مخاطبان در برنامه‌سازی مختص هر شبکه برون مرزی: شناخت علاقه‌مندی‌ها و ویژگی‌های مشترک بایستی در تولید برنامه‌هایی با محوریت جذب گردشگر مورد توجه قرار گیرد.



استفاده از ویدئوکامنت‌های یک تا سه دقیقه‌ای برای معرفی مختصر و کوتاه جاذبه‌های گردشگری ایران.

تولید آثار فاخر جدید در معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران و استفاده مناسب از آثار موجود در شبکه‌های برون‌مرزی مانند مجموعه ایران پرس تی‌وی.

نشان دادن جاذبه‌های بصری ایران در فیلم‌ها و سریال‌های تولید ایران در لوکیشن‌های منحصر به فرد و صرف هزینه برای ساخت برنامه‌ها در این لوکیشن‌ها.

ساختن مستند و فیلم سینمایی یا سریال از خاطرات سیاحان ایرانی یا خارجی از ایران. راه‌اندازی یک شبکه تخصصی بین‌المللی انگلیسی زبان در حوزه گردشگری با هدف شناساندن میراث تاریخی، طبیعی، مذهبی و تمدنی ایران برای مخاطبان خارجی.

تأکید بر ارتباطات فرهنگی بین کشورهای همجوار ایران برای ایجاد منطقه گردشگری در غرب آسیا.

برند کردن برخی از سازه‌ها و آثار تاریخی، مذهبی و اماکن گردشگری طبیعی و گردشگری سلامت در ایران.

ایجاد دفتری در برون‌مرزی صداوسیما برای پیگیری برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی مشترک با نهادهای متولی و استفاده از نظر میهمانان خارجی شرکت‌کننده درباره شناختشان از ایران به‌منظور انتقال تجربه‌های مثبت آنها به مخاطبان شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما.

پخش خاطرات گردشگران خارجی در قالب‌های جذاب و کوتاه و انتشار آنها در شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی.

رونق صنعت گردشگری ایران و امکانات گسترده برای گردشگران در کشور علیرغم تحریم‌های آمریکا به انحاء مختلف و در قالب برنامه‌های متنوع مورد تأکید قرار گیرد. توجه مؤثر به شناساندن و بازنمایی مناسبت‌ها و مراسم‌های ملی و مذهبی در کشور. مثلاً تاسوعا و عاشورا، عید نوروز، چهارشنبه سوری، شب یلدا و ... در رسانه‌های برون‌مرزی می‌تواند برای گردشگران خارجی جذابیت زیادی داشته باشد.

بهره‌برداری حداکثری از توانمندی بیش از پنج میلیون ایرانی مقیم خارج از کشور و علاقه‌مند به پیشرفت ایران توسط رسانه‌های برون‌مرزی در راستای افزایش گردشگر ورودی به ایران.

## منابع و مأخذ

- اسماعیل‌پور، حسن و شهرزاد کاشانی‌تبار (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل توسعه نیافتگی صنعت توریسم»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌ای**، سال ششم، شماره ۱۵، زمستان، صص ۱۹۰-۱۷۷.
- امام‌زاده‌فر، پرویز (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از دوران باستان تا زمان معاصر» تهران. **مجله مطالعات سیاسی**، سال دوم، شماره ۷، بهار، صص ۱۶۰-۱۴۳.
- امیرانتخابی، شهرود (۱۳۹۴)، «جایگاه دیپلماسی گردشگری کجاست؟»، روزنامه ایران، شنبه، چهاردهم آذر.
- حقیقی، رضا (۱۳۸۶)، **فرهنگ و دیپلماسی (در آینه دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال ج.ا.ایران)**، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، **فصلنامه دانش سیاسی**، دوره ۱، شماره ۲، زمستان، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- حسینی، فاطمه (۱۳۹۵/۷/۳)، «بررسی ظرفیت‌ها و فرصت‌های صنعت گردشگری در رشد اقتصادی»، خبرگزاری صداوسیما. قابل دسترسی در:
- <http://www.iribnews.ir/fa/news/1307916>
- متن قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶)، روزنامه رسمی کشور، قابل دسترسی در:
- <http://www.rrk.ir/Files/Laws/>
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی ذوالفقاری (۱۳۹۳)، «تحلیل قدرت نرم بریتانیا»، **دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم**، سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان، صص ۱۰۶-۷۹.
- دیفلور، ملوین و اورت ای دنس (۱۳۸۶)، شناخت ارتباطات جمعی (مبانی، تاریخچه، نظریه‌ها)، (ترجمه سیروس مرادی)، تهران: انتشارات دانشکده صداوسیما
- ذکی، یاشار و محمدرضا احتشامی (۱۳۹۴)، «دیپلماسی گردشگری و نقش آن در توسعه گردشگری ایران»، اولین همایش بین‌المللی توسعه گردشگری جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و چشم‌اندازها.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، **دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رحیم‌پور، علی (۱۳۹۲)، «تحلیل آماری صنعت گردشگری جهان، بازارهای آینده و جایگاه ایران»، **فصلنامه گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ**، دوره ۱، شماره ۱.
- رضایی، ناصر (۱۳۹۳)، «روش‌های مؤثر گردآوری آمارهای گردشگری»، **فصلنامه گردشگری و توسعه**، دوره ۱، شماره ۱، زمستان، صص ۱۹۵-۱۷۴.
- رنجبریان، بهرام (۱۳۸۵)، «وجه استنباط شده از ایران به‌عنوان یک مقصد گردشگری»، **مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۸۰-۶۹.
- طاهریان، مریم (۱۳۸۸)، «نقش رسانه‌های مختلف در انتخابات»، مجموعه مقالات رسانه و مشارکت سیاسی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مرکز تشخیص مصلحت نظام.
- فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۸۳)، «توسعه کشور نیازمند دیپلماسی اقتصادی است»، **مجله روند اقتصادی**، شماره ۶، بهار، صص ۲۸-۳۰.



مشکینی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۷). «ارزیابی تأثیر رسانه‌های مجازی در توسعه صنعت گردشگری از دیدگاه کاربران شبکه‌های مجازی». **نشریه گردشگری شهری**، دوره ۵، شماره ۲، تابستان، صص ۵۳-۶۹.  
مجموعه مقالات سمینار رسانه‌های ایران و آلمان (۱۳۸۰). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.  
مروج خراسانی، مرضیه (۱۳۸۶/۵/۳۰)، «نقش صنعت گردشگری بر متغیرهای اقتصاد». **روزنامه دنیای اقتصاد**، شماره ۱۳۱۷.

مظاهری، محمدمهدی (۱۳۹۷) **سازمان اکو و امنیت فرهنگی کشورهای عضو**. انتشارات مؤسسه فرهنگی اکو.  
نای، جوزف (۱۳۸۲)، **کاربرد قدرت نرم**، (ترجمه: سیدرضا میرطاهر)، تهران: نشر قومس.  
نیاتیان، محمداسماعیل و حسین رضایور (۱۳۹۳)، «نقش قدرت نرم آموزش عالی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی»، **فصلنامه سیاست متعالیه**، دوره ۲، شماره ۷، زمستان، صص ۵۸-۳۹.  
ویسی، هادی (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر صنعت گردشگری، مطالعه موردی: ایران»، **مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری**، سال چهارم، شماره چهاردهم، پاییز  
همایون، محمدهادی (۱۳۹۳)، «الگوی اسلامی گردشگری به‌عنوان یک ارتباط میان فرهنگی»، **اولین همایش بین‌المللی علمی راهبردی توسعه گردشگری جمهوری اسلامی ایران، چالش‌ها و چشم اندازها**، مشهد، پژوهشگاه گردشگری جهاد دانشگاهی، قابل دسترسی در:

[https://www.civilica.com/Paper-BCIT01-BCIT01\\_202.html](https://www.civilica.com/Paper-BCIT01-BCIT01_202.html)

یاساشوسی واتانامه و دیوید ال. مک کانل (۱۳۸۹)، **آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده آمریکا**، (ترجمه: محسن روحانی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

Kuper, Adam and Kuper Jessica (2009), **The Social Science Encyclopedia**.  
RezaGholizadeh B.(2009), "Reviewing the Impact of Media on Tourism",  
**Communicative Research Quarterly**; 4 (3): 159-185.

**World Tourism Organization** (2019), "global and regional tourism performance",  
Available at: <https://www.unwto.org/global-and-regional-tourism-performance>

Nye, Joseph (2004), **Soft Power: The Means to Success in World Politics**, Public Affairs.

**Henleypassportindex** (2019), **The Henley Passport Index**, Available at:  
<https://www.henleypassportindex.com/assets/2019/Q3/HPI%20Report%20190701.pdf>

## کارکردها و چالش‌های منطقه آزاد چابهار در ایجاد همگرایی منطقه‌ای و توصیه‌هایی برای پوشش رسانه‌ای

ضیاءالدین صبوری<sup>۱</sup>

### چکیده

منطقه آزاد چابهار در جنوب شرقی ایران از مهم‌ترین مناطق آزاد کشور محسوب می‌شود که از کارکردهای قابل توجهی برخوردار است. هدف اصلی این مقاله بررسی کارکردها و چالش‌های منطقه چابهار در ایجاد همگرایی منطقه‌ای است. بر همین اساس پرسش‌های محوری مقاله اینگونه صورت‌بندی شده است: مهم‌ترین قابلیت‌های منطقه چابهار برای ایجاد همگرایی در بین کشورهای منطقه چیست؟ این منطقه با چه چالش‌هایی در این زمینه مواجه است؟ چه راهکارهای رسانه‌ای برای شناساندن ظرفیت‌های چابهار و ایجاد همگرایی بین کشورهای پیرامون آن می‌توان مطرح نمود؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد با توجه به وجود منافع مشترک جهت افزایش همکاری اقتصادی میان کشورهای منطقه، امکان گسترش همکاری بین کنشگران فعال و دخیل در منطقه چابهار وجود دارد. مهم‌ترین قابلیت‌های همگرایی‌های چابهار اتصال آن به آب‌های آزاد بین‌المللی، ظرفیت آن برای جایگزینی تنگه هرمز و نیز نقش آن در اتصال و همکاری هند- ایران- افغانستان- روسیه است. در مقابل، مهم‌ترین چالش‌های آن افراط‌گرایی در منطقه، اختلافات هند و پاکستان و نیز نقش تخریبی امریکا و عربستان سعودی است. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی به این موضوع پرداخته است.

**واژه‌های کلیدی:** منطقه آزاد چابهار، کارکردگرایی، همکاری منطقه‌ای، راهکارهای رسانه‌ای.



## ۱. مقدمه

منطقه آزاد چابهار در شهرستان چابهار شرقی‌ترین شهرستان جنوبی کشور و اولین بندر ایرانی واقع در دریای عمان است که در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. این شهرستان با وسعتی بالغ بر ۱۳۱۶۲ کیلومتر مربع حدود هفت درصد از مساحت کلی استان سیستان و بلوچستان را به خود اختصاص داده است. اندیشه ایجاد منطقه آزاد تجاری-صنعتی اولین بار به‌طور رسمی در مطالعات توسعه محور شرق با اولویت توسعه بخش بازرگانی به‌عنوان عامل و محور توسعه استان مطرح شد. منطقه آزاد تجاری-صنعتی چابهار با ۱۴۰ کیلومتر مربع مساحت در جنوب شرقی ایران در عرض جغرافیایی ۲۵ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی در شرق خلیج چابهار و در کنار آب‌های دریای عمان قرار دارد. این منطقه از طریق شهرستان ایرانشهر و پس از عبور از استان خراسان جنوبی به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و از سمت شرق به کشور پاکستان و از جنوب از طریق دریای عمان و اقیانوس هند و آبراه‌های بین‌المللی به آفریقا و شرق آسیا و دریای مدیترانه اتصال پیدا می‌کند (ابراهیم‌زاده و آقاسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵).

منطقه آزاد چابهار به مدت بیش از دو دهه است که در مجاورت شهرستان چابهار و در حاشیه دریای عمان تأسیس شده است. از آنجا که هر کشوری ممکن است با توجه به توانمندی‌های خود اقدام به برنامه‌ریزی برای همکاری اقتصادی با کشورهای دیگر نماید، در این برنامه‌ریزی مناطق ژئوپلیتیکی مانند مناطق آزاد از اهمیت فراوان برخوردارند. در همین چارچوب، اکنون در انتهای دهه دوم قرن ۲۱، چابهار با توجه به زیرساخت‌های لازم و نیز سرمایه‌گذاری‌های کشورهای مختلف، ویژگی‌های لازم همچون دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی، توان جایگزینی مسیرهای سنتی و تعیین‌کنندگی مسیر حمل‌ونقل برای ایران، هند، افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی، روسیه و ... برای تبدیل به محور همکاری منطقه‌ای را دارد. با این وجود، این مقاله اهمیت چابهار در همکاری منطقه‌ای و چالش‌هایی را که در این زمینه با آن مواجه است، بررسی می‌کند.

## ۲. چارچوب نظری

کارکردگرایی یکی از نظریه‌های فرانظریه لیبرالیسم در روابط بین‌الملل است. مهم‌ترین وجه معروف نظریه‌های لیبرال، باور به امکان تحول در روابط بین‌الملل به شکل همکاری، کاهش



تعارض‌ها و درنهایت نیل به صلح است. کارکردگرایی بیش از هر چیز با نام «دیوید میترا نی»<sup>۱</sup> و کتاب معروفش با عنوان «یک نظام صلح کارآمد»<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) در ارتباط است (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۲۷). کارکردگرایی را می‌توان نظریه‌ای در روابط بین‌الملل ارزیابی کرد که بر همکاری‌های منطقه‌ای فنی و غیرسیاسی متمرکز است.

نکته آغازین نظریه کارکردگرایی آن است که واحد سازمانی حاکم در نظام بین‌الملل یعنی دولت ملی به‌طور فزاینده کارایی خود را برای ارضای نیازهای بشری از دست می‌دهد، زیرا به سرزمین محصور محدود است، حال آنکه نیازهای بشری مرزها را در می‌نوردد. کارکردگرایی نه صرفاً یک نظریه، بلکه درواقع فلسفه‌ای است که به‌ویژه با تکیه بر رفاه اقتصادی و اجتماعی و نادیده انگاشتن مرزهای ملی، به دنبال کاهش تنش در روابط بین دولت‌ها از جمله جنگ است. طبق قاعده‌پردازی میترا نی سیاست، پایه‌ای اجتماعی- اقتصادی دارد و زمانی که جامعه بین‌المللی به‌طور کارکردگرایانه و با شبکه‌ای از سازمان‌ها جهت ارضای نیازهای گوناگون آن سازماندهی می‌گردد؛ تمایل به جنگ و درنهایت احتمال وقوع آن از بین رفته و بشر به مسیر صلحی پایدار پا می‌گذارد (فرانکل، ۱۳۷۶: ۷۸).

کارکردگرایان با تفکیک موضوعات سیاست اعلی<sup>۳</sup> از مسائل سیاست سفلی<sup>۴</sup>، استدلال می‌کنند که همگرایی باید نخست در حوزه‌ها و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فنی جامعه آغاز گردد؛ چون برخلاف مسائل حساسی چون حاکمیت ملی و سیاست خارجی که دولت‌ها آن را نشانه‌ای از استقلال خود می‌پندارند، دستیابی به همکاری و همگرایی در موضوعات اقتصادی و کارکردی که از حساسیت کمتری برخوردار است، آسان‌تر می‌باشد و پیگیری این همکاری‌ها به کاهش تعارضات سیاسی کمک می‌کند. از این رو، مهم‌ترین مفهوم مقوم در فرایند توسعه همگرایی از نگاه کارکردگرایانه، توسعه یا تسری<sup>۵</sup> است. این مفهوم بر گرایش و ماهیت گسترش‌طلب همگرایی در درون حوزه‌های اجتماعی- اقتصادی متکثر اشاره دارد. از همین رو دیوید میترا نی نظریه‌پرداز اصلی این نظریه معتقد است که همگرایی در یک بخش ضرورتاً وقوع آن در بخش‌های دیگر را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

1. David Mitrany

2 . A Working Peace System

3 . high politics

4 . low politics

5 . Spillover



کارکردگرایان به طور کلی دو نوع تسری را امکان پذیر می دانند: همگرایی از یک بخش به بخش دیگر و همگرایی از حوزه ها و مسائل اقتصادی به موضوعات سیاسی که خودکار و بدون دخالت حکومت ها انجام می شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۱). به عبارت دیگر، می توان گفت که فرض اصلی این نظریه این است که فرایند کارکردگرایی تصاعدی است و تکامل کارکردی در یک زمینه به پیدایش و تقویت انواع مشابه همکاری در سایر زمینه ها منجر می شود (فرانکل، ۱۳۷۶: ۸۰-۷۸). در مجموع این نظریه به جای توجه به موضوعات سیاسی در همگرایی بین کشورها، توجه خود را به موضوعات فنی و اقتصادی مبذول داشته که زمینه همکاری در سایر موضوعات را نیز گسترش می دهد. به طور مشخص در این مقاله در کنار رویکردهای مختص هر یک از بازیگران پیرامون منطقه چابهار، بیشتر به کارکردهای اقتصادی چابهار و نقش آن در افزایش ارتباطات و همگرایی کشورهای پیرامونی توجه شده است. کارکردهای اقتصادی چابهار برای هر یک از دولت های درگیر در آن مطرح شده و استدلال می شود که با توجه به اهمیت این کارکردها و با وجود اراده دولت های این منطقه برای افزایش همکاری ها در این زمینه می توان به سطح مناسبی از همگرایی و تثبیت صلح دست یافت.

### ۳. چابهار؛ الگوی همکاری منطقه ای برد - برد

نقش چابهار در ارتقاء همکاری منطقه ای بیشتر به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیکی مطرح است. منطقه ژئوپلیتیکی بخشی از مجموعه ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی است که بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری یا کارکردی شکل می گیرد (حافظنیا، ۱۳۹۶). مناطق ژئوپلیتیک هنگامی نزد بازیگران سیاسی مطلوبیت پیدا می کنند که از حیث ارزش (سیاسی، اقتصادی، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی) مولد انواع مختلفی از قدرت باشند یا به واسطه وزن ژئوپلیتیکی که دارند بتوانند نیازهای حیاتی آن بازیگر سیاسی را تامین کنند. چابهار به عنوان حلقه واسط بین کشورهای جنوب شرق آسیا، آسیای مرکزی و افغانستان، سهل الوصول ترین راه برای دسترسی به آب های آزاد و اقیانوس ها برای ایران و کشورهای منطقه است. از لحاظ همکاری های منطقه ای، چابهار در جوار مرزهای جنوب شرقی ایران، از مهم ترین حوزه های اقتصادی است که در سال ۱۳۹۵ شاهد امضای موافقت نامه راهبردی تأسیس دالان حمل و نقل بین المللی بین ایران، هند و افغانستان موسوم به «موافقت نامه چابهار» بود (عسگری کرمانی، ۱۳۹۵: ۲۱).



از نظر کارکردی، چابهار تنها بندر اقیانوسی ایران است که با برخورداری از مرز آبی ۳۰۰ کیلومتری با دریای عمان، یکی از ۱۰ بندر مهم جهان با قابلیت تبدیل شدن به مگاپورت<sup>۱</sup> می‌باشد. همجواری با آب‌های آزاد بین‌المللی، برخورداری از موقعیت ممتاز و خارج بودن از منطقه بحران خیز خلیج فارس، ظرفیت‌های گسترده‌ای را در اختیار چابهار قرار داده است. قرار گرفتن چابهار در مرکزیت جغرافیایی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا که حدود پنج میلیارد نفر از جمعیت جهان را دارد، آن را به پلی میان هند و افغانستان با کشورهای قفقاز، روسیه، ترکیه و نهایتاً با اروپا تبدیل کرده است (توحیدی، ۱۳۹۶: ۳). چابهار تنها بندر ایرانی مناسب برای کشتی‌های ۲۵۰،۰۰۰ تنی است و در مقطع فعلی به میزان ۸،۵۰۰،۰۰۰ تن ظرفیت بارگیری دارد (Clawson, 2019).

### ۳-۱. دسترسی آسان به آب‌های آزاد برای آسیای مرکزی

آسیای مرکزی از مناطقی است که به دریای آزاد راه ندارد و محصور در خشکی<sup>۲</sup> است. این منطقه از شرق و جنوب به کوه‌ها، شمال با بیابان‌ها و استپ‌ها و در غرب با دریای خزر محصور شده است. ترکمنستان و قزاقستان تنها کشورهای این منطقه‌اند که تنها به دریاچه خزر محدود هستند (کولایی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۶) و سایر کشورهای این منطقه از حوزه‌های آبی معدودی بهره‌مندند که دریاچه آرال بین قزاقستان و ازبکستان، یکی از آنها است (تقوی‌اصل، ۱۳۹۴).

آسیای مرکزی (ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) فاقد دسترسی به آب‌های آزاد هستند. نگاه راهبردی به چابهار در حالی است که کشورهای این منطقه در حال کاهش وابستگی اقتصادی خود به روسیه هستند و در راستای برنامه‌های رشد اقتصادی و افزایش روابط با خاور دور، غرب آسیا و آفریقا به بندر چابهار به‌عنوان ارزان‌ترین، امن‌ترین و نزدیک‌ترین راه مبادلات بازرگانی نگاه می‌کنند. نگاه جدی ترکمنستان و قزاقستان به راه‌اندازی خط‌آهن ایران ترکمنستان و قزاقستان در این راستا مورد تحلیل قرار می‌گیرد. تاجیکستان و قرقیزستان با توجه به دامنه مشکلات سیاسی و امنیتی خود با ازبکستان تلاش می‌کنند تا زمینه‌های بهره‌گیری بیشتری را از بندر چابهار در روابط بازرگانی خود به عمل آورند. تاجیکستان در سال‌های گذشته نیز تلاش کرده تا با توجه به موقعیت راه‌های ایران و افغانستان ناگزیر نباشد کالاها و مسافران را از ازبکستان عبور دهد. ازبکستان به‌رغم روابط پرفرازونشیب با ایران، با نگاهی اقتصادی به

1. Mega Port

2. Land Lock



چابهار می‌نگرد. نکته مشخص این است که هر چند بنادر کراچی و گوادر پاکستان می‌تواند رقیبی برای چابهار ایران برای برخی از کشورها مانند قرقیزستان باشد، اما نوع ناامنی و نبود راه‌های مناسب ارتباط در افغانستان و پاکستان همچنان چابهار را در اولویت نخست آینده ترانزیت و روابط بازرگانی آسیای مرکزی قرار می‌دهد (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹).

### ۳-۲. دوری از تنش‌های منطقه خلیج فارس

منطقه چابهار برخلاف خلیج فارس، از تنش‌های موجود در غرب آسیا دور است. ایران وابسته‌ترین کشور منطقه به تنگه هرمز است و ۱۰۰ درصد صادرات انرژی فسیلی ایران و بیش از ۸۰ درصد صادرات و واردات آن از طریق خلیج فارس انجام می‌شود. بنابراین در شرایط محاصره دریایی و تهدید امنیت تنگه هرمز، ایران شدیداً آسیب‌پذیر خواهد بود. از این رو سواحل جنوب شرق ایران مشروط به سرمایه‌گذاری مناسب و فراهم نمودن بسترهای ارتباطی و اقتصادی، پتانسیل مناسبی برای خروج ایران از تنگنای ارتباطی دریایی و امنیتی دارد (منتظران، ۱۳۹۷).

بر همین اساس در وضعیتی که تعدادی از کشورهای جنوبی خلیج فارس رقیب ایران هستند و با توجه به روابط ایران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، انزوای استراتژیک موجب اتلاف فرصت‌ها و مزایای استراتژیک کشور است. پاکستان در کنار چین حمایت همه‌جانبه اقتصادی و تسلیحاتی را بدست آورده و هند با نزدیکی به آمریکا، حمایت این کشور برای فعالیت‌های تسلیحاتی هسته‌ای را کسب کرده است. در چنین شرایطی ایران با فعال کردن چابهار نه تنها می‌تواند انزوای استراتژیک خود را با ورود به تعامل امنیتی با قدرت‌های بزرگ جهانی برطرف کند و در نتیجه آن، نقشی به اندازه وزن خود در مسائل پیرامون ایفا نماید، بلکه با فراهم کردن مسیرهای دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و افغانستان به هند، علاوه بر مزایای اقتصادی ترانزیتی، امکان حضور سیاسی و تأثیر بیشتر بر روندهای سیاسی این کشورها را نیز به‌دست خواهد آورد (عسگری کرمانی، ۱۳۹۵: ۲۳-۲۲).

### ۴. هند و بندر چابهار

هند یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد جهان است که براساس آمار بانک جهانی رشد ۷ درصد را تجربه می‌کند (world bank, 2018). در سیاست خارجی هند به‌دلیل ضرورت گسترش روابط تجاری و دسترسی به بازارهای جدید در آسیای مرکزی، اولویت با رویکرد اقتصادی است. با اینکه بندر گوادر پاکستان یکی از مسیرهای ممکن برای هند برای تحقق هدف فوق است، اما با توجه به روابط خصمانه با پاکستان، هند مدت‌ها به دنبال مسیر جایگزین



مناسب بود و چابهار از این نظر بهترین گزینه ممکن است (Farooq, 2019: 1). ترانزیت انرژی نیز از چابهار برای دهلی مقرون به صرفه‌تر خواهد بود. واردات فراورده‌های معدنی از افغانستان با قیمت مقرون به صرفه‌تر، هدف دیگر سرمایه‌گذاری هند در چابهار است. توسعه بندر چابهار به هند کمک می‌کند تا صادرات خود را به ایران نیز افزایش دهد و هزینه ترابری کالاهای صادراتی خود از کریدور شمال- جنوب را نیز کاهش دهد. چابهار همچنین به‌عنوان راه تجارت با اروپا در مقایسه با مسیر دریای سرخ، کانال سوئز و دریای مدیترانه باصرفه‌تر است (میرزاجانی و لطفی، ۱۳۹۶: ۸۱-۷۷).

هند برای توسعه بندر چابهار ایران متعهد به سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری شده است. فاز اول این بندر در ماه دسامبر ۲۰۱۶ با حضور دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری ایران و نمایندگان از هند، افغانستان و سایر کشورهای منطقه افتتاح شد. در همین زمینه «بندر گراکری»<sup>۱</sup> وزیر کشتیرانی هند با اشاره به اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک بندر چابهار برای هند، معتقد است که «با راه‌اندازی بندر چابهار، هند می‌تواند گاز را با نرخ ارزآوری وارد کند و هزینه حمل‌ونقل هند در مقایسه با مسیر کانال سوئز، حداقل ۴۰ درصد کاهش می‌یابد». نکته ارزشمند این است که ایران و هند در مبادلات دوجانبه در بندر چابهار از پول داخلی خود (ریال و روپیه) برای مکانیسم پرداخت استفاده می‌کنند که روشی کارا برای حفظ منافع تجاری دوطرف و نیز روشی برای مقابله با تحریم‌های امریکا است. این موضوع نشان‌گر تصمیم راهبردی هند برای همکاری در پروژه چابهار به‌رغم ایجاد چالش از سوی امریکا است. هند در سال ۲۰۱۶ تعهد نمود که حدود ۸۵ میلیون دلار تجهیزات را برای راه‌اندازی پایانه‌های کانتینری و چندمنظوره بندر شهید بهشتی و نیز فاز اول بندر چابهار در اختیار ایران قرار دهد. دو طرف همچنین توافق کردند که به مدت ۱۰ سال پورت اپراتوری اسکله‌های کانتینری را به‌صورت مشترک اداره کنند که پس از آن اداره پورت اپراتوری به ایران واگذار خواهد شد (Manjo, 2018). هند همچنین امیدوار است که چابهار بتواند به‌عنوان اهرمی برای مقابله با ابرپروژه یک کمربند- یک جاده و کریدور اقتصادی چین-پاکستان<sup>۲</sup> عمل کند.

1 . Nitin Gadkari

2 . China-Pakistan Economic Corridor



#### ۴-۱. همکاری سه‌جانبه ایران، افغانستان و هند

چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

هند، افغانستان و ایران در سال ۲۰۰۳ در چارچوب کریدور شمال-جنوب، قرارداد بندر چابهار را امضا کردند. فاز اول بندر چابهار در دسامبر ۲۰۱۷ افتتاح شد. نیاز به توسعه اقتصادی، مواضع این سه کشور را به یکدیگر نزدیک کرده است (Farooq, 2019). در همین راستا، در سفر وزیر خارجه ایران به هند در سال ۲۰۱۵، اولویت‌های ایران برای مشارکت با هندی‌ها در حوزه حمل‌ونقل در کریدور شمال-جنوب و نیز سرمایه‌گذاری در راه‌آهن قزوین-رشت-آستارا و توسعه بندر چابهار مطرح شد (کاویانی‌راد و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۱). افغانستان نیز تنوع در مسیرهای تجاری خود برای صدور محصولات به بازارهای بین‌المللی، کاهش وابستگی به پاکستان و ایجاد اشتغال بیشتر را دنبال می‌کند. چابهار فرصت روابط تجاری بدون نیاز به پاکستان را در اختیار افغانستان قرار می‌دهد. چابهار کمتر از ۶۰۰ مایل با مرز افغانستان فاصله دارد و تنها بندر غیرپاکستانی است که افغانستان را به دریا متصل می‌کند (Clawson, 2019). افغانستان همچنین از طریق توافقی‌های انجام شده با ایران، این فرصت را دارد تا با تعرفه‌های اندک از چابهار برای انتقال کالا استفاده کند. به همین دلیل، تخمین زده می‌شود که با استفاده افغانستان از چابهار، ارزش تجارت بین افغانستان و پاکستان از طریق تورخم<sup>۱</sup> از ۲۵۰۰ میلیون دلار به ۵۰۰ میلیون دلار کاهش یابد. ارزش صادرات افغانستان در سال ۲۰۱۹ بالغ بر یک میلیارد دلار بود که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۰ با بکارگیری بندر چابهار به دو میلیارد دلار برسد. بدین ترتیب، افغانستان در قلب مسیرهای تجاری آسیای مرکزی و جنوبی قرار گرفته و نقش مهمی در تقویت اتصال منطقه‌ای می‌یابد.

هند نیز در سال ۲۰۰۹ با سرمایه‌گذاری ۱۳۶ میلیون دلاری، پروژه مواصلاتی زرنج-دل‌آرام واقع در مرز ایران و میلک افغانستان را افتتاح نمود. این راه بخشی از مسیری است که هرات را از طریق قندهار در جنوب افغانستان و مزار شریف در شمال به کابل و درنهایت به ازبکستان وصل می‌کند. هند همچنین درصدد ساخت مسیر ریلی چابهار به بامیان در مرکز افغانستان به طول ۹۰۰ کیلومتر است. چابهار در رقابت هند با کریدور اقتصادی چین-پاکستان نیز دارای اهمیت قابل توجهی است. یک رکن مهم سیاست خارجی هند یافتن مسیرهای کوتاه مانند چابهار برای مقابله با نفوذ چین در اقیانوس هند و کاهش نیاز به بندر گوادر پاکستان است (Farooq, 2019).



## ۴-۲. کریدور شمال - جنوب و نقش روسیه

کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال- جنوب<sup>۱</sup> پروژه‌ای است که توافقنامه آن در سپتامبر ۲۰۰۰ بین ایران، هند و روسیه امضاء شد و در ادامه بلاروس، قزاقستان، عمان، تاجیکستان، سوریه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، اوکراین، بلغارستان، ترکیه و قرقیزستان نیز به این مجموعه پیوستند (تبریزی، ۱۳۹۵: ۳۴۹). ظرفیت تخمینی این کریدور ۲۰ تا ۳۰ میلیون تن کالا در سال است که باعث کاهش ۳۰ یا ۴۰ درصدی در هزینه و زمان می‌شود (Financial tribune, 2018). در جدیدترین اقدام برای تکمیل این پروژه، ایران، روسیه، هند و جمهوری آذربایجان در آوریل ۲۰۱۸، انجام مطالعات اولیه برای ایجاد کریدور انرژی شمال- جنوب را به تصویب رساندند. این کریدور سریع‌ترین راه ارتباطی بین غرب اروپا و شرق آسیا خواهد شد و با اتصال هشت کشور دیگر به یکدیگر، پل ارتباطی اتصال آسیا به اروپا نیز می‌باشد (موسوی شفایی و اسکندری، ۱۳۹۵). مهم‌ترین اهداف این طرح عبارتند از:

توسعه مناسبات حمل‌ونقلی برای ساماندهی حمل‌ونقل کالا و مسافر در کریدور شمال- جنوب، افزایش دسترسی طرف‌های متعاقد این موافقتنامه به بازارهای جهانی از طریق تسهیلات حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای، دریایی، رودخانه‌ای و هوایی، مساعدت در افزایش حجم حمل‌ونقل بین‌المللی کالا و مسافر، تامین امنیت سفر، ایمنی محصولات و حفظ محیط‌زیست براساس استانداردهای بین‌المللی، هماهنگ‌سازی سیاست‌های حمل‌ونقل و پی‌ریزی مقررات مورد نیاز حمل‌ونقل برای اجرای این موافقتنامه و نیز تأمین شرایط برابر جهت عرضه‌کنندگان انواع خدمات حمل‌ونقل کالا و مسافر در کشورهای متعاقد در چارچوب کریدور (سازمان بنادر و دریانوردی، ۱۳۹۸).

ورود روسیه به‌عنوان کشور دارای منافع با ایران، هند، پاکستان و چین، می‌تواند به ایجاد همگرایی کمک شایانی نماید. نیاز فزاینده روسیه به محور ترانزیتی جنوب شرق ایران، می‌تواند سرمایه‌گذاری در این بخش را واقعی‌تر سازد (کاویانی‌راد و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۳). روسیه علاوه بر مناسبات تنگاتنگ با ایران، بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۰، ۱/۲ میلیارد دلار در پروژه‌های نفت و گاز، تجهیزات دفاعی و پروژه‌های زیربنایی هند سرمایه‌گذاری کرده است (Financial tribune, 2018).

1 . The International North-South Transport Corridor (INSTC)



با توجه به وضعیت کنونی ژئوپلیتیک ایران، کریدور شمال-جنوب از طریق بندر چابهار محمل مناسبی است برای روی آوردن به ائتلاف منطقه‌ای که در آن روسیه و چین بتوانند توازن ژئوپلیتیک را برقرار کنند. با توجه به رقابت‌های موجود که به نزدیکی چین به پاکستان و هند به ایران منجر شده، به نظر می‌رسد که روسیه وزنه ژئوپلیتیک مناسبی برای تحقق است که ائتلاف ژئوپلیتیکی در جنوب شرق ایران را جامه عمل بپوشاند. از سوی دیگر، روابط نظامی روسیه با پاکستان و مناسبات هند با امریکا، مسکو و دهلی را به سوی ایجاد نوعی توازن برای همگرایی سوق می‌دهد. با این حال، ائتلاف ژئواکونومیک در جنوب شرق ایران با عدم همکاری پاکستان و چین کامل نخواهد شد و برای ارتقای این سازمان ژئواکونومیک به سازه منطقه‌ای مؤثر، باید کوشش‌ها برای پیوستن پاکستان، چین و افغانستان نیز صورت گیرد (کاویانی‌راد و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۴). در مجموع اگر سهم حمل‌ونقل کالا را در مسیر کریدور شمال-جنوب که یکی از ۱۰ کریدور مهم دنیاست تنها ۱۰ درصد در نظر بگیریم، به ارزشی معادل ۲۷ میلیارد دلار در بخش حمل‌ونقل بین‌المللی خواهیم رسید. چنانچه ارزش ترانزیت عبوری ایران در این کریدور با وجود نقش اصلی و جایگاه بنادر، تنها معادل ۳۰ درصد باشد، به ارزش ترانزیت ۸/۱ میلیارد دلار می‌رسیم که رقم قابل توجهی است (تبریزی، ۱۳۹۵: ۳۵۴).

## ۵. همکاری چین و پاکستان و رویکرد ایران

سیاست خارجی چین در یک دهه اخیر بر مبنای دکترین ظهور مسالمت‌آمیز<sup>۱</sup> چندجانبه‌گرایی را در ابعاد اقتصادی به‌عنوان اصل اساسی دنبال می‌کند (سازمند و ارغوانی، ۱۳۹۳). روابط چین و پاکستان نیز بر همین اساس در سال‌های اخیر رشد زیادی داشته است. در سال ۲۰۱۷، ۲۷ درصد واردات پاکستان یعنی بیش از ۱۵ میلیارد دلار از چین انجام شده و از این لحاظ در رتبه اول قرار دارد (OECD, 2017). پکن در اواسط ۲۰۱۳ در قالب کریدور اقتصادی چین-پاکستان، توسعه بندر گوادر را با سرمایه‌گذاری ۴۶ میلیارد دلاری آغاز نمود. تلاش‌های چین برای همکاری با پاکستان ذیل ابرپروژه یک کمربند-یک راه است که حداقل ۶۸ کشور و صدها پروژه را دربر می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین آنها اتصال استان سین‌کیانگ به بندر گوادر پاکستان است که برای دستیابی به چند هدف بلندمدت طراحی شده است:

۱. چین با اتصال سین‌کیانگ به دریای عرب، یک مسیر میانبر اقتصادی مهم به یکی از بزرگ‌ترین مراکز اقتصادی غرب آسیا یعنی دریای عمان و خلیج فارس در اختیار خواهد داشت.

1. Peaceful Rise



این مسیر میانبر گزینه جانشینی برای تنگه مالاکا خواهد بود و این کشور را از تنگنای استراتژیک فعلی عبور می‌دهد.

۲. با حضور ناوگان اقتصادی چین در این منطقه، پکن امکان حضور نظامی در یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی دنیا را نیز به دست می‌آورد و نیروی دریایی چین نقش جدیدی در این گلوگاه انرژی جهان ایفا خواهد کرد (عسگری کرمانی، ۱۳۹۵: ۱۸).

۳. بندر گوادر در همسایگی تنگه هرمز به عنوان مدخل واردات نفت با توجه به تنش‌های پیرامون خلیج فارس دارای اهمیت شایانی است. طبق پیش‌بینی‌های آژانس بین‌المللی انرژی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۷، تقاضای نفت چین در سال ۲۰۴۰ حدود ۸۰ درصد افزایش می‌یابد. به عبارتی چین نیاز دارد که در این سال روزانه ۱۵/۵ میلیون بشکه نفت وارد کند. کشورهای غرب آسیا تامین‌کنندگان اصلی نفت چین هستند (IEA, 2017).

۴. با تحقق این امر پاکستان به عنوان متحد استراتژیک چین موقعیت استوارتری پیدا می‌کند. پیش‌بینی می‌شود که با تکمیل این پروژه تا سال ۲۰۳۰، سالیانه ۲/۵ درصد به رشد اقتصادی پاکستان افزوده شود (عسگری کرمانی، ۱۳۹۵: ۲۰-۱۸). این طرح حدود ۷۵۰۰۰ شغل در پاکستان ایجاد کرده است. براساس آمار مرکز تحقیقات اقتصاد کاربردی مستقر در کراچی و کمیسیون برنامه‌ریزی پاکستان در ۱۵ سال آینده، ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار شغل در بخش‌های زیرساختی، انرژی و حمل‌ونقل در زیرمجموعه این طرح ایجاد می‌شود که با توجه به بیکاری ۴۰ درصدی جوانان پاکستانی، قابل توجه است (Topa, 2018).

۵. این طرح همچنین می‌تواند دسترسی به بازار آسیای مرکزی را برای دو کشور تسهیل کند و مسیری برای تامین انرژی باشد.

به‌رغم این موارد، رویکرد ایران در رابطه با بندر گوادر پاکستان نه رقابتی، بلکه مبتنی بر همکاری متقابل است. ایران و پاکستان بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند. به علاوه دو کشور در سال ۲۰۱۸ قرارداد خواهرخواندگی بنادر چابهار و گوادر را امضا کردند. چابهار تنها ۱۴۰ کیلومتر با گوادر فاصله دارد و با قرارگرفتن در میانه گوادر و تنگه هرمز اهمیت بیشتری نیز پیدا کرده است. به‌لحاظ عمق آب و وضعیت طبیعی کرانه‌ها نیز چابهار توان پذیرش کشتی‌های غول‌پیکر را دارد. بنابراین، اهمیت استراتژیک بندر چابهار در زمینه اهمیت گوادر است که معنای واقعی پیدا می‌کند. در حقیقت، زاویه صحیح نگاه به ظرفیت‌های بندر چابهار از سوی شرق است

1. IEA



و به این معنا، برنامه چین و پاکستان برای بندر گوادر است که به چابهار اهمیت استراتژیک ویژه می‌دهد (عسگری کرمانی، ۱۳۹۵: ۲۱-۲۰).

علاوه بر این، در عرصه بین‌المللی نیز رویکرد کنونی امریکا در عدم قراردادن چابهار در تحریم‌های ضدایرانی یا تحریم چابهار در آینده، هر دو به نفع این منطقه است. در رابطه با گزینه دوم ولی نصر استاد دانشگاه جان هاپکینز امریکا با اشاره به نقش چین می‌گوید: «مجبور کردن هند به خروج از ایران بر قدرت چین در منطقه خواهد افزود و گوادر را به تنها مسیر تجارت از دریای عرب و اقیانوس هند به افغانستان و آسیای مرکزی تبدیل خواهد کرد. چین با دور زدن تحریم‌های امریکا و ورود به چابهار و یکپارچه‌سازی آن با گوادر موقعیت خود را بیش از پیش تقویت خواهد کرد. دیری نخواهد پایید که شناورهای نیروی دریایی چین نیز به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری این کشور در دریای عمان و دریای عرب ملحق خواهند شد» (نصر، ۲۰۱۹: ۱). بنابراین همکاری سازنده چابهار و گوادر می‌تواند فرصت‌های زیر را به همراه داشته باشد:

- ایران دارای روابط خوبی با پاکستان و چین است و ایجاد امنیت در بلوچستان پاکستان به تأمین امنیت در منطقه مرزی دو کشور کمک خواهد کرد.
- توسعه بندرگوادر و احداث خط لوله پاکستان به چین باعث می‌شود ایران ضمن جبران عقیم‌ماندن طرح خط لوله گاز ایران- پاکستان که با مخالفت امریکا متوقف شد، به حلقه ارتباطی چین و پاکستان مرتبط شود.
- این موضوع باز شدن مسیرهای جدید تجاری را به همراه دارد که عنصر مهمی برای افزایش حجم تجارت ایران با چین و آسیای مرکزی است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸).

## ۶. چالش‌های چابهار برای ایجاد همگرایی منطقه‌ای

با وجود مزایای چابهار و وجوه مشترک و تقویت‌کننده برای همکاری منطقه‌ای، مسائلی مانند منافع متضاد دولت‌های منطقه و نیز بی‌اعتمادی برای ایجاد فضای مناسب موجب ایجاد چالش‌هایی شده است.

### ۶-۱. چالش افراط‌گرایی

امنیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه مکمل اقتصادی کشورها، بیشترین تأثیر را در رونق اقتصادی و کارکردهای مناطقی همچون چابهار دارد. ویژگی‌های منطقه چابهار می‌تواند به واسطه برخی موضوعات مانند افراط‌گرایی قومی، تحت تأثیر قرار گیرد. طی دو دهه اخیر نوار



مرزی شرقی ایران به دلیل همسایگی با پاکستان و افغانستان، درگیر ناامنی است. افراط‌گرایی در منطقه تحت تأثیر رویکرد ریاض و برخی از نهادهای پاکستان در حمایت از گروه‌های افراطی در مقابل همسایگان قرار دارد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۳۱۱). وجود مدارس دینی وهابی مانند مدارس دیوبندی و مناطق قبایلی در منطقه بلوچستان، از ارکان تقویت افراط‌گرایی در این منطقه است. پایگاه‌های برخی از مهم‌ترین گروه‌های افراطی ضدایرانی مانند لشکر جهنگوی، طالبان پاکستان، دیوبندی‌ها و گروه سپاه صحابه نیز در این مناطق قرار دارند که در سال‌های گذشته منشأ عملیات‌های تروریستی متعدد بوده‌اند.

در مهر ۱۳۹۱ (اکتبر ۲۰۱۲) در یک عملیات تروریستی دو نفر کشته و شش نفر زخمی شدند. در آذر ۱۳۹۷ (دسامبر ۲۰۱۸) عملیاتی مشابه به کشته شدن چهار نفر منجر شد. در اسفند ۱۳۹۷ (مارچ ۲۰۱۸) حمله انتحاری دیگری در جاده خاش- زاهدان به شهادت ۲۷ عضو سپاه پاسداران منجر شد. مقامات نظامی ایران، اسلام‌آباد را به دلیل پناه دادن به تروریست‌ها سرزنش کردند. هند نیز هدف این حملات قرار گرفته است. در فوریه ۲۰۱۹ عملیات انتحاری در کشمیر به کشته شدن ۴۰ نظامی هندی منجر شد که گروه پاکستانی جیش محمد مسئولیت آن را بر عهده گرفت (Hincks, 2019).

## ۲-۶. رویکرد عربستان سعودی

رویکرد عربستان سعودی، چالش دیگر پیش روی چابهار است. ریاض با توجه به رقابت ژئوپلیتیکی با ایران در جستجوی فضاهای نوین برای خویش است. همکاری پاکستان و عربستان سعودی با انتخاب عمران‌خان به نخست‌وزیری پاکستان گسترش یافته است. ریاض به‌عنوان یک صادرکننده مهم نفتی، به دنبال افزایش دامنه فعالیت در حوزه انرژی است. عربستان در سال ۲۰۱۸، ۱۰ میلیارد دلار با محوریت احداث پالایشگاه نفتی در بندر گوادر سرمایه‌گذاری نمود. خالد الفالح وزیر انرژی عربستان، توسعه اقتصادی پاکستان و نیز ایفای نقش فعال در کریدور اقتصادی چین- پاکستان را از اهداف اصلی رویکرد ریاض دانست. غلام سرورخان وزیر نفت پاکستان معتقد است که با راه‌اندازی این پالایشگاه، ریاض به شریک مهم در کریدور چین- پاکستان تبدیل می‌شود (Yousofzai, 2019).

پاکستان همچنین در دومین سفر عمران‌خان به ریاض در اکتبر ۲۰۱۸ و در زمانی که ذخایر بانک مرکزی پاکستان ۴۰ درصد کاهش یافته بود، یک بسته مالی شش میلیارد دلاری کمک به تامین مالی و واردات نفت خام از عربستان دریافت کرد. در جریان سفر سال ۲۰۱۹ محمد



بن سلمان ولیعهد سعودی به پاکستان نیز وی از تعهد سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری در این کشور خبر داد. درباره چگونگی تاثیرگذاری عربستان سعودی بر این منطقه باید به دو نکته توجه داشت:

۱. اقتصاد عربستان سعودی در پی نوسانات سال‌های اخیر بازار نفت و نیز درگیری در جنگ یمن، دچار کسری بودجه است. همچنین هیئت حاکمه جدید عربستان سعودی در پی ایجاد تنوع در اقتصاد وابسته به نفت این کشور هستند.

۲. عربستان سعودی در سرمایه‌گذاری‌های خارجی، گسترش رفتارهای افراطی ناشی از وهابیت را نیز در نظر دارد. برای نمونه باید به حمله تروریستی ۱۴ فوریه ۲۰۱۹ کشمیر اشاره کرد که عامل آن یعنی گروه جیش محمد از حمایت‌های دولت ریاض برخوردار است (Hincks, 2019).

### ۳-۶. اختلافات پاکستان و هند

هند و پاکستان ۳۳۲۳ کیلومتر مرز مشترک در منطقه جامو و کشمیر دارند. افزایش اختلافات هند و پاکستان نتیجه‌ای جز امنیتی‌شدن منطقه و تأثیر منفی بر کارکردهای چابهار ندارد (Global security, 2013). اختلاف دو کشور بر سر موضوع کشمیر به زمان خروج بریتانیا از شبه‌قاره در ۱۹۴۷ و روشن نکردن تکلیف اداره این منطقه برمی‌گردد. پاکستان، کشمیر را به علت بخش اعظم جمعیت مسلمان آن متعلق به خود می‌داند و هند نیز بدان جهت که مهراجه وقت کشمیر الحاق قلمرو خود را به خاک هند اعلام کرد، مدعی این منطقه است. اختلاف بر سر کشمیر تاکنون موجب بروز جنگ در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ بین دو کشور شده که در صورت حل‌نشدن، امنیت منطقه را تهدید می‌کند (شفیعی و اسکندری، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۶). بحران کشمیر از فوریه ۲۰۱۹ با حمله تروریستی یک عامل انتحاری پاکستانی که به مرگ ۴۵ نظامی هندی انجامید، گسترش یافته است. هند نیز در پاسخ، بخش پاکستانی کشمیر را بمباران کرد. تشدید این درگیری بیشترین تأثیر را بر همکاری‌های ایران، هند و روسیه در توسعه بندر چابهار دارد. به همین دلیل ایران با اتخاذ موضعی بی‌طرف، سعی در کاهش اختلافات طرفین دارد (ملازهی، ۱۳۹۸).

### ۴-۶. رویکردهای تخریبی امریکا

چالش دیگر منطقه چابهار، رویکردهای متضاد و تخریبی در سیاست خارجی امریکا است. قبل از خروج امریکا از برجام برخی از شرکت‌های بزرگ غربی به‌دلیل نگرانی از بازگشت تحریم‌های



امریکا و تداوم محدودیت‌های بانکی، از فراهم ساختن تجهیزات مورد نظر هند برای توسعه چابهار خودداری کردند. بانک‌های ایران نیز متأثر از باقی‌ماندن تحریم‌های مالی، آماده انجام فرایند انتقال پول این معاملات نبودند. افزون بر آن، تا قبل از خروج امریکا از برجام، تحریم‌های غیرهسته‌ای امریکا نظیر ممنوعیت معامله ایران با دلار همچنان باقیمانده بود و کارشکنی واشنگتن سبب شد تا حدودی سیاست‌های محتاطانه و ریسک‌ناپذیری در سرمایه‌گذاری در این منطقه اتخاذ شود (اسلامی و یوسف‌زهی، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

اما با خروج امریکا از برجام، علاوه بر اعمال تحریم‌های مجدد ضدایرانی، آینده سرمایه‌گذاری هند و نیاز افغانستان به چابهار برای ایجاد تنوع دسترسی به مسیرهای تجاری و افزایش ایفای نقش هند در ثبات منطقه، در ابهام فرو رفت (حسینی، ۱۳۹۷). به همین دلیل وزارت خارجه امریکا در فرمان اجرایی بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، به دلیل آنچه کمک به بازسازی و توسعه اقتصادی افغانستان نامید، چابهار را از تحریم‌ها معاف نمود. نقش مهم چابهار در تجارت غذایی هند با افغانستان نیز در این روند تأثیرگذار بود و چشم‌پوشی امریکا از آن، افغانستان را به سوی واردات از ایران سوق می‌داد (Clawson, 2019). رویکردهای تخریبی دیگر امریکا، دامن زدن به ناامنی‌ها با حمایت از تجزیه بلوچستان پاکستان و ایجاد پایگاه منطقه‌ای رقیب برای ایجاد موازنه است. در این رابطه می‌توان به بندر عمانی دوقم<sup>۱</sup> اشاره کرد (عسگری کرمانی، ۱۳۹۵: ۲۱). با این وجود، به نظر می‌رسد معافیت چابهار از تحریم‌های امریکا در سطح کلان و بازی بزرگ جدید قدرت در دو حوزه آسیا-پاسیفیک با محوریت چین و ایندو-پاسیفیک<sup>۲</sup> با محوریت امریکا و هند نیز قابل تحلیل است. امریکا و چین هر یک سعی در مسلط کردن سازوکارهای خود بر این مناطق دارند. این مسئله با قدرت‌گیری ترامپ در امریکا و بالاخص در استراتژی امنیت ملی امریکا در سال ۲۰۱۸ بیش از پیش نمایان شد. این سند راهبردی به چین به عنوان کشوری در مقابل ارزش‌ها و منافع امریکا نگریسته که برای مقابله با آن، امریکا باید سیاست خارجی فعال‌تری در دو منطقه مذکور داشته باشد و همکاری با کشورهای این مناطق را گسترش دهد. واشنگتن در آسیا-پاسیفیک سعی می‌کند حمایت از متحدینی نظیر ژاپن و کره جنوبی را افزایش داده و دیپلماسی فعالی در قبال خلع سلاح اتمی کره شمالی داشته باشد. از طرف دیگر با حمایت از هند، قدرت بازیگری این کشور را در منطقه ایندو-پاسیفیک در برابر رویکرد اقتصادی

1. Duqm

2. The Indo-Pacific



چین افزایش دهد. معافیت چابهار از تحریم نیز سیاستی در جهت افزایش قدرت بازیگری هند در مقابل چین به نظر می‌رسد.

## ۷. نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل ظرفیت‌های منطقه آزاد چابهار و چالش‌های پیش روی آن حال باید دید که چگونه می‌توان با اتکا به این ظرفیت‌ها به همکاری دست یافت. به نظر می‌رسد که این موضوع دارای دو جنبه کلی است. از یک طرف ظرفیت‌های چابهار قرار دارد و از طرف دیگر نیز اراده دولت‌های پیرامون و درگیر در این موضوع که هر کدام منافع و نقش‌های مختص به خود را دارند. چنانچه کارکردگرایان نیز اشاره می‌کنند در بروز همکاری‌های منطقه‌ای آنچه بیشتر از همه دارای اهمیت است، موضوعات اقتصادی، کارکردی و فنی است تا مسائل سیاسی. چرا که رسیدن به همکاری و همگرایی در این موضوعات از حساسیت کمتری برای حکومت‌ها برخوردار است. از این دیدگاه منطقه آزاد چابهار دارای کارکردهای ویژه اقتصادی برای کشورهای مختلف است. این منطقه، تنها بندر اقیانوسی ایران است و ویژگی دسترسی به آب‌های آزاد را برای کشورهای آسیای مرکزی فراهم می‌کند و آنها را از تنگنای ژئوپلیتیکی و اقتصادی خارج می‌سازد. به علاوه، این منطقه از تنش‌های موجود در منطقه خلیج فارس دور بوده و می‌تواند ترانزیت کالا برای کشورهای درگیر را با خطرات کمتر در مقایسه با خلیج فارس انجام دهد. ایران از طرفی به چابهار به دیده تنوع منابع درآمدی می‌نگرد و از طرف دیگر چابهار این فرصت را به ایران می‌دهد که از طریق صادرات نفت، سهم خود را در بازار انرژی منطقه و نیز سرمایه‌گذاری خارجی در داخل افزایش دهد. مهم‌ترین زمینه‌های اقتصادی بندر چابهار برای هند، ظرفیت‌های بالای دسترسی و ترانزیتی در گسترش روابط تجاری و دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی، ترانزیت مقرون به صرفه‌تر انرژی و واردات فراورده‌های معدنی از افغانستان، افزایش صادرات به ایران و کاهش هزینه و وقت تجارت با اروپا است. افغانستان نیز تنوع در مسیرهای تجاری خود برای صدور محصولات به بازارهای بین‌المللی، ایجاد اشتغال بیشتر و ترانزیت امن از طریق کریدور دریایی ایران در جنوب را دنبال می‌کند. از طرف دیگر، کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب نیز ذیل چابهار تقویت می‌شود که بر مبنای مراودات اقتصادی، کشورهای متنوع و مختلفی همچون بلاروس، قزاقستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، اوکراین، بلغارستان و قرقیزستان را هم در بر می‌گیرد. این کریدور ظرفیت حمل‌ونقل ۲۰ تا ۳۰ میلیون تن کالا در سال را داراست که کاهش ۳۰ یا ۴۰ درصدی در هزینه و زمان را به همراه دارد.



به‌رغم این موارد، هر چند کشورهایی مانند چین و پاکستان در پی سازوکارهای موزی با چابهار هستند، اما گستردگی پتانسیل‌های چابهار می‌تواند همکاری سازنده ایران و پاکستان و چین را به همراه داشته باشد. ازجمله ایران می‌تواند با احداث خط لوله پاکستان و چین ضمن جبران عقیم‌ماندن طرح خط لوله صلح، به حلقه ارتباطی چین و پاکستان و ادامه آن مرتبط شود. این موضوع می‌تواند به باز شدن مسیرهای جدید تجاری برای ایران منجر و به عنصر مهمی برای افزایش حجم تجارت ایران با چین و آسیای مرکزی تبدیل شود.

به نظر می‌رسد که در کنار ظرفیت‌های گسترده چابهار، آنچه می‌تواند به‌عنوان مکمل تبدیل این منطقه به نقطه تلاقی منافع و همکاری منطقه‌ای باشد، اراده دولت‌های ایران، افغانستان، هند، پاکستان و سایرین است. درواقع منطق تسری مورد نظر کارکردگرایان که معتقد است همکاری‌ها در بین کشورها می‌تواند با افزایش ارتباطات اقتصادی و تجاری شکل بگیرد، و در مراحل بعد به موضوعات دیگر نیز تسری یابد، معطوف به همین بُعد، یعنی تأکید بر موضوعات غیرسیاسی است. درواقع با وجود منافع ویژه‌ی هر یک از دولت‌های این منطقه که در ابتدا احتمال همگرایی را کند می‌سازد، اما تأکید بر کارکردهای اقتصادی چابهار همچون تسریع در زمان و کاهش هزینه حمل‌ونقل، قابلیت دسترسی آن به اقیانوس و آب‌های آزاد نوعی هم‌افزایی را در زمینه‌های توسعه اقتصادی، افزایش ارتباطات، دستیابی به بازارهای عمده و... بین کشورهای فعال در آن از ایران گرفته تا هند، افغانستان، پاکستان، چین، کشورهای آسیای مرکزی، روسیه تا اروپا به وجود می‌آورد.

## ۸. پیشنهادهای رسانه‌ای

قابلیت‌ها و مزیت‌های منطقه چابهار در ایجاد همگرایی منطقه‌ای می‌تواند بیش از پیش مورد توجه رسانه برون‌مرزی قرار گرفته و بدین وسیله به تقویت ابعاد همکاری‌های منطقه‌ای منجر شود. در این راستا براساس یافته‌های این مقاله، چند پیشنهاد ارائه می‌گردد.

- پیشنهاد می‌شود با استفاده از یافته‌های این مقاله مستندی درباره چابهار در شبکه سحر برون‌مرزی تهیه و اهمیت این بندر از وجوه مختلف و نقش آنها در همکاری و همگرایی منطقه‌ای از زبان کارشناسان تبیین شود. اهمیت دارد در این مستند تأکید گردد چابهار مکملی برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است و رقیبی علیه سایر مناطق آزاد در منطقه نمی‌باشد چرا که پتانسیل‌های توسعه منطقه به قدری فراوان می‌باشد که مناطق آزاد می‌توانند نقش مکمل هم را ایفاء نمایند.



- فعال نمودن سیاست خارجی ایران و توجه بیشتر به منطقه آسیای مرکزی: منطقه چابهار می‌تواند در اندازه خود کاستی‌های سیاست خارجی ایران در مورد منطقه آسیای مرکزی را که سال‌ها گریبان‌گیر کشور است، جبران نماید. بنابراین، با دعوت از کارشناسان خبره مسائل منطقه‌ای بر کارکردهای همگرایانه با اولویت مسائل اقتصادی به جای امنیتی تأکید شود. برای مثال می‌توان ظرفیت‌های چابهار در دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به آب‌های آزاد و نیز قابلیت آن در جایگزینی تنگه هرمز را مورد اشاره قرار داد.

- تأکید بر عدم تقابل بنادر چابهار و گوادر: تقابل بندر چابهار و گوادر بیشتر توسط رسانه‌های مخالف توسعه مناسبات ایران و پاکستان ازجمله عربستان سعودی مطرح می‌شود و همین رسانه‌ها مدعی‌اند چین با سرمایه‌گذاری در گوادر و هند با سرمایه‌گذاری در چابهار به دنبال نوعی موازنه هستند. رسانه‌های برون‌مرزی می‌تواند روی هم‌تکمیلی دو بندر تأکید نمایند.

- تأکید بر اهمیت ذاتی چابهار: رسانه برون‌مرزی بر اهمیت ذاتی چابهار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز سرمایه‌گذاری‌های متعدد در آن تأکید کند. تا ادعای امریکا مبنی بر وابستگی این بندر به عدم تحریم امریکا رد شود. درواقع عدم تحریم از سوی امریکا تنها یکی از ویژگی‌های چابهار است، نه دلیلی بر اصل موجودیت آن.

- نقش چابهار در شکل‌دهی به ائتلاف اقتصادی منطقه‌ای: براساس پوشش فراگیر منطقه‌ای از ایران و افغانستان تا هند، آسیای مرکزی، روسیه، چین و پاکستان بر ظرفیت چابهار برای شکل‌دهی به ائتلاف اقتصادی تأکید شود.

- تأکید بر امنیت‌زا بودن چابهار برای منطقه: رسانه‌های برون‌مرزی با تهیه برنامه‌های مستند و کارشناس‌محور بر امنیت اقتصادی سرمایه‌گذاری در چابهار برای مناطق پیرامونی آن به‌ویژه استان‌های بلوچستان ایران و پاکستان تأکید کنند. همچنین بر قابلیت دسترسی و امنیت مسیر ایران به عنوان کشوری امن برای تبادلات اقتصادی در مسیر اروپا و روسیه و کشورهای منطقه تأکید شود.

- انعکاس برجسته دستاوردهای چابهار: دستاوردهای رونق اقتصادی چابهار برای کشورهای مختلف در برنامه‌های خبری و غیرخبری تبیین شود. مثلاً یکی از مهم‌ترین دستاوردهای چابهار، در روابط ایران و هند استفاده از ارزهای داخلی برای انجام معاملات به جای ارزهای بین‌المللی در قالب پیمان‌های پولی دو جانبه است و رسانه برون‌مرزی می‌تواند با تأکید بر آن زمینه تداوم آن با سایر کشورها را فراهم کند.

- برندسازی از چابهار: رسانه برون‌مرزی می‌تواند برندسازی برای چابهار را در دستور کار خود قرار دهد. نباید فراموش کرد که در دهه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت مناطق آزاد در ایران همچون منطقه آزاد کیش که اکنون به‌عنوان قطب مناطق آزاد کشور شناخته می‌شود، تبلیغات امکانات مختلف گردشگری، تجاری، اقتصادی و ... آن در رسانه‌ها بوده است. توجه به امنیت موجود در چابهار و جاذبه‌های مختلف گردشگری آن مانند کوه‌های مریخی می‌تواند در برندسازی از این منطقه مورد توجه قرار گیرد.
- ترغیب دولت‌ها و افکار عمومی منطقه به استفاده از ظرفیت‌های چابهار برای شکل‌دهی به همکاری‌های منطقه‌ای.





## منابع و مأخذ

- ابراهیم‌زاده، عیسی و عبدالله آغاسی‌زاده (۱۳۹۰)، «تاثیر منطقه آزاد چابهار بر توسعه گردشگری حوزه نفوذ آن با بهره‌گیری از مدل رگرسیون و آزمون T-test»، **فصلنامه جغرافیا و توسعه**، سال نهم، شماره ۲۱.
- اسدی، امیدعلی و همکاران (۱۳۹۷)، «پیامدها و آثار ژئواکونومیکی ناشی از توسعه بندر گوادر و بندر چابهار بر یکدیگر»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال ۱۴، شماره ۴۵، زمستان، صص ۲۵-۱.
- اسلامی، روح‌الله و ناصر یوسف‌زهی (۱۳۹۷)، «استراتژی‌های کارآمدسازی اقتصاد سیاسی منطقه‌ای افغانستان و ایران بر مبنای تحلیل سیستمی نقش بندر چابهار»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز، صص ۱۲۴-۹۵.
- اعظمی، هادی؛ محسن سلطانی و منوره محمودی (۱۳۹۵)، بررسی اهداف کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در چابهار از منظر سیاسی - اقتصادی، نهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه زاهدان.
- تبریزی، جلال (۱۳۹۵)، کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق ایران و شبکه‌های ارتباطی بین‌المللی، **مجموعه مقالات همایش فراوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور**، تهران، مهرماه.
- تقوی اصل، عطا (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان، تهران: مرکز آموز و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- توحیدی، زهرا (۱۳۹۶)، «پروژه چابهار؛ آغازی همگرایانه»، مرکز مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، آذر.
- جهان‌تیغ، رضا و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی سواحل مکران و نقش آن در امنیت پایدار منطقه جنوب شرق»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال چهاردهم، شماره ۵۵، پاییز، صص ۱۲۹-۱۰۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: نشر پاپلی.
- حسینی، سعید (۱۳۹۷)، «چابهار عرصه تضاد سیاست‌های امریکا، مرکز مطالعات شبه‌قاره»، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/656314>
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، **نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی**، چاپ نخست، تهران: نشر مخاطب
- سازمان بنادر و دریانوردی (۱۳۹۸/۰۵/۲۹)، کريدور بين‌المللی حمل و نقل شمال-جنوب، قابل دسترسی در: <https://www.pmo.ir/fa/cargoandpassenger/internationalcorridors->
- سازمند، بهاره و فریبرز ارغوانی پیرسلامی (۱۳۹۳)، **سیاست خارجی جهانی و منطقه‌ای چین در قرن بیست و یکم**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیعی، نوذر و مریم اسکندری (۱۳۹۰)، «بحران کشمیر: ارزیابی سناریوهای حل بحران»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی**، شماره ۲۸، زمستان، صص ۲۳۱-۲۰۵.
- عسگری کرمانی، حامد (۱۳۹۵)، بندر چابهار و منطقه، **فصلنامه روابط خارجی**، سال هشتم، شماره اول، بهار، صص ۲۳-۱۷.
- فرانکل، جوزف (۱۳۷۶)، **نظریه‌های معاصر روابط بین‌الملل**، (ترجمه وحید بزرگی)، چاپ دوم، تهران: نشر اطلاعات



کاویانی‌راد، مراد و همکاران (۱۳۹۶)، «تبیین ژئوپلیتیک سازه‌های رقابت در جنوب شرق ایران»، **فصلنامه جغرافیا برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال هفتم، شماره ۴، پاییز، صص ۲۱۶-۲۰۳.

کولایی، الهه (۱۳۹۰)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، تهران: نشر سمت.

محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی (۱۳۹۶)، «تبیین مدل ژئوپلیتیک روابط ایران و پاکستان»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان، صص ۳۲۳-۳۰۷.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت.

ملازهی، پیرمحمد (۱۳۹۸)، تشدید درگیری بین هند و پاکستان به نفع هیچ کشوری در منطقه نیست، قابل دسترسی در:

<https://ir.sputniknews.com/amp/opinion/201902274489611>.

منتظران، جاوید (۱۳۹۷)، ظرفیت‌ها و مزیت‌های سیاسی-اقتصادی سواحل جنوب شرقی ایران (مکران)، **شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی**

موسوی شفایی، مسعود و سعیده اسکندری (۱۳۹۵)، «راهبرد موازنه‌گرایی هند در تعامل با ایران و آمریکا»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، سال ششم، شماره ۲۰، تابستان، صص ۱۲۲-۹۷.

میرزاجانی، محسن و حیدر لطفی (۱۳۹۶)، «نقش و تاثیر سواحل خلیج فارس و منطقه مکران در اقتصاد بین‌الملل و تاثیر استراتژیکی آن بر ایران با ارائه یک مدل راهبردی در توسعه اقتصادی و سیاسی»، **فصلنامه جغرافیا برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال هشتم، شماره ۱، زمستان، صص ۹۱-۵۷.

نصر، ولی (۲۰۱۹)، اجبار هند به خروج از ایران، قدرت چین را در منطقه بیشتر می‌کند، **مجله آتانتیک امریکا**، (ترجمه مهتاب نورمحمدی)، قابل دسترسی در:

<http://asrdiplomacy.ir/51557>

Clawson, Patrick (2019), renewing the Iran Sanctions Waivers: Energy and Afghan Trade, April 22, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/renewing-the-iran-sanctions-waivers-part-2-energy-and-afghan-trade>

Farooq, Khesraw Omid (2019), Chabahar Port: A Step Toward Connectivity for India and Afghanistan For India and Afghanistan, Chabahar holds great promise, Available at: <https://thedi diplomat.com/2019/07/chabahar-port-a-step-toward-connectivity-for-india-and-afghanistan/>

Financial Tribune (2018), Iran, Russia, India to Meet on International North-South Corridor, October 30, Available at: <https://financialtribune.com/articles/domestic-economy/94802/iran-russia-india-to-meet-on-international-north-south-corridor>.

Global security (2013), India - Pakistan border fence, Available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/inida/india-pakistan-border-fence.htm>

Hincks, Josep, (2019), Saudi Arabia Is Investing \$20 Billion in Pakistan. Here's What It's Getting in Return, February 20, Available at:



<https://www.time.com/5531724/saudi-arabia-pakistan-mbs-imran-khan-1565548777917677>.

IEA (2017), World Energy Outlook 2017, Available at:

<https://www.iea.org/weo2017/>.

Manjo, P (2018), India, Iran working on rupee-rial facility for Chabahar port to sidestep US sanctions, October 19,

<https://www.thehindubusinessline.com/economy/india-iran-working-on-rupee-rial-facility-for-chabahar-port-to-sidestep-us-sanctions/article25264750.ece/amp/>

OECD (2017), Pakistan, Available at:

<https://oec.world/en/profile/country/pak/#Imports>

Toppa, Sabrina, (2018), Why Young Pakistanis Are Learning Chinese, **the Atlantic**, November 18, Available at:

<https://www.theatlantic.com/international/archive/2018/11/pakistan-china-cooperation-cpec/568750/>

World Bank (2018), Indian GDP Growth, Available at:

<http://data.worldbank.org/indicator/ny.gdp.mk>.

Yousafzai, Gul, (2019), Saudi Arabia to set up \$10 billion oil refinery in Pakistan,

Available at: <https://www.reuters.com/article/us-saudi-pakistan-economy/saudi-arabia-to-set-up-10-billion-oil-refinery-in-pakistan>.

## وضعیت کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (با تأکید بر راهبردهای رسانه‌ای)

سیدرضی عمادی<sup>۱</sup>

### چکیده

کارگران مهاجر جنوب شرق آسیا بخش مهمی از جمعیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان سعودی را تشکیل می‌دهند. آمارهای سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد از مجموع حدود ۵۶ میلیون نفری که در ۶ کشور شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر) زندگی می‌کنند، بیش از ۲۱ میلیون نفر را کارگران خارجی تشکیل می‌دهند. با توجه به این وضعیت، سؤال اصلی مقاله پیش‌رو، این است که با توجه به مفاد اسناد حقوق بین‌الملل بشر از جمله «کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها»، وضعیت کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌خصوص عربستان سعودی چگونه است؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی و همچنین مصاحبه با تعدادی از کارشناسان و محققان عربی و آسیایی انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که کارگران خارجی در این کشورها به‌خصوص در عربستان سعودی با خشونت ساختاری نظیر شرایط نامطلوب کاری، بازداشت و شکنجه، احکام ناعادلانه قضایی و اعدام گسترده مواجه هستند و با این افراد به‌مانند برده رفتار می‌شود، اما نظام کفالت موجب می‌شود که این افراد از حق شکایت محروم باشند.

**واژه‌های کلیدی:** کارگران خارجی، شورای همکاری خلیج فارس، عربستان سعودی، جنوب شرق آسیا، رسانه برون‌مرزی.



## ۱. مقدمه

شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

کارگران خارجی اکثریت جمعیت کشورهای بحرین، امارات متحده عربی، قطر و کویت را تشکیل می‌دهند. ۵۱ درصد جمعیت یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری بحرین، ۸۶ درصد جمعیت ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفری قطر، ۴۶ درصد جمعیت ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار نفری عمان، ۷۰ درصد جمعیت ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفری کویت، ۸۹ درصد جمعیت بیش از ۹ میلیون نفری امارات متحده عربی و ۳۷ درصد جمعیت ۳۲ میلیون نفری عربستان سعودی را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند. این کارگران اتباع کشورهای هندوستان، پاکستان، بنگلادش، اتیوپی، فیلیپین، نپال، اندونزی، مالزی، سریلانکا و ... هستند (Thiollet, 2016: 5).

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در خصوص وضعیت کارگران خارجی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مطرح می‌باشد، نقض فاحش حقوق بشر در قبال این کارگران است. نقض حقوق کارگران خارجی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به خصوص در عربستان سعودی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی انجام می‌شود که در تناقض با مفاد پیمان‌ها و کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی از جمله «کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان»<sup>۱</sup> مصوب سال ۱۹۹۰ در مجمع عمومی است. این در حالی است که در قطر ۹۴ درصد، امارات ۹۳ درصد، کویت ۸۳ درصد، عمان ۷۷ درصد، بحرین ۷۵ درصد و عربستان سعودی ۵۶ درصد از نیروی کار را کارگران خارجی تشکیل می‌دهند. نقض حقوق کارگران خارجی به حدی است که تاکنون بارها نهادهای بین‌المللی به خصوص نهادهای غیردولتی درباره وضعیت این کارگران در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان سعودی ابراز نگرانی کرده‌اند (Jason Essomba, 2017:3).

با توجه به این شرایط، بررسی وضعیت کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی، درک جایگاه این کارگران مهاجر در اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و همچنین چگونگی بهره‌گیری رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران خصوصاً رادیوهای برون مرزی (بنگلا، ملایو، عربی و ...) از نقض حقوق کارگران آسیایی در کشورهایی نظیر عربستان سعودی و امارات متحده عربی از مهم‌ترین اهداف این مقاله محسوب می‌شود. فرضیه اصلی نیز این است که به نظر می‌رسد کارگران جنوب شرق آسیا در عربستان

1. The International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families



سعودی با خشونت‌هایی نظیر شرایط نامطلوب کاری، بازداشت و شکنجه، احکام ناعادلانه قضایی و اعدام گسترده مواجه هستند، به نحوی که بر میزان خروج این کارگران از عربستان سعودی افزوده شده است.

از آنجایی که سه کشور عربستان سعودی، امارات و بحرین در شورای همکاری خلیج فارس به دنبال کم کردن نقش ایران در تحولات منطقه‌ای هستند، بررسی نقض فاحش حقوق کارگران خارجی در این کشورها به‌ویژه در عربستان سعودی و استفاده از آن در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی برون‌مرزی صداوسیما می‌تواند ابعاد خشونت ساختاری در این کشورها را مشخص و تا حدودی تبلیغات شدید ضدایرانی آنها را خنثی سازد. این موضوع نیز از دیگر موارد اهمیت مقاله پیش‌رو است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص حقوق کارگران خارجی به خصوص اتباع کشورهای جنوب شرقی آسیا که مقیم کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند، در داخل کشور منابع رسانه‌ای و ژورنالیستی اندکی وجود دارد. اما در سطح بین‌المللی آثار متعددی در این خصوص وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

کتاب «مهاجرت به خلیج (فارس): سیاست‌های کشورهای فرستنده و مقصد» (۲۰۱۸)، نوشته «فیلیپ فرِگِس»<sup>۱</sup> و «نصرا شاه»<sup>۲</sup> که توسط دانشگاه کمبریج منتشر شده است. این اثر از جمله کتاب‌هایی است که درباره مهاجرت به کشورهای حوزه خلیج فارس نوشته شده است. این کتاب شامل ۱۳ مقاله است که هر یک بُعد مختلفی از مهاجرت را در کشورهای حوزه خلیج فارس بررسی می‌کنند. در این کتاب، آثار و پیامدهای مهاجرت بر سیاست داخلی و جمعیت بومی کشورها و همچنین سیاست کشورها در قبال مهاجران مطالعه شده، اما درباره چالش‌های مهاجران در این کشورها مطلب خاصی بیان نشده است.

کتاب «کارگران خارجی در خلیج فارس» توسط «مهران کامروا»<sup>۳</sup> و «زهرا بَبَر»<sup>۴</sup> به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان این کتاب، ایرانی و از اعضای هیئت علمی دانشگاه امریکایی

1. Philippe Fargues

2. Nasra M Shah

3. Mehran Kamrava

4. Zahra Babar



جورج تاون<sup>۱</sup> در قطر هستند. این کتاب، وضعیت و جایگاه کارگران خارجی را در کشورهای حوزه خلیج فارس بررسی کرده است. با این حال، این اثر مربوط به سال ۲۰۱۲ میلادی است و تحولات ۸ سال اخیر را در این کشورها که عمدتاً با نقض فاحش حقوق کارگران خارجی همراه بوده، بررسی نکرده است.

ویلیامز جیسون اسومبا<sup>۲</sup> در مقاله «مهاجرت کارگران در خلیج (فارس): سیاست‌ها و تأثیرات» (۲۰۱۷) معتقد است که کشوری نظیر عربستان سعودی سعی می‌کند از جمعیت بومی خود به عنوان نیروی کار بهره‌گیرد، اما کشورهای نظیر قطر و امارات متحده عربی بر حفظ کارگران خارجی تأکید می‌کنند. نویسنده تأکید دارد که رشد بیکاری عامل مهمی برای اتخاذ سیاست‌هایی نظیر کاهش مهاجرت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. نویسنده به وضعیت کارگران خارجی در این کشورها اشاره ندارد، اما به این موضوع اشاره دارد که کشورهای عربی به خصوص عربستان سعودی در پی بومی‌سازی یا ملی‌سازی نیروی کار هستند.

### ۳. چارچوب مفهومی

#### ۳-۱. حقوق کارگران خارجی در اسناد حقوق بین‌الملل

کارگر مهاجر<sup>۳</sup> «فردی است که اقدام به مهاجرت در داخل سرزمین خود یا به خارج از کشور می‌کند تا به مشاغل از جمله کارهای فصلی بپردازد». ماده یک «کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان» در تعریف کارگر مهاجر عنوان می‌کند: «کارگر مهاجر شخصی است که در کشوری که تابعیت آن را ندارد، مشغول به فعالیت شده است». نگارنده این مقاله معتقد است به‌طور کلی می‌توان حقوق کارگران خارجی را به دو دسته حقوق عام بشری و حقوق خاص کارگران مهاجر تقسیم کرد.

#### ۳-۱-۱. حمایت‌های عام حقوق بشری

منظور از حمایت‌های عام حقوق بشری، مجموع حقوق و آزادی‌های است که همه انسان‌ها صرفاً به دلیل انسان بودن از آن برخوردار هستند. این حقوق که به هیچ کشور، مذهب، جغرافیا، فرهنگ، نظام اقتصادی و اجتماعی وابستگی ندارد، شامل کارگران مهاجر نیز می‌شود. در بند ۳ ماده یکم منشور سازمان ملل متحد بر «پیشبرد و تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های

1. Georgetown University  
2. Williams Jaylon Essomba  
3. Migrant Worker



اساسی برای همگان بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب» تاکید شده است. در ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل آمده است که دولت‌ها موظف هستند طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر حقوق و آزادی‌های بشری بپردازند و در این خصوص بدون هیچ تبعیضی از حیث نژاد، جنس، مذهب، عقاید و... باید حقوق بشری تضمین گردد. در بند یکم ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی مصوب ۱۹۶۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل نیز تصریح شده است که دولت‌های طرف این میثاق متعهد شده‌اند حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت خود بدون تمایز از هر حیث محترم شمرده و تضمین کنند. همچنین براساس اظهارنظر عمومی کمیته حقوق بشر سازمان ملل در سال ۱۹۹۴، کارگران مهاجر مشمول حقوق حمایتی مندرج در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) می‌شود. براساس این بند، اقلیت‌ها حق دارند آزادانه مذهب، زبان و سن خود را اعمال و ترویج نمایند.

### ۲-۱-۳. حقوق اختصاصی کارگران مهاجر در حقوق بین‌الملل

علاوه بر حقوق عمومی که کارگران خارجی مانند همه انسان‌ها به دلیل انسان بودن از آن برخوردار هستند، حقوق اختصاصی نیز در اسناد متعدد حقوق بین‌الملل به خصوص در سازمان بین‌المللی کار و مقاوله‌نامه‌های آن برای کارگران خارجی در نظر گرفته شده است. به‌طور کلی برخی از مهم‌ترین حقوق اختصاصی کارگران خارجی و اعضای خانواده آنها که «کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها» مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ بر آنها تأکید کرده را می‌توان در موارد زیر بیان کرد: «تضمین دسترسی به اشتغال و دستمزد کافی، حق داشتن گذرنامه، کار و مدارک شخصی و منع توقیف اسناد و مدارک و حق آزادی جابجایی و خروج، منع شکنجه، تسهیلات مختلف اقامتی، احترام به فعالیت‌های مذهبی و عقیدتی، حق داشتن مالکیت اموال منقول و غیرمنقول». در ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان نیز صراحتاً بر عدم تبعیض علیه کارگران مهاجر تأکید کرده است.



۴. وضعیت حقوقی کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کارگران خارجی که مهم‌ترین آنها اتباع کشورهای جنوب شرق آسیا هستند، دست کم ۲۱ میلیون نفر از جمعیت ۵۶ میلیونی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌دهند. با این حال، این کارگران خارجی ۶۸ درصد از نیروی کار این کشورها محسوب می‌شوند. در جدول زیر به تفکیک میزان حضور نیروی کار بومی و غیربومی در بازار کار ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس درج شده است.

جدول شماره ۱. میزان نیروی کار بومی و غیربومی در کشورهای حوزه خلیج فارس

| نام کشور          | درصد جمعیت بومی شاغل | درصد کارگران خارجی شاغل |
|-------------------|----------------------|-------------------------|
| قطر               | ۶                    | ۹۴                      |
| امارات متحده عربی | ۷                    | ۹۳                      |
| کویت              | ۱۷                   | ۸۳                      |
| عمان              | ۲۳                   | ۷۷                      |
| بحرین             | ۲۵                   | ۷۵                      |
| عربستان سعودی     | ۴۴                   | ۵۶                      |
| مجموع             | ۳۲                   | ۶۸                      |

Source: (Jason Essomba, 2017:3)

به لحاظ ترکیب جمعیتی نیز ۵۹,۴ درصد مهاجران در امارات متحده عربی را شهروندان کشورهای آسیای جنوبی تشکیل می‌دهند که شامل فیلیپینی‌ها ۶,۱ درصد، هندی‌ها ۳۸,۲ درصد، بنگلادشی‌ها ۹,۵ درصد، پاکستانی‌ها ۹,۴ و دیگر کشورهای آسیای جنوبی ۲,۳ درصد است (World Population Review, 2019B). هندی‌ها ۲۴ درصد، نپالی‌ها ۱۶ درصد، فیلیپینی‌ها ۱۱ درصد، بنگلادشی‌ها و سریلانکایی‌ها نیز هر کدام ۵ درصد جمعیت قطر را تشکیل می‌دهند (World Population Review, 2019A). بیش از ۳۷ درصد جمعیت کویت را مهاجران آسیای جنوبی تشکیل می‌دهند. ۸۲۵ هزار هندی، حدود ۱۸۲ هزار بنگلادشی، ۱۲۶ هزار پاکستانی، ۱۸۶ هزار فیلیپینی، ۱۳۰ هزار سریلانکایی و ۶۲ هزار نپالی در کویت حضور دارند (World



(Population Review, 2019C). ۸۵ درصد از کارگران مهاجر در بحرین از کشورهای آسیایی هستند که بیش از ۴۹ درصد از آنها هندی را تشکیل می‌دهند (De Bel-Air, 2015: 6). کارگران مهاجر در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با چالش‌های متعددی از جمله نقض قواعد عام حقوق بشری و نقض قواعد حمایتی خاص ویژه کارگران مهاجر مواجه هستند. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

#### ۱-۴. تبعیض آشکار و گسترده

تبعیض میان کارگران خارجی و بومی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مشهود است. یکی از حوزه‌های تبعیض، استخدام در نهادهای دولتی و خصوصی است. استخدام در بخش دولتی در سطح بالایی به اتباع بومی این کشورها اختصاص دارد و اتباع خارجی در شرکت‌های خصوصی و غیردولتی مشغول می‌شوند. برای مثال، در کویت نوعی «آپارتاید کاری»<sup>۱</sup> میان اتباع کویت و کارگران خارجی وجود دارد. اتباع کویت در مشاغل دولتی مشغول می‌شوند و تمایلی به حضور در مشاغل سطح پائین نظیر خدمات، تولید، کشاورزی و فروش ندارند، اما کارگران خارجی سهم اندکی در مشاغل دولتی دارند و مشاغل سطح پائین ذکر شده در اختیار کارگران خارجی قرار دارد (Shah, 2008: 24-25). شرکت‌های خصوصی به دلیل هزینه بالای اتباع کویتی مایل به استخدام آنها نیستند، اما کارگران خارجی را به دلیل هزینه کمتر استخدام می‌کنند. درواقع، شکاف میان حقوق کارگران بومی و خارجی دلیل اصلی استقبال نکردن شرکت‌های خصوصی در کشورهای حوزه خلیج فارس برای استخدام کارگران بومی است (Jason Essomba, 2017: 9).

#### ۲-۴. خشونت دولت‌ها و کارفرمایان

خشونت یکی از شاخصه‌های رفتاری با کارگران خارجی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. بیش از ۷ هزار کارگر نپالی در یک دهه گذشته در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در اثر خشونت‌های مختلف جان خود را از دست داده‌اند (Dahal, 2019). شمار هندی‌ها حتی از این نیز بیشتر است و مطابق اعلام دولت هند حدود ۲۵ هزار هندی بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، (هر روز بیش از ۱۰ کارگر) در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس جان خود را در اثر شرایط نامناسب کاری از دست داده‌اند (Nayak, 2018: 2).

1. Work Apartheid



خشونت علیه کارگران خارجی در قالب‌های مختلف از جمله طولانی بودن ساعات کار، دستمزد ناچیز، خشونت کارفرما، کار اجباری، خوابگاه‌های پر جمعیت و فاقد کمترین امکانات بهداشتی اعمال می‌شود. برای مثال، برخی گزارش‌ها حاکی است شمار بسیار زیادی از کارگران خارجی در شرایط بسیار بد و خطرناکی در پروژه جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر کار می‌کنند. این افراد در اردوگاه‌های کارگری به سر می‌برند و شماری از آنان تاکنون در حوادث مختلف هنگام کار جان خود را از دست داده‌اند. گزارش‌هایی نیز مبنی بر کار اجباری کارگران در ساخت زیربنای میزبانی جام‌جهانی قطر منتشر شده است. ضبط گذرنامه کارگران، عدم پرداخت حقوق برای چندین ماه و عدم دسترسی به آب آشامیدنی نیز از جمله موارد شرایط غیرانسانی کار برای کارگران خارجی در قطر است. در همین حال، براساس گزارش‌ها دستمزد متوسط ماهانه کارگران در قطر ۲۷۵ دلار است و دستمزد کارگرانی که به‌عنوان خدمتکار نزد خانواده‌های قطری مشغول به کار می‌شوند، از این مبلغ هم کمتر است. این در حالی است که ساعت کار کارگران خارجی در قطر عمدتاً بین ۱۶ تا ۱۸ ساعت در روز است (Dahal, 2019: 2).

### ۳-۴. نظام کفالت، مبنای اصلی خشونت‌ها

یکی از مهم‌ترین مشکلات کارگران خارجی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، وجود «نظام کفالت یا اسپانسر»<sup>۱</sup> است. به موجب این نظام، کارگران خارجی باید برای مجاز بودن به اقامت و کار کردن، یک اسپانسر داخلی و ملّی داشته باشند. ورود کارگران خارجی به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مشروط به تعهد یک «اسپانسر» برای حمایت از این کارگران است. اسپانسر می‌تواند یک شرکت یا یک بازرگان باشد. کارگر مهاجر اجازه انتقال از شغلی به شغل دیگر را بدون جلب موافقت کفیل خود ندارد. در بحرین، اگر کارگری بدون موافقت کفیل، شغل خود را تغییر دهد، مشمول دو سال ممنوعیت کار خواهد شد. در بحرین این محدودیت در ماده ۱۱ «قانون سکونت خارجی»<sup>۲</sup> قید شده است (Zahra, 2015). قوانین کار در قطر نیز بسیار ناعادلانه و یک طرفه تنظیم شده است. مطابق قوانین قطر، کارگران خود نمی‌توانند مستقیماً برای کار کردن در این کشور روادید دریافت کنند. هر کارگری به کفیل یا ضامن احتیاج دارد. کار کفالت هم به وسیله شرکت‌های واسطه و یا مستقیماً به وسیله کارفرمایان

1. Kafala (sponsorship) system

2. Foreigner's Residence Law



انجام می‌گیرد و این مسئله باعث شده تا بخشی از دستمزد کارگران را شرکت‌های واسطه دریافت کنند (Thiollet, 2016: 13-14).

در امارات متحده عربی نیز مانند دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس وجود قانون کفالت برای کارگران خارجی به ایجاد زمینه سوء استفاده از این کارگران منجر شده و از آن جا که جذب کارگران تنها از طریق درخواست کارفرمای اماراتی به‌عنوان کفیل ممکن است، لذا کارگران خصوصاً زنان و کودکان خارجی، تحت هر شرایطی از جمله بدترین شرایط کاری برای اینکه موقعیت کنونی خود را از دست ندهند، سکوت اختیار کرده و تن به انجام هر کاری می‌دهند. نظام کفالت با هدف پذیرش کارگران خارجی و مدیریت و بهره‌برداری از کارگران ایجاد، اما عمدتاً منجر به فساد شد، زیرا کفیل‌ها با پیدا کردن شغل برای کارگران خارجی درصد زیادی از حقوق آنها را دریافت کرده و سبب نارضایتی می‌شوند (Ibid).

#### ۴-۴. ملی‌سازی و ایجاد محدودیت

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در یک دهه اخیر به علت نگرانی از تحولات مربوط به بهار عربی در برخی از سیاست‌های خود از جمله درباره کارگران خارجی تجدیدنظر کردند. درواقع، افزایش شدید جمعیت خارجی و برهم خوردن ترکیب جمعیتی، روند تصاعدی نارضایتی کارگران خارجی و افزایش اعتراض‌های آنها علیه دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس و همچنین افزایش هزینه‌های جنگی این کشورها به‌ویژه در یمن سبب شد که این دولت‌ها از یک سو سخت‌گیری‌های مربوط به ورود کارگران خارجی و از سوی دیگر محدودیت‌ها برای کارگران مشغول به کار را افزایش دهند. در همین راستا، در این کشورها محدودیت دسترسی به شمار زیادی از مشاغل ایجاد شد. برای مثال، کویت برای کارگران خارجی محدودیت دسترسی به مشاغل برنامه‌نویسی رایانه‌ای، صندوق‌داری، آموزش رانندگی و برخی مشاغل دیگر ایجاد کرد. در عربستان سعودی برای دسترسی به ۲۵ شغل شامل آژانس‌های مسافرتی، مغازه‌های فروش طلا و جواهر، فروشگاه‌های مواد غذایی و برخی مشاغل دیگر محدودیت برای کارگران خارجی ایجاد شده است (Shah, 2008: 10-11).

#### ۴-۵. امکان ناپذیری شکایت برای کارگران خارجی

یکی از مهم‌ترین حقوق کارگران خارجی که از سوی حکومت‌های عربی نقض می‌شود، حق شکایت از کارفرمایان است. با وجود اینکه، کارگران خارجی در شرایط نامناسبی کار می‌کنند، اما هراس از پیامدهای شکایت سبب می‌شود که عملاً برای شکایت به محاکم قضایی مراجعه

نکنند. به گزارش سازمان‌های مدافع حقوق بشر، در این کشورها شکایت یک کارگر مهاجر از شرایط کاری خود به قیمت زندگی او تمام خواهد شد. «سارا ویلتسون» یکی از حقوق‌دانان دیده‌بان حقوق بشر در این خصوص معتقد است با «شکایت کارگر خارجی از کارفرما، کارگر ابتدا کار خود و همزمان حق زندگی در کشور محل کارش را از دست می‌دهد و چون اجازه اقامت کارگر به کارفرما مربوط می‌شود، او حق تغییر محل کار و اختیار زندگی آزاد را ندارد» (HRW, 2015b).

### ۵. بررسی وضعیت حقوق کارگران خارجی در عربستان سعودی

عربستان سعودی بزرگ‌ترین کشور عربی مهاجرپذیر است. در سال ۲۰۱۷ از جمعیت بیش از ۳۴ میلیونی این کشور، حدود ۱۳ میلیون را کارگران خارجی تشکیل می‌دادند. به عبارت دیگر، ۳۷ درصد از جمعیت عربستان سعودی را اتباع دیگر کشورها تشکیل می‌دادند که برخی از این افراد از دهه‌های گذشته در این کشور ثروتمند عربی حضور دارند. با این حال، کارگران خارجی مقیم عربستان سعودی با چالش‌های متعددی مواجه هستند. به‌طور کلی، وضعیت حقوقی کارگران خارجی در عربستان سعودی را می‌توان در بندهای زیر بیان کرد.

#### ۵-۱. تبعیض میان کارگران خارجی و میان کارگران و اتباع عربستان سعودی

حکومت عربستان سعودی کارگران مهاجر در این کشور را به طبقه‌های فرادست و فرودست تقسیم می‌کند. شهروندان امریکا، فرانسه و بریتانیا نیز در عربستان سعودی حضور دارند، اما این افراد بیشتر در بخش نفت فعال هستند و وضعیت حقوقی آنها کاملاً متفاوت از اتباع دیگر کشورها است. این در حالی است که اتباع کشورهای آسیایی عمدتاً به‌عنوان طبقه فرودست محسوب شده و بیشتر شغل‌های خدماتی را بر عهده دارند. کارگران فیلیپینی بیشتر به کارهای فنی، پرستاری و خدمت در منازل، کارگران پاکستانی بیشتر در ساخت‌وساز و تعمیرات و کارگران هندی به‌دلیل تسلط به زبان انگلیسی، در بازار و مراکز درمانی مشغول هستند. علاوه بر این، به‌لحاظ میزان و چگونگی دریافت حقوق و همچنین امکانات رفاهی نیز تفاوت بسیار زیادی میان مهاجران اروپایی و آمریکایی با مهاجران آسیایی و میان اتباع عربستان سعودی و اتباع کشورهای آسیایی در عربستان سعودی وجود دارد. اتباع کشورهای آسیایی عمدتاً فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که اتباع سعودی از انجام آن خودداری می‌کنند. در پمپ بنزین‌ها، تعمیرگاه‌ها، آرایشگاه‌ها، خیاطی‌ها و حتی در بخش کشاورزی اتباع آسیایی فعالیت دارند، اما اغلب اتباع



سعودی در زمره کارمندان دولت، نیروهای امنیتی و نظامی، اساتید دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش یا مهندسی نفت و همچنین در بانک‌ها مشغول هستند. یکی دیگر از موارد تبعیض در مقوله آموزش است. فرزندان کارگران خارجی باید برای تحصیل پول پرداخت کنند و بر خلاف شهروندان سعودی از آموزش رایگان تحصیل برخوردار نیستند (ابومصطفی<sup>۱</sup>، ۵ آذر ۱۳۹۸). این تبعیض علیه کارگران خارجی در حالی است که مطابق ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «۱. هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری حمایت شود. ۲. همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند. ۳. هرکسی که کار می‌کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت‌بخش دریافت دارد که زندگی او و خانواده‌اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود».

## ۵-۲. تعرض و تجاوز به کارگران زن خانگی

یکی از مهم‌ترین موارد ظلم به کارگران خارجی، علیه زنان انجام می‌شود. زنان به‌خصوص زنان پرتعداد فیلیپینی که بیشتر به‌عنوان پرستار و خدمتکار در منازل کار می‌کنند، مورد تعرض و تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. برخی منابع اعلام کردند که زنان فیلیپینی در عربستان سعودی خرید و فروش می‌شوند. شمار زیادی از کارگران خانگی فیلیپینی با ارسال پیام‌های جداگانه‌ای از شهرهای جده، ریاض و دمام عربستان سعودی در شبکه‌های اجتماعی، از دولت فیلیپین خواستند که آن‌ها را یاری کند و مانع از خرید و فروش آن‌ها و دیگر آزارهای جسمی و روحی شود. طبق بیانیه وزارت امور خارجه فیلیپین در آوریل ۲۰۱۸، «آگنس مانسیلا»<sup>۲</sup> یک گارگر خانگی فیلیپینی در عربستان سعودی روز دوم آوریل پس از آنکه کارفرمای سعودی‌اش وی را با نوشیدن مایع اسیدی پاک‌کننده تنبیه کرده بود، راهی بیمارستان شد. «ادگار باداجوز»<sup>۳</sup>، کنسول فیلیپین در جده عربستان سعودی گفت: «مانسیلا که از سال ۲۰۱۶م، تاکنون در عربستان سعودی کار می‌کند، گزارش داد که بارها توسط کارفرمایش مورد تنبیه و آزار جسمی قرار گرفته است» (Bangkok Post, 2018). به‌طور کلی، زنان کارگر خارجی قربانی فحش‌های جنسی، سوء استفاده

۱. ابومصطفی، ابورضا و سیدمحمد عون نقوی، اسامی مستعار افرادی هستند که در این مقاله از آنها مصاحبه گرفته شده است.

2. Agnes Mancilla

3. Edgar Badajos

و حتی قاچاق در عربستان سعودی می‌شوند.<sup>۱</sup> اگر زنان مهاجر به هر دلیل غیرقانونی از جمله تجاوز در عربستان سعودی باردار شوند، با این واقعیت روبرو می‌شوند که سقط جنین فقط می‌تواند به صورت قانونی برای شرایط پزشکی مشخص و مستند انجام شود. اینکه زنان مهاجر باردار با مقادیر مالی محدود - که ازدواج نکرده یا بدون همسر در پادشاهی عربستان سعودی هستند - در چارچوب فرآیند اداری در جستجوی تأیید رسمی برای سقط جنین بدون ترس از دستگیری و از دست دادن شغل باشند، معضل بزرگی برای این زنان محسوب می‌شود (HRW, 2004: 236).

### ۵-۳. نظام کفالت و توقیف مدارک شناسایی

یکی دیگر از حقوق مدنی کارگران خارجی که از سوی حکومت سعودی نقض می‌شود، ضبط مدارک شناسایی آنها از جمله گذرنامه است که از سوی «کفیل» انجام می‌شود. درواقع، نظام کفالت اجازه توقیف مدارک شناسایی کارگران خارجی را می‌دهد (Halabi, 2014: 45). کارفرمایان سعودی گذرنامه و مدارک شناسایی کارگران خارجی را مصادره می‌کنند و این امر برای کارگران تبعاتی دارد که از جمله آن امکان‌ناپذیری شکایت از کارفرما به علت نداشتن مدارک شناسایی است (HRW, 2015a). مطابق نظام کفالت، حکومت عربستان سعودی خروج کارگران خارجی از این کشور را به مجوز کارفرما مشروط کرده است. کارگرانی که بدون رضایت کارفرمای خود، کارشان یا کشور را ترک می‌کنند ممکن است با «عدم پذیرش» یا حبس و تهدید مواجه شوند. حکومت عربستان سعودی، در نوامبر سال ۲۰۱۷، مبارزه با کارگران خارجی که قوانین موجود را نقض کنند، آغاز کرد. حکومت سعودی ۲۳ نوامبر سال ۲۰۱۸ اعلام کرد در پی این فرآیند، ۲٫۱ میلیون نفر بازداشت شدند که بیش از ۱٫۶ میلیون نفر مقررات مربوط به سکونت یا حقوق کار را نقض کرده بودند (HRW, 2019: 6).

### ۵-۴. امکانات اقامتی نامناسب

یکی از مهم‌ترین موارد نقض حقوق مدنی کارگران خارجی در عربستان سعودی، اقامت شمار زیادی از این کارگران در منازل دسته‌جمعی است. افزایش اجاره بهای منازل در عربستان سعودی، افزایش قیمت برق و حامل‌های سوخت و همچنین افزایش مالیات‌ها سبب اقامت

۱. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص ر.ک. به:

HRW, (2004), Bad Dreams: Exploitation and Abuse of Migrant Workers in Saudi Arabia, available at: <https://www.hrw.org/reports/2004/saudi0704/saudi0704.pdf>



دسته‌جمعی کارگران خارجی در منازل کوچک و با امکانات بهداشتی حداقلی شده است. «ابورضا»، یکی از طلبه‌های عربستان سعودی در مصاحبه حضوری با نویسنده این مقاله عنوان کرد که بعضاً بیش از ۱۰ نفر از کارگران خارجی در یک اتاق زندگی می‌کنند و درواقع فقط از آن اتاق به‌عنوان محلی برای خواب بهره می‌گیرند (ابورضا، ۵ آذر ۱۳۹۸).

#### ۵-۵. کار بیش از حد، درآمد ناکافی و تعویق حقوق

یکی از موارد نقض حقوق اقتصادی کارگران خارجی در عربستان سعودی، کار بیش از حد است. «ابومصطفی» (۵ آذر ۱۳۹۸)، کارشناس عربستان سعودی در این خصوص عنوان می‌کند که کفیل و کارفرمای سعودی با کارگر خارجی بر سر ۸ ساعت کار در روز توافق می‌کند، اما این توافق اجرایی نمی‌شود، زیرا ساعات کار به‌خصوص برای زنان خارجی گاهی تا دو برابر نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، حقوق کارگران به‌طور مرتب پرداخت نمی‌شود. این وضعیت نیز سبب می‌شود که بخشی از حقوق پرداخت نشود و یا اینکه حقوق ۱۲ ماه در یک سال به‌طور کامل پرداخت نشود. کارگر به‌دلیل ترس از دست دادن کار، از شکایت خودداری می‌کند. در حالی که کارگر برای یک کار خاص استخدام می‌شود، وی را مجبور می‌کنند که کارهای شخصی نظیر امور نظافتی را نیز انجام دهد. همچنین از کارگران خارجی برای توزیع مواد مخدر بهره گرفته می‌شود. از سوی دیگر، کارگران خارجی باید بیمه شوند، زیرا برای بیمه پول پرداخت می‌کنند، اما اگر متحمل خسارتی شوند، بیمه از پرداخت خسارت خودداری می‌کند.

همچنین مقامات عربستان سعودی در سال ۲۰۱۸، برای اولین بار از شرکت‌های سعودی که شمار کارکنان خارجی آن از کارکنان بومی بیشتر باشد، خواستار پرداخت هزینه ۴۰۰ ریال سعودی برای هر نفر شدند که این مبلغ در سال ۲۰۱۹، به ۸۰۰ ریال افزایش یافته است. شرکت‌های سعودی نیز به کارگران خود اخطار داده‌اند این مقدار از حقوق آنها کسر خواهد شد. این تصمیم سبب کاهش استخدام کارگران خارجی از سوی شرکت‌های سعودی و همچنین افزایش روند خروج کارگران خارجی از این کشور شده است. شرکت سرمایه‌گذاری «جدوا»<sup>۱</sup> سعودی از کاهش ۱۳۲ هزار نفری کارگران خارجی در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۹، خبر داد و اعلام کرد «از آغاز سال ۲۰۱۷، تاکنون نزدیک به یک میلیون و ۹۰۰ هزار کارگر مهاجر این کشور را ترک کرده‌اند» (FEM, 2017).



## ۵-۶. مالیات‌های مختلف و روند افزایشی آن

کارگران خارجی مقیم عربستان سعودی باید مالیات‌های مختلفی بپردازند. محمد بن سلمان در راستای سند ۲۰۳۰ عربستان سعودی و متنوع‌سازی اقتصاد، مالیات‌ها را از جمله برای کارگران خارجی افزایش داده است و هر نفر باید حدود ۱۰۰۰ دلار در سال مالیات پرداخت کند. علاوه بر این، کارگران خارجی باید در ازای خرید هر کالایی ۵ درصد نیز مبلغ اضافه به‌عنوان مالیات پرداخت کنند. همچنین کارگران خارجی علاوه بر مالیات باید زکات نیز پرداخت کنند و اگر پرداخت نکنند، جریمه خواهند شد. وضع این مالیات‌ها در حالی است که میزان دستمزد کارگران خارجی در عربستان سعودی بسیار ناچیز است. افزایش هزینه‌های جنگی عربستان سعودی به‌خصوص در یمن و همچنین کاهش قیمت نفت که مهم‌ترین منبع درآمدی حکومت سعودی است، یکی از علل اصلی افزایش مالیات کارگران خارجی است. پرداخت مالیات‌های متعدد و افزایش قیمت برق و اجاره مسکن سبب شد که شمار زیادی از کارگران خارجی خواستار خروج از عربستان سعودی شوند که البته این امر برای شرکت‌های سعودی مناسب نیست. زیرا کارگران خارجی ارزان قیمت هستند و جایگزینی آنها با کارگران بومی سعودی، هزینه‌های شرکت‌های سعودی را افزایش خواهد داد (مصاحبه حضوری با ابومصطفی، ۵ آذر ۱۳۹۸).

## ۵-۷. نقض حقوق مذهبی کارگران خارجی

یکی از مهم‌ترین موارد نقض حقوق کارگران خارجی در عربستان سعودی، حقوق مذهبی است. «سید محمد علی عون نقوی»، کارشناس هندی در مصاحبه حضوری با نویسنده این مقاله گفت: «وهابیت در عربستان سعودی نفوذ دارد، حکومت ایدئولوژیک است و آزادی مذهبی حتی برای مدیران ارشد وجود ندارد». ابومصطفی، نیز عنوان می‌کند که: «حتی کارگران اهل تسنن نیز آزادی مذهبی ندارند. کارگران خارجی برای برگزاری مراسم مذهبی به مناطق شرقی عربستان سعودی می‌روند. شیعیان مناطق شرقی مسجد در اختیار شیعیان کشورهای دیگر قرار می‌دهند. این در حالی است که در ریاض، جده و دیگر شهرها، کارگران مجبور هستند در ساختمان‌ها و آپارتمان‌های خود مراسم مذهبی را مخفیانه برگزار کنند. حتی غیروهابیون از جمله صوفی‌ها یا دراویش هم اگر مراسم مذهبی برگزار کنند، هدف حمله نیروهای امنیتی قرار می‌گیرند».

این نگاه عربستان سعودی به حقوق مذهبی کارگران خارجی برگرفته از نگاه کلان آل‌سعود به مذهب است که ریشه در تعالیم وهابیت دارد. آل‌سعود به سیاست در داخل عربستان سعودی نگاه فرقه‌گرایانه دارد و حتی شیعیان بومی عربستان سعودی نیز در برگزاری مراسم مذهبی خود با محدودیت‌های جدی و شدیدی مواجه هستند. در زمان ولیعهدی محمد بن سلمان نیز تغییر ترکیب



جمعیتی مناطق شرقی این کشور با هدف تبعید شیعیان پیگیری می‌شود. از این رو، این نگاه فرقه‌گرایانه‌ی وهابیت در قبال کارگران خارجی در عربستان سعودی نیز پیگیری می‌شود و موارد نقض نیز بیشتر و شدیدتر است.

#### ۵-۸. محدودیت‌های شدید در شکایت به محاکم قضایی

بنا بر گزارش‌های منتشر شده از سوی مجامع بین‌المللی بسیاری از کارفرمایان سعودی درباره کارگران خارجی خود احساس مالکیت کرده و شکایت‌های بسیاری از سوی کارگران مبنی بر سوء استفاده فیزیکی، روانی و جنسی در محیط کار گزارش شده است، اما مقامات سعودی هیچ‌گونه اقدام جدی در این مورد انجام نمی‌دهند. کارگران خارجی با امید به دست آوردن پول بیشتر و تأمین معاش خانواده، کشور خود را ترک و به عربستان سعودی سفر کرده‌اند، اما تعداد زیادی از آنان در این کشور حتی در برابر کارفرمایان خود نیز از مصونیت و حقوق قانونی برخوردار نیستند. برای بسیاری از این کارگران هرگونه اقدام قانونی علیه کارفرمایان غیرممکن است. کارشناسان معتقدند عربستان سعودی به صورت عمده قوانین کار خود را علیه کارگران به گونه‌ای تنظیم کرده که کارگران خارجی امکان پیگیری حقوقی بدرفتاری‌ها و بی‌عدالتی‌های انجام گرفته علیه خود را نداشته باشند، چرا که شکایت علیه کارفرما به معنای از دست دادن کار و ترک عربستان سعودی خواهد بود. «ابومصطفی» (۵ آذر ۱۳۹۸)، کارشناس سعودی می‌گوید در عربستان سعودی «مکتب‌العمل» وجود دارد که برای شکایت و حمایت از کارگران خارجی است، اما وقتی کارگران شکایت می‌کنند، رسیدگی نمی‌شود چرا که کارمندان مکتب‌العمل، سعودی هستند، رشوه می‌گیرند و احکام ناعادلانه علیه کارگر خارجی صادر می‌کنند. کارگران تنها به مکتب‌العمل یا شرطه (کلانتری - اداره پلیس) می‌توانند شکایت کنند، اما به این شکایت‌ها رسیدگی نمی‌شود.

#### ۵-۹. شکنجه و بازداشت

کارگران خارجی یکی از گروه‌هایی هستند که هدف خشونت قضایی قرار گرفته و در زندان‌های آل سعود شکنجه می‌شوند. حکومت سعودی در نوامبر سال ۲۰۱۸ از بازداشت بیش از ۲,۱ میلیون کارگر خارجی در اثر نقض مقررات اقامت و حقوق کار خبر داد (HRW, 2019: 6). نکته مهم این است که شکنجه کارگران خارجی و یا شرایط سخت کاری آنها سبب مرگ ده‌ها هزار نفر از اتباع خارجی مقیم عربستان سعودی شده است. برای مثال، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ میلادی، ۱۲ هزار و ۸۲۸ کارگر هندی در عربستان سعودی به دلیل شرایط نامناسب کاری، جان خود را از دست دادند (The Economic Times, 2018).



## ۵-۱۰. اعدام‌های گسترده کارگران خارجی

یکی از موارد ملموس نقض حقوق کارگران خارجی در عربستان سعودی، اعدام این افراد است. علاوه بر شرایط نامساعد زندگی، پای کارگران خارجی در عربستان سعودی حتی به چوبه دار نیز باز شده است. در چندین گزارش نهادهای بین‌المللی آمده است که عربستان سعودی پیش از اعدام کارگران، به کارگران اجازه برخورداری از دادرسی عادلانه را نمی‌دهد و بیشتر کارگرانی که تاکنون اعدام شده‌اند، پولی برای گرفتن وکیل مدافع نداشته‌اند. بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ میلادی، ۱۰۲ کارگر اندونزیایی در عربستان سعودی با حکم اعدام روبرو شدند که تاکنون ۳ نفر آنها اعدام شده‌اند. ۷۹ نفر از اعدام رهایی یافتند و ۲۰ نفر هنوز در مراحل قانونی محکومیت قرار دارند (DW, 2018).

پژوهشنامه شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

## ۶. نتیجه‌گیری

پرسش اصلی مقاله این بود که با توجه به مفاد اسناد حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها، وضعیت کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی چگونه است؟ برای پاسخگویی به این سؤال تلاش شد با استفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه با سه کارشناس وضعیت و شرایط این کارگردان واکاوی و تبیین شود. به‌طور کلی یافته‌های این مقاله حاکی از موارد زیر است:

آمارها نشان می‌دهد از مجموع حدود ۵۶ میلیون نفری که در ۶ کشور شورای همکاری خلیج فارس یعنی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر زندگی می‌کنند، بیش از ۲۱ میلیون نفر را کارگران خارجی تشکیل می‌دهند. ۵۱ درصد جمعیت بحرین، ۸۶ درصد جمعیت قطر، ۴۶ درصد جمعیت عمان، ۷۰ درصد جمعیت کویت، ۸۹ درصد جمعیت امارات متحده عربی و ۳۷ درصد جمعیت عربستان سعودی را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند. اکثریت کارگران مهاجر در ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس را کارگران آسیایی از کشورهای فیلیپین، هند، پاکستان، اندونزی، سریلانکا و نپال تشکیل می‌دهند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۵۹,۴ درصد مهاجران در امارات متحده عربی، حدود ۷۰ درصد مهاجران قطر، بیش از ۳۷ درصد جمعیت کویت و بیش از ۸۵ درصد از کارگران مهاجر در بحرین را شهروندان کشورهای آسیای جنوبی تشکیل می‌دهند.



مطابق یافته‌های این مقاله، «آپارتاید کاری» در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس علیه کارگران خارجی وجود دارد. زیرا تبعیض علیه این کارگران در سطح بالایی است و کارگران عموماً در مشاغل خدماتی، ساخت‌وساز و خانگی حضور دارند و توسط بخش خصوصی این کشورها جذب به کار می‌شوند.

کارگران خارجی در این کشورها با نقض فاحش حقوق بشر از جمله دستمزد اندک، ساعات طولانی کار در طول روز که بعضاً بیش از ۱۵ ساعت نیز می‌شود، تعویق چند ماهه حقوق، عدم پرداخت حقوق برخی ماه‌ها، خشونت جنسی علیه زنان که به خصوص در بخش خانگی کار می‌کنند، کار اجباری، اقامت دسته جمعی در منازل کوچک، امکانات بهداشتی نامناسب، مصادره گذرنامه و مدارک هویتی و همچنین امکان ناپذیر بودن شکایت از کارفرمایان با وجود خشونت‌های زیاد مواجه هستند. به همین دلیل، برخی رسانه‌ها و سازمان‌ها وضعیت کارگران خارجی را در ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس «برده‌داری نوین» نامیدند و برخی محققان نیز از دولت‌های این کشورها به عنوان «دولت‌های برده‌دار» یاد کردند. مطابق یافته‌های این تحقیق و بنا به اظهار کارشناسان عربستان سعودی که در این تحقیق با آنها مصاحبه شد، وضعیت کارگران خارجی در عربستان سعودی به مراتب وخیم‌تر از دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است و وخامت اوضاع به خصوص پس از ولیعهدی محمد بن سلمان بیشتر نیز شده است. نظام کفالت یکی از مهم‌ترین علل نقض حقوق کارگران خارجی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است.

سالانه شمار زیادی از کارگران خارجی در اثر خشونت شدید جان خود را از دست می‌دهند. حکومت عربستان سعودی در سال‌های اخیر سیاست «ملی‌سازی کارگران» را در پیش گرفته است. مطابق این سیاست، دسترسی کارگران خارجی به شمار زیادی از مشاغل منع شده و شرکت‌های سعودی نیز باید کارگران بومی را جایگزین کارگرهای خارجی کنند، در غیر این صورت مشمول مجازات می‌شوند. در همین حال، مالیات برای کارگران خارجی افزایش یافته و هزینه‌های زندگی آنها نیز رشد داشته است. در نتیجه خروج یا اخراج کارگران خارجی از عربستان سعودی روند افزایشی محسوسی داشته است.



## ۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

پیشنهاد می‌شود براساس یافته‌های این مقاله و در شبکه العالم مستندی درباره وضعیت کارگران کشورهای جنوب شرق آسیا در عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تهیه شود.

دفاتر و خبرنگاران برون‌مرزی در کشورهای جنوب شرق آسیا مصاحبه‌های ویژه‌ای از تجارب آن دسته از کارگرانی که در عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس فعالیت داشته‌اند، تهیه کنند.

در قالب برنامه‌های کارشناس‌محور و با استفاده از حقوق دانان موارد نقض عام حقوق بشر کارگران جنوب شرق آسیا در عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تبیین شود.

در قالب برنامه‌های گفتگو‌محور علل تشدید نقض حقوق کارگران جنوب شرق آسیا در عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و موارد نقض کنوانسیون بین‌المللی حمایت از کارگران و خانواده‌های آنها تبیین شود.

در قالب مصاحبه‌های ویژه، گزارش‌های نهادهای حقوق بشری درباره نقض حقوق کارگران جنوب شرق آسیا تبیین شود.

در برنامه‌های کارشناس‌محور بر مغایرت رفتار عربستان سعودی با کارگران جنوب شرق آسیا با اعلامیه حقوق بشر اسلامی و همچنین کنوانسیون بین‌المللی حمایت از کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها مصوب ۱۹۹۰ از زبان کارشناسان تأکید شود.

در قالب برنامه‌های خبری و غیرخبری این موضوع برجسته شود که معضل اقتصادی و نبود شغل مناسب عامل مهاجرات کارگران آسیایی به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است.

در قالب برنامه‌های کارشناس‌محور این موضوع برجسته شود که کارگران آسیایی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌خصوص در عربستان سعودی به‌عنوان برده مورد استفاده قرار می‌گیرند و محققان این دولت‌ها را به‌عنوان دولت‌های برده‌دار توصیف کردند.

به بهانه‌های مختلف خبری بر این موضوع تأکید شود که کارفرمایان در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌خصوص در عربستان سعودی گذرنامه کارگران خارجی را به محض ورود به این کشورها مصادره می‌کنند.

وضعیت کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای... ۳۱۷ 

ریشه‌های سانسور خبری گسترده‌ای که در رسانه‌ای عربی، غربی و حتی جنوب شرق آسیا درباره وضعیت وخیم کارگران مهاجر خارجی در عربستان سعودی اعمال می‌شود، از زبان کارشناسان مستقل بین‌المللی تبیین شود.





## منابع و مأخذ

- کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و خانواده های آنان مصوب سال ۱۹۹۰، قابل دسترسی در:  
<https://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CMW.aspx>
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶، قابل دسترسی در:  
<https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx>
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶، قابل دسترسی در:  
<https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/cescr.aspx>
- ابورضا (۵ آذر ۱۳۹۸)، «وضعیت کارگران در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس»، (مصاحبه)
- ابومصطفی (۵ آذر ۱۳۹۸)، «وضعیت کارگران در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس»، (مصاحبه)
- سیدمحمد عون نقوی (۵ آذر ۱۳۹۸)، «وضعیت کارگران در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس»، (مصاحبه)
- Bangkok Post** (16 April 2018), "Philippines says Saudi boss forced maid to drink bleach", Available at:  
<https://www.bangkokpost.com/world/1446955/philippines-says-saudi-boss-forced-maid-to-drink-bleach>
- Dahal, Phanidra (7 June 2019), "Desperation and danger in the Gulf for South Asia's migrant workers", Available at: <https://www.axios.com/desperation-and-danger-in-the-gulf-for-south-asias-migrant-workers-de1534a2-1858-47dd-a7b1-034e2c4a8bd2.html>
- De Bel-Air, Françoise (2015), "Demography, Migration, and the Labour Market in Bahrain", Available at:  
[https://cadmus.eui.eu/bitstream/handle/1814/35882/GLMM\\_ExpNote\\_06\\_2015.pdf?sequence=1](https://cadmus.eui.eu/bitstream/handle/1814/35882/GLMM_ExpNote_06_2015.pdf?sequence=1)
- DW** (2/11/2018), "Saudi execution spotlights domestic workers' vulnerable lives", Available at: <https://www.dw.com/en/saudi-execution-spotlights-domestic-workers-vulnerable-lives/a-46137942>
- FEM** (12 September 2017), "Saudi Arabia Levies on companies hiring foreign workers set to increase", Available at: <https://www.forum-expat-management.com/users/13452-berry-appleman-leiden/posts/20230-saudi-arabia-levies-on-companies-hiring-foreign-workers-set-to-increase>
- Fargues, Philippe, Shah, Nasra M (2018), **Migration to the Gulf: Policies in Sending and Receiving Countries**, Cambridge : European University Institute, Gulf Research Center.
- Jason Essomba, Williams (2017), "Labor Immigration into the Gulf: Policies and Impacts", Available at: [https://www.sciencespo.fr/kuwait-program/wp-content/uploads/2018/05/KSP\\_Paper\\_Award\\_Fall\\_2017\\_Williams\\_Jason\\_Essomba.pdf](https://www.sciencespo.fr/kuwait-program/wp-content/uploads/2018/05/KSP_Paper_Award_Fall_2017_Williams_Jason_Essomba.pdf)



- Halabi, Romina (2014), "Contract Enslavement of Female Migrant Domestic Workers in Saudi Arabia and the United Arab Emirates", Available at: <https://www.du.edu/korbel/hrhw/researchdigest/slavery/fmd.pdf>
- HRW** (2004), "Bad Dreams: Exploitation and Abuse of Migrant Workers in Saudi Arabia", Available at: <https://www.hrw.org/reports/2004/saudi0704/saudi0704.pdf>
- HRW** (15 November 2015a), "Saudi Arabia: Steps Toward Migrant Workers' Rights", Available at: <https://www.hrw.org/news/2015/11/15/saudi-arabia-steps-toward-migrant-workers-rights>
- HRW** (22 December 2015b), "Gulf Countries: Bid to Protect Migrant Workers", Available at: <https://www.hrw.org/news/2015/12/22/gulf-countries-bid-protect-migrant-workers>
- HRW** (2019), "Saudi Arabia: Events of 2018", Available at: <https://www.hrw.org/world-report/2019/country-chapters/saudi-arabia>
- Kamrava, Mehran, Babar, Zahra (2012), **Migrant Labor in the Persian Gulf**, Columbia University Press.
- Nayak, Venkatesh (17 December 2018), "Central Government's flip-flop in the Lok Sabha over death statistics of Indian in Gulf Countries: an analysis", Available at: <https://www.humanrightsinitiative.org/blog/central-governments-flipflop-in-the-lok-sabha-over-death-statistics-in-gulf-countries-an-analysis>
- Shah, Nasra (2008), Recent Labor Immigration Policies in the Oil-Rich Gulf: How Effective are they Likely to Be?, ILO Asian Regional Programme on Governance of Labour Immigration, Working Paper No. 3.
- The Economic Times** (12 December 2018), "28,523 Indian nationals died in Gulf countries in last 4 years, Lok Sabha told", Available at: <https://economictimes.indiatimes.com/nri/working-abroad/28523-indian-nationals-died-in-gulf-countries-in-last-4-years-lok-sabha-told/articleshow/67059485.cms?from=mdr>
- Thiollet, Helene, (2016), "Managing migrant labour in the Gulf: Transnational dynamics of migration politics since the 1930s", Available at: <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-01346366/document>
- World Population Review**, (2019A), United Arab Emirates Population 2019, Available at: <http://worldpopulationreview.com/countries/united-arab-emirates-population/>
- World Population Review** (2019B), Qatar Population 2019, Available at: <http://worldpopulationreview.com/countries/qatar-population/>
- World Population Review** (2019C), Kuwait Population 2019, Available at: <http://worldpopulationreview.com/countries/kuwait-population/>

Zahra, Maysa (2015), the Legal Framework of the Sponsorship Systems in the Gulf Cooperation Council Countries: A Comparative Examination, Gulf Labour Markets and Migration, **Migration Policy Centre**; – GLMM – EN – No. 10.

## نگاهی به پژوهش‌های انتشار یافته واحد پژوهش‌های کاربردی

### معاونت برون‌مرزی صداوسیما در سال ۱۳۹۸

واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی در سال ۱۳۹۸ ده‌ها عنوان پژوهش در حوزه‌های مختلف تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و با رویکرد رسانه‌ای و آینده‌پژوهانه منتشر کرده است. بر اساس این گزارش، این پژوهش‌ها در زمینه تحولات سیاسی و روابط بین‌الملل، دستاوردهای محور مقاومت، اقتصاد مقاومتی، طرح صلح هرمز، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، سیاست‌های توسعه‌طلبانه ترامپ در اقصی نقاط جهان، دیپلماسی گردشگری، هژمونی دلار، تحولات غرب آسیا، آفریقا، اروپا، آمریکای لاتین و بالکان، موضوعات معطوف به آسیب‌شناسی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌ای معاونت برون‌مرزی و راهبردهای تولیدات نمایشی منتشر شده است. ارائه محورهای رسانه‌ای و ایده‌های برنامه‌سازی برای شبکه‌های برون‌مرزی، فصل مشترک تمامی این پژوهش‌ها است.

#### عناوین و محورهای اصلی «تعدادی» از این پژوهش‌ها عبارتند از:

#### \* تدوین راهبردهای مطلوب برای تولیدات نمایشی در برون‌مرزی صداوسیما

تبیین نظری و کاربردی مباحث تئوریک «استفاده و رضامندی و مخاطب فعال»، «ارتباطات میان فرهنگی»، «جهانی شدن»، «قدرت معنا سازی و فرهنگ سازی تلویزیون»، «ظرفیت‌ها و کارکردهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سریال‌های تلویزیونی»، «ویژگی‌های هنری سریال‌های تلویزیونی»، «مختصات ویژه سریال‌های تلویزیونی و مصرف کنندگان آن در مقایسه با سایر گونه‌های نمایشی»، «ذائقه مخاطبان و مصرف کنندگان کالاهای فرهنگی و هنری»، «وجوه شباهت و تمایز محصولات نمایشی تولیدی شبکه‌های داخلی و برون‌مرزی»، «ویژگی‌های تولیدات نمایشی برای شبکه‌های برون‌مرزی»، «اهمیت و جایگاه ذائقه مخاطبان در محصولات رسانه‌ای برون‌مرزی»، «تحلیل محیط داخلی و محیط خارجی (نقاط فرصت و تهدید)»، «تدوین راهبردهای چهارگانه در تولیدات نمایشی (تهاجمی، رقابتی، محافظه‌کارانه و تدافعی)» و «اولویت‌بندی و احصای راهبردهای مطلوب برای تولیدات نمایشی در رسانه برون‌مرزی» از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.



## \* نقش آمریکا در تداوم اختلافات در دریای جنوبی چین و چشم‌انداز آن

در این پژوهش، به اهمیت دریای جنوبی چین، نگاه تاریخی و تأکید چین بر مالکیت بر این دریا، بررسی زمینه‌ها و علل بروز اختلافات میان کشورهای حوزه ساحلی این پهنه آبی، سیاست چین مبتنی بر تئوری موازنه نرم برای مقابله با هژمونی آمریکا، رویکردهای چین برای مقابله با سیاست تهاجمی آمریکا (جلوگیری از محاصره شدن دریایی)، علل همکاری برخی از کشورهای ساحلی با آمریکا علیه چین (تأمین امنیت ناشی از القاء چین‌هراسی واشنگتن)، تبیین سیاست‌ها و اهداف آمریکا در دریای جنوبی چین، برنامه نظامی آمریکا در دوره دونالد ترامپ و دامن زدن به بحران و مناقشه در دریای جنوبی چین، پرداخته شده است.

نویسنده: دکتر سید محمد باقر  
شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸

## \* چشم‌انداز مذاکرات هسته‌ای کره شمالی و آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ

بررسی اجمالی تاریخی ادوار مذاکرات هسته‌ای آمریکا و کره شمالی و دلایل شکست آنها، مذاکرات دوجانبه آمریکا و کره شمالی در دوره ترامپ، محورهای اصلی رویکرد ترامپ در قبال کره شمالی، مقایسه سیاست دونالد ترامپ با جرج بوش و باراک اوباما در قبال کره شمالی، تأثیر بحران کره شمالی بر انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰، رویکردها و مواضع بازیگران منطقه‌ای (ژاپن، کره جنوبی و چین) و فرامنطقه‌ای از جمله روسیه در قبال مسئله هسته‌ای کره شمالی و تحلیل نگاه آن‌ها به سیاست‌های ترامپ در این زمینه و دیدگاه‌های اندیشکده‌ها در خصوص مذاکرات هسته‌ای دو کشور از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.

## \* چشم‌انداز مناسبات ایران و پاکستان در دوره نخست‌وزیری عمران‌خان

نگاهی اجمالی به پیشینه روابط ایران و پاکستان، مروری بر شخصیت و ویژگی‌های عمران‌خان، زمینه‌ها و فرصت‌های همکاری دو جانبه و منطقه‌ای ایران و پاکستان در دوره عمران‌خان (در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، رسانه‌ای، درمانی، آموزشی، علمی و...)، موانع و چالش‌های روابط ایران و پاکستان در دوره فعلی (از جمله مداخلات آمریکا در افغانستان و پاکستان، داعش، مسئله طالبان، مدارس تکفیری و فرقه‌گرایی، امنیت در مناطق مرزی، نقش مخرب عربستان سعودی، نگرش منفی اسلام‌آباد به بندر چابهار و حضور هند در آن و...)، چشم‌انداز مناسبات روابط ایران و پاکستان در دوره عمران‌خان بر اساس سناریو پردازی و دیدگاه اندیشکده‌های جهانی به مناسبات ایران و پاکستان در دوران نخست‌وزیری عمران‌خان از جمله مطالبی است که در این پژوهش بررسی شده‌اند.



### \* چشم‌انداز روابط ترکیه و آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ

این پژوهش، به بررسی پیشینه روابط ترکیه و آمریکا، واکاوی ابعاد و مصادیق همکاری‌ها و چالش‌های ترکیه و آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ در سطوح دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، تحلیل اهمیت نقش و جایگاه ترکیه در معادلات منطقه‌ای در دوره ترامپ، تبیین جایگاه ایران در روابط ترکیه و آمریکا، کالبدشکافی رویکرد آمریکا در عملیات چشمه صلح ترکیه در سوریه، بررسی رفتارهای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال روابط ترکیه و آمریکا، شناخت مناسبات آمریکا و ترکیه در دوره ترامپ از دیدگاه اندیشکده‌های معتبر و تعدادی از صاحب‌نظران بین‌المللی و سناریوپردازی درباره مناسبات ترکیه و آمریکا در دوره ترامپ پرداخته است.

### \* ابعاد نقض حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توسط آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ

نقش و جایگاه ایالات متحده در تخریب محیط‌زیست جهانی، منابع معاهده‌ای و عرفی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، اصول و قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست (از جمله اصل منع استفاده زیان‌بار از محیط‌زیست، اصل همکاری، اصل احتیاط، اصل پرداخت توسط کشور آلوده‌ساز و ...)، حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به‌مثابه حق حیات و حقوق بشر، نقش معاهدات زیست‌محیطی در جلوگیری از بحران‌های زیست‌محیطی، تعهدات معاهده‌ای آمریکا در حوزه محیط‌زیست و ابعاد و مصادیق نقض آن در دوره ترامپ، رویکرد دولت فعلی آمریکا به پیمان‌های زیست‌محیطی و ابعاد و مصادیق نقض آنها (از جمله اعلامیه استکهلم، پیمان بازل، کنوانسیون وین، پروتکل مونترال، اعلامیه ریو، پیمان پاریس، کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با بیابان‌زایی و ...)، ارتباط تغییرات گسترده در قوانین زیست‌محیطی آمریکا با نقض حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در دوره ترامپ، تعهدات عرفی کشورها (آمریکا) در حوزه محیط‌زیست و ابعاد و مصادیق نقض آن در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، جنگ محیط‌زیست و نفت در آمریکا، رویکرد رئیس‌جمهور آمریکا به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از دیدگاه اندیشکده‌ها و صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.

### \* تبیین نقش و جایگاه ایران در امنیت تنگه هرمز با تأکید بر دکترین دفاعی ایران

پژوهشگران واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی، در این تحقیق به تبیین رویکرد دفاعی ایران در قبال تامین امنیت تنگه هرمز، تبیین ابعاد سیاسی و اقتصادی نقش ایران در

امنیت تنگه هرمز، بررسی امنیت تنگه هرمز بر امنیت انرژی بین‌المللی و نقش ایجابی ایران در این خصوص، تبیین نقش منفی نیروهای فرامنطقه‌ای در تنگه هرمز و به خطر انداخته شدن امنیت دریانوردی و کشتیرانی از سوی آنها، واکاوی تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلاف نظامی دریایی در منطقه خلیج فارس، شبهه‌افکنی رسانه‌ای محور غربی-عبری-عربی در مورد رویکرد ایران در تامین امنیت تنگه هرمز، اهمیت تنگه هرمز از منظر سیاسی، امنیتی، اقتصادی (ترانزیتی و انرژی)، فرهنگی و اجتماعی، رویکرد ایران و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (آمریکا، اروپا، چین، روسیه و کشورهای عربی خلیج فارس) درباره امنیت تنگه هرمز، دیدگاه اندیشکده‌ها و صاحب‌نظران بین‌المللی در مورد امنیت تنگه هرمز، تبیین طرح «صلح هرمز» و اهداف آن به همراه ارایه رویکردهای رسانه‌ای توجه کرده‌اند.

### \* ماهیت جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه و چشم‌انداز جنبش‌های مشابه در اروپا

این پژوهش به کالبدشکافی ویژگی‌ها و ابعاد جنبش جلیقه‌زرها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی)، واکاوی زمینه‌ها و بسترهای (کوتاه‌مدت و بلندمدت) تکوین و قدرت‌گیری جنبش جلیقه‌زرها، تحلیل روند تاریخی وقایع و سیر تحول جنبش جلیقه‌زرها، تبیین پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جنبش (از منظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و رسانه‌ای)، آمار توصیفی و تحلیلی صدمات جانی و مالی در اثر جنبش جلیقه‌زرها، تحلیل وجوه شباهت و تفاوت جنبش‌های سال‌های اخیر در اقصی نقاط جهان با این حرکت، تبیین نسبت آن با ماهیت و سازوکار نظام سرمایه‌داری غربی در فرانسه، بررسی جنبش جلیقه‌زرها از دیدگاه اندیشکده‌های جهانی و صاحب‌نظران بین‌المللی، بررسی رویکردهای دولت فرانسه و ماکرون نسبت به مطالبات جنبش مردمی، چشم‌انداز جنبش و تأثیرات آن بر حرکت‌های مشابه در کشورهای اروپایی و غیراروپایی پرداخته است.

### \* چابهار، شاهراه همکاری و همگرایی منطقه‌ای

دلایل اهمیت منطقه چابهار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی (از جمله توسعه داخلی، افزایش قدرت اقتصادی، محرومیت‌زدایی و تأثیر در اقتصاد منطقه، دسترسی آسان کشورهای مختلف به آب‌های آزاد)، تأثیر منطقه آزاد چابهار بر جایگزینی تنگه هرمز، نقش چابهار در توسعه همکاری منطقه‌ای به‌ویژه بین کشورهای شرق و غرب آسیا و آسیای مرکزی، رویکرد کشورهای مختلف در مورد چابهار (هند، روسیه، افغانستان، پاکستان، چین، شورای همکاری خلیج فارس، آمریکا، اتحادیه اروپا)، بررسی میزان تقابل چابهار با بنادر گوادر و فجیره، نقش هم‌تکمیلی چابهار



در توسعه اقتصادی منطقه، ظرفیت‌های چابهار در تقویت همکاری و همگرایی منطقه‌ای (ازمنظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی)، چابهار و تحریم‌های یکجانبه آمریکا، پتانسیل‌های چابهار در تقویت همکاری منطقه‌ای ازمنظر اندیشکده‌های جهانی و صاحب‌نظران به همراه ارایه رویکرد رسانه‌ای از جمله سرفصل‌های این پژوهش است.

### **\* استفاده ابزاری آمریکا از دلار و چشم‌انداز آن**

مطالب مهمی مانند جایگاه دلار در نظم نئولیبرالی مطلوب آمریکا، هژمونی پولی و منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا، شیوه‌های استفاده ابزاری آمریکا از دلار در تعاملات جهانی و واکنش‌های تقابلی قدرت‌های تجدیدنظر طلب از جمله چین و روسیه، مصادیق استفاده ابزاری آمریکا از دلار در معادلات جهانی، نقش دلار در پیشبرد جنگ تعرفه‌ای ترامپ، تبعات استفاده ابزاری آمریکا از دلار بر اقتصاد جهانی، راهکارهای کشورها برای مقابله با سلطه دلار (از جمله تأسیس پیمان‌های پولی دو و چند جانبه، جایگزینی اقتصاد سه پایه مبتنی بر یوان-روبل و یورو به جای دلار و ...)، دیدگاه‌های اندیشکده‌ها و صاحب‌نظران در خصوص استفاده ابزاری آمریکا از دلار، روند پژوهی جایگاه دلار، چشم‌انداز استفاده ابزاری آمریکا از دلار در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ و رویکردهای رسانه‌ای برای شبکه‌های برون‌مرزی در این پژوهش تحلیل شده است.

### **\* راهکارهای رسانه‌ای برون‌مرزی برای بهره‌برداری از اشتراکات ایران و تاجیکستان برای توسعه مناسبات**

نگاهی مختصر به پیشینه روابط جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان، تبیین چالش‌ها، سوء تفاهات و اختلافات دوجانبه در روابط ایران و تاجیکستان از سال ۲۰۱۵ میلادی، عوامل مؤثر در واگرایی میان تاجیکستان و ایران در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، رویکرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درباره روابط تهران و دوشنبه، نقش و تحرکات عربستان سعودی برای تخریب مناسبات تهران و دوشنبه در سال‌های اخیر، تبیین اشتراکات و پیوندها میان ایران و تاجیکستان در زمینه‌های فرهنگی و زبانی، نژادی، تمدنی، تاریخی و دینی، منافع و پیوندهای اقتصادی مشترک ایران و تاجیکستان، اهمیت همکاری‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای ایران و تاجیکستان، منافع و پیوندهای سیاسی مشترک ایران و تاجیکستان، مناسبات ایران و تاجیکستان ازمنظر اندیشکده‌ها و صاحب‌نظران بین‌المللی و چشم‌انداز توسعه مناسبات تهران و دوشنبه از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.



## \* نقش آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در بحران لیبی و سودان

کارشناسان واحد پژوهش‌های کاربردی، در این پژوهش به اهمیت و علل و اهداف دخالت محور غربی-عبری-عربی در لیبی و سودان، علل سقوط «حاکمان تسلیم شده به غرب» در لیبی و سودان، تبیین پروسه یا پروژه بودن بحران‌های لیبی و سودان، دیدگاه‌های اندیشکده‌های بین‌المللی در خصوص نقش آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی در بحران لیبی و سودان پرداخته و خطمشی‌های رسانه‌ای ارائه کرده‌اند.

### \* رویکرد آمریکا به نفت شیل (با تأکید بر تبعات زیست‌محیطی)

در این تحقیق به ارزیابی واقعی از توان و ظرفیت نفت و گاز شیل برای تأثیرگذاری بر بازار جهانی انرژی، شناخت دشواری‌ها و هزینه‌های فرایندهای استخراج و فراوری نفت شیل، تشریح اهداف آمریکا (اقتصادی-انرژی، سیاسی، ژئوپلیتیکی و...) از بزرگنمایی نفت شیل در قالب واژه‌سازی‌هایی نظیر انقلاب نفتی شیل، تبیین محورهای تبلیغاتی رسانه‌های آمریکا درباره منابع نفتی شیل، کالبدشکافی ابعاد و تبعات زیست‌محیطی استخراج نفت شیل و نقض قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در این خصوص در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، بررسی بیماری‌های ناشی از استخراج نفت شیل مانند سرطان و ایجاد مشکل در تولد کودکان، واکاوی تبعات استخراج نفت شیل از دیدگاه اندیشکده‌های جهانی و صاحب‌نظران بین‌المللی و داخلی، تحلیل ارتباط بین استخراج نفت شیل و افزایش زمین لرزه‌ها، تبیین رویکرد کشورها به استخراج نفت شیل از منظر مباحث زیست‌محیطی و چشم‌انداز استخراج نفت شیل در آمریکا توجه شده است.

### \* راهکارهای رسانه‌ای شبکه‌های برون‌مرزی برای تقویت صنعت گردشگری ایران

دیپلماسی گردشگری و ارتباط آن با دیپلماسی رسانه‌ای، نقش دستگاه دیپلماسی رسانه‌ای در ترویج گردشگری، تعریف گردشگری و انواع آن، جایگاه صنعت گردشگری در ایران، نگاهی به تجارب رسانه‌ای و دیپلماسی گردشگری در کشورهای فرانسه، مالزی و ترکیه، نگاه رسانه‌ای به جاذبه‌های گردشگری ایران، جاذبه‌های گردشگری ایران از منظر رسانه‌های خارجی، موانع و چالش‌های دیپلماسی گردشگری جمهوری اسلامی ایران، اهمیت و ضرورت‌های تأسیس شبکه بین‌المللی گردشگری و نقش رسانه‌های برون‌مرزی در ترویج گردشگری از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.



### **\* ابعاد، اهداف و تأثیرات تحرکات فرانسه در غرب آفریقا و چشم‌انداز آن**

بررسی مناسبات کشورهای منطقه غرب آفریقا با فرانسه، واکاوی انگیزه‌ها و اهداف مداخله نظامی پاریس در این منطقه، چالش‌های پیش روی فرانسه در غرب آفریقا، رویکرد متفاوت جریان‌های سیاسی غرب آفریقا به تحرکات نظامی فرانسه، استعمار نوین فرانسه و راهبردهای جدید سیاسی، اقتصادی و نظامی پاریس در غرب آفریقا از دیدگاه اندیشکده‌ها و صاحب‌نظران، رویکرد دوگانه فرانسه به گروه‌های تروریستی در منطقه، اشکال حضور نظامی فرانسه و پایگاه‌های این کشور و چشم‌انداز سیاست پاریس در غرب آفریقا، در این پژوهش بررسی و تحلیل شده‌اند.

### **\* وضعیت کارگران کشورهای جنوب شرق آسیا در عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس**

حقوق کارگران خارجی در اسناد عام و خاص حقوق بین‌الملل بشر، نگاه آماری به کارگران خارجی و نقش کارگران جنوب شرق آسیا در اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، جایگاه و وضعیت حقوقی کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و رویکرد کشورهای منطقه به آنها، تبیین ابعاد و مصادیق نقض حقوق بشر کارگران جنوب شرق آسیا در عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس با توجه به کنوانسیون سال ۱۹۹۰ حمایت از حقوق کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها، ارزیابی نهادهای بین‌المللی از وضعیت حقوق کارگران جنوب شرق آسیا در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، وضعیت حقوق کارگران جنوب شرق آسیا از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی و سناریوهای مرتبط با موضوع پژوهش از منظر آینده‌پژوهی از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.

### **\* زمینه‌ها، ابعاد و اهداف فعالیت سمن‌های غربی در افغانستان و تأثیرات فرهنگی آن**

سمن‌ها، ابزار نفوذ فرهنگی غرب در افغانستان؛ شناخت و معرفی مهم‌ترین سمن‌ها و نهادهای غربی در افغانستان (از جمله آژانس بین‌المللی توسعه ایالات متحده آمریکا USAID، انستیتو طبی کودکان، پزشکان بدون مرز، کمیته سوئدی برای افغانستان، کمیته نروژ افغانستان، مؤسسه آلمانی هلپ، سازمان کمک‌رسانی بریتانیا آکسفام، مؤسسه زنان کانادا برای زنان افغانستان)؛ بررسی اهداف سازمان‌های مردم‌نهاد در افغانستان؛ تهاجم فرهنگی و انتقال ارزش‌های غربی؛ زمینه‌های داخلی نفوذ فرهنگی غرب در افغانستان؛ چالش‌های فرهنگی لیبرالیسم و سنت‌های ملی و اسلامی افغان‌ها؛ راه‌های نفوذ فرهنگی غرب در افغانستان (از جمله رادیو و تلویزیون،

شبکه‌های اجتماعی - اینترنت و فعالیت‌های گسترده «سمن‌ها»؛ دموکراسی و ریاکاری غرب؛ حوزه موضوعی فعالیت نهادهای غربی و دیدگاه افغان‌ها درباره آنها (ازجمله تعلیم و تربیت، بهداشت و درمان، فعالیت‌های توسعه‌ای، سمن‌های غربی و زنان افغانستان، سمن‌های غربی و تبلیغ مسیحیت در افغانستان، سمن‌های غربی و محیط‌زیست افغانستان، سمن‌های غربی و حقوق بشر در افغانستان؛ سمن‌های غربی در نگاه افغان‌ها؛ فعالیت سمن‌های غربی در افغانستان از دیدگاه اندیشکده‌های جهانی و صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی از جمله ارکان اصلی این پژوهش است. در انجام این پژوهش با هفده تن از کارشناسان برجسته ایرانی و افغانستانی مصاحبه شده است.

### \* فعالیت تکفیری‌ها در بالکان و چشم‌انداز آن

اسلام سیاسی و آرایش نیروهای تکفیری در بالکان، «حلقه وین»، «پاراجاماعت‌ها» و حلقه «نصرت امام‌ووچ» در بالکان، نهاد جامعه اسلامی در کشورهای بالکان، نقش کشورهای فرامنطقه‌ای (عربستان سعودی، قطر و ترکیه) در تقویت گروه‌های وهابی، تکفیری و افراطی، رویکرد آمریکا، رژیم صهیونیستی و اروپا به فعالیت تکفیری‌ها در بالکان، بازگشت تروریست‌های بالکانی عضو داعش، چشم‌انداز فعالیت گروه‌های تکفیری در بالکان، نحوه بازنمایی جریان‌های تکفیری بالکان در رسانه‌های کشورهای این منطقه، شیوه‌های ترویج تکفیر در منطقه بالکان، تقابل ایدئولوژی تکفیر با اسلام ناب محمدی در عرصه رسانه، راهبردهای مقابله با جریان‌ها و اندیشه‌های افراطی در بالکان از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.

### \* نظرسنجی از دانشجویان دانشگاه‌های بیروت درباره شبکه‌های العالم، الکوثر و آی فیلم عربی

این نظرسنجی با هدف بررسی تعداد مخاطبان در قشر تحصیل‌کرده و از طریق توزیع پرسشنامه در میان صد نفر از دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در چهار دانشگاه بیروت شامل دانشگاه اسلامی لبنان (الجامعة الاسلامیة فی لبنان)، دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB)، دانشگاه آمریکایی لبنان (LAU)، دانشگاه لبنان (الجامعه اللبنانیة) انجام گرفته است.

### \* هیدروپلیتیک ترکیه در حوضه آبریز دجله و فرات و تأثیر آن بر منطقه (با تأکید بر رویکرد رسانه‌ای)

هیدروپلیتیک ترکیه در حوضه آبریز دجله و فرات و تبعات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن، پیامدهای پروژه‌های آبی ترکیه از جمله آغاز آبیگری سد ایلیسو بر عراق، سوریه و ایران، مواضع ترکیه،



سوریه، عراق و ایران در قبال پروژه‌های سدسازی ترکیه، پیامدهای اجرای کامل پروژه گاپ در حوزه‌های زیست محیطی، انسانی، امنیت غذایی و اقتصادی، نقش رژیم صهیونیستی در هیدروپلیتیک ترکیه و تحلیل موضوع از منظر صاحب‌نظران بین‌المللی، از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.

### \* درآمدی بر سطح‌بندی زبان‌های رادیویی برون مرزی

نگاهی به سیر تطور و توسعه زبانی رادیوهای برون مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، نظرات مراکز، نهادها، واحدها، اساتید دانشگاهی و زبان‌شناسان در خصوص مولفه‌ها و شاخص‌های کیفی سطح بندی زبان‌های رادیوهای برون مرزی، از جمله ارکان اصلی این پژوهش است. در پژوهش «درآمدی بر سطح بندی زبان‌های رادیویی برون مرزی» با استفاده از روش پیمایشی و در قالب پرسشنامه‌ها و مصاحبه از مجموع نظرات برخی واحدها، نهادها، مراکز و مؤسسات و کارشناسان ذیربط بهره‌برداری شد و در مجموع ۱۶ شاخص و مؤلفه برای تعیین ضریب دشواری زبان تعریف، و بر اساس ضرایب مأخوذه، زبان‌های برون مرزی در چهار گروه سطح بندی شدند.

### \* رویکرد آمریکا در قبال ونزوئلا (گذشته، حال و چشم انداز آن)

جایگاه ونزوئلا در منطقه و جهان، عوامل رشد چپ‌گرایی در منطقه آمریکای لاتین، اهداف آمریکا در ونزوئلا در دوران اوباما و ترامپ، بررسی نقش کاراکاس در مبارزه با امپریالیسم در آمریکای لاتین، تحلیل نقش منابع طبیعی غنی ونزوئلا در تحریک آمریکا برای دخالت، نحوه، ابزارها و نتایج مداخلات آمریکا در آمریکای لاتین با تمرکز بر ونزوئلا، ریشه‌های بحران در ونزوئلا و عوامل تشدید آن در سال ۲۰۱۹، بررسی تحولات ۲۰۱۹ بولیوی و ارتباط آن با رویکردهای توطئه‌آمیز آمریکا علیه ونزوئلا، رویکرد اروپا، چین و روسیه به آمریکای لاتین و بحران ونزوئلا، سیاست رسانه‌ای غرب در بازنمایی تحولات و رویکرد آمریکا در قبال ونزوئلا از دیدگاه اندیشکده‌های جهانی و صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی، تاثیر تحولات ونزوئلا بر ایران از منظر معادلات انرژی و سناریوهای مرتبط با رویکرد آمریکا در قبال ونزوئلا از منظر آینده‌پژوهشی، از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.

### \* نگاهی کرونولوژیک به اعدام‌های دسته جمعی در عربستان سعودی

نگاهی کرونولوژیک به اعدام‌های دسته جمعی در عربستان سعودی بر اساس نمودارها و جداول، گزارش‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل و عفو بین‌الملل درباره مجازات اعدام در عربستان



سعودی، مهمترین توصیه‌های نهادهای حقوق بشری به رژیم آل سعود و پاسخ‌های این رژیم، توجیهات آل سعود برای اعدام شیعیان و مخالفان سیاسی، مقایسه تطبیقی عملکرد آل سعود در زمینه مجازات اعدام با آموزه‌های اسلام و بررسی ابعاد شباهت رفتاری و عملکردی آن با داعش در مجازات اعدام، تشابه ساختار قضایی رژیم سعودی با داعش و واکنش‌ها به آن به همراه پیشنهادها رسانه‌ای، از جمله فصول این پژوهش است.

### \* تحولات کشمیر در سال ۲۰۱۹ میلادی

پیشینه تاریخی منطقه کشمیر، وضعیت مسلمانان این منطقه، تحولات سال ۲۰۱۹ کشمیر، به همراه ارائه راهبردهای رسانه‌ای در این پژوهش به‌طور کامل بررسی شده‌اند.

### \* رویکرد هسته‌ای آمریکا در قبال عربستان سعودی در دوره ترامپ

پیشینه برنامه هسته‌ای عربستان سعودی، برنامه هسته‌ای عربستان سعودی در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رویکرد منفعت‌طلبانه ترامپ در قبال برنامه هسته‌ای عربستان سعودی، چالش‌های کاخ سفید در خصوص مسئله هسته‌ای عربستان سعودی، نگرانی‌ها از عدم پایبندی عربستان سعودی به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موسوم به NPT، اهداف اعلامی عربستان سعودی از برنامه هسته‌ای (تولید برق، آب شیرین کن، تربیت نیروی انسانی متخصص و کاهش تولید نفت)، انگیزه‌های غیراعلامی هسته‌ای عربستان سعودی با محوریت دستیابی به سلاح هسته‌ای بر اساس مدل پاکستانی، گزارش نهادهای تخصصی کنگره آمریکا از انتقال تجهیزات نظامی هسته‌ای به عربستان سعودی در دوره ترامپ و نقض مصوبه ۱۲۳ کنگره و برنامه هسته‌ای عربستان سعودی از منظر اندیشکده‌های جهانی و صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.

### \* دیگر آثار و فعالیت‌های واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی

واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما همچنین علاوه بر انتشار جلد اول کتاب رسانه‌های برون‌مرزی در جهان، راه‌اندازی سامانه مرکزی نظرسنجی ویژه شبکه‌های برون‌مرزی، تولید ده‌ها برنامه چندرسانه‌ای پژوهش‌مدار، برگزاری نشست‌های اندیشه‌ورزی و ده‌ها تحقیق با محوریت پژوهش‌های منتهی به برنامه‌سازی و پژوهش‌های معطوف به آسیب‌شناسی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌های برون‌مرزی را تولید یا در دست اقدام دارد. دکتر احمد کاظمی مدیر واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی اعلام کرد: «در جلد اول کتاب رسانه‌های برون‌مرزی در جهان، رسانه‌های برون‌مرزی در کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه،



ژاپن، ترکیه، قطر و عربستان سعودی از ابعاد مختلف از جمله «تبیین شیوه‌های فعالیت و انتقال پیام»، «حمایت‌های مالی، فنی و سیاسی- حقوقی دولت‌ها و مجالس قانون‌گذاری از فعالیت رسانه‌ای برون‌مرزی آنها»، «نحوه اختصاص بودجه و اعتبارات ویژه» و «ساختار سازمانی شبکه‌های برون‌مرزی کشورها» بررسی شده‌اند.

مدیر واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی همچنین با تأکید بر اهمیت نظرسنجی و مخاطب‌شناسی در کنار پژوهش افزود: «رسانه‌های برون‌مرزی به‌عنوان خط مقدم محور مقاومت در جنگ نرم، با دارا بودن ۳۴ رادیو، ۱۲ شبکه و کانال تلویزیونی، خبرگزاری بین‌المللی تصویری ایران‌پرس و وب‌سایت هوساتی‌وی و با چشم‌انداز توسعه، نیاز روزافزونی به سنجش ذائقه مخاطبان، افکارسنجی، روندسنجی، پژوهش‌های برنامه‌ای، پیمایشی و میدانی دارد». وی با تأکید بر اینکه تجمیع نمادین تمامی رادیوها و شبکه‌های برون‌مرزی در «سامانه مرکزی نظرسنجی» در عین توجه به تفکیک هر رادیو یا شبکه صورت گرفته و در نتیجه امکان فعالیت تخصصی نظرسنجی در هر حوزه زبانی به‌صورت مستقل و حرفه‌ای در قالب یک سامانه فراهم شده است، افزود: «تمامی زیرساخت‌ها و ظرفیت‌هایی که در اینترنت و فضای مجازی برای اخذ نظرسنجی از مخاطبان وجود دارد، در این سامانه پیش‌بینی شده است، به‌طوری که سامانه با به‌کارگیری روش‌های مدرن و ترکیبی و همراه با صرفه‌جویی، امکان نظرسنجی‌های علمی از مخاطبان در تمامی حوزه‌های رادیویی و تلویزیونی و تهیه گزارش‌های نظرسنجی در قالب‌های روزانه، هفتگی، ماهانه، روندسنجی سالانه و مقایسه‌ای را فراهم می‌سازد».

واحد پژوهش‌های کاربردی در طول نزدیک به سه دهه فعالیت، صدها پژوهش در حوزه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی با محوریت رویکردهای رسانه‌ای منتشر ساخته است. پژوهشگران علاقمند جهت آگاهی از فعالیت‌های این مرکز پژوهشی و فراخوان‌های آن می‌توانند به آدرس اینترنتی <http://arc.irib.ir/> مراجعه نمایند.





## *Abstracts*

### The Situation of Southeast Asian Workers in PGCC Countries (Proposing Media Recommendations)

**Seyyed Razi Emadi<sup>1</sup>**

#### **Abstract**

Southeast Asian workers constitute an important part of the population of the Member States of the GCC, including Saudi Arabia. Statistics for 2019 show that out of the approximately 56 million people living in the six Persian Gulf Cooperation Council countries; Saudi Arabia, the United Arab Emirates, Bahrain, Kuwait, Oman and Qatar, more than 21 million are foreign workers. In light of this situation, the main question of the present article is that in view of the provisions of international human rights instruments, including the Convention for the Protection of the Rights of Migrant Workers and their families, how is the Status of Southeast Asian Workers in the PGCC States especially in Saudi Arabia? This descriptive-analytical study was carried out using library, documentary and internet data as well as interviews with three Arab and Asian experts and scholars from the Islamic Republic of Iran who attended Qom University. The findings of the study show that foreign workers in these countries, especially in Saudi Arabia, face structural violence such as unfavorable working conditions, detention and torture, unfair judicial verdicts and widespread executions and are treated like slaves, but the custodial system make them deprived of their right to sue.

**Keywords:** Foreign Workers, Persian Gulf Cooperation Council, Saudi Arabia, Southeast Asia, IRIB World Service.

---

1. PhD in International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

## Functions and Challenges of Chabahar Free Zone in Creating Regional Convergence; Providing some Media Recommendations

Ziaeddin Sabouri<sup>1</sup>

### Abstract

Chabahar Free Zone in southeastern Iran is one of the most important free zones in the country which has significant functions. The main purpose of this article is to examine the functions and challenges of the Chabahar region in creating regional Cooperation. Accordingly, the central questions of the paper are as follows; What are the most important capabilities of the Chabahar region to create convergence between countries in the region? What are the challenges facing this region? What media solutions can be offered to introduce Chabahar's capacities and build cooperation between the countries around it? The findings of the article show that due to the common interest in enhancing economic cooperation among regional countries, it is possible to expand cooperation between active and involved actors in the Chabahar region. Connecting to international high seas, its capacity to replace the Strait of Hormuz and its role in India-Iran-Afghanistan-Russia interconnection are the most important capabilities of the Chabahar region for convergence. In contrast, extremism in the region, India-Pakistan divisions as well as the devastating role of the US and Saudi Arabia are among the most significant challenges. This article is written in a descriptive-analytical method.

**Keywords:** Chabahar Free Zone, Functionalism, Regional Cooperation, Media Recommendations.

---

1. PhD in International Relations and President of Iranian International Studies Association (IISA)



## The Role of IRIB World Service Media in Promoting Tourism Diplomacy of the Islamic Republic of Iran

Mehdi Taheri<sup>1</sup>

### Abstract

Tourism diplomacy is the focus of many countries, including Iran, for cultural and economic purposes. The main purpose of tourism diplomacy, which is considered part of cultural diplomacy, is to strengthen soft power. More clearly, tourism diplomacy seeks to improve the image of a country in the international system by attracting tourism and cultural communication. Given the US financial and oil sanctions against Iran, paying attention to the tourism sector can be of great benefit to Iran. Accordingly, the pathology of Iranian tourism diplomacy, focusing on understanding the challenges and obstacles in this field and presenting media solutions, constitutes the main objective of this paper, which is a descriptive-analytical one. The results of this study show that by adopting a proactive approach and optimum use of media in tourism diplomacy, it can reduce the tensions with some countries, increase foreign exchange earnings from tourism and soft power of Iran. In this process, the role of Cross-border media in presenting the country's tourist attractions and attracting foreign tourists is undeniable. Accordingly, suggestions have been made for the IRIB World Service.

**Keywords:** Cultural Diplomacy, Tourism Diplomacy, World Service Media, Illustration, National Interest, Soft Power.

---

1. PhD in Cultural Policy, Faculty Member of Mavlavii Institute of Higher Education, Tehran, Iran

## Prospects for US-North Korean Talks in Trump Period Until the 2020 US Elections (Proposing Media Approaches)

Behnam Khosravi<sup>1</sup>, Aboozar Gohari Moghadam<sup>2</sup>

### Abstract

The United States has always been a major player in North Korea's nuclear case, and since the crisis in the 1990s, it has begun a process of pressure and sanctions while negotiating aiming at disarming North Korea. With the advent of Donald Trump presidency, at first the level of tension and the likelihood of war increased, but as he enters his second year in office, while reducing tensions, totally three rounds of talks between Trump and Kim Jong Un were held. The main question of the present article is, "Given Trump's stance, regional, global developments, and the approach of the relevant actors, what is the prospect of the North Korean nuclear crisis before the US presidential election"? The article has studied three scenarios: The probable scenario (continuation of the current situation), the possible scenario (increasing tension) and the optimal scenario (reaching agreement). The paper's findings suggest that by the end of the Trump presidency in 2020, the most likely event is the continuation of the status quo and the impossibility of concluding an agreement. The probable scenario, while anticipating lower levels of tension in the region, underestimates the possibility of North Korea's nuclear and missile disarmament and, given factors such as China-US strategic rivalries, reaching a comprehensive agreement.

**Keywords:** Nuclear Crisis, Nuclear Disarmament, Donald Trump, US Foreign Policy, Korean Peninsula, IRIB World Service.

---

1. PhD student of Political Studies of Islamic Revolution, Shahed University, Tehran  
(Corresponding Author)

2. Associate Professor, Imam Sadiq University, Tehran



## Trump's Approach to International Environmental Law; Proposing Media Policies

Abbas Masnavi<sup>1</sup>, Mohammad Hussein Ramezani Ghavam Abadi<sup>2</sup>

### Abstract

Nowadays, environmental crises are one of the major concerns of people, governments and international organizations. These crises endanger the continued existence of human beings on earth and create responsibility for governments. Since 1972, The International Environmental Law attracted the attention of most countries followed by the conference held in Stockholm, which was also developed with an aim to protect the environment and trigger the global responsibility of environment protection. The United States, as one of the great powers of the international system that has a significant impact on the environmental crises, has always strived to accept the least environmental constraints and responsibilities. Trump's environmental policies reflect the US policies in confrontation with international environmental law and has raised concerns among the environmentalists. In present study, while identifying the key components of international environmental law, the United States behavior as well as its legal and customary conflict with international environmental law are examined, and the impact of the US President's environmental policies on the global environment is evaluated.

**Keywords:** International Environmental Law, America, Donald Trump, Violation of International Environmental Obligations, Liability, Media Coverage.

---

1. PhD student in International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Corresponding University (Corresponding Author)

2 . Associate Professor of International Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

## A Comparative Study on Press TV and CNN Websites News Coverage of US Withdrawal from JCPOA

Abbas Nasser Taheri<sup>1</sup>, Ahmad Shirzadian<sup>2</sup>

### Abstract

With the Withdrawal of the United States from the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), each of the Press TV and CNN websites for news coverage of the event were in the confrontational field of views, frameworks, media priorities, sovereignty and cultural context of its own country and presented a large volume of data to the audience in accordance with online journalism capacities and in line with their media policy. The purpose of this study is to compare the news coverage of the "US Withdrawal from JCPOA" on Press TV and CNN websites. In this study, a quantitative content analysis method has been used. The statistical population includes all the news published since the announcement of the US Withdrawal from JCPOA within 20 days from that time. The results showed that both websites reflected on the issue of America's withdrawal from JCPOA with more political view. The orientation of the Press TV 's website was largely negative but CNN's was more neutral. Both websites have highlighted their country's official voice in their high priority, showing that they have performed political service. "The European adherence to JCPOA" has been the most prominent issue on Press TV website by 28.7 %, and "Donald Trump's false action on the American withdrawal from JCPOA" on CNN's website by 30.8 %. CNN's Website has taken advantage of the multimedia convergence capacity to deliver maximum information to the audience in the confined space of the website.

**Keywords:** Press TV, CNN, US Withdrawal from JCPOA, News Coverage, Online Journalism, News website.

---

1 . Assistant Professor at IRIB University, Tehran. Iran

2 . MA of Journalism at IRIB University, Faculty of Journalism. Thran. Iran (Corresponding Author).



## Appropriate Drama Production Strategies for IRIB World Service Media Audiences

Mahmoud Torabi Aghdam<sup>1</sup>

### Abstract

Dramas are the most popular and complex media product. Therefore they are produced and distributed by IRIB World Service, as a media with active capacity in regional and trans-regional cultural trends, requires formulating effective strategies. So, the purpose of this paper is to propose favorable strategies for making dramas in IRIB World Service. To achieve this goal, the opinions of 11 experts were extracted and edited within the SWOT Matrix. The number of experts is determined by "chain sampling" and "theoretical saturation" index. Separating and merging comments from "in-depth interview", the "Permanent Comparison" technique is used. A total, 24 strategies were formulated and explained in four categories of offensive, competitive, conservative and defensive strategies. Then they prioritized based on current conditions and requirements in IRIB World Service. These are the most important of these strategies: making dramas with the brand "Clean, Healthy and Halal", strengthening and completing the structure of the manpower, getting enough funding, utilizing civilizational, discourse and cultural sharing with different countries, setting up a specialized teamwork to provide advice to making drama groups, supporting and cooperating with compatible regional and international agents, groups, unions and centers that are active in the arts and media. the result of the paper shows that aggressive strategies are prioritized over other strategies, although a combination of all strategies will be helpful at different situations.

**Keywords:** Drama Production, IRIB World Service, SWOT Matrix, International Audiences, IRIB.

---

1. Researcher in IRIB World Service Applied Researches Center, PhD student of art research at Tarbiat Modarres University

## Saudi Arabia's International Crimes in Yemen and the Role ICC (With an Emphasis on IRIB World Service Missions)

Ahmad Kazemi<sup>1</sup>

### Abstract

Saudi Arabian leaders and military commanders in a military offensive against Yemen that has begun on March 5, 2015, in addition to assisting in the use of illicit weapons such as cluster bombs, phosphorus and heat bombs, they have bombed civilian areas, religious, historical, educational centers, hospitals, schools, mosques and markets. Despite international warnings, Saudi Arabia's Yemeni land, air and sea siege causes food shortages, drugs and famine. Investigations of crimes committed by Mohammed bin Salman and other senior Saudi commanders in Yemen indicate the commission of international crimes including war crimes, crimes against humanity and genocide. The material and spiritual elements of these crimes are so obvious that there is some consensus in committing them, Because the Saudi leaders deliberately, with a view to reaching a specific conclusion, grossly violating international humanitarian law, including the Fourth Geneva Conventions and The Hague Rules, according to Article 8 of the Rome Statute they have committed war crimes in Yemen and so they have individual criminal responsibility. The purpose of this article is to investigate the international crimes committed by the Saudi Coalition in Yemen based on the theory of personal (genuine) international criminal responsibility? Using a descriptive-analytical method, the findings of the paper indicate that due to Saudi Arabia's and Yemen's non-membership in the International Criminal Court, the Tribunal has jurisdiction to investigate these crimes only if the matter is referred to it by the Security Council. Also nationals of some member states of the Court including; Chad, Niger and Senegal involved in Saudi alliance against Yemen and involved in crimes. As a result, the Court's prosecutor, with an independent legal approach, can begin investigations in this regard. IRIB World Service Media can turn this into a worldwide demand from the Security Council and the International Criminal Court.

**Keywords :** Yemen, International Criminal Court, War Crimes, Crime against Humanity, Mohammad bin Salman, Jurisdiction, IRIB World Service.

---

1. PhD in Public International Law and Media Researcher



## US Instrumental Use of the Dollar; Goals, Consequences, Reactions; Providing Media Approaches

Mehdi Hedayati Shahidani<sup>1</sup>

### Abstract

After World War II, using its national currency, the dollar, the United States intervened repeatedly in international trends, as the dollar has always been a tool for Washington's purposes. The key question is, then, what is the role and function of the dollar in achieving US goals in the international political and economic system? In response, the author's hypothesis is that the United States has used the dollar in the international system to strengthen the idea of monetary hegemony at various political, economic, military, and cultural levels. The monetary hegemony as an "economic and political tool" has enabled the US to control the function of the international monetary system. Using global macroeconomic trends analysis, and with a descriptive-analytical method, this article explains the position of the dollar in global economic interactions, the consequences of the US instrumental use of this currency in the international arena, and global reactions about it, like efforts of Russia, China and Iran for De-Dollarization and bilateral or multilateral financial treaties. Due to the rising speed of such reactions, the collapse of dollar strength in the future can be predicted.

**Keywords:** US, Monetary Hegemony, De-Dollarization, Financial Treaties, IRIB World Service.

---

1. Assistant Professor of International Relations, Department of Political Science, University of Guilan, Rasht, Iran

## Requirements for a Favorable Media Cooperation between Persian-Speaking Countries

Mohammad Gholi Minavand<sup>1</sup>, Aref Jafari Chegeni<sup>2</sup>

### Abstract

The media are a very influential element in cultural diplomacy between countries to foster a shared cultural identity and to create convergence between nations. This study seeks the introduction of requirements of desired media cooperation between Persian-speaking countries (Iran, Afghanistan, Tajikistan) to develop media designs in the form of production and distribution of media products. In this study, by interviewing the elites, the necessary information was collected. Then, the qualitative data obtained from interviews with experts and media experts, especially experts and media workers in the field of countries who speak Persian; these data will be analyzed through thematic analysis method. In this regard, using qualitative research coding software (MAX QDA) data and codes are categorized into sub-categories and presented in tables. The themes are summarized in three main categories: "Strengths in the performance and media structure of the three countries, weaknesses in the performance and media structure of the three countries and necessities of favorable media cooperation between the three countries". According to the findings, we can focus on the cultural and ethnic issues of Persian-speaking countries, producing and distributing media products in the domestic media of these countries. The process of media cooperation between Persian-speaking countries should be based on the creation of a support unit and a mechanism for the exchange of radio and television programs as a diverse and applied database for the production and broadcasting of programs for Persian-speaking audiences.

**Keywords:** Iran, Afghanistan, Tajikistan, Media Cooperation, Joint TV Network.

---

1. Associate Professor of Political Science, IRIB University, Tehran, Iran

2. M.A. in Communication Research, IRIB University, Tehran, Iran (Corresponding Author)



## Racial Discrimination in the United States During the Trump Presidency; Causes, Backgrounds and Providing Media Strategies

Majid Rouhi Dehboneh<sup>1</sup>

### Abstract

The issue of racial strife in America has a long, historical background. Although US have been struggling with this phenomenon since its inception, it has seriously challenged American political life in recent months and days, especially after the events in Charlottesville and Trump's rhetoric and actions. Therefore, this paper with a descriptive-analytical approach raises the key question that what causes and factors have contributed to the escalation of racial strife in America since 2016 and how can it be explained? Some of the causes of the escalation of these conflicts are rooted in structural problems that lie within the educational, judicial, political, economic, and social structures of the United States and it has existed since its inception and has continued. Another important part is related to Trump's character and personality, his thoughts and actions, his views of white people, as well as his support of far-right groups. This phenomenon can have important repercussions in both domestic and international dimensions, from the intensification of bipolar space to the widening structural, gender, class divisions, to the decline of soft power and America's place in the international system.

**Keywords:** Racism in USA, Trump and Trumpism, Liberal Democracy, Media Strategies.

---

1. Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Rasht Branch

## The Yellow Vest Movement in France; Contexts, Trends, Implications and Suggestions for Media Coverage

Mohammad Reza Dehshiri<sup>1</sup>, Farideh Karimi Mehr<sup>2</sup>

### Abstract

The yellow vest movement represents the protests of the weak and middle classes of French society to the economic and tax policies of President Emmanuel Macron and has been the outcome of increasing social gaps in this country. Therefore, the present paper, through a qualitative method of descriptive-analytic type, explains why the vest yellow movement in France has been formed and how was its impact on the political life of France at national and transnational levels. Reviews and findings of this article demonstrates that this movement is unprecedented in terms of continuation and violence rate in the Fifth Republic of France and has resulted in political, economic, social and security consequences for France. The 10 percent reduction of touristic trips to France, the rate of police violence, attack on bank branches and commercial centers, firing the cars, the increasing level of public request from the government and the protesting demonstrations among different segments of society, the increase in the popularity of the far right party (National Front) and a dramatic increase in suicide of the French police forces are among the internal implications of the yellow vest movement. At the external level, one can enumerate the consequences such as: weakening the international position of President Macron, especially from the perspective of environmental policies, the rise of Trump's interventionist speeches regarding the internal affairs of France and the European Union as well as the inspiration of this movement for similar movements in Palestine, Tunisia and Egypt.

**Keywords:** Yellow Vests, New social movement, Emmanuel Macron, France, Media Coverage.

---

1. Associate Professor of Political Science, Faculty of International Relations, Tehran, Iran (Corresponding Author)

2. M.A. in French Language & Literature, Ferdousi University, Mashhad, Iran



| فرم ارزیابی مقاله |                                                                                          |         |        |               |
|-------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|---------|--------|---------------|
| ردیف              | معیار                                                                                    | توضیحات | امتیاز | حداکثر امتیاز |
| ۱                 | تناسب محتوای مقاله با عنوان                                                              |         |        | ۵             |
| ۲                 | نحوه طرح مسئله و ارتباط آن با موضوع                                                      |         |        | ۱۰            |
| ۳                 | نحوه سازماندهی مقاله و ارتباط منطقی میان بخش‌ها                                          |         |        | ۱۰            |
| ۴                 | روش‌شناسی                                                                                |         |        | ۱۰            |
| ۵                 | تحلیل راهبردی مسئله و تجزیه و تحلیل داده‌ها                                              |         |        | ۱۰            |
| ۶                 | تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران                                                 |         |        | ۱۵            |
| ۷                 | تبیین سناریوهای محتمل درباره موضوع و نتیجه‌گیری                                          |         |        | ۱۰            |
| ۸                 | دستیابی به یافته‌های کاربردی برای دستگاه دیپلماسی عمومی کشور به‌ویژه رسانه‌های برون‌مرزی |         |        | ۱۰            |
| ۹                 | رعایت قواعد علمی نگارش                                                                   |         |        | ۱۰            |
| ۱۰                | اعتبار منابع و مأخذ                                                                      |         |        | ۱۰            |
| جمع امتیازها      |                                                                                          |         |        | ۱۰۰           |

### **Members of Editorial Board (in alphabetical order)**

- **Dr. Amir Mohammad Haji Yousefi** Associate Professor at Shahid Beheshti University (International Relations)
- **Dr. Tavakol Habib Zadeh** Associate Professor at Imam Sadiq (A.S) University (International Law)
- **Dr. Hassan Khojasteh Bagherzadeh** Associate Professor at IRIB University (Strategic and Radio Management)
- **Dr. Ali Rajab Zadeh Tahmasebi** Associate Professor at IRIB University (Art Research and TV Programs)
- **Dr. Mojtaba Razavi Toosi** Associate Professor at IRIB University (Islamic Education and Advertising)
- **Dr. Mohammad Hossein Ramezani Ghavam Abadi** Associate Professor at Shahid Beheshti University (International Law)
- **Dr. Sivash Salavatian** Assistant Professor at IRIB University (Media Management)
- **Dr. Hakem Ghasemi** Associate Professor at Imam Khomeini (R.A) International University, Qazvin (Political Science)
- **Dr. Seyyed Mohamamd Marandi** Associate Professor at Tehran University (North American Studies and English Literature)
- **Dr. Davood Nemati Anaraki** Associate Professor at IRIB University (Communication)

### **Scientific Advisors (in alphabetical order)**

- |                                             |                                                                                                   |
|---------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------|
| • Dr. Abouzar Ebrahimi Torkaman             | PhD in Law, Head of Islamic Culture and Communication Organization                                |
| • Dr. Hossein Ahmadi                        | Assistant Professor at Islamic Azad University                                                    |
| • Dr. Hadi Ajili                            | Assistant Professor at Allameh Tabatabaei University (International Relations)                    |
| • Hassan Beheshti Pour                      | Senior Expert in Strategic Affairs                                                                |
| • Dr. Mohammad Bagher Khoramshad            | Professor at Allameh Tabatabaei University (Political Science)                                    |
| • Dr. Seyyed Jalal Dehghani<br>Firouz Abadi | Professor at Allameh Tabatabaei University (International Relations)                              |
| • Dr. Jafar Abdolmaleki                     | PhD in Cultural Sociology                                                                         |
| • Dr. HamidReza Azizi                       | Assistant Professor, Institute of Regional Studies, Shahid Beheshti University (Regional Studies) |
| • Sohrab Ghorbani Hesari                    | Senior Expert on Economics of Energy Affairs                                                      |
| • Dr. Mohammad Farhad Koleini               | Senior Expert in Strategic Affairs                                                                |
| • Dr. Ebrahim Motaghi                       | Professor at Tehran University (International Relations)                                          |
| • Dr. Reza Mousa Zadeh                      | Assistant Professor at Faculty of International Relational (International Relations)              |

**Reviewers of this issue of the Publication  
(in alphabetical order)**

|                                                  |                                   |                               |
|--------------------------------------------------|-----------------------------------|-------------------------------|
| Dr. Javad Barati                                 | Dr. Mohsen Shariatinia            | Dr. Zeinab Ghasemi tari       |
| Hassan Beheshti<br>Pour                          | Dr. Nozar Shafiee                 | Sohrab Ghorbani Hesari        |
| Mahmoud Torabi<br>Aghdam                         | Dr. Seyed Reza Sadr<br>Alhosseini | Dr. Ahmad Kazemi              |
| Dr. Amir<br>Mohammad Haji<br>Yousefi             | Dr. Siavash Salavatian            | Dr. Reza Musazadeh            |
| Dr. Tavakol Habib<br>Zadeh                       | Dr. Hassan Abedini                | Dr. Seyed Reza Mirtaher       |
| Dr. Hassan<br>Khojasteh<br>Bagherzadeh           | Dr. Abolfazl Olamayifar           | Dr. Mohammadgholi<br>Minavand |
| Dr. Hadi Dolatabadi                              | Mohammad Mehdi<br>Qaffari         | Dr. Vida Harmaz               |
| Dr. Mohammad<br>Hossein Ramazani<br>Ghavam Abadi | Dr. Hakim Ghasemi                 |                               |

In The Name of Allah



ISSN: 3825-2538

## Journal of International Media Research Letters

Volum 4, Number 1, winter 2020

Licence Holder: **IRIB World Service**  
Managing Director: **Dr. Peyman Jebelli**  
Deputy of Managing Director: **Dr. Ahmad Kazemi**  
Editor-in-Chief: **Dr. Mohammadgholi Minavand**  
Executive Manager: **Mahmoud Torabi Aghdam**  
Persian Editor: **Behnam Khosravi**  
English Editor: **Dr. Rahmat Hajimineh**  
Layout: **Seyed Mohammad Amin Mousavi**  
Coordination of Distribution: **Soheila Nemati**  
Publisher: **IRIB World Service Applied Researches Center**  
Litography, Print & Binding: **Ghashghayi**

Editorial Office

**IRIB World Service Applied Researches Center, Fifth Floor, IRIB office Building, in front of the Bilal Mosque, Vali Asr Ave, Tehran, Iran. P.C. 1999713113**

Tel: **22167153**

Websites: **<http://imrl.arc.irib.ir> and <http://arc.irib.ir>**